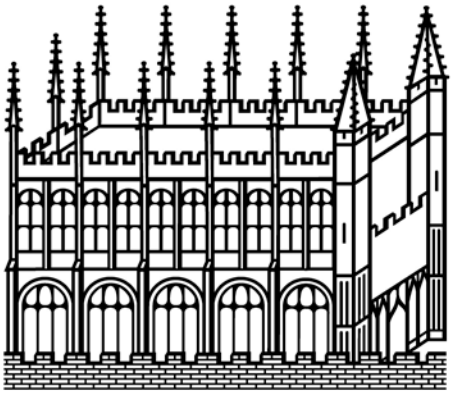


Bodleian Libraries

UNIVERSITY OF OXFORD

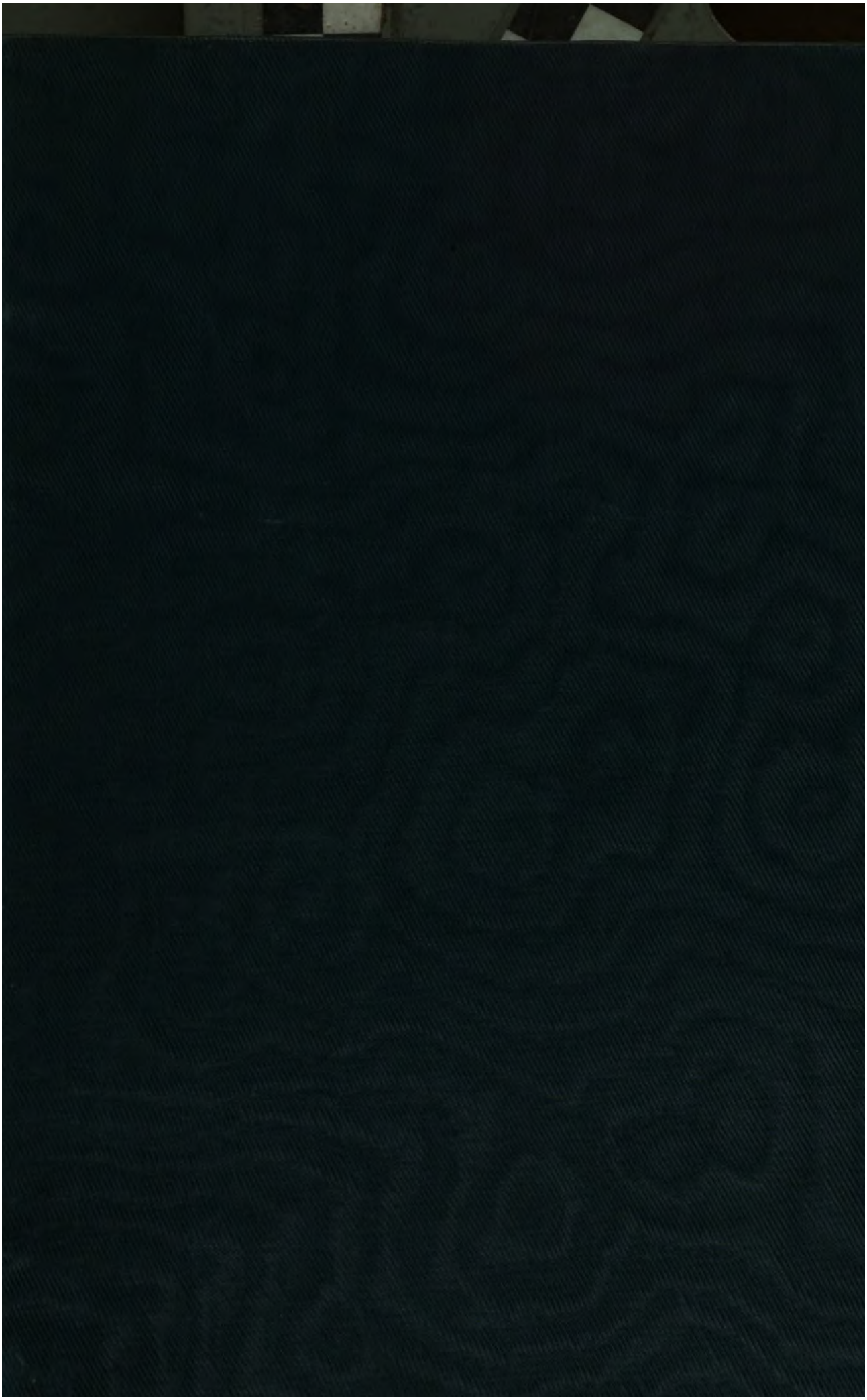
This book is part of the collection held by the Bodleian Libraries and scanned by Google, Inc. for the Google Books Library Project.

For more information see:

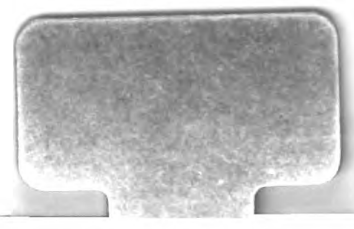
http://www.bodleian.ox.ac.uk/dbooks



This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial-ShareAlike 2.0 UK: England & Wales (CC BY-NC-SA 2.0) licence.









...میای عناصری ترجمہ فرہادین قادری ...	۴ر
...سیر القلوب ترجمہ مفرح القلوب ...	۱۲ر
...جالہ مسیحی ...	۱ر
...ع البحرین طب یونانی و ڈکٹری ...	۵ر
...لاج المعاشی	۴ر
طب فارسی	
...ب اکبر فارسی	۶ر
...جربات اکبری فارسی	۸ر
...لاج الابدان ...	۲ر
...ز الاسرار ...	۳ر
...رہادین قادری ...	۴ر
...فرح القلوب حکیم ارزانی ...	۵ر
...ج الحذاقت ...	
...جربات علویخان خلاصۃ التجارب ...	۶ر
...جربات بوعلی سینا تحفۃ العاشقین ...	۷ر
...کشیف الحکمت ...	۷ر

کفایہ منصوری مع رسالہ چوب چینی ...	۹ر
ضیاء الابصار ...	۶ر
مجربات رضائی ...	۲ر
دستور العلاج ...	۱۲ر
میزان الطب مع رسائل ...	۱۰ر
طب یوسفی ...	۶ر
ملخص فصول بقراطی ...	۶ر
مطب علویخان ...	۴ر
... طب عربی	
انوار الحواشی حاشیہ نفیسی ..	۵ر
کامل الصنائع ...	۴ر
نفیسی شرح موجز ...	۸ر
موجز ...	۶ر
فالوجہ مع رسالہ قرر ...	۶ر

خشک مقشر صندل سفید از هر یک پنج مثقال طباشیر سفید دو مثقال و نیم عنبر اشهب ۱ ابریشم مفرض ورق نقره از هر یک یک مثقال و یک دانگ و نیم ورق طلا یک مثقال نبات سفید یکصد و پنجاه مثقال شربت سبب شیرین عسل مصفی از هر یک بیست مثقال عرق بید مشک از هر یک پنجاه مثقال بدستور مرتب سازند فقط

خاتمة الطبع از خامۂ بلاغت ختامہ جالینوس زمان بوعلی دوران جناب حکیم سید صادق علیصاحب

ثنای بیحد و حمد لاتعد مران هو الله الاحد را سزید که بر لوح جمادات از اغصانات قلم بلاغت مشکون الاوضاع مختلف الطبائع آفریده و جمله حیوانات خصوصاً حضرات انسان را از ان نفع جلیله بخشیده و مستعلجان مکونات را به نوشدارو ی روح افزا معالج حقیقی رسالت و نبض شناسی حکیم حاذق نبوت محمد مصطفے سپرده بعد میگوید که درین جزو زمان نسخه سراسر منافع برای کل امراض جسمانی دافعه مسمی بعجالہ نافعہ که سرادویه این دو تاثیر حکم تریاق کبیر پر از منفعت کثیر دارد تالیف انیف حکیم کامل طبیب مکمل محمد اشرف خان خلف الصدق حاذق الملک محمد اکمل خان مرحوم بامر جلیل القدر مشهور نزدیک و دور صاحب همت دلیشعور جناب مستغنی الالقاب منشی نولکشور زاد احتشامهم در مطبع فیض نبع علاج بخش مریضان مستمند و علیلان حاجتمند گردید و باهتمام اهالی مطبع در ماه شوال سنه ۱۲۹۰ هجری مطابق ماه دسمبر سنه ۱۸۷۳ع بطبع خود آمد چنان بمداوای خرد آگاه رسیده که خریداران هوشمند صحت طلب بصد تمنای دل از اطراف و جوانب آواز طبش شنیده دست به بیع داده شافی مطلق مقبول گرداناد بمنه و کمال کرمه +

تمت

پنجدرم گل سرخ زربناد سہ درم سنبل سلیخہ خربوا قاقلہ از ہریک یکدرم پوست آملہ شش درم مجرا رمنی مغسول
یابدل آن حجر لاجورد یکدرم کندر دو درم تمام زعفران سہ درم مشک یکدرم در روغن عقربی
دو درم عنبر اشہب دو مثقال اسطوخودوس دو درم دارچینی چہار درم عسل سفید سہ وزن مجموع
ادویہ شربت یکدرم **یاقوتی** بارد موافق مزاج حار است وبہتر از دواء المسک بارد جہت
خفقان گرم وناقہین وتبدیل مزاج وتقویت اعضاء رئیسہ وصاف کردن خون وروح
کدورت نافع ص مغز تخم کدو شیرین تخم کاہو مقشر تخم ترلوز مغز تخم خیارین از ہریک دو مثقال
ونیم تخم خرفہ مقشر چہار درم مروارید ناسفتہ صندل سفید سنبل الطیب طباشیر سفید فوفل
صندل سرخ از ہریک یک مثقال لبسد کہربا سرطان محرق از ہریک دو مثقال ویکدانگ زمرد
سبز پنجدانگ ابریشم مقرض بہمن سرخ وسفید گل گاوزبان غنچہ گل سرخ شقاقل دانہ ہیل خرد از ہریک
از ہریک یک مثقال ونیم آملہ منقی پنجمثقال زعفران عنبر اشہب ورق طلا مشک از ہریک چہار دانگ
ورق نقرہ دو مثقال نبات سفید پنجاہ مثقال آب سیب شیرین آب امرود آب شیرین سرشت
فواکہ شیرین گلاب عسل سفید عرق صندل از ہریک ہشت مثقال بدستور مرتب سازند
راقم ہم باندک تغیر این را مرتب نموده بود نہایت مفید یافتہ **یاقوتی** حار منقول از میزان الطبائع
ص یاقوت رمانی دو درم مروارید ناسفتہ قرنفل زنجبیل فوفل سنبل الطیب از فلفل خربوا
جوز بوا قاقلہ کبار دارچینی شیطرج ہندی سافج ہندی لسان العصافیر در روغن بادرنجبویہ
گاوزبان بصطگی خولنجان فرنجمشک صندل زراوند مدحرج سلیخہ گل سرخ از ہریک دو
درم لبسابہ پوست اترج درم زعفران پوست ہلیلہ از ہریک یکدرم بہمن سرخ مشک خالص
عنبر اشہب از ہریک نیم دانگ عسل دو وزن ہمہ کہ صد وچہار درم وہشت دانگ
است معجون سازند شربت یک مثقال جملہ سی ودو جزو **یاقوتی** بارد مقوی
دل ومجموع اعضای رئیسہ ص یاقوت رمانی مروارید ناسفتہ کہربای شمعی از ہریک
یک مثقال وچہار دانگ مغز تخم کدو تخم خرفہ مقشر گل گاوزبان گل سرخ کشنیز

ورق نقره عنبر اشهب مشک هریک یکمثقال وربع آن شربت به یک سیر آب انار نیم آثار
عرق بید مشک وگلاب یک شیشه نبات سفید یکسیر عسل مصفی پنج سیر بدستور معجون سازند
یاقوتی قوی التفریح که با مراض سوداوی ومالیخولیا نفع تمام دارد ودل وجگر یاقوت دهد
ص مشک نیمدرم مروارید ناسفته مرجان کهربا فرنجمشک گاوزبان درونج لعل یاقوت
عقیق یمنی ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب زعفران کافور از هریک یکدرم صندلین طباشیر
زرنباد بادرنجبویه قرنفل سادج عود قماری ابریشم مقرض پوست ترنج هریک ده درم قند
سفید عسل هریک پنجاه درم چنانچه رسم است معجون سازند **یاقوتی** که بسیار قوی است
وبنابر شدت تفریح روحانی گویند که جهت مالیخولیا وامراض سوداوی نفع تمام دارد و
دل وجگر یاقوت ده ص مروارید ناسفته مرجان کهربا فرنجمشک هریک یکدرم صندلین
طباشیر سفید زرنباد بادرنجبویه قرنفل سافج عود ابریشم مقرض پوست ترنج هریکده درم
گاوزبان درونج عنبر لعل یاقوت عقیق یمنی ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب زعفران
کافور هریک یکدرم مشک نیمدرم قند سفید وعسل هریک پنجاه درم حلی الرسم مرتب سازند
یاقوتی بارد بنسخه حکیم حلوبجان ص یاقوت رمانی مروارید ناسفته کهربا شمعی ورق نقره
از هریک یک ماشه لعل بدخشی زمرد سبز عنبر اشهب از هریک چهار ماشه طباشیر سفید صندل سفید
کشنیز خشک مقشر هریک یکتولچه آله منقی دوتولچه ورق طلا سه ماشه نبات سفید نیم آثار
آب انار شیرین باد آثار عسل مصفی پنجتولچه بدستور مرتب سازند **یاقوتی** از حکیم محمد رضا ص
یاقوت رمانی یکمثقال مروارید ناسفته کهربا شمعی بسبدگل ارمنی طباشیر سفید گل گاوزبان از
هریک دو مثقال ورق نقره نیم مثقال تخم خرفه پنجمثقال شربت فواکه پنج برابر ادویه قند برابر مجموع
بطریق مقرر مرتب سازند **یاقوتی** حار از قلانسی این مفرح عجیب التالیف وشریف
التراکیب ست ص یاقوت رمانی یکدرم مروارید ناسفته هشت درم کهربا شمعی شش درم
گاوزبان گیلانی ده درم بادرنجبویه هفت درم سافج هندی چهار درم تخم بادرنجبویه

چهار تولہ دوالہ عود ہندی ہر یک نیم تولہ دانہ الایچی خورد و کلان از ہر یک سہ تولہ دارچینی
ابریشم مقرض ہر یکدو تولہ سنبل الطیب نیم تولہ پوست ترنج سہ تولہ عنبر اشہب پنجاہ شہ مشک
خالص زعفران تخم فرنجمشک رونج عقربی بوزیدان مصطگی ہلیلہ زرد آملہ از ہر یک شش ماشہ
فرنفل عنب الثعلب ورق نقرہ ہر یک تولہ نبات عسل از ہر واحد سہ رطل آب سیب آب
ہر یک یک رطل گلاب بید مشک ہر یکدو رطل ورق طلا شش ماشہ بطریق متعارف معجون
سازند یاقوتی شیخ الرئیس نافع از برای جنون و وسواس و جمیع امراض سوداوی و
مقوی دماغ و قلب است ص یاقوت رمانی گل گاوزبان تخم کاسنی مشک خالص کافور
قیصوری از ہر یک یکمثقال مروارید بزرگ کہربای شمعی از ہر یک یکمثقال و نیم ابریشم مقرض طلای
محرق از ہر یک یکمثقال دو دو دانگ ذہب مکلس نیم مثقال تخم فرنجمشک تخم بادروج اسطوخودوس
از ہر یک سہ مثقال بہمن سفید عود خام حجر ارمنی لاجورد سلیخہ دارچینی زعفران ہیل بواقاقلہ
کبار جدوار خطائی از ہر یک یکمثقال افتیمون دو مثقال و نیم درونج عقربی سنبل الطیب
ترنجبین عنبر اشہب از ہر یکدو درم مغز تخم خیارگل سرخ از ہر یک چہار مثقال گلاب یکصد مثقال
شراب حامض شراب سیب شراب انار شیرین از ہر یک سی مثقال عسل بقدر حاجت مرتب سازند
و در ظرف چینی یا طلا یا نقره نگاه دارند و بعد از چہل روز که از ساختن آن گذشته باشد استعمال
نمایند شربت یکدرم تا یکمثقال با عرق گاوزبان و تخم بادروج و گلاب یاقوتی معمول جد امجد
که اخراج فضلات محترقه و دفع مالیخولیا رمرانی و رطوبات کدره سوداوی از نواحی دماغ و دل
کند و تقویت اعضای رئیسه و انفاس حرارت غریزی و تقویت باه و ازالهٔ توحش دل کند
ص یاقوت رمانی لعل شفاف از ہر یک دو نیم مثقال بسد محرق مروارید ناسفته کہربا گاوزبان
گیلانی مصطگی رومی تخم خرفه تخم فرنجمشک تخم خیار تخم کاہو مغز تخم کدو از ہر یک سہ و نیم مثقال
صندل سفید تخم کاسنی ہر یک پنجمثقال لاجورد مغسول تخم بادرنجبویه قرفه طباشیر مشک
قاقله سنبل الطیب سافج از ہر یک یک و نیم و ربع یکمثقال ریوند چینی دو مثقال ورق طلا

و در فیروزه و دهنه فرنگی بعضی نوشته اند که سمیت است اگرچه این قول قریب بصواب نیست لیکن
از چیز مشتبه احتراز اولی است و بعضی ادویه مصلحه منع تاثیر میکنند مثل کثیرا که مصلح لبسد است در
اصرار کرده و در ورد زدجتی هست بظاهر دوا ملتصق میشود و مانع تاثیر میگردد و پس آنها را داخل
نه نمایند و از مثل پیاز و گندنا و خردل نیز احتراز کنند و باید دانست که شیخ و دیگر اساتذه مقدار یاقوت
کم در یاقوتی ها داخل کرده اند و مبالغه در سحق آن فرموده اند و این از برای آنست که مزاج یاقوت
و سق برد محکم اثر مزاج سائر جواهرات است پس اگر سحق بسیار خواهند یافت مقدار کم خواهد
بود طبیعت اقبال بیشتر خواهد نمود و بآسانی مفهم خواهد گردید از نجا است که سحق یاقوت برای
اشقیار در خمر و بهت انقیار در گلاب میکنند و دیگر لیوافیت در و یافت مزاج کسر از یاقوت احمر
اند پس در این صورت اولی آنست که یاقوت همراه دیگر جواهر صلایه کرده نشود و اگر برای
سهولت صلایه زیره های یاقوت را در کفچه آهن سرخ کرده در گلاب یا آب انداز ند تا مفتت شود
اولی است و بعضی نوشته اند که ترکیب یاقوتی ترکیب جدید است و این خلاف واقع است
زیرا که کتابیکه ارسطو برای اسکندر نوشته است در آن یاقوتی آورده و حکیم عماد الدین آنرا نوشته است و چون مقصود از
ترکیب یاقوتی تقویت دل و امارهٔ روح است ادویه مغلظ و مضعفه روح داخل نباید کرد و محذورات قاطبه مغلظ و مضعف
اند و انچه از شیخ منقول که افیون در مفرح یاقوتی آورده است مقصود شیخ حفظ قوت دوا است
و با وجود آن چند بیدستر که مصلح اوست نیز داخل کرده است و بزر البنج نیاورده با وجود آنکه
کم ترکیب از مقدار خواهد بود که در و افیون باشد و بزر البنج نباشد و باید که یاقوتی از روغن و
لبوب عاری باشد نا از تعفن که منافی عرض است دور باشد مگر خواهند که زود استعمال
نمایند یا قوام بلند گیرند یاقوتی معمول اکمل المحققین و افضل المدققین علامی فهامی الله
ماجد مرحوم برای جمیع اقسام بالنخولیا بنظیر و نیز در بعضی امزجه تقویت باه بمرتبه میکند که شرح
ان نتوان داد ص یاقوت مروارید کهربا بسد لاجورد طباشیر سافج هندی از هر یک تولچه
گل سرخ گاوزبان گیلانی بهمن سرخ و سفید تودری کشنیز خشک صندلین از هر واحد

بیست من آب داخل کنند و بجوشانند تا نصف رسد بعد ازان درمی که در گل گرفته باشند ریزند
و قدری مشک خالص و جوز بوا و قرنفل قرفه دارچینی زنجبیل سنبل هندی برگ نارنج قاقله
زعفران نیمکوفته دران ریزند و دو روز بر هم زنند و بعد ازان بگذارند تا ده و اکثر یا نزده روز باشد
و صاف کنند و درخم چینی نگاهدارند و اگر خواسته باشند بعد از ده روز پیش از صاف کردن عرق بگشند
درین صورت در سکنجبین قوی خواهد بود و در تقویت باه اضعف ناطف فارسی حلوای معمای
ناطف مسهل ص بگیرند ترنجبین و گداخته بقوام آورده نیم من سفموتیا مشوی یک مثقال در
پاتیله با آتش ملایم ناطف کنند و سفیده بیضه مرغ را افگنند چنانچه رسم است شربت مقدار یک
اوقیه اگر شیرین خواهند ترنجبین بگلاب و آب گذارند و اگر ترش خواهند بآب غوره حرف
الواو وجور نافع در حال صرع ص حلتیت جندبیدستر و سکنجبین عنصلی سائیده وجور نمایند
وجور که چون در دهن مصروع ریزند بهوش آرد ص رازیانه انیسون زیره کرمانی جوشانیده
صافی نموده گلقند دران حل کرده وجور سازند این دو نسخه از قرابادین عم مرحوم است وجور
هندی جهت سرفه بلغمی از مجموعه ص انیس نج هر یک چهار ماشه بهارنگی کاکراسینگی مویهه
پیپا بانسه پلپل مغز دارکه هر یک نیم تولچه کوفته بیخته بعسل آمیخته از دو سرخ تا دو ماشه بقدر سن
و توانائی طفل با شیر دایه یا آب گرم بدهند وجور که جمیع اقسام سرفه خصوص سرفه اطفال را
مجرب است ص پوکهر معول کاکراسینگی پیپل پوست بیخ جوانسه کوفته بیخته با شهد آمیخته بقدر قوت
و سن بدهند وجور که جهت صرع اطفال نافعست ص صعتر چند ریزه کرمانی مساوی کوفته
بیخته سه جوازان در شیر حل کرده در گلوی طفل ریزند وجور از زاقم جهت اکثر اقسام غشی
ص مشک یا عنبر قدری با گلاب یا بید مشک سائیده در غشی که بعد بیضه بسبب صعود
ابخره بطرف دل و دماغ بهم رسد استعمال نمایند قایم مقام تریاق فاروق خواهد بود باب الیاء
یاقوتی باید دانست که مستعدان حصات گلوی دشانوی را از حجریات احراز اولی است
و اگر بواسطه ضعیفی احتیاج افتد مغز تخم خیارین و حجر الیهود و امثال آن داخل یاقوتی نمایند

منقی دانه بیرون کرده سی عدد کوفته بیخته در هفت رطل آب بجوشانند وقتیکه یک رطل بماند
صاف نموده ایارج فیقرا بیست درم انداخته در ظرف شیشه گذاشته در آفتاب بدارند سه روز
تا ده روز شربت ده درم با سه درم روغن بید انجیر نقوع زرشک حرارت جگر بنشاند
ومعده وجگر را قوت دهد ص زرشک منقی یک رطل تخم کشوث تخم کاسنی هر یک یک کف ریوند
سه درم انچه کوفتنی است بیکوب کرده جمله را در ظرفی نهند وآب انقدر ریزند که دو انگشت
مضموم بالا بایستد ودر آفتاب گذارند ودر سرما سه روز ودر سرما چهار روز وبقدر حاجت بکار
برند نقوع معمول اکمل المتقدمین وافضل المتقشفین الدماجد بجهت سدهٔ ماسار یقا ویرقان که با حرارت باشد
ص اب عنب الثعلب سبز آب کاسنی آب شاهتره سبز گلاب همه آب ها یا هر چه بهتر سد وقت
نموده با شربت دینار استعمال نمایند در روز مسهل در این آب ها مغز فاوس خیارشنبر تخمین خشت
اضافه نموده بکار برند نقوع که یرقان اسود را سود مند بود ص طباشیر پنجدرم گل سرخ
ده درم زبیب بیخ اسارهه را در آب گرم بخیسانند یک شبانروز پس هر روز چهار اوقیه علی الصباح
تا یکهفته بخورند نقوع بلیله از مجربات اطباء هند برای قروح کلیه ص پوست بلیله زرد پوست
بلیله آمله منقی کشنیز خشک از یانه هر یک پنجدرم برنج کابلی مقشر دو درم ونیم مجموع را نیمکوفته
در پیاله آب صافی گرم بخیسانند تمام شب در زیر هوا وصبح صاف کرده بنوشند وباید که پنجروز
متوالی باین نقوع مداومت کنند واگر مرض بسیار قوی باشد هفت روز بعون الله شفا
حاصل آید نقوع که حیض فرود آرد ص نیلوفر اسفید اهل هر یک یکدرم ونیم دو فوه مشکطرا
هر یکدو درم انیسون تخم را زیانه هر یک سه درم سنبل الطیب اشتین هر یک چهار درم تخم خربوزه نیمکوفته
هفتدرم همه ادویه را کوفته در شیشه کنند ویک ونیم من آب بر آن ریزند وسه روز در آفتاب نهند وشب در خانه گرم
پس هر بامداد وچاراوقیه با یکدرم روغن بادام شیرین بنوشند واگر بجوشانند تا نیم من باز آید
صواب باشد نقوع تخم منی بیفزاید وباه را قوت دهد ومسمن بدن بود وغذا بسیار دهد
وبدن را گرم کند وبهتر ازان آن است که از رطب سازند ص بگیرند دو من رطب تمر

فلفطا سوخته فلفدیس زاخ شاخ گاو گاهی دوغ سوخته مغسول مازو سنبر مطفی در خل خمر کافور
کاغذ سوخته باریک ساخته در بینی دمند نفوخ که گندبینی به برد ص سکنج اج قرنفل مساوی
کوفته بیخته در نی انداخته در بینی دمند نفوخ که جس رعاف کند ص قرطاس سوخته صدد
هر یک یکجز و فلفطا نیم جز و بسیار باریک ساخته در بینی دمند نفوخ جهت رعاف منقول
از بیاض عم مرحوم ص مازو نیم سوخته کشنیز غبار آسیا کند رخون سیاوشان صبر شب بمانی نرم
کوفته در بینی دمند ران و خصیتین به بندند نفوخ که سقوط الهات را نافعست ص رالک
نوشادر هر دو را سحق کرده در انبوبه نموده بدمند که بلهات برسد نفوخ که علق متعلق حلق را
ساقط کند ص شونیز خردل کوفته بیخته در حلق بدمند نفوخ که رشح دم که از علق بهم رسد قطع
کند ص گلنار نشاسته دم الاخوین سائیده بدمند نفوخ برای سقوط الهات ص مازو
سنبر گل سرخ گلنار عدس سماق ثمرهٔ طرفا پودینه شکر طبرزد از هر یک یکجز و عاقرقرحا قاقله کبار
طبار شیراز هر یک نصف جز و زعفران ربع جز و کوفته بیخته نفوخ در حلق نمایند نفوخ برای
اندمال جراحت بعد انفجار ورم و تنقیه آن بکار برند ص شادنج مغسول گل ارمنی مازو محرق
سرطان محرق نشاسته گلنار زرورد بسد محرق فرخ محرق شب بمانی قرطاس محرق کوفته بیخته در حلق
دمند نفوع صبر صداع حار را نافع بود ص آب کاسنی هشتاد مثقال صبر سقوطری چهار
دانگ در ان حل کنند و سه روز در آفتاب نهند و شب در جای گرم روز سوم بیالایند و
بنوشند نقوع که صداع سوداوی را نافع بود ص افسنتین ده درم اسارون پنجدرم قرطم لوزین
مصطگی از هر یک سه درم صبر سقوطری شش درم ادویه بنیکوفته در سه رطل آب بجوشانند و سه روز
در آفتاب نهند و در چارم صاف کنند شربت چهلدرم بابکدرم روغن بادام شیرین نفوع
نافع برای صداع مزمن از بابه بیمی ص بیخ کرفس بیخ بادیان بیخ اذخر از هر یکده درم
فودنه جبلی زراوند مدحرج شکاعی بادآورد افتیمون از هر یک پنجدرم هلیله کابلی هفت درم
سنبل سلیخه ناخواه قصب الذریره از هر یکدو درم غاریقون اسطوخودس از هر یکده درم

انیسون تخم کشوث تبرزکتان از هریک دو تولہ پوست خربوزہ سبوس گندم ہریک چہار درم
تخم ملیون تولہ در بیست آثار آب بجوشانند ہرگاہ نصف بماند نطول نمایند و دران نشینند نطول
کہ بجہت ورم بارد و تصبب و التہاب ہرگاہ مادہ غلیظ باشد بکار آید ص لعناع مرزنجوش عنب الثعلب
در آب بپزند و آب را آہستہ آہستہ نطول نمایند و دران باقدری زیرہ گاو عسل سحق کنند کہ مثل
مرہم شود بکار برند نفوخ معمول و مجرب برای صداع بارد و نزول و دیگر امراض مزمنہ چشم
ص گندم سفید را در شیر آکندہ بجویانند کہ شیر دو انگشت بالای آن باشد پس در سایہ خشک نمایند
قدری نفوخ کنند نفوخ منقول از خط وحید الدہر فرید العصر والدماجد برای صداع بارد و شقیقہ
سفید ص تنباکو مورتی تیم پاو جوز بوا دو تولہ قرنفل سہ عدد زنجبیل سہ ماشہ الائچی خورد چہار
عدد زعفران چہار ماشہ دارچینی سہ ماشہ فلفل دکنی دو ماشہ نمک لاہوری سہ ماشہ صندل
سفید سہ ماشہ کوفتہ بیختہ مثل سرمہ نمایند و نصف ادویہ بگلاب ممزوج نمودہ بعد ازان ہمہ
ادویہ یکجا کردہ در ظرف شیشہ نگاہدارند و صبح و شام بقدر یک ماشہ استعمال نمایند نفوخ کہ صداع
سانافعست ص شحم حنظل قنار الحمار نوشادر شونیز کندش فلفل اسطوخودوس سائیدہ بقدر
حاجت در بینی دمند نفوخ کہ سکتہ را سود دہد و عطسہ آرد ص جندبیدستر فلفل کندش
سداب جملہ برابر کوفتہ بیختہ اندر بینی دمند و ہمہ تن بروغن ناردین کہ در وی فرفیون
حل نمودہ باشند چرب نمایند نفوخ کہ مفلوج را سود دہد و عطسہ آرد ص کندش فلفل
عاقرقرحا زنجبیل بورہ ارمنی نوسادر نطرون صبر دارچینی مشک جند خریق سفید مرزنجوش
جملہ برابر کوفتہ و بیختہ در بینی دمند و اگر بآب مرزنجوش بجکانند نیز رواست نفوخ کہ رعشہ بینی
کہنہ را سود دہد ص ماندو سوختہ یکدرم شب یمانی مر ہریک دو درم زرنیخ سرخ چہار درم کوفتہ
بیختہ قدری در بینی دمند بعد از آنکہ بینی را خوب شستہ و پاک کردہ باشند نفوخ کہ گوشت
فرونی از بینی ببرد ص پوست انار ترش چہار درم فلفل پیس سہ درم زرنیخ زرد خریق سیاہ
فلفل ہر یکدو درم کوفتہ بیختہ بکار برند نفوخ کہ رعاف شدید را بند کند ص شب یمانی

شیر گاو شیر دختران شیر بز از هریک نیم سیر شیر خر یک اوقیه اضافه نموده در آفتابه کرده نیمگرم بر سد
نطول کنند پس روغن کدو و روغن بنفشه و مادام شیر دختران در هم مخلوط کرده بر پیشانی او
بمالند و سر را درین دو اغرق دارند نطول نافع برای انبسرس ص بابونه اکلیل الملک
تمام مرزنجوش شبت ریحان قیصوم پودینه در آب بخته تنطیل نمایند نطول نافع برای مالیخولیای
مراقی هرگاه که در مراق ریاح بارده دنافخ باشد ص آنتبن رومی شبت پودینه بری ریزه کرفس
انیسون تخم کرفس صعتر فارسی بابونه برگ نمام اکلیل الملک برگ تنج در آب بجوشانند و در وقت
خلاء معده از طعام نطول نمایند و بپرکنند این مطبوخ را در مثانه گاوی و کماد کنند گرم گرم بمعده
وقت خلو معده و گاهی زیاده کرده میشود درین مطبوخ کندر دارچینی زرنباد و جزآن نطول
اصحاب مالیخولیا را این نطول کردن بمقدار که ممکن باشد بسیار نافع باشد منقول از ذخیره
ص گل بنفشه گل نیلوفر خطمی برگ بید کاهو تازه عنب الثعلب تراشه کدو شاهسفرم برگ گل
گل سرخ بابونه اجزا مساوی در آب بخته بر سر نطول نمایند نطول ورم ثدی که از بستن شیر
بهم رسیده باشند تحلیل نمایند ص بابونه شبت نمام حلبه قیصوم چند بید بستر آب بخته بر سینه و
پستان ریزند و اگر ضرورت باشد دیگر ادویه مناسبه بیفزایند نطول که سنگ کرده و مثانه
را پاره پاره کند و بیرون آرد ص اکلیل الملک بابونه گل سرخ خشک هریکده درم پوست
خربوزه خشک پرسیاوشان تخم قلت نیکوفته هریک هفتدرم بنفشه سه درم دو قو برگ نیلوفر
سه درم یکدو مثقال در ده من آب بجوشانند تا به نیم آید نطول کنند و دران نشینند و چون بیرون
آیند دو سه قطره روغن در احلیل چکانند نطول که سده بینی بگشاید ص لادن چوب
بجوشانند و سر به بخار آن فرود آرند و یا سبوس گندم در سرکه جوشانیده سر به بخار آن دارند
نطول سنگ گرده و مثانه و وجع آنها را زائل کند از اختراع والد ماجد ص بید انجر
پرسیاوشان خارخسک نیکوفته گل بابونه بنفشه اکلیل الملک گل خطمی تخم کرفس حب القلت
حلبه عنب الثعلب مرزنجوش پوست بیخ رازیانه کاکنج برنجاسف برگ سداب گل سرخ

تخم خربوزه تخم جیر تخم شلغم تخم اسپیست خشخاش سفید مرخسکدانه تخم تره تیزک دارچینی از هر یکدو درم مرنفل
سنبل کبابه اسارون بسباسه سعد کوفی دارفلفل قرفه الطیب جوزبوا مشک عود خام عنبر اشهب
زعفران مشک خالص زنجبیل بوزیدان قسط شیرین مغز حب الزلم از هر یک یکدرم سره شقمقور چهار درم
مغز ناجیل مغز بادام شیرین مغز پسته مغز چلغوزه کنجد منقشر مغز حب القطن از هر یک پنجدرم عسل مصفی
سه دون ادویه بدستور معجون سازند **باب النون نطول** بالفتح ابوالفرج میگوید که نطول
درشتی غلیظ استعمال میکنند بخلاف سکوب بعضی دیگر گویند که در نطول ریختن اندک اندک آب
از فاصله بعید و بلا تدریج با قوای ادویه بوجه احسن نفوذ کند و اختیار با فوخ در اطلیه و نطول نیز
از انست که این جای نرم است و اکثر در روز در اینجا هستند و بواسطه این که تاثیر دوا زیاده
خواهد شد **نطول** نافع جهت صداع حار و تشنج یابس و جنون و سرسام ص بنفشه تخم کدو
کوفته تخم کنان تخم خشخاش و بیکو تخم خطمی تخم کاهو گل سرخ برگ بید جو بیکوفته در آب بجنبه بنطیل
نمایند **نطول** که نافع صداع بارد است ص سوسن بابونه اکلیل الملک با در بجنبه سانج
هندی کشک جو قرنفل نیلوفر هندی هر یک جزوی در بیخ آثار آب بخته نطول نمایند
نطول که صداع سوداوی را سود دارد گل بنفشه نیلوفر اکلیل الملک بابونه سوسن کشک
جو سانج هندی قرنفل جوشانیده سر بخار آن بدارند و تنطیل نمایند **نطول** نافع از برای
صداع خماری ص گلاب و قدری سرکه انگوری در آب سرد داخل کرده بر سر نطول نمایند
نطول از این الباس نافع از برای سرسام سوداوی ص سر بنفشه بابونه شاهسفرم
شلث گل نرگس در آب شیرین بپزند پس داخل نمایند دران روغن کنجد بار و غن بادام
شیرین و شیر و خران بیکدم بر سر نطول نمایند و چند مرتبه تکرار این عمل کنند **نطول** برای
سرسام حار ص بگیرند مغز سر بز غاله و بعنوان حنا شب بر سر و پیشانی صاحب سرسام حار
خضاب نمایند پس آنرا دور کرده تخم کاهو با بونه پوست بیخ لفاح بزر قطونا پوست خشخاش نیلوفر
اکلیل الملک سر بنفشه جزادهٔ کدو برگ خطمی گل نیلوفر اشنق منقشر جو منقشر بیکوفته صافی نموده

پنجمثقال بیخ نفاح بزرالبنج شوکران از هریکدو مثقال نیکوفته از شیر گاو تازه سه روز یکمن تبریز
داخل کرده خوب بجوشانند تاقوت دو اها باز آید پس شیر را ماست کرده او را تمام بگیرند واگر خواسته باشند
که در آوردن تفریح ونشاط اقوی باشد پانزده مثقال ورق القنب با ادویه مذکوره در شیر داخل
کنند پس آن مسکه را نگاهدارند جوز بوا پنج عدد سوراخ کرده پنج دانگ افیون را فتیله کرده در
هر جوز یک فتیله ازان که بوزن یکدانگ باشد بگذارند وجوزها را انجمیر گرفته در روغن گاو تازه
بریان نمایند آنکه خمیر قریب بسیاهی رسد پس خمیر را از جوزها دور کنند وهر پنج جوز را با افیون که
در سوراخ آنها گذاشته اند داخل شقاقل خسک مربی بهمن سرخ وسفید قرنفل کبابه چینی بسباسه
سورنجان لسان العصافیر زعفران حب القلقل خشخاش سفید از هریک یکمثقال زنجبیل
دارونج عقربی از هریک نیم مثقال مایه شتر اعرابی چهار دانگ خصیة الثعلب سه مثقال مغز تخم خیار
تخم خربوزه از هریک پنجمثقال مغز بادام شیرین مغز فندق مغز نارجیل مغز جلغوزه مغز حب الخضرا
مغز حب السمنه مغز انجلک مغز گردگان از هریکدو مثقال نخود سفید که در آب وشیر سه مرتبه تر کرده
باشند وخشک نموده باشند وبریان ساخته پنجمثقال مجموعه را کوفته بیخته بمسکه مذکور چرب نموده
عسل مصفی نبات سفید بالمناصفه سه وزن ادویه بقوام آورده ادویه را البر شند ونیم مثقال
مشک خالص پنجاه عدد ورق طلا وورق نقره داخل کنند ودر ظرف چینی یا زجاجی نگاهدارند
وقوت این معجون تا شش ماه باقی است وبعد ازان قوتش باطل میگردد وبعد از خوردن این
پیاله شیر گاو تازه که دران پنجمثقال عسل زنجبیل مربی حل کرده باشند بنوشند مقدار شربت از یکدرم تا یکمثقال
واگر ورق القنب داخل کرده باشند این مقدار کمتر خورند معجون که قوت باه زیاده میکند و
نعوظ می آورد ومنی بیفزاید وگرده ومثانه پاک سازد ودل وجگر را قوت دهد ودافع ضرر جماع و
کدورت حواس است وذهن را صاف نماید ولذتی عجیب در مباشرت پیدا کند خص شقاقل
خولنجان خصیة الثعلب بهمن سرخ وسفید وج ترکی نوری زرد وگلگون لسان العصافیر تخم
بلیون خشک مربی از هریک سه درم حب لبان حب بلسان فلفل سفید تخم جرز تخم خیارین

تخم بادرنجبویہ سانڈج ہندی پوست بیرون پستہ پوست زرداوج از ہریکدو مثقال ونیم عصارہ
زرشک دہ مثقال ادویہ کوفتہ بنجینہ آب سیب پنجاہ مثقال آب بہ شصت مثقال آب
اترج سی مثقال رب سیب پانزدہ مثقال نبات سفید بقدر حاجت آبہا ونبات را
بقوام آوردہ ادویہ رابآن لبرشند واگر خواہند مفرح رانوشداروی لولوی نمایند آملہ بیست و
پنج مثقال داخل کنند مفرح تالیف حکیم نظام الدین علی جہت ضعف جگر وسوء القنیہ و
ضعف معدہ وضیق النفس از بقای است ص زعفران دومثقال مروارید یاقوت لعل
بدخشی کہربا مرجان ابریشم زرشک ہیدانہ انار دانہ بریان زوفا از ہریک یکمثقال گاوزبان
نفع بادرنجبویہ رب لسوس نارمشک پوست بیرون پستہ پوست تربنج سانڈج ہندی عودخام
قلنجمشک حب بلسان تخم کاشم سعد عودبلسان مصطگی صندلین طباشیر طین مختوم آملہ ریوند چینی
انیسون دارچینی لک منقی افسنتین اسطوخودوس تخم کرفس گل سرخ زرنباد تخم کشوث دروج
عقربی بہمنین خصیۃ الثعلب سنبل الطیب قصب الزیرہ کماقیطوس قسط تلخ عصارہ غافث
قفاح اذخر نارد ین افتیمون مرزنجوش حاشا مشک طرامشیع ورق نقرہ عنبر اشہب مشک
خالص ہریک نیم مثقال باسہ چند قند سفید لبرشند شربت یکمثقال غذا آب نخود معجون
از مخترعات متاخرین ست در تہیج باہ مجرب دور تفریح قلب وتقویت معدہ بنظیر ص مشک
خالص یکمثقال ورق طلا ورق نقرہ یاقوت رمانی لعل بدخشی مروارید ناسفتہ کہربا ہریکدو
مثقال عنبر اشہب گل ارمنی ہریک سہ مثقال بہمن ہردو درونج عقربی بادرنجبویہ گاوزبان
گل سرخ صندلین طباشیر کبابہ قرنفل زرنب دارچینی ورق شاہسفرم تودریین مرزنجوش
سبز سانڈج بستان افروز عودخام سعد کوفی سنبل الطیب زعفران مصطگی رومی حب لاس
ہریک پنجمثقال خشخاش سفید ہریکیدہ مثقال شربت فواکہ جزو اعظم ہریک نصف ادویہ
عسل بقوام سہ چند ادویہ بطریق متعارف معجون سازند معجون تالیف علویخان بجہت
تقویت باہ بنظیر ودفع سرعت انزال کند ونشاط آورد وتفریح تمام بخشد ص بیخ موثہ

سازند خوراک از یکدرم تا یکمثقال مفرح از حکیم محمد رضا دافع خفقان و نافع ضعف دل و معدہ و دماغ ص سعد زرورد قرنفل سنبل الطیب مصطگی اسارون زرنب زعفران از ہریک سہ مثقال لبیاسہ قافلہ کبار و صغار جوزبوا از ہریک یک و نیم مثقال عود خام چہار و نیم مثقال عسل مصفی ہفتاد مثقال علی الرسم بسرشند خوراک نیم مثقال با عرق گاوزبان از شربت سیب مفرح از حکیم علی مقوی اعضاء رئیسہ و شریفہ و مصفی لون و دافع مالیخولیا بسیار و حافظ سایر سوداویہ حال بہتر از نوشدارو و افضل از نوشتہ ص بادرنجبویہ قشور ترنج قمور ترنج قرنفل قرفہ زعفران مصطگی جوزبوا قافلہ کبار نار مشک سک بہمنین زرنباد بادروج درونج عقربی فوتنج خشک از ہریک پنجدرم مشک نیمدرم با عسل مربی آملہ و عسل ہلیلہ بسرشند مفرح منقول از قرابادین معصومی ص ورق گل سرخ طباشیر سفیدگاوزبان از ہریک دو درم مغز تخم خیارین خرفہ مقشر از ہریک چہار درم زرشک بیدانہ کہربا مرجان از ہریک یکدرم مشک دو دانگ قند سفید دو وزن ادویہ چنانچہ رسم است معجون سازند خوراک از یکدرم تا یکمثقال مفرح از حکیم مہدی اردستانی ص تخم کاہو تخم خربوزہ مقشر مغز تخم کدوی شیرین مغز تخم خیارین زرشک بیدانہ از ہریک یکمثقال تخم حماض فلفل سفید و سرخ و کشنیز خشک از ہریک دو مثقال طباشیر تخم کاسنی از ہریک یکمثقال دو دانگ کوفتہ بیختہ با شربت سیب شیرین بقدر معجون ساختہ بسرشند شربت یکمثقال مفرح کہ مرزا محمد رضا موسوی قلمی نمودہ کہ یکدرم از برای خود ساختہ و از برای اعزہ نیز کمال تقویت دارد ص مروارید ناسفتہ گل گاوزبان از ہریک پنجمثقال کہربای شمعی بشب سبز آملہ منقی خصیۃ الثعلب از ہریک چہار مثقال یاقوت سرخ عنبر اشہب بہمنین صندل سرخ و سفید کشنیز خشک مقشر گل سرخ گل مختوم تخم قرطباشیر سفید تخم خرفہ از ہریک سہ مثقال درونج عقربی ورق طلا ورق کبابہ چینی تودرین زرد سرخ از ہریک یکمثقال و نیم ورق نقرہ پوست ہلیلہ کابلی عود قماری خام زعفران مصطگی رومی از ہریک دو مثقال درونج عقربی یکمثقال و نیم زرنباد دارچینی از ہریک یکمثقال

وتوحش و اکثر امراض مزمنه که بهیچ تدبیر انتفاع نمیافت باین دوا منتفع شده واندر علل
دماغ معده وجگر وسپرز وقولنج واوجاع مفاصل وحمیات عنیفه نفع کثیر ازوی مشهور شده
ص ریزهای یاقوت که سرخ باشد یکمثقال حجر لشب عقیق هریک یکدرم ورق طلا دو
غار یقون فلفل زنجبیل قرنفل مرزنجوش هریک یکدرم ونیم مثقال ویک نیم دانگ حجر ارمنی حجر
لاجورد ملح لقطی زرنباد حاج درونج بهمن گاوزبان هریک مثقال ویکدانگ نارمین اهلیلج
حماما وج سافرج هندی دارچینی صعتر حاشا زوفا کمون سه ربع از مثقال مشکطراشیع فطراسالیون
حجر الیهود بلیون تخم کرفس مرکند زعفران فلفل سفید هریک نیم مثقال ونیم دانگ بداند که
جواهر را بسیار صلایه کنند وزرونقره را نیز درجواهر انداخته باشراب صلایه بلیغ نمایند ودیگر ادویه را
باریک ساخته جمله را بعسل بلیله یعنی که بلیله را دران مربی کرده باشند بسرشند هذا خلاصه ذکر
فی القانون مفرح مائل بگرمی معده ودل وجگر را قوت دهد وخفقان وغشی وتوحش از ائل
کند ونشاط وفرح آورد وشکم ببندد ص ابریشم خام پنجاه درم در آبی که طلا تاب ونقره تاب نموده
باشند بعد یکشبانه روز بجوشانند وبمالند وصاف کنند پس بگیرند گاوزبان گیلانی فرنجمشک
ورق گل سرخ سنبل الطیب اشنه هریک دودرم مجموع را در گلاب خیسانیده بجوشانند وبمالند
وصاف نموده داخل ابریشم کنند وباقند سفید دوچند مجموعه بقوام آورند ومروارید ناسفته
وکهربا جر لشب از هریک دودرم صندل سه درم در گلاب سوده وطباشیر دو مثقال سائیده
مع یکدرم عنبر اشهب ونیمدرم مشک داخل نموده خوب باهم آمیخته در ظرف شیشه بردارند
خوراک دو مثقال با گلاب وبید مشک مفرح که نهایت تجربه بارها بتجربه رسیده ص مروارید
ناسفته کهربای شمعی هریک یکمثقال گل گاوزبان طباشیر گل سرخ صندل سفید مغز تخم کدو
شیرین تخم خرفه مقشر هریک یکدو مثقال عنبر اشهب ورق طلا محلول ورق نقره محلول از
هریک دو دانگ سیب شیرین رب به هریک بیست مثقال نبات سفید یکصد وبیست
گلاب یزدی بیست ونیمثقال صید مشک کشمیری بیست ونیمثقال بطریق معمول معجون

کهربا بهمن سفید زربناد سنبل الطیب نارمشک طباشیر پوست زرشک گل مختوم قاقله کبابه مصطکی
پوست ترنج اشنه مغز تخم کدو چوب کدو گل رومی از هریکه دو مثقال درونج عقربی غنچه گل سرخ تخم
خرفه مغز تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه از هریک سه مثقال قرفه یک مثقال جمله را جدا جدا کوفته بیخته درهم
آمیخته تا دو بست درم شراب حماض مصری بسرشند و در آوند پاکیزه کنند شربت دود دانگ تا نیم
مثقال مفرح خفقان وضعف دل که از سردی بود زائل کند ص بادرنجبویه سه درم زربناد درونج
عقربی گاوزبان هریک شش درم کوفته بیخته با شربت سیب وعسل کفگرفته بسرشند مفرح
دلکشا ربارد ص ورق طلا ورق نقره هریک نیم درم پوست بیرون پسته یکدرم طباشیر
بهمین گل سرخ بسد کهربا مروارید ناسفته هریک یکمثقال صندل سفید کتیرا خشک یکدو درم تخم خرفه
هشت درم زرشک بهدانه ده درم آب ترنج چهل مثقال قند سفید یک آنار بدستور مرتب سازند
مفرح منقول از ریحی ص لسان الثور کهربا مروارید تخم کتیرا بهمن سفید گل سرخ پوست انار
ابریشم تخم خرفه هریکده درم با عسل بلیله معجون سازند شربت یکمثقال مفرح خفقان حار
را نافع و دل را قوت دهد ص مروارید ناسفته بسد سوخته طباشیر گاوزبان گل ارمنی هریکدو
درم مشک نیم درم قند سفید سی درم معجون سازند مفرح که محروران را غایت نافعست و
بهتر از دوا رمسک بارد و یاقوتی است و برای خفقان و تپ دق و جهت ناقهین و بیمار
سوداوی سوخته بغایت موثر و شیخ الرئیس در اد و یه قلبی مرقوم نموده ص تخم کاهو بیشتر
تخم خربوزه مغز تخم کدو مغز تخم خرفه هریک سه مثقال مروارید بسد سوخته کهربا سرطان نهری سوخته
ابریشم مقرض صندل سرخ کافور هریک یکمثقال صندل سفید طباشیر هریکدو مثقال گل سرخ
پنجمثقال عود هندی درونج زربناد بهمن سفید یکمثقال زعفران نیم مثقال گاوزبان سه و نیم
دانگی عنبر دو دانگ سیب انار و به بالسویه سه یا دو چند همه اجزا با هم جمله بسرشند مفرح
کبیر از تالیف شیخ الرئیس قوت یالنا نیز مشهور است و دستور العمل و یاقوتیها وی گفته
مراین را بملوک دام ادادم منافع بسیار بظهور آمده خاصه در خفقان وضعف دل وسواس

ورق نقره از هر یک بمثقال زنجبیل خراشیده زرشک منقی سافج هندی سعد کوفی شقاقل مصری
گل مصری از هر یک چهار مثقال مشک تبتی دو مثقال آب شیرین گلاب آب انار شیرین عرق
گاوزبان صندل نبات سفید از هر یک پنجاه مثقال عسل مصفی دو وزن او و به دستور مرتب سازند
معجون تالیف حکیم علی گفته که چون اهل زمان خصوصاً اهل هندوستان فریفته رنگ اند ازان
ترکیب ابجهت ایشان تالیف نمودم بسیار فرحان میشدند و منتفع میگردیدند ص رنگ خوب
سرکه نه سیاه باشد و نه سرخ پنج آثار که اول رنگ را داده هفته در روغن بادام شیرین نگاهدارند
بعد ازان که رنگ ابو داده باشند بسایند سنبل الطیب سافج هندی زنجبیل از هر یک سه استار
فلفل مصطگی زعفران از هر یکدو استار کوفته بیخته نیک بسایند تا چون غبار شود با سه وزن او دو
عسل معجون سازند و اگر یک استار عود دو استار عنبر ربع استار ورق طلا نیم استار اضافه
نمایند بهتر است و تفریح بسیار آرد مفرح مقوی قلب و اعضای رئیسه و یبوست مزاج
زائل کند ص ابریشم مفرض خام سه تولهٔ صندل سفید یکنیم تولهٔ کشنیز خشک گل سرخ گل گاوزبان
از هر واحد سه تولهٔ زرشک منقی سه تولهٔ بادرنجبویه گلپنبه در هر یک دو تولهٔ بهمن سفید یکتولهٔ تخم کدو تخم بالنگو از هر یکدو تولهٔ
تخم خیار تولهٔ بسباسه خرفه از هر یک سه تولهٔ زعفران قافله صغار از هر یک یکتولهٔ تخم خشخاش دو تولهٔ
تخم کاهو کاسنی از هر یک یکتولهٔ کافور عنبر اشهب ورق نقره دو تولهٔ شیر آمله البشیر خیسانیده و بیخته
نیم رطل عصارت سیب ترش یکرطل آب انار ترش یا شیرین دو رطل آب انار میخوش شربت
فواکه یکرطل نبات قند سفید زرشک هر یک سه رطل گلاب دو شیشه عرق بید مشک
یک شیشه علی الرسم معجون سازند مفرح نافع خفقان و مقوی قلب منشط و افزاینده
حرارت غریزی و ضعف معده و خیالات و سوء ظن را نافع بود و تریاق سموم مشروبه و منافع
جلیله بسیار دارد ص صندل سفید عود هندی هر یک سه مثقال ورق زر عنبر اشهب
خالص هر واحد یکمثقال زعفران دو مثقال ورق نقره یا قوت رمانی قیصوری از هر یک
یکمثقال گاوزبان بسد دارچینی هر یک دو مثقال کشنیز خشک لاجورد هر یک یکمثقال ابریشم خام

معجون نیک

شربت حماض صد درم بقوام عسل آورده ادویه علی الرسم ببرشند خوراک یکمثقال معجون تالیف
حکیم گیلانی حکیم گفته که این تالیف بینظیر است در تقویت دل که مزاجش گرم باشد و مقوی دل و
اعضاء رئیسه ص یاقوت رمانی لعل بدخشی یشب کافوری هریک سه مثقال مروارید ناسفته با وزن نجوبه
گاوزبان تخم فرنجمشک زعفران آماله مقشر تخم خربزه مقشر تخم کاهو همینین از هریک پنج مثقال گل ارمنی
کرنافج تخم مورد گل بنفشه گلنار فارسی از هریک یکمثقال صندلین از هریک پنج مثقال زرشک سه
مثقال ورق نقره سه مثقال ورق طلا عنبر اشهب مشک از هریک یکمثقال کافور قیصوری سه مثقال طباشیر
سفید هفت مثقال تخم کاسنی دو مثقال شکر سفید شربت سیب شربت حماض از هریک چهل مثقال عرق
کاسنی بیست مثقال نبات سفید هفتاد مثقال عسل صافی پنجاه دو درم بدستور مرتب سازند معجون
تالیف حکیم گیلانی گفته که با جمیع مفرحات اکتفا باین مفرح میکنم و در امراض مختلفه مبدهم و گاهی
از هریک قدری ممزوج کرده مبدهم و نافع می آید و از جمله منافع این ممزوج آنست که اگر اسهالات
را نافع می آید در امراض رحم بغایت موثر است ص مروارید ناسفته زعفران گاوزبان مصطکی
بسد دارچینی ابریشم مقرض پوست زرد آلوچه کهربای شمعی بهمن سفید زرنباد اشنه مغز تخم کدو شیرین
اظفار الطیب زرشک منقی تخم خربزه مقشر فرنجمشک طباشیر سفید مغز تخم خیار تخم کاهو مقشر از هریک
درم صندل سفید بگلاب سوده عود غرقی در ونج عقربی گل سرخ هریک سه درم عنبر اشهب قاقله
کبار ورق نقره ورق طلا کافور قیصوری گل مختوم کشنیز خشک لاجورد مغسول گل ارمنی قرفه
سنبل الطیب زرشک از هریک یکدرم لعل بدخشی یاقوت رمانی تخم بادرنجبویه از هریک یکمثقال اذخر یک
نیم مثقال شربت حماض یکصد درم بدستور مرتب سازند شربت یکمثقال مفرح از تالیف حکیم علی
گیلانی ص یاقوت رمانی یاقوت زرد یشب کافوری کهربای شمعی کباب چینی نارمشک در ونج
عقربی زرنباد صندل سفید سرخ کشنیز خشک مقشر عنبر اشهب بادزهر حیوانی از هریک سه مثقال بادرنجبویه
یکمثقال گاوزبان پوست زرد آلوچه طباشیر سفید ابریشم خام مقرض از هریک شش مثقال بهمن سفید
و سرخ سنبل الطیب قرفه قاقله کبار و صغار گل ارمنی گل مختوم زعفران جدوار خطائی و ورق طلا

واب اترج بر سنگ ساق صلایه نموده و باقی ادویه را کوفته بیخته بحریر بریزند شراب سیب
شیرین شراب فواکه از هر یک بیست و پنج مثقال و از عسل ده مثقال و از قند سفید بقدر
حاجت و همه را بگلاب عرق بید مشک عرق گاو زبان حل کرده بجوشانند و کف آن بگیرند و
صافی نموده تا در دوران نماید پس در دیگ نقره کرده بجوشانند تا به قوام عسل غلیظ برسید
پس حل کنند و دران نیم مثقال عنبر اشهب پس داخل کنند دران ورق طلا محلول در
نقره مخلوط از هر یک چهار دانگ و از آتش فرود آورده جواهر سائیده بران پاشیده بمسواط
فراگرفته از چوب صندل بر هم زنند پس ادویه کوفته بیخته را بران بپاشند و بمسواط بر چیزی
قوی تا مسولی گردد پس در ظرف چینی نگاهدارند شربت دو درم باشیر به مقویه قلب و معده
و کبد و مانند شراب ریان منفع شربت تفاح و سفرجل فواکه و صندل با گلاب عرق گاو زبان
عرق بید مشک تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه بادروج هر چه مناسب باشد بخورند معجون
از حکیم الملک ص صندل سفید سائیده بگلاب ده تولہ طباشیر ابریشم مقرض هر یک
یکتوله کشنیز دو تولہ ابهمن سفید یک تولہ مروارید ناسفته نیم مغز تخم کاهو قافله صغار عنبر هر یک
نیمتوله اسک سه ماشه کافور نیم ماشه گل گاو زبان گل سرخ از هر یک دو تولہ مغز تخم خیارین بیخبوله
ورق نقره سه تولہ نبات سه وزن عسل سفید یک وزن بدستور مرتب سازند معجون
از حکیم گیلانی بایل به برودت حکیم علی گفته که مفرح تام انفع است از جمیع مفرحات و در
امراض مختلفه بکار برده ام و نافع یافته ام حتی که باسهال و امراض رحم نیز مفید آمده مجرب است بلا خلاف
است ص یاقوت رمانی لعل شفاف از هر یک یکمثقال مروارید ناسفته لبسد قرمزی کهربا
گاو زبان گیلانی مصطگی دارچینی قلمی ابریشم زرشک تخم خرفه فرنجمشک طباشیر سفید مغز تخم خیار
گاو زبان از هر یک دو درم صندل سفید عود هندی ورق عقربی گل سرخ از هر یک سه درم
عنبر اشهب قافله کبار ورق نقره ورق طلا کافور طین مختوم یا بدل آن طین ماغنانی تخم کشنیز لاجورد
گل ارمنی سنبل الطیب نا رمشک از هر یک یکدرم بادرنجبویه یکمثقال مشک نیم مثقال

واب ہا و شربت ہا و شکر بہم آمیختہ قوام دہند و ادویہ باریک ساختہ بسر شند شربت از یکمثقال
تا دو مثقال معجون کہ منع بخارات میکند از صاحب تحفہ است ص گل سرخ دہ مثقال زرشک
فرفل ہر یک سی مثقال صندل سفید طباشیر گل ارمنی و بنجویہ پوست بیرون پستہ ترنج از ہر یک دو مثقال
کشنیز خشک تخم خرفہ گل گاوزبان ہر یک پنجمثقال شربت سیب شیرین یکصد مثقال چنانچہ رسم است
معجون سازند و طلاء محلول و نقرہ محلول زہر مہرہ یک مثقال آملہ مقشر پنج مثقال معجون
مجرب است برای اقسام مالیخولیا و منافع بسیار دارد ص یاقوت رمانی مروارید ناسفتہ کہربای شمعی
زہر مہرہ خطائی ابریشم مفرض ورق نقرہ از ہر یکدو مثقال لعل بدخشی ورق طلاء محلل از ہر یک
یکمثقال لاجورد مغسول حجر ارمنی مغسول زعفران عنبر اشہب مشک تبتی از ہر یک یکمثقال
ونیم گل گاوزبان پوست پنج گاوزبان از ہر یک چہار مثقال فرنجمشک بادرنجبویہ بہمنین دو برنج
عقربی طباشیر سفید عود ہندی صندل سفید خیرلوا قاقلہ کبابہ گل نیلوفر افتیمون ورق افتیمون
غنچہ گل سرخ از ہر یک سہ مثقال آملہ منقی پوست ہلیلہ کابلی زرشک منقی از ہر یکدہ مثقال
تخم خشخاش کشنیز خشک مغز تخم خرفہ از ہر یک پنجمثقال فرنفل مصطگی نارمشک زرنب تخم فرنجمشک
تخم بادرنجبویہ از ہر یکدو مثقال ونیم شراب سیب شراب انار شیرین شربت بنفشہ آب
لیمو گلاب عرق بید مشک عرق گاوزبان عرق بہار نارنج از ہر یک سی مثقال نبات سفید
فانید سنجری از ہر یک یکصد مثقال عسل سفید بیست مثقال بدستور مرتب سازند معجون از تالیف حکیم
علوی خان کہ جہت مالیخولیای مراقی و سائر اقسام مالیخولیا ہرگاہ مادہ محرق از صفرا و خون باشد
و از سودای طبعی وقتی کہ حرارت غالب باشد بسیار مجرب است ص زعفران مروارید
ناسفتہ کہربای شمعی ہر یک چہار دانگ کافور قیصوری دو دانگ لاجورد مغسول زہر مہرہ خطائی
صندل سفید خیرلوا گل سرخ گل گاوزبان بادرنجبویہ پوست ہلیلہ کابلی اسطوخودوس از
ہر یک یکمثقال مغز تخم کدو شیرین پنج مثقال خرفہ مقشر پانزدہ مثقال زرشک منقی دو
مثقال انغاخ خشک ابریشم مفرض گل نیلوفر گل بنفشہ از ہر یکدو مثقال جواہر را با آب لیمو

تخم بادرنجبویه پوست زرد اترج پوست بیدمشک پسته صندل سرخ وسفید گل سرخ تخم فرنجمشک از
هریک سه درم بسابد یکدرم ونیم کهربا مسمی بشب سبز قرنفل کباب چینی بهمن سرخ دارچینی سافج سنبل
از هریک یکدرم لعل بدخشی عود قماری خام از هریک یکمثقال یاقوت رمانی یاقوت زرد از
هریک یکمثقال بهمین کشنیز مقشر گل ارمنی مغسول طباشیر سفید از هریک دودرم عنبر اشهب نیم مثقال
کافور قیصوری از هریک نیمدرم در ونج ورق نقره از هریک نیم مثقال گاوزبان آلهٔ منقی از هریک
نیمدرم عصاره زرشک ده درم زعفران یکدانگ مشک تتبی یکدانگ ونیم شراب انرج نیم
من شراب سیب اصفهانی چهل مثقال شراب به اصفهانی بیست مثقال بدستور مقرر مرتب
سازند شربت دودرم مرزا محمد رضا ولد سلمان غفر الله لهما قلمی نموده که مکرر تجربه شده واکثر از
جهت نواب اشرف اقدس ارفع همایون ساخته ام درافرجه حاره قوت باه میکند ودر
تفریح بیبدیل است معجون عجیب التالیف وشریف التراکیب درغایت نفع است منقول از
قلانسی ص خسک حجر ارمنی مغسول یاقوت رمانی سنبل سلیخه خیرلوا قاقله هریک یکدرم در ونج
عقربی اسطوخودوس نخام هریکدودرم عنبر اشهب دومثقال کندر دودرم ونیم زعفران زربناد
عود وهریک سه درم سافج دارچینی هریک چهار درم تخم بادرنجبویه پنجدرم کهربا قشور آلهٔ هریک
ششدرم بادرنجبویه هفتدرم لسان الثور مرجان هریکده درم مروارید بیست درم باعسل
معجون سازند معجون کهالیخولیارا باصلاح آورد ودماغ ودیگر اعضای رئیس ومعده را قوت
دهد ولغایت نافعست وصف این زیاده از حد ولبسیار بوده اما باین قدر اقتصار کرده ص
عقیق ورق طلا حجر لشیب سافج هندی زربناد در ونج مشک هریک یکدرم ونیم صندل
سرخ گل مختوم بادرنجبویه بهمن سفید هریکدودرم حجر لاجورد لعل کهربا نیلوفر زرشک کشنیز خشک
تخم گل عود پوست ترنج گاوزبان بهمن سرخ زراوند تخم کاسنی ابریشم سوخته کافور هریک سه درم
مروارید ناسفته طباشیر گل سرخ هریک ششدرم شیر آلهٔ پوست هلیله شربت به هریک پنجدرم
گلاب شکر طبرزد شربت سیب انار شیرین یک یک سی ششدرم هلیله را جوشانیده آب او بگیرند

نجاح و مخرع سید احمد آبادی است ص نبفشه پنجدرم قرنفل هفتدرم بادیان انیسون گاوزبان
هلیله سیاه هلیله کابلی هلیله زرد قاقله هیل مشکطر مشبع هریک نه درم بسفایج سنا کی دوازده درم
تربد مجوف خراشیده سیزده درم ورق گل فودنج هریک پانزده درم آب آمله تازه چهار آثار عاقرقرحا
همه را کوفته بنجته باب آمله تازه بغیر شیرینی معجون سازند قدر خوراک هفت ماشه تا یکتوله معجون که
بعد از استفراغ خداوندمالیخولیا را نفع بخشد ص بادرنجبویه پوست ترنج قرنفل مصطگی جوزبوا
قرفه قاقله نارمشک بهمن سفید وسرخ درونج عقربی زربناد زعفران تخم بادروج فرنجمشک هریکدو درم
مشک یک دانگ هلیله کابلی شصت درم آمله شلشه آمله و هلیله را در مقدار چهار رطل آب بزنند
تا نصف آید بیالایند و با دو رطل عسل صاف بقوام آورند و او دیه بآن بسرشند شربت دو درم
با شربت گاوزبان معجون نافعست توحش و مواد سوداویه را ص گل سرخ چهار درم نیلوفر
گاوزبان کشنیز بادرنجبویه تودری گلگون تخم دری سفید بسفایج هریک دو درم حجر ارمنی مغسول
حجر لاجورد مغسول تخم کشوث تخم کاسنی مغز تخم خربوزه یاقوت لعل زمرد درونج عقربی
هیل زربناد هریک یکمثقال بسد مروارید مرجان کهربا عنبر از هرکدام دو درم هلیله سیاه پنجدرم
آمله منقی پانزده درم افتیمون چهاردرم قرنفل سنبل سافج هندی بسباسه زعفران از هریک یکدرم کافور
دو ثلث درم سک ثلث درم بانبات مقوم و عرق گاوزبان بارب سیب معجون سازند شربت
یکمثقال معجون در نهایت نفع میکند از برای ضعف و خفقان و وسواس و مالیخولیا که حادث
از سودای محترق و از صفرا و دم بود و مزاعلی نقی موسوی قلمی نموده که مکرر ساخته شد و به تجربه
درآمده ص یاقوت سرخ مروارید ناسفته کهربا شمعی بسد صندل سفید کشنیز از هریکدو درم طباشیر
بهمن سفید ورق گل سرخ گاوزبان از هریک چهار درم بهمن سرخ ورق طلا ورق پوست
از هریک یکدرم تخم خرفه مقشر هشت درم زرشک منقی دوازده درم گل ارمنی مغسول
یکدرم و نیم عنبر اشهب یکمثقال ابریشم مقراض یکدرم شربت اترج قند سفید بقدر حاجت بدستور
مقرر ترکیب سازند معجون ضعف دل را قوت دهد و نشاط تمام آورد ص مروارید ناسفته

ضرب کنند سی حاصل میشود و عدد تمام آنرا گویند که چون کسوره موجوده آنرا جمع کنند مساوی عدد
باشد مثل شش که یک کسر آن نصف و دوم ثلث و سوم مسدس است چون این کسور را جمع کرده
شود شش خواهد برآمد و پنجم آن محتاج ذکر نیست یعنی هزار است و ششم که راست عدد این دو صد است
حصهٔ پنجم خامس بود و هفتم آن که الف است مثل ثالث آن که نیز الف بود و هشتم که باء است و
عدد آن دو است از و اقسام علم دریافته میشود منقول و معقول یا بدیهی و نظری یا علمی و
عملی فافهم معجون منقول از خط مولانای عماد الدین مرحوم خاصیت این معجون نوشته اند
که در تحریر آید مداومت این معجون امراض صعبه مثل بهق و قولنج و فالج و لقوه و تاریکی چشم و کری
گوش ببرد و زنی که یکبار زائیده دو بار دیگر نه زاید مداومت نماید بار آورد ص قرنفل دارچینی
یک یکدرم سافج هندی جوز بوا هلیله کابلی از هر یک یک فلفل دو دار فلفل چهار زنجبیل هشت
هلیله زرد شانزده بلیله سی و دو آملهٔ بیست و چهار نانخواه یکصد و بیست زیره سیاه دو صد و پنجاه و شش
سیاه دانه پانصد و هفتاد و دو بسر کرتر کنند و او ویه را کوفته بیخته قند برابر او ویه بقوام آرند در میان طشت
فرو ریزند و او ویه با و بیامیزند و خلوله سازند مثل عناب و هر روز یک فرو برند و مداومت نمایند
معجون برای آنکه مری بجلدی آمده باشد ص بلیله سیاه ده درم بلیله پنجدرم فلفل دو درم و
نصف زنجبیل گل سرخ و ج از هر یک یکدرم و نصف کندر طباشیر سفید از هر یک پنجدرم صندل
سفید تخم کاسنی از هر یک سه درم کوفته بیخته بعسل مزنی بسرشند مرتب سازند شربت سه درم
سفیدی مورا دور کند و سیاهی نگاهدارد معجون که طبری در معالجه برص ذکر کرده و گفته
که اگر انحلال طبیعت خواهد سه مثقال بابایج و خربق بقدر حاجت مقوی ساخته بکار برند و
اگر خواهند که مثل معاجین مسخنه چندی بخورند هر روز نیم مثقال ناشتا تناول نمایند ص جند بیدستر
بیخ قثاء الحمار دو قوقنطر اسالیون سقطرا از هر یک پنجدرم زراوند مدحرج تخم کرفس هر یک ده درم
وجاوشیر هر یک بیست درم چیزهای خیسانیدنی را در آب کرنب بطی خیسانیده و حل کرده باقی دوا
کوفته بیخته بعسل کف گرفته معجون سازند معجون که جذام و امراض سوداوی بهتر از معجون

حتی یجذب اللبن کلہ ثم یخرج منہ ویغسل بمارحار ویبرد بالمبرد ثم یوخذ بوزن نصف ہذا الدواء من ہذا الدواء
المذکورۃ فی الذیل ویدق ویخیل الکل ویعجن بالعسل المصفی ثلثۃ امثال الادویہ والشربۃ فی الابتداء
غذوہ علی الریق ومثلہ وقت النوم الی درہم ونصف آن احتمل المزاج ومن دام اربعین یوما فانہ
یعید الشباب ہذہ ادویہ الذیل فلفل اسود وابیض دارچینی جوز بوا لبسباسہ مصطگی عود بلسان سعد
ہندی زنجبیل قرنفل عود قماری آلہ سنبل قاقلہ ناخواہ رازیانہ زعفران
صندل سفید دار فلفل من کل واحد مساوبافی الوزن حالا اینجا تفصیل این
مجمل وتسہیل این مشکل می نماید تا تشنگان بادیہ استفادہ سیراب شوند وپای بکل رفتگان
کوچہ طلب بمقصود ورسند باید دانست کہ ازین تعبیر حب الغرب کہ در ہندی عبارت
از کچلہ است بری آید وچون حروف را ترقیم نمایند اول حرف کہ در نوشتن ابدان را زبر گویند و
حروف باقیہ را بینہ مثلا ہرگاہ ب ترقیم کردیم نوشتم باپاکہ در راست آن را بتہ پس حروف حب الغرب
را اگر باین طور بنویسند حروف زبر ہشت خواہد بود وعدد آن یکہزار ودوصد وچہل وچار کہ آن
عدد رد غم است وظاہر گشت ازین حکم بینات اول آن حروف کہ حا راست وعدد او ہشت
بود اگر ضرب کرد شود در ربع او کہ دو است یا در حرف دوم کہ آن ما راست حاصل میشود از
مسطح آن کہ شانزدہ است مجذور ضرب نصف آن عدد کہ چار است در نصف آن عدد چون
عدد را در نصف آن ضرب کنند حاصل ضرب را مربع گویند وچون در غیر آن ضرب نمایند
حاصل ضرب را مسطح گویند ومجذور نیز حاصل ضرب را مطلقا گویند وفہمیدہ میشود از مسطح ضرب
آن عدد کہ ہشت است در نصف آن عدد کہ چار بود عدد ایام سیر شمس در ربعی کہ زیادہ از دہ
بروج در دمی ماند یعنی حاصل ضرب سی ودو بود وسیر آفتاب درین برج نیز سی ودوست و
ثانی از ان حروف با راست عدد او دو بود وشرط شکل اول دو است یکی ایجاب صغری
ودوم کلیہ کبری وسوم آن الف است وعدد آن یک است حصہ ہشتم ہشت است را بعہ
آن لام بود وعدد آن سی است وچون کواکب متحیرہ را کہ پنج اند در عدد نام کہ شش ست

وبا گلاب بغایت نرم نموده داخل نمایند وبعد ازان در آخر سائر اجزا و بعد از تمامی مشک را باقدری نبات سائیده اضافه کرده خوب بر همزنند بایکدیگر مخلوط و ممزوج شود و بردارند و در حقه چینی نمایند اما باید که حقه پر نباشد و جای نفس کشیدن بماند شربت از دو مثقال تا چهار مثقال **معجون** از مجربات عماد الدین محمود چون روز نوبت قبل از تب بدو ساعت بمقدار نخود یا نیم مثقال تناول نمایند البته در سه نوبت قطع کند مسمی ست بجب لوبوص جند بیدستر حلتیت دارچینی قرنفل شونیز مصاف بیخه سایله هریک سه درم افیون سداب فلفل هریکدرم عسل برابر جمیع **معجون** لناسمناه باکثر البدن ینفع من القروح الخبیثة والامراض البلغمیة سیما للمشایخ واوجاع الظهر والمفاصل والعظام العارضیة من المرض المعروف الذی یقال له بالفارسیة [illegible] ۲۰۳ وذلک اجود من النخب الصبی المشهور لذالک المرض واسرع نفعا ولا یعاوله شئ اخر لعلاجه ولا یحتاج الی الحمیة سیما المحموضات بل ینبغی ان تنعم صاحبه بالمشومات والکرویاج والقلایا دانواع الاطعمة المتخذة من الدسوم واللحوم حیده تارین ذالک بالرموز ومن فهم ذالک الملغوز تقدملک **لکنوز ص** یوخذ من الدواء الذی یوخذ من الاکثر بلاد الهند وحروف زیره بالعربی ثمانیة وحدد وعم وبنیانها اثنی عشر خرفا وعددها فلیکن خمسة منها من الاحاد وواحد من العشرات واحد من المئات وواحد ظاهر فاولها ان ضرب فی ربعه اوفی ثمانیة حصل من منطوحه مجذور فی نصفه ویفهم من سطح صبر فی نصفه عدد ایام مسیر الشمس فی بروج اربد من سایر البروج فی السیر وثانیها الجزء عن عدد شروط الاول البدیهی الانتاج وثالثها ثمن اولها ورابعها یحصل من ضرب لکواکب المتحیرة فی العدد التام وخامسها الاحتجاج الی ذکریا وسادسها خمس خامسها وسابعها کثالثها وثامنها اعلم منه عدد اقسام العلم وینفع من هذا الدواء الجید وزنا معتبرا فی الماء سبعة ایام ویجدد الماء فی کل یوم وفی الیوم الثامن یخرج منه ویقشر ویدس فی خمیر الخطة سبعة ایام ثم یخرج منه ویغسل ویوضع فی خریطة رقیقة ویعلق فی القدر ویصیب فیه خمسة امثاله لبن البقر وی یبقی

سورنجان مصری دوازده درم عسل سه چند ادویه شربت پنجدرم بآب گرم معجون جهت
اوجاع مفاصل نهایت مجرب وممدوح است ص اسارون زنجبیل زیره کرمانی دارفلفل
هریکدو درم سنائکی پنجدرم سورنجان بعسل بسرشند معجون اوجاع مفاصل ونقرس و
عرق النساء بلغمی وصفراوی نافع است ص سورنجان شش درم بوزیدان ماهیزهج
بیخ کبر زیره شیطرج هریکدو درم هلیله زرد هفت درم تخم کرفس رازیانه فلفل سفید صعتر نمک
هندی برگ حنا زبدالبحر هریک یک ونیم درم گل سرخ کنجد زنجبیل سقمونیا هریک سه درم زبد
سفید پانزده درم عسل یکصد وپنجاه درم روغن بادام دو استار شربت استار بابگرم وزنیکه
تنقیه مطلوب باشد وجهت دوام سه درم معجون تالیف حکیم هاشم طهرانی نافع برای اوجاع
مفاصل وتقویت باه مبرد دین مالغ النفع است حکیم مذکور نوشته که در تقویت باه وسایر قوی
تجربه کرده ام ص ارچینی سورنجان شقاقل مصری ثعلب لسان العصافیر عود هندی مصطکی
زعفران هریک یکمثقال دارفلفل قاقله کبار خولنجان قرنفل کباب چینی مشک تبتی بوزیدان
زنجبیل سنبل الطیب زرنباد اسارون سافج هندی دارفلفل عنبر اشهب جدوار خطائی
ازهریکدو مثقال مغز حب القلقل مغز انجلک مغز لادن ازهریک پنجمثقال مغز جلغوزه مازریون
ازهریکده مثقال چوب چینی اعلی یکصد وپنجاه مثقال چوب چینی ورق کرده یک شبانه روز بخیسانند
پس باچهارمن شاه آب در دیگ بزرگ سرش محکم نموده بتدریج بآتش ملایم بپزند تا بربع رسد
پس صافی نموده باعسل سفید از یکصد وپنجاه مثقال وتر نجبین که از خار خاشاک پاک
نموده باشند یکصد وپنجاه مثقال داخل کرده بجوشانند وکف آنرا برگیرند وباز صافی نموده
بقوام آورند وادویه بدستور مقرر بآن بسرشند ومعجون سازند که هریک از اجزاء خشک را
سوای مشک وعنبر وزعفران ومغزها علیحده کوفته بیخته بوزن آورند وداخل هم سازند
ومغزها نیز جدا جدا خوب نرم نمایند وتر نجبین را قدری آب چینی حل کرده صاف سازند
وباعسل وآب چینی بقوام آورند انگاه عنبر داخل نموده پس زعفران را نرم کوفته بیخته

هنگام صاف کردن بر آتش برگ تنبول قرنفل جوز بوا و اظفار الطیب قرنفل سائیده در مسکه
بپیذ از ند اگر دو سه مرتبه این تصفیه بعمل خواهند آورد بونخواهد ماند معجون که مفاصل و قولنج
را سود دارد ص سورنجان ده درم سنا مکی پنجدرم اسارون زنجبیل زیره کرمانی دارفلفل یکسو
درم کوفته باعسل معجون سازند شربت دو مثقال با یکدرم معجون ورد لبشت و دردها را
نافع بود و قوت دهد و معده را پاک کند و مویرا دیر سفید نماید و بسود انافع باشد و سرعت
انزال را سود دارد ص گل سرخ سعد کوفی عاقرقرحا قرنفل سنبل مصطگی زردبناد زعفران
قاقلین جوز بوا مساوی قند و عسل بالمناصفه بقدر احتیاج در گلاب و قند را بگداز ند و با عسل
بقوام آورند دوا را کوفته بآن بسرشند معجون که نقرس بلغمی را نافعست ص پوست
هلیله زرد سورنجان عاقرقرحا از هریک پنجدرم فلفل سفید یکدرم و نیم زیره کرمانی هفت درم
راسن چهار درم زنجبیل دو درم افیون نیم مثقال کوفته بخیه بسرشند شربت دو مثقال معجون
دیگر مجرب برای نقرس ص سورنجان شش مثقال پوست بیخ کبر دارفلفل خاکمون کرمانی
از هریک مثقال ملح نفطی نوشادر زبدالبحر میعه سائله هریک نصف درم تربد ده مثقال خردل
زنجبیل از هریک دو درم و نیم عسل سه وزن معجون سازند معجون که در اکثر امراض
بارده و اوجاع مفاصل و درد اعضاء خصوص که بسبب آتشک بود نافعست ص چوب چینی
سی مثقال قرنفل جوز بوا البسباسه گل سرخ زعفران زردبناد خولنجان سعد کوفی هریک یکمثقال
دارچینی قاقله سیاه مصطگی سورنجان بوزیدان سنا مکی لسان العصافیر هریک پنجمثقال زنجبیل
دارفلفل عاقرقرحا جدوار خطائی هریک دو مثقال عسل دو چندان دوا را معجون سازند قدر شربت
در افرجه ضعیفه یک مثقال و در افرجه متوسطه دو مثقال و در افرجه قویه سه مثقال و این
معجون ملاحظه پرهیز کمتر دارد معجون در شان او گفته که جهت نقرس با وجع معده
مجرب است ص در اول امر تسکین و در آخر تحلیل ماده آن میکند ملح نفطی نوشادر زبدالبحر
میعه سائله هریک یکدانگ و نیم فلفل دارفلفل زنجبیل خاز زیره کرمان ورق کرم هریک یکدرم

چهل مثقال شربت فواکه شیرین شربت کتل گلاب از هریک بیست مثقال بدستور مرتب سازند
معجون خبث الحدید مفید از برای سرعت انزال از مجربات حکیم الملک روستانی ص
بهمن سرخ وسفید از هریک پنجمثقال خولنجان جفت بلوط عاقرقرحا از هریک دو درم حب لاس
پنج مثقال شاهدانه کندر مایه شتر اعرابی از هریک سی درم افیون جوز بوا اقاقیا ثعلب مصری تخم
شبت سعد کوفی از هریک پنجمثقال تخم ترب ده درم خبث الحدید مدبر در سرکه خشک کرده پنجمثقال
مجموع را کوفته بیخته بعسل کفگرفته دو وزن سرشته معجون سازند شربت دو درم واز عقب
آن پیاله شیر تازه بنوشند پس بدستی که سخت میکند ذکر را معجون کندر همین خاصیت دارد
وتقطیر بول دفع نماید ص حلک ومی کندر بلوط گلنار شونیز کشنیز خشک از هریک ده درم زیره
کرمانی مدبر نانخواه از هریک پنجدرم پوست هلیله زرد هلیله سیاه آمله منقی از هریک سه درم مصفی
سه وزن ادویه بقوام آرند ودر نسخه دیگر ده درم گل نیلوفر است ونسخه صاحب اختیارات حلک
ندارد وگرویا پنجدرم داخل است شربت دو مثقال است بامداد وشبانگاه غذا گوشت
ودیگر مقویات معجون مقوی باه ممسک از تالیف راقم وچندمرتبه تجربه درآورده وبدل
افیون استبابن معجون نخ کان بتوان کرد ص وارید سائیده یاقوت رمانی مرجان قرمزی کهربا سمبی
زمرد سبز عقیق زرد لعل بدخشی لاجورد مغسول از هریک دو مثقال گاوزبان گیلانی گل گاو
هریک یکمثقال ابریشم مقرض بهمن سفید وسرخ تودری سرخ وسفید شقاقل مصری مصطگی قرنفل
دارچینی دو تولہ زعفران مشک عنبر اشهب یک مثقال ورق نقره ورق طلا هریک دو درم
چوب چینی قسم اول بیست وپنجمثقال صندلین خارخسک مربی تخم خشخاش تخم هلیون مغز پسته
هریک دو مثقال عسل مصفی یک وزن ادویه روغن چرس از یک آثار قوام از هشت هفت تولہ
تا یک داخل نمایند وطریق برآوردن روغن چرس انیست بگیرند چرس ودر شیر گاو که مثل بیست
آن باشد حل کنند ویکشبانه روز بگذارند بعد ازان بجوشانند نیک وماست بندند پس مسکه
آنرا برآورده صاف برآتش ملائم نموده داخل کنند واگر خواهند که بوی چرس برطرف شود

حب نارجیل مغز حب الخضرا تخم شلغم بهمین تخم اسپست تخم کنان از هر یک او قیه قسط شیرین
انیسون قرنفل فلفل ها هی شقفقور و اگر نباشد بدل آن مایه شتر اعرابی یا ماهی رو بیان از هر یک
سه مثقال زرده تخم مرغ مغز کنجشک نر از هر یک بیست عدد اضافه نمایند قدر شربتش تا دو درم ست
معجون که حکیم علویخان در باه و امساک مجرب نوشته ص مروارید ناسفته کهربا از هر یک یکتوله
بهمنین شقاقل زنجبیل خولنجان تخم انجره تخم شلغم تخم گندر تخم خشخاش از هر یکدو تولہ مغز پسته مغز نارجیل
مغز چلغوزه کنجد متقشر مغز حب السمنه مغز حب الخضرا ماهی رو بیان هر یک چهار تولہ مایه شتر اعرابی
ماشه ورق طلا دو ماشه ورق نقره عنبر اشهب مشک خالص از هر یک سه ماشه مغز تخم خربوزه
مغز تخم خیارین از هر یک پنجتوله مغز سر کنجشک نر خانگی هفت تولہ ناگیسر شش ماشه بزر البنج در سه خشک
کرده زعفران بیخ لقاح بیخ سوئهه در شیر خیسانیده خشک کرده از هر یک چهار ماشه بیخ سوئهه را بار دنجود
کرده تولہ البشیر خمیر کرده در سایه خشک کرده باشند کوفته مجموعه ادویه را بمسکه گاو ده تولہ چرب کرده
قند سفید عسل از هر یک صد تولہ شربت فواکه شیرین شربت هلیون از هر یک بیست تولہ بقوام
آورده ادویه را بدستور بآن سرشته اقراص یا معجون سازند معجون دیگر قصیب بسیار سخت
گرداند و باه بیفزاید ص سپند سوختنی بسباسه جوز بوا قرنفل دارچینی از هر یک پنجدرم کنجد سیاه متقشر
هفتدرم جمله را یکجا کرده کوفته بیخته با عسل معجون سازند شربت مقدار سه درم معجون که سیلان
منی و دوی مذی و سیلان رطوبت رحم که مزمن باشد و نایات نفعت ص مروارید کهربا محرق کرانج
گل سپسته گل سپاری شهد انج بسباسه عود صلیب خولنجان طباشیر شسته جفت بلوط صمغ عربی
ثمر درخت مغیلان بهمن سرخ و سفید شقاقل گلنار پوست بیخ مغیلان صمغ سپاری کشنیز خشک
صمغ درخت سنبل خصیة الثعلب مغز فندق مغز چلغوزه مغز جته الخضرا تخم خشخاش تخم خرفه از هر یکده
مثقال مصطگی علک البطم ورق طلا ورق نقره از هر یک نیمثقال پوست هلیله کابلی غنچه گل
گل سرخ هلیله سیاه در روغن گاو بریان کرده از هر یکدو مثقال عنبر اشهب نیم مثقال مویز منقی
بیست مثقال نبات سفیدی مثقال آب سیب شیرین آب نار شیرین آب امرود از هر یک

گل گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ اشنه از هریکده مثقال جوشانیده صافی نموده نگاهدارند دیگر تخماتش
سفید مغز تخم خربوزه مغز خیارین تخم کاسنی تخم خرفه تقشر از هریکده مثقال نرم کوبیده در آب شیر کشیده
بآب بهشیرین وگلاب از هریک یکصد قند سفید عسل مصفی بالمناصفه سه وزن ادویه بقوام آورند
پس مغز بادام شیرین مقشر مغز فندق مغز چلغوزه مغز گردگان از هریک ده مثقال کوبیده داخل
کرده پس ادویه اول رابان بسرشند ودر نسخه دیگر این معجون گل مختوم صندلین از هریک سه مثقال
آمله منقی دوازده مثقال خصیه الثعلب نیم مثقال داخل است حکیم مومن در تحفة المومنین گفته که من
ورق بنفشه را از برای آنکه مسهل است داخل نکردم وبیست مثقال چوب چینی را جوشانیده آب آنرا
باعسل بقوام آورده ادویه را بآن سرشتم لیکن در فعل قوی تر مشاهده نمودم معجون مقوی
باه وممسک که تجربه بفقیر درآمده ص تخم بل بیخ بند گجراتی سمندر سوکهه تخم اوشنگن عاقرقرحا الکلب
گوکهرو تخم کونچ موجرس گوند ڈاک صمغ عربی ثعلب مصری از هریک یکدام موصلی سفید دکنی دو
دام دارچینی صورتی قرنفل جوتری از هریک هفت ماشه جوز بوا یکدام زعفران چهار ماشه جند بیدستر
نیم دام مصطگی نیم دام عسل کشمیری یکرطل بطریق متعارف معجون سازند معجون مهبی از شیخ داود
عجیب الفعل است در برانگیختن باه ولغوظ وتقویت حرارت غریزی وفربه کردن بدن وتولید
خون صالح واصلاح ورفع اذی جماع وضعفی که از کثرت جماع حادث شود ودر نماید ص اجزای
آن نخود سفید یا پوست که در آب تره تیزک تازه سه بار خیسانیده وهر مرتبه خشک کرده باشند
وخسک خشک مسحوق را که در سه مثل آن خسک تازه باشند از هریک سه دقیه ترنجبین خراسانی
ده درم دارچینی خولنجان هریک شش درم عسل یک ونیم رطل آب سفید پیاز نیم رطل همه را بقوام
آورند بآتش ملایم پس بعد سائیدن داخل کنند تخم ترب تخم گزر بری شقاقل تخم انجره از هریک یک
دقیه عاقرقرحا زنجبیل از هریک نیم دقیه برهم زنند تا مخلوط شود پس بگیرند هشت قیراط پادزهر حیوانی
وپنج درم زعفران شش قیراط مشک ترکی را در یک دقیه گلاب حل کرده بآن تشفیه کنند ودر ظرف
چینی نگاهدارند شربت از دو درم است وهرگاه قوی تر خواهند مغز گردگان مغز حب صنوبر

قوت مجامعت و تقویت پشت و باه نهایت مفید و طعام منهم کند ص عاقرقرحاشش درم
فلفل هفتدرم زعفران سه درم قاقله کباره ده درم مصطگی قرفه از هریک هفتدرم مشک ترکی
نیمدرم عنبر اشهب یکدرم جوزبوا سه عدد جوز اعظم سی درم روغن بادام شیرین ده درم قند سفید
یکصد درم بدستور معجون سازند بقدر حاجت بخورند معجون که در تقویت باه بنیظیر است از تالیف
والد ماجد ص مغز بادام قندق مغز چلغوره مغز خربوزه مغز حب الزلم مغز حبة الخضرا کش خرما مغز
پسته مغز نارجیل مغز حب القلقل مغز انجلک مغز اخروت مغز کنجشک بهمنین شقاقل مصری
صندل سفید خصیة الثعلب تو در بین لسان العصافیر از هر واحد یکدرم مغز تخم خیارین تخم خربزه
هریک نه ماشه مغز تخم کدو تخم خشخاش هریک شش ماشه ابریشم مقرض ارجینی دانه هیل هریک
سه ماشه خسک مربی گاوزبان گیلانی تخم بلیون از هریک چهار ماشه مایه شتر اعرابی تخم زرد
تخم بالنگو تخم جرجیر تخم بادرنجبویه تخم فرنجمشک تخم شلغم تخم کونج صمغ عربی تخم ابخره مصطگی از هریک
یکدرم خولنجان بوزیدان پودینه خشک زنجبیل زعفران هریک سه ماشه عنبر اشهب و باشه
عسل سفید دو وزن ادویه قند سفید یک وزن ادویه بطریق متعارف معجون سازند معجو
ارحکیم محمد شیرازی جهت تقویت باه و فربهی بدن و تقویت معده و دل و دماغ و جگر و گرده و
مثانه و بانی اعضا بسیار مفید است و نشاط آورد و سرور افزاید و بوی دهان خوش کند و
نفع این ترکیب بسیار است ص چوب اعلی پنجاه مثقال و در نسخه دیگر صد مثقال مروارید
ناسفته دو مثقال ریوند چینی افتیمون سنبل الطیب از هریک سه مثقال هیل بوا مصطگی رومی
عود قماری مایه شتر اعرابی اسارون از هریک سه درم زعفران مشک تبتی عنبر اشهب بوزیدان
سورنجان از هریک دو درم شیره آمله دارچینی قرنفل جوزبوا بسباسه زنجبیل فلفل از هریک یکدو مثقال
کباب چینی خولنجان قسط شیرین سعد کوفی از هریک دو درم سمکه صید ماهی رویبان در روغ
زرنباد گذر تخم شلغم تخم ترب بهمنین تو در بین تخم اسپست خسک مربی از هریک سه مثقال
شقاقل دو مثقال ورق منقط سدس وزن مجموع ادویه و واهارا کوفته بیخته نگاهدارند

وقت فرو آوردن مشک و زعفران بگلاب سوده افزایند و در ظرف چینی نگاهدارند شربت
از سه ماشه تا یکتوله معجون در تقویت باه نفع عظیم دارد آثار غریبه و افعال عجیبه ظاهر میشود و تقویت
میکند و مکرر تجربه رسیده ص بهمنین شقاقل قرفه بوزیدان لبسباسه کباب چینی خولنجان لسان العصافیر
قاقله کبار و صغار سنبل الطیب فرنجمشک قرنفل سادج هندی عنبر اشهب مروارید ناسفته از هریکسیه
درم خصیة الثعلب ۵ درم شقنقور قضیب گاو سوهان کرده از هریک پنجدرم عود خام ملیون
زعفران از هریک چهار درم سعد زنجبیل لبد کهربا از هریک ۵ درم مشک یکدرم و نصف یاقوت
زرد یکدرم و طلاء محلول از هریک یکدرم و نصف زایدالفکر مدقوق سی مثقال روغن بادام شیرین
ده مثقال در نبات و عسل مصفی بطریق متعارف معجون سازند شربت از یکدرم تا ۵ درم
معجون بزور در امر باه فعل عجیب دارد ص تخم گذر تخم شلغم تخم پیاز تخم گندنا تخم ملیون مغز جلغوزه
مغز حب القلقل مغز حب الزلم بوزیدان وج شیرین تودری لسان العصافیر بهمنین ۵ ارقلقل
حلتیت قرفه از هریک جزو کوفته بیخته عسل و نبات سه وزن ادویه معجون سازند شربت سه
درم با شیر گاو پیش معجون نفوط شدیدی نماید و نفع می نماید برای آنکه از ازاله بکارت عاجز باشد
ص ارچینی خصیة الثعلب شقاقل جوزبوا مصطگی لسان العصافیر زعفران دارفلفل بوزیدان
گل سرخ بهمنین تخم ملیون تخم گذر از هریک ۵ مثقال مشک ۱ انگ عنبر اشهب یکدرم مغز حب القلقل
سه درم زایدالفکر بیست و پنج مثقال عسل سه وزن ادویه را بطریق متعارف معجون سازند
معجون منقول از قرابادین قانون زیاده میکند باه را و صالح است از برای بادشاهان ص
بگیرند شقنقور یک قیه و نیم تخم شلغم تخم اسپست تخم گذر تخم شلغم بری تخم پیاز سفید تخم انجرجر جیر از هریک
یکدرم فلفل از هریک پنجدرم پیاز عسل مشوی چهار درم مغز جلغوزه ۵ و او قیه و نیم او قیه
عاقرقرحا مغز کنجشک نرکه در خانه آشیانه میکنند لسان العصافیر شش درم مجموع را کوفته بیخته
بروغن گاو برابر مجموع ادویه چرب کرده بعسل مصفی ۵ وزن ادویه سرشته معجون سازند
شربت از ان نیمدرم با شراب شیرین بعد از تحلیل غذا استعمال نمایند معجون اربعت

سفید چهار صد عدد بزرالبنج سفید دو مثقال کباب دو مثقال پوست خشخاش پنج مثقال عنبر اشهب
مثقال مایه شتر اعرابی چهار مثقال زعفران دو مثقال بلوط پنج مثقال نبات سی من عسل وزن
ادویه حب النیل را در روغن بادام یکشبانه روز تر کرده نگاهدارند بعد همه ادویه کوفته بیخته در عسل
و نبات دوام نموده معجون سازند شربت یکمثقال صبح غذا کباب **معجون** برای قوت باه بیمثل است
ص زرده و سفیده مرغ یکعدد روغن زرد بقدر یک بیضه آب پیاز سرخ نیز همان قدر که در
پوست یک بیضه کنجد شهد خالص همان قدر آب زردک نیز همان قدر پنج جزو را آمیخته با آتش
نیمگرم کرده بخورند تا چهل روز باین روش عمل نمایند و از جغرات دو دنگ و سرکه و جمیع ترشیها پرهیز
کنند و غذا از مقویات باشد **معجون** سپیاری پاک منقول از بیاض عم مرحوم مقوی باه و
ممسک و آب رفتن از فرج زن باز دارد و اعانت بر حمل کند و تقویت کمر نماید **ص** سپلی تمر هندی
فوه نیم پاو در ده آثار شیر گاو بجوشانند هرگاه مهر اشود مثل کهوه همه را خوب سائیده نگاهدارند و
دو گوند برشته پاو آثار آرد مونگ نیم پاو نشاسته برشته پاو آثار مغز بادام برشته نیم آثار علیحده نگاهدارد
و قند سفید سه آثار روغن زرد یک آثار را قوام نمایند و نشاسته و آرد مونگ را در آن بریان
کنند پس مغز بادام مسلم دو گوند مسلم بیامیزند و بعد ازین ادویه خارخسک یکرطل ثعلب مصری
دارچینی قرنفل الایچی خورد از هر یک چهار دام جوزبو تولہ لبسباسه تولہ گوند پاو آثار گل بسته
گل سپاری یکیک دام نارجیل پاو آثار چهال کچنال چهال کیکر چهال سنکاهوا از هر یک شش ماشه
کوفته بیخته همراه کهوه بیامیزند و زعفران چهار تولہ مشک شش ماشه سائیده بیفزایند و دو دام
صبح و دو دام شام خورده باشد **معجون** گیکوار از تالیف راقم جهت تقویت باه و امراض بارد
مثل ورد مفاصل و جز آن مفید است **ص** مغز گیکوار تیزگاو شکر سفید از هر یک آثار پاو بالا
مغز بادام خشک یکنیم ماشه و زعفران دو ماشه مغز پسته خرما از هر یک پنج دام گیکوار را قطعه
قطعه کرده پوست سبز دور نموده مغز آزاد است افشرده در شیر انداخته بر آتش ملائم بپزند و کفچه
زنند که مغز گیکوار همه مخلوط شیر شود بعد ازان شکر اضافه نمایند پس ازان مغزیات بیامیزند

بخته در سه چند عسل معجون سازند و صبح یک ٹانک بخورند و اگر خواهند وقت خفتن نیز یک ٹانک
بخورند معجون که بهندی پٹیہہ گویند ص پٹیہہ یکعدد جوزبوا قرنفل بسباسه از هر یکدو دانگ زنجبیل
زیره سفید و سیاه از هر یک یکدانگ ناریل چهار دام مغز بادام مغز پسته کشمش از هر یک نیم پاو ورق
نقره شش ماشه نبات یکسیر پاو بالاعسل یکرطل روغن گاو نیم پاو بطریق مشهور معجون سازند معجون
از حکیم مصری جهت تقویت باه ص زرده تخم مرغ چهل عدد تخم زرک تخم ترب تخم شالم شقاقل
خصیه الثعلب دارفلفل از هر یکدو تولہ فلفلمویه سه تولہ بسایند جوزبوا از هر یک دو تولہ مصطگی گوله مغز کشنیز
پنجاه عدد قرنفل چهار تولہ زنجبیل شش تولہ عاقرقرحا یکتولہ سنبل الطیب دو تولہ اول اجزا را کوفته
از پارچه گذرانیده بعد ازان زرده تخم مرغ اندک بیان کنند و با اجزا بمالند و مثل همه اجزا افتد بقوام آورند اجزا
را در رو انداخته معجون سازند و اگر خواهند جهار ازین معجون مثل چار مغز سازند صبح یکعدد تناول
نمایند معجون دیگر جهت تقویت دل و دماغ و قوت باه بنظر است و دیگر منافع بسیار دارد ص مروارید
دو تولہ مرجان گهربا لیشب سبز شقاقل ابریشم طباشیر مصطگی هیل آله منقی کشنیز خشک در یخ عنبر
پوست انرج گاوزبان گل گاوزبان خشک مربی زرا وند مدحرج بیخ بابونه مشک عنبر از
هر یک دو تولہ دارچینی قرنفل همین بسباسه از هر یک چهار تولہ صندل سفید سه تولہ زعفران
تولہ مغز جلغوزه مغز بادام از هر یک پنجتولہ مایه شش اعراق نه تولہ گل سرخ ده تولہ روغن قنب ده دام
ورق طلا ورق نقره عطر جهانگیری یعنی چرس از هر یک یکتولہ عرق بید مشک بقدر حاجت
نبات یکسیر اگری بدستور مرتب سازند شربت از نیم تولہ تا یک تولہ معجون برای سرعت انزال
و ضعف باه که سبب طوبت باشد مجربست ص آله سنگاره صمغ پلاس کهلا کیلے مائین گوند
پهلی ببول نوبران تج خارخسک تخمکنی دودهی جوزبوا موچرس گیرو قاقلین همه ادویه را
مساوی گرفته باسه چندان عسل و نبات و قدری شیر که غلیظ شده بسته باشد و در هندی کهوا
گویند معجون سازند و این نسخ از بیاض عم مرحوم منقول شد معجون مقوی دمسک ص
دارچینی مصطگی جوزبوا اسبغول عود از هر یک دو مثقال مشک خالص دو دانگ حب النیل

هر یکدو درم کندر یکدرم تخم سورد دو مثقال کوفته بگلاب بسرشند شربت پنجدرم غذا بره بریان معجون
که حیض بگشاید وزادن سهل کند وبچه مرده بیفگند ص مرداارچینی هر یک یک درم برگ سداب پودینه
کوهی قرد ماناً مشکطراشیع فوه جلنیت سکبینج جاوشیر هر یک سه درم الهل ده درم بابگبین مصفی بسرشند
شربت سه درم همراه مطبوخ مناسب معجون از حکیم محمد جعفر اکبرآبادی در تقویت قلب وباه
بغایت نافعست ص دارچینی سه درم قرنفل یکدرم زنجبیل سه درم جوزبوا درم بسباسه مایه شتر
اعرابی از هر یک نیم درم ابریشم مقرض یکدرم دارفلفل نیمدرم سورنجان خولنجان از هر یک یکدرم
عاقرقرحا نیمدرم عودهندی نارمشک از هر یک یکدرم زعفران دو درم جدوار نبقش سه درم مسک
نیمدرم عنبر یکدرم مغز چلغوزه ده درم روغن نارجیل ده درم ترنجبین نبات از هر یک هزده درم
عسل سی وشش درم ترنجبین رادرتیم آب شیرگاو بجوشانند وصاف کرده بانبات وعسل بقوام
آرند اجزا را باریک سابیده معجون سازند شربت دو درم صبح دو درم شام معجون نیز از تالیف
حکیم مذکور بجهت تقویت باه ص خصیة الثعلب دوازده درم مغز پنبه دانه حب الصنوبر کنجد مقشر
تخم بارچوبه کشنیز خربز از هر یکیده درم مغز کنجشک نر که وقت هیجان گرفته باشند بیست عدد دایه شتر اعرابی
دو مثقال ترنجبین سفید سه برابر ادویه عسل کف گرفته برابر ادویه ترنجبین را بشیرگاو تازه بجوشانند
وباعسل بقوام آرند وبقدر مزاج از دو مثقال تا چهار مثقال بکار برند معجون از ارشاد مذکره جهت
قطع اخلاط باردهٔ وفضلات بلغمیهٔ جهت ادرار بول نمودن حیض نافع ورنگ خساره وبشره را
نیکو گرداند وگفته اند که جهت برص مجرب است تا سه روز متصل بخورند پس پنج روز قطع کنند وسه
روز باز عود نمایند ووقت ابتدای استعمال معجون سازند که قمر در نقصان باشد ص هلیله کابلی
بلیله آمله افتیمون از هر یک پنج مثقال قرفه دارفلفل از هر یک چهار مثقال جوزبوا عاقرقرحا شیطرج از
هر یکدو مثقال بعسل بسرشند معجون برای دفع سرعت انزال وضعف گرده ومثانه ونفخ آلت
تجربه رسیده ص جوزبوا دو جزو آمله اذخر خسک هلیله بسباسه قرفه خولنجان حب بلسان
از هر یک سه جزو تخم مورد زعفران از هر یک یک جزو دارچینی زنجبیل از هر یک سه جزو کوفته

و در دگرده و اوجاع مفاصل را نافع بود و منی بغزاید و باه برانگیزد و دندان را سخت
گرداند و دل را قوت دهد و نشاط آورد و رنگ را نیکو گرداند و بوی دهن خوش کند و پیران را موافق بود
واضع این ترکیب اندرو ماجس قدیم است که با نصواب حکمای آنوقت مرتب ساخته ازینجا
منسوب بفلاسفه شده و درین نسخه اختلاف بسیار است موافق شیخ بوعلی و سید اسمعیل مرقوم نمود
از دو مثقال تا چهار مثقال قوتش تا چهار سال باقی است ص زنجبیل فلفل دارچینی آمله مقشر هلیله
شبطرج هندی زراوند مدحرج خصیته الثعلب مغز جلغوزه بابونه ناجیل از هریک ده درم تخم بابونه نیوفر
منقی سی درم عسل مصفی دو وزن باسه وزن ادویه بطریق معجون سازند و شیخ الرئیس خبث الحدید
اضافه درین نسخه بجهت زرداب نموده راقم این معجون باخبث الحدید جهت تقویت اعضاء تناسل
و رفع تقطیر بول مفید یافته معجون مادة الحیوة جدواری و هاضم و ملغم را دفع کند و نسیان و سلس
البول را و درد گرده و درد پشت او جاع مفاصل را نافع بود و منی بغزاید ص فلفل و زنجبیل و دارچینی
از هریک دو مثقال و نیم آمله هفت مثقال و نیم پوست هلیله دوازده مثقال و شبطرج هندی زراوند مدحرج
خصیته الثعلب مغز جلغوزه عرق بابونه مغز ناجیل گل بابونه از هریک دوازده مثقال و نیم جدوار
خطائی عود الصلیب از هریک پنجمثقال مروارید ناسفته هفت مثقال و نیم بهمن سرخ پنجمثقال و نیم
عسل سفید چهارصد مثقال موبز منقی شی و هفت مثقال بدستور معجون سازند معجون ترکیب
جالنیوس است هفت نفع دارد و قضیب سخت کند و اوعیه منی بکشاید و شهوت زیاده کند
و اعصاب را قوت دهد و در خون تغیر عظیم پیدا می کند و نعوظ بسیار آرد و دوستی مرد در دل زن
پیدا کند ص مروارید بسد از هریک یکمثقال بهمن از هریک سه درم کاکنج بیخ لبلاب از هریک
دو می قفاح اذخر سعد کتان مازج سلیخه دارچینی اسارون مصطگی از هریک نیم مثقال صمغ عربی
از هریک نیم درم کوفته بیخته با همچندان عسل بسرشند و در وقت نزدیک مجامعت یکمثقال با یکمی
بنوشند معجون ماسک البول او را بول را نافع و سیلان را بازدارد و خاصه مرد پیر را ص
اقاقیا گلنار هریک سه درم صندلین عدس قصب الزریره تخم خاص صمغ عربی طباشیر سفید

احیاناً در وقت متولد شده زیاده بر دو سال زنده نمی ماند بمرض ام الصبیان فات
میکرد معجون را تالیف نموده در ایام حمل پیش از آنکه بماه ششم رسد مدت حمل او چهل و یکروز
خوار انیدم بعون الله تعالی آن فرزند متولد شد و در تولد نیز آفتی باو نرسیده و نوشته که بسیاری
از جابا انواع مختلف استعمال نمودم سودمند یافتم ص مروارید کهربای شمعی بسد محرق مغسول
صندل سفید صندل سرخ طباشیر عفص اخضر در و نج عقربی عود الصلیب از هر یکدو مثقال
و نیم مغز تخم هندوانه تخم خرفه مقشر از هر یک پنج مثقال ورق طلا و ورق نقره از هر یک بیست عدد ابریشم
مقرض پنج انجبار شامی گل ارمنی از هر یکدو نیم مثقال عنبر اشهب دو دانگ شراب غوره
هفتاد و پنج مثقال نبات سفید یکصد و پنجاه مثقال عسل مصفی پنجاه مثقال بدستور مرتب
سازند شربت یکمثقال معجون رفتن آب از فرج زن منع نماید و در بنیاب مجرب است ص
موچرس سپیاری طباشیر نشاسته گل مختوم مازو گل سرخ حب الآس هلیله بلیله آمله از هر یک
شش ماشه سوصلی سیاه و سفید یکتوله پوست انار نه ماشه آب انار نرش دو دام نبات و عسل
سه چندان ادویه آمیخته بطریق معجون سازند شربت علی الصباح یک توله از حموضات
و ادویه مقبضه پرهیز ند معجون مجمل است و از اهل تجربه منقول ص زهره بز کوهی و اگر کوهی
نباشد اهلی که در کمال جوانی و مستی رسیده باشد بسد مغسول همین خولنجان خرد دل هر یک
ماشه در و نج عقربی مصری هر یکده ماشه با عسل کنگر فته ببرشند و سه روز هر روز از یکماشه
تا بقدر تحمل مزاج و قوت بخورند معجون معروف معجون سنبل در تقویت باه و تولید منی
و سیاه داشتن موی و بحال داشتن جوانی از مجربات اهل هند است ص درخت سنبل
جوان تازه بکاوند و بیخ او که از میان بری آید مانند گذر بار یک بریده در میان خشک
نموده سفوف کرده از جامه گذرانیده بهم وزن آن شکر تری با نبات معجون سازند و
بمقدار هر صبح استعمال نمایند و تا ده درم برسانند و از رشتی پرهیز کنند معجون فلاسفه آنرا
مادة الحیوة گویند هاضمه را قوت دهد و اشتها آورد و بلغم را دفع کند و سلسل البول است و درد

معجون فلاسفه

و گلاب و ازده دام بطریق مشهور معجون سازند شربت ازشش ماشه تا نه ماشه از خمو فضات
پرهیز نمایند معجون منفعل از بیاض عم مرحوم ص مغز پسته مغز فندق مغز تخم خربوزه مغز
حب الخضر امغز گردگان کش خربا مغز حب الزلم از هر یک سه ماشه خربا رسلیمانی شش ماشه مغز
کنجشک هفت عدد مغز کبوتر جنگلی پنجعدد مغز حب السنه مغز انجلک هر یکیه ماشه مغز نارجیل و گنجد مقشر هر یک
یکدرم خشخاش سفید مغز حب فلفل تخم کدر تخم شلغم تخم ترب تخم اسپست تخم پیاز تخم بلیون تخم کوبنج
تخم انجره تخم جرجیره مصطگی ثعلب مصری شقاقل مصری بوزیدان لسان العصافیر سورنجان
خولنجان از هر یک سه مثقال عود غرقی پودینه دارفلفل زنجبیل دالچه جوز بوا لبسباسه زرنباد
در ونج از هر یکدو ماشه قضیب گاو سوهان نموده مثقال ابریشم خام متقرض چهار مثقال بهمین
تو در بین هر یک شش ماشه مایه شتر اعرابی دارچینی هر یک سه ماشه قرنفل دو ماشه سنبل کنایه چینی
هر یک یکنیم ماشه چوب چینی اعلی دو تولهٔ زعفران دو ماشه مشک عنبر ماهی روبیان چهار ماشه
خسک پرورده سه قسط بحری قرفه هر یک دو ماشه مغاث بغدادی سه ماشه زراوند مدحرج عاقرقرحا
هر یکدو ماشه عسل سفید دو وزن ادویه نبات سفید یک وزن ادویه بطریق متعارف معجون
سازند معجون که در احتباس طمث و بول سودمند بود منفعت عظیم دراین باب دارد
ص را زیانه انیسون هر یکده درم مشکطرا شیع ریوند چینی اسارون حماما حریل جعده هر یک
سه درم مجموع را کوفته بیخته با شربت چندان عسل کف گرفته لبسر شند هر بامداد مقدار یکمثقال بخورند
معجون بجهت زنان حامله که عادت باسقاط داشته باشد مفید هرگاه شروع ماه سوم
شود هر روز یکمثقال بخورند اعانت بر حمل هم می نماید ص نشارهٔ عاج شاخ گوزن سوخته
گلنار ابریشم متقرض هر یک یکماشه مروارید مرجان بسد لشب سفید گل سرخ گل سبز کشنیز خشک
عود هندی مصطگی زرنباد کباب چینی هر یکدو ماشه کوفته بیخته بکنگبین سی ماشه وشیره آمله سه
معجون سازند کافور قیصوری اگر بالغ نباشد بقدر حاجت آمیزند معجون از حکیم علوخان
مرحوم در خواص او نوشته برای زنی که همیشه اطفال او پیش از وقت ساقط میشدند اگر طفلی

ابریشم مفرض بوزیدان پوست ترنج گل مختوم قضیب گاو اسطوخودوس ہریک سہ مثقال
حجرلاجورد مغسول مومیائی گانی از ہریک چہار مثقال دارچینی قرص افعی طباشیر سفید
مغز تخم خربوزہ تخم شبت مایہ شنبر اعرابی عود جوزبوا بسباسہ آملہ منقی مغز گردگان مقشر مغز پستہ دانہ
مغز فندق لعل فیروزہ مروارید ناسفتہ مرجان گل سرخ پوست ہلیلہ زرد پوست ہلیلہ سیاہ
کشنیز خشک ہریک پنجمثقال خصیۃ الثعلب پانزدہ مثقال مصطگی شش مثقال مغز کنجشک
چہل عدد بقدر کفایت معجون کہ صاحب قادری نوشتہ در تقویت باہ نظیر ندارد حص عاقرقرحا
قرنفل زنجبیل ہریک یک وقیہ زردۂ تخم مرغ پختہ بیست عدد عسل صد و بیست درم بقوام
معجون سازند شربت سہ درم معجون مختصر الاجزا در تقویت باہ و تولید منی مجرب است
حص زنجبیل شقاقل بوزیدان ثعلب مصری ہریک چہار درم حلتیت خوشبو شش مثقال
روغن ناراجیل چرب کردہ با قند و عسل ہریک سی مثقال بسرشند شربت دو مثقال غذا
قلیہ زردک و بیضہ تیمیر شت معجون چوب چینی از تالیف والد ماجد جہت تقویت باہ و تغلیظ
منی بجدیل است حص مروارید سائیدہ زعفران ہریک نیم مثقال مشک نبتی عنبر اشہب
دارچینی مایہ شنبر اعرابی بوزیدان کبابہ چینی ہریک نیمدرم خولنجان قسط شیرین سعد کوفی ہریک
نیم مثقال صندل سفید سہ پاو مثقال چوب چینی دوازدہ مثقال بیدچینی سنبل الطیب مصطگی
ہیل اسارون گل مختوم سمک صید از ہریک سہ حصہ مثقال صندل سرخ نیم مثقال مایہ ریوند
درونج عقربی زربناد تخم کدر تخم شلغم تودری تخم کونج بہمنین خشک پرورده از ہریک پنجمثقال
آملہ مقشر سہ مثقال جوزبوا نشاسۃ شقاقل گل گاوزبان بادرنجبویہ گل سرخ اشنہ تخم خشخاش
مغز تخم خربوزہ مغز تخم خیارین تخم کاسنی خرفہ مقشر از ہریک دو مثقال مغز فندق مغز گردگان مغز
چلغوزہ ہر واحد یکمثقال ثعلب مصری سہ پاو مثقال مغز ناراجیل مغز جبۃ الخضرا خرب انزلم
از ہریک پاو بالا یکمثقال تخم بلیون ولایتی مغز تخم کدو لسان العصافیر ہر واحد یکمثقال پودینہ
خشک دو مثقال عسل کشمیری دو وزن ادویہ قند سفید یک وزن ادویہ

عنبر اشهب یکمثقال زعفران کبابه بزر البنج سفید سنبل الطیب عود خام قرفه دارچینی مصطگی و والله
هریکیدو مثقال لسان العصافیر جوز بوا هریک سه مثقال بابه شتر اعرابی خصیة الثعلب هریک چهار
مثقال پوست خشخاش دماغ کنجشک نر که وقت هیجان گرفته باشند پنج مثقال نبات سفید ده مثقال
حب النیل چهار صد عدد دواها را کوفته بیخته باسه چندان عسل کف گرفته بسرشند و روغن بنفشه
و روغن بادام قدری داخل نمایند و بوقت حاجت از یکمثقال تا دو مثقال بخورند و غذا قلیا
دو پیازه و کباب معجون مسقط قوی منقول از رساله نشاط و انبساط ص اهل نرمس فوه
مشکطر اشبع مرتفاح اذخر از هریک یکمثقال حلتیت جاوشیر عصاره افسنتین دارچینی از هریک یک
مثقال سداب بستانی را در آب جوشانیده صاف نموده با عسل ممزوج نموده بقوام آرند
و معجون سازند خوراک از دو درم تا سه درم که بآبی دران پرسیاوشان و پودینه جوشانیده
باشند و از خربا شیرین نموده بدهند معجون که جهت تقطیر بول و سرعت انزال منی نفعدارد
ص آرد کنار فوفل خصیة الثعلب قرنفل سنبل مصطگی ناخواه هریکیده درم بانیم من عسل
بسرشند شربت دو درم معجون منسوب بصدر الملة والدین عطار الدین تبریز است جهت
تقطیر بول و سرعت انزال را نافع است و در اختیارات بدیعی نوشته که او در سرعت انزال
نظیر ندارد و غذا باید که کباب باشد ص مصطگی کندر جفت بلوط بزر القنب بالسویه کوفته بیخته
با دو چندان عسل بسرشند و باید که جفت بلوط و شهد انج نیم کوفته بیزند و لبان مصطگی باهم
آمیخته شربت دو مثقال و در نسخه عوض بزر القنب دانه مویز است معجون که در اعاده
باه مبردان بی نظیر و در تقویت دل و دماغ و جمیع اعضای انسان بعدیل است ص
پاوزهر هر انی عنبر اشهب ورق نقره مشک خالص هریک یکدرم سافوج هندی سوخته
زربناد تودین زعفران یاقوت از هریکیدو مثقال ماقرقیحا خطائی زرنب قرنفل کباب چینی زنجبیل
فلفل قاقلیا قاقله صغار دروبج عفرنی گل گاوزبان گل نیلوفر تخم کرفس انیسون
سعد کوفی خولنجان اسارون سنبل الطیب لسان العصافیر صندل سرخ زراوند مدحرج

شربت از دو درم تا چهار درم معجون که در تقویت مکرر تجربه آمده ص صفت آن عاقرقرحا خولنجان
مغز بلا درم مغز بادام مغز چلغوزه اسکندر از هر یک سه تولهٔ فلفل دراز مصطگی تخم بلیون از هر یک
یکنیم تولهٔ کنجد مقشر چهار تولهٔ مشک تبتی سمندر سوکه هر یک نیم تولهٔ جوز بوا ثعلب مصری زنجبیل از هر یک
دو تولهٔ زعفران مثقال بهمین تودرین لبسا سه تخم کونچه تخم زردک تخم انجره از هر یک یکتوله افیون بسفید
پنجاه تولهٔ عسل کفگرفته یکصد و پنجاه تولهٔ شربت اول چند روز یکمثقال بعد ازان از شش ماشه صبح و شش ماشه شام
معجون بجهت سرعت انزال از مجربات است ص هلیله کابلی بریان یکجزو بهمن سفید نصف
جزو راسن خسک قرنفل یکجزو آلهٔ مربی معجون سازند و نگاهدارند و بخورند معجون پیپل پاک که برای
تقویت باه و اعادهٔ شهوت نافعست ص شهد دو دام روغن گاو چهار دام پیپل دراز هشت دام
نبات سفید شانزده دام شیر گاو تازه سی و دو دام پیپل دراز را کوفته بیخته با شیر و روغن و نبات
بجوشانند در کرآهی آهنی با آتش ملائم که تمام شیر در خورد بعد ازان ناکیسر نخ تیج الا سیچے
از هر یک چهار ماشه همه را سوده انداخته و بعد از سرد شدن شهد انداخته معجون سازند یا حب
به بندند بقدر چهار ماشه و از یک حب تا دو حب در چلهٔ زمستان خورده باشند معجون جهت
تقویت باه از بقائی ص مشک یکمثقال عنبر اشهب زعفران لسان العصافیر هر یکدو مثقال
نعناع نارجیل تخم پیاز مغز چلغوزه تخم بلیون خسک مربی لبسا سه مغز پسته دانه انجره هر یکسه مثقال
مغز لبسته تودری سرخ و سفید هر یک چهار مثقال قرنفه مغز تخم خیار قضیب گاو همین تخم خشخاش
جبة الخضرا از هر یک پنجمثقال نیم پایه شتر اعرابی ده مثقال خصیة الثعلب هشت مثقال دانع
کنجشک نر چهل عدد قند سفید سه برابر معجون جهت سلسل البول و تقطیر آن مجرب است
ص مرسداب حرف یکدرم کندر حب الاس جوز بوا لبسا سه قرنفل هلیلهٔ سیاه هر یکدو درم
سعد شو نیز هر یک سه درم انجیر خشک پنجدرم طباشیر پانزده درم کوفته بیخته بعسل ابر شند
شربت از سه مثقال تا پنج مثقال معجون تالیف جلال الدین جهت سرعت انزال نهایت
مفید و در امساک منی بنظیر و قضیب را محکم کند و نغوظ آورد و لذت جماع دهد از مجربات است

دو درم تا سه درم معجون کاکنج قرحه مثانه و گرده و بول الدم نافع بود ص بزر البنج تخم کرفس را زیاده
هر یک هفت درم مغز تخم خربوزه تخم حماض انیسون مغز چلغوزه بریان کرده مغز بادام تلخ بریان فندق
از هر یک سه درم زعفران دو درم و نیم کاکنج بیست و پنج عدد کتیرا چهار درم کوفته بیخ بسر شند شب
یکدرم با خند بقون یا با ماء العسل یا شراب خشخاش معجون ابن ماسویه واو گوید که معجون سنگ مثانه
را منفعت نیک دارد ص اسارون حب البلسان سلیخه اسپند حب بلسان عود بلسان همه را نرم
بکوبند و بحریر بیخته و با آب بادیان سرشته معجون سازند و سه درم از وی بکار برند معجون حبب
فراش شخصی قریب پنجاه نوبت بول میکرد و بعد او مدت این ترکیب مرض او برطرف شد
ص فلفل دو ماشه کندر قسط شیرین سعد کوفی بلوط از هر یک پنج ماشه زنجبیل سه ماشه دارفلفل
پنج ماشه عسل سه وزن ادویه معجون از علویجان مرحوم سلسل و فراش و سبلان منی و ودی
و مذی که یاس از علاج آمده باشد مجرب نوشته ص کهربای شمعی یکمثقال و چهار دانگ هلیله سیاه
هلیله کابلی که این هر دو را در روغن گاو بریان کرده باشند کاث هندی سفید از هر یکدو مثقال حضب بلوط
قشار کندر از هر یک نیم مثقال شهد انج حب لآس از هر یک چهار مثقال خصیة الثعلب کوفته
در گلاب بیزند تا مسطر شود ادویه را بآن سرشته هر روز دو درم آنرا تناول نمایند بعد ازین شراب
صندل ده درم تخم بالنگو دو درم درهم کرده بنوشند معجون برای تغلیظ منی ص گویند نشاسته
خصیة الثعلب از هر یک نیم تولہ کتیرا طباشیر دارچینی دانه هیل از هر یک چهار ماشه مغز بادام مقشر
دو تولہ ناریل یکتولہ علک البطم سه ماشه مغز چلغوزه یکتولہ مصطگی دو ماشه نبات سه وزن ادویه
معجون که نجیب الدین خان را از تقویت باه اثر بسیاری بخشیده بود ص دارچینی قسط شیرین
زعفران زنجبیل فلفل سفید کنجد مقشر زعفران زنجبیل از هر یک یکدرم خشک ساوج هندی اسارون
کرویا قرنفل قاقله از هر یکدو درم تخم تربد تخم شلغم از هر یک چهار درم مروارید ناسفته کهربا بسد از هر یک
شش ماشه مغز بادام مغز پسته مغز چلغوزه از هر یک یکدرم ثعلب مصری گل سرخ بهمنین از هر یک
یکتولہ عود غرقی شش ماشه مشک سه ماشه مصطگی چهار ماشه نبات سفید یک وزن ادویه عسل دو وزن

لبواسیر نماید ص خبث الحدید مدبر پوست ہلیلہ زرد پوست ہلیلہ سیاہ آملہ منقی کرنا نج از ہر یک
پانزدہ درم اذخر سعد کوفی زنجبیل فلفل کندر از ہر یک دو درم کوفتہ بیختہ بعسل آملہ مربی سہ
وزن ادویہ معجون سازند شربت یک نخود بزرگ معجون عقارب برای حصاۃ گردہ ومثانہ
از ابن سرافیون ص عقارب سوختہ سہ درم ونصف خبط یارو سے چہار درم
ونصف زنجبیل یکدرم فلفل سفید فلفل سیاہ از ہر یک دو درم ونصف بیخ کاکنج نیم درم و
نصف جند بیدستر چہار درم کوفتہ بیختہ باسہ چندان عسل کف گرفتہ معجون سازند وبعد از
شش ماہ استعمال نمایند شربت دانگی بآب کرفس معجون یداللہ در تفتیت حصات نہایت
مجرب است ص خمان بزر چہار سالہ باشد زجاج محرق ریادر عقرب ریادبیخ کرنب ریاد از ہر
حجر اسفنج پوست تخم مرغ کہ پختہ بیرون آوردہ باشد حجر الیہود صمغ جوز وج فطر اسالیون وقو
صمغ آلو مشک طرامشیع تخم خطمی فلفل از ہر یک یکمثقال جملہ را بادو وزن ادویہ عسل بسرشند از
یکمثقال تا سہ مثقال بآب بطیخ خشک وبخود سیاہ کہ ہفت ماشہ باشد در یکرطل آب بجوشانند
تا ثلث بماند صافنموده بخورند ومسمی یداللہ بجلالتہ وباید کہ بزر اول نگون پشت بیخ کنند وخون
اول وآخر او را بریزند وخون درمیان او را در ظرفی نگاہدارند تا منجمد شود پس از کارد قطع قطع کرده
در آفتاب خشک نمایند ومحل را از پارچہ پوشیده دارند تا از غبار محفوظ باشد معجون
کہ بول در فراش باز دارد ص مروکندر افاقیا شیاف مامیثا ہر یکدو درم شب یمانی بزن
سہ درم تخم خطمی ہفتدرم راسن تخم کتان ہلیلہ کابلی بریان ہر یک دو درم کوفتہ بیختہ باشہد
آمیزند شربت سہ درم معجون حجر الیہود سنگ گردہ ومثانہ بریزاند ص مغز تخم کدو مغز
تخم خیارین مغز تخم خربوزہ حب کاکنج ہر یک پنجدرم حجر الیہود پنجاہ درم صلابہ کرده بعسل سرشتہ
معجون سازند شربت سہ درم نادر معجون حجر الیہود کبر ص حجر الیہود پنجاہ درم کاکنج لسار وزن
فرونا مغز تخم خربوزہ تخم خیر تخم کرفس مغز حب القطم دوقو مغز تخم خیارین انیسون مغز تخم
تربد مغز تخم کدو مغز تخم خیار از ہر یک پنجدرم کوفتہ باسہ وزن ادویہ عسل مصفی بسرشند شربت

گل ارمنی گلنار مساوی باسه وزن ادویه عسل بسرشند نیم درم بارب به یا آب سماق یا آب سرد

معجون تالیف حکیم عبد الحمید که جهت اقسام اسهال خصوص اسهال بواسیر مفید ص

انیس نشاسته حب الاس تیواج خطائی کشنیز برشتر بنج انجبار طراثیث زال مغز بیل سعد

زیره سبز از هر یک یکتوله کهربا طین ارمنی هر یک شش ماشه طباشیر دو توله زیره را در سرکه

خیسانیده و برشته بادویرا برحب الاس معجون کنند خوراک نیم توله با یک توله با شربت انجبار

معجون که طبع را نرم کند و بواسیر را فائده دهد ص سقل ده مثقال کتیرا پنج مثقال انجیر با

سو نیز دانه بیرون کرده بیست مثقال شربت سه مثقال خذا گوشت مرغ و زرده بیضه مرغ

معجون منقول از تذکره جهت اسهال جمیع اخلاط و ماده محترقه و مواد جذام و حمیات مجرب است

و مزیل عطش را قم یکسر تیه ساخته بود برای رفع مواد محترقه از مزاج خالی از نفع نیافته ص راز یانه صندل

تخم خبازی هر یک چهار مثقال گل سرخ ده مثقال هلیله زرد تخم کشوث افسنتین بنفشه هر یک

پانزده مثقال عناب سپستان سو نیز منقی هر یک سی مثقال الو بخارا تمر هندی هر یک نیم طل

جمله را در آب کوفته بیخته صاف نموده و باسی مثقال نرنجبین و یک وزن ادویه شکر لقوام آرند طباشیر

و کتیرا و صمغ عربی و سقمونیا نشاسته هر یک پنج مثقال اضافه کنند و اگر خواهند اسهال قوی تر

شود هفت مثقال سقمونیا شربت از مثقال تا هفت مثقال معجون

کاقولنج بکشاید و ایلاوس را که سبب انسداد انتقال در امعاء و قاق باشد سود

دارد ص مصطگی قرنفل زنجبیل فلفل دارفلفل جوز بوا اجزا مساوی کوفته بیخته سقمونیا

بوزن گل شکر آب لقوام آورده بسرشند شربت از یکدرم تا دو مثقال معجون تالیف حکیم علی

کیلانی رفع مواد بلغمی کند ص بگیرند تربد سفید مصمغ مجوف مدبر بگیر طل زنجبیل یک اوقیه فلفل

سه دم مصطگی یک اوقیه تربد را خراشیده بروغن بادام شیرین چرب کنند و با سیاه

ادویه کوفته بیخته با دو وزن عسل مصفی خام معجون سازند شربت از دو درم تا پنجدرم

با گبر مهل کرده بنوشند و اگر بیوشانند نیز جایز است معجون به نسخه سید اسمعیل غفر الله جنبر خون

بیخ سوسن هفت درم ریوند چینی لک مغسول از هر یک یکمثقال و نیم سلیخه زعفران هر یک سه درم
مر نیم مثقال زعفران را در سرکه حل کنند و دو اها را کوفته بیخته بدان مخلوط سازند و بعسل بسرشند
معجون صلابات سپرز و جگر و درد معده و مثانه را نافع باشد و سده بکشاید ص خیطبا مارو
فلفل از هر یکده درم قسط سافج سنبل ریوند چینی از هر یک هفت مثقال کوفته باسه وزن او
عسل سرشته شربت دو درم بآب سداب معجون قولنج صعب را در یک ساعت بکشاید ص خیر بوا
قرفه سافج هندی دار فلفل فلفل زنجبیل برنگ کابلی قرنفل آمله مقشر از هر یکمثقال تخم کرفس سنبل
زعفران مصطگی از هر یک نیم مثقال تربد سفید سقمونیا از هر دو کوفته بیخته باسه چندان عسل بسرشند
شربت ده درم معجون قولنج را بکشاید و بلغم را دفع نماید و در دیشت بنشاند ص سقمونیا ده درم
قاقله کبار و صغار زنجبیل دار چینی قرنفل فلفل از هر یک پنجدرم شکر سرخ تربد سفید از هر یک صد
مثقال عسل بقدر احتیاج بدستور مرتب سازند شربت دو درم معجون زحیر و اسهال کهنه را سود
دارد ص افیون چند بید ستر مبعه بزر البنج زعفران اسارون مر تخم کرفس انیسون سنبل سلیخه گاو
مساوی کوفته باعسل معجون سازند شربت یکدرم بآب مورد یا آب بهمعجون قولنج را تا دو درم
در یکساعت ص زنجبیل زیره کرمانی سداب مرقه خولنجان از هر یکده درم سقمونیا هفت درم عود
معجون که اسهال کهنه و زحیر را که باجرارت بود سود دارد ص چند بید ستر اسارون رایحه سائله
بزر البنج کندر کوفته بیخته باعسل بسرشند شربت دو درم معجون سکبینج قولنج بکشاید ص سکبینج
تخم کرفس چند بید ستر از هر یک جزوی سقمونیا نیم جزو سقمونیا را در روغن بادام بیامیزند و
سکبینج را در عسل حل کرده بهم آمیزند و دارو های دیگر را کوفته بآن بسرشند معجون بادبواسیر
و بادی که در روده بود بشکند و آماس مقعد را که خون از و آید سود دارد ص بلیله کابلی آمله
مقشر بلیله تخم گندنا تخم شاهسفرم هر یک پنجدرم مثقل ده درم مقل را در آب حل
نمایند و دارو ها را در ان بسرشند شربت دو درم معجون اختلاف اسهالی و زحیر را
نافع بود ص افیون چند بید ستر مبعه سائله بزر البنج زعفران مر اسارون مر کرفس سنبل

بلیله آمله بلیله کابلی اسطوخودوس از هریک سه درم افتیمون چهار درم نمک هندی سی درم ایاره
فیقرا ده درم غاریقون چهار درم کوفته بیخته بسکنجبین ساده بسرشند شربت سه درم یا گرم **معجون**
که شهوت رویه و صداع را سود دارد ص دو فوریوند چینی حب بلسان اذخر انیسون افیون
سلیخه زعفران دارچینی اسارون فطراسالیون کما فیطوس هریک سه مثقال مغز چلغوزه سی
مثقال نعناع خشک نیم مثقال کوفته بیخته با عسل معجون سازند **معجون** نانخواه این معجون را
محمد زکریا ستوده است میگوید عجب دارم از کسی که این معجون بکار برد او را با طبیب حاجت
بود دماغ و معده را قوت دهد و گونه را نیکو گرداند و طعام بگوارد و بوی دهن خوش کند و بن دندان
سخت گرداند و آب فتن از دهن باز دارد و کرم شکم بکشد و بادهای مخالف بشکند و گرده را
قوت دهد و شانه پاک کند و قضیب سخت نماید ص تخم کرفس نانخواه تخم شبت تخم خرزر تخم کندنا
هریکده درم حلک و می قرنفل قرفه عاقرقرحا اسارون بسباسه از هریک یکدرم عود نیمدرم
مشک نیمدانگ زعفران نیم مثقال جمله را کوفته باصد درم سونیشکری یا صد درم شکر در دیگ
سنگین با آب بجوشانند تا بقوام آید او دیه ها در و بسرشند شربت شبانگاه و بامداد یکمثقال **معجون**
نفسخبر معده پاک کند و اشتها طعام آورد و باه را قوت دهد ص سعتر نانخواه زوفا رنفع
خشک شونیز زیره کرمانی از هریک پنج مثقال وج بسباسه را زیانه زنجبیل جوز بوا کرفس از هریک
مثقال شاد و مثقال کوفته بیخته با همچندان عسل معجون سازند **معجون** درد جگر و معده
و اورام را نافعست ص بوند شهدانج وج بیخ ابخدان بیخ کرفس را زیانه انیسون نانخواه
مساوی الکل بسرشند و بعضی بدل شهدانج راسن میگویند شربت مثقال با مار العسل
معجون سهل از منهاج برای امراض جگر و معده ص لک مغسول ریوند چینی عصاره
قثاء الحمار شحم حنظل هریک پنجدرم عصاره افسنتین غاریقون هریک هفتدرم کاسنی تخم کشوث
هریکده درم عصاره زرشک پانزده درم عصاره گل خشوق خشک بیست درم کوفته بیخلاب
بسرشند شربت ارم تا هفتدرم آب کاسنی **معجون** و درم جگر را نافع بود ص گل سنج چهار درم

دهد واشتها آرد و تشنگی بنشاند و ضرر آب فاسده دفع کند ص طباشیر سفید گل سرخ هر یکده درم
سماق منقی از حب دو درم گلنار قاقله کبار هر یک یکدرم مصطگی نیم درم شربت سه درم با آب سیب
یا به معجون جهت دفع فواد و تقلب نفس که از برد باشد نافعست بسیار قوی معده است ص
گل سرخ فلفل زنجبیل زراوند طویل دارچینی اسارون هر یکده و جزو مصطگی زربناد پودینه انیسون
هر یک یکجزو جندبیدستر وزن عسل و زن شیره گلقند بسرشند شربت دو مثقال معجون جهت
شهوت طین و دیگر چیزها نافعست ص ایارج فیقرا دوازده درم هلیله بلیله آمله ملح نفطی کوفته
بیخته بعسل بسرشند شربت از سه درم تا چهار درم معجون بجهت تقویت معده و باه و اشتها
و قوت مجامعت بسیار مجرب است ص جوزبوا لبباسه لسان العصافیر بیخ اذخر زنجبیل
دارچینی مصطگی زعفران عود هر یک سه مثقال قاقله کندر هر یک مثقال اشنه دو نیم مثقال قند
و گلاب هر یک دو مثقال قند را در گلاب حل کرده عسل بقدر کفایت اضافه نموده بقوام
آورده ادویه مسحوق بدان بسرشند شربت یکمثقال معجون درد معده و جگر و سپرز را سود دارد
و درد دوار را بشکند ص سلیخه نانخواه حماما زیانه انیسون سیسالیوس جندبیدستر شبت زراوند
طویل مصطگی اسارون کرویا کوفته با عسل معجون سازند معجون اسطمخیقون تباهی مزاج و
درد معده را سود دارد ص قسط حماما سنبل سلیخه مصطگی از هر یک دوازده درم زراوند طویل
فلفل سیاه فلفل سفید تخم کرفس شبت انیسون نانخواه زیره کرمانی دو قوقوفطر اسالیون کاشم اسارون
و افسنتین ابخدان فودنه لعناع خشک از هر یک چهار درم کوفته بیخته بعسل سرشته معجون سازند
معجون کاورام معده و جگر را سود دارد ص نانخواه ریوند چینی زنجبیل راسن اشتر خار هر یک
جزوی تخم کرفس زیانه هر یک نیم جزو کوفته بیخته بعسل معجون سازند معجون که درد معده و جگر
و سپرز را نافع و بادها را بشکند ص سلیخه حماما سنبل نانخواه تخم کندس انیسون سیسالیوس جندبیدستر
تخم شبت زراوند طویل مصطگی اسارون کرویا مساوی کوفته بیخته بعسل معجون سازند معجون
معده را پاک کند و فی بلغمی سوداوی را باز دارد و دوار را نیز نافع باشد ص اجزاء آن هلیله سیاه

شیرین آب انار شیرین آب به شیرین آب سیب شیرین از هریک چهار رطل عسل مصفی بیست
مثقال نبات سفید دو رطل عرق مشک دو رطل عرق گاوزبان گلاب از هریکه دو رطل
بدستور مرتب سازند معجون افسنتین جهت درد معده و وجع الفواد که از مواد سوداوی باشد نافع
ص افسنتین هفت درم انیسون تخم کرفس هریک پنج درم سلیخه دو درم افیون چند بید ستر هریک
دو درم عسل دو چند همه بطریق متعارف معجون سازند معجون جهت تقویت معده و استرخاء و تشنج
وی نافعست و دل را قوت دهد و قبض شکم نماید ص پوست سنگدان خروس طباشیر هریکه دو
مثقال گل سرخ سه درم نعنع خشک پوست بیرون پسته پوست ترنج پوست هلیله زرد هریک
یکمثقال همچنین صندلین کتیرا خشک بریان حب الاس صغر هریکه دو درم کوفته بیخته بشراب
فواکه معجون سازند شربت دو مثقال معجون که معده و جگر را قوی گرداند و بلغم به برد و اشتها آرد و
بدهضمی دفع نماید و بوی دهان خوش کند و سیلاب لعاب دهن باز دارد و سده بگشاید و کرم شکم
بکشد و بادها بشکند و گرده را قوت دهد و ریگ گرده و مثانه پاک کند و باه بیفزاید و بقراط گوید که اگر
در سال یک هفته هر روز سه درم بخورد ازین معجون مرادی که از شهوت طلب کند برآید ص
نانخواه تخم گذر رنجبیل هریک ده درم زعفران بسفایج هریک یکدرم بیخ کرفس پنج درم کوفته بیخته
با عسل بسرشند شربت سه درم معجون نافعست جهت کسی که بسبب رد معده طعام را قی کند
ص بیخ اذخر سعد از هریک یکدرم نانخواه اشنه فلفل کندر هریک پنج درم زنجبیل سلیخه بود دینه
هریک بعدرم مصطگی عود خام هریک ثلث درم قرنفل سک هریکدانگی مویز بادانه دو سنبل
نخست دانه از مویز برآرند و با آب بسایند پس بهمین آب دانه مویز گوشت بسایند و بجوشانند غلیظ
شود بعده او دیه کوبیده بیخته بدان بسرشند شربت بقدر بادام معجون جهت بادها که در معده
خالی جمع آید و ایذا دهد ص زرنباد درونج هریکدو درم مروارید لبد ابریشم بسیاسه قرنفل
زعفران چند بید ستر از هریک یک و پنج درم سنبل هریک پنج درم اشنه پنج درم کوفته بیخته بعسل
بسرشند شربت یکمثقال معجون طباشیر حرارت و رطوبت معده را نافعست و معده را قوت

وهزال وادویه قتاله ولسع هوام وذات سموم ص وارچینی قسط جندبیدستر افیون فلفل دارفلفل
میعه سائله از هریک یک وقیه عسل کف گرفته کوفته بیخته قنه رادر عسل بجوشانند تا گداخته شود وپس سایر
ادویه انداخته معجون سازند ودر ظرف پاکیزه نگاهدارند مقدار بامقلا بامارالعسل وسه قطره روغن خیری
داخل کرده بخورند معجون مسمی معجون الربو معجون کرسنه ومعجون زوفای تالیف محمد ذکریا نافع
بود از برای ضیق النفس وسعال بلغمی ص زراوند مدحرج قرد ماناوقیق کرسنه فلفل تخم حرف
سفید معذ بادام مقشر تخم انجره از هریک پنجدرم پرسیاوشان رب السوس زوفا خشک از
هریکده درم صمغ عربی سه درم کوفته بیخته باسه چندان عسل کف گرفته معجون سازند معجون
مقوی خفقان وغشی ومنشط ومقوی معده وجمیع اعضا ص عنبر اشهب مشک خالص مروارید
ناسفته یاقوت زمرد هریک یکمثقال ورق طلا سه مثقال عسل هشت مثقال آب سیب
شیرین آب انار شیرین نبات هریک یک رطل گلاب عرق بیدمشک عرق گاوزبان هریک
یکرطل بدستور معجون سازند واگر عوض ورق طلا ورق نقره کنند معجون نقره خوانند معجون
از مجربات والد ماجد بخفقان حار نافع ونافع انجره از معده ومراق ورحم ص صندل سفید در آب
شیرین سائیده سی درم آب تمرهندی آب انار دارمی که بغایت ترش میباشد واز طرف کوه
می آید هریک نصف رطل شکر سفید سه رطل شکر را بقوام آورند بعد ازان صندل سفید از صافی
گذرانیده بیندازند که قوام قریب آید پس انار آب تمرهندی داخل کنند وبقوام آرند ووقت فرود
آوردن طباشیر چهار درم عود زعفران درم سائیده اضافه نمایند ودر ظرف نقره یا شیشه نگاهدارند شربت
دو درم تا چهار درم معجون دیگر ص طلا یکدرم ونیم عنبر اشهب یکدرم ونیم مشک تبتی دو دانگ
نبات بیست درم عسل سفید مصفی هفتدرم آب سیب شیرین چهار درم گلاب سی وپنجدرم
بدستور مرتب سازند معجون از حکیم الملک اردستانی که بجهت عالمگیر بادشاه ترتیب داده بود
ص یاقوت رمانی لعل بدخشی مروارید ناسفته از هریک چهار درم ونیم مشک تبتی خالص
عنبر اشهب هریکده مثقال نیم زعفران دو مثقال ورق طلا محلول نیم مثقال شربت خواکه

کهنه ده مثقال بسایند و در غسل بسر شند شربت دو درم نابیست و رم آب گرم معجون سیسالیوس برای
جمیع امراض بلغمی مفید بود خص تخم سیسالیوس را وند مدحرج از هر یک چهار درم حب النفار فاوانیا از هر یکده درم
جند بیدستر چهار درم قرص اسفیل پنجدرم کوفته بیخته بعسل کف گرفته معجون سازند شربت دو درم با سکنجبین
معجون وج ترکی ابتدای نزول آب را نافع بود خص وج حلتیت بخمیر لزیانه مساوی بعسل بسر شند
و معجون بایاج فیقرا بکجر و نیز اضافه نمایند معجون جهت سرفه که سبب آن رطوبت باشد نافعست
خص مغز چلغوزه سه درم مغز لسته پنجدرم مغز بادام مقشر بزرگ هر یکده درم قند سفید سی درم معجون
سازند شربت مقابل گردگان معجون سرفه و درد سینه و درد معده و جگر را نافع بود و بول براند و اد
صاف کند خص مویز منقی با کشمش بیست و پنجدرم زعفران سنبل سلیخه دارچینی دارشیشعان هر یک
یکدرم قصب الذریره قفاح اذخر حلک لبطم بقل هر یکدو درم و نیم مرجا چهار درم انیخه حلکردنی است دو شلثم
حل کنند و انیخه کوفتنی است بکوبند و بیزند و جمله را با عسل بسر شند شربت یکدرم بگشراب زوفای
در درد سینه و سرفه با آب گرم در درد جگر و معده و این نسخه سمرقندی نوشته مویز بیست و چهار درم
زعفران سلیخه سنبل دارچینی قصب الذریره قفاح اذخر حلک لابناط هر یکدو درم و نیم مرجا چهار درم
عسل قدر حاجت معجون تالیف مؤلف جامع الصناعه آواز صاف کند سعال مزمن و ضیق النفس
و ربو و درد معده و قولنج و درد سینه را نافع و گفته که مکرر تجربه رسیده است خص مکی میعه سائله کتیرا صمغ عربی
از هر یک پنجدرم کندر مغز بادام تلخ زراوند قرو ما زعفران پرسیاوشان ابرسا فراسیون از هر یک سه
درم زوفا خشک چلغوزه از هر یک پنجدرم مویز منقی دو درم اجزا را کوفته بیخته و صمغ را در سه
اوقیه طبیخ زوفا حل کرده در عسل و نبات معجون سازند شربت دو درم با آب گرم معجون که
سرفه را نافع باستعجال بخشد خص زعفران مکی روغن بلسان میعه سائله افیون همه را مساوی با
عسل سفید سه چند معجون سازند معجون منسوب طرف ارسطو ماجس حکیم دوای عجیب و غریبست
برای نفث الدم و سعال و قرحه ریه و امده مجتمعه در صدر و خرق عضلات و جنب و قذف طعام
و هیضه و ذرب و فروح امعاء و علل مثانه و اختناق رحم و حمیات نائبه و قتی بخورند قبل از وقت

تخم پیاز تخم گندنا هریک دو درم زرنب شیطرج هندی افلجه اسفیل منسوی از هریک سه درم مجموع
را کوفته بیخته بروغن بادام تلخ چرب نموده باسه وزن مجموع ادویه عسل مصفی بدستور مقرر معجون
سازند و در ظرف چینی بازجاجی کرده شش ماه در جوگدز انیده و بعد ازان استعمال نمایند و هر چند
کهنه شود بهتر گردد شربت از دو درم تا هفت درم و ازین معجون چهل و پنج جزو است و وزن
مجموع ادویه یکصد و پنجاه درم و نیم است و مزاجش گرم در اول اخر درجه دوم و خشک در اول
درجه سوم و مشهور میان اطبا شربت ازین معجون از دو درم تا پنج درم است و در اختیارات
بدیعی بجای تخم فرنجمشک فنجنگشت است معجون جهت تقویت دماغ و حذر تالیف والدناجد
ص عود الصلیب سه ماشه دارچینی سه ماشه مصطگی بوزیدان هریکدو ماشه سورنجان مصری
چهار ماشه شقاقل خولنجان بهمنین گاوزبان گیلانی ورق بادرنجبویه سنبل الطیب اشنه
هریکدو ماشه عود غرقی ماشه بلیله کابلی چهار ماشه قسط شیرین دانه هیل برگ فرنجمشک سعدکوفی
هریکدو ماشه قرنفل زعفران زرنباد از هریک نیم ماشه ثعلب سه ماشه تخم خشخاش چهار ماشه
وارفلفل در ونج عقربی لسان العصافیر لعنع اسارون اسطوخودوس سانج هندی سلیخه از
هریک دو درم مشک نیم درم عسل خالص سه وزن ادویه کوفته بیخته بطریق متعارف معجون
سازند معجون که مسمی بمبدل المزاج تالیف تحفه بهجت قطع عادت افیون بغایت مجرب
است و در رفع استرخاء و فالج و امراض بارده و درد مفاصل و عرق النسا و سلسل بول
بغایت نافعست ص اذراقی که کچله نامند شش مثقال در شیر خیسانیده پوست او را جدا
کرده بسوهان ریزه نموده بعد ازان نرم صلایه نمایند گل گاوزبان چهار مثقال بیل زرنباد
شقاقل صندل آنله بلیله سیاه از هریک دو مثقال عود هندی یکمثقال اسطوخودوس
مغز چلغوزه کتیرا ناردجیل از هریک سه مثقال عسل سفید سه وزن ادویه شربت تا دو مثقال
مداومت نمایند معجون از جالنیوس صاحب تحفه نوشته که از اسرار است و بنجر به رسیده
ص حاقرقرحا مثقال صلایه نمایند و از سنبل باریک بگذارند بعد ازان در هاون با سرکه

زنجبیل هر یک دو درم نخود خام زعفران هر یک پنجدرم شربت مقابل گردکان معجون طاب
علویخان برای امراض سوداوی و بلغمی و لوزشته که تریاق جمیع سموم است و اگر در زمستان
چهلروز مداومت نمایند برای اکثر امراض مفید بود خص گل گاوزبان برگ بادرنجبویه
از هر یک بیست و پنجمثقال لسفایج فستقی هلیله سیاه پوست بلیله کابلی عنب الثعلب از هر یکدیوده
مثقال و نیم مجموع را در دوازده رطل آب شیرین بجوشانند تا چهار رطل بماند صاف نموده پس
بگیرند شیر تازه پاک کرده یکرطل و دران مطبوخ داخل کرده با آتش ملایم بپزند تا مهر اشود پس دو رطل
شیر گاو تازه دران داخل کرده بجوشانند آن مقدار که وزن شیر برود پس یکرطل روغن گاو
خالص داخل نموده بجوشانند تا روغن را جذب کند پس عسل مصفی دو رطل داخل کرده
با آتش ملایم بقوام آرند زنجبیل و فلفل سیاه و سفید و دارفلفل سلیخه کباب چینی خولنجان
بهمنین شقاقل گل بابونه مرزنجوش از هر یک پنجمثقال عنبر اشهب زعفران هر یک یکمثقال
کوفته بیخته بآن سرشته بدستور معجون سازند و در ظرف چینی کرده در جونگاه دارند بعد از چهل روز
بکار برند شربت یکمثقال معجون لنسخه میزان الطبایع از برای جمیع امراض سوداوی و بلغمی
و صداعی و ضعف دماغ و ضعف کرده و قلب و تمام بدن و وسواس فاسده و مالیخولیا و جنون
و نسیان و سل و زحیر و جراحات و نقرس و سرفه قدیم و بهق و برص و درد معده و طحال و یرقان
و اوجاع مفاصل و ذات الجنب و داء الفیل و حمی ربع و تقویت باه و بواسیر و تاریکی چشم و سنگ
کرده و مثانه مفید خص جنطیانا رومی قردمانا نارمشک تخم فرنجمشک حب لغار زراوند طویل انیسون
چند بیدستر حب بلسان اسارون سلیخه مصطگی هر یکدو درم زعفران جوزبوا قرنفل زنجبیل
قاقله کبابه اشنه سنبل الطیب دارچینی هر یک سه درم بادرنجبویه صبر سقوطری ده درم
تربد سفید مجموع خراشیده بروغن بادام شیرین بچرب نموده بیست و پنجدرم عود
هندی خام دوازده درم لک مغسول در دا احمر منزوع الاقماع از هر یک پنجدرم
سعد کوفی حب الغلب از هر یک چهار درم هلیله سیاه آمله منقی پوست هلیله هر یک شش درم تخم خربق

محمد زکریا در هفته که نوبت صرع زائل کند و فالج و لقوه را به برد ص افتیمون اسطوخودوس بسفایج
قسنقلی اقر قرحا مساوی با سکنجبین عنصلی یا با آب سیب معجون سازند معجون برای اصحاب
صرع مفید ص هلیله کابلی هلیله زرد آمله اسطوخودوس هر یکدو درم عود صلیب نیجدرم عاقرقرحا
سه درم زبیب منزوع العجم یکدرطل معجون سازند هر دو نسخه منقول از بیاض عم مرحوم معجون
برای صرع نیز منقول از بیاض مذکور ص هلیله کلان تربد سفید زنجبیل مصطگی عود صلیب از
هر یک ده مثقال اسطوخودوس یکمثقال هلیله سیاه آمله هر یک شش مثقال دارچینی چهار مثقال زعفر
بادام خسیر بن پنجمثقال عسل سه وزن ادویه بعد از چهل روز استعمال نمایند شربت یک مثقال
معجون نسیان را نافع بود ص کندروج سعد از هر یکده درم زنجبیل فلفل از هر یک پنجدرم
عسل دو چند تا سه چند شربت یکمثقال معجون برای نسیان و تقویت دماغ و دل مجرب
ص دارچینی قسم اول بهمین سنبل الطیب حب بلسان عود صلیب مصطگی زعفران کندر
بیخ سوسن عقربی سعد وج اسطوخودوس کباب چینی اسارون از هر واحد دو ماشه هلیله کابلی
مغز نارجیل هر یک چهار ماشه ابریشم مفرض بیست ماشه سونیز دانه بیرون کرده پانزده دانه مغز
فندق سه ماشه دارفلفل زنجبیل فلفل سفید از هر یک یکماشه نبات چهار دام و عسل نیم پاو کف گرفته مرب سازند
معجون یونس حافظ قوت دهد و نسیان را نافع بود ص سلیخه وج زراوند زعفران دارچینی مصطگی
هر یک شش مثقال تخم سداب فلفل سفید هر یک هشت مثقال صبر شصت مثقال عسل دو چند
تا سه چند معجون لقوه و فالج و رعشه و بواسیر و بهق و برص را نافع بود و معده را قوت دهد و اشتها
آورد و بلغم دفع کند و قوت بهفزاید و رنگ انیکو و سرخ گرداند و حرارت غریزی را
برافروزند و پیران را بغایت مفید بود ص شیر پاک کرده یک نیم من در یک من
شیر گاو بیزند تا مهر اشود سه چهار یک عسل و سه درم روغن گاو بر سر آن
ریزند با یکدیگر ممزوج نموده از آتش فرو گیرند و این دارو ها را کوفته بآن
بسرشند قرنفل لسباسه جوزبوا فلفل مصطگی قاقله کباب و صغار دارچینی

نفس سود اباشد سود دارد و از مجربات است حص بنج ابیض دو ثلث درم خنطیانا دار شیعان
گاوزبان ورق فرنجمشک هریکدامی دو نیم حریل شونیز کندش هفت روز در سرکه خیسانیده و
خشک کرده هریکدو درم شاهتره حب لغار ورق شکاعی اصل لفاح اسطوخودوس حشیش
خافث فوه میعه سایله فطراسالیون تخم کرفس انیسون رازیانه اشنه قرنفل قشور سلیخه مصطگی
هریک سه درم زراوند مدحرج وطویل زرنباد خارلقون بیش سفید از هریک چهار درم هلیله
سیاه هلیله کابلی بنج سوسن آسمان گونی سقمونیا روز بیب هریک پنجدرم افسنتین افتیمون اسقیل
مشوی هریک هفت درم کوفته بیخته با سکنجبین که از سرکه عنصل ساخته باشند معجون سازند سرشت
بقدر حاجت معجون که تنقیه سودا و بلغم از دماغ و تمام بدن کند و نافعست از برای مالیخولیا و جنون
حص افتیمون افریطی بسفایج فستقی پوست تراشیده سنا مکی خارلقون تربد سفید مدبر از هریک
پنجدرم گاوزبان گیلانی اسطوخودوس از هریک سه درم بنج کابلی مقشر بادرنجبویه فرنجمشک
حجر ارمنی لاجورد از هریکدو درم خربق سیاه یکدرم کوفته بیخته بعسل سفید مصفی سه وزن مجموع
ادویه معجون سازند معجون نافع برای مالیخولیای مراقی از مجربات محمد حسین حص آلمه منقی بادرنجبویه
چای خطائی پوست هلیله کابلی طباشیر سفید مدبر از هریک ده مثقال زعفران جوزبویه
سافرج هندی قرنفل بسباسه دانه هیل عود قماری از هریکدو مثقال پوست زردآلو پوست
بیرون پسته از هریک سه مثقال قند سفید از هریک نود مثقال گلاب هفتاد مثقال آب ارشک
پنجاه مثقال آب لیمو شصت مثقال آب سیب شیرین آب سیب ترش آب انار شیرین از هریک
هفتاد مثقال بقانون مقرر معجون سازند معجون از سید اسمعیل جرجانی برای مالیخولیای مراقی
حص بادرنجبویه پوست زردآلو ترنج قرنفل مصطگی جوزبوا قاقله نارمشک بهمنین زرنباد درونج
عقربی تخم بانی فرنجمشک از هریکدو درم و نیم مشک تبتی یکدانگ و نیم کوفته بیخته نگاهدارند پس بگیرند
پوست هلیله کابلی پنجاه درم آلمه منقی هفتاد و پنجدرم در دو من آب بپزند تا به نیمه آید پس بمانند
و بیالایند و نیم من عسل صافی داخل نموده بقوام آورند و ادویه را باین معجون سازند معجون

باشد بقوام آرند و او دیه کوفته بخته در ان بسرشند شربت پنج مثقال معجون شیخ داؤد گوید
که از جالینوس سخت منفعت بسیار دارد و اخلاط الزجه و نحرقه و خفقان و صداع را زایل کند و قوت
آن یکسال باقی و قدر شربت از یکمثقال تا چهار مثقال ص زنجبیل مصطگی عود جوز بوا دارچینی هر واحد
یکدرم سنبل نیم درم و نیم سنبل هفت درم شربت سیب نود مثقال معجون قوی اگر در ان
پنجدرم اضافه نمایند پس بعینه معجون قوی خواهد شد معجون مشهور اکبر ست جهت صداع مزمن نافع بود
و رعشه و فالج و صرع دوار و اوجاع و دیگر امراض منه را زایل گرداند و چون بر قضیب طلا کنند نفوط آرد و با آب
بادیان تنهای کهنه را مفید آید و با آب بار تنگ قی الدم را دور کند ص سلیخه اذخر هر یک
یک اوقیه جندبیدستر فطر اسالیون هر یک پانزده مثقال تخم کرفس و قوسیالیوس یکمثقال
قسط دارچینی اقراص افرقومیه سائله اسارون از هر یک نش مثقال فلفل سفید دوازده مثقال سنبل
هفت مثقال حماما زعفران دار فلفل از هر یک چهار مثقال انیسون و مثقال عسل صاف
سه وزن ادویه معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال شربت از یکدرم تا یکمثقال نسخه اوفو
گراد را دیما نز گوید و درین معجون داخل است حماما دار شیشعان قسط قصب الذریره قرنفل فلفل
ابیض نانخواه از هر یک سه مثقال فوه یکمثقال سنبل الطیب سافج هندی هر یک هشت مثقال
مرداسنگ مصطگی زعفران هر یک شش مثقال کوفته بخته لبشراب صاف اقراص سازند قرصی
بقدر یکمثقال و در سایه خشک کنند معجون نجاح نافع اصحاب سوداست و نجاح بمعنی رستگاری و مهند
از امراض است ص هلیله سیاه بلیله آمله هر یک یکدرم بسفایج افتیمون اسطوخودوس بدسفید خراشیده هر یک
پنجدرم کوفته بخته بعسل بسرشند شربت پنجدرم و اگر خواهند در اسهال قوی تر شود در هر شربت نیم مثقال
خار یقون نیم درم مسفید نیم حجر ارمنی نرم ساخته ممزوج نمایند معجون که سودا و تفرع نافع بود از حکیم علی
ص خربق سک هر یک یکدرم قرنفل دو درم بادرنجبویه فرنجمشک یوست ترنج هر یک
سه درم حرمل شاهسفرم خربق سیاه گاوزبان هر یک پنجدرم اسطوخودوس ده درم افتیمون
پانزده درم هلیله سیاه بیست درم با عسل معجون سازند معجون که در ما لیخولیا که از احتراق

جنبی سنبل الطیب هریک شش درق گل تخم کاسنی تخم جقوح از هریکده درم صبر سقمونیا
از هریک بیست درم صبر و سقمونیا را حل کنند در یک رطل از آب سیب و آب به و آب
انار و گلاب بعد ازان بگیرند سه وزن همه شکر سفید و بر آتش ملایم گذاشته حرکت دهند
و از آبهای مذکوره تسقیه میکرده باشند تا قریب انعقاد شود پس دواها دیگر کوفته بیخته داخل
کرده معجون سازند شربت ازین یکمثقال در گلاب و مثقال در سرما و در ملک هند بمثقال
مطلقاً و قوت این تا هفت سال می ماند معجون برای امراض معده و سلسل البول نافعست
ص خبث الحدید ۱ بر در سر که انگوری هفت روز بگذارد هشت عدد هلیله زرد هلیله کابلی
شش عدد هلیله سیاه پوست هلیله از هریک چهار تولہ شونیز دو تولہ مصطگی زعفران از هریک
دوازده ماشه جوز شامی نارجیل قرنفل زنجبیل دارچینی از هریک یازده ماشه عسل سفید سه
وزن ادویه معجون مسهل برفق وجهت اقسام صداع مفید ص گل سرخ با در نجبویه
گاوزبان گل بنفشه انجیر زرد منقی اصل السوس عناب سپستان در سه پاو آب بجیسانند
صبح بجوشانند چون ده درم بماند صافی نموده قند سفید نیم رطل دران حل نموده بقوام آرند
و آخر قوام کشمش مسحوق با تخم نیم رطل اضافه نموده بقوام معجون سازند معجون تالیف
حکیم علی اسهال برفق و رفع سواد و حمیات و امراض دماغی و مفاصل می کند و از
هر قسم ماده که غالب بود دفع نماید ص سنا مکی رطل و نیم افتیمون بسفایج فستقی تربد سفید گل بنفشه
از هریک نیم رطل زنجبیل هفت مثقال ادویه را بسایند و پانج رطل خمیر بنفشه و یک رطل گلقند و نیم رطل
عسل خمیره کنند شربت از دو مثقال تا ده مثقال در آب حل کرده ملایم نمایند تا بجوش آید
پس از پارچه باریک صاف نموده بنوشند معجون قولنج را بغایت نافعست و اخراج مواد سوداوی نماید
ص رب السوس محمودہ نشاسته بسفایج فستقی گل سرخ هریک پنج مثقال هلیله سیاه پوست هلیله کابلی
و زرد عنبل دام چرب کرده تخم کافته هریک بست مثقال سنا مکی گل بنفشه هریک سی مثقال عسل دو چند
همه عسل را نخست با یکپاره دران سنا و گل سرخ و بنفشه و هلیله سیاه هریکده درم هلیله کابلی بیست مثقال جوشانیده

درخت نیم بجنبانند تا وقتیکہ بقوام آید علامت قوام آنست کہ چون یک قطرہ ازان بسر چوب گرفتہ
در آب اندازند در حال بستہ شود و چون سرد شود گردد بعد ازان از روی آتش فرود آرند و چون
خشک شود بردی پارچہ مالیدہ بردنبل نہند اثر تمام بخشد و زدودہ کند ہر ہم از میر گیلانی ص
روغن گاو خالص دہ درم سیند و رمردار سنگ از ہر یک یکتولہ نیلہ تہو تہہ کف دریا تولچہ رال
تولچہ اول موم را در روغن ظرف انداختہ بر آتش گذارند کہ منحل شود بعد ازان این اجزا را کوفتہ
اضافہ نمایند و خوب حل کنند و آن ظرف را در طاقی کہ آب سرد انداختہ باشند گذارند کہ خشک شود
مرہم ناصور و باصور ضربانی و غیر ضربانی اص زرچوب مردار سنگ از ہر یک دہ درم نرم سائیدہ و با چہار
مثقال روغن گل و بیست درم موم و آب خالص بمقدار کہ ادویہ را بپوشاند یا آتش نرم چندان
بجوشانند کہ مثل مرہم شود مرہم جہت تنقیح جراحات آزمودہ است و جہت پاک کردن چرک
و رفع ریم و ورم جراحت آزمودہ است ص آرد گندم را باقدری روغن گل و اگر نباشد روغن
طعام و زردہ تخم مرغ دو چندان روغن مخلوط کردہ استعمال نمایند مرہم از مجربات والد حکیم مومن
در سایر قروح سوداوی و اورام بارد نیز مفید است ص سنبل الطیب حماما قرد ماناذار افغل
کبابہ سلیخہ قسط تلخ عاقرقرحا مصطگی مرصاف حب بلسان اشق صبر زرد روغن زیتون ہر
یک وقیہ زعفران نصف اوقیہ علک البطم موم ہر یک سی مثقال روغن نارد ین مثل جمیع
مرہم برای شقاق دست و پا و خشکی آن مجرب ص گل خطمی گل بنفشہ نیم تولہ خسکدانہ دو تولہ
مغز تخم کدو دو تولہ بیخ گردہ بز چہار تولہ موم سفید تولہ ہو چوبہ سہ ماشہ گل خطمی ہو چوبہ و گل بنفشہ
را شب در آب تر کردہ لعاب آن بگیرند و خسکدانہ و مغز تخم کدو را شیرہ برآرند و موم و بیہ را در روغن
گداختہ با ادویہ مذکورہ بدستور مرتب سازند معجون از مجربات شیخ داود مسہل اقسام صفرا
و جہت صداع و شقیقہ و امراض چشم و حکہ و جرب بعد تبدیل و جہت سرعت انزال و باہ مجرب است و بارد است
در اول و تر در دوم ص گل بنفشہ سنا مکی رب السوس ہر واحد پانزدہ درم
غاریقون درمنج بہمن ابیض مرجان غیر محرق ہر یک چہار درم ہلیلہ زرد و ہلیلہ سیاہ

برای پر کردن زخم و دنبل و جز آن ص روغن کنجد چهار دام موم کافوری دو دام سنگ بصری
دو دانگ مروارسنگ دو دانگ سپند و یکدانگ روغن را بر آتش خوب گرم نموده سپند و
در و انداز ند و بسوزانند که سیاه شود بعد ازان موم انداز ند بعد ه ادویه را انداخته فرود آرند
مرهم که رفع آتشک کند ص زنگار سیماب از هر یک یکتوله مر سفید دو توله روغن گاو نیم پاو
بدستور مرهم سازند مرهم برای پر نمودن زخم نظیر بذار دو تحلیل اورام و صلابات نماید
ص روغن گل نیم پاو سپند و رسه درم کافور سه ماشه اول شلجم را پارچه پارچه نموده در روغن
خوب بریان کرده دور نمایند و از آتش فرود آورده سپند و ر را از چوب نیب حل نمایند
بعد از انکه خوب حل شود کافور هم حل نمایند و در بعضی نسخه کافور نیست مرهم برای خوردن
گوشت زاید مکرر تجربه رسیده ص حب السلاطین چهار جزو زنجار دو جزو هر دو را خوب
سائیده بر موضع چسپانند و بالای آن یکی از مراهم دیگر گذارند مرهم دیگر جهت تحلیل اورام
و صلابات و اقسام استسقاء و صلابات تحت جلد اخراج نافعست و مجرب ص تر شاخ
سرگین کبوتر استه خرما شلیم اجزا مساوی زفت رومی مثل مجموعه ادویه مذکوره زفت را بپیچه
مرغابی گداخته ادویه را کوفته بخته بآن سرشته مرهم سازند مرهم که برای برآمدن مقعد نافع آید
و وجع را زایل گرداند و درین باب مجرب ست ص عنب الثعلب سه ماشه گل سرخ عدس
تفشر از هر یک دو ماشه بکوبند و بآب کشنیز تر بخته و زرده تخم مرغ و روغنگل داخل نموده مرهم
ساخته بمقعد گذارند مرهم برای جانبن و آثار مواد سوداویه و یبوست آن مجرب عم مرحوم
و راقم ص گل بنفشه رشته خطمی هر چوبه از هر یک یکتوله روغن چنبیلی دو توله روغن یک توله
چربی گرده بز موم سفید آرد جوساق گاو از هر یک یکتوله هر سه ادویه را در آب شب تر نمایند
لعاب آنرا بگیرند و بدستور مرهم تیار نمایند مرهم هر نوع دنبل را بخته سازد و چرک برآورده بزودی
کند ص تیل کنجد سپند دو نیم دام سپیده یکدام اول سپند را خوب باریک صلایه کنند و در
روغن کنجد انداخته در ظرف آهنی بالای آتش گذارند و آتش را نرم برافروزند و به چوب درخت

سفید آب سه درم موم زرد هفت درم روغن گل هشت درم مرهم جهت خروج و فروج آتشک و دفع
خارش منقول از بقائی ص سیماب گوگرد توتیای سنبر مردار سنگ فوفل سفید سوخته
کات هندی هر یک یکدرم روغن گاو ده درم مرهم که دمامیل و سایر جراحات متقیحه را
پاک کند ص انزروت و عسل هر دو را برابر باهم بسایند و بکار برند و بعضی نخست عسل
تنها می جوشانند تا که غلیظ گردد بعد ازان انزروت سحق کرده می آمیزند و این مرهم جهت تنقیه بر
بر جراحت و سخه و امتصاص قیح تمامه مجرب است مرهم فتوح عفنه را نافعست ص
سرکه عسل هر دا حد یکدرم باشد باهم بجوشانند و بقوام آرند پس نگار یکدرم انزروت دو
درم سوده دران افشانند و مرهم سازند مرهم بجهت هر زخم قدیش از جمله عجائبات است
ص اول پنبه کهنه را در ظرفی بسوزانند و خاکستر نمایند و خاکستر مذکور بر پنبه بیز کنند و بقدر شش
بهلولی بگیرند و نصف موم و برابر آن تخم خراسانی و بلوز پنج بهلولی روغن گاو دو درم نیله توتیه
طریق ساختن اینست که روغن را در ظرفی گرم کنند و موم را در و اندازند چنانکه گداخته
شود بعد ازان خاکستر پنبه در روغن اندازند و تخم سائیده سرمه سا نموده بیندازند و نیله توتیه بالا
انگشت دارند و بریان نمایند لیکن احتیاط کنند که سوخته نشود سائیده نیز در و اندازند بعد
ازان بیک چوبی همه ادویه را حل نموده فرود آرند و نگاهدارند و بوقت حاجت بکار برند
بسیار مجرب است مرهم برای بواسیر هر گاه در دشدت نماید بگیرند برگ کرنب با آب مرو طبیخ
دهند تا مهرا شود و دران اندازند در روغن گل مح ابیض و قلیل آن اضافه نموده خوب
دلک نمایند تا خوب مخلوط شود و بکار برند مرهم برای بیوست و داد مجرب است ص
حلک البطم ثقل زرا وند مدحرج از هر یک سه ماشه روغن گل چربی نیز موم از هر یک یکتوله مرهم
دنبل را به بزاند و دمن مح اگند ماده را بیرون آرد در یکروز کار میکند ص زفت رومی نگار
ابیض مم اجوا این بزرگتان حلبه را تنبج باز رد جوا لقی ثقل توتیای زنجبیل ربوند چینی شبر نر
شبر انجیر شبر اکهل ادویه کوفته بیخته در شبرها سحق نموده موم را گداز نموده مرهم سازند مرهم

است و در بعضی عوض رانیج علک البطم مسطور است و بدل مرتک سکنبج یکدرم و دیگر سه اجزا
بحال عدد او و زنا هر هم بحبت پاک کردن چرک و گوشت مردار و پر کردن زخم عمیق و اصلاح
اقسام و التیام جمیع قروح مفید است ص اجمود که دوائی هندی است سنگ بصری کات
سفید قبیل توتیا سبز نیله تهوتهه مردار سنگ هر یک پنجاشه موم زرد و دام روغن چهار دام عالیکر
متری مرهم سازند و با آب خالص پنج شش بار بشویند مرهم جهت جراحات مزمنه بغایت مجرب است
و ثانی اثنین مرهم رال است و باعتدال اقرب ص انزروت کاغذ کبود سوخته بوست درخت
کاج روناس کات هندی هر یکدو درم مردار سنگ مغسول سه مثقال سفیده ارزیز مغسول پنجدرم
موم سفید پنجمثقال کافور قیصوری ده درم روغن گل بیست درم مرهم سازند مرهم که سرطان
متقرح و غیر متقرح را سود دارد ص سفیداب توتیای مغسول هر دو برابر با آب خرفه یا عنب الثعلب
یا کدو یا خیار یا لعاب اسپغول هر کدام که حاضر باشد سحق کنند و قدری روغنگل آمیخته بر نهند و اگر
سفیداب را نخست بروغن سحق کنند پس با آبها مسطور دهند نیز رواست مرهم که سرطان
متقرح را نافع بود ص بگیرند هاون دوسته از آب و بیندازند و ران گل ارمنی مختوم و بسایند
که ممزوج بسرکه باشیر مایعه تا سیاه شود و اگر باوی روغنگل و آب حی العالم هم باشد نافعتر بود مرهم معروف
بقیروطی سرطان ص موم روغن از موم و روغن بهفته و از آتش فرود آورده لعاب سپدانه
و قدری پیه گرده بز و زرفای تر و قدری صبر سقوطری داخل ساخته آب تراشه کدو و آب سداب بر
خباری متشرب کرده مخلوط نمایند بعد از انکه فصد و استفراغ کرده باشند مرهم سرطان و خنازیر
را نافع بود و درم را پخته گرداند ص مردار سنگ پنجدرم علک مسرنج هر یک هشتدرم کندر
باز رواشق موم هر یکده درم روغن زیت بقدر حاجت مرهم سنا کله را نافع بود و معمول
عم مرحوم است ص مازو مردار سنگ زرد چوب از هر یک یکجزو گلنار برگ سورد بار
سبز از هر یکدو جزو با موم و روغن گل مرهم سازند سازند مرهم در جمیع انواع سعفه مجرب است
ص کافور ریاحی شش سرخ زرد چوب گل سرخ اقاقیا مغسول هر یک یکدرم گلنار کلیند خیته هر یکدو درم

سیاه داخل کرده ظرف را از آتش فرود آرند و لعاب بعد ازان اندازند و بجوشانند
تا غلیظ گردد پس فرو گیرند و بر هم زنند تا آنرا متانتی حاصل آید هر هم طبری
که طبری در معالجات بقراطی وصف آن نموده گفته قد عالجت اوستاذی آبا عن
یصر من سلعه صلبته ظهرت تحت مابیض رکبته وفزع من مسلما بالحدید فانزمته
هذا المرهم بعد مرهم الاسبرنج فزالت السلعة بالواحدة ولم یکن لها عوده ص آن
اسبغول تخم حلبه لعاب تخم کتان مردارسنگ خام هر یکصد درم روغن زیت اخضر یکمیر طل
صغیر همه را یکجا کرده با آتش نرم بجوشانند پس ازین ادویه بیامیزند طین رقت که عبارت از تجار
ارضیه است که وقت او را به برفت متقل بیشود و پنجدرم یا زفت نصف و نان آن خاکستر جوب
انگور پنجدرم آرد تر مس ملح سه درم زنگار یکدرم و نیم بر هم زنند تا چون مرهم شود بکار برند هم
بنسخه دیگر از حکمای هند بهت انبات لحم و دفع گوشت فاسد و برای جراحات مزمنه عسر البرء
قروح آتشک و ناصور نافعست ص کافور قیصوری رال کاتمه هر یک چهار مثقال کوفته بیخته بارزد
گاو تازه مساوی مجموعه باشد در ظرف آهنی گداخته اول رال را بریخته دو سه جوش دهند پس کاتمه را
بدستور پس کافور بیزند و دیگر دو جوش دهند و قروح قدیمه را تا سه روز باقدری فوفل سوخته استعمال
کنند بعد ازان تنها بکار برند هم که مسمی بمرهم سلیخه و مرهم عیسی و اجزاء این نسخه دوازده عدد
است که حوارین جهت عیسی علی نبینا علیها السلام ترکیب کرده اند و برای تحلیل اورام صلبه
وخنازیر و طواحین و سرطانات و تنقیه جراحات از گوشت فاسد و اوساخ و جهت رویانیدن
گوشت تازه و رفع شقاق و آثار حکه و جرب و سعفه و نواصیر و بواسیر سود دارد ص جاوشیر زنگار
مرصافی هر یکدو درم کندر زراوند طویل هر یک سه درم ثقل ازرق مردارسنگ چهارده درم
و نیم اشق هفتدرم موم سفید را تنبج از هر یک چهارده درم انچه سائیدنی است بسایند و ثقل را
در سرکه حل نمایند و غیر آن را در زیت آب مذاب سازند و ادویه را بدان بسرشند پس گر
هنگام سرما بود زیت بگنجیم رطل بگیرند و در زمان گرما یکرطل و بدانند که در بعضی نسخه ها مرهم بطرح

منافع روغن دیوداراست که دور روغن ها مسطور شد ص جدوار غابق مثقال قشر نیم اوقیه زرد
چوبه دیودار اصل السوس برگ حنا دود سقف خانه کسی که نخود ببریان کنند هریک اوقیه پوست
درخت مغیلان برگ درخت نیب هوچوبه هریکدو اوقیه چوبها و بیها و پوست ها را کوفته خوب
در کهرل سحق کنند پس بادواهای دیگر سوای قشر یک جا کرده در دو نیم من آب با آتش ملایم بجوشانند
تا ثلث آب بماند ثفل را خوب فشرده دور کنند در روغن کنجد بسیت اوقیه داخل کرده باز با آتش
ملایم بجوشانند که آب قریب بجذب شدن رسد و اندک بماند پس اندکی ازین روغن گرم گرفته
دران بگذارند او قشر گداخته را باد داو قیه موم زرد مضاف روغن او ضع بجوشانند تا آب بالکل
خشک شود و مثل مرهم گردد هر هم نسخه شفائی اندمال جراحت و قروح عفنه کند و گوشت فاسد
بخورد ص مردارسنگ صلایه نموده باده درم موم سفید در بیست درم روغنگل حل کنند و
قدری قدری سرکه اضافه کرده مرهم سازند هر هم جهت اورام حاره مجرب است ص خولان
یعنی حضض هندی یکدرم موم سفید دو درم روغن گل روغن بنفشه هریک چهار درم حضض
بسیار باریک ساخته با روغن ها که موم بران مذاب باشد بسرشند هر هم خمیر خراج پخته را بشگافند
واز شگافتن بالا مستغنی کند ص بورهٔ ارمنی ویق مقشر هر واحد یکدرم صابون دو درم خمیر تا
سه درم آهک آب ندیده پنجدرم جاوشیر سرگین کبوتر و مرغ هریکیده درم بروغن زیت بسرشند هر هم
واخلیون لفظ سریانی بمعنی لعابی است بقراط تالیف وی کرده پس ازان هریکی تصرف
دران نموده متفاوت در بعضی اجزا و ازان ازین راه و اصل دران زیت و مردارسنگ و
لعابها است و بالجمله مرهمی است نافع بانضاج اورام و تسکین خراج اوجاع حاره و اورام گرم
نماید و تحلیل خنازیر و صلابات و سلعه و تعقد عصب و ریاح و تخمه کند ص روغن زیت کهنه
سی تا چهل درم مردارسنگ بیست درم تخم خطمی تخم مرو اسبغل هلیله تخم کتان پنجدرم تا هفت درم تخمها
را شب در آب تر کنند و صباح لعاب غلیظ ازان بگیرند و مردارسنگ باریک ساخته در روغن
انداخته بر آتش نرم بگذارند و بچوبی حرکت دهند تا روغن با مردارسنگ بسته شود پس ازان که روغن

کہ جہت زخم بیذوق و مانند آن و برای ناصور و ہر گونہ جراحت عسر البرء و فروح خبیثہ سودا دہ
کہ بہیچ دوا بہ نشود سود دارد و صاحب قادری گوید کہ حق آنست کہ این مرہم عدیل ندارد
و با وجود این بمرہم دیگر حاجت نمی افتد ص شب یمانی نیاۂ تہوتہ ہر یک بکتولہ و سہ ماشہ
کات سرخ با پڑیاراں روغن کنجد آب چاہ شیرین تازہ از ہر یک پنجتولہ نخست آب در روغن
را یکجا کردہ در ظرف کانسی کہ مستعمل نبودہ است بدست کف مال کنند تا مثل دوغ شود
پس دوا دیگر کہ ہر یک را جدا کوفتہ باریک بیختہ موازنہ نمودہ باشند دران آمیزند و یکبار
دیگر بلکہ دو پاس بکف دست می مالند تا جملہ یکذات شود و بقوام می آید پس در ظرف چینی
یا نقرہ نگاہدارند و وقت حاجت استعمال نمایند و نمک در خرقہ کردہ نکمید حوالی قرحہ و جراحت
نمودہ باشند کہ معین عمل مرہم است مرہم کہ آنرا مرہم اربعہ ہم گویند سلعہ را نرم سازد و بتحلیل
ہر دو نافع بود بقروح و خروج او رام بارد ہ ص راتیج پیہ گاؤ زفت مساوی در ہم سرشتہ
دبق اضافہ نمایند و استعمال کنند و در بعضی نسخ بجای دبق قند سفید یکجزو بنظر آمدہ و در بعضی
نسخ بجای پیہ گاو موم دیدہ شدہ مرہم اندمال قروح کند و صالح است بمواضع عصبانیہ و جراحت
بی جرحت ص مرکی راتیج علک الانباط ہر یک اوقیہ رفت ہشت اوقیہ یکرطل موم و
زفت را در زیت بگذارند و دیگر ادویہ کوفتہ بیختہ بآن بیامیزند و در ہاون بسایند تا متسوی
گردد مرہم جہت برص مجرب است و بہق را فور ازائل کند ص نحاس محرق زرنیخ زرد
شیطرج اہک زاوند مساوی باریک ساختہ در بول صبیان آمیختہ ہر روز در آفتاب گذارند
و حرکت ہمید ہند و اگر عوض بول سرکہ کنند نیز رواست و وقت استعمال موضع را بول
صبیان با سرکہ انگوری بشویند و بمالند مرہم جاذب بیکان و جزآن کند و جراحت و ماسیل را
ببرد و قروح حامرہ را فراہم آورد ص راتیج ربع رطل موم علک لبطم ہر یک ثلث رطل
زیت یکرطل ہمہ را بر آتش نرم بگذارند و بورہ ارمنی دو اوقیہ باریک ساختہ و صاف
سازند و نیک در ہم کنند و بکار برند مرہم جودار از مخترعات علی است و منافع این مرہم

مالیده بر موضع زخم بگذارند هر مرهم که چیزی که دسومات ندارد و بآب درست بشود و استعمال
آب در حین استعمال این مرهم ضرر ندارد بجمیع اقسام فروح و خروج نفع تمام دارد حتی ناصور
را باصلاح آرد ص مقل سیماب هر واحد یکدرم حضض هندی دو درم مقل مضض
در صلایه بآب حلکرده که خوب مضمحل شود بازسیماب داخل کرده بسایند که خوب باریک و
یکذات شود پس استعمال نمایند مرهم چوب چینی از مجربات صاحب قادری است او
نوشته که در شبانه روز رفع دانها و زخم آتشک میکند و از اسرار است ص کزد چوب چینی
سیندرم شنگرف ده درم نوشادر هندی شصت بیست درم بازده تخم مرغ که زیر خاکستر پخته
باشند و بقدر سرشته استعمال نمایند و اگر چوب چینی نباشد سیماب را بکبریت سیاه بگذارند تا
سیماب دران ناپدید شود پس کبریت را بسوزانند و خاکستر او نیمثقال کنند مرهم بعد از انکه
پوست از سوختگی آتش افتاده باشد بکار آید ص آهک آب نادیده بگیرند و هفت بار بشویند
و خشک کنند دو چهار او قیه موم صاف دو سی او قیه روغنگل علی الرسم مرهم سازند مرهم
اشق در تحلیل صلابات و سلعه نافعست ص خردل کف دریازرا وند طویل کبریت اصفر
مقل اشق هر یکدو جزو زیت کنه دوازده جزو اول دو به را نهایت باریک بسایند که مثل
غبار گردد و مقل و اشق را در زیت حل کنند و دو جزو موم زرد گداخته اضافه نمایند و او آ
را بران ریزند و بمالند نام مرهم شود و چون خواهند که استعمال کنند یک جزو روغنگل و یک
جزو ازین مرهم و یکجزو زیت باهم مخلوط کرده و اجتناب از سردات و مرطبات و الزام گرم
و خشکی بیمار را لازم است و گاهی او دو به این مرهم باریک سائیده غیر از زیت و موم در سر
حل میکنند و می بندند همین عمل میکنند بلکه قوی تر میگردد و لیکن گاهی جراحت قلیلی می
نماید و اگر دنبلی عظیم عسر النضج باشد با کفگرک پخته شود و تولد این مرهم دو تولد گل خطمی برگ آن
سائیده بغایت خوب پخته باشند که مثل خمیر شود و در آخر قدری گلاب یزدی دران ریخته
باشند ضم کنند و در هم مالیده گرم ببندند و در سرعت نضج کار یکماه در سه روز میکنند مرهم

کتان نمایان باشد بر روی زخم بگذارند و هر روز یکمرتبه زخم را باب برگ حنا یا آب چوب چینی بشویند و از نو مرهم را بروی پارچه که از روز گذشته کوچکتر متقراض کرده باشند مالیده بچسپانند تا آنکه زخم رفع گردد مرهم نافع جهت قروح خضین و خبار زبر و سرطان حص مردارسنگ قنه از هریک پنجدرم لبان اشق از هریکده درم علک البطم نشش درم صمغ عربی ده استار زنجفر نشدرم زیت بمقدار کفایت کند بدستور مرهم سازند مرهم از برای قروح رطب مفتح اعضای تناسل و فیتکه محتاج بتجفیف قوی باشد حص توتیای کرمانی صبر سقوطری از زروت سفید کندر شاذنج مغسول پوست درخت غرب سوخته شب یمانی زاج سفید محرق مازو گلنار اقاقیا اجزا مساوی زنگار نیم جزو افسنتین ماضر دو جزو مجموع را با روغن گل مرهم سازند مرهم همین منفعت دارد حص خبث الحدید مردارسنگ بسرکه سوده دم الاخوین کاغذ مصری سوخته شب یمانی سوخته اجزا مساوی کوفته بروغن گل سرشته مرهم سازند و اگر بو ده باشد قرحه عمیق کندر رقاق کندر و صبر اجزا مساوی داخل کنند مرهم که در روز قروح قضیب ابا صلاح آرد حص قنه توتیای کرمانی مازو سبز از هریکده درم زاج محرق از زروت سفید دم الاخوین از هریک یکدرم کوفته بپخته موم سفید بروغن گل گداخته ادویه را بآن ممزوج کرده مرهم سازند مرهم از مجربات حکما بجهت جراحات قضیب و خصیه حص از زروت سفید مردارسنگ سفید آب قلعی از هریکدو مثقال کوفته بپخته موم سفید یکمثقال دنبه بروغن بنفشه بادام گداخته ادویه را بآن ممزوج کرده سفیده تخم مرغ یکعدد داخل کرده در هاون بدسته بمالند تا خوب مخلوط شود استعمال نمایند مرهم دیگر بجهت قرحه و خصیه و حوالی آن حص نیوراج پوست بلیله زرد شیح محرق توتیای کرمانی شب یمانی از هریک یکمثقال مردارسنگ دو مثقال مازوی بریان پنجعدد صبر سقوطری طلق محلول مرجان قرمزی مرجان سفید از هریکمثقال شیر خشت خراسانی یکمثقال افیون نیم مثقال زعفران دو دانگ صابون نرمی قدری موم زرد غیر مستعمل روغن گل سرخ روغن شیح ضعفان ادویه را بنکوسحق نموده موم و صابون را بروغن باگداخته ادویه را بآن مخلوط کرده در هاون بدسته بمالند تا هموار شود بر روی پارچه کتان شسته

زعفران یکدرم روغن بنفشه بادام گلنار هریک ۵ درم موم سفید پنجدرم موم را در روغن
بگدازند و دارو ها را کوفته بیخته ممزوج نمایند و باده درم شیر دختران در هاون نیک بمالند تا هم
آمیخته شود مرهم که بواسیر را نافع باشد ص بیضه سائله یکدرم مقل دو درم روغن مغز زرد
آلو ده درم مقل و بیضه را در روغن بگدازند و مرهم سازند مرهم جهت بواسیر عظیم النفع است
ص بیضه بط پیه مرغ از هریک پنجدرم مغز ساق گاو پنجاه درم روغن مغز زرد آلو تلخ مغز شفتالو
روغن گل از هریک ده درم بیضه سائله دو مثقال مقل بیستدرم آب کندنا بقدر حاجت موم سفید پنجدرم
مقل را در آب کندنا حل کنند و روغن را با موم بگدازند با بیضه و مقل در هاون محلول ساخته استعمال
نمایند مرهم که بارها در رحم و صلابت آن تجربه درآمده ص موم روغن گل مغز ساق
گاو چربی گرده بز از هریک یکتولچه زردی بیضه مرغ یکعدد زعفران بابونه کندر از هریک پاشه
هر سه ادویه را سائیده با ادویه سابق بعد از انکه همه را بر آتش گذاشته یک جا کرده
باشند آمیخته مرهم سازند مرهم برای عذیوط ص روغن آبی روغن حنا و کهربا اقاقیا سوس
خشک برگ حنا زرم کوبیده از مجموع مرهم ساخته دایم بر عضل متعد استعمال کنند مرهم
این مرهم نجوی دیگر بگیرند یکعدد بیضه شیرین و میان آنرا خالی کرده کهربا اقاقیا سوس خشک
برگ حنا کوفته در میان او پر کرده بگل بگیرند و در زیر خاکستر گرم بخته نمایند پس بر آرند و گل جدا
کرده به را بکوبند تا چون مرهم شود همیشه بر متعد استعمال نمایند مرهم که جراحت قضیب اسود
دارد ص لبست درم توتیا صلایه کرده با بیست درم موم در پنجاه درم روغن گل انداخته مرهم
سازند مرهم تالیف والد علویخان حکیم مذکور نوشته که بجهت قرحه قضیب بی نظیر است ص
رال سفید آب قلعی دم الاخوین مردار سنگ توتیای کرمانی سریخ توتیای هندی گلنار فارسی
فلفل از هریکچندی موم دو جزو روغن گاو پانزده وزن موم توتیای هندی را در سفال
آب ندیده بریان کرده با باقی ادویه کوفته بیخته موم را بر روغن گداخته ادویه بآن مخلوط کرده
مرهم سازند و پارچه کتانی نازکی را باندازه زخم مقراض کرده مرهم را بران بمالند چنانکه تارها

مصطگی مریکی میغه سائله زراوند مدحرج زراوند طویل سعد اکلیل الملک لادن فرنفل هریک
چهار درهم ایرسار روغن بلسان پیه بط پیه گاو موضع درخت بادام تلخ هریک پنجدرم موم روغن که از
نارجین ساخته باشند بشرشند و بکار برند و اقسام صلابات برطرف سازند مرهم برای شقاق
مقعد و ورم گرم ص موم سفید ضاروغی بدستور مرهم سازند مرهم که شقاق مقعد و ورم گرم را
سفید بود ص موم سفید دونیم درم روغن ده درم مروارسنگ نشاسته از هریکدو درم افیون
درم کافور نیمدرم همه را نرم نموده و روغن بر اکرم ساخته موم در وگداخته بعد ازان ادویه مسحوقه
آمیخته با سفیده تخم مرغ سازند مرهم هرگاه شقاق مقعد ورم نباشد بکار آید ص موم روغن
کنجد پیه بط مغز ساق گاو و گوهان مقل بگیرند مقل را بلعاب تخم کتان حل سازند و باقی گداخته
مخلوط نمایند مرهم برای شقاق مقعد ص دل قیروطی بروغن گل و مخ ساق بقر و قدری
مقل سازند وقت فرو آوردن مروارسنگ سائیده و سفیده مغسول واندک خاکستر جاروب
انداخته فرو دایند و در هاون یا در ظرفی انداخته کفچه زنند تا زمانی صباح او قدری قدری روغن
انداز تا قوام درست و برابر شود مرهم که برآمدن مقعد و وجع آنرا مفید است ص عنب الثعلب
عدس مقشر هریک سه مثقال گل سرخ دو مثقال کوفته بیخته با آب کشنیز تازه بیخته زرده تخم
مرغ ورد و غنگل داخل نموده مرهم سازند منقول از بیاض عم مرحوم مرهم بجهت بواسیر مقعد
ص آب کندنابست درم مقل اورق ده درم مغز قلم گاو روغن زرد آلو هریک یک اوقیه
مقل را با آب گندنا حل نموده داخل کرده بجوشانند که آب جذب شود پس مغز ساق گاو
نرم کرده و قدری موم سفید داخل کرده مرهم سازند مرهم که جهت نواسیر نافع آید و اندمال
جراحت قدیمه نماید ص مروارسنگ گلنار زرد چوبه خون سیاوشان شب یمانی سرمه
سائیده اگر سرخ باشد بهتر شاخ گوزن سوخته موم سفید هریک یکتوله روغن زیت چهار
توله بدستور مرهم سازند مرهم شاذنج بواسیر و شقاق مقعد را نافع بود ص شاذنج مغسول
گل ارمنی عصاره لحیته الثیس هریک سه درم افیون نیم مثقال و چهار جبه سفید آب ده درم

دو درم موم سفید روغن کنجدہ درم مرہم ساختہ بکاغذ خطائی فتیلہ کردہ در گوش نہند مرہم خل
جہت جراحت اندرون گوش ص سرکہ ہفت درم عسل ہشت درم باہم بجوشانند تا بقوام آید پس
دو درم زنگار سودہ بران افشانند و مرہم سازند و فتیلہ کردہ در گوش نہند مرہم مجرب و مخرع
حکیم علی در قروح بطنہ اندمال کہ در بینی باشد ص گل بنفشہ مثقال در آب طبخ نمایند و بعد ازان
بمالند مالیدن نیک کہ آب لعاب کردد پس صاف نمایند و یک مثقال بہدانہ و یکمثقال و عنبل
و نیم مثقال موم سفید ممزوج ساختہ مثل مرہم سازند مرہمی گوشت برویاند و جراحت خشک کند
و حرارت بنشاند ص سفید آب ارزیز موم سفید از ہر یک دو درم روغنگل دو درم بطریق
معروف مرہم سازند مرہمی از بیاض عم مرحوم ص موم سفید یک مثقال را در روغن گل
پنجمثقال گداختہ سفید آب مروارسنگ از ہر یک نرم کوفتہ مخلوط ساختہ مرہم سازند و اگر
حاجت شدید باشد سفیدہ تخم مرغ بعد فرود آوردن از آتش و سرد شدن و قدر دو ماشہ کافور
بیفزایند و در اینوقت نامیدہ میشود مرہم سفید آب کافوری مرہم منقول از بیاض عم مغفور
بجہت قروح مجرب ص سعد مازو زعفران پیہ ماکیان روغن بدستور
مرتب سازند مرہم برای خشک ریشہ وسفال ص اکلیل الملک
گل خیر و ہر یک یک تولہ نرم کوفتہ در آب بجوشانند پس صافی نمودہ روغن
کدو و روغن بادام معز قلم گاو ہر کدام سہ درم زردہ تخم مرغ یک عدد
اضافہ نمایند وقت فرود آوردن یک درم و نیم مروارسنگ سائیدہ داخل نمایند
مرہم جہت شقاق و خشک ریشہ لب ص چربی مرغ بروغن گل گداختہ کتہ سفید اسفیداج
نشاستہ مازو نرم کوفتہ بہم آمیختہ برلب گذارند و موضع شقاق از ہوا نگاہدارند مرہم
بجہت بواسیر شفقت بکار آید ص خبث الحدید مروارسنگ سفیداج زعفران شب
اراست بار روغن مرہم سازند مرہم نافع باوجاع عنیفہ و طحال و معدہ و صلابتی کہ عارض
شود باین ہا از حرارت ص زعفران دو درم قرد ما فلفل قسط سلیخہ عاقرقرحا اشق

جهت تقویت معده وجگر و دماغ و امراض مزمنه بغایت نافعست ص پوست بیرون
پسته سبز بگیرند و بدستور مربی اترج بپزند مربی پوست ترنج دل و معده را قوت دهد و
فرح آورد ص پوست ترنج را در نمک و سرکه کنند و آب بجوشانند تا نیم پخته شود بیرون
آورده بفشارند عسل صاف بر سر آن کنند و باآتش نرم بجوشانند تا بقوام آید و اگر نقند خواهند
همین دستور است و دیگر مربیات مفید هر باب در علاج الامراض مذکور است مرهم
گویند اختراع بقراط است و تصریح نموده است که قوت مرهم مدتها باقی می ماند و آنچه موم
بسیار داشته باشد قوت آن تا بیست سال باقیست و بعضی اعتقاد آنست که هر چه با
روغن زیتون ساخته شود قوتش ساقط نمیگردد و آنچه در شحوم ترتیب یابد قوتش تا یک سال
می ماند و شرط آنست که ادویه شش جزو و روغن پنج جزو و موم نصف روغن میباشد لیکن
این شرط در اکثر نسخهای قدما بهم یافته نمیشود پس معلوم شد که این شرط علی سبیل
اولویت است نه علی سبیل الوجوب و مرهم مخصوص جراحات است و ضماد اعم از مرهم و
جهت مبرد و دین روغن زیتون و در غیر آن روغن زیتون نارس که زیت الانفاق است
و در امور یابسه روغن کنجد کنند و موم را اول بار روغن و شحوم بگدازند و از سر آتش
بزیر آورده و ادویه صمغیه را در حل کنند پس ادویه مسحوقه را مخلوط سازند و طریق حل
عنبر و مصطگی و علک البطم و مومیائی و سکبینج و امثال آن چنان است که ظرفی را پر آب
کنند و بر آتش گذارند تا آب بجوشاید و در ظرفی کوچک از روغن مخصوص پر نموده در میان
آب ظرف اول سه پایه بگذارند تا روغن آب شود پس عنبر و امثال آن را در روغن
بریزند تا حل شود بعد ازان سایر ادویه را مخلوط سازند مرهم که در رض گوش بعد از
فصد و تنقیه بکار آید ص بارزد نصف جزو صمغ البطم زفت هر یک یکجزو قیر و طی از شحم
بط درست کرده بر سر آتش باشد که این ادویه بیامیزند مرهم هوجوه یعنی شکار جهت
فرح گوش و سیلان مده و تسکین وجع منقول از بقائی ص انزوت از هر یک یکدرم هوجوه

چهار حصه نمک کشنیز خشک بریان کرده سماق پاک کرده هر یک هشتم حصه همه را کوفته بامیزند
مطبوخ نافع برای ربو کائن از مواد غلیظه از جه بلغمیه و سوداویه در قصبه ریه ص گاو زبان
گیلانی جعده ایرسا اصل السوس وفای خشک از هر یک و مثقال انجیر زرد خشک ده عدد
همه را بجوشانند و هر روز خورده باشند تا که نضج در قاروره ظاهر شود مطبوخ نافع اسهال
صفراوی منقول از قلانسی ص بگیرند شیر گاو دو رطل مخلوط کنند بدان پنجدرم حب الآس
و ربع رطل دوغ ترش و پنج طاقه سداب و هفت طاقه نعناع و ربع رطل دوغ ترش و ده
طاقه کرفس و ده عدد ورق ترنج تازه و شب بگذارند تا منجمد شود و صباح بخیسانند و میکه از و
بگیرند و نیم رطل صاف کرده باد انگی سک و پنجدرم گل ارمنی و پنجدرم کعب یا شامند مسوح کرده قضیب
انثیین نهایت موثر است ص پیاز منصل پیاز نرگس از هر یکنیم اوقیه در بیست و هشت
مثقال زیت در آب بجوشانند تا مهرا شود و آب سوخته شود و روغن بماند پس صاف
کرده زهره کنجشک تخم الخره عاقرقرحا خردل سنج از هر یک یکمثقال عنبر اشهب نیم مثقال
اضافه نموده مکرر بر قضیب و خانه و انثیین ضماد کنند و اگر مومیای و زفت رومی و زهره مرغ
و مانند آن اضافه کنند باعث زیادتی قوت آن میشود و چون سورنجان و مرکی بآن مخلوط
کنند نهایت مقوی باشد و از مجربات است مسوح که نهایت مفید است و از مجربات است
ص قسط تلخ بوزیدان راسن از هر یک یکمثقال گل نرگس دو مثقال جوشانیده صاف نموده
روغن زیتون داخل کرده باز بجوشانند تا آب برود و روغن بماند پس پیه شیر یکدرم زفت
رومی مومیائی حلتیت از هر یک پنج دانگ و ران حل کرده شبها بمالند مسوح که قضیب را
بزرگ گرداند ص زهره گرگ دو دانگ مشک ترکی پنجدرم بروغن نرگس مخلوط کرده
بمالند مربی زنجبیل گرم و خشک است بول براند و باه زیاده کند و تپهای بلغمی را سود
دهد ص زنجبیل بی ریشه را زبر دیگ کنند و بیست روز هر روز آب بران ریزند و بعد
ازان برآرند و بشویند و با آب و عسل بجوشانند تا بقوام آید مربی پوست بیرون لیمو

بهدانه سویز منقی رب السوس بدستور لعوق سازند مطحثا برای سعال که از حرارت و یبوست
بود ص تخم خیارین منقشر پنجدرم مغز بادام شیرین منقشر ششدرم تخم خطمی تخم خبازی از هر یک
چهار درم رب السوس فانیذ از هر یک سه درم و نیم صمغ عربی کتیرا نشاسته بهدانه منقشر از
هر یک چهار درم کوفته بیخته نگاهدارند پس اصل السوس پستان منقی گرفته بجوشانند تا
غلیظ شود بعد ازان صافنموده عسل اضافه کرده با تش ملائم بپزند تا منعقد شود پس ادویه مذکوره
اندازند باجسوی که از نخاله سفید یا آرد باقلا و فاشید و روغن بادام شیرین مرتب کرده باشند
بخورند و اگر گرمی در مزاج غالب بود همراه ماء الشعیر استعمال کنند **مرق** از تالیف راقم که تحلیل
ریاح و تقویت معده نماید ص مصطگی یکدرم کندر پنجدرم حب الغار نیم مثقال مشک انگی دانگ چهنیم
پنجدرم جمله جریش بکوبند و در آب نعناع حبوب مفرطبخ سازند و زیر اجراس نگاهدارند و اندک
اندک بیاشامند **مرق** که طبع را نرم کند و قولنج را نافع بدص خروس پیر را بدوانند که مانده شود
پس ذبح کنند و بمصالح خوش ساخته بنوشند و اگر بدماغ چهار مثقال باریک ساخته در اثنای
طبخ بیندازند یا بطبخ بپاشند اسهال غلط سودا نماید و همچنین اگر تخم معصفر کوفته در اثنای طبخ
بیفزایند در اسهال اقوی خواهد بود **مرق** که صاحب تشنج را در یکروز نفع کند ص بگیرند
مرغ سیاه و او را بخنق کشته همچنین مسلم با ندک آب در قدری حجری (ویک سنگ ۱۲) پوشیده تمام شب باش
ملایم بجوشانند و در این عرض مدت مهر اشده همه آب میشود و از همین آب تشنج بدهند
ملح اسهال اخلاط نماید و رطوبت از بدن دور گرداند و بلقوه و وجع مفاصل و اوجاع طحال
و استرخای عضلها نافع آید و بصر را جلا دهد و شنوای نیز کند ص فرنفل حرف سقمونیا غاریقون
سازج هندی اینسون تخم رازیانه قطر اسالیون ابخدان اسارون زوفا تخم کرفس پنجنبل
هر یک چهار درم فلفل دوازده درم ملح اندرانی شش اوقیه کوفته بیخته در ظرفی نگاهدارند
و بکار برند ملح که اسهال صفراوی باز دارد ص نمک اندرانی ساییده بریان نمایند و در حین
بریان کردن چند دفعه سرکه تند بر و بپاشند پس کوفته انار دانه بریان سوم حصه زرشک منقی

ہر یک بیست عدد پوست بیخ را زیانہ دو درم شاہترہ ہفت درم بپزند چنانچہ رسم است و
صاف کنند پس فلوس خیارشنبر و معجون ورد ہر یک پانزدہ درم بیامیزند و صاف کردہ
بنوشند مطبوخ برگ مورد و ورق گل سرخ صندل گلاب بجوشانند و جامہ را تر کردہ بدان
بپوشند مطبوخ بہمت چہاجن ص پوست نیم یکدرم تومڑی یکعدد ہر دو را کوفتہ در چہار آثار
آب بجوشانند تا نصف بماند بعد ازان دست را بر بخار آن بدارند و نیمدرم کابیل ہم داخل کردہ
اند مطبوخ جہت جذام و خدر و امثال آن ص فوہ پوست کز سوتہ گلوی وج سوتہ
زرد چوب ہر دو کٹائی تنبول کوٹہ با و برنگ شبطرج مورہری دیودار اندرجو شیرین بہنگ
تراہین بان مادہ شاور مغز کرنج چوب کنیر تر پہلہ چرایتہ پوست بکاین بیخ سار مغز املتاس
بہو فرنگ بابچی صندل سفید چہال برنہ برگ آرد سپت پاپڑا سانتہ اتیس بیخ اندراین از
ہر یک یکدرم در سہ پاو آب بجوشانند تا چہار دام باقی ماند صاف کردہ ناشتہ بخورند و اگر مطبوخ
نکنند سفوف کردہ مقدار یکدام بخورند منقول از خزک مطبوخ کہ بارہا در تجربہ آمدہ آتشک را
کند و فساد خون را باصلاح آرد خصوصاً ہرگاہ بعد از تنقیہ استعمال کردہ شود ص پوست
درخت نیب پوست درخت کچنال بیخ خطل پہلی بعل کٹائی خورد با برگ و بیخ و پوست
قند کہنہ ہر یک نیم پاو در سہ آثار آب بجوشانند ہرگاہ چہار حصہ بماند صاف کردہ در شیشہ نگاہ دارند
و ہفت حصہ کنند ہر روز بخورند و اگر حاجت باقی ماند باز مرتبہ دوم مرتب کنند مطبوخ
دیگر برای تصفیہ خون فاسد از مجربات است ص موتہ سہ ماشہ ہلیلہ بلیلہ آملہ از ہر یک
چہار ماشہ گلو چار ماشہ کٹکی بابرنگ زرد چوب وج سوتہ کوتہ اندرجو بہنگ از ہر یکدو ماشہ ہر دو کٹائی
چہار ماشہ بیخی سار دو ماشہ بابچی چرایتہ پوست بکاین صندل سفید از ہر یک سہ ماشہ
ادویہ در نیم آثار آب بجوشانند ہرگاہ شش یا ہفت دام بماند یک تولہ عسل و یکتولہ نبات
داخل کردہ بخورند این چہار مطبوخ از بیاض عم مرحوم نقل شدند مطبخا بمیم و طاء مہملہ
و مثلثہ و الف لوقیست کہ جہت سرفہ بی نفث نافعست ص تخم بین مغز بادام نشاستہ

هلیله کابلی خسته بیرون کرده ده درم جمله را در پنجر طل آب بنیزند تا یکر طل بماند هر روز چهار اوقیه
ازین مطبوخ صاف کرده با یک اوقیه سکنجبین بیاشامند مطبوخ جهت بقایای شطر الغب
ص صبر مصطگی هریک پنجدرم اصل السوس پنجدرم بیخ کرفس دو درم شکاعی خافث
هریک سه درم کشنیز سه درم گل سرخ چهار درم ترنجبین بیست درم در سه رطل آب به بنیزند تا نیم
آید صافنموده هر روز یکبار طل بیاشامند مطبوخ که اصلاح بب مختلف لاوقات نماید ص مصطگی
یکدرم سنبل الطیب انیسون هریکدو درم گل سرخ کشنیز خشک افسنتین هریک پنجدرم تخم کشوث
باد آورد بیخ اذخر هریک هفتدرم بیخ کرفس بیخ رازیانه هریکدو درم هلیله زرد پانزده درم مویز
منقی سی درم در شش رطل آب بنیزند تا یک طل آید صاف کنند و مقدار دو ثلث از یکر طل
با گلقند عسلی سه تولا یا سکنجبین بنوشند مطبوخ که در ربع صفراوی بجهت قی کردن بکار آید ص
سنا افتیمون هریک چهار درم سر بفشه تخم خربوزه بیکموفته تخم ترب هریک پنجدرم هلیله کابلی هلیله
زرد هریک هفتدرم جوشانیده صاف کنند و مقدار صد درم یا کمتر یا سکنجبین بسیار بخورند مطبوخ
در ربع بلغمی استفراغ قوی کند ص بسفایج فستقی بیکموفته برگ بادرنجبویه لسان الثور افسنتین هریک
چهار درم آلوسیاه مویز خراسانی هریک بیست عدد جمله در دو من آب بنیزند تا نیم من آب
بماند صاف کنند و صد درم ازان یکدانگ خربق سیاه و نیم درم ملح لفظی و صبر یک مثقال
خاریقون بنوشند مطبوخ نافع برای حمی بلغمی و درد کبد و درد معده و عسر بول ص بیخ کرفس
بادیان بیخ اذخر پرسیاوسان انیسون مصطگی مساوی گرفته بکار برند مطبوخ برای
پنهای کهنه و تپ لرزه مزمن ص خس صندل سرخ نرگچور گلوی هریک یکدام گرفته سه حصه
نمایند و یک حصه در هشت سکوره آب بجوشانند هر گاه که یک سکوره بماند صافنموده بنوشند
و اگر طفل باشد طبیب موافق حدس خود کم کند مطبوخ جهت ربع از مجربات است
ص کوکنار بقدر تحمل مزاج با ده دانه فلفل کوبیده جوشانیده بنوشانند مطبوخ جهت ربع
نافعست ص پوست هلیله کابلی ده درم تخم کشوث تخم کاهنی هریک سه درم آلوعناب

مطبوخ کہ شدہ متعرجگہ بکشاید ص ریوند چینی دو درم فستین قفاح اذخر ہریک ہفت درم
حلبہ دہ درم سویز منقی چہلدرم انجیر بیست عدد سداب تر یکدستہ علی الرسم بپزند شربت چہار اوقیہ
باروغن بادام مطبوخ در علاج ورم کبد بکار آید ص ریوند چینی نیم مثقال تخم کشوث انیسون
تخم کرفس رازیانہ ہریک سہ درم غافث چہار درم فستین بسفایج ہریک پنجدرم ہلیلہ سیاہ
ہلیلہ کابلی ہریکدہ درم سویز منقی بیست درم علی الرسم بپزند وصاف کنند وبیست درم فانیذ
وسی درم زنجبین دران داخل نمودہ بنوشند مطبوخ کہ دراز اوجاع مفاصل قوی الاثر
است ص سورنجان بوزیدان ہریک سہ درم ماہی زہرہ تر بدچہار درم فوہ تخم کرفس انیسون
پوست حنظل ہریکدو درم دریکرطل آب بجوشانند تانصف رطل بماند صاف بماند مطبوخ
خداوندی دردزانو دشت وہمہ پیوندہا سود دارد ص زنجبیل ماہی زہرہ ہریک سہ مثقال
بوزیدان روخاس شیطرج سورنجان بیخ اذخر ہریک پنجدرم بیخ کرفس پوست بیخ بادیان
ہریک ہفتدرم سویز منقی حلبہ ہریکدہ درم ہمہ رابپزند چنانچہ رسم است شربت چہار اوقیہ
بادو مثقال روغن بید انجیر مطبوخ اوجاع مفاصل رانافع است ص سورنجان رازیانہ
پوست بیخ رازیانہ تخم کرفس انیسون قنطوریون باریک دو درم پرسیاوشان گاوزبان
بادرنجبویہ ہریک سہ درم گل سرخ ہلیلہ زرد ہریک چہار درم سنائکی ہفتدرم جوشانیدہ و
صافنمودہ گلقندہ مثقال زنجبین بیست مثقال دران حل کردہ صباح بنوشند مطبوخ
قوی الاثر است برای استیصال مادہ وجع درک عرق النساص مصطگی انیسون ہریکدو
دوم زنجبیل پنجدرم بیخ اذخر ہریک سہ درم فوہ شیطرج سورنجان بوزیدان ازہریک پنجدرم
بیخ کرفس ازیانہ ہریک ہفتدرم حلبہ سویز منقی ہریکدہ درم ہمہ رادرچہار رطل آب بجوشانند
تاچہارم حصہ بماند صاف نمودہ ثلث رطل ہرروز باروغن خروع بقدر تحمل طبیعت بنوشند
مطبوخ کہ نافعست بجمی بلغمی وربع ص بیخ اذخر چہار درم قنطوریون باریک شانزدہ
ہریک پنجدرم بادآورد شکاعی غافث ہریک شش درم افتیمون ہفتدرم سویز منقی بیست

وعود و مشک هر یک یکدرم کوفته بیخته اضافه نمایند و بنوشند مطبوخ معمول و مجرب بجهت
سنگ بنی ص موتهه بیلگیری دنهیان نتر بالا سونٹهه خس هر یک پنجدرم در یک و نیم پاو آب
جوشانیده صاف نموده عسل یکان نولا اضافه کرده بخورند و در مزاج گرم ادویه گرم کم نمایند و در ضعیف السن
و صغیر السن و زن جمیع ادویه بکاهند و در اقویا بیفزایند مطبوخ برای جمع طحال بارد منقول از بیاض
عم مرحوم ص پوست بیخ کبر کاسنی پوست بیخ کرفس تخم بادیان انیسون تخم فنجنگشت از
هر یک سه درم اسقولوقندریون خافث گلاب شسته پرسیاوشان برگ طرفه برگ ابهل حب
بلسان از هر یک دو درم زبیب بیست درم سنبل الطیب مصطگی انیسون بیخ اذخر
در چهار رطل آب بجوشانند هر گاه دو صد دام باقی بماند مالیده صافنموده چهلدرم ترنجبین
دران حل کرده باز صافنموده چهلدرم ازان گرفته یکمثقال روغن بادام شیرین و یکدرم
روغن بادام تلخ داخل کرده بنوشند مطبوخ کرم بلغمی سپرزرا نافعست و سپیدی بول
که قدری سیاهی زند از علامات اوست ص هلیله سیاه هلیله زرد هر یک هفتدرم شاهتره
هفتدرم کزنازج پوست بیخ کبر هر یک سه درم تخم کاسنی یکدرم تخم کشوث یکدرم و نیم آلود
تمرهندی بقدر حاجت بپزند پس بگیرند فیقرا یکمثقال و خاریقون یکدرم و حب بندند و
وقت سحر بخورند و بالای وی نزدیک طلوع آفتاب مطبوخ بنوشند مطبوخ کرسنهٔ
جگر و سپرز و یرقان را نافعست ص غافث افسنتین سنبل اسارون مصطگی پرسیاوشان
قرفه راوند عیدان بلسان هر یک یکدرم ادویه را کوفته مطبوخ نمایند و اولی آنکه ریوند را
سردار و نمایند مطبوخ جهت برد جگر و استسقاء و یرقان نافع و تلطیف اخلاط غلیظ کند و جگر
و معده را قوت دهد ص فوه مصطگی هر یک یکمثقال پوست بیخ راز یانه پوست بیخ کاسنی پوست
بیخ کرفس اذخر انیسون تخم کرفس سنبل الطیب تخم کشوث هر یک سه درم مویز منقی همه را نیکوب
کرده چهارصد درم آب شیرین بپزند تا چهارم حصه بماند صاف کنند شربت پنجاه درم بادو
درم شکر سفید دو دو درم روغن بادام این مطبوخ را جهت حصات و هند حجر الیهود نیز نافع

هر روز چهلدرم بارو غن بادام شیرین یکدرم بنوشند سه روز یا پنج روز هرگاه ماده نضج یابد بحبهای
مسهل بلغم اخراج کنند مطبوخ زوفا منقول از قرابادین کوتوالی نفع میکند بسعال وضیق
دوجع صدر وجنب وخفقان وموافق افرجه حاره است ص تخم مرو تخم خیار مرضوض تخم خربزه
مرضوض هریک پنجدرم پرشیاوسان هفتدرم اصل السوس محکوک مرضوض خطمی پوست
بیخ بادیان تخم خبازی زوفای یابس از هریک سه درم گل نیلوفر دودرم عناب بیست عدد
سپستان سی عدد انجیر زرد خشک ده عدد در سه رطل آب شیرین بجوشانند هرگاه پانزده استار
باقی ماند صافنموده پنجاه درم یا پانزده درم جلاب باخود از ترنجبین بخورند مطبوخ تین لابن
یاسویه نافع است بامراض صدر وجنب که حادث از بلغم ورطوبت وبرودت بود وسعال
در بود ذات الریه را نفع میرساند ورطوبت فاسده از معده واعضای صدر را خشاپاک می نماید
ص انجیر زرد خشک بیب منقی از عجم فانیذ از هریک یکجزو تخم بادیان انیسون از هریک ربع
جزو در آب شیرین بجوشانند وقتی که ثلث بماند صافنموده نصف رطل گرفته واندکی روغن بادام
شیرین انداخته نیمگرم بنوشند مطبوخ افتیمون جعده کماذریوس هریک سه درم پوست هلیلهٔ
زرد هفتدرم فستین ده درم چنانکه رسم است بپزند وصاف کرده صد درم ازین مطبوخ گرفته
اول یکدرم از حب یارج خورده بعد دوساعت بنوشند مطبوخ اکلیل الملک که در درم بلغمی
معده از گذشتن هفت روز پیش استعمال آب ازیانه وآب کرفس نازه هریکدو اوقیه نادودرم بادام
بکار آید ص اکلیل الملک پنج رازیانه هریکده درم در چهار رطل بغدادی آب بپزند تا ربع
بماند هر صبح چهار اوقیه بادودرم روغن بید انجیر وسه درم روغن بادام شیرین بنوشند مطبوخ
که در درم بلغمی معده را نافع است ص قفاح اذخر مصطگی تخم کرفس هریکدو درم انیسون
سه درم پرشیاوسان پنجدرم رازیانه در چهار رطل بغدادی آب بپزند تا ربع بماند هر صبح چهلدرم
بادودرم روغن بید انجیر وسه درم روغن بادام شیرین بنوشند مطبوخ معده را قوت دهد وقی
بازدارد ص مصطگی نعناع هریک یکدرم در یکرطل آب جوش دهند تا به نیمه آید پس صاف کنند

نیم درم خربق سیاه ربع درم کوفته بیخته بگلاب شکر سرشته قبل از مطبوخ بسه ساعت آنرا فرو
برند و بعد ازان مطبوخ را بیاشامند مطبوخ تالیف محمد ذکریا نافع از برای اقسام مالیخولیا
ص هلیله سیاه بسفایج مشقی مرضوض نیم درم سنا مکی هفت درم تربد سفید تراشیده مدبر چهار درم
اسطوخودوس موبر طایفی دانه بیرون کرده هر یکده درم مجموع را در سه رطل آب بجوشانند
تا به نصف برسد افتیمون را در کیسه کتانی کرده سر آن را بسته در آن اندازند و دو جوش دیگر
داده فرود آرند و سرد کرده کیسه را بمالند تا شیره و قوت افتیمون در مطبوخ برآید پس صافنموده
سه ساعت قبل از مطبوخ اول ذکر شد فرو برند و بعد از سه ساعت مطبوخ بیاشامند مطبوخ
نافع برای وسواس و تفرع در نوم منقول از تذکرهٔ سیحی ص هلیله کابلی اسطوخودوس از
هر یکده درم تربد سنا مکی از هر یک چهار درم منقی دانه بیرون کرده پنجاه عدد کوفته بیخته و پنج رطل
آب بجوشانند و قتیکه یک رطل بماند انداخته شود دران خربقیه افتیمون و یکساعت بگذارند و از
آتش فرود آورده صاف نمایند و گرفته میشود غاریقون درم صبر درم ملح هندی نیم درم
خربق اسود دو دانق کوفته بیخته بگلاب خمیر کرده حب سازند و بخورند این حب قبل مطبوخ بعد ساعت
بعد ازان مطبوخ بیاشامند مطبوخ که اخراج علق نماید هر گاه بمعده رفته باشد ص شیح
قیصوم افسنتین شونیز تربس قسط تلخ برنگ کابلی مقشر کبیل دار و هر یکده درم در سرکه مفرح
باب بیزند و صاف نموده بخورند مطبوخ حلبه بربو ضیق النفس که از سردی بهم رسیده باشد
بکار آید ص حلبه شسته موبز منقی از هر یک پنج استار در یک کوزه آب باران بجوشانند و
صاف نموده بقدر چهل درم صبح بنوشند مطبوخ جهت سرفه که ماده آن بارد غلیظه لزجه عسر النفث
باشد ص زراوند مدحرج مصطکی استیل هر یک دو درم بیخ تفاح اذخر زوفای خشک
هر یک سه درم برشیاوسان اصل السوس بنفشه تخم خطمی خبازی قنطوریون غلیظ هر یک
چهار درم زبیب طایفی منقی بیست درم انجیر سفید ده دانه عناب خرجانی بیست دانه
سپستان سی دانه همه را در چهار رطل آب باب نرم بجوشانند تا بر طل آید صاف نموده

فوه هریک بکتوله وشش باشه درآب بجوشانند که قوت ادویه بآب درآید صاف نموده مضمضه نمایند
مضمضه نافع برای استرخای لسان ص خردل زنجبیل فلفل عاقرقرحا نوشادر بورق شونیز
سعتر تلخ مساوی کوفته جوشانیده مضمضه کنند مضمضه برای ورم لسان دنم ص بنفشه
حلبه بزرکتان بزرمرو تین یا لبس اصل السوس از هریک پنجدرم شحم دجاج وبط از هریکیه درم
لب خیارشنبر بیست درم درسه رطل آب بجوشانند وقتیکه نصف بماند نیمگرم مضمضه نمایند
مضمضه برای وجع آکله منقول از خط والد شریف ص گلنار فارسی گل سرخ عدس متقشر
پوست انار شیرین پوست هلیلهٔ زرد عفص هلیلهٔ کابلی بلیله گل بستان افروزجفت بلوط
گاوزبان سماق بوزن مساوی دریکنیم رطل آب بجوشانند هرگاه یک ثلث بماند صاف
نموده مرجان سفید بشکر یکدرم کوفته بنجنه اضافه نموده مضمضه نمایند مضمضه برای دفع درد دندان
ص چمال کیکر دودام کوکنار دوعدد هردوراجوکوب نموده درنیم آثار آب بجوشانند تاکه نصف
بماند صاف نموده نیمگرم مضمضه نمایند مضمضه مجرب جهت درد دندان حارص کشنیز خشک
مازو سبز پوست خشخاش گلنار عنب الثعلب برزالبنج حب لاس از هریکیه و درم افیون یکماشه
کافور نیم ماشه گلاب چهار دام جمله ادویه راسوای افیون وگلاب وکافور نیکوفته در دور طل
آب بجوشانند هرگاه که ربع بماند صاف نموده افیون وکافور درآبنه کور وگلاب انداخته حل سازند
وسرد کرده مضمضه نمایند مطبوخ افتیمون برای مالیخولیا که حادث از احتراق صفرا شده
باشد ص پوست هلیلهٔ زرد ده درم پوست هلیلهٔ کابلی پنجدرم بسفایج فستقی نیکوفته
سه درم افتیمون شش درم اسطوخودوس گل بنفشه از هریک چهار درم اول بسفایج
وپوست هلیله را درشش رطل آب بجوشانند تابیک طل ونیم برسد پس دران اسطوخودوس
وبنفشه را داخل نمایند تابیکطل آید بعدازان افتیمون را درصره بسته دران اندازند وسه
جوش دیگر دهند وفرود آرند وصره را خوب بمالند تاشیره وقوتش برآید پس بفشارند وصره را
دور کنند ومطبوخ را صاف نموده پس غاریقون دوثلث درم صبر سقوطری یکدرم نمک سندی

سفرطل الحرارت نیز نفع میکند ص آب کشنیز سبز آب بارتنگ سبز آب عنب الثعلب سبز لعاب
اسپغول آب برگ خرفه قدری بدستور بعمل آرند مضمضه که آخر قلاع حار و در قلاع بارد انتفاع
است ص الجبر زرد الکلیل الملک بزرکتان در آب جوشانیده صاف کرده قدری از زعفران
و صبر و روغن خیری داخل کرده تمضمض نمایند مضمضه جهت بخر لبشر کی معده که از مادهٔ بلغم بود
و بعد از تنقیه کامل نفع بین می نماید ص عود خام مصطگی قرنفل بسباسه جوز بوا هر یکدو درم همه
را نیکو فته در خرقه کتان بسته همراه شراب ریحانی و گلاب هر یک نیم طل در ظرف تنک دهن
بجوشانند تا شراب و گلاب نصف بماند صاف و سرد کرده صبح و شام مضمضه کنند مضمضه
که بطلان ذوق و فساد آنرا که از برودت بود بعد از تنقیه با یارج نافع ص خردل عاقرقرحا
مویز در آب بجوشانند و بدان مضمضه کنند و اگر حرارت بود در ریباس گل سرخ سماق
بجوشانند و در طبیخ وی سکنجبین با نیز بخبین با مری آمیخته ضمضه نمایند مضمضه معمول قدوة المحققین
اکمل المدققین والد ماجد برای استحکام اسنان و وجع آن ص گلنار کزبارج اقاقیا جفت
بلوط فوفل جهالیه گل سرخ برگ مورد پوست انار جوز السرو دم الاخوین صندل سرخ سعدکوفی
از هر یک چهار ماشه در سه پاو آب جوشانیده صاف نموده مضمضه نمایند مضمضه جهت
قلاع رودی ص سماق زرورد هر یک یکتوله اقاقیا مازو هر یک نیم توله جوشانده مضمضه
نمایند مضمضه برای لثه دامیه ص سماق سنبل الطیب از هر یک سه درم ملح زرورد
از هر یک یکمثقال برگ آس نیم مثقال جوشانیده مضمضه نمایند مضمضه نافع برای درد
دندان که از برودت و رطوبت خصوصاً از انصباب مادهٔ نزله و ریاح بود ص عاقرقرحا
بزر البنج هر یک شش ماشه عدس یکتوله پوست خشخاش هفت ماشه جوشانیده مکرر مضمضه
نمایند مضمضه برای وجع اسنان که بهیچ دوا به نشود ص پوست درخت سرس چهار توله
برگ چنبیلی دو توله بای برنگ سه ماشه جوشانیده مضمضه نمایند مضمضه درد دندان را
که از نزله و باد و رطوبت بود و استرخای لثه را مفید است ص عنب الثعلب کوکنار اسبند

کوفته آب او بگیرند و شکر سرخ و سکنجبین آمیخته بنوشند مقی صفراص ماء الشعیر سی درم طبیخ آب سیر سق
بیست درم آبی که اصل خیار در آن پخته باشند و سکنجبین هر یکده درم مقی بلغم ص خردل سفید
یکدرم بوره نیم درم کندش ملح هندی هر یک بعد درم جمله کوفته بیخته و بعسل آمیخته مع صد درم طبیخ
شبت و چهل درم سکنجبین عسلی بنوشند مقی سوداص ترب مقطع یکعدد نمک هندی پنج درم
شبت خرفه جمله را در دو رطل آب بپزند تا که نصف بماند به سکنجبین عسلی آمیخته بنوشند مقی صفرا و
بلغم ص سکنجبین عسلی ده مثقال نمک دو مثقال آب ترب چهل مثقال بهم آمیخته بنوشند
مقی که رطوبت معده و مره سودا و صفرا دفع کند ص تخم ترب تخم شبت تخم خربوزه اصل
السوس بیخ خربوزه هر یک سه مثقال بپزند و آب او با کنکرز دو سکنجبین بنوشند مقی که مواد مختلف
برآرد ص قطف با تخم او و تخم ترب هر یک پنج درم شبت لوبیا سرخ برگ چغندر هر یکده درم
تخم خربوزه مقشر پانزده درم سورنجان سفید مرضوض کنکرز دو هر یک یکمثقال نمک سندی
دو درم جمله را در چهار رطل آب بپزند تا که رطل بماند صاف کنند و نمک نان یکدرم و سکنجبین با عسل
چهل درم اضافه کرده بآب نیمگرم بنوشند مقی معمول راقم ص آب برگ ترب آب شبت
نمک همه را مخلوط ساخته بنوشند مضمضه جهت درد دندان و تحرک آن ص چوب آس
بیخ کبر کاکنج خوزالسرو گل سرخ برابر ده دندان فیل شب یمانی برابر بگیرند و در سرکه آمیخته مضمضه
کنند مضمضه جهت اکله لثه و لب ص قرطم طراثیث مازو پوست انار گلنار کزبارنج خوزالسرو
و برگ سرو آب سماق پخته صاف کرده مضمضه کنند و اگر این ادویه را کوفته بیخته بپاشند نیز
نافعست مضمضه که جهت منع خون بن دندان و تعفن و جوشش و رویانیدن گوشت آن
و برای قلاع مجرب ص شکر خام یک یکمثقال بنفشه نوزده مثقال نوتیای مغسول سی و
هشت مثقال را ساییده ماسا را جزا در سرکه هفتاد و پنج مثقال آمیخته در شیشه نگاهدارند جهت قطع
خون و دفع تعفن و رویانیدن گوشت باین سرکه مضمضه نمایند و برای قلاع و جوشش دهان
هل سرکه آب کشیز کنند مضمضه جهت درد دندان که بسبب حرارت شدید باشد و قلاع

مدحرج نیمکوفته هریک چهار درم قرد مانا تخم سداب شبطرج هندی هریک پنجدرم چند بیدسته
یکدرم مجموع را در سه من و نیم آب بجوشانند تا یک من بماند صاف نموده هر صبح چهار درم
آنرا با چهار درم روغن خشخاش یا روغن بادام تلخ نیمگرم بیاشامند مطبوخ بادها را گنده کند
و اخلاط غلیظه دفع نماید قولنج و استسقای لحمی و طحالی را نافع آید ص نانخواه زیره کرمانی کاشم
سقرکرویا شونیز از هریک کفی در سه رطل آب بجوشانند تا یکرطل آید صاف نموده هر صبح و شام
بیستدرم با سه درم روغن بید انجیر بنوشند جوزالقی یکدرم با قدری نمک سائیده و عسل سرشته
همراه مطبوخ مذکور آمیخته بقدر حاجت آب گرم و عسل افزوده بنوشند مطبوخ حرارت و درم جگر و یرقان را نافعست
ص بن گ کشوث برگ کاسنی برگ عنب الثعلب گ کاکنج لبلاب را زیاده جملگی یا هرچه بهم رسد یکوبند و بفشرند
و یک قدح بقند شیرین کرده بنوشند مطبوخ نافع ربو و ضیق النفس معقول از بیاض عم
مرحوم ص عناب بیست دانه سپستان سی دانه تین ابیض ده عدد زبیب خراسانی بیستدرم
تخم خطمی تخم خبازی از هریک سه درم اصل السوس پنجدرم قنطوریون دقیق و غلیظ پوست
بیخ کبر حاشا فودنج جبلی شیح ارمنی بربخاسف از هریک چهار درم پوست بیخ بادیان پوست کرفس
از هریک پنجدرم زوفای یابس چهار درم بیخ سوسن آسمان جوفی فراسیون زراوند مدحرج
از هریک سه درم مصطگی سنبل الطیب از هریکدو درم در پنج رطل آب بجوشانند وقتی که
یک و نیم رطل بماند صاف نمایند و هر روز چهار اوقیه با یک مثقال معجون قفی و یکدرم حب الصنوبر
بخورند و اگر قوی خواهند تریاق اربعه پنجدرم حل نموده بنوشند مقی کرتی بفراغت آرد و بغایت
ص شبت بسدرم در یکرطل آب جوشانند تا به نصف رسد و جوزالقی یکدرم با قدری
نمک سائیده و عسل سرشته همراه مطبوخ مذکور آمیخته و بقدر حاجت آب گرم و عسل افزوده
بنوشند مقی کرتی بفراغت آرد و دوار که بسبب بخره معده باشد دفع نمایند ص قبضه از
قضبان شبت در سه رطل آب جوش دهند تا یکرطل بماند پس صاف کنند و قدری نمک
اندکی عسل دران بیامیزند و درهم کنند و بنوشند مقی که محرور بدان قی کنند ص برگ خیار

یا دوا را الکرم استعمال نمایند و غذا بیمار را وزن کنند و سر سر معتاد بدهند و تا ده روز همین قسم
بعمل آرند ماء الاصول جهت ذرب سدی مفید ص سنبل الطیب مصطگی اسارون سنبل
قاقله کبابه هر یک بمثقال عود بلسان سلیخه هر یک یکدرم تخم کرفس را زیانه انیسون زیره کرمانی دو قسم
هر یک پنجدرم پوست بیخ کرفس پوست بیخ را زیانه بیخ اذخر هر یک پانزده درم مویز منقی بیست
درم همه را در سه رطل آب بپزند تا بر طل و نیم آید هر روز ازان چهار اوقیه نانیم مثقال افر دسیا بدهند
مطبوخ بجهت قولنج بلغمی مفید ص مصطگی سنبل الطیب هر یکدو درم پرشیاوشان تخم خطمی هر یک
چهار درم تخم کرفس انیسون را زیانه قنطوریون باریک هر یک پنجدرم پوست بیخ کرفس
پوست بیخ را زیانه حلبه خشک شبت هر یکده درم مویز منقی بیست درم انجیر سفید ده عدد با چهار
رطل آب بپزند تا بر طل باز آید پس چهار اوقیه بایکمثقال ایارج مخمر بروغن بید انجیر و عسل بدهند
ماء الاصول که در قلع کردن نقرس موجع الورک عدیل ندارد ص پوست بیخ کرفس پوست
بیخ را زیانه هر یکده درم پوست بیخ کبر پوست حنظل قنطوریون دقیق شیطرج هندی تانخواه
انیسون سورنجان بوزیدان ماهی زهره هر یک پنجدرم در سه رطل آب بجوشانند تا نصف
رسد صاف سازند شربت دو درم مع یکمثقال روغن بید انجیر بنوشند و اگر علت قوی باشد
دردی بود حتی که صاحبش اشرف بر زبانکرده باشد عوض بید انجیر روغن کلکانج کنند
فانه عجیب و لیسمی مقیم الاذن ماء الاصول که در تپهای بلغمی بکار آید ص انیسون کرفس هر یکدو
درم قنطوریون دقیق سه درم عافث افسنتین شکاعی باد آورد هر یک پنجدرم بیخ کرفس
بیخ را زیانه بیخ کبر هر یکده درم در دو من آب بپزند تا بنصف آید هر صبح سی درم
با هفت درم گلقند بخورند و اگر سه درم مصطگی درین ماء الاصول اضافه نمایند نافعتر خواهد بود
ماء الزور نافع از برای امراض بلغمی خصوصاً دماغی و نضج مواد بزودی نماید ص پوست
بیخ کرفس پوست بیخ را زیانه هر یکده درم بیخ اذخر هفتدرم را زیانه انیسون تخم کرفس تانخواه
شونیز قنطوریون دقیق حاقر قرحانیمکوفته زنجبیل نیمکوفته از هر یک سه درم قسط تلخ زراوند

بیاشامند واگر سہ درم مصطگی سودہ درین ماء الاصول داخل نمایند در افعال اقوی خواہد بود
مار الاصول نافع برای ضیق النفس و بجوشہ صوت کہ حادث از اخلاط غلیظہ و بلغم لزج
بود صفت آن پوست بیخ بادیان ہفت مثقال اصل السوس خراشیدہ نیمکوفتہ بیخ سوسن
آسمان گون فراسیون قنطوریون غلیظ از ہریک دو مثقال انیسون تخم کرفس تخم بادیان
از ہریک سہ مثقال مصطگی سنبل الطیب سادج ہندی اسارون از ہریک یکمثقال و نیم انجیر
زرد و خشک بہیب منزوع العجم از ہریک پانزدہ مثقال در چہار رطل آب باران بجوشانند
وقتی کہ یکرطل باقی ماند از آتش فرود آورده مالیدہ صاف نموده ہمہ را در سہ روز بالعوقات
مناسبہ بخورند مار الاصول دیگر کہ سدہ جگر و سپرز را بکشاید و برودت جگر و سپرز را نافع بود
ص پوست بیخ کرفس پوست بیخ راز یانہ ہریک ہفتدرم بیخ اذخر قفاح اذخر ہریک پنجدرم
سنبل مصطگی ہریک یکدرم و نیم قوہ لک منسول عود بلسان ہریکدو درم غافث افستین
گل سرخ شکاعی باد آورد پوست بیخ کبر ہریک سہ درم انجیر زرد مویز منقی بیست درم در سہ
رطل آب بجوشانند تا بہ نیمہ آید صاف کردہ ہر روز چہل درم روغن بادام تلخ و یکدرم روغن
بادام شیرین بنوشند مار الاصول کہ سدہ و جگر و وجع معدہ و عسر بول را مفید ست و ہمراہ ادویہ
و بدون ادویہ استعمال میکنند ص پوست بیخ راز یانہ پوست بیخ کبر پوست بیخ کرفس انیسون
سنبل الطیب پرسیاوشان مصطگی مویز منقی بیخ اذخر تخم راز یانہ تخم کرفس انیسون ہریک
بقدر حاجت گرفتہ جوشانیدہ بکار برند مار الاصول بجہت استسقاء طبلی منقول از معالجات
بقراطی ص مصطگی سنبل الطیب شنہ دارشیشعان عود الوج قشور سلیخہ ہریکدو درم انیسون
تخم راز یانہ زیرہ کرمانی زوفای خشک صعتر فارسی نانخواہ ہریک چہار درم گل سرخ پوست بیخ کبر
پوست بیخ راز یانہ پوست بیخ کرفس ہریک پنجدرم نارد ین اقلیطی ہفتدرم اذخر قفاح اذخر
ہریکدہ درم مویز منقی بیستدرم چنانچہ رسم است بپزند صاف کردہ در شیشہ اندازند شیشہ را
در آب سرد نگاہدارند تا مانع از غلیان گردد پس ہر روز بیست درم یا دو درم معجون کلکلانج

وباوجود اسہال غذا بدن میشود و در علل حادہ سوداویہ والتہاب جذام و دار الفیل و یرقان
وحرقت بول وضعف کلیہ وحصات آن ومثانہ وقروح آن و دیگر قروح حدثیہ وقدیمہ بدن
وشراوظلمت بصر وشقیقہ وانصاب مواد بسوی چشم و پلک واستسقاء وحرارت کبد وسخافت
بدن وجرب وحکہ وکلف مستعمل میشود وہرگاہ در قروح مثانہ مستعمل بود نمک دران داخل
سازند ماء العسل جہت فالج ولقوہ وتقویت معدہ وباہ نہایت مفید ص عسل یک جزو
آب صاف دو جزو بجوشانند بآتش نرم وکف بردارند چون دو حصہ بماند از آتش فرود آرند وبکار
برند وبعضی در یکجزو عسل شش جزو آب می اندازند وچون نصف باقی می ماند بکار برند وبدیہی
است بہ نسبت اولی قلیل الحرارت است واگر خواہند کہ ماء العسل را تقویت کنند دارچینی زنجبیل
مصطگی زعفران ہیل جوز بوا بسباسہ بقدر احتیاج داخل نمایند ماء الاصول کہ لقوہ وصرع و
جمیع امراض بلغمی وسوداوی را سود دارد وسنگ گردہ ومثانہ را بریزاند وسدہ جگر بکشاید واستسقاء
واوجاع مفاصل را نافع ص پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانہ ہریکدہ درم پوست بیخ کبر
پنجدرم تخم کرفس انیسون رازیانہ بیخ اذخر از ہریک چہار درم اسارون حب بلسان از ہریکدو
درم خبط یاناسلیخہ ہریکدو نیم درم عود بلسان بوزیدان ہزار اسفید ہریک سہ درم مویز منقی بیست عدد
جملہ را در دو من آب بریزند تا یکمن آید بیالایند شربت سی مثقال یا دو مثقال روغن بید انجیر و
پنجدرم روغن بادام تلخ ماء الاصول کہ در امراض بلغمی وتہای بلغمی بعد از نضج مادہ بختہ
اور امید ہند ص بیخ کرفس بیخ رازیانہ بیخ اذخر پرسیاوشان انیسون ہریک کفی مصطگی رومی
تخم کرفس از ہریکدو درم در یکمن آب بجوشانند تا بہ نصف رسد پس صاف نموده ہر بامداد چہلدرم
آنرا گرم کرده دو درم گلقند آفتابی دران حل ساختہ مالیدہ بخورند ماء الاصول بجہت
نضج مواد بلغمیہ غلیظہ بکار آید ص بیخ کرفس بیخ رازیانہ پوست بیخ کبر ہریکدہ درم انیسون
تخم کرفس ہریکدو درم غافث افسنتین شکاعی بادآورد ہریک پنجدرم قنطوریون سہ درم
در دو من آب بجوشانند تا بہ نصف رسد صافی نموده ہر صبح سی درم ازان بادہ درم گلقند

از شربه و سفوفها مذکور و حبوب و جزآن بمریض داده شده باعث ضرر گردیده و فقط ماء الجبن همراه شربت نیلوفر با خمیره مروارید و بامثال از ادویه مسکنه و مقویه مفید آمده و فوائد عظیمه مشاهده شد و اگر کسی از مرّه و عوارض دیگر مانع بریدن شیر از اشیاء مذکور باشد پس از چسته بزمرتب سازند و طریق این است که چسته را از نمک شسته و صاف نموده خشک کرده نگاهدارند و شیر را جوش دهند و قدری ازین نفخه درمیان شیر اندازند و بگذارند که شیر منجمد شود بعد ازان از کارد قطع قطع کنند و نمک اندازند و در صافی دوتہ کرده جای بیاویزند تا آب قدری بچکد بعد ازان صبح جوشانیده کف گرفته صاف نموده و از مغز حب القرطم نیز ماء الجبن بتوان ساخت ص بگیرند مغز حب القرطم دو او قیه نرم کوفته در دو رطل شیر مغلی بیندازند و بچوب زنجیری جنبانند تا شیر بریده شود پس فرود آرند و بگذارند که سرد شود پس در پارچه دوتہ انداخته بیاویزند و آبی که بچکد در ظرف چینی گیرند و بعد ازان نمک قدری انداخته جوشانیده کف گرفته صاف نموده بخورند و دیگر طریق مرتب کردن ماء الجبن از سنگدان مرغ و امثال آن در رساله علیحده مرقوم است و باید که ماء الجبن را سه حصه کنند و یک حصه بخورند و راه روند بقدر یکه نزدیک شود که عرق بیاید و بعضے معین کرده اند که صد قدم بروند و بعضی چهل قدم و بعد ازان دو حصه را هم بدین طور بخورند و باید که نیگرم بنوشند و در ماء الجبن رطوبت بسیار است و گرمی باعتدال و غذا باید که بعد از چهار ساعت بخورند و از اغذیه شوربای قلیه یا خشکه باشد بی گوشت و یا یخنی پلاؤ و برنج را باید که در آب سبوس کنده یا یا دیان تر کنند و بعد ازان بکار برند تا سده و لزوجه نیاورد و این در اثنای ماء الجبن اگر بخورند بهتر بود و اجتناب از لبنیات و مغلظات و حلویات و حموضات شدیده و از بقولات لازم دانند و احتراز از جمیع حرکات متعبه و عوارض نفسانی واجب و در تفریح مریض کوشند و بهترین ماء الجبن برای مالیخولیا از شیر بز است و اگر بهم نرسد از شیر گاو و ماء الجبن شیر شتر بجهت سدد و استسقاء مناسب است و بهترین وقت استعمال ماء الجبن زمان معتدل در حرارت و برودت بود و متفق اند حکماء که ماء الجبن نافعترین مسهلات است

رنگ و ازرق و اگر سرخ رنگ نباشد سیاه رنگ قلیل السواد بگیرند و صحیح البدن بی عیب کز ماده
از دو بچه نزائیده باشد و چهل روز زائیدن گذشته باشد و پس از گرفتن شیر چند روز تعلیف از
عنب الثعلب سبز و شاهتره وجود کاسنی و بقولات بارده باید کرد و همچنین در هنگام استعمال ماء الجبن
پرهیز از همین اشیا بود و آن شیر را در ظرف نقره یا سنگ یا مس قلعی دار کرده بر آتش ملائم جوش
دهند و در جوش سوم یا چهارم سنجبین صادق الحموضت یا سرکه انگوری بقدر یکان تولہ یا آب لیمو
یا غوره و قدری نمک لاهوری اندازند که شیره بریده شود و بعضی گفته اند که اگر در سرکه افتیمون و هلیله
سیاه و نمک شب بخیسانند و صبح در شیر اندازند اولست پس ظرف را باز آتش فرود آورده از چار
سه تگذارند و قدری نمک انداخته باز بکدو جوش داده صافی نموده شربت نیلوفر یا هر چه طبیب
مناسب داند اضافه نماید و در اثنای جوش لازم است که از چوب انجیر و اگر نباشد از چوب خرما
که پوست او را دور کرده سرشش چار پاره کرده باشند تحریک علی الاتصال نمایند و درین دو فائده
منطوی است یکی آنکه معین بر اسهال باشد دوم آنکه نور از شیر جدا شود و هر روز یک یک
دو دو دام بیفزایند تا ماء الجبن به یک و نیم رطل برسد و بحسب قوت و ضعف مریض کم و زیاد آرند
بتوان کرد و دادن ماء الجبن چهل روز بایست و یکروز یا کم ازین مفوض برای طبیب است
و اگر حاجت باشد پیش از دادن ماء الجبن تنقیه نمایند و پس از هفت روز یا چهار روز بعد از گرفتن
مسهل ماء الجبن شروع کنند و سفوف لاجورد و شربت معمول حب افتیمون و سفوف
چوب گز جزان که نسخ هر یک در جای های خود گذشته است همراه ماء الجبن شروع نمایند تنقیه
بود و اگر اتفاق تنقیه نیفتاد پس در اثنای خوردن ماء الجبن شستم و دهم و دوازدهم مغز فلوس
ترنجبین و شیر خشت در ماء الجبن مالیده صافی نموده بنوشند و بعد ازان سفوفها و جها و غیره
که مذکور شد اگر حاجت باشد بکار برند و گاهی برای تلیین تنها شیر خشت یا ترنجبین استعمال کرده
میشود و اگر مزاج مقتضی باشد و تحلیل ریاح منظور باشد گلقند استعمال نمایند و در بعضی امزجه جار
با مسکه ماء الجبن برای تبرید و تسکین حرارت و هیجان اخلاط حاره استعمال نموده شد هر گاه از

دویگر ادویۂ قابضہ مناسبہ اضافہ نمایند اصوب خواہد بود مامیثا الحلو سعد ب گلو است
در حمیات مرکبہ فرمنہ کثیر النفع ص بگیرند گلو سبز از نیم دام تا یکدام و آنرا از کارد پارچہ
پارچہ نموده در ظرف گلی انداختہ آب خالص بقدر ده دوازده برو ریزند و در زیر آسمان گذارند
صبح اندکی افشرده آب زلال آنرا با شیر بہ مناسبہ بکار برند و گاہی ہمراہ قرص طباشیر و
قرص زرشک و امثال آن این آب لال استعمال نمایند و نیز گلو را جوشانیده تنہا یا با
ادویہ مناسبہ در حمیات و دیگر امراض استعمال می کنند و گاہی است گلو را در امراض کلیہ
و مثانہ و سوزاک با دویہ مناسبہ استعمال کرده شده و بسیار مفید یافتہ دوائی کہ بارہا تجربہ آنرا
در دفع کردن از حمیات عدیل ندارد ص ست گلو و ہموزن آن طباشیر سفید و ہر دو را
سائیده سفوف ساختہ یکماشہ پیش آمدن لرزہ بدہند انشاء اللہ تعالی در روز اول لرزہ
زائل خواہد شد نہایت تا سہ روز و بجہی ہم نفع میرساند و استاد در حمیات مرکبہ کہ با لرزہ و
بغیر لرزہ می بودند از ین ہر دو دوای مذکور قرص ساختہ سائیده با قراص طباشیر کافوری
وامثال آن استعمال میکرد و بہترین طریق گرفتن ست گلو این ست کہ گلو سبز و تازہ را
بشویند و آب شیرین قدری برو بپاشند و افشرده آب غلیظ کہ برآید و در ظرف گلی با سفالی
یا چینی کرده دہن او بستہ در جای محفوظ بدارند و بعد از دو روز آب را دور ساختہ ست
کہ تہ نشین شده باشد بگیرند و در سایہ خشک کنند و طریق دیگر آنست کہ آن ظرف را در آفتاب
گذارند تا کہ خشک شود و طریق دیگر آنست کہ آن افشرده مذکور را بجوشانند تا غلیظ شود
و اول از ہمہ بار و بعد از ان دوم و سوم حار است و صاحب قادری نوشتہ کہ اگرچہ گلو نافع
است لیکن نزد فقیر میل بہ رودت دارد مثل افیون و حضض انتہی و نزد راقم مرکب المقوی
است زیرا کہ اکثر نفع این در حمیات فرمنہ و مرکبہ محسوس میشود و قول ہندیان اعتبار را
نمی شاید زیرا کہ اکثر ادویہ گرم را مثل کبابہ و جز آن را سرد می نویسند فافہم و الاستقم مامیثا الجبر
بطریق اجمال طور استعمال آنرا اینجا مذکور کرده میشود ص بنجاہ مثقال شیر بز جوان سرخ

معده بیرون آرد پس صواب آنست که چون خواهند کشکاب دهند قبل ازوی بدو ساعت
سکنجبین استعمال نمایند تا خلط را لطیف کند و مستعد دفع نماید بعد ازان ماء الشعیر دهند تا معده
بسبب لقاء آن زانیک قبول ورود هضم گرداند و خلطی که سکنجبین آنرا لطیف کرده باشد بورود
ماء الشعیر بسند فع گردد و رگها و مجاری پاک شود باشد که باد را ربول دفع سواد شود و اگر بعد از
ماء الشعیر چون ساعت بگذرد شربت دیگر از سکنجبین بدهند تا هر چه ماء الشعیر آنرا معتدل کرده باشد
و نضج پذیرفته باشد زود دفع شود و اثر تری که از ماء الشعیر حاصل آمده باشد ببدرق سکنجبین
بهمه تن رسد و در کلام بعضی از اطباء که واقع شده که ماء الشعیر مصلح سکنجبین است و شیخ نیفرماید
در حمی که هر دو را ممزوج نموده بدهند بظاهر متناقض باین طریق باید نمود که منع باماء الشعیر
قدر کثیر سکنجبین است و در صورت اصلاح اندکی از سکنجبین مستعمل خواهد گشت و دوم آنکه منع ادخال
سکنجبین باماء الشعیر است و در خارج اگر ممزوج نموده بدهند مضایقه ندارد و ازینجا است که
باماء الشعیر حسب حاجت چیزها آمیخته میدهند و ترتیب داون ماء الشعیر چنان ست
که اندر ابتدای رقیق دهند اگر ماده باشد حاجت بنگاه داشتن نباشد و نزدیک انتها
کشکاب باز گیرند تا طبیعت مشغول بغذا نشود و آنجا که حاجت بنگاه داشتن قوت بود و
در انخطاط کشکاب غلیظ دهند و هرگاه مدتی طبع اجازت نکرده باشد و ثقل در امعاء باشد
کشکاب نباید داد و کذا غذا زیرا که سبب عدم بافتن طریق استلای زیاده شود و باعث بلیات
گردد در اینصورت اول حقنه کنند تا بلیتن طبع بگشاید و بعده غذا دهند کذا قال الرئیس
ماء الشعیر اللحم هرگاه تقویت و نگاهداشتن قوت منظور باشد بمرغی داده میشود و طریق بختین
آنست که گوشت را مهرا بپزند بعد ازان همراه چوبه بپزند پس صاف نموده بکار برند و طریق
دوم آنست که هرگاه ماء الشعیر را خواهند که فرو آرند آب یخنی گوشت اضافه نمایند و طبیخ چند
دهند تا ماء الشعیر بقوام مستوی آید پس صاف نموده بکار برند ماء الشعیر مخمص قابض
شکم است بگیرند جو را و مقشر ساخته بریان نمایند بعده چنانچه رسم است بپزند و اگر خشخاش

مروق نموده استعمال نمایند در تصفیه خون عدیل ندارد و اگر آب شاهتره مروق با سفوف چوب گز
که در مبحث جرب خواهد آمد استعمال نمایند در رفع مادهٔ آتشک و جرب قرین منافع چوب چینی خواهد
بود ماء البطیخ جهت حمی دق و تپهای گرم و حرارت جگر نافع بود و بعضی نوشته اند که مستحیل بصفرا
مثل آب کدو لیکن فقیر چند جا در حمی دق که همراه وی حمی صفراوی بود آب کدو با شربه که نافع با استعمال
بسوی صفرا بودند استعمال کرده و آب کدو مستحیل بصفرا گشته و باعث ازدیاد حمی صفرا گردیده بعد
از آنکه آب کدو را موقوف نموده آب تربوز عوض آن استعمال کرده باعث ازدیاد حمی عفنی نگردیده
و لطیفه لهب حمی دق نموده و طریق استعمال و قدر شربت او مثل آب کدو است ماء الشعیر
اجماع واقع شده است بر آنکه هیچ دوائی کثیر المنافع مثل ماء الشعیر نیست و مشتمل بر ده خصلت
است یکی آنکه بارد است دوم منتفخ سوم مستفرغ مواد محترقه چهارم ملین معده پنجم سهل النفوذ در
تمام بدن ششم مسکن عطش نهم همچنان اخلاط فاسده نمیکند دهم منتفخ در معده نمیشود و مرخی معده و مضر
احشای بارد است و نضج می نماید و مصلح وی گلقند است ترکیب طبیخ وی آنست که سفید جدید یکمشت
و در ظرف سنگین یا نقره یا مس قلعی دار نموده آب صاف بران ریزند و آتش ملایم بپزند بعد پخته شدن
صاف نموده تنها یا همراه گلاب و بید مشک و شربت انار و امثال آن هر چه طبیب مناسب داند
استعمال نمایند و در مقدار آب حکما را اختلاف است نزد بعضی ده چند جو آب باید و نزد بعضی بیست
چند و نزد یک دیگر چهارده و یک حصه جو و نزد دیگر پانزده حصه و باید که تبدیل آب در اثنای پختن
نمایند و اولی آنست که هفت آب تبدیل نمایند تا ماء الشعیر خوب و سفید پخته شود و باعث اقبال
طبیعت گردد و علامت جودت جو آنست که در هنگام پختن بسیار مالیده شوند و آب که در ان جو پخته
میشود سرخ گردد و فربهی جو علامت جودت است بر سبیل اکثری و صاحب ذخیره و دیگر استادان
گفته اند که ماء الشعیر اگر خوب پخته نمیشود نه غدا را شاید و نه دوا را و باید دانست که هر چه با ماء الشعیر
در معده جمع شود طبع اندر هضم و تصرف کردن در ان متحیر گردد پس منفعت ماء الشعیر باطل گردد
بدترین چیزی کشکاب سکنجبین است بهر آنکه همواری قوام او باطل گرداند و آن را هضم نا یافته از

نموده قطره بچکانند وهمین نهج هفت مرتبه بعمل آرند پس صاف کرده باشربه واقراص مناسبه بکار برند
وداون چهل روز یا بیست یکروز مفوض برای طبیب است واز ابتدای شروع تا انتها مقدار
تخم کاسنی همین باشد ودر امرجه ودر صبیان از دو تولہ شروع نمایند ماء عنب الثعلب جهت
حمیات مرکبه که از ورم جگر ومعده باشد وهمگی انواع حمیات مرکبه را کمال نفع می نماید وطریق ساختن
واستعمال مثل ماء الهند باست وواجب است که عنب الثعلب سیاه نباشد که مورث جنون است
ماء القرع نافعست از برای تپ دق صفراوی ودموی وترطیب مزاج در رفع خشکی نماید واخلاط
محرقه حاره را باصلاح آرد ص بگیرند کدوی تازه وشیرین واز سر کار دو چند جا بزنند پس در گل زرد
پاک یا آرد جو گرفته بپزند یا آجری گذاشته در تنور که گرمی او فرو نشسته باشد یکشب در ان نگاهدارند تا
مشوی شود پس از تنور بیرون آورده گل یا خمیر در نموده سر آنرا بریدن بفشارند وآب که برآید
صافی نموده اول روز هفت تولہ بدهند ویکان تولہ بیفزایند تا یکرطل رسانند واگر محتاج تبرید شدید
شوند ماء القرع بیخ وبرف سرد کرده دهند واز اقراص واشربه هرچه طبیب مناسب داند همراه ماء القرع
استعمال نمایند وضخامت خلاف بقدر یک انگشت باشد که در آتش معتدل بالین نیک پخته شود
وماء القرع مستحیل بصفرا میشود پس درامرجه که خوف استحاله باشد باحموضات مناسبه استعمال نمایند
وجای که سرفه نافع حموضات بود سویق جو یا شراب نیلوفر بکار برند ماء الخیار بمنافع کدو متصف
است واورا از نسبت او زیاده مادهٔ حمی از جهت او را رفع میسازد ومستحیل بصفرا میگردد وطریق
گرفتن او واستعمال او مثل آب کدو است ماء الشاهترج جهت تپهای دموی باشربت
عناب واشال آن وجهت حمیات سوداوی وجرب باسکنجبین افتیمونی وسفوف لاجورد و
جزآن وجهت تفتیح سدد وتصفیه خون باسکنجبین وشربت بنفشه وغیر آن مفید است وهرگاه بالین
منظور باشد در سکنجبین وشیر خشت وفلوس خیارشنبر واشال آن بکار برند ص شاهترج نانه بگویند آب
صاف او گرفته با قدری پوست هلیله زرد گذاشته روز دیگر صاف کرده بقدر سی مثقال
تا شصت وپنج مثقال بنوشند علل سپرز را دفع گرداند نیز اگر آب شاهترج بطریق کاسنی برآشامند

دام واز قسم دوم اوسه دام واگر گرمی نماید بعضی ادویه باردهٔ مثل گلاب و بید مشک و امثال آن در دو بیفزایند
مارالهند بادالمروق جهت تپهای صفراوی و دموی مرکبه بسیار مفید است و تفتیح سدد خصوص سدهٔ جگر و تنقیه مسالک
ازباده عفنه نماید و هرگاه سکنجبین بزوری شربت دینار و حلتیت تخم خیارین و امثال آن اضافه
نمایند در تفتیح اقوی خواهد بود و در زمان همراه آب کاسنی مروق آب برگ عنب الثعلب مروق آب
بادیان سبز مروق با سکنجبین بزوری استعمال نمودن نافع ترین است و در روز مسهل سکنجبین موقوف
نمایند و عوض آن مغز فلوس و سکنجبین و شربت دینار و امثال آن بکار برند ص بگیرند برگ کاسنی سبز
و بپارچه مسح کنند تا از گرد و غبار پاک شود و غسل نمایند زیرا که سبب غسل اجزاء لطیفه که بر و منبسط اند را
میگیرند لهذا کاسنی مغسول تولید ریاح میکند و ازین جهات است که در کلام خیر البشر نهی از غسل کاسنی
واقع شده است و بعد از مسح برگ کاسنی را بکوبند و آب او را افشرده از هفت توله همراه اشربه مناسبه
استعمال نمایند و هر روز یکان یکان توله اضافه نموده باشند تا بیک طل برسد و در امزجه ضعیفه و صبیان
از سه چهار توله شروع نمایند تا برداشت مزاج بیفزایند و بهترین ترویق یعنی تسقیه آب کاسنی بر دو نوع
است یکی آنکه آب افشرده او شب بگذارند تا اجزاء قیقه از اجزای غلیظه متمایز گردد پس رقیق آنرا
صاف نموده بنوشند و دوم آنکه آب او در ظرف فلعی ارمنی یا نقره یا دیگ سنگی نموده بر آتش خفیف
گذارند و کف بردارند تا آنکه اجزای غلیظه متمایز شوند پس از آتش فرود آورده در کرباس دوتهٔ انداخته
بیالایند و بکار برند و هرگاه حرارت قوی باشد غیر مطبوخ تنها یا با قراص کافور اولی است والا مطبوخ
و مطبوخ او با گلقند جهت ربع صفراوی از مجربات نوشته اند و کاسنی مضر بسرفه است مگر آنکه سرفه یبس
و رم جگر باشد و مسکر اصلاح ضرر او میکند و نیز سعالیه اصلاح میتوان کرد و کاسنی بستانی بهتر از صحرائی
است مارالهند بادالیا لبس که عبارت از چکیده کاسنی است در حمیات مرکبه بلغمیه در آن
زیاده باشد از آب برگ کاسنی نفع بسیار مشاهده نموده شده و در فصل خریف به نسبت ربع ما قبل
می آید بگیرند چهار توله تخم کاسنی و نیکوب کرده در عرقیات مناسبه که بقدر نیم طل باشد تا دو چهار ساعت
دارند بعد از ان در پارچه که چهار طرف آنرا بچهار چوب بسته باشند تخم کاسنی را بیخ عرقیات داخل

مقوی باه و بغایت مسمن و علل ریاح و جهت سنگ گرده و مثانه و تقویت آن مفید و وجع مفاصل و
صاحب نزله و امراض بارده نافع آید ص حلوان شیر پلست سه قطعه کتجشک نرخانگی صد عدد لوه
بُیر صفراغون هر یک پنجاه عدد چوزه مرغ سی عدد دراج بیست عدد گوشتها از استخوان و ریشه پاک
کرده ورق ورق نموده در آبی پند و مهر نموده در آب پزند و مهر نمایند بعد ازان بهم بیامیزند و سفید تودری سرخ
و سفید شقاقل مصری ثعلب مصری سورنجان مصری گاوزبان گیلانی لسان العصافیر بادیان
خطائی چای خطائی قاقله کبار قاقله صغار عود غرقی تخم گزر تخم خربوزه گل سرخ حبة الخضرا بادرنجبویه تخم
خطمی سفید سپستان پرشیاوسان حب السمنه پودینه خبطیاناماهی رویان خولنجان حب القطن
تخم خبازی هر یکدربع رطل تخم بلیون مغاث بوزیدان قرفه سلیخه مصطگی مازقیصر تخم انجره اشنه ساج
هندی صندل سرخ تخم ترب تخم شبت اسطوخودوس بیخ سوسن آسمان جونی زراوند مدحرج گل بابونه
تخم بالنگو سمک صید انجم شتری تخم ریحان برگ فرنجمشک زرنب اسارون کوکنار از هر یک شش درم
رطل گل گاوزبان کباب چینی مایه شترا عرابی سنبل الطیب تخم جرجیر حب القلقل نسبلوچین بسفایج سرو تخم
عقربی سیسایوس عود صلیب سعتر قنطوریون دقیق شیطرج هندی ریگ ماهی درونج عقربی
فراسیون بسباسه جوزبوا از هر یک شش مثقال دارچینی تندابر شیم از هر یک نوزده مثقال خارخسک
مربی رب سیب شیرین رب انار شیرین از هر یک دو رطل نبات شش رطل سومیائی کافی جمیع
سعد کوفی جدوار نفس زعفران مشک خالص عنبر اشهب از هر یک یکتوله ریحان تازه سه دسته
چوب چینی قسم اول انجیر زرد منقی کشمش هر یک یکرطل ناخواه زوفا خشک گزتر کی از هر یک نه مثقال
عناب ولایتی صدوانه بگیرند و سوای زعفران و مشک و عنبر انچه را ازادویه کوفتنی است در کوشتهای
مذکور انداخته یکشبانه روز بگذارند و زعفران و مشک و عنبر را در پارچه لبسته در سر نیچه بندند و روز دوم
گلاب و شیشه بید مشک دو شیشه عرق گاوزبان عرق خارخسک هر یک سه آثار آب گذر تازه
آب نیشکر که همین زمان برآورده باشند هر یک بیست آثار اضافه نموده اول بمقدار دوازده چهارده
آثار برآرند و این را جداد ارند و مرتبه دوم بهمین مقدار بگیرند مقدار شربت از اول اوازده دوام نا شست

پوست ترنج کشنیز خشک مقشر صندل سفید گاؤزبان گیلانی بہمنین شقاقل تودری سفید
وگلگون از ہریک دو تولہ عود غرقی نیم تولہ در ونج عقربی یک تولہ زعفران نیم ماشہ لسان العصافیر
مصطگی دو تولہ مشک دو تولہ ودو ماشہ عنبر اشہب دو ماشہ تخم فرنجمشک یک تولہ تخم بلیون دو تولہ
خرفہ دو تولہ آملہ دو تولہ بلیلہ کابلی دو تولہ بلیلہ کابلی دو تولہ آب سیب نیم آثار آب بہ نیم آثار گلاب دو آثار آب کنار ده آثار
عرق بادرنجبویہ دو آثار آب بقدر کفایت داخل کردہ عرق کشند مارالالحم مفید است ازبرای
نقصان باہ وقتیکہ سبب آن ضعف بدن وکمی غذا باشد ص چوب چینی غرقی اعلی
ہفتاد مثقال گل گاؤزبان بادرنجبویہ سنبل الطیب از ہریک پنجاہ مثقال قرنفل دارچینی
قاقلہ کبابہ جوزبوا لبسباسہ بادیان فارسی بادیان خطائی بہمنین عشبہ مغربی صندل سرخ
صندل سفید مصطگی زعفران کبابہ چینی اشنہ غنچہ گل سرخ زرنباد مثقال فرنجمشک تخم بلیون
عود ہندی از ہریک دہ مثقال بوزیدان عنبر اشہب از ہریک پنجمثقال مشک خالص
دو مثقال گوشت گوسفند گوشت مرغ گوشت کبوتر از استخوان جدا کردہ از ہریک یکمن تبریز
کنجشک نر پنجاہ قطعہ در عرق عنب الثعلب عرق مشک گلاب عرق گاؤزبان عرق بہار
نارنج عرق بادرنجبویہ آب بقدر ضرورت عرق کشند وادویہ را باین عرق خیسانیدہ باز عرق
کشند عنبر ومشک ومصطگی وزعفران را در پارچہ نازکی بستہ در جای کہ عرق میچکد بگذارند وہر
صبح را دو سہ پیالہ قہوہ خوری ازان بنوشند مارالالحم بہ نسخہ دیگر بجہت فواید مذکورہ ص گوشت
مرغ دو قطعہ گوشت کبک دو قطعہ گوشت بره فربہ کہ از چربی جدا کردہ باشند یکمن تبریز مجموع
پرچہ پرچہ کردہ دارچینی صغیر فارسی سلیخہ عود ہندی عود صلیب قرنفل مصطگی ما نخواہ صندل سفید
صندل سرخ شقاقل خولنجان زرنباد جوزبوا لبسباسہ سنبل الطیب سادج ہندی زنجبیل از
ہریک دو مثقال کوفتہ بر گوشت پرچہ کردہ بپاشند ویک شب بدارند روز دیگر تا سہ من تبریز
گلاب و یک من شیر تبریز عرق بید مشک بآتش ملایم عرق بکشند وعنبر اشہب دو دانگ
عرق کشیدن در جای کہ میچکد بگذارند مارالالحم کہ بجہت یکی از امرای عظام ساختہ بودم

فربہ دو من تبریز مرغ جوان ہفت قطعہ گلاب یکمن تبریز عرق بید مشک عرق گاوزبان از
ہر یک نیم من تبریز دارچینی دہ مثقال صندل ہشت مثقال دانہ ہیل قرنفل عود مصطگی
رومی نارمشک از ہر یک پنجمثقال عنبر اشہب یکمثقال و نیم بدستور مقرری عرق کشند و مشک
و عنبر بہ پنجہ عرق کسی بہ بندند ماء اللحم تالیف راقم جہت مالیخولیا کہ از احتراق خون و صفرا بود
و حمی دق را نافع باشد ص گوشت بز خالہ و پاچہ بزہ جوان و گوشت میش شش ماہہ ہر یک
دو رطل پاک کردہ ورق ورق کردہ بعد ازان صندل سفید کشنیز خشک گل سرخ دانہ ہیل
طباشیر سفید از ہر یک پنجمثقال دارچینی یکمثقال کوفتہ بیختہ بران باشند در عرق گاوزبان عرق
نیلوفر و گلاب عرق بید مشک عرق بید سادہ عرق کاسنی عرق صندل از ہر یک یکسیر آب
فراخ بقدر ضرور عرق کشند بہیت و نہ آثار بعد ازان کدو تربزہ کردہ برگ خرفہ اسفانخ گل
نیلوفر کاہو برگ بید با کل آن گل سرخ باقلاتر گاوزبان گیلانی گل گاوزبان از ہر یک نیم
رطل تخم خشخاش بہمن سرخ بہمن سفید از ہر یک دو تولہ تودرین از ہر یک یکتولہ داخل کردہ و آب با عرق ہا
مناسبہ بقدر احتیاج اضافہ نمودہ بقدر ہفت آثار عرق کشند و عنبر اشہب بقدر یکدرم در پنجہ بندند
و اگر حاجت دانند کافور و طباشیر نیز مرتبہ دوم بیفزایند ماء اللحم بنسخہ دیگر مقوی قلب و برائے
نافہین نافع بود ص حلوان شیرمست یکعدد چوجہ مرغ دو عدد قرنفل یکدرم دارچینی پنجتولہ ہیل
دو تولہ صندل سفید دو تولہ کشنیز خشک مقشر چہار تولہ مصطگی دو تولہ گل گاوزبان چہار تولہ
مشک ترکی سہ ماشہ عنبر اشہب سہ ماشہ عرق بید مشک دو شیشہ گلاب ہفت شیشہ بدستور
مرتب سازند ماء اللحم تالیف والد ماجد در تقویت قلب و معدہ بارد و یابس بسیار مفید است
ص گوشت دراج نیم آثار گوشت تیغلی نیم آثار گوشت آہو آثار گوشت مرغ نیم آثار گوشت کبک نر خانگی
یا وحشی آثار گوشت کبوتر جنگلی نیم آثار گوشت ہا را پاک کردہ ورق ورق نمودہ در عرق ہائے
مناسبہ با آب مہرابیز بند بعد ازان قرنفل پوست بیرون پستہ خولنجان بوزیدان جوز بوا لبسبا
گل سرخ طباشیر سفید گل گاوزبان بادرنجبویہ از ہر یک تولہ دارچینی الائچی خورد خارخسک

نیز بایه شتر اعرابی پنجمثقال افیون نیم رالنیج هر یکدو مثقال و بدل تنفقور ماهی رو بیان کرده ام
و قدر شربت از افیون دار او نیم مثقال تا یکمثقال جهت افیون خوار **باب المیم**
ماء اللحم غذای است مقوی دل و دماغ و مولد خون و رافع ضعف و سرایع التعذیه و التقویه
خاصه که با او قدری شراب ممزوج باشد رئیس اطباء میگوید که گوشت اگرچه غذا صرف است
لیکن آب او در معالجه ضعف قلب و خلق تمام دارد و خوب ترین گوشت درین امر بکسال
است و در بعضی فرجه گوشت کبک و مرغ بهتر انیکه گوشت بز که گوشت طیور جمع نباشد لیکن اکثر
الحذاق قد جمعوا بینهما فکانه سریعه منجب قبل العمل بهاد انچه از فراریج در قبه جدی سازند لطف
و قلیل الحرارت است **ماء اللحم بسیط** بگیرند گوشت فربه گوسخ از چربی جدا کرده ورق ورق
نمایند و در آب شیرین به پزند که با آب یکسان شود آب خلیظ گردد پس
در قرع و انبیق عرق کشند راقم اکثر در ضعف و حمی دق یا بعضی ادویه مناسبه برآورده استعمال
کرده بسیار منافع مشاهده نموده و دیگر طرق برآوردن ماء اللحم بسیط مع فواید در علاج الامراض
مذکور است **ماء اللحم مرکب** منقول از خط افضل المحققین اکمل المدققین والد ماجد حاذق الملک
حکیم محمد اکمل خان برای ناقهین و ضعف قلب و الیخولیا نافعست ص کبوتر نه عدد دراج پنج
هر یک پانزده عدد مرغ سه عدد کنجشک نر پنجاه عدد زرشک پاو آثار آب سیب آب به آب
انار شیرین آب سپاتی هر یک یکسیر صندل سائیده چهار توله کشنیز خشک گل سرخ هر یک سیر توله
برگ گاوزبان نه توله اسطوخودوس و نیم توله گل گاوزبان هشت توله بادرنجبویه شش توله
ابریشم خام چهار توله فرنجمشک بالنگو هر یک سه توله گل نیلوفر شش توله عود غرقی پوست ترنج
هر یک چهار توله گلاب یکسیر بید مشک دو سیر عرق گاوزبان و نیلوفر هر یک یکسیر مشک نه ماشه
عنبر زعفران نه ماشه طباشیر شش ماشه الایچی خورد سه ماشه قرنفل دارچینی هر یک یکتوله بدستور
متعارف تیار سازند و اگر مزاج حار باشد کافور بیفزایند **ماء اللحم** تالیف حکیم باقر موسوی که
همین منفعت دارد و تقویت قلب هم می نماید و خفقان بارد را نافعست ص گوشت بره

تخم کلم تخم چغندر ریگ ماهی فرقیره جودار بیخ بنفشه ساذج هندی هریک چهار مثقال خصیة الثعلب
بیست مثقال مجموع کوفته بیخته مغز بادام مغز پسته مغز فندق مغز انجلک مغز فلق خواجه مغز بار جیل
مغز تخم کدو شهدانج تخم خشخاش سیاه وسفید مغز تخم بلادر مغز چلغوزه مغز تخم بهندانه مغز تخم خربوزه مغز
تخم گردگان مغز بادام تلخ مغز تخم شقتالو مجموع این لبوب را روغن بکشند واجزا را کوفته بیخته بدان
چرب سازند وباسه چندان اودویه عسل کف گرفته بقوام آرند وهر صباح دو مثقال ازان با شیر
آهو یا شتر اعرابی بخورند لبوب دیگر از مخترعات حکیم مذکور ومجرب است ص لعل بدخشی
یاقوت رمانی هریک یکدرم ونیم طلا محلول ونقره محلول دارفلفل عنبر اشهب سنبل الطیب ساذج
هندی هریکدو درم کبابه زنجبیل سعد زرنب تخم بادرنجبویه زرنباد مصطگی تخم گندر بست کهربا
بسد هریک سه درم بهمن سرخ وسفید هریک چهار درم قرنفل حب الزلم مغز چلغوزه خولنجان
قاقله تخم شلغم نارمشک فرنجمشک صندلین گاوزبان تخم خشخاش ورق گل سرخ بادرنجبویه
تخم بلیون قرفه اسارون درونج جوز بوا اشنه گل قرفه از هریک پنجدرم شقفور خصیة الثعلب
زعفران هریک پانزده درم عسل سه چندان همه لبوب که از اسرار اطباء است تالیف
شمس الدین ابن هلال اردبیلی که بغایت مقوی باه ودل ودماغ است ومداومت کننده
او قبل از جماع وبعد از جماع ایمن است از عرق النسا ونقرس ونقصان منی واعراض
عصبانی ص مشک دانگی ونیم دارچینی قرنفل سنبل الطیب اسارون بسباسه کبابه سعد قرفه
دارفلفل عود جوز بوا نارمشک عنبر اشهب زعفران هریک یکمثقال زنجبیل بزیدان قسط بیرین
حب الزلم درونج حب البان فلفل سفید مغز تخم خربوزه مغز تخم کدو تخم پیاز تخم شلغم تخم بلیه خشخاش
سفید خسکدانه دو قو تخم تره تیزک تخم گندنا تخم بلیون خسک مربی هریکدو درم مثقال خولنجان
مصری بهمین تودرین لسان العصافیر شقفور هریک سه درم نارجیل حبة الخضرا مغز بادام سنبه
مغز چلغوزه مغز پنبه دانه کنجد مقشر هریک هفتدرم با عسل سپید شسته مجرب وآزموده اند شربت
از دو مثقال تا سه مثقال وصاحب تحفه نوشته که من جهت معاودین افیون زعفران سه مثقال

از هریک یکجزو شقاقل حب ۱ لزلم لسان العصافیر زنجبیل از هریک نیم جزو مجموع را کوفته بالک
مصفی سرشته معجون سازند شربت تا چهار مثقال واگر مغز کنجشک یکجزو و تخم خشک و دار فلفل از
هریک یک جزوی داخل کنند اقوی در افعال خواهد شد لبوب بارد منقول از ذخیره بجهت
نقصان باه که سبب آن حرارت باشد ص مغز بادام شیرین مقشر تخم خشخاش سفید از هریک
شش درم مغز تخم کدو پنجدرم مغز تخم خربوزه مغز تخم خیار مغز تخم بادرنگ تخم خرفه مقشر از هریک سه درم کتیرا
دو درم تودری زرد و تودری گلگون تخم کدو تخم بلیون مغز جلغوزه از هریک یکدرم زنجبیل خولنجان
شقاقل هریک پنجدرم کوفته بخیته با زنجبین یک من بقوام آورند شربت دو درم لبوب ابریشم
از اختراعات بعضی متاخرین است تقویت گرده و باه کند و تولید منی بافراط نماید ص مغز بادام مغز
حبة الخضرا مغز جب ۱ لزلم مغز حب فلفل مشک بهمن سفید خشخاش دارچینی زنجبیل دار فلفل
کبابه قرفه ورق نقره تخم بلیون خولنجان هریک نیم تولا زعفران یک تولا مغز فندق مغز جلغوزه
مغز پسته تودری سرخ و زرد هریک تولا و نیم ناریل شقاقل هریک چهار تولا ابریشم مقرض پنج تولا
ابریشم پاوسیر عالمگیری گلاب نیم سیر عسل سه چند همه لبوب جواهر که در تقویت باه اثر تمام دارد
ص عطر ولایتی که مشهور به چرس است یکتولا تخم انجره تخم شلغم تخم پیاز سفیده عنبر اشهب خشخاش
انیسون ابریشم او رق طلا و رق نقره مروارید لعل بدخشی کهربای شمعی هریک دو تولا و چهار ماشه
مغز تخم خیارین همچنین مغز تخم خربوزه هریک سه تولا کنجد مقشر خصیة الثعلب خولنجان زنجبیل تخم اسپست
مصر شقتور مغز کنجشک مرغانی خصیه خروس خشک کرده شقاقل هریک سه تولا و چهار ماشه مجموع
کابلی چهار تولا و چهار ماشه مغز بادام مقشر مغز جلغوزه مغز ناریل از هریک هفت تولا آب نارشپاتی یک اثار دیاباد عسل
سفید و نبات چهار صد مثقال بپزند و مرتب سازند لبوب از مجربات حکیم کمال الدین حسین شیرازی
که تریاقی است در ازدیاد باه ص جندبیدستر مثقال انیسون فلفل سلیخه حب ۱ لغار عاقرقرحا
مایه مقشر اعرابی حلموحه داغ تودری زرد گلگون لسان العصافیر شقاقل مصری همچنین سمک
صبد مغز کنجشک ماهی روبیان تخم انجره تخم جرجیر تخم گندر تخم پیاز تخم گندنا تخم بلیون تخم شلغم تخم کاهو

قدری که از سران بگذرد و بجوشانند تا ثخین شود پس آنرا فشرده صاف کنند و دران مرتبه دیگر خسک
داخل کرده بجوشانند و صاف کنند پس مرتبه سوم خسک نرخ داخل کرده بجوشانند و بنیدازند دران زنجبیل یا
دارفلفل از هرکدام که باشد یکدرم و با عسل وفانید بقوام آورند **لبوب** سقوی باه و دماغ و بصاب
نزله نیز مفید **ص** مغز بادام مقشر یکطل مغز پسته نیم طل تخم خشخاش دو طل سپیده سفید یکدو طل
همه را شیره گرفته در روغن گاو نیم طل نبات سفید یکطل قوام داده بطور حلوا بپزند چون مرتب
شود مشک تتبی سه ماشه زعفران شش ماشه بگلاب سوده بالای آن ریزند و در ظرف چینی ریخته
کرده مثل لوز بپزند و دو تولهٔ هر صبح بخورند **لبوب** کبیر گرده را گرم و قوی گرداند و منی بفزاید و
نشاط آورد و باه را زیاده کند و دل و دماغ را قوت دهد و بدن را فربه کند و رنگ را نیکو گرداند
و در امر مجامعت نظیر ندارد **ص** مغز پسته مغز بادام مغز فندق مغز جوز الخضر امغز گردگان مغز خلنوزه
مغز حب الزلم مغز حب البطم مابی روبیان خولنجان شقاقل همبنین تودری زنجبیل کنجد مقشر دارچینی
از هریک پنجدرم سنبل الطیب سعد کوفی قرنفل کبابه حب القلقل تخم گذر تخم شلغم تخم ترب تخم پیاز
سپست تخم بلیون لسان العصافیر دو نخ عقربی زرنباد از هریک سه درم جوز بوا لبسباسه دو تولهٔ
دارفلفل از هریکدو درم خصیه الثعلب نارجیل تازه مغز کنجشک خشخاش از هریکده درم قضیب گاو
سوده سورنجان بویدان نعناع خشک از هریک چهار درم مایه شتر اعرابی زعفران مصطگی از
هریک سه مثقال عود خام دو مثقال ورق طلا سی عدد ورق نقره پنجاه عدد عنبر اشهب یکمثقال
مشک نیم مثقال عسل سه وزن ادویه بطریق مشهور مرتب سازند **لبوب** صبر منی زیاده کند و کلیه
و مثانه را قوت دهد **ص** مغز بادام گردگان جوز الخضر امغز خلنوزه مغز حب الزلم فندق پسته نارجیل
مغز حب الفلفل خشخاش سفید تودری سرخ و زرد مقشر تخم جرجیر تخم پیاز تخم شلغم تخم اپست بهمن سرخ
و سفید قرفه زنجبیل دارفلفل عاقرقرحا کبابه دارچینی شقاقل خولنجان تخم بلیون مساوی کوفته بیخته
باسه وزن ادویه عسل معجون سازند شربت دو درم **لبوب** منقول از ذخیره **ص** مغز پسته دانه
مغز حب الخضرا حب الصنوبر کبار حب الصنوبر صغار مغز پسته مغز نارجیل تازه مغز گردگان تخم بلیون

لعوق سپستان برای نفث مواد سینه و سرفه و نزله از مجربات است ص سپستان
فربه پنجاه دانه عناب بیست دانه اصل السوس یکتوله تخم خطمی سفید چهار ماشه پوست خشخاش
دو توله بهدانه سه ماشه تخم خربزی چهار ماشه در دو آثار آب بجوشانند و با نبات بقوام آرند و در
آخر قوام شیره جو مقشر شیره مغز بادام مقشر شیره تخم خشخاش یکتوله افزایند بعد ازان کتیرا اصغر
رب السوس سوده هر یک سه ماشه اضافه نمایند و بقدر دو ماشه در دهن گرفته لعاب آن
فرو برند روزانه چار پنج دفعه وقت خواب چهار ماشه بخورند لعوق برای سل منقول از پیامبر
عم مرحوم ص مغز تخم کدو مغز تخم خیارین مغز بهدانه مغز پنبه دانه تخم خشخاش انزروت
سفید کتیرا مغز جلغوزه ابریسازوفای خشک از هر یک دو مثقال کوفته بیخته با شربت زوفا
سرشته تناول نمایند شربت یکمثقال لعوق ناردان جهت تقویت معده و رفع
عنف مجرب است گل سرخ آرد سنجد پوست بیرون پسته انار دانه مشک از هر یک پانزده
مثقال سعتر هفت مثقال نفع تخم مورد هر یک سه مثقال جمله را در سه رطل آب بجوشانند تا یک
رطل بماند صاف کرده همراه آب لیمو و آب غوزه و آب به و آب تمر هندی هر یک بیست و پنج مثقال سکر
شصت و دو مثقال نبات دو صد مثقال بقوام آرند و اندک اندک بلیسند لعوق
خار یقون فساد شهوت را که از بلغم و صفرا بود نافع است ص خار یقون سفید یکمثقال
راه مدچینی یکدرم خشخاش نافت بیدرم فلفل سفید بعدرم کوفته بیخته و بیخ درم شربت بیخ کاسنی
آمیخته لعوق سازند لعوق بصل سبی است و منی را زیاده کند ص بگیرند پیاز سفید و
کوفته آب آنرا بگیرند و مقدار نیم رطل آنرا یکرطل عسل صاف کرده داخل نمایند و بپزند تا آب
پیاز ببرود و عسل بماند و در ظرف چینی یا زجاجی کرده وقت خواب دو ملعقه ازان بلیسند لعوق
دیگر منقول از قانون بجهت تقویت باه ص خربق و حلبه مساوی بجوشانند و صاف کنند و
جوشانیده را در عسل مصفی مخلوط کرده بجوشانند تا بقوام آید شربت بقدر یک دو قبه
لعوق خسک در بهمات نفع است برای تقویت باه ص بگیرند خسک و در آب

یکماشه افیون نیم ماشه گل سرخ صندل انزروت از هریک یکماشه در آب گل مورد و کشنیز بسیر
سائیده بر کاغذ سوزن زده چسپانند و بر شقیقه بندند لطوخ که زکام مزمن را نافعست ص
لادن لوبان مصطگی کندر زفت رومی گل بابونه سنبل الطیب هریک جزوی
موم سفید روغن نرگس یا روغن گل یاخیری هریک چهار جزو موم را در روغن بگدازند و
دواها را کوفته بیخته بآن بسرشند و بر پارچه مالیده بر سر به بندند و سه روز بندند لطوخ نزله حار
رقیق که از لوقات و استعمال مغلظات مانند ابتناده باشد ازین لطوخ بسبب تقویت دماغ و تسکین
تعلیظ مواد بلا ایستد ص بگیرند تخم خشخاش بابونه و بکوبند و با ورق آس و روغن خلاف
بجوشانند و بعد حلق راس ملطخ نمایند و اگر با این لطوخ گل ارمنی و گل مختوم با آب بار تنگ
بر جبهه طلا نمایند اقوی خواهد بود لطوخ جهت دفع نزله مجرب ص قطعه کاغذی
سوافق پیشانی از سوزن سوراخ نموده بر بالای آن کاغذ زعفران و افیون مالیده بر آتش
گرم نموده بر پیشانی بچسپانند و بالای چیزی بندند لطوخ نزله بند منقول از خط والد ماجد
ص صمغ عربی کتیرا قرنفل نشاسته حضض مکی بزر البنج جدوار خطائی افیون زعفران
بیخ تفاح در گلاب و آب کشنیز خشک و سفیدهٔ تخم مرغ سوده بر کاغذ که برابر روپیه باشد متقارض
کرده بسوزن سوراخ نموده و ابران طلا ساخته بر شقیقه بچسپانند لطوخ معمول
والد شریف ص تخم کاهو تخم خشخاش افیون زعفران بزر البنج دم الاخوین صمغ عربی کتیرا
گل سرخ انزروت اگر حاجت باشد کافور قیصوری نیز اضافه نمایند همه ادویه را کوفته بیخته
بسفیدهٔ تخم مرغ آمیخته هر کاغذی که از سوزن سوراخ کرده باشند بر شقیقه بچسپانند
لطوخ برای دار الثعلب ص فربیون مازو شنگرف روغن غار از هریکه دو مثقال کبریت
آتش ندیده خرنق سفید و سیاه از هر دو کدام که موجود باشد هریک یکمثقال ادویه را کوفته
و بیخته نه درم موم گداخته بر روغن غار یا روغن بید انجیر یا بزیت مخلوط ده استعمال نمایند و این
دوا قوی الاثر است هرگاه دار الثعلب از سه طلوخ بار یک نموده بیامیزند و استعمال نمایند

تا که سوم حصه بماند صاف نموده با یک نیم آثار شکر بقوام آرند و بالای آن گلنار عنصل و اقاقیا
و سماق و عصاره لحیته الثیس و خرنوب شامی از هر یک یکدرم افیون مصری داخل کرده متصل بر بنفشه
لنخلخه معمول والد ماجد حکیم علویخان مرحوم برای سر سام حارص صندل سرخ صندل سفید
بگلاب سوده گل ارمنی شیاف مایتا حضض مکی بوش در بندی طباشیر سفید سوده آب
کاسنی تازه آب کشنیز سبز تازه آب سیب شیرین آب بهشیرین آب بجان تازه آب هر گ
مورد گلاب عرق بید مشک طلع سرکه انگوری شیر و خشخاش روغن گل روغن بنفشه روغن
نیلوفر داخل کرده در شیشه سر کشاده در پیش بینی علیل دایم حرکت دهند و او را بویانند روز انحطاط
علت بجای طباشیر فاوانیا می کنند و روغن نیلوفر و آب مورد و آب طلع نمایند لنخلخه
مقوی قلب و دماغ ص پوست سیب عود غرقی صندل سفید پوست قاقله صغار اشنه سنبل الطیب
بیخ بنفشه بسباسه ادویه را کوفته در عرق بهار و گلاب تر کرده در تخلخه دان نموده بر آتش
ملایم بگذارند تا ابجره بوساطت هوا بدماغ برسد لنخلخه که خواب آور د ص تخم گل بیخ تفاح
از هر یک بکدام افیون دانگی کافور دو دانگ کوفته در ظرفی کنند و بپوشند لطوخ برای
شقیقه و صداع نافعست ص مرتخم کاهو هر یک بکدام بزر البنج کتیرا هر یک دو دانگ
افیون نیم دانگ بسر که بسرشند و بر کاغذ سوزن زنند و بر شقیقه نهند لطوخ جهت شقیقه
معمول و مجربست ص کتیرا صمغ عربی تخم کاهو تخم خشخاش تخم کاسنی دم الاخوین حضض
زعفران کوفته بیخته در سفیده تخم مرغ سرشته کاغذ را بسوزن بزنند و بر و بمالند و بگرم کرده
بر شقیقه چسبانند لطوخ دیگر مجربات بجهت درد شقیقه ص کوکنار گل سرخ کشنیز خشک از هر یک
چهار ماشه بابونه سه ماشه بیخ تفاح یکنیم ماشه بزر البنج سه ماشه افیون یکماشه بیخ بنفشه سه ماشه
صندل دو ماشه روغن گل سه نیم تولچه ادویه را شب در آب تر کرده صبح جوشانیده روغن گل
آمیخته باز بجوشانند تا که روغن بماند بعد ازان بر پارچه غلیظ مالیده بکار برند لطوخ جهت
درد شقیقه مجربست ص بزر البنج تخم کاهو شیاف مایتا فوفل بگویند بیخ تفاح از هر یک

کرده بقوام آرند لعوق که اخلاط غلیظه دمده آرد و مجرب ست ص کندر چهار درم مرصافی دو درم
درسه اوقیه میفتج حل نمایند و بجوشانند تا بقوام آید لعق نمایند لعوق الصنوبر بنسخهٔ صاحب ذخیره
ص لوز صنوبر کبار متقشر اپرسا صمغ عربی کتیرا از هریک یکجزو تخم کتان مقلو تمر هروی منزوع النوی
از هریک هفت جزو کوفته بیخته بروغن گاو برابر او دیه رود و چند اجزا عسل کف گرفته معجون سازند
شربت یک اسفار لعوق البهل مجرب برای ربو بلغمی هرگاه استعمال کرده میشود و هفت روز
متوالی ص بهل یک اوقیه کوفته بیخته در روغن گاو نیم اوقیه لت نموده بعسل کف گرفته خمیر ساخته
لعوق نمایند لعوق طباشیر نافع قروح ریه و سینه و حرارت و خشونت آن ص صمغ عربی
نشاسته تخم خشخاش سفید از هریک هشت درم طباشیر چهار درم مغز تخم کدو مغز تخم خیارین از هریک یک
درم تخم خبازی تخم خطمی از هریک سه درم کوفته بیخته باریک نموده با عسل مصفی روغن بادام
شیرین معجون سازند و در ظرف چینی بردارند و بروقت حاجت لعق نمایند لعوق صبیان جهت
حرارت و سرفه و خشونت گلوی اطفال آن شیر یا در یا شیر الاغ آمیخته بلیسانند ص صمغ عربی کتیرا سفید
رب السوس قند سفید از هریک چهار درم مغز بهدانه او دیه کوفته بیخته بعسل لبسر شند لعوق زوفای
ربو و سرفه کهنه را نافعست سینه و شش را از اخلاط غلیظه پاک کند ص زوفا یا بس بیخ سوسن
آسمان گون از هریک هشت درم در سه رطل آب بجوشانند تا ببر طلی آید صاف نموده با یک رطل عسل
بقوام آرند و صاحب اعراض نوشته که زوفای و بیخ سوسن را کوفته بیخته به سکنجبین یا با انگبین
لبسر شند و اگر بیخ سوسن حاضر نباشد شونیز عوض او کنند لعوق برای مسلول نافع و
سعال یبسی را نیز سود دارد ص لعاب بهدانه لعاب اسپغول لعاب تخم خطمی آب انار شیرین
آب خیار آب کدو آب برگ خرفه آب بنشکز از هریک بیست درم صمغ عربی کتیرا مغز بادام شیرین
متقشر شکر القشر تخم خشخاش از هریک پنج استار شکر نیم استار بدستور لعوق ساخته هر ساعت قدری
قدری لعق نمایند لعوق برای ربو مفید ص عسل و دقیق بزرگتان و روغن بادام لعوق
برای نوازل حاده ص خشخاش رطب مع پوست یکرطل در هشت رطل آب بجوشانند

کاسنی سبز آب کشنیز سبز گلاب از هر یک سه مثقال اضافه نموده در شیشه سر کشاده انداخته بجوشند و اگر حاجت شود قدری کافور نیز اضافه نمایند لنخاخه دیگر نیز از والد ماجد برای امراض مذکوره و مقوی دل ص عطر صندل گلاب سرکه انگوری روغن گل آب کشنیز سبز آب کاهو سبز باهم مخلوط نموده لحظ بلحظه بمویند لنخاخه جهت سرسام حاد فلنمونی وجبره ص آب سیب شیرین آب به شیرین آب برگ مورد گلاب عرق بید مشک آب طلح خرما صندل سفید سوده گل ارمنی اندکی کافور قیصوری همه را یک جا کرده در شیشه سر کشاده از ادویه دیگر نزود این را استعمال کنند لعوق بادام خشونت حلق و نجره و سرفه را سود دارد ص مغز تخم کدو مغز بادام هر یک پنجدرم صمغ عربی کتیرا انشاسته رب السوس یکیده درم قند سفید بیست درم بزور مغز بادام چرب کنند و بجلاب بسرشند و لعوق بسازند و در بعضی نسخ مغز بهدانه هم پنجدرم است لعوق حلبه نافعست بجوخه الصوت را ص نبرکتان ده درم حلبه مغز بادام متقشر هر کدام چهار درم کتیرا اصل السوس محکوک مغز چلغوزه نشاسته صمغ عربی از هر یکدو درم کوفته بخته شلت معقود بسرشند لعوق دارد برآمدن خون را از گلو باز دارد و جگر را بصلاح آورد و بواسیر را سود دارد ص تخم خرفه طباشیر هر یکدو درم مغز تخم کدو مغز تخم خیار هر یک سه درم لعاب بزرقطونا لعاب تخم بارتنگ نبات هر یک بیست درم بر سبیل ترکیب کنند و یک کفچه بخورند لعوق دیگر جهت سرفه تری بعدیل است ص اصل السوس پنجدرم تخم خطمی بهدانه هر یک هفتدرم در دو بیست پنجاه درم آب شب ترکنند صباح بجوشانند تا به نصف رسد و با صد و بیست درم قند سفید بقوام آرند و مغز بهدانه صمغ عربی هر یک سه درم کتیرا چهار درم خشخاش سفید خشخاش سیاه هر یک پنجدرم نرم صلابه کرده بیامیزند لعوق معتدل مجرب افم جهت تسهیل اخراج بلغم و مغلظ مواد حاره رقیقه ص مویز منقی انجیر زرد با قلا تخم خشخاش اصل السوس مغز تخم کدو شیرین پرسیاوشان را زیانه زوفای خشک مغز بادام متقشر حلبه پودینه ولایتی صمغ عربی تخم خطمی کتیرا تخم کتان بهدانه کوکنار هر یک نیم تولچه جو کوفته در چهار رطل آب بجوشانند تا یک رطل بماند صاف نموده عسل سفید نیم رطل در اصل

از هریک هفتدرم فلفل دارفلفل زنجبیل فلفلمویه نمک هندی سرخ نمک سیاه اندرانی نمک طبرزد
لسان العصافیر شبطیح هندی سعد خیرلوا قرنفل سعتر برنگ کابلی مقشر شونیز حب النیل زیره
کرمانی سانوج هندی تخم کرفس کشنیز خشک از هریک پنجدرم نربد سفید صدد پنجاه درم فلوس
خیارشنبر ده درم مویز منقی نیم من شیرآلمه مویز را درشش من آب بپزند تا دومن آید بپالایند و
خیارشنبر در آب حل کنند و سه من فایند دران حل نمایند و نیم من روغن کنجد بآن بیامیزند و
بجوشانند تا بقوام آید داروهای دیگر را کوفته بآن بسرشند شربت پنجدرم باشیر شتر یا آب عنب الثعلب
کلکلانج بارد استسقاهار را نافع بود **ص** ماذریون مدبر غاریقون پوست هلیله زرد از هریک
پنجدرم عصاره افسنتین سه درم بیخ سوسن گل سرخ تخم کاسنی مغز تخم خربزه رب السوس از هریک
دودرم تربخبین فلوس خیارشنبر فاینذ مغز از هریک پانزده درم صاف کرده بقوام آورده داروهای
دیگر را کوفته بآن بسرشند شربت دودرم تاچهار درم **کلکلانج** حار نافعست استسقای را
که بآن حرارت نباشد **ص** ماذریون مدبر غاریقون پوست هلیله زرد سکبینج از هریک پنجدرم
ایرسا سه درم ریوند چینی عصاره غافث سنبل انیسون از هریک دودرم کوفته بسبخیه سعجون
سازند با عسل شربت سه درم یا چهار درم **کیوس** استرخار مقعد را مفیداست **ص** جفت
بلوط قشور کندر شیح محرق مردارسنگ قایمیای فضه همه را باریک ساخته بر رفاده نهاده
ببندند **حرف اللام لنخاخه** که منع عفونت کند و صداع را نافع بود **ص** صندل سفید سنبل
کشنیز گلاب سرکه همه را ممزوج نموده در ظرفی کنند و ببویند **لنخاخه** برای صداع صفراوی
ص گل ارمنی سرکه آب کشنیز کافور صندل بطریق متعارف ببویند **لنخاخه** نافع برای
صداع که حادث از ضعف دماغ بود **ص** عنبر اشهب بروغن بنفشه گداخته آب سیب
شیرین گلاب آب فرنجمشک در شیشه سرکشاده نموده متصل دریش یعنی حرکت دهند **لنخاخه**
معمول علامی فهامی والد ماجد بجهت صداع حار و ابتدای سرسام نافع **ص** صندلین مثقال
گل نیلوفر یکدرم گل ارمنی نیمدرم در بید مشک پنجمثقال سائیده آب کدو آب خیارشنبر

انیسون تخم کرفس صغیر در آب بجوشانند وصاف کرده در شانه گاو انداخته در خلو معده تکمید
شکم نمایند کما دتالیف شاه ارزانی جهت تسکین درد معده وامعاء وجگر وکلیه وسپرز وجمیع
اعضا تاهست سریع العمل ومقوی لیچ را بغایت مفید ص بابونه گل سپرغ سنبل حلبه تخم کتان تخم
شبت سبوس گندم نمک کلیل الملک جمله یا هرچه بهم رسد بجوشانند پس در شانه گاو انداخته
تکمید کنند واگر اسفنج یا نمد بدین تر کرده بر عضو نهند قوی تر باشد کما وکر تسکین اوجاع وتحلیل
نفخ ورياح کند تجفیف عضو نماید ص نمک یک نرم جاورس سبوس گندم بهمه را در
دیگ بسته وگرم کرده بر اعضا نهند کما دتالیف احقر العباد جهت تحلیل رياح معده و
وجع آن بغایت مفید ص سیر که گاوزان ازان پارچه میشویند زنجبیل نانخواه نمک سیاه
زیره سیاه افسنتین پودینه خشک هریک بقدر مناسب باهم آمیخته تکمید کنند کما وجهت
اوجاع کبد وسدد آن الغربت باشد ص قفاح اذخر بنجدرم سنبل ده درم مزرنجوش
بابونه اکلیل الملک هریک پانزده درم کوفته باده رطل آب پزند تا بدو رطل آید بارو غن
نارد ین وروغن بابونه هریکیده درم بیامیزند وتکمید نمایند کما وجهت درد جگر که ثابت بود
ص برگ عنب الثعلب برگ کاسنی هریک یکدسته در آب پخته وروغن شبت آمیخته
کما وکنند کما وجع طحال را که السبب برودت ورياح غلیظ ودرم صلب باشد مفید است
ص پوست بیخ کبر ثمره طرفا پودینه تخم فنجنگشت بوره ارمنی سداب اشنه هریک کفی
همه را در سر کنند بجوشانند وصاف کرده پارچه نمد یا اسفنج بدان تر ساخته ناشتا کما وکنند کما
دیگر ص ارزن حلبه تخم کرفس نانخواه در پارچه کرده بنیگرم بر ناف نهند وجع ساکن کند
قولنج بکشاید کلکلانج معرب از لفظ هندی است که پلپلانه است بکسر هر دو پا یعنی
مرکبی که دران پلپل داخل شوند وبعضی بفتح هر دو تاویل وراعت بمعنی میوه است
استسقاء وبرودت معده وتب های کهن وسرفه بلغمی وضیق النفس وقولنج وطحال ومصرع
وریق واختناق رحم را سود دارد وبول بکشاید ص هلیله سیاه پوست هلیله آمله بنفشه

که نیم پاو باشد سه روز خمیر نمایند بعد ازان فتیله از پارچه سرخ کرده بروغن مذکور آلوده کرده چراغ
روشن نموده کاجل در چینی خام بگیرند بعد یکروز در چشم کشند و اگر گل نیم یا بکاین در پنبه پیچیده
در روغن سیاه تر نموده در چراغ روشن نمایند و دود خان آنرا در ظرف گلی آب نرسیده بگیرند
و در پارچه بسته چهل روز در آب انداز ند پس برآورده استعمال نمایند برای تقویت بصر و
روشنی چشم و دفع خارش بسیار مفید گهره معمول اکمل المحققین و امام المدققین و الله
ماجد حاذق الملک محمد اکمل خان برای درد چشم و رمد و سعه ص لیمو کاغذی یکبر طل افیون
خالص سه درم شب بمانی ربع رطل اول شب را در ظرف آهنی بریان کرده بعد ازان
افیون داخل کرده و آب لیمو قدری نیز داخل ساخته از دسته آهنی حل کنند تا مخلوط شود
و آب لیمو فانی گردد بعد ازان بهمین دستور آب لیمو داخل کرده باشند تا که بوجه نیک مخلوط
شود جهابسته نگاهدارند وقت حاجت باب سائیده اندکی گرم کرده گرداگرد چشم طلا نمایند
و در چشم بینداز ند کماد که شقیقه و اوجاع شدیده و ریاح غلیظه را نافعست ص برگ مرزنجوش
بابونه هر یکدره درم نمام قسط اکلیل الملک هر یک پنجدرم کوفته بیخته بلعاب حلبه سرشته نکمید
نمایند کماد نافع از برای صداع بلغمی ص تخم شبت بابونه پودینه و شتی سداب بورهٔ ارمنی
سبوس گندم همه را کوفته در پارچه بسته گرم کرده بر سر کماد نمایند کماد نافع از برای سکته
ص قرنفل سنبل بسباسه جوز بواوج ترکی سنبل الطیب عاقرقرحا نمک هندی آرد
جاورس گرفته در کیسه کرده گرم نموده بر سر کماد نمایند کماد که در دو معده ریحی را سود دارد
ص نانخواه زیره را زیانه هر یکدو مثقال گل سرخ پنجمثقال کوفته بیخته در خربطه کرده پاس انداخته
بنگرم کرده بر معده گذارند و تکمید معده احسن آنکه قوع وی بر سر اشیف باشد نه بر قرص معده
و وسط آن کماد که بهمین عمل کنند ص نمک سوده سبوس گندم هر یکدره درم نانخواه
پنجدرم در پارچه بسته تکمید کنند کماد که جهت تحلیل ریاح احشا جوف و مراق و تقویت معده
نافعست و ابلاقی در بالنجولیای مراقی نوشته ص افسنتین شبت فونج بری زیره سیاه

واستر خارجفن واکثر امراض چشم منفعت عظیم دارد و گویند چون روز شنبه و چهارشنبه با میل
طلا در چشم کشند از کوری ایمن شوند ص سرمه اصفهانی مرقشیشای فضه هر یک چهار درم
اقلیمیای فضه بسد هر یک دو درم سافرج هندی یکدرم مروارید زعفران هر یکنیم درم مشک
چهار قیراط کحل بیاض را در سی روز زایل کنند هر چند که صاحب علت مایوس باشد ص
زبدالبحر بوره ارمنی سرگین سوسمار شکر سفید مسحقونیا بالسویه با یک طل آبی که مامیران دوج
هر یک ده درم رادران جوشانیده باشند و تا ربع رسیده باشد بگرد و در آفتاب سائیده پس
صاف کرده خشک نموده از بافته بریزند و کمی استعمال نمایند کحل مقوی بصر و غلظ روح و نزول
آب و خیالات مفید و در جمیع آثار قوی تر از شیاف مرارات است و بجدت کم است ص
توتیای کرمانی مغسول بست درم باب مروق مرزنجوش خمیر کرده خشک کنند و بسایند و بنجبل
و فلفل و دارفلفل و مامیران هر یکدو درم نوشادر یکدرم مجموع را کوبیده باب ازیانه تر بسایند
و خشک کنند پس با توتیا مذکور از حریر بیرون کرده استعمال کنند و ترویق وی آنست که
آب مرزنجوش بکشب در ظرف آهن گذارند تا در دبته نشیند و صاف بالا ایستد کحل عزیزی
از تالیف یونس جهت حفظ صحت چشم و قلع دمعه و امراض که از رمد بهم رسد نافعست و در بسیاری
علل منافع او مثل منافع باسلیقون کبیر است ص اقلیمیای ذهبی توبال نحاس توتیای
هندی قرنفل صبر برگ فرنجمشک هر یک یکدرم ملح هندی زبدالبحر نوشادر هر یک یکدرم
ونیم مشک انگی کحل دیگر جهت سبل و تاریکی چشم بسیار مفید است ص پوست تخم مرغ
شسته پاک کرده سوخته رتن جوت مرقشیشا هر یک یکماشه سنگ بصری دو ماشه زعفران
چهار ماشه مشک تبتی نیم ماشه بدستور مرتب سازند و بکار برند کحل جهت بیاض و سبل و بعضی
بصر و دیگر امراض نفعدارد ص مامیران یکماشه قرنفل یکماشه در نیم طل شیر بجوشانند
و در سایه خشک نمایند پس بگیرند سنگ بصری سرمه سفید دو دهی زرد چوب بیخ گلاب
از هر یک یکماشه مغز تخم کهنی کونپل انار و بکابن این همه را باریک سائیده در روغن بادام

بکوبند و با آب شیرین نیم طل بجوشانند تا ربع بماند صاف کرده در همان آب دوارا سحق کنند تا
مثل غبار شود از پارچه دارائی گذرانیده بکار برند کحل که باکثر امراض چشم بسیار نافعست
ص روسنج کافور ریاحی مشک خالص ماسیران چینی کف دریا مرقشیشا توتیا سنگ بصری
مساوی گرفته کوفته بیخته اول در سنگ صلایه کنند یا در ظرف مسی که بی قلعی باشد خوب
بسایند که مثل غبار شود کحل که استعمال کرده میشود در ابتدای نزول پیش از قدح منقول
از مجربات طبری ص مارقشیشا ذهبی مکلس که خاکستر شده باشد دخان کوزه نحاسی قلعیای
ذهب هر یکجزوی فلفل نصف جزو همه را سحق کرده تسقیه بخمیر عتیق داده خشک کرده بار دیگر
در آب رازیانه تسقیه داده خشک کرده باریک نموده از حریر گذرانیده بعمل آرند کحل جهت
خارش اجفان و آشوب چشم که از بوی لعل بهم میرسد از مجموعه ص زهره ماهی خشک کرده
یک وزن شوره قلمی یا دو سیر هر دو را خوب صلایه کرده اکتحال کنند کحل از مجموعه جهت شب
کوری و سبل و غبار و رمد کهنه و بیاض ص مرچ یکماشه در زهره هر قدری که تر شود پرورده
باز خشک کرده بعد ازان در آب لیمو پرورده خشک کرده مغز تخم کهنی سنگ بصری
که در آب لیمو چهار بار داغ کرده باشند غنچه جنبیای که خام باشد هر یک نیم دام کوفته بیخته در سنگ
سماق مثل غبار بسایند کحل ملکایا معرب از تملیاناست که بسریانی عبارت ملاکه باشد
و در کتب یونان مسطور است که بقراط در خواب باو ملهم شده محلل و ملطف و جالی
بود و جهت او اخر مرض صعبه و اقسام رمد نافع ص انزروت مربی البشیر الانع نشاسته
شکر سفید هر یک پنجدرم مغز تخم خیار یکدرم کحل منقول از اکمل الصناعه نفع میکند ابتدای
نزول و ضعف بصر و سلاق را ص توتیای کرمانی مغسول توبال محرق لولو غیر مثقوب
بسد سافج هندی اقلیمیای فضه صبر سقوطری سرطان بحری محرق زعفران سنبل الطیب
از هر یکدرم شافج مغسول شش درم نوشادر فلفل ابیض دارفلفل هر یکنیم درم مشک
دانگی بدستور مرتب سازند کحل سافج از تالیف قدمار است در رفع غشاوه و دمعه و حکه

واژگون دارند تا دخان دران متعلق شود بعد ازان از پرمرغ یا کاردگرفته بکار برند و دخان
کند جهت ابتدای نزول وسیلان رطوبات نیز مستعمل است و نجربه آمده کحل جهت دمعه که
سبب آن ضعف عضلات باشد مجرب است ص شاذنج هندی بسبد امیران چینی هلیله زرد
هریک یکدرم مشک دانگی بدستور مرتب سازند کحل جهت نزول منقول از مجموعه ص درخت بادبان
را که بار آورده هنوز تخم او پخته نشده باشد از بیخ برکنده وصافی نموده در سایه خشک کنند هرگاه
خوب خشک شود بایخ و برگ و شاخ دیار کوفته در سنگ عقاق بسایند و هر روز اکتحال نمایند
و در اثنای استعمال گلقند از برگ سعتر خشک یا تر ساخته بقدر تحمل تناول نمایند کحل ارا ساد
معروف بدوار الکاتب جهت حفظ چشم و نشف رطوبت و تقویت نظر سود دارد ص شیاف
مامیثا بزر الورد هریک دو درمی سرمه اصفهانی مربی بآب باران دو درم هلیله زرد نیمدرم آب
غوره انگور یکدرم کافور دانگی بدستور مرتب سازند کحل معمول حکیم اکبر خان مرحوم جهت
ورد چشم و بقایای رمد و سبل ص از روت سفید بشیر خرپوره بر چوب کز چسپانیده
باتش ملایم بریان نمایند پس بگیرند ازان شش ماشه و چاکسو در کیسه کرده بیاویزند در دیگ
که دران آب خربزه گلین داخل کرده باشند و بجوشانند تا پوست چاکسو نرم شود پس آنرا برآورده
مقشر نمایند و بگیرند از مقشر آن و سفید آب کاشعری مغسول و کف دریا از هریک سه ماشه
رسوت چهار ماشه نبات سفید یکتوله همه را نرم صلایه نموده در چشم گشند کحل الجواهر بنسخه دیگر
ص مروارید ناسفته مرجان قرمزی اقلیمیای ذهبی اقلیمیای فضه پوست هلیله زرد
و نیمه فرنگ اثمد اصفهانی عقیق سوخته از هریکدو مثقال مرجان سفید امیران چینی فیروزه
نیشاپوری لعل بدخشی دار فلفل صمغ عربی حضض یکی زعفران شاذنج عدسی از هریک یکمثقال
بدستور مرتب سازند کحل مبارک منسوب بحضرت امیرالمومنین علی کرم الله وجهه در رمد
الله تعالی عنه ص کحل اصفهانی دو درم توتیای کرمانی ملح اندرانی هریک یکدرم مامیران
چینی ربع مثقال کافور یک جو طریق ساختن انچنین است که پنجعدد هلیله زرد را خته دور

اصفهانی توتیای هندی از هر یک ۵ درم مارقیشا مرجان ۵ هفت فرنگ عقیق سرخ طلا و نقره
ماهیران چینی فلفل سفید دارفلفل اقلیمیای نقره روی سوخته از هر یک چهار درم سرطان
نهری مروارید ناسفته سازج هندی از هر یک شش درم یاقوت سرخ لاجورد سفته زعفران یونان
مس سوخته از هر یک ۵ درم صلایه کرده استعمال نمایند کحل مازو قوت بصر نماید و دمعه را باز
دارد و خفقه جفن را سود دارد ص شاذنج عدسی شاذنج هندی از هر یکدو درم فلفل دم الاخوین
از هر یک پنج درم روی سوخته مازو هر یک یکدرم قاقله مشک ۱ زهر یک دانگی کافور یک طسوج
کوفته بجز بیخته بدان اکتحال نمایند کحل که نزول آب را نافعست ص زهره بز کوهی ده درم
شحم حنظل یکمثقال فربیون نوشادر از هر یکنیم مثقال سکبینج پنج درم کوفته بیخته بآب سلنه یا آب سداب بسرشند
و خشک کنند و دیگر بار صلایه کنند و در چشم کشند کحل بنفسجی که مژه برویاند ص استخوان خرما
سوخته پنج درم دخان کندر چهار درم سنبل حب بلسان از هر یک سه درم لاجورد شسته ده درم
کوفته بیخته بر جفن برکشند کحل که صحت چشم را نگاهدارد ص توتیا ده درم شیاف مایثا سه درم صبر
سقوطری حضض مکی از هر یک یکدرم کافور دانگی کوفته بیخته بآب غوره یا آب سماق پرورند
و در سایه خشک کنند و صبح و شام در چشم کشند کحل الجواهر که نظیر ندارد ص کافور نجبیل
هر یک ۵ انگی شادنه اقاقیا حضض شیاف مایثا سرطان بحری اقلیمیای فضه هر یک یکدرم توتیای
طباشیر دهنج هر یک یکمثقال لعل فیروزه مارقیشا اسفیداج نشاسته هر یکدو درم مروارید لبسد کهربا
هلیله زرد هر یک سه درم انزروت چهار درم آب غوره پنجدرم سرمه هشتدرم کحل الجواهر از مجربات
مرکبات شاهی ص مشک یکدانگ مارقیشا اقلیمیای فیروزه زمرد دهنج حجر لاجورد مروارید
ناسفته لبسد سازج هندی توتیای کرمانی پنجدرم کحل اصفهانی ده درم علی الرسم مرتب سازند
کحل بهجت احول مجرب و معمول جد امجد ص دخان سندروس باقدری مشک عنبر آمیخته
در چشم کشند و دخان باین روش باید کرد که سندروس بسایند و بر خرقه پراگنده نموده فتیلها
سازند و در چراغ گذاشته روغن گل سرخ یا کنجد انداخته روشن نمایند و بالای طاس پاکیزه بجای

ص گل کنجد چهار صد کلی گل حنبلی چهار صد کلی فلفل گرد چهار صد عدس شب عمانی بریان
دو دام بخته لبسیار باریک نموده استعمال نمایند کحل منقول از بیاض عم مرحوم جهت
بیاض و دمعه و ظلمت البصر و خیالات و ابتدای نزول آب و مشف رطوبات و تقویت
چشم ص سرمه شش درم آنخوان خرما سوخته یکدرم سازج پنجدرم نشاسته دو درم صلایه نموده
در چشم کشند کحل جهت بیاض و نزول آب منقول از بیاض عم مغفور و تبجر بهرام نیز رسیده
خالی از منفعت نیست ص صابون پنجدرام خام نیلا تهوتهه رال هر یک یکدرم صابون را
از کارد ریزه ریزه باریک نموده در ظرف آهنی بر آتش گذارند و نیلا تهوتهه را در هاون آهنی
سائیده وزن نموده در صابون اندازند تا که صابون و نیلا تهوتهه مثل آب شوند بعد ازان
رال انداخته از دسته آهنی حل کنند و زیر آن آتش تیز نمایند تا که رنگ دو اسیاه شود بعد ازان
فرود آورده نگاهدارند وقت حاجت باشل دانه خشخاش گرفته در صدف قدری آب انداخته
دوا را خوب حل کنند و در چشم کشند بعد سه روز باز استعمال نمایند کحل برای سبل و ناخنه و
بیاض تبجر به رسیده ص نحاس محرق شادنج مغسول هر یک پنجماشه اقلیمیای فقده و ماشه
زنگار صبر بوره ارمنی هر یک یکماشه فلفل گرد فلفل دراز زعفران هر یک یماشه کوفته
بخته سرمه سا نمایند و در چشم کشند کحل که استاد مرحوم بجهت سبل و بقای رمد و دمعه و تقویت
بصر استعمال میفرمود ص صدف سوخته چار ماشه توتیای کرمانی مغسول بیست ماشه نبات
سفید شش ماشه کوفته بخته سرمه سازند کحل نافع در دو بیخ که با قرحه و وجع باشد منقول از بیاض
عم مرحوم ص انزروت شیاف ماهیا افیون زعفران مساوی کوفته بخته خوب سائیده
بکار برند کحل بجهت دمعه ص توتیای مغسول ده درم لبسد لیله زرد صبر هر یک چهار درم
فلفل نیدرم دار فلفل یکدرم کوفته بخته استعمال کحل الجواهر بصر یاقوت و بهد و تیز گرداند ص
سرمه اصفانی هفتدرم مارقشیشا پنجدرم اقلیمیای طلا دوازده درم مروارید ناسفته سه درم
زعفران پنجدرم سازج هندی دو درم صلایه کرده در چشم کشند کحل جواهر دیگر ص سرمه

در چہار نیجر وز کہ لیمون خشک شود باز در لیمون دیگر پر کردہ نگاہ دارند باز کوفتہ باریک سائیدہ
در ظرف کانسی آب لیمون انداختہ از دو چوب نیم کہ در یکی از ان فلوس جست چسپانیدہ باشند
و در دوم فلوس مس نصب کردہ باشند بدفعات کہرل نمایند و امیران کلی گل چنبیلی و دیگر
دواکہ نگاہداشتہ اند داخل کنند تا کہ صد لیمون تمام شود بدان وقت مروارید سائیدہ باز
از گلاب ہمہ را کہرل کنند باز خشک کردہ مثل سرمہ سائیدہ نگاہدارند وقت صباح یا شب
یک میل در چشم کشند و بعد چہار نیجر وز چرک دندان در چشم کشیدہ باشند شب و دو آنروز
موقوف نمایند انشاء اللہ بہ آہستہ آہستہ نزول دفع شود کحل منقول از بیاض جد مرحوم
جہت سیل و نزول و تقویت بصر و دیگر امراض چشم ص سرمہ دہ تولہ سنگ بصری دو تولہ
جست کہنہ یکتولہ اسمندر پھین دارہلد ہر یک شش ماشہ سوہن مکھی مروارید مرجان مشک کافور
فیصوری نیلا تھوتھہ توتیای ہاروتی ناف سنگہ شب یمانی برشتہ مرچ سیاہ از ہر یک سہ ماشہ
امیران چینی شش ماشہ چاکسو شیرہ گاو ہر یک یکتولہ پارچہ غوری یکتولہ چاکسو را در گوہر گاو بیشتر
جوشندادہ وقتی کہ نیم پختہ شود برآوردہ خشک کنند و ہمہ ادویہ را علیحدہ علیحدہ کوفتہ بیختہ
در کہرل انداختہ ببیست روز در گلاب سحق نمایند از صبح ناشام بعد از چہل پاس برآوردہ
چہل روز نگاہداشتہ استعمال نمایند معمول راقم روشنی چشم و رفع غبار و بقای رمد و تقویت
بصر کحل سلاق ص جست پالی شش دام سرمہ اصفہانی یکدام امیران چینی مرچ سفید
دانہ موٹھہ سفید از ہر یک ماشہ سنگ بصری پنجماشہ گلاب نیم طل گل خام چنبیلی شش ماشہ
اول جست را در کرچہ آہنی گداختہ گل چنبیلی کشتہ از پارچہ بافتہ بگذارند اگر چیزی بماند باز ازرا
بکشند تا ہمہ کشتہ در ربع طل گلاب تر نمودہ دو روز نگاہدارند پس ادویہ را مثل غبار بسائیند
و در جست انداختہ کہرل نمایند دو وقت جست گلاب باقی ماندہ را نیز داخل نمایند و ہر چند
گلاب داخل خواہند نمود و کہرل خواہند کرد خوب خواہد شد و بدانند کہ گل چنبیلی از برای
کشش مذکور است سوای گل چنبیلی خام است کحل مجرب جدامجد برای رفع گل چشم

برای طرش وصمم ص جندبیدستر سه درم نطرون یکدرم ونیم خربق یکدرم ونیم قرص سازند
ودر بعضی روغنها حل نموده قطور نمایند قطور مجرب برای دردورم حارص شیاف
ابیض کافوری درشیر دختران وسفیده تخم مرغ ولعاب بنکو مخلوط نموده بکار برند اگر برشدید
باشد منع است لیکن در بعضی شدید از جمله حاره ادویه را بنج پرورده درگوش استعمال نموده
شده ومنافع مشاهده گردیده قطور که سنگ گرده ومثانه که در احلیل بند شده باشد
برآورد ص روغن خسک روغن ترب از هریک دودرم روغن عقرب سه درم حجرالیهود
مغز تخم خربوزه مغز تخم کدو حب کابج از هریک پنجدرم حب القنب دودرم آب خسک تازه
پانزده درم آب برسیاوشان ده درم ادویه را کوفته بیخته بآبها بجوشانند وصاف کنند وبار دیگر
جوش دهند تا بحدی که آبها بسوزد وروغن بماند حجرالیهود رازم صلایه کرده در آن داخل نموده
در احلیل بچکانند قطور که نافعست از برای قروح مثانه ص انزروت دم الاخوین کندر سپیدات
نشاسته افیون شیافها سازند ودر وقت حاجت بشیر دختران حل کرده قطور نمایند قطور
بجهت قروح مثانه ومجاری بول ص صمغ عربی نشاسته سوده بشیر دختران حل کرده در احلیل
چکانند قطور برای این مرض ص پوست خشخاش نشاسته رب السوس نرم سوده شیاف
سازند ودر وقت حاجت بشیر دختران سوده در احلیل چکانند حرف الکاف
کحل بقراطی جهت رفع بیاض بعید یل است ودر اندک زمان قلع میکند ص شبشه سبز
محرق مغسول دودرم بوره ارمنی زیدالبحر هریک یکدرم بدستور مرتب سازند کحل برای
دفع نزول که شروع شده باشد وکند یا نفع دهد وتقویت باصره نماید معمول جدا مجد مرقوم
ص سنگ بصری گل چنبیلی تازه هریکدو دام مغز گهونگچی دونیم باشه مرچ سیاه دونیم عدد
قرنفل دونیم عدد دامیران مغز تخم سرس سمندر بهمین مرواریدتخم کهنی از هریک دونیم باشه
لیمون کاغذی یازده عدد گلاب نیم آنار اول در لیمو که تخم برآورده باشند سنگ بصری
مغز گهونگچی کهنی سرس مذکوره بند کرده بالای دیگدان آویزان نمایند کرده وداورسد

واگر حاجت بتحلیل وانضاج زیاده باشد آرد باقلا آرد حلبه تخم کتان بقدر حاجت اضافه کنند قیروطی نافع برای ضیق النفس حادث از ریح غلیظ و بلغم لزج ص دقیق کرسنه حلبه هریک پنجدرم شونیز اصل السوس از هریک دودرم عاقرقرحا یک و نیم درم موم را در روغن سوسن یا ناردین گداخته همه ادویه کوفته بیخته ببندازند و مثل مرهم نهاده بر سینه ضماد نمایند قیروطی نافع سعال حارص موم سفید در روغن نیلوفر و روغن بنفشه بگذارند با آب کشنیز سبز و آب کاهو تسقیه نمایند و استعمال کنند قیروطی نافع برای ذات الجنب و شوصه ص گل بنفشه اکلیل الملک بابونه بجوشانند در قدر مضاعف آب و روغن کنجد تا روغن باقی بماند صافی نموده بر سینه و جنب بمالند قیروطی نافع برای ورم حار مثانه مستعمل در آغاز علت منقول از بیاض حلوانجان ص آب کاسنی تازه آب عنب الثعلب کاکنج آب حی العالم بر روغن بنفشه و موم سفید بدستور تبار نمایند قیروطی مفید از برای ورم خصیه ص مقل ازرق کندر بهر دو را حل کرده موم غیر مستعمل نرمیت گداخته همه را در هاون بدسته بمالند تا هموار شود و بر موضع ورم استعمال نمایند قرص که قرحه گوش را نفعد هد و چرک پاک کند ص انزروت صبر بوره ارمنی زبد البحر دم الاخوین کندر مر زنگار خبث الحدید کوفته بیخته لبسر که آمیخته در گوش چکانند بعد از انکه چند نوبت ماء العسل چکانیده باشند و ایضا فتیله لته بعسل آلایند و در ادویه مذکوره آلوده در گوش نهند قطور جهت درد گوش ص افیون یکدرم شیاف بیض سه درم روغن گل چهار درم سرکه کهنه سه درم باهم ممزوج ساخته در گوش چکانند قطور جهت وجع شدید که از حرارت بود نافعست ص کافور افیون هریک طسوجی در روغن خلاف یا شیر دختر حل کرده در بینی و گوش چکانند قطور که طنین و دوی و قرا نافعست ص کندر زعفران فرفیون جندبیدستر خربق سفید مر هریک سه درم طرون بوره ارمنی هریکدو درم کوفته بیخته در شراب حل کرده بچکانند قطور که طنین را نافع ست ص قرنفل پنجدرم با شیرگی با آب مرزنجوش بسایند و بچکانند قطور جهت طرش ص خربق سفید یکدرم جندبیدستر پنجدرم وانگی کوفته بیخته با سرکه کهنه بچکانند قطور نافع

وقابل بستن اقراص گردو برابر یک فلوس اقراص بندند وخشک گردانند وقت حاجت قرص
را در آب تر نمایند وقتیکه قرص نرم شود باریک سائیده بنگرم طلا نمایند قرادار و لفظ مرکب تر کیب
است بعد چیدن سبل استعمال میکنند ص نوشادر سبع خته هر یکدرم تو تیا دوازده درم کوفته بیخته بزرده تخم
مرغ بسرشند و در پوست تخم مرغ اندازند و در گل حکمت گیرند و در کوزه نو نهند و در کوزه مجاری گذارند تا بخته شود
و بعده صلایه باریک کرده استعمال نمایند قرادار و جهت سیل که وصف کرد آنرا ثابت و گفته
مجرب است ص پوست بلیله کابلی خوب بسایند که مثل غبار شود پس بیامیزند بموم سفید
مذاب بروغن گل وگرم گرم در هاون ریخته قدری از ماحصرم مصفی پاشیده بسایند تا مجمع
شود پس بعمل آرند قیروطی جهت قروح الف ص مردار سنگ یکدرم سفیده قلعی موم
هر یکدو درم روغن گل یک وقیه مرتب سازند علی الرسم و باشحم مرغ بمالند قیروطی معموله
جهت قروح یابس و خشک لیثه ص مخ ساق بقر جزوی روغن بادام مربی بنفشه دو جزو
کتیرا یکجزو بروغن چنبیلی قلیلی بدهند و مرهم مرتب سازند قیروطی که شقاق لب مفید است و
بشقاق دست و پا نیز نافع ص موم زرد زوفای سبز پیه مرغابی کتیرا لعاب بهدانه روغن
گل سرخ موم را در روغن و پیه گداخته زوفا و غیر آن داخل کرده در هاون بهم زنند تا یکسان
گردد و بکار برند مجرب است قیروطی شقاق پارا انذمال و سبوسه سیرو قوبا مقشر را استیصال
نماید ص اب چغندر آب شلغم آب برگ کرنب لعاب گل خطمی آب گل بنفشه هر یک دو دام
موم سه دام روغن گل سه دام علی الرسم مرتب سازند قیروطی جهت ذات الجنب و ذات الصدر
مجرب است ص کتیرا کوفته موم سفید هر یک مثقال روغن بنفشه پنج مثقال قیروطی سازند
دگرم گرم استعمال نمایند و اگر باده سرد باشد بدل روغن بنفشه روغن نرگس یا روغن سوسن
یا روغن یاسمین کنند قیروطی جهت ذات الجنب که بعد تسکین وجع و برآمدن نفث
رطب جهت تحلیل و انضاج بکار آید ص بنفشه صندل سفید آرد جو خطمی سبوس گندم
اکلیل الملک کوفته بحریر بیخته در موم روغن که از روغن بنفشه ساخته باشند آمیخته ضماد کنند

دنبہای کہنہ مجرب است ص عصارہ غافث شش درم طباشیر دہ درم سنبل الطیب دو درم
گل سرخ پنجدرم بآب اقراص بندند قدر درہمی شربت یکقرص ف ص اسقیل کہ اجزای تریاق کبیر است
جہت سموم وجبر وکسر ویاوعسر النفس نافع وجہت استسقا بعد یل ص بگیرند پیاز عنصل کوچک
دو رخمیر گرفتہ در تنور نہند تا پختہ شود بگیرند بعد ازان کہ مغزوی بغایت نرم شدہ باشد ودر ہاون
بسایند وبوزن آن آرد کرسنہ اضافہ نمایند وقدری شراب بر سر آن کنند ونیک بسرشند ودست
را بروغن گل چرب کنند واقراص سازند بعد از دو ماہ استعمال کنند وقوت آن تا دو ماہ باقی
است ف ص جہت سفہ قوباد اورام بارد وصداع بلغمی بغایت نافعست ص زرد چوبہ
مغز بادام تلخ ہر یک جزوی مثقل دو جزو مثقل را در سرکہ کہنہ سہ روز متوالی خیسانند وادویہ کوفتہ
بیختہ داخل نمایند وبا یکدیگر نیک صلایہ کنند واقراص سازند وقت حاجت بآب کاسنی بسایند
وطلا نمایند ف ص کلف کہ ہم بہ برش ونخلہ نافعست وبعد استفراغ بمطبوخ ہلیلہ وافیون ومازالجبن
سود دہد ص اشق مثقل ہر یک دو درم مازریون چہار درم خردل سفید دہ درم مثقل دو اشق
را در آب حل کنند واودویہ کوفتہ بیختہ بآن سرشتہ اقراص سازند وبوقت حاجت بسر کہ سایند
طلا کنند ف ص کہ تتن عرق ودورنما یدص کافور نیم جزو صندل سلیخہ سک سنبل الطیب شب
سانوج ہندی مرگل سرخ ہر یک جزوی توتیا مردار سنگ ہر یک سہ جزو کوفتہ بیختہ بگلاب سرشتہ
اقراص سازند ودر سایہ خشک کنند وبسایند وبر بدن بپاشند ف ص جید برای صبیان
ص صندل سلیخہ سنبل الطیب شب سانوج ہندی مرگل سرخ ہر یک جزوی توتیا مردار سنگ
سفید از ہر یک سہ جزو کافور نصف جزو باگلاب اقراص سازند وبعد خشک شدن استعمال نمایند
ف ص برای درازی موی سر ص آلبہ یک آثار سکاکاہی نیم آثار صمغ دوازدہ درم شیر بیش
پنج آثار ہمہ ادویہ را کوفتہ در کڑاہی آہنی انداختہ بر آتش بگذارند دو آثار شیر داخل نمایند وبہ پزند
تا کہ شیر خشک شود وپس دو آثار شیر دیگر انداز ند تا کہ شیر جذب شود یک آثار شیر کہ باقی ماندہ است
آنرا داخل کردہ بپزند ودر کڑاہی از کف گیر آہنی در اشنا پختن میگردانیدہ باشند پس از انکہ شیر جذب

کوفته باب سرشته اقراص سازند شربت از یکدرم تا یک مثقال با شیره تخم خرفه بنوشند سیلان
منی دفع شود و قوت باه بیفزاید قرص مجرب استاد جهت حمیات حاده که با اسهال بود صمغ دارید
ناسفته زهر مهره سابیده کهربا سابیده از هریک یکماشه طباشیر گل دغستانی صمغ عربی
گلنار فارسی تخم حماض بریان گل سرخ گل ارمنی اقاقیا پوست بیرون پسته حب لاس
دانه هیل از هریک دو ماشه نشاسته تخم خشخاش تخم کاهو از هریک سه ماشه خرفه مقشر بریان
صندلین از هریک چهار ماشه کوفته بیخته با شیره بارنگ سبز اقراص سازند بقدر یکماشه
قرص صندل مشروب است جهت حمیات حاده و عطش شدید و گرمی جگر و معده و
خشکی زبان که از انتفاع الخره صفراوی باشد و صاحب شفاء الاسقام گفته که او مبرد و ملطف
است تبجر بسریع النفع یافتم ص مغز تخم خیار با درنگ کافور کتیرا سفید هریک پنجدرم صندل
سفید زرد صندل سرخ رب السوس تخم خرفه هریکدو درم گل سرخ طباشیر قند سفید هریک
چهار درم کوفته بیخته بلعاب اسپغول که از انارین یا از گلاب برآورده باشند سرشته اقراص
سازند هر قرصی درمی و در سایه خشک کنند شربت یکقرص با آب آنارین یا آب سیب شیرین
و ترش و اگر بلین مطلوب باشد با نقوع تمر هندی که تبخیر با شیر خشت در آن محلول باشد
بخورند قرص مجرب بجهت حمیات مفتح سده کبد ص کافور نیم مثقال ریوند چینی هریکدرم
کتیرا صمغ عربی رب السوس زعفران طباشیر تخم بادرنگ از هریکدو درم بنفشه خشک نیلوفر
هریک سه درم گل سرخ پنجدرم تبخیر شکر از هریک ده درم اقراص سازند قرص که در
تپهای مرکبه زمانی که پشت چشم دردی و پای را تهیج شده باشد بکار آید منقول از منهاج
ص فتاح اذخر زعفران تخم بادیان تخم کرفس هریک سه درم و نیم مغز بادام تلخ پودنه
خشک هریک چهار درم انیسون لک معسول هریک پنجدرم ریوند خطائی گل سرخ
سنبل الطیب هریک شش درم ایارج فیقرا هفتدرم کوفته بیخته با آب عنب الثعلب اقراص
سازند هر قرصی دو درم و نیم هر صبح یک قرص با ماء الاصول بخورانند قرص جهت [illegible]

خرفه مقشر مغز تخم تربوز مغز تخم کدو شیرین کوفته بیخته بلعاب اسپغول بقدر هفت ماشه اقراص
سازند و در سایه خشک نموده نگاهدارند بقدر یکماشه با شیر گاو ممزوج نموده باب فرو برند
قرص که قطع خون حیض و خون بواسیر کند ص زیره سفید سنبل و نفل مصطگی سرب
بیدرم صندل کندر دوم الاخوین صمغ عربی لک مغسول سندروس گل ارمنی نشاسته افیون یک یک درم
بلیله سیاه بلیله آمله جنبث الحدید مازو کزنانج هر یکدو درم بزر البنج سه درم کوفته بیخته اقراص سازند
شربت یکدرم و نیم زیاده هم توان داد بطبیخ کشنیز و سماق قرص از برای فروج عنیقه جنبیه
مذاکر و مقعد ص مس سوخته کندر شب یمانی از هر یک چهار درم پرده های رقیق که در میان
انار تر تش پیدا شد زرادند فلقطار از هر یک هشت درم و همه را ارزم سحق نموده بشراب مثلث سرشته
اقراص ساخته در سایه خشک کرده بوقت حاجت سوده بکار برند قرص که چون هر روز
یکمثقال آنرا باده درم شراب سفرجل بخورند برای غدیلوط البیار مفید است ص گلنار
فارسی اقاقیا حب الآس گل ارمنی از هر یک یک درم صندل سفید هیدرم صمغ عربی
کندر از هر یک دو درم کوفته بیخته باب سیب سرشته اقراص سازند قرص صالح از برای فروج
عفته اکاله قضیب ص قرطاس محرق سی درم آهک آب ندیده زنجبار زرد از هر یک یک اوقیه
همه را نیکو صلایه کرده و باب برگ اسپغول و سرکه سرشته اقراص سازند قرص اقوی از
قرص مذکور ص زنجبار سرخ زنجبار زرد از هر یک هفت جزو بوره حجاره آب ندیده بیست
جزو اقاقیا دوازده جزو مجموع نیکو صلایه کرده بسرکه کهنه و آب برگ سفیوس سرشته اقراص
سازند و در سایه خشک کرده بوقت حاجت بکار برند قرص از برای تقویت باه ص
مغز بسته مغز بادام زنجبیل بهمن سرخ بهمن سفید مغز نارجیل جزو اعظم از هر یکدیده درم مثقال
دارفلفل خصیة الثعلب گل سرخ مصطگی سلیخه خولنجان از هر یک پنجدرم مویز منقی جوز بوا
مغز تخم خیارین تخم کرفس از هر یک چهار درم بسباسه صمغ عربی کتیرا دم الاخوین کندر
مغز تخم خربوزه رب السوس کاکنج از هر یک دو درم نیم افیون دو درم زنجفر یکصد و پنجاه مثقال

خیار پنجدرم مغز تخم کدو خطمی مغز بادام شیرین کتیرا نشاسته رب السوس خشخاش سفید گل ارمنی
تخم کرفس از هریکدو درم بزر انیج دری کوفته اقراص سازند بشربت بنفشه بدهند قرص
ذیابیطس نسخه ثابت این قرص حب الآس تخم حماض مقشر از هریکدو درم صمغ عربی نشاسته
از هریک درم کوفته بعجینه بلعاب بزرقطونا اقراص سازند بشربت دودرم قرص لبوب
قرحه کلیه و مثانه را از زیم پاک گرداند ص مغز فندق مغز پسته مغز بادام شیرین مغز بهدانه مغز
تخم خربوزه مغز تخم خیارین مغز تخم کدو مغز تخم هندوانه تخم خشخاش سفید مغز حب الحلب نشاسته تخم خطمی
سفید تخم خبازی رب السوس گل ارمنی مغز جلبوزه دو قورا زیانه تخم کرفس اجزا مساوی
بلعاب بزرکتان سرشته اقراص سازند و در سایه خشک کنند و هر روز یک قرص که یکمثقال
باشد با جلابی مناسب قرص کهربا تالیف ارنیا سبوس نافع از برای قروح مثانه ص
عصاره لحیة التیس مخنوم بسد کهربا بزشمی نشاسته تخم خیار تخم خربوزه تخم خطمی سفید تخم گندوشتی
تخم کرفس فطر اسالیون اقراص کا کنج اجزا مساوی کوفته سرشته اقراص سازند و لو
حاجت دودرم سنگ ارزی بکار برند قرص بیهت ذروق در مثانه ص مرارسنگ سفید
قلعی شسته نشاسته بورق ارمنی مغسول سائیده اقراص سازند و در وقت حاجت بشیر
زنان حل کرده ذروق نمایند قرص صمغ تسهل ولادت نماید و بچه زنده و مرده را بیرون آرد
ص مرجان شیر سکبنج بیرزوهر یک یکدرم حلتیت پنجدرم جمله یک شربت است با آب سداب
یا طبیخ حلبه بدهند و تغیر نیز همین عمل نماید و غذا نخود آب قرص مرارگاو طمث بقوه کند و تسهیل
ولادت نماید و اگر بداومت بآن کنند اسقاط اجنه کند ص حلتیت سکبنج جاوشیر برگ سداب
خشک برگ پودینه خشک مشک طرا شیع قردمانا قوه هریکدو درم مرسه درم ترمس پنجدرم کوفته بعجینه
اقراص سازند هر قرصی دودرم شربت یکقرص با طبیخ ابهل و اگر ترمس نباشد عوض آن
دارچینی کنند و اگر با آب سداب قرص سازند بهتر باشد قرص برای سوزاک ص قلعی
کشته ست سلاجیت آفتابی کتیرا گل ارمنی خشخاش سفید صمغ عربی مغز بهدانه تخم خیارین

بول الدم کلوی نافعست ص تخم کرفس یکدرم افیون کندر هریکدو درم ونیم کهربا صمغ گردگان هریک
پنجدرم بوزن یکمثقال قرص سازند شربت یکقرص بالنقیع سماق قرص البوب قرحه کلیه
ومثانه را ازریم پاک کند ص برزالبنج سفید افیون هریک دو درم تخم محلب پاک کرده نشاسته
تخم خطمی خیارین تخم کرفس تخم خرفه تخم بادیان دوفو هریک سه درم ونیم مغز فندق مغز بادام
شیرین مغز پسته مغز نیمه نارنج هریک چهار درم نبق مغز خیار مغز تخم کدو شیرین مغز تخم خربوزه
رب السوس تخم خماض مغز چلغوزه هریک پنجدرم گل ارمنی ده درم کوفته بجثه بلعاب تخم
کتان سرشته اقراص سازند شربت با مفتح یا جلاب بدهند قرص ماسک البول او اربول
که از گرمی بود باز دارد و تشنگی بنشاند ص کزبرج لبان ذکر افاقیا هریک یکدرم پوست هلیله
بریان کرده بروغن گاو چرب کرده یکمثقال کشنیز خشک بریان کرده وبروغن یکدرم ونیم
گلنار گل ارمنی گل سرخ عدس هریکدو درم تخم بلوط تخم سرو وهریک سه درم کوفته بجثه اقراص
سازند شربت دو درم بآب به قرص که در فروخ مثانه مفید بود ومجرب است ص مرزعفران
هریک پنجدرم تخم خیار مقشر تخم خیارزه مقشر مغز تخم هندوانه تخم خرفه تخم کتان تخم بادیان از هریک درمی
خشخاش سفید سه درم مغز چلغوزه پنجدرم کتیرا صمغ عربی نشاسته بادام تلخ هریکده درم با مفتح اقراص
سازند قرص که جهت بول الدم عجیب الاثر است ص انیسون سه درم تخم کرفس گل ارمنی
صمغ عربی کندر دم الاخوین هریکدو درم مغز تخم خربوزه مغز تخم خیار مغز تخم کدو هریک بیست درم اقراص
سازند شربت دو درم با یک اوقیه لبشربت خشخاش قرص کاکنج کلیه ومثانه وبول الدم را
نافع بود ص مغز تخم خیارین حب کاکنج مغز بادام مقشر رب السوس نشاسته صمغ عربی دم الاخوین
کتیرا کندر تخم کرفس هریکده درم افیون ودرمی با آب صافی اقراص سازند شربت از یکدرم
تا یکمثقال قرص شب جرب مثانه را نافع باشد ص شب یمانی دم الاخوین گلنار هریک
سه درم کتیرا شش درم صمغ عربی دو درم کوفته بجثه با آب خرفه قرص سازند ولبشراب
حب لآس بنوشند قرص بزور جرب مثانه را نافع بود ص تخم خربوزه ده درم مغز تخم

مصطگی دو درم مغز بادام تلخ یکدرم و نیم مثقال رزق سہ درم مثقال ادرخ سرآب حل نمایند ادویہ را کوفتہ بیختہ بان تر سازند
اقراص سازند ہر قرصی سہ درم در صلابت کبد آب کاسنی تازہ با آب کبر فس یا با آب بادیانہ دو درم صلابت معدہ با عرق
بادرنجبویہ و در ربو اسیر با آب گندنا قرص شب خون آمدن از ہر عضو کہ باشد بازدارد قرص
شب یمانی کحل اصفہانی از ہر یک یکدرم کہربا مروارید ناسفتہ اقاقیا از ہر یک سہ درم دم الاخوین
صمغ عربی کتیرا از ہر یک دو درم ہمہ را سحق نمودہ قرص سازند شربت از بیخ درم تا یکمثقال
قرص نافع برای زحیر بلغمی ص زیرہ بریان مدبر بارزد سبز مصطگی سماق تخم کرفس از ہر یک
یکدرم جفت بلوط کنار حب الآس طباشیر سفید کل مختوم گل ارمنی طرانجبیت از ہر یکدو درم
نشاستہ گلنار صمغ عربی تخم حماض ہر واحد چہار درم کوفتہ اقراص سازند با آب بارتنگ شربت
یکمثقال قرص ذیابیطس ص طباشیر پنج جزو تخم خرفہ تخم کاہو از ہر یک ہفت جزو تخم
حماض گل سرخ کشنیز خشک گل ارمنی از ہر یک سہ جزو صندل سفید گلنار سماق از ہر یک
دو جزو کافور نیم جزو با آب برگ خرفہ اقراص سازند و یک قرص با آب انار بخورند قرص برای بیم و قرحہ ص مغز
تخم خیارمغز تخم خیارزہ مغز تخم خربوزہ تخم خرفہ از ہر یک چہار درم گل سرخ طباشیر گل ارمنی صمغ عربی
نشاستہ از ہر یک سہ درم شادنج مغسول دم الاخوین عصارہ لحیۃ الثیس شہدانج حب المحاب
خشخاش سفید و سیاہ از ہر یک سہ درم بادام حب چلغوزہ از ہر یک دو درم تخم کرفس یکدرم
زعفران نصف درم کالنج پانزدہ عدد کوفتہ بیختہ بلعاب بہدانہ اقراص سازند شربت دو درم
بمارالبزور قرص طین کہ جہت بول و قروح مثانہ نافع ص گل مختوم طباشیر کتیرا صمغ عربی
و فارسی تخم خرفہ مغز تخم خیارین بالسویہ کوفتہ بیختہ بلعاب اسپغول لبسر شند و با کشکاب
بدہند و در نسخہ دیگر مغز تخم خربوزہ ہست ص جہت قروح کلیہ و مثانہ و تقطیر بول و بول الدم
بلغابت مجرب است ص افیون تخم کرفس بزر البنج سفید شہدانج از ہر یک یکمثقال تخم زرنباد
دو مثقال زعفران تخم حماض بری مغز بادام تلخ مقشر از ہر یک سہ مثقال تخم خار دوازدہ
مثقال کالنج جبلی بیست و پنج عدد کوفتہ بیختہ بمعجون سرشتہ اقراص سازند قرص کہربا کہ جہت

وصفرا مرد حیض را بگشاید و حرارت را گم کند و جرب اسود دارد ص بیست بلیله کابلی بیست بلیله اهلیه
سنگ بگ کابلی مقشر بعد از کوفتن و بختین آنرا هر یک یکجزو ترید سفید مجوف مضمع تراشیده بروغن
بادام شیرین چرب نموده بوزن مجموع ادویه فانیذ و فانیذ را در پاتیله کرده باقدری آب
بجوشانند و چون بقوام آید از آتش برگرفته ادویه را بران بپاشند و مخلوط نمایند خلطی بنکو
پس اقراص سازند و هر قرص ده درم که تا بی جوشانیده باشند و ران کشنیز خشک از اول شب
تا صبح و اول صبح صافی نموده باشند پس بدرستی که ده مجلس یا بیست مجلس اجابت می کند غذا وقت
عصر تربد یا نخود آب که بار و غن زیتون مغسول ساخته باشند پس اگر احتیاج باخراج بلغم زجاجی
باشد باید که اضافه کرده شود هر اجزای این قرص بیع جزو بلیله و شحم حنظل و در نسخه کوتوالی وزن
تربد دو درم و فانیذ شش استار و باقی از هر یک یکدرم است و گفته اند که شربت ازین قرص ده
درم در هر ماهی سه بار قرص بزوراز قرابادین قانون نافعست از برای اسهال طبیعت و
قرحه و قیام و از برای کسی که غذا در معده آن هضم نشود و از برای مغص شدید و زحیر و ریاح
بواسیر و آمدن خون از بواسیر و نزف طمث زنان پی در پی و بیوقت ص حب لاس تخم
رازیانه انیسون نانخواه تخم کرفس بزر البنج سفید دو قوا از هر یک یک اوقیه افیون شش درم
کوفته بخیته بشراب ریحانی سرشته اقراص سازند هر قرصی بوزن پنج درم و بعد از
شش ماه استعمال نمایند شربت یکقرص یا انچه مناسب باشد از مایعات قرص قاطع دم صر
بارنگ طباشیر طین قبرسی و مختوم از هر یک یکدرم کندر سفید دو درم حضض یکدرم و نیم کهربا
دو نخ محرق بسد لوجر الدم از هر یکدو درم عصاره لحیثه التیس سه درم باریک سائیده در
حب لاس یا شربت ریباس یا شربت سفرجل یا در شربت سیب خمیر کرده اقراص سازند
و در سایه خشک کرده هر روز ده درم با شربت مذکوره تناول نمایند غذا رمانیه یا حصرمیه قرص
مقل صلابت کبد و معده را دور گرداند و بریاح بواسیر نافع بود و این نسخه تالیف محمد زکریاست
ص گل سرخ منزوع الاقماع ده درم سنبل الطیب دو درم زعفران یکدرم قسط تلخ یکدرم و نیم

حاجت متوالی بآب نیمگرم بخورند قرص دیگر که اسهال دموی وصفراوی ونزف الدم
هر موضع باز دارد وسیج وسرفه رطوبی وبواسیر را بغایت مجرب است ص زعفران افیون
هر یک یکدرم مازو وتخم حماض دم الاخوین هر یک دو درم آرد کنار خرنوب بنطی گل ارمنی
انجبار تخم مورد هر یک سه درم طباشیر نشاسته صمغ عربی گلنار گل سرخ کتیرا شاخ گاو کوهی
سوخته هر یک پنجدرم بآب بارتنگ اقراص سازند شربت یکمثقال همراه ادویه موافقه
هر مرض قرص از شفاء الاسقام برای اسهال صفراوی سیج وبواسیر ودفع عفونت مفید
وتسکین ورقه که در معا باشد نافع ونماید ص پوست خشخاش طین مختوم طین ارمنی طباشیر
صمغ عربی نشاسته از هر یک ربعدرم دم الاخوین سه سرخ مصطگی حرف بیان کافور یک سرخ
زعفران نیم سرخ مجموع یک شربت است قرص دیگر جهت نزف الدم واسهال دموی
مجرب نوشته اند ص گل سرخ گل ارمنی طباشیر شاه بلوط تخم حماض مقشر صمغ بربان سرطان
سوخته برابر کوفته بیخته اقراص سازند بآب به قرص که جهت اسهال خون ونزف الدم
جمیع اعضا مجرب است ص زعفران افیون مصطگی نشاسته طباشیر یک منفی بزر الینج
هر یک یکدرم گلنار سک دفع محرق هر یک سه درم جلغوزه تخم کشنیز بربان صمغ عربی بربان
گل ارمنی پوست تخم مرغ سوخته شاخ گاو کوهی سوخته تخم حماض بسد تخم خرفه کهربا هر یک پنجدرم
شربت یکمثقال بآب جهت نفث الدم وباشراب خشخاش جهت قروح امعاء قرص
برای قروح امعاء واختلاف دم وقیح مفید هرگاه حقنه کنند ازان همراه زردی دیده
که بیان نموده باشند وآب بارتنگ ص اسفیداج الرصاص شش درم کاغذ سوخته
چهار درم صمغ عربی پنجدرم گلنار دو درم افیون مامیران از هر یک یکدرم عصاره لحیه
الثیس سه درم اقاقیا خبز محرق دم الاخوین از هر یک یکدرم ونیم کوفته بیخته از آب لسان الحمل
وآب عصی الراعی خمیر کرده اقراص سازند ودر سایه خشک نمایند ووقت حاجت در آب ارز
فارسی حل نموده حقنه نمایند قرص مرکی این قرص جلاد هند است ومخرج بلغم و

صمغ عربی گلنار از هر یک چهار درم نشاسته گل سرخ از هر یک سه درم تخم کرفس مصطگی
سماق از هر یک یکدرم مازو زیره کرمانی مدبر بریان کرده از هر یک نیم مثقال کوفته بیخته کرده
بلعاب برزقطونا اقراص سازند شربت یکدرم **قرص** زجیر برای اختلاف دم و زجیر و نفث دم
ص طین مختوم طین ارمنی قرط طباشیر طرا ثبت از هر یکدو درم تخم حماض بری صمغ عربی
گلنار از هر یک چهار درم نشاسته گل سرخ از هر یک سه درم تخم کرفس سماق مصطگی از هر یک
یکدرم بلوط آرد کنار حب الآس از هر یکدو درم عفص زیره کرمانی که در خل خمر یکشبانروز
خیسانیده بعد ازان بریان نموده باشند از هر یک نصف مثقال کوفته بیخته بلعاب اسپغول
خمیر کرده اقراص سازند هر قرص یکدرم قوت این تا شش ماه باقی می ماند بعد ازین ضعیف
میشود **قرص** که نافعست افراط خون بواسیر را ص مرجان کهربا دوغ سوخته گل ارمنی
از هر یک دو درم هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک پنجدرم تخم کندنا سه درم مقل دو درم مقل را
در آب تر کنند تا سرشته حل کنند دارو ها را کوفته بیخته بآن سرشته قرص سازند شربت سه درم
نادره درم بآب آهنگران **قرص** برای زجیر مجرب است هرگاه حرارت نباشد و رياح قوی
بود استعمال باید کرد ص بزر البنج ابیض تخم شبت تخم رازیانه از هر یک پنجدرم نانخواه ده درم
ونیم افیون سه درم تخم انیسون ده درم تخم کرفس ده درم اگر دو درم زعفران زیاده کرده شود
الیق است **قرص** زرنیخ که هیچ مزمن که ازان دفع شود با ما را لعسل وقتی که فساد بسیار
باشد و با شیره بیرنج اگر بسیار نباشد بکار برند ص کاغذ سوخته اقاقیا هر یکدو مثقال زرنیخ
سرخ زرنیخ زرد هر یک سه مثقال آهک آب ندیده شش مثقال همه را بسایند و با آب گ
بار تنگ سرشته اقراص سازند و از پنجدرم تا دو درم بکار برند **قرص** زعفران سیح گوید
که او شکم سازم کند و صفرا سوخته را از تن فرو آرد و اندوه دل را زائل کند و تشنگی بنشاند
ص زعفران صندل هر یکدو درم صمغ عربی شکر گل سرخ هر یک پنجدرم تربد سفید زرشک
بیست درم همه را کوفته بیخته با آب بسرشند و اقراص سازند در سایه خشک نمایند و بوقت

برگ سداب خشک یک سیر دران آمیزند و یکروز دیگر بدارند پس بکوبند و قرص بسته
بزشور نیگرم کنند تا بریان شود و بگذارند که بشور رسد بکوبند نرم و بر بادادو درم با سکنجبین بدهند
قرص کزاج ترکیب جالینوس سپرز صلب انگذارد ص کزاج چهار مثقال فلفل سفید
سنبل اسارون اشق هر یکدو مثقال اشق را در سرکه غصل حلکرده ادویه دیگر کوفته بیخته
بآن بسرشند و اقراص کنند شربت یکمثقال با سکنجبین قرص فنجنکشت درد جگر و سختی و آماس
و درد سپرز را نافعست ص لک مغسول ریوند چینی طباشیر سفید هر یک یکدرم تخم کشوث
تخم فنجنکشت پوست بیخ کبر زراوند طویل کزاج غافث قوه هر یکدو درم گل سرخ کاسنی هر یک
سه درم شربت دو درم یا سه درم با شربت کاسنی قرص سازند قرص جهت استسقاء حار منقول از
مختار و مجربست ص سنبل الطیب نیمدرم تخم خبازی تخم خرفه تخم کشوث تخم کرفس مصطگی لک مغسول
ریوند هر یک یکدرم گل سرخ پنجدرم عصاره زرشک یا زرشک ده درم بقدر مثقال قرص سازند
تا چهل درم آب کاسنی و هشت درم عنب الثعلب ده درم سکنجبین پنجدرم مغز خیارشنبر استعمال
نمایند قرص هندی بجهت ذرب نافعست ص زنجبیل هلیلکی کشنیز خشک ال سفید کوفته
بیخته قرص سازند شربت یکدرم بادویه مناسبه قرص دیگر نافع بذرب و اسهال ص مغز خسته
انبه کهنه مغز خسته جامن کهنه هلیله زرد بریان در روغن کنجد هرگاه شنگرفته شود برابر گرفته کوفته
آمیخته اقراص سازند شربت یکمثقال با آب سرد قرص اسهال دموی و افراط طمث و ذالدم
را نافع باشد ص بیخ انجبار چهار درم گل سرخ صمغ عربی کهربا تخم خرفه از هر یک سه درم گلنار
نشاسته گل ارمنی لبد طباشیر سفید رب السوس از هر یکدو درم آقاقیا یکدرم و نمکوفته بیخته
با آب مورد اقراص سازند قرص ایلاوس ص تخم کرفس انیسون دارچینی هر یک شش درم
مصطگی افسنتین هر یک چهار درم فلفل مرافیون جندبیدستر هر یکدو درم با آب خالص اقراص
سازند شربت یکمثقال قرص زجر خون شکم و زجر و نفث الدم را نافع بود ص گل منخوم
گل ارمنی قرطم طباشیر طراثیث بلوط آردکنار حب الاس از هر یکدو درم تخم حماض بری

از هریک سه درم فاقله سنبل بسپاسه از هریکدو درم عود خام قرفه پوست ترنج از هریک پنجدرم زعفران جوزبوا از نجبیل دار فلفل از هریک یکدرم قند سفید بوزن ادویه کوبیخته اقراص سازند شربت دودرم آب بیاسیب **قرص** که قی بلغمی را دسود اوی را نافع بود و معده را قوت دهد **ص** پوست بیرون پسته گل سرخ از هریک چهار درم عود خام مصطگی از هریک سه درم سک پنجدرم کوفته بیخته بآب اقراص سازند شربت یکمثقال **قرص** که فواق استلائی را نافع باشد **ص** قسط تلخ صبر سقوطری اذخر خام فودنه کوهی لعناع خشک سداب تخم کرفس کندر اسارون از هریک یکدرم افیون دانگی و نیم گل سرخ پنجدرم کوفته بیخته بدوشاب مثلث سرشته اقراص سازند **قرص** مصطگی قی و فواق را نافع دارد **ص** عود مصطگی هریکدودرم پوست بیرون پسته چهار درم گل سرخ سک هریک پنجدرم شربت دودرم **قرص** اقاقیا معده را قوت دهد استرخاء و تشنج او را نافع آید و طبیعت به بندد **ص** اقاقیا سه درم صمغ عربی کتیرا هریکدرم گل سرخ گلنار هریک چهار درم فشار کندر عود هندی هریک یکدرم سک جبد زعفران هریک پنجدرم بکوبند بجریر بپزند بآب قرص سازند شربت از یکدرم تا یکمثقال بر ب سیب یا رب بیا آب سرد بدهند **قرص** سماق مجرب است جهت کسیکه طعام قی کند و شهوت غذا بازدارد **ص** سماق سه درم زرورد طباشیر زیره مدبر کرنبه بگلاب تر کرده و خشک نموده هریکدو درم پوست پسته یکدرم مصطگی پنجدرم کوفته بیخته بگلاب اقراص سازند شربت از یکدرم تا دودرم بشربت حصرم منعنع یا ورد مربی شکر **قرص** سک نسخه محمد ذکریا است معده و دل و جگر یابرد را قوت دیدو او جماع بارد معده را زائل کند و غشی و خفقان بارد را نافع بود **ص** مصطگی قرنفل عود دارچینی سنبل جوزبوا کبابه هیل پوست ترنج قاقله هریک یکمثقال سک دانگی کوفته بیخته بشراب ریحانی اقراص سازند **قرص** که بقروح معده نافعست **ص** گل قبرسی صمغ عربی هریک پنجدرم دم الاخوین سه درم کوفته بیخته بآب اقراص سازند و هر روز دو درم بآب خرفه بخورند **قرص** خردل در دسیز که از باد خیزد زائل کند **ص** حب الرشاد پنج سیر اندر سرکه یا آب تر کنند یک شبانروز و بعده

ومنع نزلات بکند وچون بارزد بآن بیامیزند ببرد ندان کرم خورده نهند در دسالکن نماید و
چون بآب مرزنجوش در گوش چکانند درد بنشاند ونفث الدم وسیلان خون از موضع که باشد
بازدارد وسرفه کهنه وتپهای دایره را نافع بود وچون بآب مرزنجوش دهند وچون بآب سداب
بیاشامند بجمیع زهرها وگزیدن جانوران مفید آید واگر بشربت بنوشند اسهال دموی را
وقروح امعاء ومثانه را سود مند بود ص مرجنبد بیدستر سنبل سلیخه گل مختوم پوست بیخ
تفاح از هریک چهار درم افیون زعفران قسط کوکب الارض وانزاطلق نیز گویند از هریک
پنجدرم انیسون دو قوسیسالیوس بزرالبنج میعه سائله تخم کرفس از هریک هشتدرم صمغ هارا در
شراب ریحانی حل کنند داروها را کوفته بیخته بآن سرشته اقراص سازند قرصی یکدرم در سایه
خشک کنند قرص گل در معده وتپهای بلغمی را سود دارد ص ورق گل سرخ شش درم
رب السوس چهار درم سنبل الطیب ومی طباشیر سفید دو درم عصاره غافث چهار درم کوفته
بیخته بمنفتج سرشته اقراص سازند قرص گل که اقوای از نسخه اول است ص گل سرخ
ده درم اصل السوس عصاره غافث فستین هریک چهار درم مصطگی سنبل اسارون
عود خام اذخر از هریک یکدرم کوفته بیخته بگلاب اقراص سازند قرص دم مسمی بمبید الورد فعت
از برای سده های کبد وطحال ومعده وحمیات سودا وی وبلغمی ص گل سرخ منزوع الاقماء
هفت درم رب السوس پنجدرم فقاح اذخر سنبل الطیب سلیخه سودا مرکی صافی زعفران
مصطگی رومی از هریک دو درم مرزعفران را در سرکه انگوری حل سازند وبمالند وبیالایند
وباقی ادویه را کوفته بیخته بآن سرشته اقراص سازند اگر خواسته باشند ادویه را باسه وزن مجموع
عسل مصفی سرشته معجون سازند قرص فستین بجهت تخمه ص فستین رومی انیسون تخم کرفس هریک دو درم
کوفته بآب صاف اقراص سازند قرص عود که قی وهیضه بازدارد ص عود خام چهار درم
کباب مصطگی قرنفل سنبل الطیب هریک یازده درم کوفته بیخته اقراص سازند شربت دو درم
قرص عود بنوع دیگر معده را قوت دهد وطعام بهضم کند واشتها آورد ص قرنفل مصطگی

از هر یکنیم مثقال زعفران یکدانگ کوفته بیخته بآب کشوث اقراص سازند شربت یکمثقال قرص
غافث یرقان و درد جگر و سپرز و تپهای ربع و کهن را نافع باشد و سده بکشاید ص عصارهٔ غافث
بست درم سنبل ده درم طباشیر سفید چهار درم کوفته بیخته بآب صاف سرشته اقراص سازند
قرص لک استسقا لحمی را سود دارد و سده بکشاید ص لک مغسول ریوند چینی از هر یک
هفت درم اسارون زراوند حنظیانا سنبل مصطگی تخم کرفس انیسون نانخواه اذخر اهلیله قسط مغز
بادام تلخ فوه افسنتین عصارهٔ غافث از هر یکدو درم فلفل زنجبیل از هر یک یکدرم کوفته بآب
صافی اقراص سازند شربت یکمثقال قرص کبر اوجاع طحال را نافع بود و سده بکشاید ص
پوست بیخ کبر اشق از هر یک چهار درم زراوند طویل دو درم فنجنگشت فلفل از هر یک شش درم
اشق را در سرکه کهنه حل کنند و باقی ادویه را کوفته بیخته بآن سرشته اقراص سازند قرص ایرسا
سپرز صلب را نرم کند ص ایرسا چهار درم فلفل سفید اشق از هر یک دو درم اشق را در سرکه حل
کنند و باقی ادویه کوفته بیخته بآن سرشته اقراص سازند شربت دو درم باسکنجبین بزوری قرص
فوه طحال را نافع بود ص فوه دوازده درم ایرسا پوست بیخ کبر زراوند طویل از هر یکدو درم
کوفته بیخته باسکنجبین سرشته اقراص سازند و باطیخ انیسون استعمال نمایند قرص سنبل درم
صلب کبد و معده و جگر را نافع بود ص سنبل قفاح اذخر سلیخه ریوند چینی قصب الذریره از
هر یک سه درم زعفران مرانیسون قسط تلخ فلفل از هر یک یکدرم مقل مصطگی از هر یکدو درم
اشق نیمدرم اشق و مقل در دوشاب حل کنند و داروهای دیگر را کوفته بیخته بآن اقراص سازند
جهت درد معده بادوشاب و جهت درد کبد باسکنجبین قرص که استسقاء و فساد جگر و سپرز و
اسهال را نافع بود ص طباشیر گل سرخ گلنار زرشک سماق کزبارزج تخم حماض تخم گاوزبان
فلفل مشک تخم خرفه از هر یک یکدرم فقاح اذخر انیسون سنبل ریوند چینی لک پوست بیخ کبر افیون
از هر یک نیمدرم کافور دانگی کوفته بیخته اقراص سازند شربت دو درم قرص کوکب معدهٔ
ضعیف را قوت دهد و نگذارد که فضول بآن جمع شود و چون بر پیشانی طلا کنند صداع را نافع بود

کوفته بیخته بشراب ریحانی سرشته اقراص سازند شربت یکمثقالی و بعضی عنبر یکدانگ افزوده اند
قوی تر میشود **قرص** عنبر ساده مقوی اعضای رئیسه و معده و مفرل خفقان و نافهیرا
سود مند بود **ص** عنبر اشهب تراشیده بیست و پنجتوله یکسیر شاهجهانی نبات را بقوام
آورده عنبر حل کرده در طبق نقره بهین ساخته اقراص سازند و بعضی در یک مثقال عنبر
صد مثقال نبات داخل میکنند **قرص** عنبر بنسخه دیگر **ص** عنبر اشهب سه و نیم توله نبات
سفید نیم سیر اکبری گلاب تیزوی یک شمشه نبات را صاف نموده بقوام آورده عنبر را
دران حل نموده بتبریزند و قطره قطره گلاب میداده باشند تا سفید گردد و بقوام قرص آید بعد
ازان در خوان نقره یا چینی هموار نموده اقراص سازند راقم گوید اگر عشرون عنبر طلای
محلول با ورق طلا اضافه نمایند هر آینه در افعال خود اقوی خواهد شد و در اعراض مطلوبه
بیدیل **قرص** زرشک کبیر ورم معده و جگر و تپهای و مرکب بلغمی و استسقا را نافع بود
ص عصارهٔ زرشک مغز تخم خیارین مغز تخم خربوزه از هر یک سه درم گلسرخ
ترنجبین از هر یک شش درم تخم کشوث رب السوس طباشیر تخم کاسنی مصطکی
سنبل الطیب عصارهٔ خافث فوه لک مغسول ریوند چینی از هر یک دو درم زعفران سه درم
کوفته بیخته بآب ترنجبین سرشته اقراص سازند **قرص** زرشک صغیر **ص** زرشک منقی
پانزده درم تخم کاسنی حرفه تخم خیارین از هر یک یکدرم گل سرخ پنجدرم ریوند چینی سنبل
از هر یک یکدرم بلعاب برزقطونا اقراص سازند **قرص** زرشک بارد **ص** زرشک
پنجدرم رب السوس یکدرم و نیم مغز تخم خیارین تخم خرفه کاسنی از هر یکدو درم بگلاب اقراص
سازند شربت دو مثقال **قرص** زرشک کافوری حمی غب و حرارت و کبد و معده را
نافعست و تشنگی بنشاند و التهاب را ساکن گرداند **ص** زرشک منقی مغز تخم خیارین مغز تخم
کدو مغز تخم هندوانه مغز تخم خربوزه هر یک سه مثقال طباشیر سفید ورق گل سرخ صندل سفید
از هر یک یکمثقال و نیم ریوند چینی نیم مثقال لک مغسول دو مثقال تخم کرفس کافور قصبوری

مغسول دم الاخوین هریک سه درم باب لسان الحمل سرشته اقراص سازند شربت دو درم
باب باران که طباشیر گل ارمنی مران خیسانیده باشند و در بعضی نسخه سه درم کهربا هم داخل است
قرص بسد که جهت نفث الدم که عقب سعال افتد نافعست و قی الدم را مفید بود ص
صمغ عربی گل ارمنی هریک چهار درم کهربا بسد شاذنج هریک یکدرم و نیم رب السوس دم الاخوین
نشاسته هریک دو درم اقراص سازند و سه درم ازوی بگیرند و یکدانگ بزر البنج سفید سحوق
آمیخته بخورند قرص گلنار نافع برای نفث الدم و حابس قی و اسهال و غیر آن ص گلنار کهربا
بسد محرق کشنیز خشک طباشیر سفید گل سرخ سماق لسان الحمل عصاره لحیته الثیس از هریک ده درم
قرن ایل محرق مغسول هفتدرم شب یمانی سه درم اقاقیا هفتدرم افیون یکدرم کوفته بیخته
باب قراص سازند شربت ازان سه درم باب لسان الحمل یا باب باران نوازده باشند قرص
آس نافع برای اسهال که همراه اسهال باشد ص حب الآس خشخاش سفید از هریک پنجدرم
پرسیاوشان سه درم صمغ عربی دو درم حب الغیب نشاسته از هریک دو درم بلعاب اسبغول
قرص سازند خوراک سه درم بشراب حب الآس قرص کهربا نافع است برای نفث الدم
وسیلان دم خواه بواسیر بود خواه غیر آن ص کهربا بسد مروارید تخم خرفه مقشر از هریک پنجدرم
شاخ کوزن سوخته پوست بیضه سوخته کتیرا صمغ عربی از هریک سه درم کشنیز بریان تخم خشخاش
سیاه تخم خشخاش سفید از هریک شش درم دوغ محرق بزر البنج سفید از هریک دو درم کوفته بیخته
باب لسان الحمل اقراص بندند بوزن یکمثقال خوراک یک قرص قرص مروارید دل
دماغ را قوت دهد و خفقان گرم و بیرقان را نافع باشد ص گل سرخ دو درم طباشیر مروارید
ناسفته بسد صندل سفید هریک یکدرم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو هریک پنجدرم تخم خرفه سه درم
زعفران پنجدرم کوفته بیخته بلعاب اسبغول سرشته اقراص سازند شربت یک مثقال
با پنجبیخ قرص مشک دل و معده و جگر بارد را قوت نماید و خفقان و غشی و اوجاع
معده صاکه لسبب برودت باشد سود دهد ص مصطگی قرنفل دارچینی عود سنبل سک دانگی

یکمثقال تا دو مثقال بدهند قرص ریوند برای نفث الدم که از جگر باشد ص ریوند چینی دو مثقال
لک مغسول مثقال تخم کرفس نیمدرم صمغ عربی دو مثقال گل ارمنی دو درم انیسون درم
همه کوفته بخیته بآب لسان الحمل هریک انا قراص بوزن نیم مثقال سازند بشربت انجبار
یا شربت زرشک یا آب انار این اختیار نمایند قرص ریوند درم وصلابت جگر و سیرزی و تهای
کهنه را نافع باشد ص ریوند چینی شش درم فوه لک مغسول از هریک سه درم تخم کرفس
انیسون عصارهٔ خافث از هریک یکدرم کوفته بخیته بآب خالص اقراص سازند قرص
ریوند جهت استسقا که بانفث الدم با اجابت طبع باشد از بقای ص زعفران دانگی ریوند چینی
دو دانگ زرشک بهدانه لک مغسول فوه طباشیر صندل سفید تخم حماض هریک یکمثقال
ورق گل سرخ کرده یا صلابه کرده هر واحد یکمثقال و نیم نشاسته صمغ عربی بریان هریک دو مثقال
کوفته بخیته بآب قرصها سازند و هر روز یک و نیم مثقال با بعضی عرقها مناسب بدهند و اگر حالت
مریض و وقت مقتضی باشد در لبیب بادوغ کف داده استعمال نمایند قرص ریوند به نسخهٔ حکیم
محمد باقر جهت استسقا مجرب ص مصطگی عصارهٔ خافث سنبل الطیب وناس لک شسته
عصارهٔ افسنتین اسارون قفاح اذخر تخم شاهتره تخم کشوث تخم کاسنی ریوند چینی زعفران
طباشیر تنکبین هریک دو درم مغز تخم خیار تخم خرفه گل سرخ رب السوس هریک سه درم زرشک بهدانه
پانزده درم با آب اقراص نمایند قرص شادنج از تحفه جهت سل و سرفه حاره و سیلان خون
از هر عضو باطنی مفید و دق و اسهال مراری و ذوبانی و تهای دمویرا نافع بود ص بزر الینج
افیون زعفران هریک مثقال تخم خرفه کشنیز خشک خشخاش سفید نشاسته گل سرخ طباشیر گل ارمنی گل سرخ
هریک پنجاشه سرطان سوخته دو مثقال کتیرا رب السوس صمغ عربی شادنج مغسول شاخ گاو
کوهی سوخته انجبار هریک سه مثقال با لعاب اسپغول اقراص سازند شربت نایک مثقال
قرص کحل خون آمدن لبسر فه بازدارد ص لادن زعفران هریک پنجدرم شاخ کوزن سوخته
اقاقیا هریکی یکدرم پرسیاوشان یکدرم و نیم گلنار رازد هریک دو درم سرمهٔ اصفهانی شادنج

برای نفث الدم از هر عضوی که باشد و صالح است برای سعج احشار و فروح آن و برای
قیام دم و طبری نوشته که من مکرر تجربه نمودم ص حضض یکی گل سرخ منزوع الاقماع از
هر یکدو درم عصارهٔ لحیتة الثیس سه درم کندر چهار درم زعفران دو دانگ یونجینی نیم درم
پوست انار شحم آن مازو سبز از هر یک یکدرم گل ارمنی گل ساسوس گل مختوم از هر یک سه درم
نشاسته بریان قلیلی سه درم وزنجبیل کوفته بیخته اسپغول جوشانیده لعابش برآورده ادویه را
خمیر کرده قرص یکمثقال بندند و در شربت آس حل کرده یکمثقال بخورند و اگر ممکن نباشد همراه آب
قرص برای نفث الدم حادّ از رطوبت و استرخای عروق ص قشار کندر و کتیرا
بنفسا از هر یک چهار درم لعون کرمانی مغلوداشیشعان فودنج جبلی از هر یک پنجدرم مقشر انار
یعنی کندر مع قشر انار مصطگی
زعفران از هر یک هفتدرم فلفل دیس سنبل هندی جندبیدستر عصارهٔ لحیتة الثیس اقاقیا
گل سرخ منزوع الاقماع از هر یک چهار درم کوفته بیخته با آبی که دران مازو سبز بی سوراخ جوشانیده
باشند اقراص یک یکمثقال بندند شربت یک قرص قرص که انفتاح ماده ذات الریه کند
ص تخم خطمی تخم خبازی تخم خیار تخم خربوزه تخم کدو رب السوس فقاح اذخر اکلیل الملک بنفشه کتیرا
از هر یک مساوی گرفته کوفته بلعاب بزرکنان قرص سازند و با آب انجیر بخورند قرص که جمود
دم صدر را اذابت کند و برآرد و سینه را ازان پاک کند دوائی چند است ص زراوند
اصل السوس فلفل نمک هر یک یکدرم حلبه آرد کرده اینسون گل سرخ هر یکدو درم مرسه درم
با آب خمیر کرده قرص سازند هر قدر قرص درمی و در سایه خشک کنند و هر روز با یک اسکرجه
مطبوخ بیخ رازیانه و بیخ کرفس بخورند قرص تالیف میر عطاء الله صاحب تحفه برای سرفه
و ذات الجنب و حمی دق و تپهای محرقه و حرقت بول و تشنگی التهاب خلاص جهت حصبه و آبله
ص زعفران نیم مثقال صندل سفید یکمثقال کتیرا رب السوس نیلوفر هر یکدو مثقال گل سرخ
مغز تخم کدو شیرین مغز تخم بهدانه تخم خیارین تخم کشنیز هر یک یکمثقال طباشیر سفید نشاسته تخم
خرفه هر یک پنجمثقال گل بنفشه تربجبین هر یکده مثقال کوفته بیخته با شیرهٔ جواقراص سازند و از

ناسفته طباشیر سفید سرطان مشوی تخم خشخاش تخم کاهو تخم خرفه مقشر کتیرا از هریک سه مثقال کهربای
شمع رب السوس غنچه گل سرخ منزوع الاقماع از هریکدو مثقال تخم خیارین پنج مثقال صمغ عربی لبسد
محرق از هریک یکمثقال کافور قیصوری یکدرم زعفران دو دانگ برشیم مقرض دو دانگ کوفته
بخته بآب بارتنگ سبز سرشته اقراص سازند قرص طباشیر مسهل نافع است از برای حمیات
صفراویه و تقویت معده کند و مسکن حرارت است ص طباشیر سفید یکدرم زرشک منقی یکدرم
ونیم سقمونیا مشوی غنچه گل سرخ منزوع الاقماع از هریک یکدانگ کوفته بخته بآب کاسنی تازه
سرشته اقراص سازند قرص کافور یرقان و تب گرم را سود دارد ص زرشک منقی طباشیر
سفید گل سرخ از هریک هفتدرم تخم کاهو تخم خرفه تخم کاسنی کتیرا از هریک سه درم مغز تخم خربوزه و کدو
هریک پنجدرم صندل سفید رب السوس از هریک دو درم کافور یکدانگ بلعاب بزرقطونا سرشته
اقراص سازند شربت دو درم با سکنجبین قرص کافور از شیخ الرئیس برای سل و دق ص
کافور قیصوری سرطان محرق زعفران رب السوس از هریک یکدرم تخم کاسنی تخم کاهو تخم خرفه
از هریکدو درم مغز تخم کدو مغز تخم خیار از هریکدو درم و ثلث درم آب کدو والاصندل مقاصر
سه درم گل سرخ چهار درم کوفته بخته بلعاب اسپغول اقراص سازند قرص کافور نافع لبسل و دق
ص کندر رانتیج از هریکدرم ریوند چینی دو دانگ گل مختوم گل سوده گل ساموس از هریک
نیمدرم نشاسته کتیرا صمغ عربی خشخاش از هریک یکدرم ونیم بزرانج سفید دو دانگ فیون
مصری کافور قیصوری زعفران از هریک دانق لبسد محرق یکدرم کوفته بخته اقراص یکدرم
سازند و یک قرص با ماء الشعیر یا شربت آس یا رب بخورند قرص روفس این قرص مختار
حکیم مذکور است و لبسیار ستوده و طبری گفته که دیدم من جماعتی را که برنا فته اند بسبب این قرص
از نفث الدم ص فطراسالیون یکدرم ونیم رب السوس وزوفا ورق گل سرخ نسرین خشک
هریکدو درم کهربا عصاره لحیة الثیس کندر حضض صمغ عربی و فارسی نشاسته لبسد هریک سه درم
بذر القثاء بذر البطیخ بذر القرع حلو مقشر هریک پنجدرم کوفته بخته بگلاب خمیر کرده قرص ها سازند قرص

کافوری جهت تب محرق وتب دق وسل مفید منقول از قرابادین والدماجدص صمغ عربی گلسرخ
طباشیر سفید شکر طبرزد هریک چهار ماشه اصل السوس پنجماشه نشاسته خرفه هریک هفت ماشه صندل
سرخ وسفید وزرد هریک دو ماشه کتیرا چهار ماشه تخم کاهو سه ماشه رب السوس پنجماشه کافور ماشه
مغز تخم کدو مغز تخم خیارین تخم خربوزه تخم خشخاش هریک سه ماشه سرطان محرق نوله کوفته بنجنه بالعاب
اسپغول قرص سازند **قرص** طباشیر کافوری نافعست جهت سرفه وحمی دق وحمیات محرقه
وتشنگی بنشاندص کافور یکدرم طباشیر سفید مغز تخم خیارین مغز تخم خیار بادرنگ تخم کاسنی تخم لور
تخم کاهو ورق گل سرخ صندل سفید هریک چهار مثقال کوفته بنجنه بلعاب اسپغول سرشته اقراص
سازند شربت بکمثقال قوت ناشتش ماه باقی **قرص** طباشیر افیونی اسهال مفرط را که باحرارت
بود نافع بودص طباشیر گل سرخ تخم کاهو تخم خرفه تخم کاسنی سماق از هریک یکدرم گلنار صندل افیون
از هریک نیمدرم تخم حماض دو درم ونیم کافور وانگی آب خالص قرص سازند شربت یکدرم **قرص**
طباشیر لولوی صغیر ص مرواریدنا سفید طباشیر از هریک دو درم خشخاش بریان کرده پنجدرم بگلاب
اقراص سازند **قرص** طباشیر ممسک تیهای محرقه صفراوی را نافع باشد وشکم ببندد وخون
بازدارد وتشنگی ص گل سرخ پانزده درم صمغ عربی نشاسته تخم حماض گل ارمنی از هریکده درم طباشیر
زرشک سماق از هریک هفتدرم کوفته بنجنه بگلاب سرشته اقراص سازند **قرص** طباشیر
سرطانی دق وسل انافعست ص طباشیر سفید غنچه گل سرخ منزوع الاقماع از هریک پنجدرم
مرنجبین منقی دو درم کتیرا صمغ عربی از هریک یکدرم ونیم تخم خرفه مقشر مغز خیار بادرنگ مغز تخم
کدوی شیرین از هریک سه درم تخم کاهو تخم کاسنی از هریک چهار درم صندل سفید سه درم
سرطان نهری رب السوس از هریک یکدرم زعفران کافور قیصوری از هریک نیمدرم کوفته
بنجنه بلعاب اسپغول بالعاب بهدانه سرشته اقراص سازند **قرص** طباشیر کافوری لولوئی
بجهت تب دق وسل وخفقان حار وحمیات محرقه وقتیکه باسهال باشد نافع بود ونفث الدم
وقی الدم واسهال دموی وکبدی واسهال ذوبانی را نیز زائل میگرداند ص مرواریده

نصف حبہ کافور یکجا دم الاخوین سہ حبہ مصطگی دو خرنوبہ پوست خشخاش گل مختوم گل ارمنی
طباشیر صمغ عربی نشاستہ ہر یکدرم جملہ یک شربت یکمثقال قرص بنفشہ کہ جہت خشونت سینہ
و سرفہ و ذات الجنب و سل عجب است و اسہال صفرا مکند ص بنفشہ دہ درم سقمونیا
شوی یک مثقال رب السوس کتیرا نشاستہ ہر یک یکدرم کوفتہ بجثہ بلعاب اسپغول
کہ ماخوذ گلاب باشد اقراص سازند شربت یکمثقال قرص بنفشہ تپ با سرفہ را نافع بود
ص بنفشہ مغز بادام مغز تخم کدو مغز تخم خیارین کتیرا از ہر یک پنجدرم رب السوس گل ارمنی
نشاستہ از ہر یک سہ درم یکمثقال سنبل یکدرم کوفتہ بجثہ اقراص سازند قرص سرطان
سل و دق و نفث الدم را نافعست ص گل مختوم گل ارمنی گل سرخ نشاستہ از ہر یک
شش درم سرطان سوختہ دہ درم کتیرا طباشیر شادنج مغسول از ہر یک پنجدرم رب السوس
سہ درم کوفتہ بجثہ بآب لسان الحمل اقراص سازند قرص سرطان بہ نسخہ دیگر ص کتیرا
دو درم رب السوس سہ درم گل ارمنی گل وی ورق گل سرخ نشاستہ ہر یک چہار درم شادنج
عدسی مغسول طباشیر ہر یک پنجدرم کہربا دانہ مویز ہر یک ششدرم سرطان سوختہ
سہ درم کوفتہ بجثہ بآب اقراص سازند شربت یکمثقال قرص سرطان کہ صاحب تحفہ
مجرب نوشتہ ص زعفران یکدرم رب السوس خشخاش سفید خشخاش سیاہ ہر یک سہ درم
کتیرا طباشیر شادنج عدسی مغسول ہر یک پنجدرم طین ارمنی طین مختوم طین وی نشاستہ گل سرخ
ہر یک شش درم سرطان محرق دہ درم بآب لسان الحمل اقراص سازند قدر شربت دو درم
با شربت انار شیرین و بعضی بدل شادنج ریشہ انجبار می اندازند و صاحب تحفہ بدل آن
شاخ گاو کوہی انداختہ و نافع نر یافتہ قرص سرطان از تالیف راقم جہت سل و دق ص
سرطان محرق گل قبرسی خشخاش سفید و سیاہ صمغ عربی مغز تخم خیار ہر یکدو درم افیون کافور
قیصوری مصطگی غرقی السمک ہر یک یکدرم طباشیر سفید سنگ راحت ہر یک بعدرم خرفہ
منقشر کتیرا رب السوس مغز بہدانہ ہر یک یکدرم کوفتہ بجثہ بآب قرص سازند قرص سرطان

مثقال کندر بطرون هریک سه مثقال زعفران چهار مثقال عصارهٔ خشخاش گلاب هریکیدو
مثقال بادام مقشر بیست عدد کوفته در خل سائیده اقراص سازند و وقت حاجت اگر وجع شدید
باشد بارو غن گل و اگر ثقل باشد با خل قطور نمایند **قرص** که تنقیه گوش از وسخ کند و سدهٔ وسخی
را نافع باشد ص زاج ربع اوقیه صبر مرکند ربع واحد نصف اوقیه اقراص سازند وقت حاجت
بسرکه و رو غن گل حلکرده بچکانند **قرص** زعفران جهت بخر بلغمی که در سطح دهان و لثه باشد بعد
از تنقیه بدن از بلغم و مضغ مضوغات مناسبه بکاری آید ص زاج بیخ سوسن زعفران هریک
جزوی گرفته کوفته بیخته بعسل بسرشند و قرص سازند و بسرکه یا آبی که در ان الهل بخته باشند
حل کرده مضمضه کنند **قرص** که با کله ساعیه نافعست ص مازو مدبر کاغذ مصری سوخته آهک زنده
هریک یکجزو و نیم شب یمانی یکجزو زعفران کندر برگ حنا هریک نصف جزو و ربع جزو نمک سوخته
نوشادر حلقطار قلقدیس هریک نصف جزو کوفته بیخته اقراص سازند و در سرکه حل کرده مضمضه
کنند و در دهن بدارند که اخراً متعفنه دور شود **قرصه** برای لثه دامیه عفنه و اکله عجیب و مجرب است
منقول از بیاض عم مرحوم ص زرنیخ سرخ و رزدنوره شب یمانی مازو مساوی کوفته بیخته در سرکه
آمیخته در سر کرآمیخته قرص سازند و وقت حاجت یکدانق در لثه بمالند بخوبی وجه و یک ساعت
بگذارند و رو غن گل در دهن بگیرند **قرص** که سرفه و اماس جگر را مفید بود ص لک مغسول
پنجدرم ربوند چینی یکدرم طباشیر مثقال تخم کاسنی بادیان تخم کشوث هریکی یکدرم و نیم تخم خرفه
تخم خشخاش صمغ عربی رب السوس هریکیدو درم تخم خیارین مغز تخم کدو هریک سه درم شربت
دو درم بادو استار شربت خشخاش **قرص** خشخاش جهت ریش سینه و شش ص زعفران
پنجدرم رب السوس نشاسته کتیرا از هریکیدو درم خشخاش سفید و سیاه از هریک سه درم
گل سرخ صمغ عربی هریک چهار درم طباشیر سفید پنجدرم با آب خالص اقراص سازند شربت
بنفشه مثقال یادو مثقال با شربت خشخاش **قرص** خشخاش جهت اسهال دموی و صفراوی
و سیج و بواسیر و رفع عفونت و تسکین حرارت و اوجاع امعاء مجرب است ص زعفران

ص مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم کاہو ہر یکیدہ درم رب السوس نشاستہ کتیرا افیون ہر یک
سہ درم کوفتہ بیختہ بآب کاہو یا لعاب اسپغول سرشتہ ہفت قرص سازند شربت یکعدد یا دو
عدد قرص مثلث چون بر پیشانی وصدغین طلا کنند صداع شقیقہ وسہر را نافعست
ص مرکی افیون مصری بزر البنج کافور لادن زعفران پوست بیخ تفاح ہر یک پنجدرم
کندر انزروت آملہ گل ارمنی ہر یکیدو درم کوفتہ بیختہ بگلاب وآب کاہو سرشتہ اقراص پہلو
سازند وقت حاجت در صداع گرم بآب لیمو یا بسرکہ وآب کشنیز وآب کوکنار مانند آن سایند
طلا نمایند ودر صداع بارد بآب حنا وآب نمک ومرزنجوش واشال آن حل نمایند واین قرص
برورم گرم ضماد توان کرد مثلث ازان میسازند تا باقراص خوردنی ملتبس نشود وزود سائیدہ
شود قرص مثلث بنسخہ حکیم علی ص زعفران بزر البنج ہر یک نیم تولہ شیاف مامیثا حبیدسنبد
پوست بیخ تفاح مرکی افیون زراوند از ہر یک تولہ بدستور شیاف سازند قرص منوم بارد
منقول از شفائی ص تخم کاہو خشخاش باقلا مقشر تخم خرفہ کاکنج از ہر یک یکدرم افیون طسوج
کوفتہ بیختہ بلعاب اسپغول اقراص سازند قرص منوم حار ص تخم شبت دو درم
زعفران مر بزر البنج میعہ از ہر یک دانگی افیون طسوج کوفتہ بیختہ بلعاب اسپغول قرص سازند
قرص منوم بارد ص تخم خشخاش تخم کاہو راسن از ہر یک چہار درم سنگ مغز بادرنگ مغز تخم خربوز
تخم کدو شیرین از ہر یک سہ درم افیون بزر البنج سفید نشاستہ کتیرا گل سرخ منزوع الاقماع طباشیر
تخم خرفہ مقشر از ہر یکیدو درم کافور قیصوری صندل سفید کشنیز خشک ہر یک یکمثقال کوفتہ بیختہ بگلاب
سرشتہ اقراص سازند شربت از یکدرم تا یک مثقال واگر دو درم سماق منقی ویکدرم زرد
درین اقراص بیفزایند قوی تر خواہد بود قرص معمول والدماجد جہت درد گوش ص گرد
فوفل جہالیہ از ہر یکیدو درم زنجبیل یکدرم ہمہ را سائیدہ در آب کشنیز سبز یا آب قراح سرشتہ
اقراص سازند وقت حاجت اندکی در آب سائیدہ نیمگرم کرد گوش طلا نمایند قرص
نافع برای جمیع اوجاع گوش وجہت جمیع قروح آن منقول از بیاض عم مرحوم ص مرکی

ومخلوط کنند آن دوغ را بقطاع خبز بالمناصفه داور افتاح سازند بدستور قطاح خبز فلافیون منقول
از شرح حکیم علی جهت آکلهٔ منتفخه وسقوط اسنان ولبغر آن نافع نوشته ص افاقیا دوازده درم
بوره موصوفه ده درم شب یمانی زرنیخ سرخ هریک هفت درم زرنیخ زرد شش درم کوفته بیخته بسرکه قرص ها سازند فلیونیا
درد معده واسعار اسود دارد وبرودت آن دفع کند وباد بشکند وخداوند فتق را مفید است
ص زعفران انجدان تخم سداب تخم کرفس زنجبیل حاشا مغز چلغوزه هریک شش درم فلفل
هشت درم عسل دو وزن ادویه شربت یکمثقال فلونیا ممسک معده را قوت دهد وباه
زیاده کند وسرعت انزال را دفع کند ص پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی شیطرج هندی
تخم کرفس هیل قسط نانخ قرنفل لبلاسه خولنجان نارمشک هریک شش درم پوست بلیله آمله
مقشر نانخواه دار فلفل هریک چهار درم تودری بین قرفه سنبل جوز بوا زنجبیل فلفلمویه هریک
هشت درم سعد دو درم مشک دو مثقال عنبر مثقال خبث الحدید مدبر همچند ادویه روغن گاو
چهل مثقال عسل صاف دو نیم چندسهمه بطریق معهود معجون کنند وبعد از شش ماه استعمال نمایند
شربت دو درم به نبید مویز یا به شیر تازه گوسفند فلونیا به نسخه دیگر به نسیان وقولنج ومغص ریحی و
اعراض زنان حامله که از رطوبت باشد سود دارد وبادهای غلیظ را بشکند ص فرفیون عاقرقرحا
سنبل زعفران از هریک هفت درم افیون نیم الینج از هریک سه درم کوفته بیخته بعسل سرشته
بعد از شش ماه استعمال نمایند فلونیا در معده وجگر را که بسبب بردبوده حمیات بلغمی وتب
ربع وحمیات کهن را نافع است ص پودینه نهری پودینه کوهی فطر اسالیون سیسالیوس
هریک دوازده درم تخم کرفس بابونه حاشا هریک چهار درم کاشم پانزده درم فلفل سیاه بیست
وچهار درم کوفته بیخته باعسل صاف بسرشند شربت یکدرم بامگبرم فالوده برای اسهال دموی
ص نشاسته سه مثقال صمغ عربی شش مثقال بزر قطونا دو مثقال بارتنگ دو مثقال
بطور معلوم فالوده ساخته با شربت صندل بخورند حرف القاف قرص جهت صداع
وسرسام وتب نافع بود وخواب آورد وهذیان دفع کند وتشنگی بنشاند منقول از شفائی ص

مغز تارجیل بزرالبنج از هر یک دو درم فلفل سیاه بیست درم زنجبیل هفت درم پوست بلیله بهمن سفید
و سرخ ابریشم مقرض پوست انج تخم پیاز تخم گندنا حب بلسان عود بلسان حنظل یا رومی ماهی دیبان
از هر یک سه درم عنبر اشهب دو درم مشک خالص یکدرم کندر دو درم مغز تخم خربوزه سه درم
زعفران سی درم ورق طلا یکدرم ورق نقره دو درم افیون پنجاه درم نبات سفید یکصد درم
عسل مصفی سه وزن ادویه بدستور معجون سازند فلونیا مهی و ممسک بسیار خوش کنند پاکیزه
است ص فلفل گردد و تولد بزرالبنج یکتوله فرفیون زنجبیل سنبل الطیب عاقرقرحا قرنفل از
هر یک یکتوله افیون مصری یک سیر اکبری زعفران ده درم خولنجان دارچینی عود بلسان از
هر یک دو تولد دارفلفل یکتوله مغز بادام شیرین شش تولد ابادیان شش تولد بهمن سفید دو تولد بهمن سرخ سه تولد
ثعلب چهار تولد جوز بوا لبسباسه از هر یک سه تولد عسل کشمیری هفت سیر اکبری ورق طلا یکتوله
ورق نقره چهار تولد مشک دو تولد عنبر اشهب دو تولد قند سفید دو سیر نبات دو سیر و نیم موافق مشهور
مرتب سازند فلونیا مروافگن که حکیم دوای بحبت بادشاه جهانگیر ساخته بود چون سکر بسیار دارد
مروافگن نام گذاشته اند بغایت مهی ممسک است ص یاقوت رمانی یاقوت زرد یاقوت کبود لعل بدخشی
فیروزه عقیق یمنی لبسد کهربا ابریشم سبز از هر یک دو تولد مروارید یکتوله اسارج هندی گل سرخ گاو زبان
دارچینی طباشیر تخم خرفه زرنباد آلمه منفی جندبیدستر مشک ورق طلا از هر یک دو تولد سنبل الطیب
پوست بیرون لبسته تخم کاسنی صندلین همبنین جدوار خطائی مصطگی گل مختوم ورق نقره از هر یک
سه تولد پوست ترنج یکنیم تولد عنبر ده تولد افیون مصری مصفی سه سیر و ده درم زعفران یک سیر
گلاب بیدمشک ده شیشه نبات یک سیر عسل چهار سیر قند یک سیر مرتب سازند از شیخ
بوعلی سینا که در قانون آورده و خاصه او آن است که زیاده مسکند باه را و بحبت امساک مفید
ص بگیرند فلفل زنجبیل و جوز بوا از هر یک پنجدرم خبث الحدید مسحوق ده درم تخم جرجیر تخم
شلغم تخم انجره از هر یک چهار درم لسان العصافیر حب الزلم مغز جته الخضرا از هر یک سه درم
کوفته و بیخته بسته زخم دوم ده یک اندازند یعنی در سه ده جزو دو غ یکجزو ادویه اندازند و حرکت دهند

مرد با او جماع کند چندان مفوض او گردد که اصلاح پذیر نباشد فرزجه برای عقر ص ورق بادرنجبویه
انفخه ارنب از هریک یکدام مغز سر گنجشک مثقال حماما قرو ماناسنبل قرنفل لسان العصافیر از هریک
نصف مثقال زعفران نصف درم کوفته بیخته در گلقند سرشته بروغن بابونه و روغن چنبیلی بر آتش
ملایم بپزند تا منعقد شود در آخر حیض استعمال نمایند قریب نقاء و بعد حمام استعمال کردن مغز گنجشک
بروغن چنبیلی و جماع نمودن بعد ازان مجرب است فرزجه برای بواسیر حسم ص دم الاخوین
کندر مقشر تخم مورد ابر کوفته فرزجه سازند فلونیا رومی معجونی است منسوب طرف افلن واو
حکیم رومی است که اول ترتیب نموده و این معجون مبارک است نزله های بازدارد و در سوداوی
گرداند قی الدم و اسهال دموی و قولنج و هیضه و سیلان طمث را نافع باشد ص فلفل سفید
و از فلفل زرا النبج از هریک بیست مثقال افیون ۵ مثقال زعفران پنجمثقال تخم کرفس کوهی سنبل الطیب
از هریک چهار مثقال تخم کرفس نبطی سافج هندی سلیخه حب بلسان عاقرقرحا قرفه ون از هریک
یکمثقال و در بعضی نسخه ها عوض تخم کرفس نبطی دو قواست کوفته بیخته بعسل معجون سازند و بعد از
شش ماه استعمال نمایند شربت دانگی تا نیم مثقال از جهت قولنج در طبیخ مثلث و از جهت درد گرده
در طبیخ جعده و از جهت درد معده در طبیخ افیون و از جهت سپرز با سکنجبین و از جهت درد شانه در طبیخ ازباج
و از جهت باز داشتن خون در طبیخ سماق و هند فلونیا حکیم عماد الدین گفته که از برای امساک
منی بی نظیر است و تقویت باه کند و دل را قوت دهد و نشاطی تمام بخشد و دیگر فواید بسیار از
برای آن ذکر کرده ص یاقوت رمانی مروارید ناسفته کهربای شمعی فادزهر حیوانی جدوار خطائی
مومیائی دارائی از هریک دو درم در رونج عقربی شقاقل صندل سفید از هریک چهار درم زرنباد
طباشیر وارفلفل آمله منقی غنچه گل سرخ پوست بیرون بسته زراوند مدحرج حب النار حب الزلم
شونیز عود هندی نانخواه انیسون بادیان قاقله صغار و کبار قرفه فطر اسالیون مرکی جندبیدستر
سعد کوفی عاقرقرحا سافج هندی مایه ثبت اعرابی قسط شیرین اسارون سنبل الطیب از هریک
پنجدرم خشخاش سفید مصطکی خصیة الثعلب جوز بوا لسباسه بربوند چینی مغز چلغوزه مغز بادام شیرین

استعمال نمایند فرزجه دیگر که فرج تنگ و گرم و خوشبو سازد ص زعفران سعد کوفی عود هندی
قرنفل از هر یک یکدرم قفاح اذخر زرورد از هر یک پنجدرم مازوی سبز یکعدد عنبر اشهب دانگ
مشک خالص یکدانگ آلمه منقی یکدرم کوفته بخته بگلاب سرشته با پارهٔ پشمی فرزجه نمایند
فرزجه که رطوبت فرج را باز دارد ص مازو سبز تخم حماض از هر یکدرم جوز السرو خبث الحدید
مدبر از هر یک یکدرم کوفته بخته جفت بلوط و گلنار را جوشانیده و صاف نموده خرقه کتانی را
بآن تر کرده ادویه را بران پاشید بخود بگیرد فرزجه که بجهت تنگ نمودن فرج سریع الاثر است
ص عود هندی سعد کوفی رانک راسن اقاقیا قرنفل مازو سبز از یک یکجزو مشک ترکی
عنبر اشهب از هر یک یک جزوی با شراب خالص یا آب برگ مورد سرشته استعمال نمایند
فرزجه که فرج را تنگ کند و نشف رطوبت آن کند و کسی را که دوشیزگی رفته این فرزجه
را بکار برد وقت مجامعت خیانه وان مزع یا قطعه از رودهٔ که بسیار رقیق باشد پر از خون
کبوتر در فرج زن پنهان کنند و چون مرد فارغ گردد از خون در آلوده یابد گمان برد که دوشیزه بود
و ندانند کیفیه بوده است ص شب بمانی مازوی سبز سعد کوفی سنبل الطیب سک المسک
از هر یک یکدرم قرنفل پنجدرم مشک ترکی پنجدانگ برسم شیاف ساخته استعمال نمایند
فرزجه جهت تنگ کردن فرج از حکیم علی وگفته که این فرزجه درین فعل عجیب است و هیچ
ازین دوای نیست ص راتنج مازوی سبز یک جزو خبث الحدید آلمه هر یک ثلث جزو
مرشیشا پوست بلیله زرد پوست بلیله از هر یک خمس یکجزو مروارید ناسفته عنبر هر یک یکجزو
ادویه را نرم بکوبند و سحق کنند تا سحق مثل غبار گردد و اندکی آن را بعد از تطهیر بر قبل بر گیرد
آنی که سزاوار است از تنگی فرج مشاهده خواهد کرد فرزجه سبب آن شود که زن منغوض
مرد گردد و حتی آنکه نتواند دید او را تا چه رسد بمجامعت با او ص سفید آب ارزیز امیران
دندان پلنگ محرق زهره خروس خشک کرده سرگین کبوتر اشنان سبز سوخته یکجزو از
مجموع یا از هر واحد که خواسته باشند یکدانگ وقتی که آنرا کوفته بخته بر گیرد پس از دو ساعت

حمول سازند فرزجه که اخراج جنین میت و مشیمه کند ص زراوند مدحرج اهل ترمس حرف
از هر یک جزوی کوفته بزبره گاو سرشته فرزجه سازند فرزجه که منع استی کند ص تخم خندقوقی
سیر گین فیل خردل فلفل استخوان زعرور مساوی کوفته بخیته بمیعه سائله سرشته با پشم پاره بردارند بدر
حامله نشود و اگر حامله باشد بیندازد و گفته اند که چون یک حب خروع بخورد یکسال حامله نشود و اگر دو بخورد
دو سال و علی هذا القیاس فرزجه معمول استاد جهت رفع عقم ص جوز بوا کزمانج پهنکری بریان
پوست انار از هر یک بمثقال کوفته بخیته سرشته شیاف ها سازند و بعد از طهر استعمال نمایند فرزجه
که همین کار کند ص مایه دم گین خرگوش بعسل سرشته با پشم پاره بردارند سه شب و بعد از ان
مباشرت نمایند فرزجه که بچه مرده فرود آرد ص مرجاوشیر خرلق سفید مساوی کوفته بزبره گاو
سرشته استعمال نمایند فرزجه که منع حمل کند ص مازو حب الآس مساوی کوفته با گرم
سرشته فرزجه نمایند و پیش از مجامعت استعمال نمایند فرزجه که رحم را قوت دهد و فرج را خوشبو
کند ص لسباسه سنبل مرزنگوش قشار کندر مغز اذخر خیری گل سرخ پوست بیخ کبر ترمس مساوی
کوفته بخیته بردغن بان بسرشند و پشم پاره بردارند فرزجه که حکه رحم را که آنرا ابنة النسا گویند
نافع بود ص سداب نعناع پوست انار شیرین عدس مقشر در گلاب و قدری سرکه بزند
و به پشم پاره بردارند فرزجه که حیض به بندد ص گلنار کندر مازو سرمه اقاقیا شب یمانی
کوفته با آب لسان الحمل سرشته فرزجه سازند و اگر بر پشت و عانه طلا کنند نیز مناسب است
فرزجه دیگر ص کاغذ سوخته اقاقیا گلنار عصاره لحیة الثیس گل سرخ مازو شب یمانی خرقه
کتان سوخته مساوی گرفته بسرکه سرشته استعمال نمایند فرزجه منقول از بیاض عم مرحوم
ص سلفل دراز سهاگه پنجال کبوتر کافور سائیده بعسل آمیخته بردارند و نزد مرد برود مطیع شود
و اگر مرد بر قضیب طلا ساخته جماع نماید عورت مطیع گردد فرزجه دیگر منقول از قانون که
فرج را تنگ کند ص عود هندی سعد کوفی راسن قرنفل رامک اقاقیا اجزا مساوی
مشک قلیلی مجموع را نرم سائیده پاره پشمی را به میوسن تر کرده او یه را بآن پاشیده

دمجرب دانند فرزجه کچون هفت ساله رابآن فرزجه سازند ازاله بکارة آن لبهولیت توان
نمود ص نمک اندرانی یکدرم درعسل و روغن گاو ممزوج نموده فرزجه سازند فرزجه که درقطع
خون حیض مجرب است ص مازو سوخته دم الاخوین برگ مورد گل ارمنی گل سنج بالسویه
ازحریر گذرانیده پوست انار ترشش بمکوب کرده طبیخ نمایند تامهر اشود وقدری لبثیم رابآب او
ترکرده بادویه مسحوقه آغشته بردارند فرزجه جهت تحلیل اورام صلبه رحم ص موم پیه اردک
پیه مرغ منفل ازرق هریک سه درم تخم کتان خطمی هریک نیم درم باعسل سرشته دربرند وبردارند
فرزجه که اورام رحم رانافع است ص انزروت کندر دم الاخوین حب لاس گل ارمنی
اقاقیا کوفته بیخته بآب لسان الحمل سرشته بلثیم پاره استعمال نمایند فرزجه دافع وجع رحم که
ازآب گندیده بود منقول ازرساله ص یابرنگ کف دریا ازهریک یکحصه بروزه خشک
نمک لاهوری ازهریک دوحصه جمله کوفته بیخته سیه پوئلی بندند ویکی درزیردمن رحم ودو
دراطراف آن گذارند وتاسه روز چنین کنند تنقیهٔ رحم نموده وجع دورساز دمجرب است
فرزجه که حبس خون وتقویت رحم نماید ازکتاب مذکور ص مومیای صمغ عربی گل ارمنی
هریک یکدرم دم الاخوین دودرم باریک نموده بدستور بالثیم تازه که درمطبوخ انار ترکرده
باشند بردارند فرزجه جهت دفع رطوبت ص اجمود بابرنگ بهروزه خشک هریک
یکدرم تخم خطمی سودانمک لاهوری هریکنیم درم شهد نقار که ادویه که دران سرشته شود شهد راگرم کنند
وادویه راکوفته بیخته آمیزند وبابنیه کهنه بردارند دفع رطوبت تجذب کنند وضربان رحم را
دورسازد مجرب است فرزجه که منع کندریم وصدید راکه ازموضع بعید رحم آید ص کندر
انزروت دم الاخوین مرشب یمانی پوست انار جوزالسرو کوفته بیخته بآب عصی الراعی یا آب
لسان الحمل ومورد لبسرشند وبردارند فرزجه جهت حکه رحم نافع ص سداب نبع پوست
انار عدس منفشر درگلاب وقدری سرکه بزند وبه لثیم پاره بردارند ودرحادی کبیر گفته اند
بزنند وبردارند فرزجه منزله النساص مغیه سالیه زاج سماوی بقدر سه بادوسرخ

چهار درم شب یمانی شش درم کافور دانگی کوفته وبخیته فتیله کتان بعصارهٔ سرکین خر آلوده
دورین دوا مکرر دانیده در بینی نهند **فتیله** که گندنبی ببرد ص مر پوست انار تر ش هر یکی دو
درم قصب الذریره بذر البنج هر یک یکدرم ونیم زاج قرنفل هر یک یکدرم فتیله را البشراب
تر کنند ادویه کوفته بخیته بدان آلوده در بینی گذارند **فتیله** که ریش بینی را نفعد ص زاج سیاه
شب یمانی مازو مر تو بال هس سوخته هر یک پنجدرم زراوند طویل ششدرم کندر دوازده
درم جمله کوفته در دو من آب به پزند وبیالایند وباز بجوشانند تا بقوام عسل آید وفتیله را بدان
آلوده در بینی نهند ومکرر همین کنند **فرزجه** بکسر فا وسکون راء مهمله وفتح زاء معجمه دوائی است
که زن در فرج خود بردارد جمع فرازج **فرزجه** که مضیق قبل است وگرم وخوشبو کنند آنرا ص مشک
عنبر عود هندی هر یکدو دام جمله را بسایند ودر شراب ضاف بجوشانند وصاف کنند وبه پشم
آلوده بجود باز بگیرند مجرب است **فرزجه** که اخراج جنین وشیمه کند وقاتل جنین ومدر حیض است
ص اشنان عرطنیثا قطران شحم حنظل قشار الحار خربق سیاه مویزج نوشادر زراوند ماذریون
جاوشیر سکبینج مر صاف روغن بید انجیر زهره گاو بدستور استعمال کرده شود **فرزجه** مجرب صاحب
قادری بجهت ادرار ص شراب مر صاف اهل را زیانه تخم مرو بالسویه بزهره گاو **فرزجه** سازند **فرزجه**
که قطع خون حیض نماید ومجرب است ص صمغ عربی کافور هر یک یکدرم کوفته درهم سرشته
شیاف سازند **فرزجه** که دریتاب بغایت موثر است ص مردار سنگ زاج سفید گلنار گل ارمنی
مر بالسویه **فرزجه** سازند **فرزجه** مجرب منقول از رساله ص مازو شب یمانی سعد
قاح اذخر دم الاخوین مر برگ سوسن آزاد مشک از هر یک پنجدرم قرنفل سنبل الطیب
پوست انار هر یک دو دانگ مشک پنج دانگ صمغ دانگی ونیم ادویه کوفته بخیته صمغ را در آب
حل نموده برابر کنار شیاف ساخته یکی صبح بدارند وشب برآرند بقسمی عمل کنند که مافوق آن
متصور نباشد **فرزجه** دیگر که فرج را تنگ کند ص راک فاقیا سعد سنبل همه برابر سوده
پارچه را دل کرده پوست انار دران جوشانیده باشند نرم نموده در ادویه مسحوقه آلوده ببردارند

آب سرشته بر سر بمالند و بشویند و در هر هفته یک مرتبه استعمال نمایند و ادهان حلق و تهدین و غرغره
گل با قدری سرکه انگوری نمایند غسول جید ص با قلا مقشر کرسنه ترمس تخم ترب تخم خربوزه
مقشر بخود نشاسته بدستور غسول نمایند غسول نافع برای فالج و قتی که شسته شود بآن بدن را
ص ملح نفطی بورق احمر نطرون فلفل جند بیدستر مساوی کوفته بیخته در روغن زیت یا زنبق
حل کرده بر بدن مسح کنند و حمام بعد غسل غسول که جهت منع بخار و ابتداء رمد حار و برای
حکه و دمعه حار مجرب است ص پوست بلیله زرد پوست بلیله آمله مساوی نیمکوفته شب در آب
سرکه کرده در هوای گذاشته علی الصباح این آب را در کف گرفته چند دفعه بر روی و بر چشم بزنند و
باز بهمین آب چشم بشویند حرف الفاء فرزجه که قرحه کهنه گوش را سفید است منقول از
بیاض عم مرحوم ص زهره گاو دو جز عسل یکجز بهم آمیزند دلته کهنه شسته فتیله ساخته بدان
آلایند و صبح و شام در گوش گذارند و نیز اگر لته بعسل تنها آلوده در گوش گذارند فرحه جدید و صفتر
را نافعست و اگر از نروت باریک سائیده بیفزایند در عمل خود اقوی خواهد بود فتیله برای
درد گوش و بیرون آمدن چرک منقول از بیاض مذکور ص فتیله از کاغذ سوخته بعسل و
زرده تخم مرغ آغشته از نروت و دم الاخوین و سفید آب قلعی صبر سقوطری سوده بران پاشیده
شب وقت خواب در گوش گذارند و بهمان دست بخوابند فتیله برای چرک آمدن از گوش
و درد گوش ص روغن نیم و عسل با هم سرشته فتیله را بآن آغشته در گوش گذارند فتیله جهت رعاف
ص فلفطار افافیا موی خرگوش خاک کندر سرگین خر همه را با آب گندنا بسرشند و فتیله ساخته
در بینی دهند فتیله دیگر برای این مرض ص کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته افافیا پوست
انار شب یمانی هر یک دو درم کوفته بیخته با آب بادروج یا آب لسان الحمل یا آب بلح سرشته فتیله
بدان آلوده نهند فتیله دیگر برای قلع رعاف ص افیون دانگی گلنار گرد آسیا مازو هر یک
نیم درم کوفته و بحر بر بیخته بعصاره سرگین خر بسرشند و بخانه عنکبوت بگردانند بعد از نکه بینی را بگلاب
و سرکه شسته باشند در بینی گذارند فتیله که بهمین عمل کند ص مازو سوخته در سرکه دو درم

پس در سایه خشک کنند و کوبیده با روغن مغز تخم الخضر اورد مثل آن فانید معجون کرده هر روز صبح بقدر
گردگانی ازان بخورند و شام بقدر فندق و بیاشامند بران قدحی شراب که عبارت از سه اوقیه
باشد پس تقویت میکند باه را و فربه میسازد بدن را غذا امد وائی که در امراض باه بسیار مفید است
ص نخود سیاه را در آب خشک غیسانده و از غبار و فساد محافظت کنند و همچنین هر مرتبه که خشک
شود تا چند مرتبه پس او را خشک کرده آرد کنند و ازان آرد با شیر تازه دوشیده و فانید حسو ساخته
بخورند غذا امد وائی که از اعظم مرکبات باهیه است و نفع آن بصحت پیوست ص بگیرند مجسک و
لوم و نخود و هر یکی را علیحده بکوبند با شیر و روغن ستور بجوشانند تا حبوب آنها زائل شود پس
داخل کنند آنها را در سه مثل آنها عسل صاف کرده و یک مثل آنها آب پیاز و زنجبیل صاف
کرده بقوام آورده بکار برند غذا امد وائی دیگر در تقویت باه بسیار مفید است ص خصیه بز
را قیمه کرده در پنج سیر شیر گاو بجوشانند تا بنصف رسد پس بگیرند کنجد سیاه و درین شیر تر کنند و آن مقدار
که کنجد تر شود و در سایه خشک کنند و هر روز شش درم ازین کنجد با سه درم نبات سفید با نخستا
بخورند شهوه بیفزاید و منی زیاده کند غمزه بالضم مرکبی است که جلا میدهد وجه را و سفید و باشرخ
کند آنرا غمزه که سفید و صاف میکند و اص جوشنشر چهار جزو تخم خربوزه آرد با طلا آرد نخود سبوس
گندم هر یک دو جزو ترمس یکجزو کوفته و بیخته شب طلا نمایند و صبح بشویند غمزه دیگر ص آرد با طلا
آرد جو آرد نخود از هر یک یکجزو عدس مقشر کثیرا نشاسته از هر یک نصف جزو بوره ارمنی دو جزو
زعفران قدری که رنگ کند شب طلا نمایند و صبح با آبی که دران قشور بطیخ و بنفشه و مانند آن
جوشانیده بخته باشند بشویند غسول در لغت هر آبی یا هر شی آبی ست که غسل کرده شود بآن
در طب سیاه او دویه است که غسل کرده شود بآن ابدان مرضی را غسول کودر سبوسه
سر بکار آید ص آرد ترمس آرد با طلا کثیرا گل خوردنی قیمولیا نام بعصاره چغندر سرشته دو ساعت
بر سر نهند پس بشویند غسول دیگر جهت جراز ص آرد نخود صد درم آرد حلبه بوره نان
خالهٔ آبگینه مسوق خردل هر یک پانزده درم خطمی ده درم کوفته بخیته لبسر که انگوری و قدری

خناق بلغمی سودمند بود ص قصب الذریره برگ سوسن برگ درخت خیار هریکیده درم جوشانیده
سی درم در یک و نیم من آب بپزند تا به نیمه آید بیالایند و صاف کرده بدان غرغره کنند غرغره که
بعد از پاک شدن ریم بکار آید ص کزنارج پنج مهک هریک جزو ایرسا نیم جزو در آب پخته غرغره
نمایند غرغره برای خناق حار منقول از بیاض عم مرحوم ص شیر بز سه اوقیه خمیر ترش سه درم
تخم مرو پنج درم در شیر مالیده غرغره نمایند غرغره دیگر ص آب عنب الثعلب آب کاهو آب کاسنی
آب کشنیز سبز آب بقلة الحمقا هر از هریک یک اوقیه رب توت ترش سه اوقیه غرغره نمایند غرغره
برای خناق بلغمی ص حلبه ده درم حب الرشاد پنج درم در آب جوشانیده غرغره نمایند غرغره از تالیف
راقم هرگاه قریب ملاذه مجری بسبب مرض آتشک یا بسبب نزول مواد حاره محاده گشاده شود و اصلاح
آرد ص پوست خشخاش کشنیز گلنار بلیله سیاه حب الاس برگ مورد زرد گل تاج خروس
برگ حنا از هریک شش ماشه کزنارج مازو هریک پنج ماشه عدس متقشر یکتوله در آب برگ توت هفت
توله آب خالص نیم یا و جوشانیده صاف نموده حفض یکی گل ارمنی صندل سرخ افاقیا از هریک
سه ماشه سائیده بران پاشیده مکرر غرغره کنند غرغره منقول از خط اوستادی از برای
خناق و وجع گلو سوداوی ص برگ حنا گلنار فارسی زرد جوبه اقاقیا برگ مورد کشنیز
کزنارج پوست بیخ گوندنی پوست بیخ چنبیلی برگ سیوتی از هریک یکتوله بدستور مرتب نموده غرغره نمایند
بعد ازان کنه شنه دم الاخوین کهربا کشنیز خشک طراشیث فوفل سوده اقاقیا زرد لحیه التیس
از هریک یکماشه کوفته بیخته بیاشند و اگر بعضی ازین ادویه مناسبه کم نموده استعمال نمایند برای مرض
مذکور که غرغره سابق منتفع میکند آن را نیز نفع خواهد نمود غرغره نافع بحت الصوت که از نزله باشد
ص پوست خشخاش عدس گل سرخ هریکیده و مثقال گلنار یکمثقال بزر الینج پنج درم جوشانیده غرغره
نمایند غرغره نافع درد گلو و ابتدا خناق ص گلنار کوکنار عنب الثعلب گل سرخ کزنارج کشنیز
خشک مغز لین هریک دو درم عدس مسلم سه مثقال جوشانیده صاف نموده غرغره نمایند
غذا و دوای ص تخم سیاه کلان را بگیرند و در آب جرجیر خیسانیده تا آنکه خوب سائیده شود

صاف نموده مغز فلوس مالیده صاف نموده حضض مکی پاشیده غرغره نمایند و همچنین اگر
در ابتدای مغز فلوس را در آب کشنیز سبز و در انتهاء در شیر گاو که جوشانیده سرشیر از وجدا نموده
باشند حل نموده غرغره نمایند بسیار نافع می آید غرغره برای ورم که بصلابت رسد ص انجیر
بستانی حلبه در آبی که فلوس خیارشنبر را جوشانیده باشند بجوشانند و صاف نموده اندکی
خمیر جید اضافه نموده غرغره نمایند غرغره برای ورم حلق وقتی که مائل بصلابت باشد ص
بزرکتان حلبه از هر یک پنجدرم انجیر زرد خشک عناب سپستان منقی دانه بیرون کرده از
هر یک بیست درم بودنه مرزنجوش سعتر از هر یکدو درم در دو رطل آب بجوشانند وقتی که
یکرطل بماند مغز فلوس ده درم مالیده صاف نموده و سه درم رب انار شیرین داخل نموده
غرغره نمایند غرغره منفجر درم دموی حلق وقتیکه جمع شود و رنگ او از سرخی بصفرت زند
بسبب استحاله خون طرف مده و بسبب تقیح مستسرخی شود ص بورق حلتیت زرق الخطاطیف
در شیر تازه بگذارند یا در اد هان حاره و غرغره نمایند غرغره دیگر منفجر اورام حلق وقتی که جمع
شده قیح افتد ص شیر انجیر و سپستان از هر یکده درم خمیر عجبن پنجمثقال در آب گرم مالیده خیارشنبر
در شیر تازه حل کرده اضافه نموده غرغره نمایند غرغره که در منتهی خناق مستعمل است وقتیکه
ورم صلب باشد این غرغره تلیین و تنضیج نموده انفجار می نماید ص برگ بارتنگ تخم کرفس
اصل السوس مرصوص بیخ خطمی تخم مرو مرصوص عنب الثعلب گل بنفشه برگ کرنب
خبازی اکلیل الملک مرصوص در شیر تازه جوشانیده صاف نموده فلوس خیارشنبر مالیده
مازصاف نموده سکنجبین اضافه کرده زعفران نشاسته انداخته غرغره نمایند غرغره منفجر ورم
حلق ص شیر تازه شیر انجیر شیر حلبه آب تقوع عناب خمیر عجبن حرد و یک غرغره نمایند اگر
انفجار نشود انزروت سفید یا خرد کلب اضافه نمایند غرغره که بعد انفجار ورم تنقیه ص
جعده بودنه عنب الثعلب جوشانیده صاف نموده سرکه و گلاب اضافه نموده غرغره نمایند و غرغره
از آب گرم نمودن نیز تنقیه میکند خصوص گاه غسل باو آمیخته باشند غرغره که در آخر

دماغ است ص عنبر اشهب ۲ درم مشک یکدرم بگلاب وآب سیب سحق نموده بکار برند
خالیه دیگر که در افعال قوی است از سابق عنبر اشهب عنبر بنفشه هریک نیم درم مشک چهار
عنبر اکسیر هریک یکدرم رماد کهوله هریکنیم باشه بطریق متعارف بعمل آرند غرغره باید دانست که
استعمال غرغره مشروط بچند شرایط است یکی آنکه مریض قابل امراض ریه نه باشد دوم آنکه خلط مستفرغ
از جنس خلط انواع نبود سوم آنکه مریض را احتراز از چیزی ردی که نزول بطرف ریه میکند ممکن
باشد مثلا هرگاه که مریض احساس کند که چیزی بطرف ریه می آید آنرا دفع بنزاق کند و هرگاه مریض
طفل باشد یا ضعیف که او را قوت بر دفع نبود پس استعمال غرغره باور وانیست چهارم آنکه آلۀ ریه
غرغره را کیفیت حاده لذاعه نباشد که ضرر بریه رساند مگر آنکه حال راس اشد اهتمام از ریه باشد مثلا
مادۀ که در سر است ازان خوف هلاک بود پس بسبب ردت وحدت آن غرغره مستعمل
در غالج ولقوه ونقل زبان که از رطوبت باشد منقول از بیاض عم مرحوم ص خردل زربناد
دارفلفل زنجبیل شونیز سافج سویزج عود هندی از هریک سه ماشه وج ترکی عاقرقرحا صعتر گل بابونه
اسطوخودوس عود صلیب بی واحد شش ماشه قرنفل ده عدد جوکوب نموده چهار پهر خیسانیده
در یک و نیم سیر آب بجوشانند هرگاه نیم سیر بماند صاف نموده عسل سفید دو تولۀ نوشادر پوره ۱ تنبه
نمک هندی دران حل کرده غرغره نمایند غرغره جهت تقویت دماغ منقول از بیاض عم مرحوم ص
سویزج وعاقرقرحا وقرنفل دارفلفل عود خام عود صلیب زربناد سافج هندی زنجبیل بگلاب جوشانیده
باضافه اندکی سرکه عنصل غرغره نمایند غرغره فالج ولقوه وصرع را نافع بود و سر دماغ را از اخلاط
غلیظه پاک کند ص ایارج فیقرا وج خردل زنجبیل عاقرقرحا سویزج فودنه صعتر اصل السوس بوست
بیخ کبر کوفته بیخته بعسل آمیخته غرغره نمایند غرغره برای استرخاء لهات ورطوبت دموی ص
عدس منقشر گلنار اکلیل الملک عذبه ورق حنا پوست هلیله زرد در آب جوشانیده صاف
نموده رب جوز آمیخته غرغره نمایند غرغره مستعمل درحواس حاره ورطبی وقتی که باو نزله باشد
ص کشنیز خشک پوست خشخاش بابونه عنب الثعلب گلنار گل سرخ عروق سوسن جوشانیده

سر که بدسته آبگینه یا آهن نیک صلایه کنند تا کشته شود و سه مثقال نمک هندی سوده داخل
نمایند و مغز فلفل را پیراز سر که سازند و این هارا در ان مغز فه ریزند و بر سر آتش نهند سه مثقال
روی سوخته صلایه کرده اندک اندک بخور آن بدهند و بدسته آبگینه یا آهن بهم میزنند تا ملعقه
شود بعد ازان آنرا از پارچه پاک بیالایند و انچه در گرباس بماند لیسانند و چندان باب بشویند
که تمام پاک شود و چرک ازان ببرد پس آنرا گلوله سازند میان آن سوراخ کنند و ریسمان در ان
بگذارند و در آب لیمو اندازند و یک شب بگذارند تا محکم شود مانند حجری و بعد ازان آنرا در روغن
تا تورده بجوشانند و وقت حاجت در دهن نگاهدارند و چون خواهند که ازال نشود از دهن بیرون
آرند عجه بالضم و بالفتح اسم عربی خاگینه است ص که شیخ بوعلی بجهت زیادتی باه و قوت مباشرت
ترتیب داده ص مغز سر کنجشک و مغز سر کبوتر پنجاه زرده تخم کنجشک بیست عدد زرده تخم ماکیان
ده عدد آب گوشت بره جوان که گوشت کوبیده پخته فشرده باشد پیاله آب پیاز سه اوقیه آب
گذر پنج اوقیه نمک و نوابل چاره بقدر روغن گو سفند پنجاه درم مجموع خاگینه ساخته بخورند و
بیاشامند بران شراب ریحانی قوی حاد مایل بشیرینی در بعضی نسخه ها عوض آب گوشت بره
آب گوشت خروس خصی جوان و عوض روغن گوسفند روغن گاو ذکر کرده اند اول اشهر است
عجه متوسطی که در آنباب بسیار مفید است ص پیاز ریزه کرده را با روغن گاو و آب گذر بریزند تا
سرخ شود و تخم مرغ و تخم کبوتر از هر یک بیست عدد داخل کرده نیم برشت نمایند و بران بیندازند
خولنجان کوبیده بقدر یکدانگ نمک سفتور باشیده بخورند عجه دیگر ص زرده تخم مرغ ده عدد
زرده تخم کبوتر و زرده تخم کنجشک از هر یک بیست عدد آرد کفی مجموع را مخلوط کرده با روغن گاو
نیم برشت کرده نبات سفید بیست درم دارچینی سه درم سوده بران پاشند و بخورند و اگر مزاج سرد
باشد بعوض نبات عسل داخل کنند باب الثلثین المنقوطة غالیه التقویت قلب و دماغ نماید حقنان انفع بخشد
ص عنبر اشهب چهار ماشه عود هندی هشت ماشه صندل سفید سه درم مشک دو ماشه عنبر را
بگلاب گرم بگذارند و دیگر ادویه را سائیده دران بیامیزند و بنوشند غالبه که مقوی قلب

دوازده جزو زاج زرد بیست وچهار جزو شوره چهل وچهار جزو تقطیر کنند وموضع برص را بگیرگاو
خشک بمالند پس تیزاب طلا کنند عرق مجرب حکیم علی برص را سوخته جراحت کرده باصلاح
می آرد ص سحو قونیا شوره زاج سیاه تقطیر کنند که تیزآب حار جاد بچکد وبا بر موضع برص بر سانند
عرق به جهت بهروص مجرب است اگر سه چهار ماه استعمال شود بام الله تعالی شفا تمام حاصل آید
ص زرد چوبه حالم پوست درخت نیم قند سیاه هر واحد یکمین همه را درخم اندازند ودر سرگین اسپ
دفن کنند بعد دو هفته برآورده عرق کشند ونیم پاو صبح ونیم پاو شام بخورند واز ترشی ولبنیات ومباشرت
پرهیز کنند وغذا کم نمک خورند عصاره آمله معمول عم مرحوم واین خاکسار بمقدار از جهت تقویت
بصر وابتدای نزول وسوزش وریزش آب از چشم بسیار نافع یافته ودر ابتداء رمد استعمال نباید کرد
درماه اخر رمد مفید می افتد ص بگیرند آمله تازه ودر هاون سنگی یا چوبی بکوبند ودر پارچه لک مداخته
بفشارند ودر ظرفی باآتش نرم که مثل شعله شمع باشد بگذارند وبدسته نیم حرکت بدهند تا بقوام عسل
غلیظ آید بعد ازان در ظرف چینی یا جست نگاه دارند وعند الحاجت قدری ازان استعمال نمایند
عقد سیماب بدستور اطبار مجربین هند است ازبرای امساک منی ص بگیرند لسبکهپر او بکوبند
وازان بوته سازند وبمقدار سه درم ونیم سیماب در وی اندازند وبوته مذکور را در بوته آهنی
نهند ودر زیر بوته آتش چراغ کنند وبالای آن شیره دهانوره سیاه که آنرا بعربی لبن جوز ماکل
اسود گویند بچکانند تا آن زمان که بسته شود چون بسته گردد نگاه دارند ودر وقت مجامعت در دهان
اندازند مادام که در دهن باشد منی نزال نشود عقد سیماب بطور دیگر منقول از مجربین هند
ص چون غلیواج بیضه هند بگیرند دو سه نیم درم سیماب دران اندازند وسوراخ بموم سفید بگیرند
مهر کنند وآن بیضه را در بیضه اے دیگر بگذارند ودر شبانه غلیواج گوشت نهند تا غلیواج بر بیضه
نشسته ماند وچون غلیواج بچگان بیرون آورد بیضه که دران سیماب انداخته بستانند میان
آن سیماب گنگ شده باشد میگویند که از گنگ در دهن گیرند مادام که در دهن باشد انزال منی نشود
مجرب است عقد سیماب بطوری که صاحب شفائی ذکر کرده ص زنبق پنج مثقال یا قدری

دو آثار عرق شاہترہ یک آثار نبات سفید نیم پاو بطریق متعارف عرق کشند عرق شیر مرکب
معمول اکمل المدققین اشرف المحققین والد ماجد مرحوم جہت حمی دق وسوداوی نافع بود
ومطفی تشنت حرارت ومرطب بدن است ص کدوی سبز برگ کاسنی برگ کاہو از ہر یک چہار دام
کسیر وگل بید گل نیلوفر از ہر یک نیم پاو گل سرخ دو تولہ کشنیز خشک چار تولہ صندل سفید دو سرخ
دو تولہ تخم کاسنی یکتولہ عنب الثعلب گاوزبان تخم خیارین مغز تخم کدو تخم کاہو ہر یک دو تولہ گل
گاوزبان زہر مہرہ خطائی طباشیر سفید ہر یک یکتولہ خرفہ سہ تولہ گل کنول پنج تولہ گلاب دو آثار
بید مشک یک آثار عرق بید سادہ چہار آثار عرق شاہترہ یک آثار عرق عنب الثعلب یک آثار
شیر برزدہ آثار آب باران بقدر حاجت بطریق متعارف عرق کشند واگر ابرو خواہند پنجمثقال کافور
اضافہ نمایند ودر ظرفی کہ عرق میچکد پہن نمایند ودر ہنوقت عرق خمیر کافوری نامیدہ خواہد شد عرق
کافور از حکیم عبد الہادی نافع از برای سوء المزاج حار وحمی دق محرقہ حادہ ص گل نیلوفر یک وقیہ
شیر برزبرگ کاہو کشب بید کاسنی تازہ جو متقشر از ہر یک نیم من صندل سفید سی مثقال کدو تازہ
با فلا تازہ از ہر یک یک وقیہ گل سرخ دو من تخم خرفہ متقشر ہر یک نیم من طباشیر سفید کیتیرا
از ہر یک دہ مثقال عرق بید مشک عرق نیلوفر عرق بید از ہر یک یکمن گلاب دو من بدستور
سفر عرق کشند ودر وقت عرق کشیدن بیست مثقال کافور قیصوری اول سودہ در نہ طاسی
کہ عرق در ان میچکد بپاشند تا عرق بران بچکد عرق مرکب تالیف راقم ص گل نیلوفر نیم پاو گل
گاوزبان گل سرخ مغز تخم کدو تخم کاہو از ہر یکدو تولہ گل بید نیم پاو تخم کاسنی تولہ صندلین خرفہ ہر یک یکتولہ
تخم خیارین دو تولہ طباشیر سفید تولہ کسیر ونیم پاو برگ کاہو سبز چہار دام کدوی سبز چہار دام گل کنول
دو تولہ کشنیز خشک دو تولہ خیار یکعدد انار شیرین دو عدد سیب شیرین دو عدد سفرجل یکعدد ناشپاتی یک عدد
در عرق بید وعرق عنب الثعلب وعرق نیلوفر از ہر یک چہار آثار بید مشک آثار آب باران
بقدر حاجت شب بخیسانند وصبحی بطریق متعارف عرق کشند عرق تبراب برص را ابرو وخوشت
زاید بخورد وپوست از موضع علت دور کند وپوست تازہ بر رنگ بدن می رویاند ص از سفید

مضبوط بندند تا نشدی کم شود ادویہ این است تخم اوٹنگن بیج بندا ندر جوخصیتہ الثعلب عود عنبر
لادن قرنفل دارچینی تخم گذر تخم شلغم تخم پیاز بلای کند تخم کونچ بہمن سرخ وسفید تودری سرخ
وزرد شقاقل مصری کشنیز خشک بیخ بنفشہ مدن مست اشنہ سنبل الطیب ناگیسر تج تیرج زنجبیل
سوچرس تالمکھانہ لعبت بربری پوست بیخ بسنبل صعبت انگیر سمندر سوکھ بیخ اونٹ کٹارہ
گاوزبان بادرنجبویہ کبابہ درونج عنقربی بلیون فرنجمشک از ہریک دو تولہ الائچی خورد بلسباسہ
جوزبوا بیخ لبلاب زربناد موصلی سیاہ وسفید صندل سفید بہوپلی از ہریک چہار تولہ گاسنج
پاوسیر جوب چینی پاوسیر پوست ترنج نیم پاو تخم کاسنی وگل دہادہ نیم پاو قسط شیرین شش تولہ
بوزیدان دو تولہ بعد سہ روز نبات سہ سیر وشانزدہ سیر شیر گاو داخل کردہ عرق دو آتشہ بکشید
ریوی زعفران پنجتولہ مشک سہ تولہ عنبر اشہب یکتولہ در سبو انداز ندودہ روز بگذارند تا مزاج
گیرد بعدہ بقدر برداشت طبیعت بعد تحلیل طعام بکار برند **عرق** مبہی ومقوی کہ بغایت خوب
است ص گل گوڑہل نیم پاو لبسباسہ قرنفل ثعلب مصری دارچینی از ہریک یکدام کشمش نیم پاو
نبات نیم پاو آب باران دو آتار دواہا راجوکوب نمودہ در شیشہ کردہ سہ چہار روز در آفتاب
نگاہدارند کہ خوب جوش خورد پس بکار برند این چند نسخہ از بیاض عم مرحوم منقول شد عرق
کافور بہ تپ ہای حارہ ودق سودمند است واز مخترعات متاخرین ص کشنیز خشک
گل گاوزبان صندل سفید وسرخ تخم کاسنی تخم خیارین تخم کاہو مغز تخم کدو مغز تخم خربوزہ تخم
خرفہ مقشر طباشیر سفید بنفشہ ہر یکدہ ماشہ گل نیلوفر غنچہ گل شاہترہ بید مشک تازہ با قلا تازہ
ہر یک یکتولہ کافور قیصوری نیمکوفتہ ہشت ماشہ برگ کاہو کشب بید کہ عبارت این جا از ثمرۂ
بید بربری است کہ از ساق شاخہای او مثل خوشہ میروید کدو جوہ مقشر تازہ کاسنی تازہ رازیانہ
تازہ سیب شیرین امرود ہر یک نیم من با گلاب دعرق بید وعرق کاسنی عرق بید مشک
ہر یک دو من آب مقدار ضرور علی الرسم عرق کشند **عرق شیر بسیط** بجہت حمی ودق دحمی
سوداوی مفید بود وترطیب بسیار نماید ص شیر بز پنج آتار بید مشک یک آتار عرق بید سادہ

که بخوبی آن عرق هست شهوت را زیاده کند و طعام هضم نماید و خمار می آرد و خوش کیف و مقوی قلب است ص قند سیاه یکمن جهانگیری پوست کیکر هشت سیر جهانگیری درهم کنند چون برسد بهانه داده عرق کشند یک آتشه ببیت سیر تاسی سیر درین ادویه نیمکوفته سه شبانروز بخیسانند قرنفل سه ماشه عنبر لادن موثه عود هندی صندل سفید هر واحد یکماشه مشک یکماشه گاوزبان گیلانی پاوآثار دارچینی سه دام مشک ادر پارچه بسته در کوزه کشند و عرق دو آتشه بکشند واگر خواهند تند هشت سیر واگر ملایم خواهند پانزده سیر بکشند و سه پاو نبات انداخته نگاهدارند که حدت دور شود عرق دو آتشه که هرگز خمار نیارد و نفع بسیار بخشد ص قند سیاه دو من شاهجهانی پوست کیکر شش سیر دارچینی یکدام سنبل الطیب پنجدام اشنه شش دام صندل سفید نه دام قافله کباره دوازده درم بیخ بنفشه ولایتی شش دام عنبر لادن هریک یکدام موثه هشت دام منڈی یکسیر قند سیاه بجته بهانه دادن سه چهار سیر اگری آب خالص بقدر حاجت اول یک آتشه بکشند بعد ازان ادویه تر کرده دو آتشه عرق کیمیا تاثیر خواص این عرق از احصا بیرون است در تقویت باه و امساک منی نظیر ندارد و پیر صد ساله را التقویت جوانی باز آرد ص قند سیاه دو من مویز سیاه یکمن پوست مغیلان نیم من هلیله بلیله آمله سنبل الطیب اشنه از هریک پاو سیر بیخ بنج لبلاب تاکیسر خولنجان زرنب فوه بهنگره الایچی خورد و کلان قاقلمکها نه بیجبند هوبیر از هرکدام نیم پاو گل دهاوه حسن نگر از هریک نیم سیر اندرجو کچور موثه صندل سرخ صندل سفید موصلی سیاه موصلی سفید تخم اونگن افیون خالص تربد کهیلا کهیلے از هرکدام پاو سیر اسکند نیم سیر سناورد و سیر اشت برگ دو سیر بادیان پاو سیر این همه را جوکوب نموده همراه قند و مویز کشمش درخم اندازند نصف خم شیرگاو و نصف خم آب بران ریزند بعد ده روز ازده سیر قند سیاه بهانه دهند و چون لاهن برسد عرق یک آتشه ملایم بکشند هرچند ملایم تر بهتر بعد ازان ادویه که نوشته خواهد شد جوکوب نموده سه روز دران یک آتشه بخیسانند و درین ظرف را

ریزه ریزه کرده در پنج من آب صاف طبیخ نمایند تا سه من آب بماند پس بگیرند سنبل الطیب رودناد
وچ ترکی عود هندی گاوزبان گیلانی فرنجمشک فاقله لسان العصافیر اشنه سانوج هندی
خارخسک از هر یک پنج مثقال بادیان نانخواه دارچینی قرنفل جوزبوا لبسباسه تخم گذر بهمن
سرخ بهمن سفید شقاقل از هر یک ده مثقال مصطگی دو درم مشک خالص نیم مثقال
عنبر اشهب یک مثقال نبات سفید موبیز منقی از هر یک صد مثقال انچه اجزا کوفتنی است
نیم کوفته مجموع را یک شب در میان مطبوخ چوب چینی نخیسانند پس بدستور گلاب عرق
کشند وزعفران و مصطگی وعنبر ومشک را در پارچه لسیار نازکی بسته در میان ظرفی که عرق
دران می چکد بیندازند وازین عرق هر صباح دو پیاله بگرم نبوشند وسه چهار قدم راه بروند
تا که حرارت غریزی برافروخته شود وبباید دانست که هنگام نوشیدن این عرق ها از ترشی
پرهیز نمایند بعون الله نفع بین میدهد عرق بجهت قوت باه وتقویت دل ودماغ و
تحسین لون مجربست ص کشمش تازه پانزده آثار قند سیاه یکمن آب زرد یک چهارمن
آلمه نیم سیر درخم اندازند هر گاه یکمن برسد یک آتشه بکشند ونیم آثار دارچینی یک شانزدهم
ترکرده شیر گاو ونیم آثار فانید دو آثار انداخته بیست ودو آثار دو آتشه بکشند بعد ازان دارچینی
نیم آثار نبات سه پاو انداخته سه شبانروز نگاهدارند بعد از سه روز صاف کرده در شیشه
بعد دو هفته خورده باشند این نسخه معمول عم مرحوم بود در تجربه رافم نیز آمده حکم انگوری دارد
در کثرت نفع عرق مقوی باه وسعده به برادر نواب مجدالدوله بهادر بسیار نفع کرده بود
ص چهال کیکم پنج آثار قند سیاه یکمن گلاب یک شیشه تخم خربوزه بادرنجبویه گاوزبان
گل گاوزبان از هر یک پنجتوله تخم شلغم وچ ترکی بسفایج فستقی جدوار خطائی از هر یک سه توله
اذخر یکی بهمن سرخ وسفید شقاقل مصری شیطرج هندی زرنب سانوج هندی زرنباد دریج
عقربی انیسون از هر یک چهار توله ثعلب مصری دارچینی ابریشم خام خولنجان دانه هیل قاقله کبار
گل سرخ از هر یک پنجتوله عنبر اشهب دو توله بطریق متعارف عرق کشند عرق

گیلانی شقاقل بادرنجبویه خارخسک خصیة الثعلب هریک دوازده توله مویز منقی یک سیر
زردک منقی چهار سیر باهمین قدر سیب و گوشت گوسفند فربه ده سیر همه نیکوب کرده در آب
خیسانیده بعد از ساعتی بجکاتند عرق جزر منقوی باه است و نشاط آورد وص شکر سرخ
پانزده استار گذر پاک کرده سی استار جوشانیده در خمی که در گل گرفته باشد کنند و تا هفت روز
بگذارند پس صندل سفید دارچینی گل سرخ گاوزبان سازج هندی کبابه چینی پوست اترج برگ
تنبول سعد کوفی از هریک ده توله پوست هلیله کابلی یک استار نیکوفته داخل کنند و یکروز
بگذارند و روز دیگر عرق کشند پس سعد کوفی دارچینی صندل سفید سازج هندی چوب چینی
بهمن سرخ و سفید شقاقل از هریک پانزده توله زنجبیل کندر از هریک هفت توله نیکوفته در ده استار
شیر تازه و عرق اول یکروز شب بخیسانند روز دیگر عرق کشند و در وقت عرق کشیدن
عنبر زعفران از شش توله مشک خالص سه ماشه در دهان نیچه بندند عرق چوب چینی
ضعف باه را نهایت مفید باشد و تقویت حواس کند و تفریح قلب و تحسین لون نماید معده
را قوت دهد و طعام را هضم کند و بجهت سنگفنگی خاطر فائده مند است ص دارچینی گل سرخ
از هریک دو اوقیه سنبل الطیب سازج هندی قرنفل هیل بوا زربناد بادرنجبویه گل گاوزبان
ابریشم مقرض از هریک اوقیه بهمن سرخ و سفید صندل سفید عود هندی اشنه از هریک نیم اوقیه زعفران
سه درم مصطگی دو درم مشک خالص نیم درم عنبر شهب یکدرم چوب چینی اعلی عرقی یکصد و
پنجاه مثقال سیب شیرین رسیده پنجاه عدد گلاب دو رطل نبات سفید دو اوقیه چوب چینی
بدم نیشه نجاری چون سخود ریزه ریزه کرده و سیب را پاره پاره کنند و ادویه را انچه کوفتنی است
نیکوفته مجموع را یکشب در گلاب بخیسانند پس از نیچه عرق کشند و زعفران و مصطگی و مشک
و عنبر اشهب را در پارچه کتانی بسته در جای که عرق چکیده میشود بیندازند و با آتش ملایم عرق
کشند و سر و بن آب را جدا نگاهدارند و هر روز بعد از هضم سه چهار پیاله قهوی خوری بدفعات
بنوشند عرق چوب چینی نسخه حکیم معصوم شیرازی ص چوب چینی اعلی سیصد مثقال

ومقدار هفت ده مثقال قرنفل کوبیده داخل نمایند وقدری سرکه انگوری که زیاده بر ربع زرشک نباشد داخل کنند وبدستور عرق کشند واگر قدری خاک نخود داخل نمایند لذیذ خواهد شد عرق گوگرد که اهل صناعت مارالعرس نامند مقوی معده وبرای جرب مفید ودر غایت حرارت ویبوست ومفرح اعضاء وشدید النفوذ منضج وملطف وجالی وجهت سبر ودین مرطوبین نافع ودر تحلیل وتلطیف فلزات قوی الاثر است ص قندیل شیشه دامن فراخ باین صورت که چراغدان محاذی لب او باشد معکوس نصب نمایند ودر زیر چراغ دان ظرفی بگذارند که قطر او زیاده از قطر دهن قندیل باشد تا عرق که از لب قندیل چکد دران ظرف رود وآن ظرف باید که از چینی یا زجاج باشد وقندیل باید اندک محرف بیاویزند تا از یکطرف آن عرق بچکد ودر چراغدان بجای پنبه گوگرد فارسی گوگرد شفاف گرده برفروزند تا دود گوگرد در قندیل بپیچد مستحیل بعرق گردد ومیباید که شعله بیرون قندیل نرسد وپوسته گوگرد در چراغ دان کنند که منطفی نگردد واز محافظت تمام باید نمود که از خارج هوا داخل قندیل نشود وقندیل را اصلا حرکت نباید داد پایین پایه چراغدان وظرف تحت او چیزی باید گذاشت که پایه او بعرق جمع گشته ملاقات نمایند مثل سنگ صلب وغیره وهرگاه قندیل شیشه بهم نرسد کاسه چینی را بتعبیه میتوان نمود واگر قندیل ضخامت نداشته باشد وتاب شعله نیاورد بیرون او را بگل حکمت باید گرفت وچون عرق مجتمع مخلوط بدود گردد هرگاه که خواهد رفع سیاهی او شود عرق مذکور را در قرع کوچکی موافق مقدار عرق که ثلث وربع او را مملو سازد باید کرد وانبیق را مستحکم نموده با آتش خاکستر دار بسیار نرم تقطیر نمایند واین از تصرفات صاحب تحفه است عرق گل سنبل مقوی ومبهی دستهی است ص گل سنبل در سایه خشک کرده برابر آن گلسرخ وهمانقدر گل منڈی ونیمه آن گل چنبیلی باهم مخلوط نموده مثل گلاب بچکانند عرق که مقوی باه است واشتها آورد ص مصطگی نیم تولہ عنبر اشهب زعفران واچینی فلفل دراز قاقله کبابه دروج عقربی از هریک دو تولہ سنبل الطیب قرنفل از هریک چهار تولہ بهمین مرثی خولنجان هریک شش تولہ گاو زبان

ونیم پوست درخت مغیلان ویکصد مثقال پوست هلیلهٔ کابلی همه را درخم کرده در سرگین اسب
دفن کنند وبگذارند تا برسد پس در آن صندل سفید غنچه گل سرخ دارچینی گل گاوزبان پوست
انرج از هریک بیست پنج مثقال داخل کرده عرق کشند ومرتبه دوم دران عرق سعد کوفی سماق
هندی چوب چینی از هریک سی وهفت مثقال زنجبیل کندر از هریک نوزده مثقال داخل کرده
عرق کشند ودراین مرتبه دو مثقال نیم وعنبر اشهب ومشک خالص وزعفران از هریک یک
مثقال بردهان نیچه بندند عرق جزر ساده از تالیف راقم ص جزر رسیده واستخوان دور کرده
وپوست خراشیده یک آثار گاوزبان گیلانی هفت درم گل گاوزبان پنج درم بهمن سفید وکودری
گلگون هریک سه مثقال صندل سفید پنج مثقال بطریق متعارف عرق کشند ووقت حاجت
بقدر مناسب گلاب بید مشک قدری نبات تخم فرنجمشک اضافه نموده بنوشند ونیز اگر گذر بکوهند
وآب صافی آن گرفته با گلاب وبید مشک وتخم فرنجمشک وشربت انار بنوشند در تفریح وتقویت
دل وباه بغایت نافع است عرق پان جهت درد معده ودفع درد شکم وقولنج ریحی وغیره وامراض
کهازباد باشد مجرب است منقول از بیاض عم مرحوم ص گل سرخ گاوزبان پودینه برگ تنبول
از هریک پاو آثار نانخواه سعتر دارچینی قرنفل خولنجان زنجبیل الایچی خورد از هریک نیم پاو گلاب
چهار شیشه بید مشک دو شیشه آب باران دو شیشه شب ادویه را تر کرده صبح عرق هفت
آثار باشد بکشند عرق پان از تالیف راقم جهت اعانت هضم وسرخی رنگ خساره وتقویت باه
ص پان یکصد وبیست درم دارچینی قسم اول سی درم بهمن سفید بیست درم دانه هیل خورد بوا
نودری گلگون هریک دوازده درم آب باران بیست آثار ده آثار عرق کشند عرق
جهت تقویت معده ورياح وزخیر مجرب است ص دارچینی چهار دام قرنفل نانخواه انیسون
بادیان از هریک دو درم گل بابونه تخم کرفس از هریک یکدام مشک چار ماشه زعفران شش ماشه
در چهار آثار آب ادویه را تر نمایند وصبح دو آثار عرق کشند عرق انبر باریس مقوی جگر ومعده
وقامع صفرا ورد اشتهاء طعام آورد ص زرشک منقی سه من تبریزی یکشبانروز در آب نخیسانند

عرق بادرنجبویه هریک دو نیم سیر گلاب قسم اول پنج سیر دو اها را کوفتنی نیم کوفته همه را با عرق یکجا کرده
شب نگاهدارند و صباح آب سیب آب انار هم داخل کرده در دیگ انداخته عنبر و مشک بپنجه
بسته عرق کشند قدر خوراک از هریک فنجان قهوه خوری یا چهار فنجان و طبیب ابحسب مزاج
و حالت مریض بعضی تصرفات چنانچه جهت تقویت معده آب به یکسیر و جهت تسخین و تقویت آن
بهار نارنج پنج مثقال و جهت حبس کردن طبیعت گل بنجه یا سنجد داخل کنند عرق اسود بارد و سوداوی
گرم مزاجان است و تفریح تمام آورد و نشاط آرد و اصحاب مراق و مالیخولیا و سوداوی محترق را
نافع است ص قند سیاه بیست و چهار من تبریز پوست مغلان سه من تبریز در خم کرده آب
داخل نمایند آن مقدار که ثلث خم خالی ماند پس خم را در سرگین اسپ دفن کنند و بگذارند که جوش
خورد و از جوش فرو نشیند و برسد پس ازان را عرق کشند و آن عرق در ظرفی کرده صندل سوهان
بیست مثقال گل نیلوفر چهل مثقال گل گاوزبان یکصد و بیست مثقال تخم کاسنی نیکوفته تخم خرفه
مقشر مغز تخم خیارین کوفته از هریک دو صد و چهل مثقال مغز تخم کدو نیکوفته دو صد مثقال پوست
هلیلهٔ کابلی کشیده و بهار از هریک سیصد مثقال پوست بلیلهٔ آمله منقی از هریک یکصد مثقال تخم کاسنی
یکصد و بیست مثقال گل سرخ چهار من تبریز کشنیز خشک بیست مثقال همه را در عرق مذکور
یکشبانروز بخیسانند و عرق کشند و در وقت عرق کشیدن دو مثقال عنبر اشهب همه بردهان
نیچه بندند عرق که از تالیف اطباء هند است نشاط آورد و مفرح و مقوی و محسن لون است
ص زردک یکمن قند سیاه نیم من گل دهاوه دو سیر دارچینی نیم سیر کباب چینی نیم سیر زردک را
پاک کرده استخوان آنرا دور کرده نرم بکوبند و باقی ادویه نیکوفته با قند بی آب در خم نمایند و باید که
خم کهنه و متعمل باشد و در زیر توده خاک بیست و یکروز دفن کنند پس ازان برآورده بپالایند
و در شیشه نگاهدارند هر چند کهنه شود بهتر است شربت نیم پیاله یا یک پیاله عرق جز تفریح و
نشاط آورد و مقوی باه است ص بگیرند جز زرشک ده استخوان آن را دور کرده نه من تبریز را آن
در آب بجوشانند تا مضمحل شود پس درهم بمالند آنرا و شش من تبریز قند سیاه داخل نموده در

طباشیر هر یک بقدر مناسب بیفزایند تا این عرق همراه قرص کافور یا طباشیر استعمال کنند
عرق تنبا کو از اختراعات متاخرین است برای قولنج ریحی و فالج و لقوه و استرخاء و استسقاء و
تحلیل ریاح معده و تفتیح سدده های جگر و مساریقا و تحلیل سواد فاسده رحم و سدده های آن و هضم
طعام و آوردن اشتهار و دفع صداع بلغمی و اوجاع مفاصل بلغمی نافعست ص تنبا کو زرد
و خشک یک چهارمن تبریز و اگر تر باشد سه چهارمن تبریز نانخواه صعتر از هر یک پنجمثقال
دارچینی قرنفل اظفار الطیب جاشا هر یکدو مثقال همه را در چهارمن تبریز آب یک شبانه روز بخیسانند
پس عرق بکشند و هر صبح و شام پنج مثقال آنرا بنوشند عرق جاودانی منقول از بیاض عم مرحوم
ص جوز بوا قرنفل قاقله کبار آلمه سنبل گل دهاده از هر یک نیم پاو دارچینی یک پاو پوست
کیکر دو برابر ادویه قند چهار برابر ادویه ادویه را درخم اندازند چون لاهن رسد عرق بکشند و
بکار برند عرق دیگر منقول از بیاض مذکور برای خفقان و تقویت معده بسیار مفید بود
ص گل سرخ پاو آثار گل گاوزبان دو نیم دام قرنفل پاو آثار گاوزبان گیلانی پاو آثار مشک
دو ماشه ابریشم مقرض ده دام صندل سفید نیم دام پان صد عدد دو گلاب یکسر پاو بالا آب بقدر
حاجت بدستور متعارف عرق کشند عرق عنبر از مجموعه در تقویت دل و دماغ اعضاء رئیسه
بیعدیل و جهت دفع غشی و اعاده قوت سریع الاثر است چنانچه بعضی نشاء از کثرت استفراغ
طمث و بعضی رجال از افراط جریان خون بواسیر بحالت تباه رسیده بودند بمجرد آشامیدن
این عرق بحال آمدند و فوائد عجیبه و غریبه ازین عرق مشاهده نمودند ص مشک یکمثقال
عنبر اشهب مصطکی رومی هر یکدو مثقال زرنباد عود غرقی کبابه اشنه سنبل الطیب بهمین مثقال
مصری سازج هندی دارچینی زعفران قرنفل بوزیدان گل سرخ طباشیر سفید قاقله کبار و
قاقله صغار علف هندی پوست اترج ابریشم مقرض صندل سفید برگ بحان تازه سعد کوفته
فرقه کشنیز خشک گل گاوزبان انیسون در دو نیم عفرنی پوست بیرون پسته هر یک پنج مثقال
آب سیب و لاتیی تازه نیم سیر عالمگیری ربا نار ترش یک سیر عرق گاوزبان عرق بید مشک

از هر یک دو سیر نبات سفید سه من سوبز منقی هشت آثار عسل مصفی هشت سبز قند سیاه سه سیر
پوست کیکر یکمن گلاب یزدی سی شیشه عنبر اشهب دو تولہ مشک پنج تولہ زعفران نیم سیر
بدستور عرق کشند خواه یک آتشه باد و آتشه و بعضی عوض پوست کیکر پوست کنار میکنند و
آن هم خوب میشود حکیم مسیح الزمان این عرق را برای نواب اعتماد الدوله تیار کرده بود عجیب و
غریب برآمده بود و نفعی کرد که از حیطهٔ تقریر و تحریر بیرون است عرق منقول از قرابادین
عم مرحوم حکیم کاظم علی خان همیشه همین عرق استعمال میکرد در تجربهٔ راقم نیز آمده است در طعم لبسیار
لذیذ و خوش نشار و بی خمار و برای اقسام مالیخولیا مفید بسیار دارد ص پوست درخت
مغیلان شسته و پاک کرده دو آثار قند سیاه یکمن شاهجهانی آب چهار مشک در خمی
انداخته در زمین دفن کنند که درته آن سرگین اسپ قدری گذاشته باشد
چون لاهن برسد سی آثار عرق کشند یک آتشه و بسباسه جوز بوا دارچینی تند شیرین هیل خورد
خس از هر یک یکتوله برادهٔ صندل دو تولہ گل سرخ پنج تولہ قرنفل نیم تولہ یکشبانروز درین عرق
بخیسانند روز دیگر بیست آثار عرق دو آتشه گرفته نصف آن اجزا دیگر گرفته درین عرق
یک شبانروز بخیسانند روز دیگر سه آتشه دوازده آثار عرق بکشند و اگر سه ماشه عطر
یا گلاب در بهبکه اندازند بهتر خواهد برآمد بعد از چند روز استعمال نمایند و
حکیم جعفر اکبرابادی همین قندی را بعد گذشتن چهل روز از کشیدن در خفقان و ضعف
قلب و مالیخولیا مرافی و نقاهت با همراه گلاب و نبات میداد باین طریق بگیرند نبات چهار تولہ
و گلاب چهار تولہ درهم نمایند که نبات حل شود بعد ازان شراب را در کاسه چینی کرده آتش
دهند تا که در گیرد پس نبات محلول را داخل نمایند و فاشق بزنند تا خاموش شود بعد از سرد
شدن بنوشند و بفاصله پنج گهڑی غذا بخورند عرق از تالیف راقم مقوی دل و
دماغ ص گل کنکی یکعدد گل سیوتی گل گاوزبان هر یکدو تولہ گل نیلوفر کشنیز خشک هر یک
نیم پاو شب در آب ترنمایند دوده آثار عرق بکشند و برای محرور المزاج کافور قیصوری و

تخم خطمی فلفل اسطوخودوس جند بیدستر هر یک سه درم کندش هشت درم کوفته بیخته در بینی
دمند عطوس که سده گوش را که از خلط غلیظ بلغمی باشد بکشاید پس از تنقیه استعمال نمایند
ص کندر صبر حبة السوداء جمله با نتها باریک ساخته در بینی گذارند که عطسه آید عرق معمول
عم مرحوم برای امراض سوداوی و تقویت معده و دل و منع صعود ابخره ص اسطوخودوس
دوازده توله کشنیز خشک سه پا و پوست هلیله زرد یک آثار گل سرخ پنجتوله گاوزبان گیلانی
نیم پا و مویز منقی هلیله سیاه پا و آثار تا چهار شبار روز خیسانیده هفت آثار عرق کشند عرق
کیف دار منقول از بیاض عم مرحوم قوت بدل و دماغ دهد و خمار سازد و بوبیدارد و بخوبی
فرگی این عرقی نمیباشد ص قند سیاه یکمن جهانگیری پوست کیکر بیست سیراب صافی قدری
که ضرور باشد درخم کنند تا که لاهن برسد بهایه داده عرق یک آتشه بکشند بیست و پنج سیر یا سی پنج سیر
یک آتشه هر قدر زرم خواهند کشید عرق دو آتشه خوب و بهتر خواهد شد و چون یک آتشه تیار شود
ادویه مذکوره سه شبار روز خیسانیده روز چهارم عرق دو آتشه هشت آثار بگیرند و اگر زرم خواهند تا چهار ده
پانزده سیر بکشند قرنفل و توله صندل سفید بگلاب سائیده ده توله عنبر لادن سه توله عود بکتوله نبات سفید یکسیر دارچینی
سه توله گاوزبان سه دام نمکوب کرده بخیسانند و صندل دو توله مشک یکماشه عنبر لادن یکتوله
در پارچه پسته در سبوی که عرق در ان میکشد باندازند و هرگاه دو آتشه تیار شود و موسم گلاب باشد
پنج سیر برگ گل که زردی و سبزی آن گرفته باشند بگیرند و در پارچه پاکیزه بسته در دیگ یا در
مرتبان چینی کنند و عرق دو آتشه گرم گرم بران ریزند و چون چند روز بران بگذرد و حدت
کم شود استعمال نمایند عرق چوب چینی که ضعیف را قوی گرداند و ناتوان را توانا سازد و قوت
باه چندان شود که حد ندارد و بالیخولیای مراقی را مفید بود منقول از قرابادین عم مغفور ص
چوب چینی هشت آثار اکبری دارچینی پانزده آثار الاچی خورد کباب چینی قرنفل جوز بوا بسباسه
سعد کوفی سنبل هندی عود غرقی بهمن سرخ بهمن سفید زرد بنادر بنجبویه خولنجان سنبل الطیب
اشنه گاوزبان صندل سفید سوده در روغ عقربی خصیة الثعلب بصطگی بیخ بنفشه بیخ ولایتی

گاوزبان تخم خربوزه بادیان بالسویه نیمکوب کرده بهم آمیزند و قدر هفت درم از مجموع در یک و نیم رطل آب تر کرده
صباح بجوشانند هرگاه نیم رطل بماند صاف کنند و بشکر شیرین کرده بنوشند طرود که اگر در جامه بگسترند و دود
کنند حشرات بگریزند ص چوب انار و پوست بیخ آن و بیخ سوسن و بیخ سرو و هم کوزن اطلاف جانوران
و بقل و سکبینج انگزه و برگ غار هریک بقدر گرفته جمع در آب شحم حنظل نموده خشک کرده بکار برند
طرود دیگر ص بودینه و درمنه در جامه بگسترند حشرات از خانه بگریزند طرود دیگر ص شونیز
گوگرد شاخ گوزن بازرد همه را جمع کرده استعمال نمایند موجب طرد حشرات گردد طرود دیگر
ص سیمه سائله شاخ گوزن شونیز هریک یک اوقیه پوست خایه شتر مرغ اسفیداج هریک دو
اوقیه بیامیزند و بسوزانند طرود دیگر ص برگ صنوبر بزر البنج پوست بیخ تفاح هریک یکدرم
بودینه دشتی و کوهی هریک دو درم موی بز سه درم فیفرا چهار درم با یکدیگر بیامیزند و با آش
چوب زرد بسوزانند و آنچه بر زمین ریزد بباید گسترد و مسکن را بطبیخ خشک و آب نوشادر
بپاشند و بر بخاسف بسوزند و بخفتند در رخت خواب ریزند طرود باران ص اطلاق
مغز شاخ گوزن گوگرد موی آدمی سکبینج زفت بقل مازو از هریک قدر مناسب گرفته بسوزند

حرف العین المهمله عطوس عبارت است از سعوط که بر آوردن عطسه استعمال
شود عطوس منقی نافع از برای صداع بلغمی ص جندبیدستر فرفیون کوفته بخته با آب
چقندر یا آب مرزنجوش سرشته در بینی کشند عطوس نافع از برای صداع که از اخلاط بارده
غلیظه بلغمیه و سوداویه بهم رسد ص فلفل کندش جندبیدستر گرفته کوفته بخته در بینی دمند
تا عطسه آورد و بادرصه کتان نازکی بسته دائم بو بیند تا که عطسه آید عطوس که فالج و سکته و
لقوه و جمیع امراض بارده دماغی را سود دهد و تنقیه دماغ کند و اخراج مثیمه بحرکت عطاسی
بشرطیکه چون عطسه آید دهن و بینی بند کنند تا همگی قوت بباطن مستر شود ص کندش
شونیز فرفیون قرنفل فلفل جندبیدستر شکر از هر مدرج حب بلسان عاقرقرحا بوره ارمنی جمله برابر
کوفته بخته در قمی انداخته اند در بینی دمند عطوس که جمیع علل بارده دماغی را سود دهد ص

شاخ گوزن بجدی بسوزانند که سفید شود و کوبند رقیق و ترش رقیق کرسنه رقیق با قلا اجزا
برابر اشق نوشادر بادام تلخ از هر یک سه جزو کتیرا صمغ عربی از هر یک یک جزو طبیخ که نصف
حصاة نماید ص دو قوقطرا سالیون هر یک چهار درم پرسیاوشان هفت درم اسفوا فندرلون
هشت درم خسک ده درم تخم قلت پانزده درم انجیر سفید هفت درم در چهار رطل آب بپزند
تا بر طلی آید نیم رطل بعد از خروج حمام بیاشامند طبیخ که وجع گرده و عسر بول دور کند
ص حب کاکنج تخم جنابذی هر یکدو درم زیره افسنتین اصل السوس تخم خربزه هر یک چهار درم
باد و قسط آب بپزند تا به نصف رسد دواوقیه بنوشند طبیخ برای درد کلیه از مجربات یوحنا
است ص حلبه نانخواه تخم گندر تخم کرفس تخم سداب مساوی در آب بخته بنوشند طبیخ
که وجع کلیه و مثانه را نافع باشد ص بادیان انیسون تخم خربوزه تخم خیارین خار خسک سپاوشان
تخم خبازی گل بنفشه تخم کشوث حب القلت بقدر مناسب گرفته در عرق خیارشنبر یکرطل
طبیخ بلیغ نمایند هرگاه سوم حصه بماند شربت بزوری یا شربت آلو بالو هفت مثقال داخل
کرده بخورند طبیخ که حیض براند ص اسارون یکدرم سداب نیم درم رازیانه دو درم لوبیا
سرخ پنجدرم عسل ده درم بجوشانند و صاف کنند و سه روز متوالی بخورند طبیخ که همین خاصیت
دارد و نافعست مردان را که منی ایشان محتبس شده باشد ص افسنتین درمنه ترکی در سر
سداب رازیانه تخم کرفس از هر یک دو درم انجیر پنجعدد گلقند ده درم بجوشانند و صاف کنند
و سه روز متوالی بخورند و سه روز استراحت نمایند و باز همین عمل کنند تا ادرار تمام شود
طبیخ حیض براند ص لوبیای سرخ اینسون فوه از هر یک چهار درم سداب سه درم در رطل
آب بجوشانند تا رطلی آید صاف کرده قدری شکر اضافه نمایند هر صباح چهل درم بنوشند
طبیخ دیگر حیض براند ص لوبیای سرخ سه درم فراسیون فوه از هر یک چهار درم فودنه ده درم
در پنج رطل آب جوشانیده تا به نیمه آید صاف کرده قدری سپستج اضافه نموده هر صباح سه درم بنوشند
طبیخ که جهت آوردن حیض مجرب است و باعتدال میل دارد ص حب القرطم

طلامه برای تبور که در وقت بلوغ بر روی بهم رسد و در هندی مهاسه گویند ص برگ
نیم بیخ سوسن پوست سرس بهم سائیده طلا کنند طلامه دافع داغ برص ص استخاک
آب رسیده مساوی باهم سائیده در جای که مکه برص طلا کنند و چون بخشکی گراید از جاسه سطبر
خراشیده دور سازند و باز طلامه کنند همچنان خشک بجاسه سطبر بخراشد که درین مرتبه آن جرم
دور شود و مرتبه چهارم باز طلا نمایند مثل داغ ظاهر خواهد شد بعد ازان آنرا به تیل کنجد چرب
میکرده باشند که در اندک فرصت برنگ اصلی باز می آید طلامه جهت برص ص پوست
چنیته بیخ سرکنڈه مساوی باب لیمو سائیده چون بر موضع برص مالند آبله بهم رسانیده منفجر
خواهد شد بعد ازان بالایش روغن نیم بمالند که در اندک فرصت برنگ اصلی باز می آید
طلامه برای کلف ص اشنان در آب خربوزه سه روز پرورده و خشک کرده کوفته بیخ
پوست عدس پوست بیخ تقصیب از هریک ربع جزو همه را باریک کوفته در آب شسته
بر روی طلا نمایند طلامه که رنگ سیاه گرداند ص خبث الحدید که مثل غبار سائیده بگیرند
و باعدس سوخته سائیده آمیخته بر روی طلا کنند پس بحمام روند و آنگرم بر روی اندازند بسیار
مالش نمایند لون را سیاه کند مثل سیاهی که از گرمی آفتاب بشود و بدانند که مثل خبث الحدید
دراین امر هیچ چیز نیست طلامه که سوی لحیه و حاجب بروباند ص زبد البحر خاکستر قیصوم در
زیت کهنه خمیر نموده بر موضع مالش نمایند و شراب صرف بنوشند و تدبیر کنند از چیزها که گرم کند
باعتدال که روی را زرد کند ص زیره کرمانی یک جزو زرد چوب ربع جزو کوفته بیخته باد فیوز
جواری آمیخته بر روی ضماد کنند پس در آبی که دران انجیر پخته باشند غسل نمایند رنگ زرد کند
مثل رنگ مرضی طلامه جید برای آثار ضربه و آثار سیاه ص لوز مقشر درم صدف محرق
حرف سفید از هریک ودرم مالش مقشر نصف درم نخود سفید دو درم کرسنه درم ترمس
درم زبد البحر درم اسخوان نهایت بوسیده درم انزروت درم کوفته بیخته در مار الشعیر و
شکر خمیر کرده باب روح طلامه نمایند طلامه که رنگ را صاف کند و آثار ضربه ببرد ص

یک اوقیه پیه خرس یا پیه مرغ دو اوقیه صمغ ها بشراب حل کنند و پیه را با روغن ها بگداز ند و درهم
بسرشند و طلا کنند طلا ء پوست ها که بر اطراف ناخن خیزد سود دارد ص مصطگی سه درم نمک
دو درم مصطگی را در روغن بیامیزند و نمک حل کرده طلا کنند طلا ء بجهت آبله و دمیده کسی که
از سوختگی بهم رسد ص بگیرند عدس مقشر و گل سرخ چندانکه خواهند و عدس را بآنچه با گل سرخ
و سرکه خوب بسایند و طلا کنند و خرقه کتان را با آب سرد تر کرده بر نخ سرد ساخته بران افگنند
و اگر سفیدهٔ مرغ بر روغن گل طلا کنند نیز نافع بود طلا ء احراق عسل بلا در ص اول سر
زنند و حجامت کنند پس ازان مرهم خل طلا ء نمایند طلا ء دیگر که افرایطن در کثرت شعر
و انبات شعر بر گاه در انبات تاخیر کند خصوص مراین طلا را ص بیضه گرفته سر آن سوراخ
کنند و رطوبت آنرا بکنند در آب بشویند تا صاف شود پس روغن چنبیلی در بیضه مذکور اندازند
و نصف بیضه پر شود پس در روغن مذکور فرفیون دو دانگ افیون یکدانگ جند بیدستر
یکدانگ مغز حب القطن یکدانگ و نصف مشک لادن از هر یک دانگ صمغ عربی
دو دانگ انداخته همه را جوش دهند تا هم مخلوط شود پس سر نموده استعمال نمایند می ماند
موی را طلا ء که بمضرت گزیدگی جانوران زهرناک باز دارد ص جند بیدستر سکبینج جلنبین
کرنب سرگین کبوتر مشک طرانجبین اجزا مساوی روغن زیت کهنه بسرشند و طلا نمایند
طلا ء از مجربات صاحب الکمال لضناعة ابر ص ص کرنب محرق چهار درم فرفیون محرق سه درم
خربق اسود شیطرج هندی شقائق النعمان از هر یک درمی کوفته بیخته همراه سرکه طلا
نمایند طلا ء دیگر از کتاب مذکور ص مغز بادام تلخ ترمس تخم ترب تخم جرجیر تخم کرنب
حرف زراوند طویل خربق اسود شیطرج هندی خطیا نا فرفیون اجزا ء برابر کوفته بیخته
در طبیخ عنصل آمیخته طلا نمایند طلا ء قوی الاثر در انبات شعر ص روغن بان او قیه
زاریج مقطوع الراس والاجنحه سه درم سائیده در روغن بان اندازند و بردارند و از مشک
و عنبر خوشبو سازند و بر موضع مالش نمایند و از بار چه صاف کنند و باز اعاده کنند تا آبله برآید

و وقت حاجت در سرکه وقدری آب حل نموده بر سر حلق نموده بر روغن گل وقدری سرکه تهیه نموده باشد استعمال نمایند طلاء که سوی لحیه و حاجب بر دیاندص زبد البحر خاکستر قیصوم بزریت کهنه سرشته دران موضع دلک کنند و شراب صرف بیاشامند و تدبیر تسخین معتدل بعمل آرند طلاء که سوی را قوت دهد واز رسخین باز دارد ص کندر مازو از هر یک یکدرم مصطگی یکدرم ونیم فرد مانامر هر یک ۵ درم لادن سه درم بر روغن گل بگذارند واصول شعر را بدان طلا کنند طلاء که منع صلع کند وابتداء آنرا به سازد طلاء پر سیاوشان ورق آس لحاء درخت صنوبر کندر برابر وزن گرفته بریان نمایند تا گرم شود پس لادن مر از هر یک جزو داخل کرده شراب کهنه وروغن بتر ب سحق کنند و بر سر طلا نمایند و وقت شب و صبح غسل کنند و تدهین نمایند پس صلع مبتدی را زائل میکند طلاء که منع نبات سوی کند در عانه و لغل تا مدت طویل ص قیموليا سفیده رصاص از هر یک یکجزو شب یمانی نصف جزو در آب بیخ برنایاسر که در وبیخ جوشانیده باشند سحق نمایند و بر موضع طلا کنند و علی الدوام بعمل آرند طلاء جهت کسی که از جا افتاده باشد ص صبر مر هر یک سه درم خطمی بنفشه صندلین سعاث گل سمر قندی اکلیل الملک هر یک پنجدرم کوفته و بخته بسفیده بیضه مرغ بسرشند و طلا نمایند طلاء دیگر بیم درینباب و استخوان شکسته را جبر کند ص بیخ تفاح یکدرم افیون سه درم فوفل سفید آب صاص بوشن در بندی خطمی برگ نیلوفر هر یک سه درم شیاف مانیشاده درم صندلین هر یکدرم واستار گل سرخ گل ارمنی علک البطم هر یک سه استار کوفته بخته بآب کاسنی بسرشند و در اول علت بگلاب و سرکه طلا کنند و بعد ان بآب کاسنی طلاء که گوشت افزون را بخورد و بی آنکه بسوزاند ص زرنیخ سرخ خربق سیاه هر یک پنجدرم توبال مس ده درم همه را بروغن گل بسایند و طلا کنند طلاء که دشنه و سختی را نرم کند ص موم زرد بیه لطبیه مرغ خانگی هر یک یک اوقیه مغز ساق گاو دو اوقیه روغن سوسن شش اوقیه همه را باهم بسرشند و طلا کنند طلاء دیگر برای همین اغراض ص میعه سائله جاوشیر الشق هر یک نیم اوقیه مقل در دی روغن سوسن دی روغن کنان هر یک

بکار برند طلامہ برای دانہا التعلب و کلف ص تر مس تخم ترب تخم جرجیر قسط مغز بادام تلخ بورہ
ارمنی فلفل ثقل یا سہ یک ثقل و ثقل را بآب بمصفر حل کنند و او دویہ بسپرشند و طلا نمایند طلامہ
جہت کلف مجرب ص شیر لیموی کاغذی بریدہ زرد چوبہ ریزہ ریزہ کردہ دران لیمو پر کنند
باز کلاہ لیمو برجا داشتہ تا یک ہفتہ برجای محفوظ نگاہدارند پس ازان شیر آوردہ با بیخ نی کینہ سائیدہ
شب طلا کنند و صبح بآب گرم بشویند طلامہ کہ قحل را دور کند وقت حدوث آن ص تر تیر
یکدرم تخم خربوزہ نخالہ جواری کتیرا از ہر یکدو درم جوچہار درم ہمہ را کوفتہ بآب تر کنند و شبانگاہ
طلا نمایند و سہ روز پیاپی چنین کنند خواہ بر سر باشد خواہ جای دیگر طلامہ دیگر ص کتیرا پنج
جزو آرد تر تس آرد جوعدس متفشر نشاستہ ہر یک جزوی آرد باقلا آرد نخود آرد کرسنہ ہر یکی
دو جزو تخم خربوزہ سہ جزو ہمہ را کوفتہ دبیختہ بشیر زنان واندکی زعفران سرشتہ طلا کنند و صبح
بآبی کہ دران تخم خربوزہ و بنفشہ و خطمی و سبوس گندم جوشانیدہ باشند باز کردہ باشند بشویند
طلامہ کہ قلع و شم کند بی تفریح ص نطرون بآب گرم حل کنند و بروشم بمالند زمانی طویل بسر
علک البطم اندرعسل نرم بسایند و طلا نمایند و سہ روز بگشایند و نیک بمالند مالیدنی جید بعد
ازان انچہ در ازالۂ آثار گذشت طلا نمایند در یک روزہ مرتبہ و یا سہ روز بعمل آرند و باز
بآب نطرون بشویند و ہمین قسم مکرر کنند کہ در سہ تدبیر ازالۂ وشم کند طلامہ کہ موی ابرو را
کہ از جذام ریختہ باشد بروياند بعد از تنقیہ بکار آید ص مویز بلیلہ سیاہ آملہ ہر یک جزوی بجوشانند
و در روغن زیت حل کنند و بمالند بعد از انکہ موضع را بطبیخ گلنار و فوتنج شستہ باشند طلامہ
کہ موی سر و ابرو را از ریختن نگاہدارد و محکم گرداند ص لادن ہر قدر کہ خواہند بگیرند و بشراب
عنصل تر کنند پس گاہی بروغن مورد ہم بسایند و گاہی بشراب و نیم وزن لادن بسایند و شانہ
بادی بسر شند و در حمام یا در آفتاب طلامہ کنند و اگر مزاج آن کس سرد باشد یا زسنان نبود
با نار دین بسر شند و بمالند طلامہ برای جزاز ص دقیق نخود چہل درم زجاج سفید مسحوق
نخالہ بورق از ہر واحد ہشت درم گل خطمی شش درم گرفتہ بخل خمر خمیر کردہ بشکل مربع مرتب سازند

در سر که آمیخته بعد غسل بسیار در حمام طلاء نمایند و یکساعت گذاشته باز غسل نمایند طلاء برای
فوائد مذکوره ص زرد چوب مغز بادام تلخ گلنار را تبیخ کاغذ سوخته مازو سوخته بیخ سوسن آسمان
جونی اقاقیا بقبیل اجزا مساوی کوفته بیخته بکار برند طلاء صبیان گنده بغل ص کافور
بیدام آقلیمیای فضه قرنفل مصطگی هر یک مثقال شب بمانی بیخ درم توتیای بصری سوده
ده درم کوفته بیخته در شیشه کنند وقت حاجت بگلاب تر کرده در بغل طلا کنند و اگر مرد دار
بگلاب پرورده طلا کنند بوی بغل کم کند و همچنین اگر توتیای بصری بگلاب سائیده با گل تر
یا مقداری کافور آمیخته خشک کنند و بکار دارند بد بوی بغل دور کند طلاء قمل و بخارش هم
مفید است ص مویز خ زرنیخ سرخ زراوند طویل هر یک یکجزو کوفته بیخته در روغن زیت سرشته
براعضا در حمام طلا کنند و بعد از یکساعت که عرق جاری شود بشویند طلاء برای قوبا مفید
است ص خردل تخم ترب تخم جرجیر کندش هر یک سه درم خربق سیاه هشت درم حرف
ده درم کوفته بیخته بآب کرنب سرشته طلا کنند طلاء برای قوبا مرمن مفید است منقول از
قانون ص ایرسا کبریت از هر یک پنجدرم نخود لبشک بز هر یک شش درم خربق سیاه
هشت درم حرف ده درم قردمانا مویز هر یکده درم کوفته بیخته بسرکه سرشته طلا کنند طلاء
جهت قوبا بغایت نافع ص شیاف مامیثا کندر زبدالبحر کتیرا نوشادر مس بوره ارمنی خربق
سفید زرمس اشق بالسویه بسرکه طلا کنند طلاء که کلف مبتدی را بکار آید منقول از معالجات
بقراطی ص گل سرخ آرد عدس درست فنجنگشت هر واحد یکجزو مویز دو جزو کوفته بیخته
بسرکه و شراب و قدری آب مورد آمیخته طلا کنند طلاء که در انتهاء کلف بکار آید و تحلیل بقایای
مواد نماید ص صبر نیم جزو ورق الغار حب الغار خاکستر قیصوم خاکستر استخوان اگر استخوان کفتار
باشد بهتر است کندر را تبیخ ورق سداب جبلی بیخ سداب جبلی زعفران هر یک یکجزو همه را کوفته بیخته
دو حصه کنند یک حصه در موم روغن کنجد از روغن غار ساخته باشند سیاه نیزند و یکحصه را در سرکه حل کنند
وانچه از سرکه ساخته باشند در روز بمالند و شب بآب شسته انچه از موم روغن ساخته باشند

عنب الثعلب تر کنند و بران نهند ریش شدن سرطان را مانع آید طلاء که منع زیاده شدن
وریش کشتن سرطان نماید ص گل ارمنی کل مختوم سفید آب سرب بانیت انفاق وعصاره
کاهو یا عصاره حی العالم یا لعاب بنگ و از مهره صلایه سرب بسایند و طلا کنند طلاء برای
دار الثعلب ص کبریت زرد سم بره و موسوخته اجزا مساوی بروغن سرشته اول موضع را
بپیازداشتان بمالند پس شسته دواء طلاء نمایند و چند دفع چنین کنند طلاء برای سعفه
رطب که در هندی گنج سر گویند منقول از بیاض عم مرحوم ص نیلا تهو تهه برشته نیم تولهٔ عدس
سوخته آمله پوست انار خشخاش سفید کمیلا سوخته از هر یک یکتوله فلفل نیم توله در روغن سر
ادویه مسحوقه مذکوره را سرشته طلا کنند طلاء برای سعفه یابس بکار آید ص نوشادر مس سبز
سوخته از زروت قرطاس محرق هر یکه و جزو گوگرد زرد یک جزو بسر که سائیده طلا کنند طلاء
محمد زکریا گوید که سعفه را به ازین دوا نیست ص سفال تنور سوخته یکجزو نمک نیم جزو نرم
بسایند و با سرکه سائیده طلا کنند طلاء بجهت سعفه یابسه نافعست ص نمک زاج سوخته
کبریت بر آب سیماب مازو زرد چوبه زراوند مروارسنگ بسرکه انگوری و روغن گل طلا کنند
طلاء مجرب حکیم سعد الله گیلانی ص مروارسنگ توتیا پوست انار مرتک مازو روما
روغنگل هر یک سه مثقال سرکه کهنه یک ملعقه طلاء که سعفه را استاصل کند ص صابون
زقی بگلاب برنهند تا کف بردارد پس بنج مثقاله موم سفید روغن بادام هر یک قدری اضافه
نمایند و طلا کنند پس بآب گرم بشویند طلاء که سعفه و ریشه ها که بر سر کودکان باشد زائل
کند ص مغز بادام سوخته زراوند مدحرج هر یک یکجزو حنا قنبیل دم الاخوین هر یک دو جزو
سفید آب زراوند طویل خبث الفضه مروارسنگ هر چهار جزو بکوبند و در سرکه تر کنند و روغنگل
ترکرده طلا نمایند طلاء که قمل را بکشد ص صبر سقوطری شیاف مامیثا زنجبار سنج اجزا برابر
کوفته بیخته در روغن گل حل نموده طلاء نمایند طلاء برای قمل و صبیان و خارش که در
جمیع بدن باشد ص شیاف مامیثا یک جزو ورق نصف جزو نشاسته مثل جمیع ادویه

جهت دار الثعلب و سعفه رطب ص کف دریا کاغذ حب لغار سهه را سوخته بسرکه سرشته
طلا کنند طلاء دیگر که بهمه انواع داء الثعلب عجیب الفعل است ص بیخ نی سوخته
سرگین سوخته خاکستر خار پشت نوشادر بوره مغز بادام تلخ سوخته خربق سفید هر یک
یکجز و کوفته بیخته بروغن بنت طلاء کنند و به برگ انجیر همین خارند طلاء جهت وحس بعد از
فصد و تلیین بجهت تسکین و جع بکار آید ص افیون بزر البنج کوفته با سرکه طلاء کنند و همچنین
اگر بعد از فصد که چند دفع بعمل آورده باشند افیون اگر در سرکه کداخته باشند و بعد ازان بر قطوفا
مضروب بسرکه بر خرقه که در آب برف تر کرده باشند گذاشته ببندند و هر گاه خشک گردد
اعاده کنند و مبالغه در تحذیر باب برف نیز مفید است طلاء بجهت رویانیدن مو
از مجربات حکیم جعفر اکبر آبادی و جد امجد رئیس میر رحیم الله بعد پنجاه سالگی ازین طلا برآمده
بود ص برادهٔ عاج بنجال مگس برابر بروغن بیضه مرغ سوده بهر جا که طلا نمایند موی برآید
طلاء جهت آماس گرم و کوفتگی اعضاء و شکسته شدن آن سودمند بود ص گل ارمنی
فوفل افنا هر یک دو اسارصندل سفید سه اسار شیاف مامیثا حضض هندی بوشن و هندی
خطمی سفید آب قلعی مروارسنگ هر یک پنج اسار کوفته بیخته بآب بید و آب کاسنی کشیر شسته
و سرکه و گلاب اندکی اضافه نموده بکار برند طلاء جهت اورام ملتهبه ص صندل سرخ
فوفل شیاف مامیثا سفید آب قلعی گل ارمنی هر یک یکجز و پوست بنروج افیون
هر یک نیم جز و آب خمیر کرده بشکل بنادق ساخته نگاهدارند وقت حاجت به گلاب
یا آب کشنیز تر و قدری سرکه انگوری سائیده و بالائش جامه بآب برف تر کرده نمند و چون
گرم شود اعاده جامه نمایند طلاء سرطان که در اول بکار آید ص حکاکه سنگ آسیا
حکاکه سنگ آهن سرکن حکاکه سرب آب کشنیز تر یا آب عصاره کاهو سائیده طلا
کنند طلاء که در اول سرطان بکار آید ص سرب باریکی از آبهای مذکور بسایند و تو تیا
و صبر و سفید آب اضافه کنند و در میان مهره صلایه سرب بشایند و اگر خرقه کتانی در آب

صبر کنند پس بآردنخود و آب چقدر بشویند پس روغن مورد طلا کنند که در سبوسه
رقیق بکار آید ص عصاره برگ کنجد عصاره برگ سیاه دانه بادام تلخ سقمونیا کوفته با خل خمر و
آرد حلبه یا آرد نخود ممزوج نموده بکار برند طلا رجهت جمره و سایر اورام ملتهبه را نیز فائده
بخشد ص صندل سرخ فوفل شیاف مایثا سفیده گل ارمنی کوفته بخته آب کنتیز سبز طلا
کنند طلا رجهت خنازیر ص آهک زرنیخ سرخ هریکده درم صمغ صنوبری درم روغن گل
هفتدرم صمغ را در روغن حل کنند دادویه را کوفته بدان بسرشند و طلا کنند طلا رجهت
دار الثعلب که موی را بر ویاند ص قیصوم پرسیاوشان بابونه هر واحد یک دقیه در آب
بپزند تا مهر اشود پس بیالایند و همچند آب روغن بآن آمیزند و بآتش آهسته بپزند تا روغن بماند
پس طلا کنند طلا رجهت دار الثعلب ص مومیزرج زرایج هریک پنجدرم بوره خردل کبریت
زرد تقسیا فرفیون هریک یکدرم زبد البحر سه درم کوفته بخته بشراب کهنه سرشته بعد دلک
بمالند و هرگاه تنفط گردد یک روز درمیان بعمل آرند و بتبخیر لبط و مرهم سفید آب معالجه کنند
بعد ازان اعاده ضماد نمایند اگر احتیاج داعی شود طلا رجهت منع نمودن انبات موجب ثابت
منقول از اکمل الصناعه ص آب انجیر بیضه تمام زبد البحر اب ترنج از هریک قدر مساوی
باهم مخلوط نموده از هر جا که دوسه مرتبه طلا کنند هرگز مو ازان موضع بر نیاید و همچنین اگر طلا
کنند موضع را از بیخ و شوکران و افیون هرگز مو نه براید طلا رجهت رویانیدن مو عجیب الفعل
است ص سم بز سیاه سوخته کندش سم الاغ سیاه سوخته با روغن زیتون بکار برند و
مولف حاوی کبیر و اطبار متقدمین را اعتقاد آن است که چون کندش را با روغن و سم
مرغ طلا کنند در همه اعضا موی را بر ویاند حتی در کف دست طلا رد یگر همین درین باب
ص پوست درخت انجیر و برگ او کف دریا سوخته هریکده درم فرفیون پنجدرم و آب
پیاز بسرشند تا دو روز طلا کنند تا موضع سرخ شود بعد ازان زراوند مدحرج لادن استنیر
سوخته مورد حضض مساوی کوفته بخته بآب عنب الثعلب سرشته طلا کنند طلا

غسل کنند و بیرون آیند طلاء بجهت جرب و آبله مستعمل و الدهاجد است ص مردارسنگ
حنا کمیله چونه بری خشک از هر یک یکجز و نیله تهوتهه نیم جز و کتهٔ شش جز و کوفته بیخته در روغن
تلخ یا شیرین آمیخته بمالند و اگر ساعتی در آفتاب نشیند اولی است طلاء برای جهانجن
اگر سرخ یا سیاه رنگ در عضوی بهم رسد و سفیدی نیز دران باشد و جلد تو بر تو مثل قوباء
منتشر شود ص صابون عراقی بگلاب سائیده طلاء نمایند از مجربات است طلاء
جهت جرب و رفع آثار یکه تبجر به بعضی رسیده ص سیماب سعر بادام تلخ هر یک سه درم
تخم خربوزه غیر منقشر پانزده درم تا یک هفته هر شب طلا نمایند طلاء برای جهانجن مجرب است
منقول از بیاض عم مرحوم ص پاره یکدام کته یکدام اجوائن خراسانی یکدام روغن گاو
چهار دام در ظرف مس با چوب نیم نه روز بهم نمایند بعد ازان بر جهانجن طلا کنند و با آتش گرم
مقابل دارند طلاء دیگر برای جهانجن ص سر تیم کادی پنج از هر یک یکدام زرنیخ زرد
صبر سقوطری از هر یک پنجدام مغز تخم بهدانه یکدام سر تیم کادی را با قدری آب بر آتش
حل کنند و اجزاء کوفته بیخته داخل نمایند تا مثل مرهم شود قدری از و بر دی کاغذ آس کرده
بر موضع شقاق بگذارند تا هفت روز طلاء دیگر جهت جرب رطب و یابس و به هوا و آتشک
از مجربات است ص سرب سیماب زرنیخ هر یکدیده درم سرب را در سفال بگذارند و فرود
آرند و هوا و اش بدارند پس دیگر ادویه ضم نمایند و حرکت دهند تا منعقد شود پس خوب بدست
مالند هرگاه مثل غبار گردد استعمال نمایند طلاء جمره که بر لب و قضیب و خصیه و مواضع رطبه
باشد بکار آید ص بوره پنجدرم قلقطار قلقدیس هر یک هفتدرم با آب سائیده طلاء نمایند
طلاء خراص آرد نخود آرد با قلا آرد تر مس خطمی هر یک جزوی در کشکاب به لعاب
حلبه بشویند و طلا کنند طلاء دیگر برای همین مرض ص زهره گاو یکدرم بوره ارمنی ده درم
چقدر چهل درم با عسل بیامیزند و طلا کنند طلاء برای خراص بوره ارمنی چهل درم
صابون یک اوقیه در دی شراب یکدطل در هم سرشته بر نهند و در میان سوکنند و یکساعت

سنبل حماما قردماناداز فلفل سلیخه قسط تلخ حاقر قرحامصطگی مرتقل جب بلسان اشق صبر میعه سائله
سیسالیوس زراوند طویل زراوند مدحرج سعد اکلیل الملک قرنفل ایرسا روغن بلسان
هریک یک اوقیه حلک سوم هریک سی درم میعه را در روغن ناردین حل کنند و دیگر ادویه کوفته
وبیخته بر روغن بلسان لت کرده بدان بیامیزند و حرکت دهند تا یکسان شود طلاء کنند اولی
است استعمال آن بمحذوم ص نطرون اشق قرفیون کرنب زرد برگ انجیر بالسویه کوفته
بیخته بسرکه سرشته طلاء کنند طلاء دیگر از مجربات حکیم کمال الدین حسین ص کبریت زرد
قسط تلخ وشیر بن مازو محرق مویز هلیله سیاه سوخته اسنان هریک سه توله برگ درخت
صنوبر ده توله آرد نخود آرد باقلا هریک دو کف آب برگ گردگان وسرکه خمیر کنند و شبانروز
بگذارند و هر روز قدری از آب برگ جوز وسرکه داخل میساخته باشند و روغن بنفشه و روغن
گندو هریک یکپاو شحم سه قطع مغز جوان شحم و روغن را بهم گداخته صاف نموده ادویه منقوعه
بعصاره جوز وسرکه را در میان روغن های مذکور یکروز زیر تبر می زده باشند و شب بمالند
وصبح بحمام رفته بشویند و بدن را از عرق خشک کرده مسکه گاو را باز عفران بمالند طلاء
بحمت جرب منقول از بیاض عم مرحوم ص سیماب گندبک نیله تهوتهه هرنیال بابچی از
هریک یکتوله نیل نلگ شش توله کوفته بیخته در روغن حلکرده مالش نمایند و در آفتاب نشسته
بعد از سه ساعت کهلی روغن تلخ بمالند و بآب گرم بشویند در سه روز دفع شود بحمت
قوبا نیز نافعست طلاء بحمت جرب طب ص سیماب مغسول خبث الفضه برگ خرزهره
اشنار مردارسنگ کندش همه را بکوبند و بروغن گل تر کنند و بشب طلا نمایند و روز بحمام
رفته بشویند طلاء بحمت جرب وحکه مجرب است ص سیماب آهکلیمیای فضه گوگرد
سفید برگ خرزهره کندش دفلی مردارسنگ بالسویه کوفته بیخته باقدری سرکه در روغن طلاء
کنند و بشب همچنان بخوابند و صباح بحمام روند و بسرکه داشنان اخضر بدن را بمالند پس
بآب گرم غسل کنند و عقب وی بآب سرد بشویند پس روغن گل بمالند و باز بآب سرد

برو طلا کنند طلاء که نشان آبله برطرف نماید ص فی بوسیده یک جزو مروارید یک جزو هر دو را باهم بیامیزند و بشیر زنان تر کرده طلا کنند سر نوبت و آب گرم بشویند طلاء برای برص منقول از فرابادین عم مرحوم ص گندبک آمله سارگیر و جلنار بابچی مساوی الوزن شربت بکمثقال شبار روز در آب خیسانیده زلال آنرا بنوشند و ثفل را سائیده بربدن طلا نمایند و اگر در ایام استعمال این دوا نمک ترک نمایند اولی است طلاء بهجت برص منقول از بیاض عم مرحوم پوست بیخ انجیر دشتی یکدام آمله دو دام بابچی یکدام کوفته بیخته نگاهدارند و گل ڈاک مع سیاهی که مثل کلاه بر گل ڈاک میباشد دو دام در پنجاه دام آب فقط گل را بجوشانند هرگاه بمقدار پانزده دام بماند نگاهدارند تا که آب سرد شود بعد ازان گل را از دست مالیده آب را از پارچه گذرانیده دو دیه مذکوره را داخل آب کرده حل نمایند حب ها مثل حب کنار دشتی بندند و یک حب در آب سائیده بر موضع طلا نمایند طلاء یزدی منقول از مجربات حکیم باقر ولد حکیم عماد الدین شیرازی نافع از برای اورام حاره که در غیر تغابن باشد ص صندل سرخ عصاره مامیثا گل سفید که معروف بورد چینی حضض فوفل زعفران کوفته بآب سرشته بنادق سازند و نزدیک حاجت یکی را بآب کاسنی تازه و آب کشنیز تازه و گلاب و عنب الثعلب سوده طلا نمایند طلاء یزدی بنسخه دیگر ص صندل سرخ گل ارمنی عصاره مامیثا حضض نکی بوش در بندی صبر سقوطری اقاقیا از هر یک جزوی افیون زعفران از هر یک عشر جزوی کوفته بیخته بآب عنب الثعلب سرشته اقراص سازند و در وقت حاجت باعصاره که مناسب باشد سوده طلاء نمایند طلاء که سیاهی را سود دارد ص انزروت نوشادر زنگار بآب صابون سرشته طلاء کنند طلاء که در رفع ساختن ثالیل بعد از استفراغ سوداء بهار الجبن بکار آید ص مازو شب یمانی باشم حنظل طلا کنند طلاء بهجت جذام که بعد از استحکام خلبه و تعاهد تعقد و واجبین در ربیع و خریف و گذاشتن محاجم بلا شرط بر فم معده و بادون سر اشیف بکار آید ص لادن دو درم دنبیم اوقیه

کرده زبد البحر کوگرد سفید حافر فرحا خرد دل سیاه قنبیل زبره برابر ده نخاس حب النیل هریکدو
تولد استخوان ماهی سوخته بیخ نی سوزنج سوخته هریک کفی اجزاء کوفتنی را بکوبند و باسرکه
بجوشانند تا چون مرهم شود بعد ازان باخون مار سیاه وخون خفاش مزوج کرده برموضع
برص یک اربعین طلا کنند طلاء برای داوص تخم نیوار آمله لاکهه زبره اجزاء
برابر کوفته وموضع داد را باکیسه حمام خوب بمالند بعد ازان سفوف مذکور را باب طلا کنند
درسه روز برطرف شود طلاء سعفه منقول از بیاض عم مرحوم ص قنبیل تنکار زرد چوبه
یابچی در روغن تلخ کهرل نموده بکار برند بیخ خرد دل شونیز بوره ارمنی بیخ کنیر گوگرد بقدر مناسب
گرفته سائیده باسرکه آمیخته طلا کنند طلاء برای برص اظفار که بعد از تنقیه بکار آید ص جوز السرو
آرد نخود باب ترمس درسرکه سرشته طلاء کنند وهمچنین شبت تخم کنان وحرف وخرد دل
باهم کوفته بسرکه طلا کردن ودردی شراب باسرکه سوخته بازرنیخ ورانیج وزفت تر سرشته
همین عمل دارد وکذلک بیخ حماض بسرکه طلا کردن همین اثر دارد طلاء دیگر قوی از
اول است ص زرنیخ شب یمانی کبریت هریکجزوی زفت بسرکه وانگبین حل کنند ودیگر دواء کوفته بیخته بدان
بسرشند وطلا نمایند طلاء برای انبات اللیل ص شیاف مامیثا یکدرم ونیم ترمس بوشن زنبد سرخ یکدودرم
ارد باقلا سودرم خلای بوزیدان یکدرم کوفته بیخته باب طلا نمایند واگر این عارضه بران جا مله باشد ترمس را
موقوف نمایند طلاء جهت بهق ص شطرج فوه تخم ترب کندش خرد دل بسرکه تیز بسایند ودر آفتاب طلا کنند
طلاء بجهت بهق اسود ص تخم ترب ده درم قسط کندش هریکدو درم کوفته بسرکه آنگور
سرشته طلاء نمایند طلاء بجهت ترهل از کناش یوحنا ص صبر شیاف مامیثا هریک
درمی تخم حرمل یکمثقال فرفیون دو درم ورق کرنب سوخته پنجعد مخلوط ساخته بارو غن گل
یارو غن کنجد یارو غن خیری سرشته طلاء کنند طلاء برای ترهل ص صبر سقوی مرارقیا
حضض سعد شیاف مامیثا زعفران گل ارمنی مساوی بکوبند وبیکو بسرشند وباب کرنب طلاء
نمایند طلاء لوثول را بابرد ص مازو شب یمانی تخم جرجیر بکوبند وبزبره گاو بسرشند وچندبار

بزر القنبج پنجدرم روغن گاو درم همه را در طاس انداخته بدسته چوب نیم سه روز لب یار سحق نمایند
وهر روز طلا نمایند طلاء مجرب حکیم کمال الدین حسین نافع با تشک وجرب تر وخشک
ص قسط تلخ زراوند مدحرج ایرسا ورق فلی سیماب ماميران چینی کندش بوره مردار سنگ
هر یک پنج مثقال پیه مرغابی روغنگل بقدر کفایه پیه را در روغن بگداز ند وادویه کوفته بیخته بآن
آمیز ند وشب بر بدن بمالند وصبح بحمام روند طلاء کلشبره را پاک گرداند وثبوری که بر روی
پیدا شده باشد بر وص جوتفشر نیکوفته در پاتیله کنند وبریزند شیر تازه دوشیده دور طبل بر
بجوشانند چنانچه که شیر بماند وبیرون آرند وخشک کنند بعد ازان بگیرند زرد چوبه کتیرا از هر یک
سه درم وبکوبند یا آن جوخشک کرده وبیزند بجریر ولبر شند سفیده تخم مرغ وطلا نمایند
بر روی وبعد ده ساعت بشویند بآب نخاله طلاء بجهت برص ص ماذریون بوره خربق
سیاه فلفل سیاه مساوی در سرکه بپزند پس مقداری نطرون وزاریح برادهٔ آهن کف دریا
بسایند ودروی بیامیزند تا غلیظ شود پس موضع را بنطرون بشویند واین دارو ها بر موضع
بر آن موضع در آفتاب مکرر طلا کنند وصبر نمایند تا آبله کند پس آب از آبله بیرون کنند وبگذارند
تا خشک شود پس دیگر باره طلا کنند واین طلاء قوی است در افعال خود طلاء که بالخاصیت
نفع کند موضع برص را بخون مار سیاه دلک کنند پس عسل بلا در طلا نمایند وبگذارند تا
متقرح شود آنگاه تدارک قرحه نمایند ص که برص را ببرد شیطرج حاقر قرحا حضض خودل
شوینز گل شقایق زرنیخ زرد مو تو هر یک یکجز ونرم بکوبند وبخون بز لبر شند وطلا کنند
طلاء دیگر ص تخم ترب کندش مغز بادام تلخ شیطرج زرنیخ سرخ وزرد اسفند خربق
سیاه پوست جوتر هر یکی چند وی کوفته بیخته بشراب سرشته طلا کنند طلاء دیگر درین باب مجرب
است ص ذرانیخ عسل بلادر ثافسیا سرگین کبوتر تخم ترب شیطرج ماذریون همه را کوفته
بیخته لبر کهنه سرشته طلا کنند طلاء دیگر مجرب محمد زکریا جهت برص ص شیطرج هندی
سنگ سرمه مازو سبز منقوب زاج سبز زعفران خبث الحدید هفت شبار وزرد در سرکه طلاء

مجرب ص فرفیون قنہ از ہر یک دو درم لسباسہ دار فلفل یک و نیم درم جند بیدستر یک و نیم درم
عاقرقرحا دو نیم درم موم کافوری نیم درم تخم جرجیر یک و نیم درم زنجبیل نیم اوقیہ اول موم را در روغن
مذکور حل کردہ ادویہ کوفتہ بیختہ در آن بیامیزند و بعد سحق بلیغ بعسل آرند مادون خشفہ طلا کردہ
باشند و بالایش برگ پان بچیند طلاء کہ جلق وغیرہ امراض بارد قضیب را نفعدارد ص مہیا
تیلیہ دودام کمونچی سفید مغز جمال گوتہ پوست بیخ کنیر سفید بیر بہوٹی ہر یک یکدام در نیم سیر شیر بیش
علی الاتصال ہشت پاس کہرل نمایند و در سایہ خشک کردہ گولی ہا بقدر کنار دشتی بندند و بدستور
مسہو در روغن کشند و بر قضیب طلا نمایند و بالایش برگ پان بچیند از مجربات والد ماجد طلاء برای
جالق ہرگاہ دریش و پس تفاوت باشد ص سنبل کہار تیلیہ کنند ہک آنولہ سار سہاگہ تیلیہ سیماب روغن گاو
خالص ہمہ ادویہ را سوای سیماب خوب باریک سائیدہ مثل سرمہ نمودہ در روغن زرد بیامیزند
پس بعد رفع بافتہ باریک را باد و امند کور ملوث نمودہ در سیماب اندر کہرل انداختہ از یکطرف پارچہ اش دہند
در سیماب بچکانند تا آنکہ تمام پارچہ سوختہ شود آنرا نان چہار پاس خوب کہرل زدہ در شیشی نگاہدارند وقتیکہ خواہند
قدری بر قضیب مالند و قدری بر برگ پان مرد سیمان خام بہ بچیند و در زیر خشفہ را طلا نرسد در ہفتہ سہ بار استعمال
نمایند بفضل الٰہی مطلب حاصل گردد طلاء از حاوی کبیر ص بگیرند صوف پاک را در روغن
سداب یا روغن فشار الحمار تر کردہ ورق عاقرقرحا کوفتہ بران پاشیدہ و قدری سرکہ نیز پاشیدہ بعسل
آرند طلاء کہ بدا بالفیل نافعست ص صبر اقاقیا مر عصارہ لحیتہ الثیس شب کوفتہ بیختہ با سرکہ کہنہ
سرشتہ طلا کنند و بالای آن عصابہ بندند و در بستن از طرف عقب شروع نمایند طلاء مخدر
ص فیون چند بیدستر ہر یک یکجزو زعفران نیم جزو طلاء برای وجع رکبہ از بیاض عم مرحوم
ص بگیرند حنظل دو عدد را در نیم آب بجوشانند تا آنکہ نصف بماند صاف نمودہ با روغن زیتون
بیست و پنج درم جوشانیدہ تا کہ نصف آن پنج آثار آب برود بعدہ حب النار سحق و در آن انداختہ
بجوشانند تا کہ تمام آب برود و روغن بماند پس سورنجان و بنفشہ و حنا از ہر یک سہ مثقال کوفتہ بیختہ
داخل کنند و در محل وجع طلا نمایند طلاء بزنبور سنگ ص زرنیخ سیماب صاف کردہ ہر یک یکدرم

طلامه برای تعظیم ذکر ص ضفدع خشک و کلان بمثابه باشد که بعد خشک شدن پاوآثار باقی
مغز خربپاوآثار چونک خشک پاوآثار خراطین خشک پاوآثار همه را نرم کوفته و در شیشه
گل حکمت انداخته چوه بکشند و بکار برند طلامه برای جالق و درازی وسطبری قضیب ص
شیطرج سرمه مازو استخوان ماهی سوخته زاک سرخ شنگرف از هریک یکتوله خراطین هفت توله
افیون دوتوله عروسک دوتوله همه را سائیده سرمه سا نموده نگاهدارند و زغ پنج توله سائیده
هفت توله پیه شتر هفت توله تخم ترب تخم گندر از هریک چهار توله قرنفل جنگلی هفت توله مرچ جنگلی
پنج توله این همه را بطریق چوه بکشند و دواها که نگاه داشته اند آمیخته استعمال نمایند از مجربات
حکیم محمد جعفر اکبرابادی است طلامه ممسک عجیب ست ص مستی غوک کچله سمندر سوسک
کف دریا فلفل دراز پنج کنیر سفید کوفته بیخته طلا نمایند طلامه مقوی ص خراطین انگوزه گهونگچی
سفید پوست پنج کنیر سفید تخم دهتوره از هریک پنجدام همه ادویه را چهار پاس در شراب
ترکرده درمیان شیشه انداخته مثل چوه بجکانند و سوای خشفه طلا نمایند طلامه معروف
بیٹی فراسیس ترنگ ص سوزه اقرقرحا قرنفل خراطین تازه فرفیون چند بید ستر یالکنی از هریک پنجاشه همه را
باریک سائیده در پیاز نرگس که برگ نیاورده باشد ریزه ریزه کرده در نیم آثار شیر گاو ترکنند
تا پنج گهری بعد ازان ادویه مسحوقه را با پیاز نرگس در کهرل حل نمایند تا که خشک شود پس پیاز سفید
پنج حدد داخل نموده حل کنند تا که خشک گردد پس زهره گاو نر جوان داخل کرده بسایند و برداشته
در ظرفی نگاهدارند وقت حاجت بر برگ پان مالیده و قدری بر قضیب طلا ساخته به بندند
تا بیست و یکروز پیش زن نروند طلامه هندی بیٹی برای تقویت باه سفید است ص
بافته نازک سفت را با زرد چوب رنگ کرده در سایه خشک نموده با شیر زقوم که هندی تهوهر
گویند خوب تر کنند و در سایه خشک نمایند پس با شیر بز تر کرده بدستور خشک در سایه کرده
اول برگ پان پیچیده و بالای آن پارچه به بندند و پنج پیچند تقویت تمام نماید و هرگاه احساس
سوزش شود و خارش ظاهر گردد فوراً وا کنند که موجب تقریح نشود از بیاض عم مرحوم طلامه

میباشد مانند پرستان کوچک نزدیک ابرو باید که ضفدع کلان را گرفته آن موضع را افشرده مستی
که از وتراود او را با چکیده مستی فیل در ماد مخشته برابر الیعاش طلا کنند بعد از خشکی بمرغوب نزدیکی
نمایند طلا مه که افراط حیض را باز دارد ص بلوط طباشیر هر یک یکدرم افاقیا گلنار صندلین هر یک
سی درم گل ارمنی چهار درم گل سرخ عدس تقشیر هر یک پنجدرم کوفته بخته بآب بهتر ساخته
برعانه و پشت طلا نمایند طلا مه که زود انزال منی زن کند ص تنکار کافور هر یک جزوی
عسل شش جزو باهم سائیده بقدر نخود سه حب بندند و بخز خشفه برذکر طلا کنند در دو ساعت دخال
منی زن بریزد طلا مه دیگر مجرب صاحب گنج باد آورد ص میعه سائله زاک متعارف هر دو
مساوی کوفته بخته میعه را قدری بر آتش گرم کرده باهم ممزوج سازند و نگاه دارند لمحه پیش از
دخول بقدر یکنیم برنج در فرج بمالند طلا مه منی زنان را که بی اختیار روان باشد باز دارد ص
صندل سفید و سرخ گل سرخ برگ نیلوفر و بنفشه گل خیری آرد جو تخم فنجنگشت گرفته کوفته بخته بگلاب
طلا مه نمایند طلا مه بهجت عنی واز کار رفته بسیار مجرب است ص مستی که عقب سر ساننده
میباشد بوزن یک نخود فرنفل سه عدد بآب برگ پان صلایه نموده طلا کنند طلا مه که ورم
حار خصیه را نافع باشد ص بابونه اکلیل الملک خطمی خیاف مایشابوش در بندی از هر یک
هفتدرم صندلین از هر یک سه درم بنفشه دو درم کوفته بخته بگلاب طلا کنند طلا مه که نرا استنی
متین باشد ص حب بلسان جاوشیر سنبل باد آورد مساوی کوفته بخته باز هره گاو بر قضیب
طلا کنند و بگذارند تا خشک شود پس مجامعت کنند زود آلبستن شود طلا مه دیگر ص برگ
سنجد را خشک کرده بکوبند و باز هره گاو بر قضیب طلا نمایند و مباشرت کنند طلا مه مقوی
باه ص شحم شیر میل گوش خراطین پوست بیخ کنیر سفید روغن ماده گاو طلا مه مقوی باه ص
شحم غوک دشتی شحم سانده از هر یک نیم دام مسکه شش چهار دام زهر بلد به نیم دام شحم شیر برابر همه
همه ادویه را در اوند آهن از چوب ڈاک که در وفلوس خیسانیده باشند بمیت و شش روز
گهل نموده مقدار نخود بر قضیب بمالند از ترشی و جماع تا مدت استعمال دوا پرهیز نمایند

گذاشتہ باشند صباح آنرا باہستگے جدا سازند و دیگر طلا کنند تا کہ روده بتمامہ بالا رود از بیاض عم محروم
طلا جہت باریکی عقب ذکر مجلوق ص جوز بوا البسباسہ اشنہ ہر یک چہار ماشہ چرک گوشت گاو مے
چربی خصیہ خرنیم پاو ہمہ را در شراب دو آتشہ بسایند چنانچہ یک سیر شراب جذب شود بکار برند
طلا مہ از قاضی درویش محمد در تجربہ والد ماجد در آمدہ ص بیر بہوٹی گہونگچی سفید زہر مہرہ بیخ جنبیلی
بیخ چنپہ بیخ کنگہے بیخ کٹائی و بیخ اونٹ کٹارہ بیخ آرنڈ پپہ شیر پپہ سوس پپہ کپہوا پپہ خوک از ہر یک
پنجدرم پختہ شیرک کلان سہ عدد سانڈہ شش عدد زلو صحرائی چہار عدد جولاہہ کہ آنرا بیراک گویند
یکدرم پختہ نکچہکنی پنج آنکہ مار سیاہ شش انگشت از جانب سر دور کردہ ہشت انگشت بگیرند اول
نکچہکنی در آب صاف بشویند و در سایہ خشک نمایند و بیخ ہا را جو کوب نمودہ در روغن گاو و
ہمہ را انداختہ قدری در دست بمالند کہ خوب تر گردد و بعد ازان یک سبوی کلان کہ در روغن زرد
یا سیاہ مستعمل شدہ باشد از سہ پارچہ گزی گل حکمت کردہ خشک سازند و در زیر آن سہ جا سوراخ
نمایند و دران سوراخ ہا بیخ ہا بانفس بگذارند و بعد ازان مار را پارہ پارہ کردہ و پپہ خیتر وغیرہ را
باشیرک و سانڈہ و دیگر اجزا با نکچہکنی و بیخ ہا آمیختہ یکجا نمودہ در سبوی مذکور اندازند و قریب شصت
انگشت سبوی خالی دارند و بالای آن سر پوش گلی نہادہ خوب بند سازند و باز گل حکمت
نمایند و بعد ازان با آتش ہا چک دستی بطریق تپال چند روغن بگیرند انشاء اللہ تعالی نفع تمام
نمایان خواہد شد طلا مہ کہ در تقویت عدیل ندارد و دفع عینہ کند ص پیاز نرگس بیاز عنصل
قند ہر یک نیم جزو در بیست و ہشت مثقال روغن زیتون و قدری آب بجوشانند تا مہرا شود
و آب سوختہ روغن بماند پس صاف نمودہ عنبر نیم مثقال زہرہ کبشک تخم انجرہ عاقرقرحا
خرد دل سرخ ہر یک یکمثقال اضافہ کردہ مکرر بر قضیب و عانہ و ہشین طلا نمایند و اگر موہائے
و امثال آن و زہرہ مرغ و مانند اضافہ کنند باعث تقویت آن مشود طلا مہ چون زن
در فرج کردہ بمرور غبت نماید مرد فریفتہ آن زن گردد ص تلخہ ماہی روہو فلفل در از یک جا
کردہ با روغن گاو طلا نمایند طلا مہ ممسک و مجرب ص بر پشانی ضفدع کہ فرونی

امتحان آن ست کہ یک کیلہ پختہ شبی از دست نرم نمایند و دوا مذکور بران طلا نمودہ
نگاہدارند روز دیگر اگر آن کیلہ سخت باشد علامت تبار شدن دوا است والا باز چہار بار
بزودی کہرل نمایند **طلاء** از حکیم محمد عابد ص زنبق دو درام سہاگہ نیم درام بنفش یک درام بچہناک
نیم درم قسط شیرین نیم درام قسط تلخ بیربہوٹی یک درام جند بیدستر یک درام روغن کنجد سیاہ پاور سیر خام
عرق برگ چنبیلی نیم آثار شراب دو آتشہ پاو آثار اول عرق برگ چنبیلی و شراب و روغن یکجا
دادہ بجوشانند تا عرق و شراب فانی گردد و روغن ماند بعد ازان دواہا کوفتہ در روغن مذکور
داخل کردہ بسوزانند بعدہ صاف نمودہ در شیشہ نگاہدارند و بقدر دو سرخ طلا کنند و بالائے
آن برگ تنبول بندند تا ہفتہ دو ہفتہ بعمل آرند در تقویت باہ مجرب است **طلاء**
کہ ابتدای وجع و ورم خصیہ را نافعست ص کاکنج کوکنار آرد جوآرد عدس جملہ مساوی
باز زردہ تخم مرغ و روغن گل طلا نمایند **طلاء** کہ خصیہ فربہ شدہ را لاغر گرداند ص سنگ
کار دتیز کن و سنگ آسیا باآب کشنیز تازہ بہم بسایند و طلا کنند **طلاء** کہ خارش زہار و خصیہ را
نافعست ص صبر سقوطری نوشادر از ہر یک چہار دانگ بسبا سہ یک درم شیاف ہا ہیا
افاقیا ہر یک سہ درم سودہ و بیختہ بگلاب و سرکہ سرشتہ طلا نمایند و اگر گل سرخ و صندل لیس
از ہر یک پنج درم اضافہ نمایند در رفع خارش قضیب و خصیہ و مقعد اقوی خواہد بود
طلا بجہت کجی قضیب و استحکام اعصاب آن و برای تقویت باہ مفید است ص
افیون مصری یک درم جوز بوا یک مثقال دارچینی یک مثقال و ربع عاقرقرحا یک مثقال و
نیم پیاز نرگس دو نیم مثقال پوست خرزہرہ سفید پنج مثقال کوفتہ و بیختہ چہار ساعت بخوبی
بشراب مقطر سحق کنند و قرص ہا ساختہ خشک کنند بوقت حاجت بشراب سائیدہ **طلا** نمایند
طلا بجہت رودہ کہ در خصیہ فرود آمدہ باشد و بدان سبب یابی ورم بہم رسد ص بہی وزن
خشک را باریک سائیدہ در آب افیون محلول سرشتہ و پارچہ بدان آغشتہ کنند رو
نقص سائیدہ بر و پاشند بر خصیہ بگذارند تا یکپاس در آفتاب بگذارند پس تمام شبانروز

بهم رسد ص زنجبیل یکمثقال فلفل دو مثقال قاقله نوشادر هریک سه مثقال حلبه پنج مثقال
سورنجان یازده مثقال باموم پنج مثقال وروغن گردگان بیست مثقال آمیخته طلا نمایند
طلا ء که بواسیر را تباه کند واز پنج برافکند ص بگیرند بورهٔ لونه که قسمی از بورق است سه درم
زرنیخ دو درم سم الفار یکدرم ونیم زنگار یکدرم نرم کوفته پاره پیه مرغ را بگدازند وقدری از ان
آمیخته طلا کنند واگر علت ضعیف بود سه روز نهند هر روز دو بار واگر قوی باشد پنج روز بعمل
آرند تا علت تباه شود پس مرهمی سازند از پیاز سرخ وروغن گاو وسر علت هر روز نهند تا بهفتم
ودرین مدت بدان جایگاه آب نرسد تا وقتی که بهتر شود وچون علت افتاده باشد مرهمی
کنند از انزروت ودم الاخوین وسفیده بیضه مرغ تا گوشت برآید طلا ء جهت تسکین وجع
بواسیر مجرب وبی نظیر است ص دردو دام شیره برگ پنبه نرمه که آبی آب شیره کشیده
باشند نیمدام زرد چوب خاردار را بسایند ودر شیشه نگاه دارند بعد از فراغ
بیت الخلا موضع را شسته وآب خشک کرده دوا ء مذکور را طلا نمایند طلا ء
برای جالق وضعف باه ص پوست بیخ کنیر سفید پوست بیخ کنیر سرخ از هریک یکدام
جوز یکعدد افیون مصری نیمدام اول هر دو پوست را کوفته بخته وهمه را همراه پیه گوسفند که بقدر
سوسمار گویند پنجدرم یکروز کهرل کنند بعد ازان رس برگ دهتوره انداخته نادو گهڑی کهرل
کنند پس مثل کنار گولی بسته یک جب در شراب دو آتشه حل کرده سوای حسفه طلا نمایند
تا چهارده روز وباید که کوه کلان باشد که آن را شاه گوه میگویند طلا ء جالق ص چربی شیر
پنجدام چربی خوک جنگل پنجدام بیر بهوٹی یکدام جوز بوا یکدام قرنفل بسباسه زعفران مالگنی
اجوا ابن خراسانی سر کشمیری هیر اهینگ سهاگه کافور بهیم سینی چرک گوش آدمی شنگرف
بیخ کنیر سفید هریک ودام خراطین خشک زهر بهناک گهونگچی سفید عاقرقرحا آتش بچگان
دارچینی هریک یکدرم گهٹه نرگس عدد مغز غوک جنگلی چهار عدد مغز کنجشک خانگی شش عدد
مغز وچربی سانڈه دو عدد مغز وچربی نیوله دو عدد همه را کوفته نادوازده پاس کهرل نمایند

طلا نمایند طلا مه که همین عمل دارد ص اقاقیا سعد مرکند رجوز السرو گل سرخ آمله گل رمنی
بلوط کاورس برنج عدس گلنار بزرالبنج صندل باب مورد یا آب به برشکم طلا کنند طلا مه
کرفی را باز دارد و شکم به بند ص گل سرخ پنجدرم اقاقیا گلنار مازو شب یمانی جوز السرو صندل
سرخ و سفید عدس برگ مورد هریک سه درم طباشیر دو درم باب به برشکم و معده و پشت طلا
نمایند طلا برای ضعف معده و وجع فواد ص دارچینی عود صلیب صندل سفید اگر ترکی زرنباد
بگلاب سائیده روغن مصطگی داخل نموده بر فم معده طلا نمایند طلا مه برای حرقت
فم معده و درد معده گرم نافع است منقول از بیاض عم مرحوم ص پوست بیرون پسته
زرد صندل از هریک سه ماشه عود کند رمصطگی طباشیر روغن گل یک تولچه گلاب
قدر حاجت کوفته بیخته با روغن گل و گلاب سرشته بر فم معده طلا نمایند طلا مه از شفائی
جهت استسقاء لحمی ص درمنه ترکی صدف سوخته بوره ارمنی سرگین گاو کهنه بسرکه
طلا کنند طلا مه که درم گرم جگر را نافعست ص بنفشه گل خطمی آرد جو هریک هفت درم
گل سرخ چهار درم صندل سفید و سرخ بابونه اکلیل الملک تخم کاسنی تخم کشوث نیلوفر
هریک دو درم شیاف مایثا سه درم ریوند چینی یکدرم سنبل نیم درم کوفته بیخته بگلاب و آب
کاسنی طلا نمایند طلا مه درم نرم را که بعد از بیماری های دراز که در روی و چشم پیدا شود
زائل کند ص اقاقیا شیاف مایثا مرکی سعد زعفران حضض گل ارمنی کوفته بیخته بسرکه و
آب عنب الثعلب طلا کنند طلا مه از بیاض کبیر عم مرحوم برای فائده مذکوره ص کف دریا
نمک سنگ بوره ارمنی اگر ترکی زرنباد حاشا صبر سقوطری سرگین گاو سرکه و گلاب بر پشت
دست طلا نمایند طلا مه آماس و طپش جگر را بنشاند و در وسا کن کند ص گل بنفشه گل
خطمی بابونه اکلیل الملک از هریک پنجدرم گل سرخ تخم کاسنی تخم کشوث شیاف مایثا
از هریک سه درم لک اسارون ریوند چینی از هریک دو درم مصطگی نیم درم زعفران
رودانگ سوده بیخته با آب کاسنی و گلاب طلا کنند طلا مه جهت درد اعضاء که از یواسیر

طلا ۱۰ که ورم تدی را تحلیل کند ص عرق مصارع یعنی جوی کسی کنیز بارد عن
حنا طلا کنند طلا ۱۰ که آماس پستان را سود دارد ص نان گندم خشک کرده
کوفته آرد جو آرد با قلا آرد جلبه خطمی هر یک جزوی زعفران نصف جزو کوفته بیخته بزرد تخم مرغ بشکنند
و طلا کنند طلا ۱۰ که پستان را نگذارد که بزرگ شود ص کندر روغن سوخته آرد جو کوفته بیخته بگیرند
سرشته در سرما طلا کنند طلا ۱۰ که معین بر بالیدن و برآمدن پستان است ص سندی کوفته
اسکند بالسویه باریک سائیده طلا نمایند طلا ۱۰ دیگر ص کج پیپل بیخ کونه اسکند بالسویه باریک
سوده با مسکه گاو طلا نمایند طلا ۱۰ که پستان را محکم کند ص برگ انار و گل و پوست انار بقدر
که باشد بسیار باریک سائیده شبانروز در آب بمقداری که بالای ادویه باشد خیسانیده روز دیگر
چند جوش دهند بعد ازان صافی نموده چهارم حصه آن روغن تلخ اضافه کرده بجوشانند تا آب فانی
گردد و روغن بماند پس در ظرف زجاج نگاهدارند و قدری بر پستان مالیده باشند سریع الاثر است
طلا ۱۰ ورم کهنه معده را سود دارد ص موم سه درم سنبل مصطگی سیاه هر یک پنجدرم مقل تخم خربق
هر یکده درم روغن نارد ین پانزده درم صمغ را در آب حل کنند و با موم روغن سرشته طلا
کنند طلا ۱۰ دیگر خلفه را که در بیضه افتد نفعد ۱۰ ص صندل سفید گل سرخ سک کافور بگلاب
طلا کنند و بالای آن پارچه بگلاب سرد کرده ببندند و چون گرم شود اعاده کنند طلا ۱۰ که ورم
و آسیب معده را نافع است ص سیب شیرین در خرفه پیچیده بزیر آتش نرم و فن کنند تا بزرد
پس پاک کرده گوشت آن بنجاه درم گل سرخ ده درم برگ مورد اقاقیا سنبل هر یک پنجدرم مصطگی
جوز السرو صبر هر یک یکدرم بکوبند و بگلاب طلا کنند و اگر اندرون حرارت باشد آرد جو ده درم
زعفران یکدرم کافور پنجدرم زیاده کنند طلا ۱۰ که آسیب معده و جگر و اعضاء دیگر را سود دارد
ص ماش لادن گل ارمنی هر یکده درم صبر سک زعفران هر یک سه درم بگلاب و آب
مورد طلا کنند و اگر محل عصبانی بود قدری شراب ورد و روغن نرگس آمیزند طلا ۱۰ که قی و
بیضه را نافعست ص رامک سک گرد سماق هر یک جزوی با آب برگ مورد بر معده

خرفه آب خیار کافور شاهتره گیر و مساوی گرفته طلا نمایند طلاء دیگر همین نفع دارد از قرابادین
عم مرحوم آرد جوگیر و گل ملتانی آمله هر یک سه ماشه نشاسته صندل سرخ کچ کهنه گل اجاغ هر یک
نیم توله کافور افیون هر یک یکماشه با سرکه و گلاب یا آب یکمن یا آب کشنیز تر سرشته بر پیشانی و تاپ
سر طلا نمایند طلاء دیگر جهت رعاف منقول از قرابادین عم مغفور ص عدس بنفشر صندل
سفید خطمی ماهیثا کچ واندک کافور با آب مورد بر یافوخ و پیشانی طلا نمایند طلاء برای قروح انف
ص مازو پوست هلیله زرد با چربی مرغ و روغن گل طلا نمایند طلاء استرخاء لهات و سقوط
آن که از رطوبت دموی بود ص باشن مطحون گل ارمنی صمغ عربی اقاقیا کتیرا کوفته سفیده بیضه مرغ
خمیر نموده یافوخ خلق کرده طلا نمایند طلاء کاده ذات الریه یا نفخ دهد ص اول موم روغن بنفشه بادام
بمالند پس پیه مرغ و لعاب ریشه خطمی اضافه کنند و بتدریج بابونه و خطمی بیخ مهک خبازی بستانی زیاده کنند و بخته
به عمل آرند طلاء سرفه را که از اماس جگر باشد سود دارد ص سنبل بیدام ریوند چینی یکدرم صندل
سرخ صندل سفید بابونه اکلیل الملک تخم کاسنی تخم کشوث برگ نیلوفر هر یکدو درم گل سرخ
چار درم گل بنفشه گل خطمی آرد جو لک هفتدرم کوفته بیخته با آب کاسنی و بید طلا نمایند طلاء
قروحی سوزش سینه با تب پودیابی تب بود دور کند ص موم سفید مغسول بروغن گل
بگدازند پس آب خیار و آب کدو و آب برگ خرفه جمله برابر بقدر حاجت دران آمیزند و کف
مال کنند تا نیک مخلوط شود پس پارچه بدان تر کرده و بر تلخ سر و کرده استعمال نمایند طلاء
که جهت درد و کوفتگی که در ضربه و سقطه بر سینه یا بر هر عضو برسد سود دارد ص مغاث ماش
گل سفید هر یکده درم اقاقیا صبر هر یک سه درم با آب برگ مورد بسرشند و طلا کنند طلاء
که نفث الدم را نافعست ص اقاقیا هو قسطیدا اس نزد اکثر طرسوس و نزد بعضی لجنه ابیض است
کتیرا مازو گلنار مرضع عربی گل ارمنی افیون جمله برابر کوفته بیخته اقراص سازند وقت حاجت
بر سینه و معده و ناف طلا کنند و این طلا را نزف الدم را که از شانه و رحم و جز آن باشد نیز سود دارد
و هرگاه برعانه و قبل طلا کنند و حقنه در قبل نیز کنند و همچنین هر عضو که مبدا نزف باشد بر همان عضو طلا نمایند

اجفان ص شب یمانی یک جزو و مویز نیم جزو کوفته بیخته در روغن حل کرده برین مرگان طلا نمایند
طلاء که اثر کبودی را که از ضربه بر چشم بهم رسیده باشد زائل کند ص کزبره فوتنج حجر فلفل زرنیخ
جمله برابر بگلاب یا آب سائیده طلا نمایند و حجر فلفل عبارتست از سنگی که در خریطهٔ فلفل یافته میشود طلا
که بر مدور دندان اطفال بسیار نافعست و رم بنشاند و درد ساکن کند ص افیون کات هندی
حضض هر یک جزوی شب یمانی چهار جزو لیموی کاغذی هشت جزو شب بریان کرده
با دیگر ادویه با کوفته در ظرف آهنی انداخته با آب لیمو بر آتش نرم گذاشته بدسته آهنی آهسته آهسته
بسایند تا خوب باریک و منحل شود طلاء برای درد چشم مجرب عم مرحوم ص لوده آمله را در روغن
گاو بریان نموده با آب سرد سائیده برو و بر چشم طلا کنند اما باید که در چشم نرود طلاء برای درد
چشم که از ضربه بهم رسد از بیاض عم مرحوم ص آرد مونگ رد چوب رسوت ماميران چینی
با آب سائیده گرد چشم نیگرم طلا نمایند طلاء نمایند طلاء که ورم پس گوش را نافعست
ص صندل سرخ فوفل شیاف ماميثا صبر زعفران مرجمله برابر بگلاب طلا نمایند طلاء جهت
ثبور که بر بینی و رو پیدا شوند ص کافور زعفران هر یک نیم درم گل مختوم یک درم گل ارمنی
دو درم بگلاب و سرکهٔ انگوری طلا کنند و طلاء روغن گل و سرکهٔ انگوری نیز مفید است
و مروارسنگ تنها کافی هم است طلاء رض الف را سود مند بود ص ناس زعفران
مرارک سک گل ارمنی خطمی لادن کوفته بیخته با آب طرفاء سرشته بجسب هیئت بینی تندرست
بدست کنند و در انبو به پنبه پیچیده در بینی گذارند و بالای آن این طلا نمایند طلاء بجهت
رعاف ص آرد جوگلنار اقاقیا عصاره لحیة التیس افیون صندل سفیده ارزیز از هر یک
سه درم کافور دانگی بگلاب تر ساخته بر پیشانی طلا نمایند طلاء که همین خاصیت دارد ص
اقاقیا نشاسته گل ارمنی گلنار مساوی کوفته بیخته با آب مورد یا آب گل بارتنگ سرشته طلا نمایند طلاء
که همین منفعت دارد منقول از بیاض عم مرحوم ص نشاسته صندل سرخ گل ملتانی با سرکهٔ گلاب
سائیده بر پیشانی طلا نمایند طلاء دیگر که عاف بند کند ص صندل سرخ تخم کاهو آب کشنیز

درصداع مینی ص تخم کوک پوست خشخاش افیون بزر البنج برگ قنب کوفته بخته
باب برگ لفاح سرشته طلا نمایند طلاء نافع صداع نجاری تالیف بسیجی ص عفص گلنار
سک اقاقیا افیون هریک یکجزو کوفته بخته درسرکه سرشته برجبهه وصدغین طلا نمایند طلاء
مجرب به جهت ماشر امستعل حاجی حسین منقول از خط علوی خان مرحوم ص خون خر
مغز جراب گل همیشه بهار کافور قیصوری درهم سرشته طلا نمایند طلاء هندی جهت خدر
صاحب بقای مجرب نوشته ص سیماب بچهناک هریک جزوی مرچ چهار جزو خاکستر تخم
دهتوره سیاه هشت جزو اول پاره را باز سهر کهرل کنند بعد ازان مرچ و خاکستر مذکور داخل
کرده باز کهرل نمایند بعد ازان درشیره برگ آک خوب کهرل نموده طلا سیکرده باشند طلاء
دیگر نجد زنافع است ص عاقرقرحا مویز مرج باریک کوفته بسرکه کهنه وآب پودینه طلا نمایند
طلاء دیگر که مخدر نافعست ص مروصبر هردو را در آب پودینه حل کرده طلا نمایند طلاء
برای فالج ولقوه منقول از قرابادین کبیر عم مرحوم ص سورنجان بوزیدان قسط تلخ خولنجان
زرنباد جوز بوا وج ترکی عود هندی عود صلیب عاقرقرحا همه را بگلاب سوده قسط تلخ را علیحده
سوده داخل نموده برفقرات ظهر ومحل فالج طلا نمایند طلاء که درم چشم را بنشاند ودرد ساکن
کند ص صبر شیاف مایثا حفض یکی زعفران افیون اقاقیا گل ارمنی صندل سرخ
سادی باب عنب الثعلب یا گلاب طلا نمایند طلاء که منع ریختن مژگان کند ومجرب
است ص استخوان خرما سوخته سنبل الطیب سرگین موش صدف سوخته فلفل ازهریک
یکجزو سرمه سه جزو قلعی سوخته مغسول شش جزو زعفران نیم جزو طلاء نمایند طلاء
جهت شعر زائد مجرب است ص ارضه نوشادر حافر الحمار محرق جمله برابر بگیرند ونخل
خمر لعاب آمیزند وبعد تنف طلا نمایند طلاء که حجوظ چشم را سود دارد ص صبر حضض اقاقیا عصاره لحیه التیس
باب عنب الثعلب یا آب خالص طلا نمایند وبالای آن این طلا بصورت بضمه لوبیه
لسنه درصورت ساخته درر فاده گذاشته برچشم بندند وبرقفا بخوابند طلاء نافع تقبل

دارد ضماد تتوسره دو رنماید ص آرد باقلا مازو انار سرشش پوست بیضه مرغ بالسویه سوای
بیضه همه بپزند و پوست بیضه سائیده بدان سرشته ضماد نمایند ضماد که سلعه را از بیخ برکند ص
ساجی چونه سیمند و برنجال کنجشک همه را کوفته بصابون قدر کفایه کرده ببیخ رسولی بمالند
و بالایش چهار داغ کنند هرگاه ماده رسولی دفع شود و موضع را بروغن گاو پر کنند و بالای آن
برگ سیتبل خورد و نرم به بندند ضماد دیگر اندرین باب نافع ص صابون ساجی چونه نوشادر
تنگرف همه برابر سائیده باروغن کنجد خمیر کرده موضع رسولی را کلک زده طلا کنند هرگاه شگافته
شود اصلاح زخم آن به بلیله سیاه کنند ضماد دیگر درین باب مفید است ص افیون سم الفار
نیله تهوتهه دودهه چهپر کوفته بیخته در اب حل کرده بر رسولی بمالند ضماد مختصر دراین باب بسیار
مفید است ص چوک نیله تهوتهه سجی نوشادر بروغن کنجد بمالند باب الطاء المهمله طلا
برای صداع بارد مع ماده منقول از خط عم مرحوم ص مرجند بیدستر فرفیون از هریک یکجزو
افیون ربع جزو کوفته بیخته بآب سداب مثل نخود خیسانیده حب بندند و خشک سازند
و بار وغن زنبق یا روغن قسط طلا نمایند طلا نافع برای شقیقه مزمن ص فرفیون
یکمثقال حلتیت یکدرم جندبیدستر سه درم هر سه در خل سائیده طلا نمایند طلا نافع است
شقیقه بارد را ص خردل یک جزو مویز دو جزو بکوبند و با خل و آب ممزوج نموده بکار
برند طلا نافع صداع حار ص صندل سفید و سرخ گل نیلوفر از هریک سه درم زعفران
یکدرم ماهیشا گل سرخ تخم کاهو هر کدام دو درم بیخ لفاح یکمثقال افیون پنجدرم بکوبند و با گلاب
و آب بید طلا سازند طلا نافع برای صداع ضربانی ص انزروت یکجزو صندل سفید
چهار جزو افیون ثلث جزو با آب کاهو مخلوط کرده طلا نمایند و اگر درد در نهایت شدت
باشد وزن انزروت درین ترکیب زیاده کنند و بعد از طلا پارچه سربی بر موضع گذاشته
مضبوط بندند تا منع جریان سریان و تصاعد نجار کند طلا نافع بجهت صداع بارد ص
کبریت زرد یک جزو بوره ارمنی دو جزو در آب سحق کرده بر جبهه بمالند طلا نافع مجرب مستعمل

ص میده آمله زرد چوب تخم نیوار هالم صبر صابون خشت برابر گرفته در آب سائیده در
در روغن کنجد آمیخته نیم گرم نموده ضماد نمایند این هر دو نسخه منقول است از بیاض عم مرحوم
ضماد کنعب و رکند و بخلع و عرق النسار مفید است ص روغن حنا دو رطل روغن
سوسن یک رطل و نیم موم روغن غار هر یک یک رطل فلفل جاوشیر هر یک سه اوقیه قنه زنجبوش
دقاق کندر علک البطم هر یک یک اوقیه ضماد جهت انفجار خیارک و ورم پستان مجرب
است و هم بشکافد و هم شگافته را مندمل سازد ص نیله تهوته نیم جزو هالون هلدی آل
هر یک یک جزو گوگل دو جزو قند سیاه دو چند همه اجزا دوا را کوفته با قند بیامیزند و خوب ممزوج
نموده نیم گرم ببندند ضماد آثار ضربه و آثار سیاهی دور کند ص دقیق کرسنه دقیق تخود اشنان
بزرگ برابر بعد ازان شکر طبرزد زنبیخ سرخ حجر فلفل از هر واحد قدری قلیل همه را باریک
سائیده در سرکه دران فلفل جوشانیده باشند دلعاب اسبغول حل نموده بر آثار مذکور ضماد
نمایند در مدت قلیل زایل کند درین باب مجرب است ضماد برای دنبل مجرب است
ص آرد سونگ آرد جو آرد لوبیا آرد عدس گیرو برابر بسرکه و آب خمیر کرده پخته ضماد نمایند
ضماد برای سرطان مجرب است ص عدس پوست انار گیرو قند کمنه بآب سحق
نموده استعمال کند گرداگرد سرطان مثل حلقه و بالای سرطان از دوا بیخ نباید گذاشت که
بی این نفع نمی بخشد ضماد که رنگ را حسین کند ص اشنان دقیق با قلاد قیق حمض
بادام مقشر بهدانه مقشر تخم خربوزه تخم خیارین زید البحر طین که در سفیده میباشد همه برابر اجزا کوفته
بیخته در شیر تازه آمیخته و قدری عسل نیز داخل نموده شب بر روی طلا نمایند و صبح بشویند ضماد
که خار و غیر آن برآرد ص بیخ نی زرا وند مدحرج کوبیده بعسل سرشته ضماد کنند ضماد که قبل از
ورم کردن وسع افاعی را هر جذب کند ص اهلیلج ابلغار بابونه اسفیل مشوی دقیق کرسنه
هر یک برابر جدا جدا کوفته بشراب سرشته ضماد کنند و همچنین اگر مرغ خانگی را زنده بشگافند
و ببندند نفع بخشد و گوشت افعی و ضفدع نیز سود دارد و روغن خار و طبخ برگ آن مالیدن سود

وباهم می آمیزند و نیگرم استعمال نمایند ضماد که دنبل و ورم بگشاید ص بوره ارمنی نمک
حاشا سرگین کبوتر سرگین خروس هریک یکجز و خمیر نان سه جزو باهم سرشته برنهند ضماد که در یلتین صلابات
پرنافعست وقوی الاثر ص پیه لبط پیه ماکیان مغز ساق گاو موم زرد همه را بروغن بگدازند
و برعضو نهند یک شبانروز و پیش از وضع دواء باید که برعضو تطبیل بطبیخ خطمی یا آب حرف نیگرم
لازم دانند و هرگاه رخاوت و سستی در ورم پدید آید محللات برنهند ضماد که در انضاج دمامیل
از ادویه قویه است حتی که مادهٔ خنازیر و صلابات را تحلیل کند حکیم علی میگوید که برهمین ضماد
ملاک اکثر اعمال ماست در این باب ص بگیرند برگ خطمی و بکوبند و در گلاب بپزند تا مثل
خمیر شود پس مرهم اشق و مرهم داخلیون بیامیزند و بر ورم نهند و عجائبات مشاهده کنند ضماد
جهت انضاج و انفجار مفید است ص حلبه تخم کتان هریک نیم درم تخم مرو کوفته اسپغول
درست روغن گاو هریک اوقیه و نصف خمیر تر ش دو اوقیه شیر انجیر سه اوقیه همه را در شیر
بپزند و برنهند ضماد جهت تزیل اعضا ص کبریت سرگین گاو حلبه هریک جزوی کوفته
بیخته با آب گرم بسرشند و ضماد نمایند ضماد اندرین باب بلیغ النفع است ص زرنیخ زرد
حجر القلقل هریک یکجز و کنند نیم جزو سحق کنند با آب کشنیز و ضماد نمایند ضماد جهت ضربه
و سقطه ص مغاث گل ارمنی خطمی باشن صبر هریک ده درم راسن ثبت بطباشیر
دقاق کندر سک زعفران هریک پنجدرم کوفته بیخته با آب برگ فنجنگشت بر سرشته ضماد
نمایند ضماد دیگر از برای وهن و رض و ضربه مفید ص باشن بیست درم لادن ده درم
زعفران سه درم گل ارمنی دو درم با آب برگ مورد و عرق گل و آب برگ گز و سرشته
ضماد کنند ضماد برای این کار بسیار مفید است ص مغاث گل ارمنی هریکده درم صبر مر هریک
یکدرم و نیم کوفته بیخته با آب سرشته ضماد کنند ضماد برای ضربه و سقطه مکرر بعمل در آمده ص
زرد چوب هفت مثقال بیده لکری قشر باشه مغاث بغدادی پنج باشه کوفته بیخته در روغن کنجد آمیخته نیگرم
ضماد کنند و گاهی صبر با لون مصطگی نیز اضافه نموده میشود ضماد جهت ضربه که با عضاء رسیده باشد

حلبه هر یکیده درم موم سفید بیست درم بروغن یاسمین ضماد کند ضماد که بسعفه مزمنه نافع است
ص نمک سوخته زاج سوخته دردی زیت ماز و زرد چوبه زراوند مردارسنگ همه را سائیده
ضماد کنند ضماد دیگر جهت سعفه که بر روی اطفال باشد ص کافور طسوجی گلنار زرد چوبه هر یک
یکدرم گل سرخ دو درم موم سفید دو نیم درم سفیده ارزیز سه درم روغن گل ده درم موم را
در روغن بگداز ند و باقی ادویه کوفته بیخته بآن آمیزند و ضماد کنند ضماد سلعه و جمیع جراحات را نافع
بود ص لادن بار درمقل اشق مویز خانه مگس عسل علک البطم مساوی درهم سرشته ضماد
کنند ضماد که سلعه را منفجر سازد و مغنی از حدید است ص بگیرند گندم یک کف کبر و رق دفلی یک
باقه هر دو را در شیر میش خوب مهرا بپزند که مثل حلوا شود ضماد کنند و اگر نشگافد قدری اشق
و قدری توبال مس مسحوق بیفزایند باذن الله بسهولت شگافته شود و از معالجات بقراطی ضماد
سنا جهت جرب بی حکه مجرب است ص سنا رکی پلیله زرد مردارسنگ سفیده فلعی یا لستو
بروغن گل و روغن بنفشه آمیخته بر نهند ضماد که در ورم لسکین و جع کند ص تخم خشخاش بکوبند
دو در شیر بزند و باز بکوبند تا مثل مرهم شود پس بگیرند گل سرخ و قدری زعفران و همه را بروغن گل
که موم مصفی در ان گداخته باشند آمیزند و ضماد کنند ضماد جهت جرب مجرب است در سه روز
زایل می کند ص گندهک آنوله سارنیله نهو تهه کمیله مردارسنگ از هر یک یکتوله همه را نارک
سائیده سه حصه نمایند یک حصه در روغن زرد که بقدر سه چهار دام باشد آمیخته بریدن بمالند
و سه چهار گهڑی در آفتاب نشینند بعد ازان حنا و آردنخود بریدن مالیده غسل نمایند هر چند جرب
زیاده خواهد بود نفع زیاده خواهد کرد و اولی آنکه محرور المزاج در فصل زمستان به کار برد یا ملائی
گرمی بادویه دیگر نماید ضماد منفجر که ماده پخته را سوراخ کند زمانی که صاحب علت از شگافتن
بترسد ص عسل بلادر زفت ترسمادی هر دو را در ظرفی کنند و بر آتش نهند تا یکسان شود
پس بکار برند و دو بهر صبر کنند و اگر دانه تمر هندی کوفته را در شیر پخته ضماد نمایند همین کار کند
و بعضی دانه تمر هندی که پنج مثقال باشد بیکوبند و یم چراغ نیم مثقال در آب گرم می کنند

نموده ضماد نمایند ضماد بجهت ثالیل مجرب است واز بیخ برکند ص زرنیخ زرد سوده آهک آب
مذیبه گوشت موزیر بکوبند وضماد کنند وسه روز متصل بگذارند تا از بیخ برداردو اگر بقیه مانده باشد
دیگر باره همین ضماد کنند ونهادن آهک در استخوان همین عمل کنند ضماد جهت جرب از شرح حکیم علی
ص زنگار یکدرم حنا دو او قیه هردو را سائیده بروغن کتان خمیر کرده بر سر دوست وهردو
پا رصاحب جرب خضاب کرده بخوابد صبح بشویند در یک وز پاک شود ضماد دیگر جهت جرب رطب
ص مغز بادام تلخ سنا کی مردار سنگ هریک سه درم کنجد ده درم بسر که ورروغن گل ضماد کنند
ضماد جهت خنازیر که بی حرارت بود وبرای سلعه بغایت مجرب است ص سکبنج سه درم مقل
چهار درم حلتیت اشق از هریک پنجدرم جاوشیر فرفیون از هریک هفتدرم قنه ده درم
جمله را در سرکه حل کرده ضماد کنند ضماد کنه تلیین وتحلیل ماده خون وجذب خون وتسخین موضع
باعتدال کند ص زنگار دو درم قلم حلبه سه درم ترمس تلخ خاکستر چوب انگور هریک پنجدرم
زوفا ر ترسرگین گاو خشک هریکده درم زفت بیست درم کوفته بیخته نگاهدارند وبموم روغن
از پیه مرغ ساخته باشند واگر مزاج احتمال کند از پیه شتر یا پیه خرس ساخته باشند آمیخته بر موضع
خنازیر نهند ضماد جهت قوباوبهق ابیض ص سهاگه تیله صندل سفید مساوی در عرق لیمو
حل نموده مکرر ضماد نمایند ضماد اسحاق گوید که این را آزموده ایم خنازیر را منفعت دارد
ص زفت یکجزو با تش نرم بگدازند ویکجزو بیخ کلم سوخته بادی آمیزند تا بهم آمیخته شود ضماد کنند
ضماد برای قوبا از بیاض عم مرحوم ص کنه پاپڑ یا مازو سهاگه تیلیه کندهک چهاچه مساوی
گرفته سائیده حل نموده مکرر ضماد نمایند ضماد برای داء الثعلب ص موی بز سرخ
سوخته مدت گوگرد با سرکه بیه بروغن زیتون سرشته اول به پیاز وانشان
یا به پیاز عنصل موضع را مکرر مالیده بشویند پس دواء مذکور بمالند ضماد
برای داء الثعلب وداء الحیه مجرب صاحب تحفه ص کندش شبطرح هریک جزوی
زرنیخ دو جزو بروغن زیتون بهند ضماد بجهت دمل ص سبعه سائله چهار درم تخم کتان

باشد کوفته بعمل آرند ضماد محذر دمسکن ص زعفران کافور هر یک نیم مثقال کعک حنا هر یکدرم
عدس مقشر سه درم ماش گل سرخ اصل السوس گل نیلوفر هر یک پنجدرم بنفشه طحلب خطمی
هر یک هفتدرم کوکنار با تخم هشت عدد کوفته بیخته با روغن گل روغن بنفشه روغن نیلوفر بقدر حاجت
زرده بیضه پنج عدد سرشته ضماد کنند ضماد جهت کوزی پشت که از باد باشد مسیحی گوید که این را
آزموده ایم مجرب است ص فرفیون درمی مرصافی قسط قصب الذریره هر یکدرم موم سفید
یک اوقیه روغن نادرین چندان که باید همه را بسایند تا چون مرهم شود ضماد کند درد پشت را
زائل کند ص مقل ازرق اشق جاوشیر سکبینج جندبیدستر فرفیون بالسویه در روغن سوسن
روغن حب الغار یا روغن سداب حل نموده ضماد نمایند ضماد بعد از تنقیه در غیاب بغیداست
منقول از بیاض عم مرحوم ص برگ حنای سبز را شیره کشیده نیله تهوتهه را دران خیسانیده و
صابون را نرم کوفته با آب سائیده با هم سرشته نیم گرم ضماد نمایند ضماد کرده را بطرف ظاهر جذب کند
و تحلیل نماید ص تخم سداب بری حب الغار انجدان نظرون شیخ ارمنی قردمانا شحم حنظل ماتحوه
جاوشیر اسارین کنکر زداستار و نصف کربت استار کوفته بیخته در آب آمیخته ضماد نمایند و
دو بگذارند تا آنکه خود بخود ساقط گردد ضماد جهت وجع ورک مجرب است ص حرف درد
سرکه بوره ارمنی مویخ عاقرقرحا کوفته بیخته بر ورک ضماد نمایند ضماد که عرق النسا را نیش
کند ص خردل سیر کهن کبوتر مساوی نرم بکوبند و بطبیخ انجیر یا شیر انجیر بسرشند و ضماد کنند نارش
کند و چند روز بگذارند تا ماده پاک گردد ضماد مجرب حکیم کمال الدین حسین جهت وجع مفاصل
و عرق النسا و وجع ورک بارد ص بشکل نبر سرخ یکرنگ را که چند روز اورا دانه حلبه خورانیده
باشند و با روغن سداب و زیتون حل کنند و اگر روغن مذکور موجود نباشد بدل آن روغن
بید انجیر کنند و قدری آب سرکه بجوشانند که چون مرهم شود بعد ازان بموضع وجع ضماد کنند و
برگهای بید انجیر بروغن مذکور آلوده بر بندند و صبح بحمام رفته بشویند ضماد برای وجع مفاصل
حار ص سورنجان رسوت شیاف مایثار روغن بابونه یا روغن گل سرکه برابر با هم مخلوط

اضافه کرده نیکرم استعمال نمایند ضماد باچه که جهت تسکین ضربان مفاصل و ورد سر ضربانی
مجرب است ص معجز استخوان پاچه ده روغن گل پنج فرفیون یک زعفران سه ضماد مفاصل
گرم که در وقت هیجان تسکین الم نماید ص افیون زعفران بالسویه باشیر سائیده بروغن گل سرخ
ضماد نمایند ضماد که در تسکین درد مفاصل حاره و باروده مجرب است ص حلبه با آب و سرکه بالسویه
طبخ نمایند تا مهر اشود و عسل همچندان حلبه اضافه کرده بجوشانند تا خلیظ گردد و نیم گرم ضماد کنند ضماد
درد اعضا را که لبیب باشد بواسیر بهم رسد و برای کز از مجرب ست ص فلفل و وجز و قاقله نوشادر هر
جزو نخبیل یک سورنجان یازده روغن گردگان بیست موم زرد پنج ضماد که در تسکین وجع مجرب
است ص لب خبز سمید افیون بالسویه بشیر گاو ضماد نمایند و چون نیکرم شود تبدیل کنند ضماد
که نفرس بارد را سود دهد و بقایای اورام بارد را تحلیل دهد ص مقل کندر بزرگ اشق کوفته
بشراب ضماد سازند ضماد که نفرس و اورام حاره را نافع بود ص صندل سرخ عدس مقشر
و فل شیاف مامیثا گل ارمنی کوفته بنجبه بگلاب و آب کاسنی ضماد کنند ضماد که عرق النساء و جع
الورک را نافع باشد ص پوست بیخ کبر فودنه کوهی عاقرقرحا از هر یک دو درم عصاره قثاء الحمار
حب الغار از هر یک دری زفت پنج درم زفت را در روغن زیت بگداز ند و باقی ادویه را کوفته
بشراب عسل ضماد کنند ضماد که جمیع اقسام وجع مفاصل را نافع بود ص بابونه خطمی کلیل الملک از
هر یک پنج درم اشق هاشیر مقل از هر یک ده درم موم سه گرم از هر یک پنج درم روغن ثبت بیست درم ضماد کنند
چنانکه رسم است ضماد که نفرس مرکب را سود دارد ص جوز السرو تخم مرو مغاث تخم خطمی
آرد جوسورنجان مساوی بروغن گل و زرده تخم مرغ ضماد کنند ضماد اسپغول جهت اورام حاره
مفاصل و ورم قرح و کنج ران و قضیب و سایر اعضا از مجربات است ص اسپغول
کوکنار بالسویه کوفته بیخته بآب بپزند تا مهر اشود روغن گل بقدر حاجت آمیخته بر نهند و احسن
آنکه اگر تسکین حرارت بیشتر مطلوب باشد اسپغول را ناکوفته همچنان ثابت داخل نمایند مرا
آب بطن او گرم است و از کوفتن اثر آن بروز می کند و ناکوفته تبرید می نماید و اگر انضاج الم

کوفتہ بیختہ در آب سرشتہ بر کف پا و دست ضماد نمایند منقول از مجربات عم مرحوم ضماد بجہت رفع
عظم خصیتین کہ بسبیل ورم نباشد بلکہ بطریق تسمین و خصب بود بکار اید ص بیخ شوکران حکاکہ حجر المسن حکاکہ
اسرب حکاکہ حجر الرحی طبن قیمولیا، وسفیدہ آب بشیر و گلاب بقدر حاجت ضماد برای ورم صلب رحم بگاہ بیر
ضماد نمایند نفع کلی میکند و مکرر بنجبر بہ رسیدہ ص شیر شتر شیر بیش روغن بید انجیر ہر یک یک آنار
ہر سہ مخلوط نمودہ بر آتش بپزند تا کہ منعقد گردد و بعد ازان زنجبیل یک تولہ نا نخواہ یک تولہ کوفتہ
بیختہ بآن ممزوج نمایند ضماد برای ورم مزمن خصیہ کہ راقم بجہت مولوی وجیہ الدین مرتب کردہ
بود ص گل خطمی بیخ خطمی کنجد سیاہ تخم کتان حلبہ اکلیل الملک آرد باقلا از ہر یک چہار ماشہ
مرکی گل بابونہ زیرہ سیاہ مقل ارزق اشق میعہ سائلہ از ہر یک سہ ماشہ پیہ کردہ بزر بر یک دو تولہ
روغن گل چہار تولہ سنبل الطیب دو ماشہ بدستور مرتب نمودہ ضماد نمایند ضماد برای جالق
ص کچلہ دو سیر شیرہ برگ جنبلی دو جزو جوز الفی ر رنج سرخ ہر یک جزو روغن کنجد دو جزو ہمہ
ادویہ را کوفتہ بیختہ با شیرہ و روغن انداختہ نادو پاس کہرل نمایند و وقت حاجت بکار برند
مجرب ست ضماد مقوی باہ ص بیر بہوٹی سہاگہ تیلیہ مغز گھونگچی سفید شیر آکہ از ہر یک شش ماشہ
روغن کنجد نیم پاو کہرل نمودہ استعمال نمایند ضماد بجہت مفاصل گرم و نقرس بغایت مفید
است ص صندلین اکلیل الملک ہر یکدہ درم شیاف مانیتا بیخ مثقال افاقیا دو درم عنظل
یکدرم افیون بیخ تفاح یکمثقال و نیم آب کشنیز سبز ضماد نمایند ضماد بجہت نقرس بغایت
مجرب ست ص مرزنجوش گل خطمی اسبغول آرد جوسور بجان بالسویہ یازدہ تخم مرغ و روغن گل
ضماد نمایند و اگر قدری زعفران و افیون اضافہ کنند اثرش قوی تر گردد ضماد سلیمانی جہت درد
مفاصل مزمن مجرب ست ص دار اشکنہ کہ سلیمانی نامند زیبق ہر یک سہ مثقال آب دہن
تر کنند تا سیماب کشتہ شود و صابون دہ مثقال در آب حل کردہ اضافہ کنند ضماد روشت جہت
مفاصل کہ قریب بنجبر باشد مجرب است ص مغز تخم بید انجیر سہ جزو روغن تازہ کاوی
عسل ہر یک جزوی بعد از سحق مجموع سرگین خشک کاوی سائیدہ آنقدر کہ غلیظ سازد

باب علیق و آب برگ رز و اندکی شراب عفص قابض سرشته ضماد نمایند بر موضع فتق و خصیه
بدانکه بچسپد و قبض کند و اگر خوب بچسپد باید که سریش و سریشم ماهی را زیاده کنند و بآن قدری برر مطبوخا
نیز اضافه کنند و واجب است که اقبال کنند بمعالجه این و تساهل هرگز نورزند که خوف هلاک است
خصوص فتقی که بوده باشد فتق در دو جانب ضماد دفع ستی کمر و سرعت انزال کند ص مقل
ارزق دو مثقال با آب برگ مورد تازه و گلاب خیسانیده بدسته بمالند تا هموار شود صندل
سفید فوفل سک المسک از هر یک یک مثقال جدوار خطائی دو دانگ کوفته بیخته داخل کرده بر
پارچه کرباس آب ندیده انداخته بر کمر ببچسپانند ضماد که مفید است از برای لبیاری احتلام و فتور
سبب آن ضعف ماسکه اوعیه منی باشد منقول از خط والد علویخان ص صندل سفید عود هندی
عود صلیب سک المسک را لک بوش در بندی اقاقیا قسط تلخ وج ترکی کوفته با آب مورد و
سرکه و گلاب سرشته روغن قسط اور روغن گل سرخ بآن ممزوج کرده ضماد نمایند ضماد عجیب از برای
فتق ص قشار کندر مصطگی جوز السرو عزی السمک انزروت از هر یک برابر عزی السمک ورخ خرم
گداخته با دیگر ادویه جمع نموده ضماد کنند ضماد مقوی باه از حکیم محمد جعفر اکبرابادی ص جند بیدستر
مصطگی از هر یک تولہ قسط شیرین یک و نیم تولہ تخم ترب سه تولہ روغن زیتون بیست و پنج تولہ
کهرل نموده استعمال نمایند ضماد کافور ص کافور پوست بیخ کبر بین پیل فرنفل کوفته بیخته در
عسل آمیخته ضماد نمایند پس بدرستی که امساک خواهد کرد ضماد مقوی و مسک ص خاکستر
پوست فیل هشت درم پیه شیر پیه خوک از هر یک چهار درم زهر مهره بیخ کنیر سفید جوز بواعاقر قرحا
از هر یک نیم انگ کهرل نموده استعمال کنند ضماد برای ورم بارد خصیه ص گیرو سونٹھ بتولہ
گنجد سیاه جمله را برابر کوفته با بول ماده گاو بیخته نیمگرم ضماد نمایند در سه روز ورم و صلابت تمام
برطرف شود ضماد مجرب برای ورم خصیه که غیر حار باشد موجع بود ص مغز بید انجیر زیره کرمانی
گل بابونه اکلیل الملک با قلا آرد جو تفل برگ قنب از هر یک بگیرو سوبر منقی حلبه از هر یک
نیم جزو ضماد نمایند ضماد برای بند شدن حیض و نفاس ص حنا دو حصه خنطیانا یک حصه

بیه مرغ یا بیه کرده بزاز هر یک ده درم زرده تخم مرغ یکعدد مصطکی پنجدرم اجزارا بسوای مویز در هم
گداخته مویز را داخل کرده در هاون بمالند تا هموار شود ضماد نمایند ضماد بجهت اعوجاج
ذکر که بسبب تشنج استلای باشد بعد از تنقیه مفید آید ص زعفران یکدرم مرکی دو درم قسط
تلخ زراوند فرفیون از هر یک سه درم علک الانباط رومی میعه سائله از هر یک پنجدرم علک
وزفت را در روغن گل سرخ یا روغن نرگس بگداز ند و مروزعفران را در شراب حل کنند
وباقی ادویه را کوفته بیخته و مجموع را در هم بیامیزند و در هاون بدسته بمالند تا چون مرهم شود
ضماد نمایند ضماد برای انکسار قضیب ص بگیرند لعاب بلغ ادی وصبر سقوطری مرکی
اقاقیا مجموع را نرم کوبیده از سفیده تخم مرغ سرشته ضماد نمایند چون قضیب راست
کرده بگیرند این ضماد را بعمل آرند حفض مکی گلنار فارسی عفص بریان جوز السرو اجزا
مساوی وگاهی اضافه کرده میشود شحم رمان پوست آن پس ادویه را نرم کوبیده بلعاب
بزر قطونا بسرشند و اگر قدری سرس داخل کنند پس سخت و مضبوط خواهد بود موضع
کسر را وگاهی اختیار میکنند این ضماد فلقطار محرق طین قیمولیا طین مختوم اجزا مساوی
کوفته بآب عصی الراعی یا آب حی العالم سرشته بر قضیب ضماد کنند پس اگر نیک شود
مجری بول باید که بچکانند در احلیل روغن گل سرخ بجهت آنکه نرم میکند و مجری را کشاده
میگرداند آنرا و باید که صاحب این مرض اقتصار کند از غذا بر مزوره و طعامی بسیار
خفیف ضماد برای فتق که دستور العمل است از برای طبیب در علاج فتق ص حضض
مکی ریوند چینی عصاره لحیته الثیس از هر یک پنجدرم مازو سبز سوخته گلنار فارسی جوز السرو
کندر را تنبج از هر یک یکدرم طین قیمولیا طین قبرسی خرنوب نبطی پوست انار حب الاس
برگ مورد از هر یک دو ثلث درم صبر سمحاق اقاقیا اسراس غرا السمک از هر یک یک درم و نیم شیاف ماهیار
مشک چینی دوای است که از چین می آرند و شبیه برانک است برگ علیق و عصاره
درخت رز از هر یک دو درم مجموع را کوفته بگذارند و انچه قابل گداختن باشد پس مجموع را

نمایند و بلجام محکم بندند ضماد رادع که قوت نضج هم دارد بجهت اورام حارخصیه ص آرد
جو آرد عدس آرد کرسنه گل خطمی گل بنفشه کوفته مجموع را باب عنب الثعلب تازه آب
کشنیز تازه آب مانیثا تازه بسرکه وگلاب سرشته برخصیه ضماد نمایند ضماد محلل که بجهت تحلیل
اورام حاره قضیب و انثیین که درد و سوزش داشته باشد مفید است ص گل بنفشه
گل خطمی سفیداز هریک پنجدرم خارخسک قیصوم از هریکدو درم بابونه اکلیل الملک از
هریک چهار درم برگ نیلوفر یکدرم ونیم همه را کوفته آب کاسنی تازه سرشته ضماد نمایند
ضماد دیگر محلل قوی ص مویزدانه بیرون کرده نه اوقیه فلفونیاش اوقیه خبث الفضه
زیت عتیق از هریک چهار اوقیه موم دو اوقیه خبث الفضه را نرم ساییده بازیت
بپزند تازیت قوام بهم رساند پس موم وفلفونیا که بپونانی راتنج است دران انداخته صبر کنند
که گداخته شود پس از آتش برگیرند وبگذارند ونیکرم بمالند پس مویز و زیره کوبیده را داخل
کرده چهار اوقیه آرد باقلا تیز بیامیزند ضماد محلل درم بارد و ریح که درخصیه پیدا میشود ص
مویز نخود سیاه از هریک یکخرد رماد عقرب نیم جزد مجموع را ساییده خمیر کرده ضماد نمایند
ضماد بجهت اورام بارده انثیین و قضیب ص برگ کلم نیم من انجیر زرده عدد آرد حلبه بابونه
مویزدانه بیرون کرده از هریکیده درم در قدری آب بپزند وروغن داخل کرده ضماد نمایند
ضماد جید که دراین باب اقوی است ص مقل ازرق اشق بیه بط بیه مرغ خایگی بیه
کوبان شنبر مغز ساق گاؤ بابونه اکلیل الملک حلبه بدستور مرتب ساخته استعمال نمایند ضماد
که اماس خصیه وسخنی آنرا سود مند بود ص بابونه اکلیل الملک قیصوم از هریک مفید درم
گل بنفشه گل خطمی از هریک چهار درم گل سرخ دو مثقال وسیم کوفته بنجنه بالعاب بزرکتان
یالعاب تخم مرو سرشته ضماد نمایند ضماد که منع بزرگ شدن خصیتین کند ص طین قیموطیا
سفیداب قلعی از هریکدو درم شبومانی نارد سبز از هریک نیمدرم کوفته بنجنه بعسل زرد وغن
گل سرشته چندمرتبه ضماد نمایند ضماد محلل که همین نفعدارد ص مویزدانه بیرون کرده موم زرد

پیه مرغ یا پیه کرده بزاز هر یک ده درم زرده تخم مرغ یکعدد مصطگی پنجدرم اجزا را سوای مویز در هم
گداخته مویز را داخل کرده در هاون بمالند تا هموار شود ضماد نمایند ضماد بجهت اعوجاج
ذکر که بسبب تشنج استلای باشد بعد از تنقیه مفید آید ص زعفران یکدرم مرکی دو درم قسط
تلخ زراوند فرفیون از هر یک سه درم علک الانباط رومی میعه سائله از هر یک پنجدرم علک
و زفت را در روغن گل سرخ یا روغن نرگس بگداز ند و مرو زعفران را در شراب حل کنند
و باقی ادویه را کوفته بیخته و مجموع را در هم بیامیزند و در هاون بدسته بمالند تا چون مرهم شود
ضماد نمایند ضماد برای انکسار قضیب ص بگیرند لعاب بلغدادی و صبر سقوطری مرکی
اقاقیا مجموع را نرم کوبیده از سفیده تخم مرغ سرشته ضماد نمایند چون قضیب راست
کرده بگیرند این ضماد را بعمل آرند حضض مکی گلنار فارسی عفص بریان جوز السرو اجزا
مساوی وگاهی اضافه کرده میشود شحم رمان پوست آن پس ادویه را نرم کوبیده بلعاب
بزرقطونا بسرشند و اگر قدری سرس داخل کنند پس سخت و مضبوط خواهد بود موضع
کسر را وگاهی اختیار میکند این ضماد فلقطار محرق طین قیمولیا طین مختوم اجزا مساوی
کوفته آب عصی الراعی یا آب حی العالم سرشته بر قضیب ضماد کنند پس اگر نیک شود
مجری بول باید که بچکانند در احلیل روغن گل سرخ بجهت آنکه نرم میکند و مجری را کشاده
میگرداند آنرا و باید که صاحب این مرض اقتصار کند از غذا بر مزوره و طعامی بسیار
خفیف ضماد برای فتق که دستور العمل است از برای طبیب در علاج فتق ص حضض
مکی ریوند چینی عصاره لحیته الثیس از هر یک پنجدرم مازو سنبر سوخته گلنار فارسی جوز السرو
کندر رانج از هر یک یکدرم طین قیمولیا طین قبرسی خرنوب نبطی پوست انار حب الاس
برگ مرد از هر یکدو نلث درم صبر سمحاق اقاقیا اسراس غراء السمک از هر یک یک درم وتیم شیاف ماشیار
مشک چینی دوای است که از چین می آرند و شبیه برانگ است برگ علیق و عناب
درخت رز از هر یک دو درم مجموع را کوفته بگذارند و انچه قابل گداختن باشد پس مجموع را

نمایند و بلجام محکم بندند ضماد راوع که قوت نضج هم دارد بجهت اورام حار خصیه ص آرد
جو آرد عدس آرد کرسنه گل خطمی گل بنفشه کوفته مجموع را باب عنب الثعلب تازه آب
کشنیز تازه آب بابونه تازه بسرکه وگلاب سرشته بر خصیه ضماد نمایند ضماد محلل که بجهت تحلیل
اورام حاره قضیب و انثیین که درد و سوزش داشته باشد مفید است ص گل بنفشه
گل خطمی سفیدا از هر یک پنجدرم خارخسک قیصوم از هر یکدو درم بابونه اکلیل الملک از
هر یک چهار درم برگ نیلوفر یکدرم و نیم همه را کوفته آب کاسنی تازه سرشته ضماد نمایند
ضماد دیگر محلل قوی ص مویز دانه بیرون کرده نه اوقیه فلفونیاش اوقیه خبث الفضه
زیت عتیق از هر یک چهار اوقیه موم دو اوقیه خبث الفضه را نرم ساییده با زیت
بپزند تا زیت قوام بهم رساند پس موم و فلفونیا که بیونانی رانیج است دران انداخته صبر کنند
که گداخته شود پس از آتش برگیرند و بگذارند و نیکو نرم بمالند پس مویز و زیره کوبیده را داخل
کرده چهار اوقیه آرد با قلا تیز بیامیزند ضماد محلل درم بارد و ریح که در خصیه پیدا میشود ص
مویز بخود سیاه از هر یک یکجزو رماد عقرب نیم جزو مجموع را ساییده خمیر کرده ضماد نمایند
ضماد بجهت اورام باردهٔ انثیین و قضیب ص برگ کلم نیم من انجیر زرده عدد آرد حلبه بابونه
مویز دانه بیرون کرده از هر یکیده درم در قدری آب بپزند و روغن داخل کرده ضماد نمایند
ضماد جید که در این باب اقوی است ص مقل ازرق اشق پیه بط پیه مرغ خانگی پیه
کوهان شتر مغز ساق گاو بابونه اکلیل الملک حلبه بدستور مرتب ساخته استعمال نمایند ضماد
که الماس خصیه و سختی آرد اسود مندبلود ص بابونه اکلیل الملک قیصوم از هر یک مفید درم
گل بنفشه گل خطمی از هر یک چهار درم گل سرخ دو مثقال و نیم کوفته بنخیه یا لعاب بزرکتان
یا لعاب تخم مرو سرشته ضماد نمایند ضماد که منع بزرگ شدن خصیتین کند ص طین قیموسیا
سفیدآب قلمی از هر یکدو درم شبوهٔ نارو سبز از هر یک پنجدرم کوفته بنخیه بعسل و روغن
گل سرشته چند مرتبه ضماد نمایند ضماد محلل که همین نفعدارد ص مویز دانه بیرون کرده موم زرد

کوفته بیخته باهم بسرشند وشکم وناف وزهار وتهیگاه وکمرگاه واستخوان سرین بدان ضماد کنند
ضماد که بچه را بلغزاند ص شحم حنظل برگ سداب قسط هریک سه جزو نیم بهره گاو سرشته برناف
وزهار ضماد کنند ضماد که درد شواری زادن بکار آید ص تخم کتان بکوبند ودرماء العسل
وروغن کنجد بجوشانند وبرزهار وتهیگاه نهند ضماد مقوی منقول از بیاض عم مرحوم ص
شحم اسد میل گوش آدمی خراطین پوست بیخ کنیر سفیدروغن گاو دارو هارا کوفته درروغن
وشحم صلایه نمایند ووقت حاجت بکار برند ضماد که اورا جبت فتق نافع باشد ص جوز السرو پوست انار عفص
ازهریک ۵ درم شب یمانی گلنار قشور کندر ازهریک پنج درم همه را کوفته درشراب خالص بجوشانند
واسراس ودقیق باقلا انداخته خلط نمایند وضماد کنند وبندند واگر فتق ازمازل شدن امعاء درکیس آنشین
باشد پس باید که برای آن لجام ازچرم سازند ولیکن اول درآبی که درآن کزمازج وجوز السرو
جوشانیده باشند نطول کرده بادروغن خلاف تدهین نموده بعد ازان ضماد نمایند وچرم بندند
ضماد نافع برای فتق ص جوز السرو دو درم سعد صمغ عربی مازو مرزنگوش اقاقیا کندر ازهریکدرم
کوفته بیخته بشراب کهنه ضماد کنند ضماد رادع درابتداء اورام حاره وخصیه مستعل بعد از تنقیه
تالیف والد علویخان ص صندل سرخ گل ارمنی شیاف مامیثا حضض مکی بوش دربندی
طین قیموليا طین ساموس حجر الیهود سنگ سرماهی آرد باقلا عنب الثعلب آب برگ حنا
آب کاسنی آب کشنیز تازه آب کاهو آب کوکنار سرکه آب کدوی تازه سرشته ضماد نمایند
واگر درآخر زمان نزاید درین ضماد بیضه سنگ یشب وگل بابونه واکلیل الملک داخل
کنند بهتر است ضماد رادع بجبت اورام حار قضیب ص گل سرخ عدس منفشر گلنار
فارسی پوست انار آرد جواز هریکدو درم بآب بیخته روغن گل داخل کرده ضماد نمایند ضماد
نافع برای فتق ص جوز السرو کزمازج شب یمانی گل سرخ آس گلنار عفص قشار
کندر جفت بلوط اقماع الرمان خبث الحدید صبر باقلا غرای السمک ازهریک جزوی
کوفته وضع وغرای اگداخته باادویه دیگر مخلوط ساخته برموضع فتق وسره واشیئن ضماد

زیره کرمانی ترمس سوخته شحم حنظل صبر سقوطری قشار الحمار هریک یکدرم آرد جوپشک گوسفند
کهنه گل ارمنی سرگین گاو خشک هریکدو درم کوفته بیخته بسرکه ضماد کنند ضماد که تسکین ورجع دهد
دلواسیر کند ص زعفران افیون بزرالبنج بیه مرغ هریکدو درم خطمی تخم کتان هریک پنجدرم زرده
بیضه مرغ نیم پخته یکعدد بروغن خسته زرد آلو ضماد نمایند ضماد که در زبان دنبل وآثار جمع ظاهر
شدن بکار آید ص حلبه کوفته با آرد گندم در شیر تازه پخته قدری سرگین کبوتر اضافه کرده ضماد
نمایند ضماد که در ورم صلب رحم بعد از فصد با سلیق و استفراغ استعمال شود ص سم داخلیون
وباسلیقون با پیه بط ومغز ساق بز کوهی ومسکه سفید بگذارند ومقل ازرق حل کرده بآن بیامیزند
وروغن نرگس اضافه کنند وضماد نمایند وبالتیم تازه باو پر کرده بگیرند واگر روغن نرگس نباشد روغن
نسوسن روغن شبت روغن آفسنتین روغن بید بجای آن کنند ضماد جهت
سیلان طمث که بسبب کشادن سر رگها باشد ص خرما خشک به ترش پوست انار بلوط
برگ زرشک برگ درخت مصطگی گلنار جفت بلوط افاقیا عصاره لحیة التیس حب لادن
لادن کوفته بیخته بآب برگ مورد برشکم وزهار بشیت و بندنهند ضماد که استحاضه زن باشد
آشنتن بانوار ادویه ص عدس مقشر پوست انار ترش برگ مورد خشک مازو هریک جزوی کوفته
بیخته بخل خمر سرشته بر پشت وزهار ضماد کنند ضماد دیگر همین خاصیت دارد ص صبر شب یمانی
هریک پنجدرم سعد گل افسنتین گلنار لادن عدس مقشر پوست انار ترش مازو هریکده درم خرما قنب سی درم
خرما را در شراب بجوشانند نازم شود ولادن را در وی بگذارند وخوب بیامیزند ودارو های دیگر را
کوفته بیخته بدان بسرشند وبر پشت وزهار ببندند ضماد بجهت زنان حامله که چون خون بیند
نفع کند ص کرنانج پوست انار گلنار بسرکه بپزند وبر زهار ضماد کنند واقراص کهربا واشال آن
بنوشند ضماد که اقتناق رحم را نافع است ص علک لاذن اصطرک مصطگی سنبل هریک دو درم
فلفل سلیخه شونیز بوزیدنه کوهی هریک پنجدرم شهد انج عاقرقرحا هریک هفتدرم روغن سوسن
روغن شبت اکلیل الملک هریک بیست درم علک مصطگی با روغن بگذارند واودیه دیگر

تخم بزرگ مسل گونس زفت رومی جونک خشک خراطین از هر یک دو تولہ بلیون مالکنگنی
زرنیوب از هر یک یکتولہ ضماد نمایند ضماد دیگر بچیدین قنصیب اسود دارد ص زعفران یکدرم
مرده درم قسط زرادند افیون هر یک سه درم علک لانباط زفت میعه سایله هر یک پنجدرم علک
وزفت وسیعه را در روغن گل حل کنند ومرد زعفران را در شراب وهمه را بیامیزند وضماد کنند
ضماد دیگر ورم بارد قنصیب را نافعست ص آرد خسته خربا دو جزو خطمی یکجزو در سرکه ضماد کنند ص
که در آخر این ورم بکار آید برگ کلم حلبه پخته بکوبند آرد بابلاسویزدانه بیرون کرده زیره کرمانی
در شراب پخته خاکستر دانه خرما خطمی سفیدد رهم آمیخته ضماد کنند ضماد ازبرای ورم بارد خصیه
قنصیب ص تخم بنگ پنجدرم آرد نخود آرد بابلاهر یکیده درم پیه بط پیه گوساله روغن
زیت روغن سوسن هر یک یک اوقیه موبز منقی پانزده درم باهم مخلوط کرده ضماد کنند ضماد
که در علاج فتق بعد از انکه رونده وشرب بموضع خود گردانیده باشند ضماد کنند تا عضو برهم کند
ومجری تنگ شود ص اقاقیا صبر عصاره لبخه النیس مر آرد روت کندر مصطگی پوست انار
اقاقیا انار ترش مازو سنبر سماق گلنار برگ سرو رشب یمانی صمغ عربی طراثیث سرشیم
ماهی سرشیم کفش گران بعضی با مجموع ضماد سازند واگر ادویه ناشفته داخل این کنند وشل
جوز السرو وبرگ سرو همچنین ادویه که نفخ کم میکنند مثل ابهل وریزه اضافه نمایند وادویه
نرم کنده ومقوی زفت رومی وعلک لبطم ورسانتیج ومقل افزوده شود هر آینه ضماد مذکور
در افعال خود بی نظیر خواهد بود ضماد دیگر اندرین باب مفید بود ص انزروت سماق شاخ
اقاقیا مازو شبثا آرنب مقناطیس شب یمانی کندر کصدف هر یکیده درم مرجوز السرو
هر یک پانزده درم سوم سفید پنجاه درم سوم را در روغن سرو بکدارند وادویه کوفته بخته
دران حل کنند وضماد نمایند ضماد که اندرین باب مفید است ص مصطگی کندر ماهیتا
گلنار دم الاخوین سرشیم ماهی همه مساوی سرشیم در آب عنب حل کنند وادویه کوفته بخته بآن تر کنند ضماد را
فتق کودکان ص سماق روغ خشک کف نقه با سرشیم ماهی گداخته تر کنند بر موضع نهند ضماد که قبله الماء سود دارد ص

عده در شانه باشد بکار آید ص برگ کلم برگ چغندر حلبه اکلیل الملک بابونه آرد باقلا آرد جو آرد
تخود پیاز قدری چخته قدری سرگین کبوتر داخل کرده بار و غن زیت ضماد کنند ضماد برای
بول الدم ص اقاقیا صندل سرخ خرنوب چخته باب سماق و خرفه ضماد نمایند ضماد دیگر ص
عدس مقشر خشخاش حب الآس اقاقیا سماق عصاره برگ آس مرکوفته بخته در آب سیب یا
بآمیخته ضماد نمایند ضماد بجهت بول الدم که بسبب جراحت باشد ص طین ارمنی صبر مر حضض
اقاقیا کوفته بخته در گلاب و سرکه آمیخته ضماد نمایند و در آبزن قابض بنشینند ضماد بجهت عصابت
شانه از والد علیخان مرحوم ص سنگ سرباهی حجر الیهود برگ حنا پسیاوشان بر نجاسف
بیضه سنگ پشت خسک تخم بلیون جعده سیب تازه افتوان کوفته باب رازیانه تازه سرشته
روغن عقرب و غن خسک داخل کرده نیمگرم بر عانه ضماد کنند ضماد دیگر از حکیم مذکور که
همین نفعدارد ص رماد عقرب حجر الیهود سنگ سرباهی قرو ماناحا شابرگ حنا کافیطوس
کماد ریوس بیضه سنگ پشت مغز آسته آلو بابونگل سرخ گل خطمی کوفته باب سیب تازه آب
رازیانه تازه آب عنب الثعلب سرشته روغن خسک بروغن سداب داخل کرده نیمگرم
ضماد نمایند ضماد جید از برای ورم حار شانه مستعمل بعد از اول زمان ابتدا ص نابیده
کنجد مقشر کوبیده شیر تازه دوشیده دو بار و غن بنفشه ورد و غن بابونه سرشته ضماد نمایند ضماد
نافع برای ورم بارد صلب شانه منقول از ارجانس ص پیه مرغ مغز ساق گاو مقل از ق
را تیانج مجموع را در هاون کنند و آبگرم دی بیامیزند و جمله را نیک بسایند چون مرهم شود بکار بسته
از دی بر شانه مالند و از غذا سرد و گران پرهیزند ضماد که هرگاه با قرحه شانه ورم حسن بول
بود سودمند است ص آرد جو گل خطمی سفید کوفته باب عنب الثعلب و روغن گل سرشته
بر شانه و پشت زهار ضماد کنند ضماد که تقویت باه کند ص بگیرند پیاز نرگس عنصل از هر یک
یکدرم در شیر بز جوان یک روز حل کنند بعده این ادویه در زهره گاو یک بار و زکل
نمایند ادویه انیست مویز دارچینی جند بیدستر فرفیون عاقرقرحا تیج اجوا این تخم کتائی خورد

باب مورد تر سرشته ضماد نمایند ضماد که در درم صفراوی کلیه که باسوزش موضع و
بستگی باشد بکار آید ص موم سفید ۱ روغن گل گلاب ۱ روغن بنفشه بادام آب کشنیز تر آب
برگ خرفه سرکه باهم آمیخته خرقه بدان تر کرده نهند ضماد که انضاج اورام کلیه را مفید بود ص
گل بنفشه اکلیل الملک کشد انگ تخم شبت حلبه آرد جو هر یکیده درم همه را نیمکوفته بروغن
بابونه سرشته ضماد کنند ضماد بجهت انفجار ورم مفید است ص آرد کرسنه سرگین کبوتر
گرد آسیار همراه ادویه منضجه استعمال نمایند ضماد که در ورم صلب کلیه بکار آید ص اشق مقل
علک البطم هر یک سه درم تخم خطمی تخم خبازی شبت هر یک چهار درم تخم کتان حلبه هر یک
پنجدرم صمغ هارا در آب گرم حل کنند و دیگر داروها را کوفته بیخته سرشته ضماد کنند ضماد که تحلیل
ورم کلیه کند ص آرد گندم نیم پخته برگ حلبه برگ کلم بیخ مهک خطمی شبت بابونه عسل وروغن شیرده
به پزند و ضماد کنند و اگر پیه بط و پیه مرغ خانگی اضافه کنند بهتر بود ضماد که هرگاه جراحت کلیه از ریم
پاک شود بکار آید ص رالک دو دانگ قاقیا گل سرخ خضض گلنار شیاف ماهیا هر یک یکدرم
آرد جو کعک بریان هر یک سه درم و اگر مزاج احتمال کند یکدرم کندر را اضافه کنند و با آب برگ
مورد بکار دارند ضماد که در بول الدم کلوی مفید است ص عدس مقشر آبی کوهی سیب
کوهی حب الآس تخم خشخاش پوست خشخاش کوفته با عصاره برگ مورد سرشته ضماد
کنند و اگر اقاقیا گلنار و سماق اضافه شود انقع بود ضماد که حبس بول الدم کند ص گل
مختوم صمغ عربی تخم خرفه کتیرا گل سرخ گلنار شاخ گوزن سوخته لجینه التیس هر یکدو درم بازده
یکدرم کوفته بیخته با آب مورد ضماد سازند ضماد که چون برعانه نهند ادرار بول کند ص سداب
بودینه برنجاسف سنبل مرزنجوش مرر طبه نمام خطمی شلغم برگ ترب شیح بابونه شب کرنب
همه را در آب به پزند و در طبیخ وی مریض را بنشاند و نفل برعانه ضماد نمایند ضماد که در عسر بول
از جهت لبن جمن در رشانه باشد بکار آید ص دو تخم کرفس نخم شلغم ترب یک یک هفتدرم حب الغار شب یمانی اکلیل الملک حماما آرد جو
تخم دسیاه یکیده درم کوفته بطبیخ کرنب سرشته روغن بلسان یا روغن سوسن داخل نموده ضماد نمایند ضماد که در عسر البول از جهت

کہ وجع رحم و بواسیر را ساکن گرداند ص زعفران افیون بزرالبنج پپیم مرغ از ہر یکدو درم خطمی بزرگ
از ہر یک پنجدرم زردہ تخم مرغ نیم پختہ یک بیضہ بروغن انشخوان زرد آلو ضماد کنند ضماد کہ شکم ہبندد ص اقاقیا
مہ آملہ کندر سعد اذخر سنبل مصطگی از ہر یک پنجدرم کنک ۵ درم کوفتہ و بیختہ بآب بہ ضماد
کند ضماد کہ فروح مقعد را نافع است ص افیون زعفران از ہر یک نیم دانگ مرد
یکمثقال سفید آب از زیر نیم درم روغن گل پنجدرم ضماد سازند چنانچہ رسم است ضماد کہ
بواسیر ص تخم گندنا بزرگ مقل ازرق از ہر یک پنجدرم بروغن سرشتہ ضماد نمایند
ضماد کہ اسہال صفراوی را نافع ست ص برگ مورد گل سرخ گلنار صندل مازو آملہ لادن سماق
حضض اقاقیا مساوی کوفتہ بیختہ بآب برگ مورد سرشتہ بر شکم ضماد کنند ضماد کہ بزلق الاسعار
نافعست ص لادن سعد کوفی مصطگی قصب الذریرہ اذخر مرزنگوش نمام از ہر یک پنجدرم
عود جوز بوا قرنفل از ہر یک نیم کوفتہ بیختہ بآب سورد ضماد کنند ضماد کہ ورد بواسیر را بنشاند ص
مقل کوہان شتر مغز ساق گاو مغز استخوان زرد آلو میعہ زرد تخم مرغ مساوی در روغن گل یا
روغن گاو کہ پیاز وران جوشانیدہ باشند حل کہ ... ضماد نمایند و پیاز
بروغن گاو بریان کردہ نیز ضماد نافع ست ضماد کہ بواسیر و درد مقعد
وزہیر را نافع ست ص مغز ساق گاو دہ درم موم سفید سہ درم اقاقیا دم الاخوین کندر
ہر یک پنجدرم مردار سنگ اسفیداج از ہر یک یکدرم و نیم مقل یکدرم افیون دانگ
روغنگل بیست درم بطریق معہود ضماد کنند ضماد کہ جساوہ مذاکیر و درم مشانہ و استرخاء اعضا
را نافعست ص مصطگی ربع درم پیہ بط دوازدہ درم مغز ساق گاو موم سفید روغن گل از
ہر یک شانزدہ درم مصطگی سائیدہ موم را در روغن گداختہ و پیہ و مغز داخل کردہ بکار برند
ضماد کہ مرض ذیابیطس را سود دہد ص برگ بید برگ خرفہ حی العالم اطراف زبزرگ
یارد جو گندم روغن گل درہم آمیختہ بر پشت ضماد نمایند و بر پنجولہ ران نہند ضماد دیگر برای آن
کار ص مازو یکدرم عصارہ لحیۃ الثیس لادن رانک ہر یکدو درم اقاقیا چہار درم کوفتہ

فتاح اذخر حاشا فرو ماناقطور یون دقیق بیخ کنیر گل سرخ هریکیده درم مقل واشق در سرکه
حل کنند داده کوفته دران بسرشند وهرگاه ضماد بردارند موضع ضماد را بسرکه که دران شب
وسداب پوده بیخته باشند بشویند وهرگاه باتب وحرارت مزاج باشد بشربت های خنک
مثل آب عنب الثعلب وآب کاسنی باینجمین بخورند ضماد که جهت اسهال بارد ونقویت جگر
ومعده بود وص کنک پنج مثقال فتاح اذخر شونیز سعد کوفی از هریک چهار مثقال شب یمانی
دم الاخوین بیخ پوست انار جاورس مرصافی لندر از هریک دو مثقال بآب مورد سرشته ضماد
نمایند وهرگاه جهت تقویت معده وجگر استعمال کنند واسهال نباشد هفت مثقال صبر داخل
نمایند وبجای آب به مورد روغن گل سرخ داخل نموده ضماد نمایند ضماد جاورس در قطع
اسهال مجرب است ص جاورس سه درم آرد جو پنجدرم گل سرخ برگ مورد کندر کنک
هریکیده درم بآب به یا طبیخ او بسرشند وضماد سازند ضماد جهت اسهال صبیان مجرب است ص
زرور وبرگ آس زیره کشنیز کندر پوست انار ترش کوفته بیخته بآب به یا اب
سماق ضماد کنند ضماد که درد بواسیر بنشاند ومجرب است ص حلبه بخم کتان هریک سه درم
گل خطمی گل بابونه اکلیل الملک هریک چهار درم عدس مقشره ده درم مجموع بیخته
به زرده تخم مرغ در روغن بنفشه آمیخته استعمال نمایند ضماد که بواسیر وشقاق مقعد وفرجه
انرا واسهال بواسیر وخون حیض را سود دارد ودرین باب مجرب نوشته اند ص سفیده
ارزیز حفض موم هریک جزوی گل خطمی مقل هریکیده جزو روغن گل پنج جزو روغن
بزرگ هفتاد جزو بکوبند در روغن ها بجوشانند تا به نصف رسد پس صاف نموده بکار برند
ضماد برای خروج مقعد که ورم باشد مفید آید ص عدس مقشر قشور ران جفت بلوط
جوز السرو از هریک یکجزو همه را در آب آسن بخوبی بجوشانند وبالای آن روغن گل انداخته
در ظرف نگاهدارند وقت حاجت ضماد کنند ضماد برای اورام مقعد حارص برگ بنفشه
تازه کوفته برتابه بریان نموده بعد ازان در مسکه یا در روغن گل آمیخته ضماد نمایند ضماد

وروغن سوسن سفید ساختهٔ آمیخته بکار برند ضماد مفتح سده مفید کبد ص سنبل الطیب اسارون
مصطگی هر یکدرم فراسیون بادام تلخ تخم کرفس نانخواه هر یک سه درم بابونه اکلیل الملک
برنجاسف هر یکده درم کوفته بیخته بآب ازیانه وقت خلو معده ضماد کنند ضماد که درد جگر گرم را
سود دهد از کامل الصناعه ص کافور مصطگی سانج هندی هر یک یکدرم خولنجان گل ارمنی هر یکدرم
نیلوفر بنفشه هر یک سه درم صندل سفید گل سرخ هر یک پنجدرم صندل سرخ نه درم کوفته بیخته
باموم وروغن گل باروغن نیلوفر ضماد سازند ضماد بجهت درد که از سردی بود مفید است
ص زعفران دو درم حب بلسان عود بلسان مصطگی سنبل الطیب اسارون قسط سلیخه
هر یک سه درم اکلیل الملک صبر سقوطری شیح ارمنی افسنتین هر یک پنجدرم کوفته بیخته باموم سرخ
وروغن سوسن یاروغن قسط آمیخته ضماد نمایند ضماد دیگر در ابتداء ورم جگر بکار آید ص بیخته
کوفته بر آرد جو دگلاب بسرشند و هرگاه چند روز بگذرد و تجلیل احتیاج شود درین ضماد مصطگی بابونه
اکلیل الملک بنفشه اضافه نمایند ضماد جهت اورام بارد جگر و سپرز از مجربات فابوس است ص
میعه یکدرم صبر زرد زرفا هر یک سه درم مصطگی حماما زعفران اکلیل الملک هر یک چهار درم
اذخر حب بلسان هر یک شش درم اشق هفتدرم موم سفید ده درم باروغن سوسن وشراب
وسرکه کهنه ضماد کنند ضماد که درم دبیله کبد را تنقیح دهد و انفجار نماید ص بابونه اکلیل الملک بیخ بهمن
بیخ خطمی پودینه انجیر مویز منقی خمیر بیاز بریان روغن خسکدانه مساوی ضماد نمایند ضماد که تفجر اورام
کبد کند ص مصطگی دو درم سرگین کبوتر بوره هر یک سه درم بابونه اکلیل الملک بنفشه خشک
هر یک پنجدرم بیخ خطمی آرد سلم غبار رحی از هر یک هفت درم حلبه تخم کتان تخم مرد خمیر بیاز نرگس
هر یکده درم دوا هار را خشک کوفته باد و آهار نرم آمیخته روغن خیری وروغن بنفشه که قدری موم سرخ
دران گداخته باشند آمیخته ضماد کنند ضماد که در یرقان زرد سدی بکار آید ص رازیانه اکلیل
بیخ خطمی کرنب شبت گل بنفشه افسنتین انجیر صبر مرمیه را سائیده بروغن قسط یاروغن سنبل
چرب کنند و بر جگر نهند ضماد جهت یرقان سیاه مفید بود ص مقل پنجدرم اشق هفتدرم

بر پارچہ طلا نمودہ بر موضع ورم بچسپانند ضماد تالیف والد ماجد برای ورم دست و پا ص
زیرۂ سیاہ گل ارمنی سعد کوفی بابونہ عنب الثعلب ہر یک یکمثقال مرصبر یونند چینی اکلیل الملک
از ہر یک سہ ماشہ پشک خشک بزپشک گاو خشک ہر یک یکتولہ بورہ ارمنی دو ماشہ کوفتہ
بیختہ در آب حل کردہ نیمگرم ضماد نمایند ضماد از شفائی جہت صلابت سپرز نافع ص مقل
دو درم اشق یکدرم آرد باقلا کرسنہ آرد نخود حلبہ اکلیل الملک بزرگ بابونہ ترمس سنبل از
ہر یک پنجدرم انجیر زرد بیست و چار درم ادویہ را کوفتہ و ضموغ را با روغن بابونہ گداختہ بہم
آمیختہ بر طحال ضماد نمایند ضماد کہ ورم جگر را نافع است ص آرد جو در سرکہ خیسانند
تا مہر اشود پنجدرم طباشیر سفید فوفل سفید ہر یک پنجدرم فستین ورق گل سرخ صندل
سفید قصب الذریرہ شیاف ماہیثا از ہر یک یکدرم کافور یکدانگ کوفتہ بیختہ بر لتہ کتان
مالیدہ بر موضع گذارند ضماد قیروطی منقول از کامل حرارت کبد و قلب و معدہ را تسکین
دہد ص موم سفید سہ اوقیہ روغن بنفشہ روغن گل ہر یک دو اوقیہ موم را در روغن ہا
بگذارند تا سر شود پس در ہاون انداختہ بگلاب و آب برگ خرفہ و آب
بستان افروز و آب کشنیز و آب کاسنی و سرکہ انگوری کم کم انداختہ تسفیہ
نمایند و بر خرقۂ کتان مالیدہ بگذارند ضماد سقاطون تخم کشنیز عود صرف سقاطون
یعنی عود ہندی ہر یک یکدرم میعۂ سائلہ مصطگی فستین زعفران ہر یک دو درم را با ک سماق ہر یک شش درم
دواہا کوفتہ بیختہ با روغن یاسمین سہ استار موم سفید بیست درم روغن گل و بابونہ ہر یک
پنج استار مثل مرہم سازند و استعمال نمایند ضماد جہت گرمی جگر و ذو شنطار یا کبدی از
شفائی ص گل سرخ صندل گلنار لحیۃ الثیس گل ارمنی دانہ مورد اجزا برابر کوفتہ بیختہ
بگلاب سرشتہ بر موضع جگر ضماد نمایند ضماد منقول از قرابادین عم مرحوم در انتہار ورم
گرم جگر بکار آید ص گل نیلوفر بابونہ آرد جو صندل شیاف ماہیثا فوفل بیخ خطمی
اکلیل الملک از ہر یکدو درم کافور دو دانگ زعفران یکدرم کوفتہ بیختہ در قیروطی کہ از موم

فودنه هریک سه درم اشق هفتدرم کوفته بیخته بسرکه کهنه ضماد کنند ضماد انجیر سنجی سبز زرا
نافع است ص اشق یکدرم مقل دودرم باقلا مقشر کرسنه بخور اکلیل الملک نبرک حلبه
بابونه ترمس سنبل هریک پنجدرم انجیر زرد بیست وچهار درم انجیر را در سرکه بپزند و مقل و اشق
دران بگذارند و بهم آمیزند و ادویه کوفته بیخته بروغن سداب یا روغن بادام یا روغن بابونه
سرشته ضماد نمایند ضماد فولادخون جهت زردآب مفید ص لادن یکدرم و نیم حاما
سنبل الطیب قردماناوار فلفل سلیخه کندر دگر قسط تلخ عاقرقرحا مصطگی هفت مقل ازرق جب
بلسان اشق مرمیه صبر سیسالیوس زراوند مدحرج زراوند طویل اکلیل الملک سعد قرنفل
بیخ سوسن آسمان جوفی روغن بلسان هریکده درم علک البطم موم سفید هریک سی درم
انچه کوفتنی است بکوبند و انچه گداختنی است در روغن ناردین بقدر حاجت گداخته با دوا
کوفته بیخته درهاون بکوبند تا خوب بهتوی شود ضماد فیشاغورث جهت استسقاء بائی اصفر
وضعف جگر و حم و غیر آن مفید ص زوفا رطب موم هریک بیست وچهار رطل زعفران
پیه بط پیه مرغابی هریک دوازده مثقال صبر اشق مصطگی میعهٔ سائله مقل ازرق هریک یکمثقال
ضماد فانوس محلل اورام کبداست ص روغن سنجره مصطگی روغن گل هریک دودرم مصطگی
زعفران حاما هریک چهار درخمی میعه موم هریکده درخمی شراب دوقیه طوطی وهم بدستور ضماد
سازند ضماد فوطون جهت خساوت جگر و معده ص علک البطم نیم اوقیه مصطگی یک اوقیه
اصطرک دو اوقیه بیخ کوایر النخل شش اوقیه در وی روغن ناردین بقدر کفایه ضماد
تالیف والد شریف که برای حکیم علی نقی خان جهت ورم کبد تجویز نموده بودند ص لک
مغسول اسارون ریوند چینی فصب لذریره بیخ اذخر افسنتین از هریکدو درم مصطگی گل خطمی
عصارهٔ ماهیا از هریک یکدرم سنبل الطیب مرکی صبر از هریک سه ماشه گل بنفشه گل بابونه
هریک یک و نیم مثقال گل سرخ سه ماشه تخم کشوث دو مثقال بیخ خطمی یک و نیم مثقال
اکلیل الملک یک و نیم مثقال کوفته در آب عنب الثعلب سبز و قدری گلاب جوشانیده

شکم را نرم کند و جالینوس گفته که درین باب مجرب است ص سوم شصت درم صبر سبر و علک الانبا
هر یک سی درم زنجبیل جاوشیر هر یک بیست درم روغن سوسن دو بست و چهل درم بطریق
معروف مرهم سازند و ضماد نمایند ضماد که منع تولد بلغم در معده کند ص عود خام سک انک لاذن
هر یک سه درم گل سرخ چهار درم سنبل الطیب مصطگی هر یکدو درم مشک دانگی کوفته بیخته با آب
مرزنجوش یا آب نمام سرشته ضماد کنند وقت خلو معده از غذا ضماد که دفع صفراوی بعد از تنقیه
بکار آید ص آب به بریان آب سیب بریان صندل سفید گل سرخ سورد مرلادن عود کافور
سوسن بر معده ضماد کنند ضماد دیگر که منع قی کند ص کافور نیم جزو زعفران یک جزو عود سه جزو
صندل سرخ و سفید هر یک چهار جزو گل سرخ سک هر یک پنج جزو با آب به و سماق ضماد کنند
ضماد که هرگاه درم معده شروع بنضج کند و احتیاج بتحلیل افتد بکار آید ص آرد جو خطمی بابونه
اکلیل الملک گل سرخ صندل سفید کوفته بیخته با آب کرنب و آب عنب الثعلب و قدری
زعفران بکار برند ضماد که در انتهار درم حار مستعمل میشود ص زعفران نیم اوقیه بیخ خطمی
اکلیل الملک هر یک یک اوقیه بیخ مهک بابونه گل بنفشه هر یک یک اوقیه و نیم آرد جو بر
خطمی هر یکدو اوقیه موم روغن بنفشه روغن گل هر یک پنج استار علی الرسم مرتب سازند و در
خرقه کتان سطبر مالیده بر معده نهند ضماد رماد سیر زسخت را نرم کند ص خاکستر چوب زرد
خاکستر پشک بز مساوی بسرکه سرشته در حمام ضماد کنند ضماد سنبل سورالمزاج بارد جگر را
نافع است و در علل که قرص راوند مستعمل میشود بکار برند ص سنبل مصطگی قصب الذریره
اذخر زعفران مرجمله برابر بگیرند مصطگی و مرر ا در شراب حل کنند و دیگر ادویه کوفته بدان بسرشند
و ضماد نمایند و اغذیه باردہ ترک کنند ضماد اکلیل الملک جهت امراض باردہ کبد نافع بود
ص زعفران سنبل رومی سعد قرطاما بیخ سوسن آسمان جوفی هر یکدو اوقیه مقل شش اوقیه
اکلیل الملک اشق علک البطم هر یک یکدرطل وهن عصیر عنب دو رطل موم سه رطل
شراب بقدر کفایه ضماد که نفخه سبز رو صلابت آنرا نافع است ص سداب ده درم لوبیه

باقی ادویه کوفته بخته بآن آمیخته ضماد کنند ضماد که اگر بر معده نهند قی آرد و اگر بر ناف نهند
شکم براند و اگر بر عانه گذارند بول و حیض براند ص برنگ کابلی عصاره قثاء الحمار هر یک
سه مثقال خربق سفید مروارسنگ از هر یک چهار مثقال روغن زیت وه درم موم سفید پنج
برازهر یک پنجدرم موم و پیه را در روغن زیت بگذارند و باقی ادویه کوفته بخته بآن ضم کنند
و بر روی کاغذ تازه کشند و ضماد نمایند ضماد دیگر که چون بر کتان کشند و بر خم اندازند اسهال
سودا کند و چون بر بغل ضماد کنند اسهال صفرا نماید و چون بر بابین و رکین ضماد نمایند
بلغم براند و این هر دو ضماد از اسرار الطبار است پیران و کسانی را که طاقت اسهال بدوا
متحمل نباشد بدین معالجه کنند ص سرمس مقشر یک کف بکوبند و در دیگ کنند و
مقداری از شیر تازه که آنرا بجوشانند بر سر آن ریزند و بجوشانند تا مس شیر را جذب کند
بعد ازان مساوی آن روغن گاو اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید و استعمال کنند و چون
خواهند که قطع اسهال شود دلته بردارند و آن موضع را بگلاب بشویند ضماد که ورم معده
بلغمی را نافع بود ص حبه نیجدرم اکلیل الملک حماما بابونه شبت مصطگی از هر یکده درم افسنتین
سنبل صبر از هر یک هفت درم کندر شش درم پیه بط دوازده درم پیه مرغ بیست درم مرغ
خطمی پانزده درم موم سفید سی درم ضماد کنند چنانچه رسم است ضماد فیلغرنوس در معده
و جگر و اورام آن را نافع ده ص زعفران دو درم مثل مصطگی شیح صبر مغه سائله هر یک سیه درم
سمغ سه اسارپیه بط دوازده درم زوفا یابس یا رطب سی درم روغن ناردین بقدر کفایت
و در بعضی نسخ زعفران دوازده درم است و در امراض رحم بصوف حمول باید کرد ضماد که
فروح معده را نافعست ص افیون زعفران هر یک نیمدانگ مروارسنگ یکمثقال سفیدهٔ
ارزیزه پنجدرم روغن پنجدرم ضماد کنند چنانچه رسم است ضماد که ورم معده و جگر و سپرز بارد را نفع
دهد و صلابات نرم کند و در دشقیقه مزمن را سفید است ص زوفای رطب با پیه اوزک
و پیه مرغ از هر یک ده درم حل کنند و نیکو ضماد نمایند ضماد که حساوت معده را و عضله های

کہ از روغن گل و موم ساختہ باشند سرشتہ پارچہ کتان بآن آغشتہ بر سینہ بگذارند ضماد کہ شیر پستان
زیادہ کند ص تخم بادروج پنجدرم آرد باقلا ده درم کوفتہ بیختہ بآب بادروج ضماد کنند ضماد کہ
شیر غلیظ را باصلاح آرد ص بنفشہ خطمی جو مقشر بیختہ بر سینہ و پستان ضماد نمایند ضماد کہ شیر را کہ سبب
وشکی منجمد شدہ باشد منحل کند ص ماش کہ در ہندی مونگ گویند و برنج کہ آنرا در ہندی سانٹھی
نامند بآب سائیدہ و اندکی گرم کردہ ضماد کنند ضماد کہ در زمانی کہ شیر بستہ شدہ معفن گردیدہ باشد
بکار آید ص آرد کنجد روغن گاؤ انگبین آرد باقلا نان خسکار بہم سرشتہ ضماد کنند ضماد کہ در سوختگی
پستان بکار آید ص ماش دانہ سویز کوفتہ بآب سرو سرشتہ ضماد کنند ضماد کہ دبیلہ پستان را
ببرد و بکشاید ص تخم کتان سوسن مینہ سائلہ سریش بزر کبوتر نطرون را بتنج مساوی کوفتہ
بروغن کنجد و مغز ساق گاؤ و اسفنج سرشتہ ضماد کنند ضماد جہت زنی کہ پستان او بغایت خورد
باشد یا برنیاید و چون این دو ابر نہند عظم پدید آید ص پیہ پیل پیہ گاؤ میش بالسویہ بگیرند
مخلوط ساختہ ہر روز شیر گرم قدری بمالند ضماد کہ نافع است از جہت ادرام صلابہ معدہ و خط
ص زعفران صبر از ہر یک یکدرم افسنتین سنبل از ہر یک یکنیم درم کوفتہ بیختہ بآب گرم ضماد کنند
ضماد کہ معدہ بارد گرم کند و قوت دہد ص سعد کوفی مصطگی قسط افسنتین از ہر یک پنجدرم اذخر
آملہ قرنفل دارچینی قصب الذریرہ از ہر یک دو درم کوفتہ بیختہ بآب بہ ضماد نمایند ضماد کہ ورم کبد را
تحلیل دہد ص مقل حب لبان تخم کرنب از ہر یک دو درم سنبل اشق مصطگی از ہر یک پنجدرم
موم سہ درم روغن ناردین پانزدہ درم صمغ ہا را در شراب حل کنند و باقی ادویہ را کوفتہ بیختہ اضافہ
نمایند و بار و غن و موم ضماد کنند ضماد کہ بہمین خاصیت دارد ص حلبہ شب یمانی تخم خطمی بزرگ
بالونہ مصطگی از ہر یک پنجدرم سنبل سعد قصب الذریرہ اذخر از ہر یک دو درم موم سفید سہ درم
روغن بالونہ پانزدہ درم بطریق معہود ضماد کنند ضماد اصطمخیقون برودت معدہ و کبد و طحال را
نافع بود ص افسنتین سنبل الطیب سلیخہ صبر سقوطری از ہر یک سہ درم عود بلسان زعفران از
ہر یک دو درم موم سفید ہشت درم موم را در روغن ناردین یا روغن قسط یا روغن زنبق بگذارند

اضمدہ واطلیہ درشوصہ منع کردہ اند واولی آنکہ این حکم را مخصوص بآن حالت دانند کہ مادہ بسیار باشد واگر قلیل مادہ باشد استعمال اضمدہ واطلیہ مفید می آید ضماد برای ورم ندی منقول از بیاض عم مرحوم ص آرد جو آرد عدس آرد باقلا گل سرخ مساوی کوفتہ بیختہ در روغن گل وسرکہ کردہ نیمگرم بر پارچہ مالیدہ بر ندی ضماد نمایند ضماد برای ورم ندی ص چوب سپیدہ کہ بہندی میدہ لکڑی گویند پوست کچنال تخم حلبہ پوست بیخ آرند گرد ہمہ را کوفتہ بیختہ ضماد نمایند ضماد کہ چون ہر ماہ بعد از حیض سہ روز بر پستان ضماد نمایند حافظ استر خارآن بود ص دقیق شعیر پوست کنار برگ بارنگ سائیدہ باشیر آمیختہ تا سہ روز متواتر در شب و روز دو سہ مرتبہ بعمل آوردہ باشند ضماد برای خوردی وسختی پستان ص بیخ کندر روی مولیی خام ہر دو را مساوی گرفتہ در رس سیختہ تا چہار پاس کہرل نمایند بعد ازان ضماد کنند انشاء اللہ تعالیٰ در سہ روز بحال آید ضماد صندل کہ در ضعف قلب حار وخفقان حار بکار آید ص صندل سفید بگلاب سائیدہ قدری سرکہ وآب سیب ترش وآب بہ وآب آہنگران وپارۂ کافور اضافہ نمودہ پارچۂ کتانی دران تر کردہ بہوای سر خشک نمودہ ضماد کنند ضماد دیگر کہ حرارت دل را نافع است ص صندل در گلاب بسایند وقدری کافور شیاف مانیثا وآب عنب الثعلب سبز عرق بید مشک آب برگ کاہو آمیختہ استعمال نمایند وتنہا صندل در گلاب وعرق بید مشک سائیدہ در صورت قلت حرارت نیز کفایت کند ضماد کہ اخوات رطوبت قلب را بعد از استعمال ایارجات وجز آن نافع آید ص گل سرخ سنبل الطیب زعفران بآب باد رنجبویہ سرشتہ ضماد کنند ضماد کہ جہت سوء مزاج بارد قلب نافع است ص سنبل قسط اہبل دار چینی سعد فرنفل ورق آس باشراب وآب سیب وآب بہ ضماد نمایند ضماد کہ تحلیل ورم اذنی القلب کند ص بابونہ اکلیل الملک تمام تخم کتان برگ خطمی برگ کرنب زعفران ضماد نمایند ضماد کہ بہ تفشیر قلب نافع آید ص بگیرند ورق خبازی ورق عنب الثعلب بادرنجبویہ بیخ زعفران بسایند وباشراب بیض سرشتہ خشک کنند پس دوبارہ سائیدہ باقیروطی

نرگس کنند و اگر حرارت قوی باشد بدل تخم کنان برگ نیلوفر و کدوی تازه نمایند ضماد که تقلیل
لبن کند و ورم که بسبب زیادتی لبن باشد دور نماید ص دقیق با قلا عدس مغشر تخم کاهو آرد جو
گل سرخ گل ارمنی سائیده در روغن گل و سرکه آمیخته استعمال نمایند ضماد که هرگاه از صاحب
ذات الجنب و صاحب شوصه تپ زائل شود و مادهٔ عسره باقی مانده باشد مستعمل شود ص بگیرند
اطراف سلق و اطراف هندبا هر دو کوفته در روغن کنجد بجوشانند و آرد جو خطمی و ورق بنفشه
کوفته بیخته ضماد کنند اگر نفث برآمدن شروع کند بهتر والا این ضماد بعمل آرند بگیرند خردل نیم جزو
انجیر سیاه یکجزو بابونه دو جزو هر یک علیحده در آب بیخ خطمی گداخته مثل خمیر ساخته ضماد کنند
که این ضماد تلیین و ترقیق ماده کرده بسطح جلدی کشد و قرحه می اندازد و اگر ازین ضماد انجذاب ماده
بسطح جلد نشود محاجم کبار بر نهند ضماد که در نفث الدم که سبب ترقیدن عرق یا جراحت سینه
و شش هم رسیده باشد سود دارد ص پوست انار و قاقله کندر مازو آرد جو گلنار گرد آسیا برگ مورد
اطراف زرشک قنب کوفته بیخته روغن گل یا روغن مورد آمیخته بر سینه ضماد کنند ضماد برای عسر النفس
حادث از ورم ریه وقتی که حمی و حرارت شدیده و التهاب قوی باشد ص آب جوشانده کدو
آب سداب برگ اسبغول آب خبازی شیره کشک جو آب هارا جمع نموده خرقه کتان آغشته
بر سینه ضماد نمایند ضماد نافع برای انتصاب نفس حادث از اشتر خاء عضلات صدر بسبب رطوبات
بارده و ضعف حرارت ص مصطگی سنبل الطیب مرصافی قصب الذریره صبر سقوطری نارمشک
مساوی الاجزاء در گلاب بر پارچه ملا نموده بر سینه ضماد نمایند ضماد منضج و مسکن وجع ذات الجنب
تالیف والد حکیم علوی خان مرحوم ص آرد باقلا آرد مسوق آرد تخم خود آرد گندم از هر یک دو کف
آب عنب الثعلب خمیر نموده لعاب گل خطمی سفیدلعاب تخم مرو لعاب بهدانه شیر تازه گاو روغن
مغز تخم کدو روغن بنفشه زردی بیضه همه را داخل نموده بر تابه پزند مائل طرف قحاصه بر جنب
ضماد نمایند ضماد برای شوصه ص تفت تخاله خوارک بابونه آرد جو با قلا خطمی اکلیل الملک مساوی کوفته بیخته
در قیر وطی که از موم و روغن بنفشه ساخته باشند آمیخته نیکو گرم ضماد نمایند و بعضی از اطبا استعمال

نفیح دهدص بالونه تبلیث زعفران اکلیل الملک کوفته بروغن نرگس خمیر کرده بر خارج
درم بندند ضماد خنازیر مجرب ومعمول ومخترع سند الاطبار والدماجدص صبر مرنا نخواه ایر سا
ازهریک دوماشه زراوند مدحرج فلفل سیاه فلفلمویه ازهریک یکماشه حلبه نیم ماشه قصب الذریره
اشق ثقل راتنج حلتیت بنتن قسط فرفیون قنه هرواحد یک ماشه بزرکتان دوماشه کوفته
بیخته درآب قرص سازند دوقت حاجت اندکی درآب حل کرده ضماد نمایند ضماد نافع
خناقی که بسبب زوال فقره عنق حادث شده باشد بعدازان وقفار بموضع خود استعمال نمایندص
سعاث صبر مراقیا سیرلش بلعاب اسبغول خمیر کرده بعمل آرند ضماد محلل خنازیر ص خردل
تخم انجره کبریت زبدالبحر ریوند چینی ثقل اشق روغن کهنه ترکیب داده برخنازیر گذارند ضماد
که خنازیر را منفتح سازد ص آرد جو آرد گندم آرد باقلا هرکدام پنجدرم شب یمانی ایرسا زفت
تر هرکدام دودرم موم پیه بزهرکدام پنجدرم بزیت کهنه بگذارند ومجموع را بهم سرشته ضماد
کنند وبعضی به بول صبیان مجموع رامی سرشند ضماد عجیب محلل خنازیر ص زراوند
کندش هرکدام یک جزو اشق دوجزو باقدری عسل نرم کرده باشند وباقی ادویه کوفته بیخته
بدان آمیزند وپیوسته ضماد نمایند ضماد دیگر جهت خناق که از زوال فقره حادث شود ص
عفص قشور رمان قرطاس اسرس عرق السماب باهم مخلوط کرده مرقفا وعاریگذارند ضماد که درتذکره عبدالمومن
مجرب نوشته ص ایرسا زراوند زفت هریک جزوی درمرهم داخلیون هرسه ممزوج کرده
برخنازیر گذارند وادویه سائیده بدان بسرشند وبرپارچه کرده برقبه بندند ضماد که
تسکین وجمع ذات الجنب نماید ص آرد جو اکلیل الملک پوست خشخاش کوفته بیخته
بآب ضماد کنند ضماد که مادهٔ ذات الجنب وذات الریه ببرد ودرد ساکن کند ص بنفشه
بالونه هریک جزوی آرد باقلا آرد جو هریک یکجزو ونیم اصل السوس دوجزو کوفته بیخته بموم
روغن یاروغن کنجد سرشته برنهند واگر حاجت به تحلیل زیاده باشد تخم کتان دران افزایند
وبا مفتح ضماد نمایند واگر حرارت بسیار نباشد بدل روغن بنفشه روغن سوسن یاروغن

گوش بعد روآن به موضعش وبستن رفاده وعقب فصد واسهال بکار آید وازین ضماد تسکین
وجع کما حقه رو نماید ص بگیرند نان جو خشک و در آب تر کنند و هر گاه تر شود قدری از سر که و روغن گل
بران بپاشند و مثل ضماد ساخته به بندند ضماد که بر سر جبهه گذاشتن آن حبس عاف نماید ص
کافور افیون هر یک یع جزو گل ارمنی عصاره الحبة التیس گلنار عدس مقشر هر یک یکجزو کوفته
بخته بسر که انگوری سرشته بر تارک گذارند ضماد که هر گاه بر سر و جبهه نهند رعاف باز دارد و اول آب
شدید البرد بر سر ریزند و بعد ازان تضمید نمایند ص مازو سنبر بوست انار گل سرخ هر یک یکجزو
عدس مقشر دو جزو خضض برابر همه کوفته بخته با آب آس و گلاب سرشته بر تارک سر و جبهه نهند
واگر خرقه کتان بگلاب که به برف سرد کرده باشند تر کرده بر تارک سر نهند در حبس عاف اقوی
خواهد بود ضماد مجرب و معمول جهت درد دندان حار ص افیون کافور هر دو را ممزوج نموده
بر دندان دردناک ضماد نمایند ضماد که به طلقه و ظفریه و حصه اسنان نافع است ص بگیرند شحم بط
شحم دجاج مصحم او زشحم خبازی مساوی روغن خیری قدر کفایت شحوم را در روغن بگذارند و قدری
سوم در روغای رطب و حلیب حنظل داخل کرده مثل قیروطی ساخته طلای سخین کنند و به بیمار ایمر مایند
که دندان را از هوا چهل روز صیانت کند اگر طفل یا در سن ترغرغ باشد ده روز این ضماد کفایت
میکند و طریق برآوردن حلیب حنظل انیست که گندم را در آب بخیسانند تا مالیده و متعفن شود پس
شیره آن مثل شیر غلیظ کشیده داخل داروی مذکور کنند و جهت مرض مذکور مالیدن خون خفاش
در ماء سلخ الحیه علی التواتر نافع است و اهل بصره جهت این مرض خردل معجون کرده بخمیر
استعمال میکنند ضماد برای خناق ص حلبه تخم کتان تخم شبت بابونه برگ کرنب و تخم انجدان بخشش
کوفته بخته بروغن نرگس و پیه بط گداخته آمیزند و بر خارج حلق ضماد نمایند ضماد نافع برای
استرخالماة از رطوبت بلغمی ص عفص سنبر قشار کندر ورق آس کوفته بخته در سرکه خمیر
ساخته بر یافوخ ضماد نمایند ضماد برای خناق ص دقیق شعیر در آب عنب الثعلب آب
بارنگ آب کاسنی گلاب و قلیل خل خمر نموده خارج حلق ضماد نمایند ضماد که مرهم صلب را

اقاقیا مساوی کوفته بخیته باب عنب الثعلب یا کاسنی سبز آمیخته حوالی چشم ضماد نمایند واگر وجع وضربان اشد بود همراه آب کوکنار یا آب کاهو استعمال نمایند ضماد که سرطان عین را نافع است ص دقیق شعیر بنفشه خشک نیلوفر آرد با قلا اکلیل الملک بابونه آب کاکنج آب عنب الثعلب ضماد دیگر ص عنب الثعلب خشک برگ خطمی برگ خبازی کوفته بخیته بروغن بنفشه بعمل آرند ضماد ازاله طرفه نماید ص مویز منقی از دانه پاک کرده برگ عنب الثعلب صبر نمک سائیده با سرکه ضماد نمایند ضماد دیگر برای همین کار ص اکلیل الملک دم الاخوین بیخ مهک عفران حدس مفشر بارد وغن گل وزرده تخم مرغ ضماد کنند ضماد که غرب بسته را نرم کند ص تخم مرد کوفته آرد گندم بشیر خمیر کنند وقدری زعفران داخل نمایند ودر شیر دختران یا شیر خر به پزند وبر غرب ضماد نمایند وتضمید باش ممضوغ نیز از مجربات است ضماد معمول استاذ علیه الاعتماد جهت رمد ودرد چشم ص عصارهٔ مامیثا گل ارمنی پوس درخت صندل سرخ حضض مکی اقاقیا عنب الثعلب تخم خطمی صمغ عربی فوفل صبر زعفران کوفته بخیته باب کاهو یا لعاب اسپغول یا سفیدی بیضه ضماد نمایند وهرگاه بشویند باید که از آبی که دران کوکنار وبرگ شبت جوشانیده باشند ضماد مختصر معمول استاذ بجهت ضربه که بچشم رسیده باشد وجمره شدید در ملتحمه باقی ماند ص زعفران مصطگی هردو را سائیده در زردی بیضه مرغ سرشته گرد حلقهٔ چشم ضماد نمایند ضماد که آخر رمد بکار آید ص زرده تخم مرغ آرد جو گل بنفشه گل بابونه ضماد که ورم صلب گوش را نافع شود ص شحم بط ودجاج هردو را بگدازند وقدری بعر غنم خوب باریک سائیده بیندازند ودرهم کرده از خارج ضماد نمایند ضماد که ورم بیرونی گوش را سود دهد ص آرد با قلا آرد جو بابونه گل بنفشه خطمی اکلیل الملک وغن بنفشه وآب گرم ضماد نمایند ضماد که در ورم گوش که از آب رفتن در گوش بهم رسد بکار آید ص پوست خشخاش اکلیل الملک بابونه خطمی تخم کتان آرد جو مفشر بشیر زنان سرشته ضماد کنند ضماد که انکسار یعنی کوفته شدن اذن را نافعست ص صبر مغاث اقاقیا را بتابج حنا بهم سرشته بران جانب که بکسر شده باشد ببندند وعضو را بر هیئت اصلی به بندد ضماد که انقلاع عفرو

صندل سفید از ہر یک تولہ با گلاب سائیدہ خراطین ۹ عدد آرد ماش سہ تولہ با شیر دختران دو تولہ و قدرے
آب سرشتہ باہم مخلوط کردہ اندکی گرم کردہ بر سر بچسپانند ضماد معمول رئیس الحکماء اوستاد الاطباء
افضل المتاخرین اکمل المتقدمین سناء رحمۃ اللہ علیہ جہت اقسام سرسام و غشی سریع الاثر است و
عجیب النفع ص آرد مونگ پاو آثار شیر گاو پاو آثار آرد را در شیر مالیدہ مثل نان بپزند لیکن از یکطرف
خام و از یکطرف پختہ باشد و سر را از روغن گل چرب نمودہ از طرف خام بر سر مریض بندند و یکپاس
بدارند بعد ازان بگشایند و تا حصول مطلوب تکرار عمل میکردہ باشند راقم ہم در اکثر تجربہ در آوردہ
است از اسرار است ضماد برای سرسام اطفال مستعمل و روقت انخطاط ص گل بنفشہ دو مثقال
عود ہندی عوب صلیب اسطوخودوس ہر یک ۵ دانگ ماش متقشر کفی شیر دختران زردۂ تخم
مرغ بروغن گل سرشتہ بر پارچۂ کتان مالیدہ بر یافوخ ضماد نمایند ضماد معمول بعضی احباب بجہت
تشنج غش ضماد کماد ریوس اسطوخودوس ہر یکدو مثقال جند بیدستر یکدانگ عود ہندی عود
صلیب از ہر یک دو دانگ ماش متقشر کفی کوفتہ شیر زنان و زردۂ تخم مرغ و روغن گل سرخ و
روغن ناردین از ہر یک پنج مثقال سرشتہ بر یافوخ ضماد نمایند و اگر علت قوی باشد عاقرقرحا نطرون
وحاشا اضافہ نمایند انسب است ضماد جہت سکتہ و سبات ص فرفیون خرد سرخ شیطرج ہندی
تخم انجرہ بالسویہ باسرکہ بجوشانند و بعد حلق راس ضماد نمایند ضماد کہ بہ جہت سدر و دوار معدے
بکار آید منقول از منہاج ص سنبل الطیب مصطگی از ہر یک نیم جزو صبر یکجزو مرکی گل سرخ ہر یک دو جزو
کوفتہ موم زرد با روغن ناردین یا روغن قسط با روغن مصطگی بگدازند دادویۂ مذکورہ دران بختہ مرہم
سازند و خرقہ مالیدہ بر معدہ ضماد کنند ضماد نافع برای سکتہ ص گل سوسن آسمانجونی جند بیدستر
جوز بوا شونیز خرد فلفل سیاہ قرنفل فاوانیا عاقرقرحا کوفتہ بختہ بسرکہ عنصلی سرشتہ بعد تراشیدن
سر بر سر واصل نخاع ضماد نمایند ضماد کہ ورم و درد چشم را نافع بود ص آرد جودہ درم با قلا پنجدرم
افاقیا یکدرم سفیدۂ تخم مرغ یک عدد با کشنیز تازہ و آب کاسنی آمیختہ بکار برند ضماد کہ وجع
شدید چشم را نافع بود و ورم و رمانند ص صندل سرخ شیاف مامیثا صبر فوفل صمغ عربی افیون

میان ضماد وطلاء باغبار غلیظہ ورقہ است ضماد برای صداع حار شدید الحرارۃ منقول
از خط والد بزرگوار مرحوم ص گل نیلوفر کشنیز تر گل بنفشہ قشور خشخاش باریک بسایند واندکی
گلاب وقدری افیون وکافور داخل کردہ بکار برند واگر حرارت قلیل باشد کافور موقوف
نمایند ضماد جہت صداع فرمن سوداوی ص سداب بری فربیون بورق بذر حرمل
بنفشہ مرزنجوش از ہر واحد جزوی شعیر مرضوض جزئین کوفتہ خل صمغ در روغن نیلوفر
نمودہ باہم مخلوط کردہ بعمل آرند ضماد معمول نافع صداع کہ از ضربہ وسقطہ بہم رسد
ص گل ارمنی صبر از ہر یک پنجدرم دقیق ماش مغاث آس ورد از ہر یک دہ درم
بابونہ قصب الذریرہ از ہر یک یکدرم کوفتہ بیختہ در آب بید سائیدہ ضماد نمایند واگر
جراحتی در اینجا باشد والم شدید پس تبرید مضایقہ ندارد واگر ورم در موضع باشد پس لابد
است از ادویۂ قابضۂ مقویہ مثل عدس وگلنار وورد وآس واگر دماغ حرکت کند پس
اسطوخودوس بابشراب عسل نافع ترین اشیاء است ودر نیصورت غذاء او بیضہ دجاج
وکبوتر وامثال آن کنند ضماد جہت صداع حار ساذج از حکیم علی گیلانی ص برگ
خرفہ جزادہ کدو برگ بید گل خطمی صندل سفید کوفتہ بیختہ باقدری گلاب وسرکہ ضماد نمایند
ضماد کہ مقوی دماغ است ونافع بود برای ورد سرکہ ونزلات مزمنہ ص نمک طبرزد
نمک طعام بورۂ سفید سوختہ سوختہ بورق سوختہ بورق سوختہ خرد دل زبد البحر از ہر یک بمثقال
کبریت زرد گل سرخ سماق برگ حنا اذخر یکی عنصل فراشیون صمغ عربی کندر قرنفل
عود قماری صبر زرد بیخ سوسن سنبل الطیب از ہر یک نیم مثقال جوز بوا دو مثقال
کوفتہ بیختہ بسرکہ انگوری بجوشانند وصابون دران حل کردہ ضماد نمایند ضماد مقوی سر
ونافع بود از برای صداع حادث از تر عرق دماغ ص صندل سفید صندل سرخ
فوفل گل ارمنی ریوند چینی آرد باقلا کوفتہ بیختہ بطبلب مخلوط کردہ بر سر ضماد نمایند
ضماد معمول سناد رحمۃ اللہ علیہ جہت دفع صداع وسرسام مجرب است ص گل بنفشہ

ص توتیا ربع سبز ربع حصہ شیطرج یکجا کوفتہ بیختہ باآب سائیدہ طلا کنند صبغے دیگر ص شیطرج عاقرقرحا حضض جزو
شونیز گل شقایق مرکز تخم زرد چوبہ فوہ ہر یک یک درم کوفتہ بیختہ بسرکہ انگوری سہ شبانہ روز نگاہ دارند پس استعمال
کنند صبغے دیگر ص اطراف شاخہای درخت انجیر سیاہ در سرکہ انگوری بخیسانند پس بسایند
وبورہ وکبریت زرد شیطرج ہندی بدان آمیختہ طلا نمایند بعد ازان بسرکہ وبورق بشویند
صبغے کہ بہق اسود بہر دو برنگ بدن برآورد ص کندش قسط ہر یک دو درم تخم نرگس
ده درم بسرکہ کہنہ بمالند صبغے کہ نشان آبلہ وجراحات را برنگ بدن آورد ص مروارید سنگ
شستہ بیخ نی کہنہ آرد نخود برنج استخوان پوسیدہ مغز تخم خربوزہ حب البان قسط کوفتہ بیختہ
بلعاب حلبہ تخم کتان وقت شب بمالند وصبح از سبوس وآب گرم بشویند صبغے دیگر کہ رنگ را
سرخ کند ص زعفران فوہ کندش مر مصطگے مساوی کوفتہ بیختہ بآب بلبوس یعنی بصل الندف
تر ساختہ شب بمالند وصباح بآب گرم بشویند صبغے حلوفی ص مصطگے نیم جزو ورق نیل
زعفران زرنبہ ہر یک یک جزو خون سیاوشان معصفر از ہر یک دو جزو جملہ را باریک بسایند
وبآب صمغ عربی خمیر کنند یک شب ویکروز بگذارند وانگاہ بر کف دست وپا نہند بغایت
خوش رنگ میگردد صبغے زرین ص زعفران ربع جزو ورق نیل خون سیاوشان
زاک زرد حنا قلقطار ہر یک جزوی نوسادر برابر ہمہ چون سرمہ بسایند ودر شیروان برغاله
کنند یا در رودہا ودرخم سرکہ چون قندیل بیاویزند تا خل شود واگر زیر زبل دفن کنند
وہر روز زبل تازہ کنند تا حل شود ہم نیکو است بعد ازان آرد جو باین آب خمیر کردہ
یک شب ویکروز رہا کنند آنگاہ چون حنا بر دست نہند مثل زرگرد صبغے طاوسے
ص پوست انار ترش نیم مثقال قلقدیس توتیا آہن سہ مثقال بآب چند خمیر
کنند وبر دست نہند ویکساعت بگذارند وبشویند صبغے قرمزی ص لاجورد روتاس
وسمہ از ہر یک جزوی زعفران مصطگے ہر یک نیم جزو بکوبند وبآب صمغ عربی خمیر کنند
وبر دست وپای نہند رنگی لطیف آید باب الضاد والمعجمۃ ضماد بالکسر فرق

مسهل استعمال کنند اگر در اسهال تقصیری رفته باشد وگرم مزاجان را نافع باشد ص انجبین
پنجدرم صابون زنی خطمی نمک طعام از هریک دودرم شکر سرخ پنجدرم بدستور شیاف سازند
شیاف غدیوط ص افاقیا با نمک گلنار ضمغ عربی کوفته بخیه مثل بلوطها ساخته در دبر نهند
وقبل از جماع باید بمستراح روند تا شکم از غائط پاک شود واشیار فابضه نمانند شیاف که ابوالفتح
کمال جهت درد بواسیر وقراقر شکم اختراع نموده ص سیعه یکدرم موم یکدرم ونیم مقل دودرم
روغن خسته زرد آلو روغن گل از هریک سه درم چنانچه رسم است شیاف سازند شیاف مجرب
که اسقاط لوصیر کند ص عشقه وآن نباتی است که بر درخت پیچد وخشک کند ودر دیگ نو
مسین بپزند وصاف کنند وچهل روز در آفتاب نهند ودر شب بپوشند واز کرم نگاه دارند
وهر روز بر هم زنند بر مقدار یکمن ازین صبر ومرو تخم سپندان سفید از هریک یک ستار اصافه
کنند وشیاف سازند ویک شب بکار برند ویک شب نه تا کهنه خشک شود وبسفیدی شیاف
دیگر مجرب قدماء است ص لشیم گوسفند را فتیله ساخته سه روز در سرکه بگذارند پس برگ
قنب را کوبیده نرم سائیده بران فتیله پاشیده شیاف کنند شیاف که در قطع خون
مجرب است خواه از بواسیر یا اسهال باشد وجروح مقعد را نیز مفید است ص صاف
افاقیا بذر البنج صمغ عربی برنج بوداده بالسویه بآب مورد سرشته شیاف سازند شیاف
برای قرحه مجری قضیب بعد پاک کردن قرحه بکار آید ص توتیا مغسول مردارسنگ قلمی
کدو محرق نحاس محرق اقلیمیا مغسول طین قبرسی شادنج مغسول کندر انزروت مازو
گلنار شب افاقیا زاج محرق دم الاخوین گل سرخ منزوع الاقماء انار ترش کاغذ سوخته از هر یکدام
که باشد یا مجموع گرفته شیاف ساخته استعمال نمایند باب الصاد المهملة صبغی که
چشم را سیاه کند ص سرمه سه درم دود چراغ سرب دودرم مشک انگلی عفص افاقیا هر یک
یکدرم همه را باریک سائیده در چشم کشند صبغی دیگر ص فندق سوخته در روغن زیت
سائیده بر یافوخ طلاء نمایند تا چهل روز چشم را سیاه کند صبغی که بیض را رنگین کند

نرگس کنند و اگر حرارت قوی باشد بدل تخم کنان برگ نیلوفر و کدوی تازہ نمایند ضماد کہ تقلیل
لبن کند و ورم کہ بسبب نزیادتی لبن باشد دور نماید ص دقیق با قلا عدس مغشر تخم کاہو آرد جو
گل سرخ گل ارمنی سائیدہ در روغن گل و سرکہ آمیختہ استعمال نمایند ضماد کہ ہرگاہ از صاحب
ذات الجنب و صاحب شوصہ تپ زائل شود و مادہ عسرہ باقی ماندہ باشد مستعمل شود ص بگیرند
اطراف سلق و اطراف ہندبا ہر دو کوفتہ در روغن کنجد بجوشانند و آرد جو خطمی و ورق بنفشہ
کوفتہ بیختہ ضماد کنند اگر نفث برآمدن شروع کند بہتر والا این ضماد بعمل آرند بگیرند خرد ول نیم خرد
انجیر سیاہ بگجر و بابونہ دو جزو ہر یک علیحدہ در آب بیخ خطمی گداختہ مثل خبیص ساختہ ضماد کنند
کہ این ضماد تلیین و ترقیق مادہ کردہ بسطح جلدی کشد و قرحہ می اندازد و اگر ازین ضماد انجذاب مادہ
بسطح جلد نشود محاجم کبار بر نہند ضماد کہ در نفث الدم کہ بسبب ترقیدن عرق یا جراحت سینہ
و شش ہم رسیدہ باشد سود دارد ص پوست انار و فاق کندر مازو آرد جو گلنار گرد آسیا برگ مورد
اطراف زرشک قنب کوفتہ بیختہ روغن گل یا روغن مورد آمیختہ بر سینہ ضماد کنند ضماد برای عسر النفس
حادث از ورم ربہ وقتی کہ حمی و حرارت شدیدہ و التہاب قوی باشد ص آب جو دہ کدو
آب سداب برگ اسبغول آب خبازی شیرہ کشک جو آب ہا را جمع نمودہ خرقہ کتان آغشتہ
بر سینہ ضماد نمایند ضماد نافع برای انتصاب نفس حادث از اشتر خا عضلات صدر بسبب رطوبات
بارد و ضعف حرارت ص مصطگی سنبل الطیب مرصافی قصب الذریرہ صبر سفوطری نارمشک
مساوی الاجزاء در گلاب بر پارچہ طلا نمودہ بر سینہ ضماد نمایند ضماد منضج و مسکن مجمع ذات الجنب
تالیف والد حکیم علوی خان مرحوم ص آرد با قلا آرد مسوق آرد تخم خود آرد گندم از ہر یک دو کف
آب عنب الثعلب خمیر نمودہ لعاب گل خطمی سفید لعاب تخم مرو لعاب بہدانہ شیر تازہ گاو روغن
مغز تخم کدو روغن بنفشہ زردی بیضہ ہمہ را داخل نمودہ بر نابہ پزند مائل طرف قیح ضماد بر جنب
ضماد نمایند ضماد برائے شوصہ ص نفتہ تخمہ خوارے بابونہ آرد جو با قلا خطمی اکلیل الملک مساوی کوفتہ بیختہ
در قیروطی کہ از موم و روغن بنفشہ ساختہ باشند آمیختہ بگیرم ضماد نمایند و بعضی از اطبا استعمال

نضیج دهدص بابونه تبلیث زعفران اکلیل الملک کوفته بروغن نرگس خمیر کرده بر خارج
ورم بندند ضماد خنازیر مجرب ومعمول ومخترع سند الاطبار والد ماجدص صبر مر نا نخواه ایر سا
ازهریک دو ماشه زراوند مدحرج فلفل سیاه فلفلمویه ازهریک یکماشه حلبه نیم ماشه قصب الذریره
اشق بقل راتنج حلتیت بنتن قسط فرفیون قنه هرواحد یک ماشه بزرکتان دو ماشه کوفته
بیخته درآب قرص سازند دوقت حاجت اندکی درآب حل کرده ضماد نمایند ضماد نافع
خناق که بسبب زوال فقره عنق حادث شده باشد بعد ازان دقفار بموضع خود استعمال نمایندص
سعاث صبر مرا قاقیا سیریش بلعاب اسبغول خمیر کرده بعمل آرند ضماد محلل خنازیر ص خردل
تخم انجره کبریت زبد البحر ریوند چینی بقل اشق روغن کهنه ترکیب داده برخنازیر گذارند ضماد
که خنازیر را منفتح سازد ص آرد جو آرد گندم آرد باقلا هرکدام پنجدرم شب یمانی ایرسا زفت
تر هرکدام دو درم موم پیه بزهرکدام پنجدرم بزیت کهنه بگذارند ومجموع را بهم سرشته ضماد
کنند وبعضی به بول صبیان مجموع را می سرشند ضماد عجیب محلل خنازیر ص زراوند
کندش هرکدام یک جزو اشق دو جزو باقدری عسل نرم کرده باشند وباقی ادویه کوفته بیخته
بدان آمیزند وبپوسته ضماد نمایند ضماد دیگر جهت خناق که از زوال فقره حادث شود ص
عفص قشور رمان قرطاس السرس عرق السماب باهم مخلوط کرده مرقفا وعرا بگذارند ضماد که درتذکره عمدهٔ
مجرب نوشته ص ایرسا زراوند زفت هریک جزوی درمرهم داخلیون هرسه ممزوج کرده
برخنازیر گذارند وادویه سائیده بدان بسرشند وبرپارچه کرده بررقبه بندند ضماد که
تسکین وجمع ذات الجنب نماید ص آرد جو اکلیل الملک پوست خشخاش کوفته بیخته
بآب ضماد کنند ضماد که مادهٔ ذات الجنب وذات الریه ببرد ودرد ساکن کند ص بنفشه
بابونه هریک جزوی آرد باقلا آرد جو هریک یکجزو ونیم اصل السوس دو جزو کوفته بیخته بموم
روغن یا روغن کنجد سرشته برنهند واگر حاجت به تحلیل زیاده باشد تخم کتان دران افزایند
وبا سفیدج ضماد نمایند واگر حرارت بسیار نباشد بدل روغن بنفشه روغن سوسن یا روغن

گوش بعد روآن بموضعش وبستن رفاده وعقب فصد واسهال بکار آید وازین ضماد تسکین
وجع کما حقه رو نماید ص بگیرند نان جو خشک و در آب تر کنند و هرگاه تر شود قدری از سر که و روغن گل
بران بپاشند و مثل ضماد ساخته ببندند ضماد که بر سر جبهه گذاشتن آن حبس عاف نماید ص
کافور افیون هر یک یع جزء گل ارمنی عصاره الحبنه التیس گلنار عدس مقشر هر یک یکجزو کوفته
بخته بسر که انگوری سرشته بر تارک گذارند ضماد که هرگاه بر سر و جبهه نهند رعاف باز دارد و اول آب
شدید البرد بر سر ریزند و بعد ازان تضمید نمایند ص مازو سبز پوست انار گل سرخ هر یک یکجزو
عدس مقشر دو جزو خضض برابر همه کوفته بخته بآب آس و گلاب سرشته بر تارک سر و جبهه نهند
واگر خرقه کتان بگلاب که به برف سرد کرده باشند تر کرده بر تارک سر نهند در حبس عاف اقوی
خواهد بود ضماد مجرب و معمول جهت درد دندان حار ص افیون کافور هر دو را ممزوج نموده
بر دندان دردناک ضماد نمایند ضماد که بطلقه وظفریه و حصه اسنان نافع است ص بگیرند شحم بط
شحم دجاج مسحم از شحم خبازی مساوی روغن خیری قدر کفایت شحوم را در روغن بگدازند و قدری
سوم در زوفای رطب و حلیب حنظل داخل کرده مثل قیروطی ساخته طلای سخین کنند و به بیمار ایمان دهند
که دندان را از هوا در چهل روز صیانت کند اگر طفل یا در سن ترغرغ باشد ده روز این ضماد کفایت
میکند و طریق برآوردن حلیب حنظل اینست که گندم را در آب بخیسانند تا مالیده و متعفن شود پس
شیره آن مثل شیر غلیظ کشیده داخل داروی مذکور کنند و جهت مرض مذکور مالیدن خون خفاش
در ماء سلخ الحیه علی التواتر نافع است و اهل بصره جهت این مرض خردل معجون کرده بخمیر
استعمال میکنند ضماد برای خناق ص حلبه تخم کتان تخم شبت بابونه برگ کرنب و تخم اذخر بخشش
کوفته بخته بروغن نرگس و بیه لبط گداخته آمیزند و بر خارج حلق ضماد نمایند ضماد نافع برای
استرخالهاة از رطوبت بلغمی ص عفص سنبر قشار کندر ورق آس کوفته بخته در سرکه خمیر
ساخته بر بافوخ ضماد نمایند ضماد برای خناق ص دقیق شعیر در آب عنب الثعلب آب
بارتنگ آب کاسنی گلاب و قلیل خل خمر نموده خارج حلق ضماد نمایند ضماد که عرم صلب را

افاقیا مساوی کوفته بجیته با آب عنب الثعلب یا کاسنی سبز آمیخته حوالی چشم ضماد نمایند واگر وجع وضربان اشد بود همراه آب کوکنار یا آب کاهو استعمال نمایند ضماد که سرطان عین را نافع است ص دقیق شعیر نبفشه خشک نیلوفر آرد با قلا اکلیل الملک بابونه آب کانج آب عنب الثعلب ضماد دیگر ص عنب الثعلب خشک برگ خطمی برگ خبازی کوفته بجیته بروغن نبفشه بعمل آرند ضماد ازاله طرفه نماید ص مویز منقی از دانه پاک کرده برگ عنب الثعلب صبر نمک سائیده با سرکه ضماد نمایند ضماد دیگر برای همین کار ص اکلیل الملک دم الاخوین بیخ مهک عفران حدس منقشر بار وغن گل وزرده تخم مرغ ضماد کنند ضماد که غرب بسته را نرم کند ص تخم مرو کوفته آرد گندم بشیر خمیر کنند وقدری زعفران داخل نمایند ودر شیر دختران یا شیر خر به پزند وبر غرب ضماد نمایند وتضمید باش ممضوغ نیز از مجربات است ضماد معمول استاذ علیه الاعتماد جهت رمد ودرد چشم ص عصارهٔ مامیثا گل ارمنی پوس در بندی صندل سرخ حضض یکی اقاقیا عنب الثعلب تخم خطمی صمغ عربی فوفل صبر زعفران کوفته بجیته بآب کاهو یا لعاب اسپغول یا سفیدی بیضه ضماد نمایند وهرگاه بشویند باید که از آبی که دران کوکنار وبرگ شبت جوشانیده باشند ضماد مختصر معمول استاذ بجهت ضربه که بچشم رسیده باشد وجمره شدید در ملتحمه باقی ماند ص زعفران مصطگی هردو را ساتیده در زردی بیضه مرغ سرشته گرد حلقهٔ چشم ضماد نمایند ضماد که آخر رمد بکار آید ص زرده تخم مرغ آرد جو گل بنفشه گل بابونه ضماد که ورم صلب گوش را نافع شود ص شحم بط ودجاج هردو را بگدازند وقدری بعر غنم خوب باریک سائیده بیندازند ودرهم کرده از خارج ضماد نمایند ضماد که ورم بیرونی گوش را سود دهد ص آرد با قلا آرد جو بابونه گل بنفشه خطمی اکلیل الملک وغن بنفشه وآب گرم ضماد نمایند ضماد که در ورم گوش که از آب رفتن در گوش بهم رسد بکار آید ص پوست خشخاش اکلیل الملک بابونه خطمی تخم کتان آرد جو بنفشر بشیر زنان سرشته ضماد کنند ضماد که انکسار یعنی کوفته شدن اذن را نافعست ص صبر مغاث اقاقیا را بتابج حنا بهم سرشته بران جانب که بکسر شده باشد ببندند وعضو را ببهیئت اصلی به بندد ضماد که انقلاع عفرو

صندل سفید از ہر یک تولہ با گلاب سائیدہ خراطین ۹ عدد آرد ماش سہ تولہ با شیر دختران دو تولہ و قدرے
آب سرشتہ باہم مخلوط کردہ اندکی گرم کردہ بر سر بچسپانند ضماد معمول رئیس الحکماء اوستاد الاطباء
افضل المتاخرین اکمل المتقدمین سناء رحمۃ اللہ علیہ جہت اقسام سرسام و غشی سریع الاثر است و
عجیب النفع ص آرد مونگ پاو آثار شیر گاو پاو آثار آرد را در شیر مالیدہ مثل نان ببزند لیکن از یکطرف
خام و از یکطرف پختہ باشد و سر را از روغن گل چرب نمودہ از طرف خام بر سر مریض ببندند و یکپاس
بدارند بعد ازان بگشایند و تا حصول مطلوب تکرار عمل میکردہ باشند راقم ہم در اکثر تجربہ در آورد
است از اسرار است ضماد برای سرسام اطفال مستعمل و روقت انخطاط ص گل نبفشہ دو مثقال
عود ہندی عوب صلیب اسطوخودوس ہر یک دو دانگ ماش مقشر کفی شیر دختران زردۂ تخم
مرغ بروغن گل سرشتہ بر پارچہ کتان مالیدہ بر یافوخ ضماد نمایند ضماد معمول بعضی احباب بجہت
تشنج غش ضماد کمادریوس اسطوخودوس ہر یک دو مثقال جند بیدستر یک دانگ عود ہندی عود
صلیب از ہر یک دو دانگ ماش مقشر کفی کوفتہ شیر زنان و زردۂ تخم مرغ و روغن گل سرخ و
روغن نارد ین از ہر یک پنج مثقال سرشتہ بر یافوخ ضماد نمایند و اگر علت قوی باشد حاقر قرحا نطرون
وحاشا اضافہ نمایند انسب است ضماد جہت سکتہ و سبات ص فرفیون خرد سرخ شیطرج ہندی
تخم انجرہ بالسویہ بسرکہ بجوشانند و بعد حلق راس ضماد نمایند ضماد کہ بہ جہت سدر و دوار معدے
بکار آید منقول از منہاج ص سنبل الطیب مصطگی از ہر یک نیم جزو صبر یک جزو فرمکی گل سرخ ہر یک دو جزو
کوفتہ موم زرد بار و غن نارد ین یا روغن قسط یا روغن مصطگی بگداز ند و ادویۂ مذکورہ دران بیختہ مرہم
سازند و خرقہ مالیدہ بر معدہ ضماد کنند ضماد نافع برای سکتہ ص گل سوسن آسمانجونی جند بیدستر
جوز بوا شونیز خرد فلفل سیاہ قرنفل فاوانیا حاقر قرحا کوفتہ بیختہ بسرکہ عنصلی سرشتہ بعد تر شیدن
سر بر سر و اصل نخاع ضماد نمایند ضماد کہ ورم و درد چشم را نافع بود ص آرد جودہ دو درم با قلا نیجدرم
افاقیا یکدرم سفیدۂ تخم مرغ یک عدد با ب کشنیز تازہ و آب کاسنی آمیختہ بکار برند ضماد کہ وجع
شدید چشم را نافع بود و درم و نمانند ص صندل سرخ شیاف مامیثا صبر فوفل صمغ عربی افیون

میان ضماد وطلاء باغبار غلیظه ورقه است ضماد برای صداع حار شدید الحرارة منقول
از خط والد بیرجندی مرحوم ص گل نیلوفر کشنیز تر گل بنفشه قشور خشخاش باریک بسایند واندکی
گلاب وقدری افیون وکافور داخل کرده بکار برند واگر حرارت قلیل باشد کافور موقوف
نمایند ضماد جهت صداع مزمن سوداوی ص سداب بری فربیون بورق بذر حرمل
بنفشه مرزنجوش ازهر واحد جزوی شعیر مرضوض جزئین کوفته وحل صمغ در روغن نیلوفر
نموده باهم مخلوط کرده بعمل آرند ضماد معمول نافع صداع که از ضربه وسقطه بهم رسد
ص گل ارمنی صبر از هریک پنجدرم دقیق ماش سفاف آس ورد از هریک ده درم
بابونه قصب الذریره از هریک یکدرم کوفته بیخته در آب بید سائیده ضماد نمایند واگر
جراحتی در اینجا باشد والم شدید پس تبرید مضایقه ندارد واگر ورم در موضع باشد پس لابد
است از ادویهٔ قابضهٔ مقویه مثل عدس وگلنار وورد وآس واگر دماغ حرکت کند پس
اسطوخودوس باشراب عسل نافع ترین اشیاء است ودر نیصورت غذاء او مرغ دجاج
وکبوتر وامثال آن کنند ضماد جهت صداع حار ساذج از حکیم علی گیلانی ص برگ
خرفه جزاده کدو برگ بید گل خطمی صندل سفید کوفته بیخته باقدری گلاب وسرکه ضماد نمایند
ضماد که مقوی دماغ است ونافع بود برای ورد سرکه ونزلات مزمنه ص نمک طعام
نمک طعام بورهٔ سفید سوخته خرنوب سوخته پوست خرمای خرد زبد البحر از هریک بمثقال
کبابت زرد گل سرخ سماق برگ حنا اذخر یکی عنصل فراشیون صمغ عربی کندر قرنفل
عود قماری صبر زرد بیخ سوسن سنبل الطیب از هریک نیم مثقال جوز بوا دو مثقال
کوفته بیخته بسرکه انگوری بجوشانند وصابون دران حل کرده ضماد نمایند ضماد مقوی سر
ونافع بود از برای صداع حادث از تشنج دماغ ص صندل سفید صندل سرخ
قرنفل گل ارمنی ریوند چینی آرد باقلا کوفته بیخته بطبلت مخلوط کرده بر سر ضماد نمایند
ضماد معمول استاد رحمة الله علیه جهت دفع صداع وسرسام مجرب است ص گل بنفشه

ص توتیا ربع سبز ربع حصهٔ شیطرج یکجا کوفته بیخته با آب سائیده طلا کنند صبغ دیگر ص شیطرج عاقرقرحا حضض حرمل
شنوبر گل شقایق مرکب تخم زرد چوبه فوه هر یک یکدرم کوفته بیخته بسر که انگور سرشته سه روز نگاهدارند پس استعمال
کنند صبغی دیگر ص اطراف شاخهای درخت انجیر سیاه در سرکهٔ انگوری بخیسانند پس بسایند
وبوره وگرد زرد شیطرج هندی بدان آمیخته طلا نمایند بعد ازان بسرکه وبورق بشویند
صبغی که بهق اسود ببرد و برنگ بدن را برآورد ص کندش قسط هر یک دو درم تخم نرگس
ده درم بسرکه کهنه بمالند صبغی که نشان آبله وجراحات را برنگ بدن آورد ص مردار سنگ
شسته بیخ نی کهنه آرد نخود برنج استخوان بوسیده مغز تخم خربوزه حب البان قسط کوفته بیخته
بلعاب حلبه تخم کتان وقت شب بمالند وصبح از سبوس وآب گرم بشویند صبغی دیگر که رنگ را
سرخ کند ص زعفران فوه کندش مر مصطگی مساوی کوفته بیخته بآب بلبوس یعنی بصل الندف
تر ساخته شب بمالند وصباح بآب گرم بشویند صبغی حلوفی ص مصطگی نیم جزو ورق نیل
زعفران زرنیخ هر یک یکجزو خون سیاوشان معصفر از هر یک دو جزو جمله را باریک بسایند
وبآب صمغ عربی خمیر کنند یک شب ویکروز بگذارند وانگاه بر کف دست وپا نهند بغایت
خوش رنگ میگردد صبغی زرین ص زعفران ربع جزو ورق نیل خون سیاوشان
زاگ زرد حنا فلفل هر یک جزوی نوشادر برابر همه چون سرمه بسایند در شیروان بغالیه
کنند یا در رودها و در خم سرکه چون قندیل بیاویزند تا خل شود واگر زیر زبل دفن کنند
وهر روز زبل تازه کنند تا حل شود هم نیکو است بعد ازان آرد جو باین آب خمیر کرده
یک شب ویکروز بگذارند آنگاه چون حنا بر دست نهند مثل زر گردد صبغی طاوسی
ص پوست انار ترش نیم مثقال فلفل لیس توتیا آهن سه مثقال بآب چند خمیر
کنند وبر دست نهند ویکساعت بگذارند وبشویند صبغی قرمزی ص لاجورد وتاس
وسمه از هر یک جزوی زعفران مصطگی هر یک نیم جزو بکوبند وبآب صمغ عربی خمیر کنند
وبر دست وپای نهند رنگی لطیف آید باب الضاد والمعجمة ضماد بالکسر فرق

مسهل استعمال کنند اگر در اسهال تقصیری رفته باشد وگرم مزاجان را نافع باشد ص نجبین
پنجدرم صابون زنی خطمی نمک طعام از هر یک دودرم شکر سرخ پنجدرم بدستور شیاف سازند
شیاف غدیوط ص افاقیا با نمک گلنار ضمغ عربی کوفته بیخته مثل بلوطها ساخته در دبر نهند
وقبل از جماع باید بمستراح روند تا شکم از غائط پاک شود واشیاء قابضه نمانند شیاف که ابوالفتح
کمال جهت درد بواسیر وقراقر شکم اختراع نموده ص سیعه یکدرم موم یکدرم ونیم مقل دودرم
روغن خسته زرد آلو روغن گل از هر یک سه درم چنانچه رسم است شیاف سازند شیاف مجرب
که اسقاط لوصیر کند ص عشقه وآن نباتی است که بر درخت پیچد وخشک کند ودر دیگ نو
مسین بپزند وصاف کنند وچهل روز در آفتاب نهند ودر شب بپوشند واز کرد نگاه دارند
وهر روز بر هم زنند بر مقدار یکمن ازین صبر ومرو تخم سپندان سفید از هر یک یک ستار اصافه
کنند وشیاف سازند ویک شب بکار برند ویک شب نه تا کهنه شود وبسفند شیاف
دیگر مجرب قدماء است ص لشیم گوسفند را فتیله ساخته سه روز در سرکه بگذارند پس برگ
قنب را کوبیده نرم سائیده بران فتیله پاشیده شیاف کنند شیاف که در قطع خون
مجرب است خواه از بواسیر یا اسهال باشد وجروح مقعد را نیز مفید است ص مصافی
افاقیا بذر البنج صمغ عربی برنج بوداده بالسویه بآب مورد سرشته شیاف سازند شیاف
برای قرحه مجری قضیب بعد پاک کردن قرحه بکار آید ص توتیا مغسول مردار سنگ قلمی
کدو محرق نحاس محرق اقلیمیا مغسول طین قبرسی شادنج مغسول کندر انزروت مازو
گلنار شب افاقیا زاج محرق دم الاخوین گل سرخ نبنر وع الاامهار انارخش کاغذ سوخته از همه یکدام
که باشد یا مجموع گرفته شیاف ساخته استعمال نمایند باب الصاد المهملة صبغی که
چشم را سیاه کند ص سرمه سه درم دود چراغ سرب دودرم مشک دو انگی عفص افاقیا هر یک
یکدرم همه را باریک سائیده در چشم کشند صبغی دیگر ص فندق سوخته در روغن زیت
سائیده بر یا قوخ طلاء نمایند تا چهل روز چشم را سیاه کند صبغی که بعض را رنگین کند

خشک مساوی کوفته بجبته بآب سداب تازه ببرشند و شیاف سازند شیاف زعفران حضض مرافیون کندر مساوی کوفته بجبته شیاف سازند شیاف خیارشنبر قولنج بگشاید و طبع را نرم کند ص بنفشه ده درم سنا یکی پنجدرم خطمی سه درم نمک هندی یکدرم عسل خیارشنبر شکر سرخ از هر یک ده درم اول عسل خیارشنبر و شکر سرخ بر آتش گذاشته بعد ازان ادویهٔ دیگر کوفته بجبته آمیخته شیاف سازند شیاف بنفشه همین خاصیت دارد ص گل بنفشه پنجدرم ستمونیا نمک هندی از هر یکدو درم بورهٔ ارمنی تربد از هر یک سه درم قراقروت فاید از هر یک پنج مثقال شیاف سازند شیاف منفتح با سور ممتلی ص شحم حنظل سه درم بادام تلخ چهار درم کوفته بجبته شیاف سازند و هر ساعت یک احتمال نمایند تا پنج ساعت شیاف قطع دم بواسیر و طمث کند ص عفص حضض کندر جلنار شب قرطاس محرق کحل طین ارمنی از هر یک یکجزو کوفته بجبته در آب مورد شیاف بسته دارند تا صوف را بدان آلوده بکار برند شیاف قولنج ص بورهٔ ارمنی ده درم شحم حنظل مقل سکبنیج از هر یک پنجدرم ستمونیا دو درم و نیم شکر سرخ ده درم شیاف سازند شیاف که خون رفتن از بواسیر باز دارد ص کندر انزروت دم الاخوین گلنار سرمه زاج سفید از هر یک یکدرم زنگار یکدانگ کوفته بجبته با عسل ببرشند و شیاف سازند شیاف که شکم را بند دهد ص اقاقیا صمغ عربی گلنار کزمانج بلوط برنج بریان کرده کوفته بجبته شیاف سازند شیاف که نافع جهت زحیر و اسهال دم و اغراس ص صمغ عربی اقاقیا افیون مازو بذر البنج کندر گل ارمنی برنج بریان زیرهٔ بوداده مساوی کوفته بجبته بآب مورد یا کشنیز تازه شیاف سازند شیاف جهت رفع قبض و دفع سده اطفال مجرب است ص نعناع تربد سفید بشکل موش هر یک یکمثقال کوفته بجبته بعسل خیارشنبر سرشته شیاف سازند وقت برداشتن بزیت چرب کرده بردارند شیاف دیگر معمول و کثیر المنافع ص زبل الفار ملح عجمین شکر احمر بالسویه بر آتش نرم معقود سازند و مانند خسته خرما فتیله ها ساخته بروغن بنفشه چرب کرده بکار برند شیاف که در عقب

در زهره گاو شیاف ها ساخته وقت حاجت بروغن بادام تلخ سائیده در گوش چکانند
شیاف که در صمم عظیم النفع است **ص** بوره حب لغار خند بیدستر هر واحد نصف جزو خردل
انجیر هر یک جزوی شراب عتیق مقداری که بپوشد دوا ها را بجوشانند تا منعقد شود پس شیاف
ها ساخته در گوش نهند **شیاف** نافع برای ثقل اذن منقول از بیاض عم مرحوم **ص** شحم حنظل
عصاره افسنتین خند بیدستر زراوند مدحرج از هر یک نیم درم بورق سه درم لفظ ربعد رم فرفیون
دانگ کوفته شیاف ساخته در مزاره گاو سائیده در روغن بادام آمیخته در گوش قطور نمایند
شیاف که اطبار قدیم جهت امراض جهت خون آوردن از بینی ساخته اند **ص** کندش سه درم
فرفیون کوفته بیخته بزهره گاو سرشته شیاف سازند و بوقت حاجت در بینی نهند که رعاف جاری
کند **شیاف** مختار جالینوس برای بواسیر وارسال الف منقول از بیاض عم مرحوم **ص** انار را
با شحم او کوفته و آب او را افشرده در ظرف اسرب بگذارند تا آنکه در رته نشین شود بعد از ان
در در ا بسایند تا آنگه مثل عجین شود و از آب صاف انار در وقت سائیدن قسقیه نموده باشند
هر گاه خوب سائیده شود شیاف ها را بسازند و در بینی گذارند و مکرر این عمل نمایند و بعد دو سه روز
بیمار را راحت داده باشد و باز این عمل را شروع می نموده باشند و بینی را از عصاره مذکور
نیز طلا کرده باشند پس نفع میکند این دوا نفع کثیر و الم بسیاری هم میکند چنانچه ادویه دیگر
که درین باب مذکور اند الم می نماید **شیاف** که استسقار طبلی را نافع بود با دام را نفع میکند **ص**
سداب حریل را زیانه تخم کرفس سفید بورق ارمنی هر یک یکدرم شکر سرخ پنج درم بآب سداب
شیاف سازند **شیاف** که در استسقار زقی استفراغ زرد آب کند **ص** غاریقون هفت
قیر طاس سوخته دو ثلث درخمی ماهو دانه دو ثلث عدد انجیر پنجاه عدد کوفته بیخته بامغز بادان
شیاف ساخته بردارند **شیاف** مسهل قولنج را بکشاید و بلغم و صفرا را دفع کند و درد لشت
بنشاند **ص** سکبنج جاوشیر مقل بورق ارمنی اشق انزروت زنجبیل سورنجان شقاقل شحم حنظل
تخم کرفس از یانه انیسون نمک هندی خند بیدستر زربناد ماهی زهره قسط سعد سداب

نافعست مر ناخنه را که غلیظ باشد و کسی را که از آهن تبرسد و چون این شیاف بکار برند با آهن حاجت
نیاید ص بگیرند روی سوخته پنجدرم زنگار دو درم قلقند سوخته زرنیخ مصعد کرده از هر یک یکدرم
بکوبند و بیزند و یک هفته در شراب ترکنند پس شیاف سازند شیاف دراز و چون ناخنه را خواهند
که بی آهن بردارند بدین شیاف ناخنه را بمالند و بردارند و غدهٔ لحم زاید را منقول از نور العین
شیاف احمر حاد سبل و ظفره و سلاق و بیاض را نافع بود ص شادنج عدسی مغسول شش درم
صمغ عربی پنجدرم مس سوخته زاج سوخته از هر یکدو درم افیون صبر سقوطری از هر یک پنجدرم
زنگار دو درم و نیم زعفران مرا از هر یک دانگی و نیم کوفته بجریر بخیه شیاف سازند شیاف
احمر لین سلاق و غلظ اجفان و آخر رمد را نافع بود ص شادنج عدسی مغسول ده درم مس
سوخته بیست درم صمغ عربی کثیرا مرصاف نموده از هر یک دو درم بسبد مروارید ناسفته ساوج
هندی از هر یک چهار درم دم الاخوین زعفران از هر یک یکدرم صلایه نموده شیاف سازند شیاف
اخضر جرب و سبل و دمعه و کل چشم را سود دهد و تجربه راقم نیز آمده ص زنگار صافی سه درم
اقلیمیا رفضه اشق صمغ عربی سفیده از زیز از هر یکی دو درم آب سداب بسرشند سازند
شیاف که بیاض غلیظ ببرد و باصره را یاری میدهد منقول از بیاض جدامجد مرحوم ص
سکبینج اشق زرد چوب از هر یک یکجزو زبد البحر نمک لاهوری از هر یک دو جزو زنجار ربع
جزو همه را کوفته بخیه خوب صلایه نمایند و با آب بادیان خمیر کرده شیاف سازند مثل جوی و قه
حایه خشک نموده وقت حاجت باب سائیده بمیل در چشم کشند شیاف انار از نور العین
نافع ریش و سوء مزاج و بقیه ثبور را و آب رفتن از چشم باز دارد ص صدف سوخته ربع سوخته
سرمهٔ اصفهانی توتیای هندی اسفیداج از زیز صمغ عربی هر یک هشت درم مرا فیون سه یک
پنجدرم عدد دار و هاوه است بسایند و آنچه آب سوده باید کرد و در آب سود باید کرد و بسایند
بغایت نرمی و بسفیدهٔ بیضهٔ مرغ بسرشند و شیاف سازند و در سایه خشک کنند و بکار برند
شیاف جهت کری گوش ص مرزنجوش خرول سداب شحم حنظل مساوی کوفته بخته

تو تیای سبز هر یک نیم جزو امیران چینی مرکی مشک حضض هندی هر یک نیم جزوی
سنگ بصری سرمه سفید سرمه سیاه هر یک پنج جزو کوفته بیخته سه روز در آب لیمو بسایند
و شیاف سازند **شیاف** مجرب جهت نزول ص حلتیت یکدرم را در خرقه بسته در زیره
گاو یک عدد بمالند تا مخمل شود پس یکدرم روغن بلسان اضافه کرده خشک نمایند و
شیاف سازند **شیاف** مرارهٔ که جهت نزول و دفع غشاوه در رطوبت مفید است و از
سرعت نفوذ در طبقات تاثیر میکند و قوتش تا دو سال باقی ماند ص اقلیمیا محرق یازده
درم صمغ بست درم مداد هندی فلفل سفید هر یک پنجدرم سفیده فلعی چهار درم اشق
سکبنج روغن بلسان جاوشیر هر یکدو درم زهره کفتار افیون هر یک یکدرم زهره ماهی سیوط
زهره کبک هر یک هفتدرم زهره باشه و عقاب و گاو و خرس و گرگ و غراب و باز هر یک
نیمدرم و آنجا که روغن بلسان یافته نشود روغن آخر بدل او کنند و شیخ گفته که ضروری زهره شیوط
و گرگ است و دیگر زهره های زواید اند و باید که باب را زیانه اکتحال کنند و از مجربین بصحه
یافته که زهره جداة و زهره حجل و بوم در رفع نزول و غشاوه مجرب است **شیاف**
مرارات به نسخه دیگر ص زهره کلنگ زهره گرگ زهره کبک زهره بزکوهی زهره باشه
زهره شیر زهره خرگور زهره کبوتر زهره تلق زهره خوک زهره روباه زهره خرگوش زهره
آهو زهره ماهی هر یک خشک کرده دو درم سکبنج فرفیون شحم حنظل هر یک یکدرم سکبنج
را باب را زیانه حل کنند و او دیه کوفته بیخته بآن آلوده شیاف سازند **شیاف**
منقول از بیاض عم مرحوم برای بیاض چشم نافع بود ص ناخن فیل و دندان خنزیر بحری
نیم خام و نیم بریان حضض سرمه اصفهانی مغز تخم کهنی مساوی الاجزا کوفته بیخته مثل
شیاف ساخته نگاهدارند و وقت حاجت بکار برند **شیاف** ابتدا نزول را بهتر فرود
نیامده باشد باز دارد از نور العین ص بگیرند خریق سفید هر یک اوقیه فلفل یک اوقیه
اشق یکدرم مجموعه را جدا جدا کوفته در آب تربه شیاف سازند **شیاف** فلفل

ص زعفران چهار مثقال افیون صمغ عربی هر یک شش مثقال رماد خانه ها که خالص
کرده بیشود دران نحاس رابیت وچهار مثقال اقلیمیا مغسول شاذنج محرق هر یک بیست
وهشت مثقال مرچهل وهشت مثقال فلفل سفید سی حبه شراب خمیر کرده شیاف سازند
ودر امراض قریب العهد بسفیدی بیضه که رقیق باشد استعمال کنند وبعضی زعفران هم دوازده
مثقال درین می افزایند **شیاف غرب** که بعضی اطبا مجرب نوشته اند ص زنجبار
سرخ زاج آهک نوشادر زرایج شب یمانی اجزا مساوی در بول کودکان بسرشند و
شیاف کنند پس بسایند وخشک بکار برند **شیاف منجم** مسکن وجع در یکروز تحلیل
ورم در یکساعت کند ص جندبیدستر صبر افیون قلقطار محرق هر یک دو مثقال سنبل
حضض هر واحد چهار مثقال اقلیمیا شش مثقال اسفیداج رصاص هشت مثقال
نحاس محرق مغسول چار مثقال اثمد اقاقیا صمغ هر واحد چهل مثقال آبی که دران ورد
جوشانیده باشند خمیر کنند وبه بیاض بیض استعمال کنند **شیاف یاسمین** از مجموعه نافع
باکثر امراض خواه در طبقات باشد خواه در یاقن ص غنچه گل یاسمین سنگ بصری توتیای
وبارونی بیخ زعفران شوره قلمی مغز تخم سرس همه مساوی کوفته از پارچه بافته گذرانیده
در سنگ سماق با شیرهٔ لیمو تا یک هفته سحق کرده شیاف ساخته نگاهدارند وبآب شبنم
سائیده با میل جسد در چشم واگر در چشم ماده باشد یا سوی مژه ریخته بود با آب دهن سائیده
صبح در چشم کشند **شیاف** که جهت رمد مجرب وعجیب النفع است ص دم الاخوین صبر
اقاقیا شیاف ماهیزه زعفران افیون صمغ عربی کوفته بیخته بآب کاسنی تر شیاف سازند
شیاف که طرفه را در طرفة العین نفع کند وجع چشم حار را بنشاند ص اقلیمیا فضه
مس سوخته هر یکدره درم دم الاخوین بسد مرداسید هر یک چهار درم زرنیخ سرخ شکر طبرزد
هر یک پنجدرم کثیرا مرزعفران اقاقیا نشاسته زرچوبه هر یک دو دانگ علی الرسم شیاف
سازند **شیاف** که باکثر امراض چشم نافع بود منقول از مجموعه ص فلفل دارفلفل قرنفل

صاحب تحفه ماء المطر وهمین را اصح دانسته ازین جهت آب باران ترجمه نموده ووجه
تسمیه این شیاف تفاحی در اکثر کتب بنظر نیامده بخاطر میگذرد که چون بعضی انواع مورد سرج
که آن تفاحی گویند نفع میکند لهذا باین اسم مسمی گشته **شیاف** ابیض جهت امراض
حاده وتحلیل اورام ورفع آن مفید بود ص نشاسته یکدرم سپیدهٔ ارزیز صمغ عربی کتیرا
هریک سه درم بالعاب اسبغول یا سفیدهٔ مرغ شیاف سازند **شیاف** ابیض افیونی رد
گرم را نافع بود ودر وصعب بنشاند وتخدیر نماید ص سفیده بیست درم صمغ عربی پنجدرم
کتیرا افیون از هریک یکدرم سفیدهٔ تخم مرغ بسر شند وشیاف سازند **شیاف**
ابیض انزروتی ابتدای رمد را نافع بود ص سفید آب ارزیز انزروت مربی بشیر خر
از هریک چهار درم سفیدهٔ تخم مرغ سرشته شیاف سازند **شیاف** ابیض کندری قوی
ومده غلیظ را نافع باشد ص سفید آب ارزیز بیست درم افیون انزروت مربی کتیرا
از هریک یکدرم صمغ عربی چار درم کندر پنجدرم آب باران شیاف سازند **شیاف**
جالب الدم جهت وجع شدید وجمیع اورام نافع واز انصباب مواد قرنیة الحلب نافع
ص ماهیاشش درم صمغ سه درم انزروت مربی زعفران افیون مزاج محرق هریکدو درم
آب باران شیاف سازند وسفیده بکار برند **شیاف** برائیو مارمدرا دریکروز باصلاح
آرد ص شیاف ماهیا انزروت مربی از هریک هشت درم زعفران دو درم افیون
پنجدرم کتیرا یکدرم کوفته بیخته آب باران بسر شند وشیاف سازند وسفیدهٔ تخم مرغ در چشم
کشند **شیاف** سماق که جرب وخارش وسوزش وخشونت را نافع بود ص سماق سی
مثقال آب باران به پزند وبپالایند وباز بجوشانند تا غلیظ شود وبگذارند تا سرد شود ده درم
سفید آب ارزیز آن بسر شند وشیاف سازند وبعضی آب سماق را می جوشانند تا غلیظ
شود وکرد سماق بآن سرشته شیاف سازند **شیاف** از مجموعه نافع هست باوجاع مزمنه
وجهه که از نقصان لحم مانی اکثر پدید آید ومزاجی که حادث میشود درین مانی وناصور شود

دو درم فرفیون نوساد ر هر یک یکدرم بآب سداب یا آب رازیانه شیاف سازند شیاف
مجرب جهت نزول مارص مارقیشا سوخته دارفلفل اقلیمیای ذهبی دو دس که در محل
گداختن مس جمع شود جمله برابر بآب بادیان شیاف سازند وطریق سوختن مارقیشا آنست
که ویرا در شیشه کنند وسر او بگل حکمت گرفته در تنور بر آتش گذارند که خاکستر شود شیاف
حلتیت خیالات وابتدا در آب را نافع است ص حلتیت خریق سفید هر یکده درم سکبینج
سه درم بعسل شیاف سازند شیاف دمرج کمنه وجرب وسبل وسلاق وشعر زاید را نافع
است ومعنی دمرج در لغت یونانیان اسود است ص زنگار شش درم صمغ عربی
اشق هر یک چهار درم اقلیمیا رطلا افیون هر یکدو درم بازرد هر یک یکدرم بآب سداب
شیاف سازند شیاف نارنج جهت منع نوازل وجرب وعکه ودمعه ورمد وحفظ صحت چشم
وامراض پلک مجرب است ص تونیای بآب نارنج پرورده ده درم کتیرا انشاسته از زوت
گل سرخ صبر رد حضض کی هر یک یکدرم سفید آب قلعی هلیله زرد مغ خسته هر یکدو درم
افیون ربع درم شیاف سازند از تحفه منقول شده شیاف تفاحی بغایت لطیف ونی خائله
وجهت قروح وضربان وعشاوه وثبور وسورسرخ ومرکسانی را که دوار نباشد مفید است
ص اقلیمیای محرق مطفی در شیر الاغ یا شیر دختران شانزده درم سفید اب قلعی مغسول بیست
درم زعفران چهار درم کتیرا دو درم بآب قطر شیاف سازند وباسفیده تخم استعمال کنند
ودر قانون اجزاء این شیاف را که بعین بمار القطر وصاحب تحفه ترجمه آن بآب باران کرده
ظاهر او در بعضی نسخه عوض قطر مطر بنظرش رسیده وما قطر را بقاف خوانده وازان آب باران
خواسته بالجمله بقاست وچون او در ادویه چشم مستعمل است اگر باین آب ادویه بسیر شند
اقوی خواهد بود کذا فی القادری راقم گوید حکیم مومن در تحفه المومنین تصریح کرده که مار القطر انی
که از کوزه سفال مترشح پس حکیم مذکور باوجود تصریح خود چگونه ما المطر را مار القطر اراده کرده باشد پس
توجیه صاحب قاموس از قبیل توجیه کلام القائل بما لا یرضی به قائله واز اینجا که در اکثر نسخ قانون در نظر

بعضی مزجه که تخدیر و اسکار منظور باشد بیخ لفاح سه چهار ماشه در آب لیمو سبز تر نمایند و با عرقیات
مناسبه استعمال نمایند شموم که صداع بارد را نافع است ص جوز بوا شیح ارمنی فرنفل مرزنجوش
هر کدام یک جزو لبسابه چهار جزو بکوبند و آب ثبت خلط کرده پیوسته بنوشند شموم که مسمی بغالیه
است جهت تقویت دماغ مفید بود ص عنبر اشهب یکدرم عود هندی دو درم صندل سفید
سه درم عنبر را بگلاب بگذارند و عود و صندل باریک سائیده دران آمیزند و ببویند شموم یکه
دوا را که از سوء مزاج بارد رطب بود نافع است ص مشک سائیده تمام مرزنجوش سداب باهم
مخلوط نموده ببویند شموم جهت نسیان و صرع نافع بود و خفقان بارد را مفید آید و مقوی دل
بود ص جوز بوا شیح فرنفل مرزنجوش از هر واحد یک جزو لبسابه چهار جزو سداب ثبت
هر یک دو جزو جمع کرده دایم ببویند و برای نسیان و صرع بارد با آب ثبت آمیخته ببویند و برای
لقوه و فالج در عرق دارچینی نموده ببویند شیاف وردی صعوبت در و چشم در حال بنشاند
ص ورق گل سرخ پانزده درم زعفران بیست درم افیون ده درم سنبل الطیب دو درم
صمغ عربی یکدرم با آب باران شیاف سازند شیاف غرب مجرب صاحب تحفه ص
صبر کندر گلنار انزروت دم الاخوین سرمه شب یمانی از هر یک یکدرم زنگار دانگی و نیم بگلاب
شیاف سازند و سوراخ را از چرک پاک کنند و در آنجا بکاشند شیاف جلالی علکه و حنا
و سلاق و ظلمه و دمه و سبل و ظفره و خشونت اجفان را نافع بود ص توتیای مغسول شش درم
مامیران چینی شیاف ماهیتا از هر یک پنجدرم دارفلفل زنجبیل زبد البحر حضض هندی پوست
هلیله زرد سنا ج از هر یک سه درم زعفران دو درم کتیرا صمغ عربی از هر یکدو مثقال با آب
غوره پرورده شیاف سازند شیاف عنبر جهت تاریکی چشم و ضعف آن بغایت مفید
بود توتیای مغسول بیست مثقال مشک فیراطی عنبر دو دانگ حضض سه درم حضض را در آب حل کرده
دو یه بعد سحق بلیغ بدان آبشر شند شیاف سازند شیاف که قایم مقام مرارات و صاحب قادری
مجرب نوشته ص زهره مذکوره در ظرف سمین خشک کرده دو درم شحم حنظل سیمدرم سکبینج

کافور رباحی یک مثقال کوفتہ بجثہ دران بسرشند شربت منقول از قرابادین نجیب الدین
کہ در امراض شدید الحرارت عند غلیان مفرط خون نوان واوص سرکہ تیز انگوری سہ رطل
آب انار ترش آب حماض آب اترج آب لیمو آب غورہ آب ریباس آب توت شامی آب
خیار آب کدو آب سماق آب زرشک آب کاسنی آب عنب الثعلب آب تربوز آب کشنیز آب
تمرہندی آب تفاح حامض آب سفرجل آب زعرور آب طبنج عدس طبنج عناب لعاب اسبغول
ہر یک یک رطل ونیم جملہ بہم درآمیزند پس بگیرند خبث الکدر ویکنیم رطل وصندل سفید صندل سرخ
ہر یک نیم رطل بکوبند باریک ودر آبہای مذکور بجوشانند بعد نقوع یا بدون آن وبہ پزند تا بہ نصف
رسد پس بپالایند وقند سفید آمیزند آنقدر کہ مزارہ در طعم حاصل آید بقوام آرند بعدہ کافور
رباحی سہ مثقال طباشیر پنج اثنار کوفتہ بجثہ دران اضافہ نمایند شربت مار الفواکہ قایم مقام
شربت گذرہست وجہت جمیع امراض دمویہ وصفراویہ وخناق حار وطاعون نفعدار وحص
خل الخمر یک ونیم رطل آب غورہ آب انار ترش آب حماض آب ریباس عصارہ توت نقیع سماق
عصارہ زرشک ہر یک یک بع من عصارہ لحیۃ الثیس عصارہ طرخون نقیع عدس طبنج عناب
ہر یک ثمن من قند سفید چہار من جملہ باہم آمیزند وبقوام آرند بعدہ کافور نیم درم باریک ساختہ
آمیزند شربت یک وقیہ باگلاب کذا فی القلانسی شربت کوٹہل از بقائی صاحب بقایے
بسیار ستودہ وگفتہ کہ برای خفقان حار ومنع صعود ابخرہ وازالہ توحش وجنون ونیکو کردن
رنگ بشرہ ودباغت معدہ وجمیع قوی بسیار نافع حص گل کٹہل کہ گلی است در ہند وستان
مشہور صد عدد لیکن باید کہ گلہا بالیدہ وبکمال سرخی رسیدہ باشند سبزی آن دور نمودہ در
آب لیمو کاغذی نیم رطل در پیالہ چینی شب نگاہدارند وصبح بابنات دو رطل کہ با چہار رطل
آب باران شربت نمودہ باشند یک جا کردہ در شیشہ ضخیم کہ نصف شیشہ یا ثلث آن خالی باشد
انداختہ سر شیشہ محکم بستہ در ظرف پر آب گذاشتہ در جای محفوظ نگاہدارند بعد از سہ روز یا چہار
روز کہ جوش خوردہ باشد برآوردہ صاف نمودہ از دو دام تا شش دام استعمال نمایند دود

در ظرفی واسع کنند و آب بر سر آن بریزند چندانکہ یک بند انگشت بالا آید و سہ روز در آفتاب گذارند بعدہ آب وی بگیرند و نگاہ دارند و آب جدید بر بلیلہ بریزند ہمانقدر و سہ روز در آفتاب گذارند این آب نیز بستانند و آب اول و دوم باہم آمیزند و بر ہر نیم صد و پنجاہ مثقال دران حل نمایند و صاف ساختہ بر آتش نہند و بقوام آورند و فرو گرفتہ سقمونیا مشوی مسحوق یک مثقال اضافہ فرمایند و حسب حاجت بنوشند شربت گذر بنسخہ محمود ابن الیاس جہت حصبہ جدری و جمیع علل دموی مفید ص کاذی و تمر ہندی و عناب بزرگ دانہ بیرون کردہ از ہر یک یک طل بیخ رازیانہ دہ درم صندل سرخ و سفید از ہر یک دہ مثقال گل سرخ منزوع الاطباع و سنبل الطیب از ہر یک دو مثقال نیم کوفتہ در چہار رطل ادویہ آب خالص شیرین بجوشانند تا ربع آن بماند و بپالایند و بگیرند آب انار ترش و آب انار شیرین و سرکہ انگوری از ہر یک یک طل در دیگ سنگین داخل کنند و بجوشانند تا نزدیک برسد بقوام آمدن پس شکر صافی سفید یک طل داخل کنند و بجوشانند و کف آنرا بگیرند تا بقوام آید و از آتش برگرفتہ حل کنند دران سہ درم زعفران و سہ درم کافور قیصوری سودہ در شیشہ نگاہ دارند شربت دہ درم شربت کاذی بنسخہ تدریج الارواح جہت جدری و حصبہ و شری و ماشری و جمیع علل دمویہ و برای دفع حرارت جگر و معدہ و قطع عطش نافع است ص خشت کاذی کہ آنرا کدر گویند بدال مہملہ و ہندی کیوڑہ خوانند ربع رطل صندل سفید و صندل سرخ ہر یک اوقیہ ہر سہ را بہمکوفتہ در یک طل خل خمر عنبق ترکنند تا یک ہفتہ پس بپالایند در سرکہ صافی شدہ بیندازند و ادویہ ثلثہ منقوعہ را در شش رطل آب بجوشانند تا چہارم حصہ بماند بپالایند پس بگیرند آب انار ترش و آب ریباس و آب غورہ و آب لیمو و آب ربیع سماق و آب تفیح زرشک و عصارہ توت شامی و آب طبیخ عناب و آب طبیخ عدس ہر واحد نیم طل گلاب و ادویہ آت حماض لاتیج چہار اوقیہ قند سفید صد درم و جملہ با سرکہ مذکور و مطبوخ اشیاء ثلثہ مذکور آمیزند و در دیگ سنگین بقوام آرند پس طباشیر سفید یک اوقیہ را زیانہ سنبل الطیب یکدو درم

پس بگیرند عسل مصفی یکرطل و بجوشانند تا آنکه از مقدار آب و نیز مقدار عسل سوخته شود و آب بحد اول رسد و باید که بگیرند پارچه تنفیفی و دران زنجبیل بوزن یکدرم و از قرنفل همدم و از دارچینی پنجدرم و از زعفران یکدرم و از سنبل الطیب یکدرم و از جوزبهندی بمثل آن و از مصطگی پنجدرم بعد از انکه کوبیده پاشیده باشند هریک را علیحده کوفته بخته باشند پس همه را دران پارچه کرده و سر آن را بخیاطه بندند به استحکام تمام و در وقتی که عسل داخل میکنند بندارند دران دیگ و بدست کفچه خرقه را در شراب بمالند بحیثی که سرایت کند و فرو آید قوتهای عقاقیری که دران خرقه است بآن شراب و متعهد تحریک آن علی الاتصال باشند و بآتش ملایم بجوشانند تا آنکه مقدار عسل برود پس از آتش برگرفته سرد کنند و در مرتبان چینی کرده بعد از سه ماه که مزاج بگیرد بمقدار از انچه آشامیده میشود بران یک وقیه یا دو اوقیه از آن شراب خالص و آنحضرت علیه السلام در صفت این شراب خطاب بمامون کرده میفرمایند که بخوری از طعام مقداری که وصف کرده ایم از برای نوش بیاشامی سه قدح بعد فراغ از طعام پس چنین کنی نمیرسد بتو بادن الله تعالی و دران روز و آن شب از اوجاع بارده مزمنه مانند نقرس رنج و غیر این از اوجاع عصبی و باغ و معده و بعضی اوجاع کبد و طحال و امعاء و اخشاء پس اگر مقدار آشامیدن این شراب استمهاد صادق از برای آشامیدن آب بیان شد پس بیاشامی از آب مقدار نصف انچه می آشامی قبل از آشامیدن شراب پس بدرستی که این اصلح است به بدن تو و معین است بر جماع و شدت از برای ضبط بدن و حفظ آن و نیز آنحضرت در ضمن فصول سنه و شهور رومیه فرموده اند که در شهر آذر که اول فصل ربیع است فرموده اند که بیاشامی این شراب را درین آوان بعد از تعدیل آن بآب و در فصل نموز که وسط تابستان است فرموده اند که باید اکثار نمائی در ممزوج کردن آب باین شراب و نیز آنحضرت فرموده اند که چون در فصل تابستان حجامت کنی باید که بخوری بعد ازان گوشت بلهوج و بیاشامی همو زن ازین شراب شربت هلیلهٔ اوجاع مفاصل و تبهای گرم را نافع بود و طبع نرم کند ص هلیلهٔ زرد صد عدد بآب گرم شسته نیم کوفته

آب آن بگیرند وصاف کنند وبرابر آن عسل در دیگ ریزند وسنبل وقرنفل وخولنجان ودارچینی
از هریک یکدرم زعفران نیمدرم مجموع کوفته در شیشه کنند ودر دیگ انداخته هر لحظه بدست بمالند
شربت فنجیوش سرعت انزال را بی نظیر است ص آب انگور شش رطل سماق مارد گلنار
ورق گل سرخ کشنیز خشک سعد کندر سعتر از هریکیده درم زعفران مرشب یمانی از هریک یکدرم
خبث الحدید سی مثقال بجوشانند تاثلثی باقی ماند صاف کرده استعمال نمایند شربت جرجیر که
موافقت تمام دارد برای نقصان باه ص بگیرند جرجیر شلغم وانجیر زرد وآب پخته صاف کنند پس
بگیرند آب سونیزی که یکروز خیسانیده پس جوشانیده صاف نموده باشند مثل وزن مطبوخ
اول وهر دو را مخلوط کرده قدری نایند بجهت زیادتی شیرینی او داخل کرده واگذارند تا برسد
ونیند شود شراب ریحانی باه را قوت دهد وامراض بلغمی را سودمند بود وپیران را سوافق
باشد ص شیرهٔ انگور رسیده شیرین یکصد من درخم اندازند وشش من قند دران داخل کنند
ودارچینی وقرنفل ولبلاسه جوزبوا عود هندی گاوزبان گیلانی بادرنجبویه هریک ده درم
درکیسه کنند ودرخم اندازند وسر خم را بگیرند هر روز بر هم زنند از شش ماه استعمال نمایند وباید که
اول لادرون خم را موم گرداخته بگردانند وبمشک وعنبر بویا سازند ودر وقت حاجت بنوشند
شربت که آنرا میدن آن حلال است وحضرت امام همام علی ابن موسی الرضا علیه التحیه
والثنا در رساله وینیه که بجهت مامون عباسی در حفظ صحت وتدبیر اغذیه واشربه داده ویرا نوشته
فرستاده بود ذکر فرموده اند ص بگیرند مویز منقی ده رطل ولبشویند تا از غبار پاک شود پس
بخیسانند اورا بآب باران یا آب شیرین صافی بمقداری که چهار انگشت آب بر روی
مویز بایستد وواگذارند واورا در ظرفی که خیسانیده اند سه روز در فصل زمستان ویکروز
شب در فصل تابستان پس اورا در دیگ پاکیزه کنند وبپزند آن مویز خیسانیده را تا آنکه
منفتح گردد ومضمحل شود پس بفشارند وصاف کنند وبگذارند تا سرد شود باز مرتبه دیگر اورا
در دیگ کرده باتش ملایم بجوشانند جوشانیدن همواره تا آنکه دو ثلث آن برود ویک ثلث باقی ماند

پاو سیر پرسیاوشان یکمثقال بدستور مرتب سازند و باب پرسیاوشان بنوشند شربت
ہلیون ریگ ازگرده و مثانه پاک کند ص ہلیون سی مثقال در دو من آب بجوشانند و آنرا
دست بمالند و بپالایند و بایک من قند بقوام آرند شربت ہفت درم شربت برگ تنبول
مقوی باه و دل و مفرح و بی بدل است ص برگ تنبول پخته و سفید بسیار باریک به پزند
تا کوفته در آب بجوشانند تا قوت برگ در آب بیاید پس جلاب شکر بر سرش کرده بقوام آورند
آنگاه زعفران بگلاب سوده بسباسه و قرنفل در وی بیفزایند و فرو گیرند هر چند کهنه تر شود
قوی تر گردد شربت عنبی باه را زیاده کند و شهوت را نافع بود ص بگیرند عصر انگور دو پیمانه
ده استار دارو ها کوفته و در صره بسته دران افگنند و بگذارند تا بجوشد و شراب شود و دارو ها
انیست تخم شلغم تخم جرجیر بوزیدان بهمن سفید و سرخ ہلیون لسان العصافیر حب القلقل لعبت
بربری تخم گذر جمله برابر و هر چند روزی صره را بخیسانند و بفشارند چون به شربت برسد
صره را ازوی بردارند و شراب را نگاهدارند شربت سونیز که بسیار نادر است و قوت
مید هد بدن را و رنگ سرخ گرداند و دماغ را قوی کند و ضعف و سستی دور کند و قوت باه
بیفزاید ص انگور سیاه شاداب را بدست بمالند و صاف کرده شیره آن را در ظرف چینی یا
کانسه سفالی کرده در آفتاب تند نگاه دارند و اگر آفتاب تند نباشد ظرف در زیر زمین دفن
کنند و اطراف آن لسبر گین اسپ پر کنند و در ایام تابستان تا یک ہفته نگاه دارند بعد ازان
این ادویه را نیم کوب نموده دران ظرف انداخته سر آن محکم بگیرند و بگذارند تا پنج شش روز
دیگر بگذرد بعده صاف نموده در شیشه ها پر کنند ادویه انیست قند سفید یک و نیم سیر سنبل الطیب
یک و نیم تولہ قرنفل دار چینی سانج الایچی خورد از هر یک یکتولہ شربت گذر در داشتن با
نافع بود و باه را قوت دهد ص گذر شسته پاک کرده ده من سرو بن آن بیندازند و در
درم کنند و در دیگ سنگین و آب بر بالای آن ریزند و سر دیگ را محکم با خمیر و با گل کنند
تا بخار ازان بیرون نرود و با آتش هسته به پزند و سر دیگ کرده سر دیگ بکشایند و نیک بمالند و

عسر البول نفع دارد دو باه را بیفزاید ص خسک اگر تازه بود بکوبند و اندک آب بپاشانند تا
عصارهٔ او برآید پس یکرطل ازین عصاره و دو او قیه عسل دو درطل قند کنند و بقوام آورند
و اگر خشک بود در دو او قیه باسه او قیه از خسک یکرطل قند کنند و باید که آنرا نیکوب کرده یکشبانروز در آب بنهند
و بمالش نرم بپزند و صاف کرده قند آمیخته بقوام آرند شربت شب در عسر بول که سبب بلغم
خون در میانه بود بکار آید ص شب یمانی دو درم سرکه یک شبانروز بخیسانند و صاف کنند
و ازان سرکه سکنجبین سازند شربت کاکنج جهت فرحه میانه و سوزاک مفید بود ص انیسون
تخم کرفس دو درم پرسیاوشان گل بنفشه گاوزبان هریک پنجدرم خارخسک هفتدرم کاکنج
ده درم تخم خبازی سی درم قند نیم سیر بطریق معلوم بقوام آرند شربت بجهت حصات
کلیه و میانه مجرب و مختار این هیل است ص پوست بیخ اکر پوست ترب بادآورد پوست رازیانه
بیخ کرفس خارخسک فطر اسالیون هلیون اسارون خسک مربی بیخ حماض گل سرخ پرسیاوشان
استوخودوس قندریون عنب الثعلب قیصوم نانخواه ریشه خطمی کوکنار سنبل الطیب ارچنی سعد کوفی
هریک دو تولا انجیر زرد سی دانه اجزاء کوفتنی بکوبند و دو شبانروز در چهل سیر آب بخیسانند
و بجوشانند تا ثلث آب بماند باد و سیر قند سفید دوده مثقال سرکه انگوری بقوام آرند چون سرد
شود بوره ارمنی تخم ترب پنج پنج تولا حجر الیهود ریوند چینی دو دو تولا کوفته بیخته اضافه کنند و هر روز
سه تولا ازین شربت یا جلاب که اجزاء آن اینست بنوشند سنا مکی بیخ مهک مقشر کوفته بیخ کبر
بیخ رازیانه باد آورد پرسیاوشان خارخسک قصب الذریره قیصوم ایرسا هرکدام کوفته
فراسیون عنب الثعلب انجیر زرد سوبز منقی هریک یکتوله در سه برابر آب بجوشانند تا نصف
بماند صاف ساخته گلقند چهار تولا آمیخته بشراب بیاشامند غذا نخود آب با شیر تخم معصفر سرشت
مفتت حصات ص بیخ کاسنی هفت مثقال بیخ بادیان هفت مثقال انیسون رازیانه
نانخواه از هریک سه مثقال تخم کرفس یک و نیم مثقال تخم کشوث دو مثقال تخم خیارین از هریک
چهار مثقال تخم خربوزه تخم کاسنی از هریک پنج مثقال گل کشوث دو مثقال قند سوا سیر کرده

شربت آلوی مسهل صفرا و بلغم را دفع کند ص آلوی سیاه صد عدد تمر هندی یک چهارم یک
نرم بسفید تقشه از هر یک بیست درم در کیسه کنند و در پنج من آب بجوشانند تا یک من آید بنک
بمالند و بیالایند و یک من ترنجبین صاف نموده اضافه نمایند و شربت به پزند و فرو گیرند و یکمثقال
ستمونیا دران حل کنند شربت آلوی که جهت تپ های دموی غلیانی و عفنی و حمیات
صفراوی نافعست ص آلوی شیرین بزرگ سی عدد تمر هندی نیم طل هر دو را در سه رطل
آب بجوشانند تا یکرطل بماند صاف نموده پس آب انار مزو آب حماض اترج هر یک نیم طل اضافه
نمایند و بر آتش نرم به پزند تا به نصف رسد بعده قند سفید یکرطل و گلاب ربع رطل آمیزند
و به پزند و لقوام آرند و هر شب پانزده یا بیست درم مع دو درم تخم خرفه که بسیار باریک ساخته
باشند بنوشند و اگر حرارت قوی باشد و عطش شدید بود در هر شربت او طباشیر نیم درم اسبغول
قدر حاجت آمیزند و بنوشند شربت حب الآس ص آلهٔ مقشر یکمثقال حب الآس دو مثقال
پوست بیخ انجبار گلنار گل سرخ تخم حماض بری از هر یک دو درم آب به شیرین گلاب از هر یک
بیست مثقال شراب صندل بدستور معهود شربت سازند شربت که نافعست جهت استهال
دموی ضعف معده ص آب شیرین سی مثقال گلنار عذبه کز مازج آلهٔ صندل سفید حب الآس
از هر یک یکمثقال گلاب قند از هر یک بیست مثقال بطریق معهود شربت سازند شربت
انجبار که حکیم مومن رفرا بادین تحفة المومنین آورده ص بگیرند پوست بیخ انجبار هفت مثقال
خرنوب شامی پنج مثقال صندل سرخ صندل سفید سوهان کرده حب الآس از هر یک دو مثقال
همه را یکشبانروز در آب حدادان بخیسانند روز دیگر جوشانیده بیالایند و با یک طل شکر
سفید لقوام آرند پس فرود آورده سرد کرده در شیشه نگاهدارند شربت آلو با لوا خراج ریگ و
سنگ گرده و مثانه کند و ادرار بول نماید ص آلو بالو نیم رطل را در دو رطل آب شب بخیسانند
و صباح بجوشانند هر گاه آب به نیمه آید صاف نموده با دو رطل نبات سفید لقوام آرند قدر
شربت دو تولهٔ و زیاده هم توان داد شربت خسک جهت تفتیت سنگ گرده و مثانه و

در آب حل کردہ بجوشانند و کف بردارند پس آب کاسنی یک رطل بیفزایند تا بقوام آید و چون فریب بقوام رسد قدری آب لیمو نیز اضافہ نمایند شربت قشر اصل ہندبا کہ در تپ ہا بعد دو ہفتہ توان داد جہت تقطیع عفونت از عروق خاصہ اگر ہمراہ قرص زرشک راوندی خوردہ شود و ایضاً بہر تنقیح سدد و تقویت معدہ و تحسین لون نافع است ص پوست بیخ کاسنی نیم رطل تخم کاسنی سہ اوقیہ ہر دو را نیم کوفتہ در آنقدر آب کہ مطلوب باشد تر کنند و بجوشانند و صاف نمایند پس گلاب و عرق گاوزبان ہر یک یک رطل و آب کاسنی مروق و قند سفید پنج رطل آمیختہ بقوام آرند شربت ہندبا جہت امراض جگر و تنقیح سدد و اصلاح مزاج دی نافع است ص پوست بیخ کاسنی بیخ رازیانہ ہر یک سی درم تخم کاسنی یک اوقیہ ثمرۂ طرفا رگاوزبان اصل السوس مقشر تخم کشوث بزر قناء تخم خطمی ہر یکیدہ درم شکاعی بادآورد ہر یک پنجدرم لک چہار درم انبر باریس صندل سفید حشیش غافث افسنتین رومی ہر یک سہ درم اسارون یک مثقال انچہ کوفتنی است نیم کوب کنند و در آب بسیار گرم یکشبانروز تر نمایند بعدہ صاف کردہ پانج رطل قند سفید و صد درم آب مروق کاسنی و نیم رطل سرکہ و نیم رطل گلقند دواوقیہ آب لیمو اخضر و سہ اوقیہ آب رازیانہ بقوام آرند و بعد فرود آوردن از آتش ریوند چینی یکمثقال کوفتہ بیختہ بیامیزند و بدارند شربت کہ اکمل المتقدمین و افضل المتقین علامی فہامی والدماجد حاذق الملک حکیم محمد اکمل خان بجہت حکیم علی نقی خان مرحوم در استسقاء و ورم جگر تجویز فرمودہ بودند بسیار نافع افتاد ص بیخ کرفس بیخ رازیانہ تخم کاسنی گاوزبان گیلانی گل نیلوفر تخم کرفس شکاعی ریوند چینی عنب الثعلب گل سرخ خارخسک از ہر یک دو درم بیخ کاسنی تخم خربوزہ عصارۂ غافث زرشک انیسون از ہر یک سہ درم تخم خیارین چہار درم تخم کشوث مویز منقی ہر یک پنجدرم بیخ سوسن یکمثقال ہمہ ادویہ را در عرق کاسنی و عرق بادیان و عرق عنب الثعلب و عرق گاوزبان و عرق شاہترہ ہر یک نیم رطل یوقت شب ہمہ ادویہ را نجسانند و صبح بجوشانند و صاف نمودہ با تر بجبین یک آنار بقوام آرند

گل سرخ منزوع الاقماع پانزده درم گل نیلوفر گل بنفشه گاوزبان گیلانی افتیمون اسطوخودوس
از هریک چهار درم بسفایج مستقی تربد مدبر از هریک بیست درم سنا کی حب النبیل از هریک
هفت مثقال تخم کشوث پنج مثقال بدستور شربت دینار صغر اجزا در نه رطل آب وقت شب بخیسانند
وصبح بجوشانند وچون سه رطل آب بماند بپالایند ویکمن قند سفید دران داخل کرده بقوام آورند
وچهل درم ریوند خطائی دران داخل نمایند وبعضی پانزده درم شاهتره وسپهل عدد غاب داخل کرده
اند مقدار شربت ازان ده درم یا شانزده درم با آب نیمگرم شربت بزوری معتدل برای حمیات
مرکبه وامراض جگر مفید ص تخم کاسنی تخم خیارزه تخم بادرنگ تخم خربوزه هریک یکمثقال وربع آن
بیخ کاسنی دو مثقال ونیم بیخ بادیان یکمثقال وربع آن قند سفید دوازده مثقال بطریق معتاد
مرتب سازند شربت بزوری حار معده وجگر را نافع بود از شفائی ص پوست بیخ کاسنی
درم تخم کاسنی پوست بیخ رازیانه هریک بیست درم رازیانه تخم کرفس بیخ کرفس از هریک
ده درم تخم کشوث در پارچه کتان بسته پنجدرم بجوشانند وبپالایند وبا یک ونیم من قند بپزند
شربت بزوری جهت تپ های کهن وادرار بول وحیض وریزانیدن سنگ گرده ومثانه
ودفع یرقان وتفتیح سده جگر وسپرز نافع است شربت تخم رازیانه تخم خربوزه تخم کدو
حب القرطم هریک پنج مثقال پوست بیخ کاسنی گل حافث تخم خطمی اصل السوس سنبل الطیب
گل بنفشه گاوزبان گیلانی هریک سه مثقال انچه باید کوفت نیمکوفته جمله را یک شبانروز در پنج رطل
آب تر نمایند وبه منقی هشت درم آمیزند وبجوشانند تا دو رطل بماند صاف نمایند وقند سفید یکمن اضافه
کرده بقوام آرند شربت یک اوقیه شربت بزوری بارد برای امراض حاره ورفع حمیات حاده وامراض
حاره کبده ورفع حمیات وامراض کلیه ومثانه سفید ص پوست بیخ کاسنی هفت درم تخم خربوزه
تخم بادرنگ تخم خیارزه هریک پنجدرم مغز تربوز دو ونیم درم قند سفید یکمن بطریق مقصود مرتب سازند
واگر شراب بزوری بارد سفر جلی خواهند بجای قند آب شیرین بوزن قند داخل نمایند شربت
هذا جهت تپ ها وتفتیح جگر ودل ومعده نافع است ص شنگرف سفید سه رطل

شربتی ازین شراب میداد یک دینار میگرفت لهذا باین اسم مسمی گشته واکثری از اطبا گفته اند
که دینار اسم تخم کشوث است وچون او عمود این ترکیب است ازین جهت باین اسم نامیده اند از قبیل
تسمیه گل باسم خبز و وجه اطلاق نمودن دینار بر تخم کشوث نزد بعضی آن است که دینار اکثر
در کیسه میباشد و تخم کشوث را لازم است که در جمیع مطبوخات و اشربه در کیسه نموده طبخ می کنند لهذا
در فارسی تخم کشوث را تخم کیسه می گویند و بعضی گویند که چون درین شراب ذهب محلول از برای
تفریح داخل میکردند شراب دیناری می نامند و قومی دیگر گفته اند که چون برنگ دینار است لهذا اشتهار
دیناری نامیده شد شربت دینار به نسخه حکیم شفائی طبع را نرم کند و رفع حمیات و عفونت کند
و سده بگشاید و سوء القنیه و استسقا را ذات الجنب را نافع بود و درد جگر و شکم را و حم و مثانه را
کند و ادرار بول نماید ص تخم کاسنی غنچه گل سرخ از هر یک بیست درم پوست بیخ کاسنی چهل درم
گل نیلوفر گاوزبان هر یکدو درم تخم کشوث در کیسه کتانی سی درم مجموع را در آب بجوشانند تا هر
شود و بپالایند و با یک من قند سفید بقوام آرند پس از آتش فرود آورده بمقدار ده مثقال
ریوند چینی سوده داخل کنند و به تبر بهم زنند تا نیکو مخلوط شود شربت دینار به نسخه حکیم سدید در
باعتدال و کثیر المنافع است و جهت سده جگر و اسهال بقا و احشا نافع و با و رام آن سفید
هرگاه با شیره تخم خیارین مستعمل شود خاصه که سکنجبین شکری نیز همراه باشد و رافع یرقان و حرارت
جگر و معده و مدر بول و ملین طبع و دافع حصبه و جدری و حمیات دمویه و صفراویه با تبرید
عناب ص ریوند چهار مثقال تخم کشوث پنجدرم گل سرخ پاک کرده یازده درم تخم کاسنی سی درم
ریوند را نیکوب کنند و در خرقه بسته همراه دیگر ادویه در آب بخیسانند و قند سفید دو رطل آمیخته
بقوام آرند و اگر یکمثقال دیگر از ریوند باریک ساخته بدان بیاشند و صل کنند قوی الفعل گردد شربت از
ده درم تا پانزده درم شربت دیناری کثیر النفع ست از برای جمیع امراض کبد و از برای
مالیخولیا مرانی و تنقیه باین شربت بعد از فصد و تنقیح ماده بمادة الاصول بهترین تدبیر است ص
تخم کاسنی منقشره ده درم راذیانه پنجدرم بیخ کاسنی پانزده درم پوست بیخ بادیان هفت درم و نیم

گل سرخ منزوع الاقماع پانزده درم گل نیلوفر گل بنفشه گاوزبان گیلانی افتیمون اسطوخودوس
از هریک چهار درم بسفایج فستقی تربد مدبر از هریک بیست درم سنا کی حب النبیل از هریک
هفت مثقال تخم کشوث پنج مثقال بدستور شربت دینار صغر اجزا مدرنه رطل آب وقت شب بخیسانند
وصبح بجوشانند وچون سه رطل آب بماند بپالایند ویکمن قند سفید دران داخل کرده بقوام آورند
وچهل درم ریوند خطائی دران داخل نمایند وبعضی پانزده درم شاهتره وسپیل عدد غاب داخل کرده
اند مقدار شربت ازان ده درم یا شانزده درم با آب نیمگرم شربت بزوری معتدل برای حمیات
مرکبه وامراض جگر مفید ص تخم کاسنی تخم خیارزه تخم بادرنگ تخم خربوزه هریک یکمثقال وربع آن
بیخ کاسنی دو مثقال ونیم بیخ بادیان یکمثقال وربع آن قند سفید دوازده مثقال بطریق متعارف
مرتب سازند شربت بزوری حار معده وجگر را نافع بود از شفائی ص پوست بیخ کاسنی
درم تخم کاسنی پوست بیخ رازیانه هریک بیست درم رازیانه تخم کرفس بیخ کرفس از هریک
ده درم تخم کشوث در پارچه کتان بسته پنجدرم بجوشانند وبپالایند وبا یک نیم من قند بپزند
شربت بزوری جهت تپ های کهن وادرار بول وحیض وریزانیدن سنگ گرده ومثانه
ودفع یرقان وتفتیح سده جگر وسپرز نافع است شربت تخم رازیانه تخم خربوزه تخم کدو
حب الفرطم هریک پنج مثقال پوست بیخ کاسنی گل حافث تخم خطمی اصل السوس سنبل الطیب
گل بنفشه گاوزبان گیلانی هریک سه مثقال انچه باید کوفت نیمکوفته جمله را یک شبارروز در پنج رطل
آب تر نمایند پس منقی هشت درم آمیزند وبجوشانند تا دو رطل بماند صاف نمایند وقند سفید یکمن اضافه
کرده بقوام آرند شربت بزوری بارد برای امراض حاره ورفع حمیات حاره وامراض
حاره کلیه ورفع حمیات وامراض کلیه ومثانه مفید ص پوست بیخ کاسنی هفت درم تخم خربوزه
تخم بادرنگ تخم خیارزه هریک پنجدرم مغز تربوز دو نیم درم قند سفید یکمن بطریق مقصود مرتب سازند
واگر شراب بزوری بارد سفرجلی خواهند بجای قند آب شیرین بوزن قند داخل نمایند شربت
هذا جهت تپ ها ودفع تفتیح جگر ودل ومعده نافع است ص شنگرف سفید سه رطل

شربتی ازین شراب میدادو یک دینار میگرفت لهذا باین اسم مسمی گشته واکثری از اطبا گفته اند
که دینار اسم تخم کشوث است وچون او عمود این ترکیب است ازین جهت باین اسم نامیده اند از قبیل
تسمیه گل باسم جزو ووجه اطلاق نمودن دینار بر تخم کشوث نزد بعضی آن است که دینار اکثر
در کیسه میباشد وتخم کشوث را لازم است که در جمیع مطبوخات واشربه در کیسه نموده طبخ می کنند لهذا
در فارسی تخم کشوث را تخم کیسه می گویند وبعضی گویند که چون درین شراب ذهب محلول از برای
تفریح داخل میکردند شراب دیناری می نامند وقومی دیگر گفته اند که چون برنگ دینار است لهذا الشراب
دیناری نامیده شد شربت دینار به نسخه حکیم شفائی طبع را نرم کند ورفع حمیات وعفونت کند
وسده بگشاید وسوء القنیه واستسقا رذات الجنب را نافع بود ودرد جگر وشکم را وحم ومثانه ساکن
کند وادرار بول نماید ص تخم کاسنی غنچه گل سرخ از هریک بیست درم پوست بیخ کاسنی چهل درم
گل نیلوفر گاوزبان هریکه دو درم تخم کشوث در کیسه کتانی سی درم مجموع را در آب بجوشانند تا سه
شود وبیالایند وبا یک من قند سفید بقوام آرند پس از آتش فرود آورده بمقدار ده مثقال
ریوند چینی سوده داخل کنند وبه تبر بر هم زنند تا نیکو مخلوط شود شربت دینار به نسخه حکیم سدید وقت
باعتدال وکثیر المنافع است وجهت سده جگر وامراض بقایا واحشا نافع وباورام آن مفید
هرگاه باشیره تخم خیارین مستعمل شود خاصه که بگنجبین شکری نیز همراه باشد ورافع یرقان وحرارت
جگر ومعده ومدر بول وملین طبع ودافع حصبه وجدری وحمیات دمویه وصفراویه باشربت
عناب ص ریوند چهار مثقال تخم کشوث پنجدرم گل سرخ پاک کرده یازده درم تخم کاسنی سی درم
ریوند را نیکوب کنند ودر خریطه بسته همراه دیگر ادویه در آب بخیسانند وقند سفید دو رطل آمیخته
بقوام آرند واگر یکمثقال دیگر از ریوند باریک ساخته بدان بیامیزند وصل کنند قوی الفعل گردد شربت از
ده درم تا پانزده درم شربت دیناری کثیر النفع ست از برای جمیع امراض کبد واز برای
مالیخولیا مرانی ونقیه باین شربت بعد از فصد ونضج ماده بمبارالاصول بهترین تدبیر است ص
تخم کاسنی منقشره درم را زیانه پنجدرم بیخ کاسنی پانزده درم پوست بیخ بادیان هفت درم ونیم

پوست بیخ کاسنی پوست بیخ را زیانه از هریک سه مثقال تخم کاسنی چهار مثقال کوفته یکشبانروز
خیسانیده از دست مالیده صاف نموده و باصد مثقال قند بقوام آرند و عود قماری و مصطکی
از هریکید و مثقال ریوند چینی سه مثقال نرم سوده درین شربت ممزوج سازند شربت
اذخر جهت سده جگر و استسقاء و یرقان و ریاح معده و بلغم لطیف و مغص مفید ص سنبل الطیب
سلیخه وج حب بلسان حب ریوند چینی مصطکی هریکید و درم بیخ اذخر فلفل اذخر فنتین تخم
رازیانه انیسون تخم گل سرخ تخم کرفس کیاه خافث هریکیده درم همه را در دو رطل آب
تر کرده بجوشانند تا بنصف رسد مالیده صاف نموده ثقل آنرا باز در شش رطل آب بجوشانند
وصاف کنند و هر دو آب را جمع نموده باشش رطل شکر بقوام آرند و از یکید درم زعفران خوشرنگ
کنند شربت یک اوقیه با یکدرم بامار البقول شربت اصول سوء القنیه و استسقاء را بغایت
نافع بود و منضج اخلاط غلیظه و مفتح سده و کاسر ریاح و مدر فضلات است ص سویز منقی
چهل درم پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس پوست بیخ کاسنی هریک سی درم انجیر زرد بیست دانه
تخم رازیانه تخم کرفس هریک بیست درم پوست بیخ کبر پانزده درم اذخر سنبل اسارون سلیخه
هریکیده درم جمله را بجوشانند و صاف کنند و با یکمن قند بقوام آرند شربت پانزده دو درم نافع است
و درم شربت کشوث که مقوی معده و مفتح سدد و تلین طبیعه و جهت سوء القنیه و تب های
مرکبه مفید ص بیخ رازیانه گل سرخ انیسون هریکید و مثقال تخم کشوث رازیانه تخم کاسنی گل
کشوث تخم خیارین تخم خربوزه پوست بیخ کاسنی هریک سه مثقال قند سفید با شیر خشت نود مثقال
بطریق معلوم شربت آن بنوشند شربت ریوند مفرح جگر را قوت دهد و سده بگشاید ص ریوند
بیست درم در سه رطل آب تر کنند یکشبانروز و بآنش نرم بجوشانند و باسه رطل قند سفید بقوام
آرند شربت ریوند مرکب جهت امراض جگر و سپرز و تفتیح سده و تلین طبع نافع ص
ریوند ده درم تربد موصوف غاریقون لبلاب تخم کاسنی هریک پنجدرم زنجبیل دو مثلث درم قند
سفید صد درم بطریق متعارف مرتب سازند شربت دینار صناعت یخشوع است بهر کسی که

دیگر گل سرخ دران داخل کرده بجوشانند تا سه من و نیم گلاب باقی ماند پس باز بمالند و بپالایند
و مرتبه چهارم ده استار دیگر ورق گل سرخ داخل نمایند و بجوشانند تا یک من گلاب باقی ماند
پس آنرا نیکو بمالند و بفشارند فشردنی قوی که مطلق رطوبت در ثفل نماند و بپالایند و دران
یکمن شکر سفید داخل نمایند و بجوشانند تا کف برسر آورد پس قدری سفیده تخم مرغ مخلوط
باب بران بزنند تا کف آن جمع شود پس تمام کف آنرا بگیرند و مرتبه دیگر آنرا صافی نموده بجوشانند
تا بقوام جلاب آید فرود آورده سرد کرده در ظرف چینی یا زجاجی نموده و در وقت حاجت
از یک اوقیه تا سه اوقیه آنرا با گلاب و برف سرد کرده بیاشامند شربت هرگاه درم کرم
باشد بجهت انفجار و نضج استعمال کرده میشود ص زعفران صبر هر یک دو دانگ و نیم هر دو را
در لعاب تخم کتان و لعاب تخم حلبه هر یکیده درم شربت انجیر دو اوقیه حل کرده گرم نموده بدهند
شربت مسهل تالیف این ماسویه بلغم و سودا را از جمیع بدن فرود آرد و معده را قوی گرداند
ص گل سرخ تازه منزوع الاقماع دو رطل در چهار رطل آب خالص یک شبانه روز بخیسانند
تا به نصف رسد پس یک اوقیه افتیمون در وی افگنند و یک جوش دیگر داده از آتش فرو گیرند
و نیکو بمالند و بفشارند و بپالایند دیگر طل و نیم فاینذ جید داخل کرده بجوشانند و کف آنرا بگیرند
پس سنمونیا انطاکی آنرا ساییده در پارچه کتانی بسته درین افگنند و چندان بمالند که پارچه از سنمونیا
خالی شود پس عود هندی و سک اصلی و لبسا سه از هر یک دو دانگ کوفته بخته در وی افگنند
و به پزند تا بقوام عسل آید پس برداشته نگاه دارند و استعمال نمایند شربت نفع در تحریک
اشتها بمرتبه مجرب است که شرح آن نتوان کرد و منقی معده است اخلاط سوخته و رفع بلغم نماید و مسهل
است چون پس از معجون با هیه بنوشند ص آب نفع افشره بیست مثقال شب بیاتی سوده
خرد دل بیست مثقال یک صد مثقال یا نود مثقال خمیر در هزار رود صد مثقال آب بجوشانند
تا به نصف رسد پس صافی نموده شصت مثقال قند بقوام آورند شربت زرشک بری
از قرابادین عم مرحوم ص زرشک منقی هشت مثقال تخم کشوث دو مثقال تخم خیارین کوفته

شش رطل انداخته بقوام آرند شربت چهار اوقیه تا سی درم آب که از برف سرد نموده باشند
واگر سکنجبین ده درم ممزوج کنند در تقطع بلغم وصفرا نافع تر خواهد بود خاصه شربت ورد است
که هرچند بعد او آب سرد بنوشند خوب تر عمل کند تا که در معده باشد واگر مزاج کسی عاصی باشد
قدری سقمونیا مشوی نیز داخل نمایند ومبرود را عسل بجای قند باید کرد شربت
کرشنج رئیس جهت حبس قی که بهیج دوا نایستد اختراع نموده ص به قنب هر یک یکجزو تخم خشخاش
ثلث جزو پوست خشخاش ثمن جزو پوست بیخ نفع ثلث جزو عود خام ربع عشر جزو آب نفع
آنقدر که همه را بپوشانند گلاب آنقدر که یک انگشت بالا باشد آب خالص سه چند آن هاون آهنین
نرم بپزند تا قنب و به مهر شود پس صافی کرده برفق منعقد سازند شربت که بشهوت کلی نافع است
ص سنبل دو دانگ عود چینی دو ثلث یکدرم مصطگی یکدرم تخم کرفس انیسون تخم رازیانه هریکدو
درم پوست بیخ کبر سه درم نیکوب نموده در خرقه ببندند وصره را در آب میخوش خوشبو وسرکه
هر یک یکرطل بجوشانند تا جوش خورد پس دو حصه کنند و در یک حصه آن عسل برابر
انداخته بقوام سکنجبین آرند در حصه دویمی دوچندان شکر سفید اضافه نموده طبخ دهند تا مقوم
گردد و ازین هر دو انچه موافق بمزاج باشد در استعمال آورند شربت که در وارم معده بعد
چهارم استعمال کنند ص آب کاسنی آب بارتنگ آب عنب الثعلب هر یک یک اوقیه فلوس خیارشنبر بدهی
طعم او چهار درم زعفران یکدانگ و اگر خیارشنبر زعفران الیبس حرارت او موقوف نمایند در امزجه لطیفه
حاره نافع تر خواهد بود از شصت تا چهار دهم زمانی که تب کم شده باشد آب ازبانه شراب کرفس تازه هریک
یکجزو اضافه نمایند و آب بارتنگ موقوف نمایند شربت ورد دیگر منقول از بیاض والد علوی
ص بگیرند ده اثار گل سرخ منقی از اقماع دو تخم که آنرا از رو رو بگویند و در قدح چینی باده من گلاب خوشبو
بخساند دو روز در آفتاب گذارند پس دیگ کرده بجوشانند تا ربع آن برود یعنی هفت و نیم من گلاب باقی ماند
پس گل سرخ را نیکو بمالند و بفشارند بنوعیکه مطلق رطوبت در آن نفصل نماند پس آنرا بالایند و مقدار ده استار دیگر
گل سرخ منقی فاضل کنند و بجوشانند تا پنج گلاب باقی ماند پس گلهارا بمالند و بفشارند و بدستور بپالایند و مرتبه سوم ده استار

وبستانند سفرجل و در خمیر مشوی کنند و بعده بپزند پس آب مطبوخ ادویه شش جزو عصاره
مذکور دو جزو و عسل یک نیم جزو شراب سه جزو ممزوج کرده بپزند تا بقوام آید شربت
جهت کرب معدی و غثیان و برانگیختن اشتها و ازاله خفقان مجرب است و پادزهر سموم
و لسع افعی منقول از تذکره شیخ داؤد ص آب زرشک آب سیب شیرین هر یک سه مثقال
آب لیمون آب ترنج هر یک پنجاه مثقال قند سفید دو صد مثقال شربت بپزند و مروارید سفته
باب ترنج حل کرده شش مثقال اضافه کنند و در این وقت در اکثر علل قایم مقام تریاق فاروق
است شربت دارچینی موافق معده بارد است ص شراب پانزده قسط عسل سه قسط دارچینی
هشت اوقیه مصطگی زعفران بقدر کفایه شربت کرفس شهوت برانگیزد و معده را سودمند است
و محلل فضول و دافع عسر البول بود ص تخم کرفس تازه هفتاد مثقال کوفته بیخته در خرقه کتان
بسته در عصیر عنب بیندازند و دو ماه بگذارند پس صاف کرده بردارند شربت ورد ساده مقوی
معده و مسکن عطش و حرقه احشا و مقوی قلب بود و طبع را نرم کند و حمی را نافعست و چون
تلیین او بعصر است بالاخره قبض می آرد ص بگیرند گل سرخ تازه از اقماع و تخم پاک کنند و
دو رطل آب بجوشانند تا نیک بجوشد صاف کنند و بر هر رطل از این آب صاف بدو رطل قند سفید
آمیخته بقوام آرند و کف بردارند و بعضی قند برابر آب می کنند و درین هنگام قوی تر میگردد
و از آنکه عمل او بعصیر است آب سرد اعانت میدهد او را بر اسهال شربت ورد مکرر
صاحب قادری نوشته که آنچه معمول این درویش و خوش مزه و لطیف العمل و متوسط
الحال انیست ص برگ گل سرخ دو نیم رطل در دوازده رطل آب بجوشانند چون
دو رطل آب بسوزد و بیالایند و گل تازه دو رطل دیگر در وی بجوشانند که یک و نیم رطل
آب بسوزد و بیالایند و گل تازه دیگر یک رطل و نیم دران جوش دهند که یک و نیم رطل دیگر
بسوزد و بیالایند و گل تازه یک رطل آمیخته طبخ دهند که یک و نیم رطل دیگر بسوزد و بیالایند
و نیم رطل گل تازه مطبوخ نمایند که یک و نیم رطل باز بسوزد و چهار رطل آب بماند پس قند سفید

ساده را از آتش فرود آرند از ین اشیا ممزوج نمایند و بعضی این شیار را نیکوفته در خریطه انداخته
در ین غلیان می افگنند و بعد از سرد شدن خریطه را افشرده بیرون کنند شربت
عبدالله بن طاهر چون او استعمال میکرد با هم او موصوف شده بهت اصلاح معده مجرب
است ص آب سیب آب به قند سفید عسل هر یک یکرطل شراب ریحانی شش رطل جمله را
بقوام آورند و اگر خواهند قلیل الحرارت باشد عوض عسل نیم وزن قند کنند شربت را از
بهت تقویت معده و تجوید هضم و تنبیه شهوت جماع و بسط النفس و دفع فزع و از دیاد حرارت
غریزی و تسمین بدن و تعدیل مزاج و تحسین لون و تصفیه حواس و تنقیه فضول رديه نافع است
و قوت میدهد جگر و دل و جمیع اعضای باطنه و افعال را و مولد خون و مدر بول است
و بسا منافع کثیر موصوف است ص بیخ راسن خشک پنجاه مثقال در کیسه فراخ بسته در
شهرین که هفتاد رطل بغدادی بود انداخته سه ماه در قلب گذارند پس صاف کرده
بقدر حاجت و تحمل طبیعت استعمال کنند بشراب آلبی و شراب سرو رموسوم گردانیده
شربت فستق غشی و قی را نافع است ص پوست بیرون پسته نقیع هر یکدو درم گل سرخ
انار دانه زرشک هر یک چهار درم عود مصطگی هر یک یکدرم شاخ ها در زرشش درم آب یکرطل
آب سیب آب انار هر یک نیم رطل جمله بپزند تا بنصف رسد پس صاف کنند و قند سفید انچه
بقوام آرند شربت دیمقراطیس جهت معده و جگر و سپرز نافع است و فساد مزاج باردرا
باصلاح آورد و گفته اند که دیمقراطیس بسبب استعمال این شراب در تمام عمر خود هیچ علتی بر
نشده ص بیخ سوسن آسمانگون نه قیراط از یانه فلفل هر یک یکدرم سلیخه چهار درم جمله را
باریک ساخته در ظرف چینی یا آبگینه بهند و شراب جید الجوا هر هفت رطل و نیم بران ریخته
سر ظرف را از کاغذ محکم کنند و چهل روز بگذارند پس قبل از غذا و بعد از غذا بخورند شربت
افسنتین از تالیفات شیخ که از جمیع نسخه های شربت افسنتین فایق است و مجرب ص افسنتین
صد درم بگیرند در سه من آب به پزند تا که بربع رسد و باید که آتش بغایت نرم بود و بالنموصاف سازند

ص عسل یک من قند سفید یک من در دو من آب بجوشانند تا بقوام آید
نیم و رم زعفران سوده بکمثقال مشک اضافه نمایند شربت سه درم شربت خبث الحدید
معده را قوت دهد و با ضمه را قوی گرداند و لون را نیکو کند و باد بواسیر را نافع بود ص تخم
کرفس ازیانه زیره کرمانی تانخواه انیسون صعتر انجدان کاشم کرویا کشنیز فلفل دارفلفل کبد
دارچینی قرفه جوزبوا اسنبل تخم جرجیر تخم بیاز سعد زنجبیل از هریک یکمثقال خبث الحدید ده مثقال
درشش مثقال را دویه بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند هر روز سی درم بنوشند شربت
عود در تقویت معده و جگر را دوا نافع و دل را قوت دهد و غثیان و فساد هضم و بخارهای محترقه
و جشای دخانی را دفع کند ص بگیرند سیب ترش و شیرین و انار ترش و شیرین و لیمو
از هریک یکصد و پنجاه درم آب بستانند و تا سه چند درم قند بقوام آرند و عود قماری پنج درم
و صندل سفید سه درم با در نجبویه گل سرخ مصطکی قرنفل هریکد و درم سنبل الطیب اسارون
بسباسه سافج ورق نقره هریک یکدرم عنبر و مشک و ورق طلا هریک چهار درم در ان
حل کنند شربت یبه ساده جهت تقویت معده و جگر و رفع غثیان و قی و عطش و
خلفه نافع است ص قند سفید پنج رطل در آب حل کنند و به پزند و کف بردارند پس آب
سفرجل مروق و شراب مثلث هر واحد یکرطل و نیم اضافه کنند و بقوام آورند و مثلث کنند
در وی مشعل کنند باید که چهل روز آن را در آفتاب داشته باشند و چهل روز در سایه گذاشته
باشند و اگر گرم تر و قوی تر باشد عوض مثلث خمر کنند و بدل قند عسل و یبه لفظ مارا
مرکب ازمی و به شربت یبه منوی معده و جگر را قوت دهد و تجدید هضم کند و سوء المزاج
را که عقب حمیات پدید آید نافع و فرحت دل نخبث و حرارت غریزی مشایخ و سپر و دین
مزاجان برانگیزد و قی و غثیان و فواق و اسهال و هیضه و غشی که از هیضه افتد زائل کند
ص فلفل دارفلفل دارچینی زنجبیل هریک سه درم عود هندی قاقله بسباسه سنبل الطیب
زعفران جوزبوا هریک یکدرم مشک خالص دانگی جمله را باریک سازند و چون شربت

وآن را بگیرند وصاف کنند وبجوشانند تا به ثلثی آید وزمانی بگذارند وملکزیر بیالایند در یک من آب یکمن قند اضافه نموده بقوام آورند شربت به دل را قوت دهد ومعده را قوی گرداند واشتهاء طعام آورد وطبع را نرم کند وقی بازدارد ص به ترشش وشیرین اندرون اورا پاک کنند وآب اورا بگیرند وبر پنج من آب یکمن قند اضافه کرده بقوام آورند شربت حماض صفرا شکند وقی بازدارد ومعده ودل را قوت دهد وخفقان گرم را نافع باشد ص آب حماض پنجاه مثقال قند سفید یکمن شربت پزند چنانکه رسم است شربت لیمو معده را قوت دهد واشتها آورد وصفرا بشکند وقی بازدارد وهاضمه را قوی گرداند ص عود هندی آملهٔ مقشر از هریک ۵ درم سنبل وقرنفل مصطگی جوزبوا از هریکدو درم مجموع را نیمکوفته در کیسه کتان کنند ودر سه چهار یک گلاب جوشانیده کیسه را خوب بمالند تا قوت بگلاب دهد وبا یک من قند بقوام آورند فرو گرفته نیم درم مشک خالص سوده دران حل کنند شربت حب الآس مرکب معده را قوت دهد واسهال بازدارد ص حب الاس امرود خشک از هریک پنجاه درم قرطم اثیث از هریکیه درم آب سیب وبه وانار از هریک یکمن وارد ها را درین آب بجوشانند تا به ثلث رسد وبیالایند ودیگر بجوشانند وبقوام آورند شربت تمرهندی طبع را نرم کند وصفرا بشکند ومعده را قوت دهد وقی را بازدارد ص نیم من تمرهندی را بجوشانند وشیره بگیرند وبیالایند ویکمن قند اضافه نموده بقوام آورند شربت که فواق را بنشاند خاصه انچه پس از طعام آید ص زیرهٔ کرمانی انیسون پودینه کندر از هریکیه درم در دو من آب کرده بجوشانند تا نصفی آید با قند وعسل هریک نصف رطل بقوام آورند وتجرع کنند شربت عنبر درد اعصاب را سود دهد وخفقان بار در سازائل گرداند ص عسل دو من باد دو من آب قند بجوشانند وکف آن را بردارند تا بقوام آید عنبر وزعفران سوده از هریک یک مثقال اضافه نمایند شربت پنج درم شربت مشک معده را قوت دهد وامراض بلغمی را نافع بود وپیران را موافق بود

نمایند پس بگیرند فرنفل یک مثقال عود قماری خام دو درم گل گاوزبان بادرنجبویه فرنجشک
از هریک سه درم ورق گل سرخ دو درم همه را نیکوفته درصره کتانی کنند و دران اندازند و با آب
ملایم بجوشانند و صره را بمالند تا آب بنصف رسد پس صره را نیکو بمالند و خمیر اش را برآورند
و بفشارند و از آنها دور کنند و یکمن قند سفید داخل کرده بقوام آورند و فرود آورده سرد
کرده نگاهدارند شربت دواوقیه شربت انارین منعنع از شفائی فواق بنشاند و قی باز دارد
و معده را قوت دهد ص انار شیرین و ترش باهم بکوبند و با تخم و آب آنرا بگیرند و دو من و
یکمن قند و یک اوقیه آب نعنع اضافه کرده بقوام آرند شربت انار ترش قی باز دارد
و صفرا را دفع کند و معده را قوت دهد ص اب انار ترش دو من نعنع سه چند سناج عود خام
مصطگی آلاء مقشر از هریک دو درم پوست بیرون پسته پنجدرم کوفته در آب انار بجوشانند سوای
مصطگی تا به نیمه آید صاف کنند و با یک من قند بقوام آورند و بعد ازان مصطگی را اضافه نمایند
شربت انار شیرین جگر و دل را قوت دهد و تشنگی بنشاند ص آب انار شیرین بگیرند و بجوشانند
تا به نیمه آید و به هریک من آب یکمن قند اضافه نموده بقوام آرند شربت لیمو ی سفرجلی
به نسخه سیر سو من ص آب به شیرین دو جزو آب لیمو یکجزو شکر ثلث مجموع بدستور مقرر
بقوام آورند شربت اناناس من تالیفها در تفریح و تقویت دل مفید بود ص آب اناناس
یک جزو قند سفید نیم جزو گلاب بید مشک هریک نیم جزو مشک قدری آب لیمو بقدر یکه
کرتش گرداند بدستور مرتب سازند و اگر سرفه باشد آب لیمو موقوف نمایند شربت فواکه
معده را قوت دهد و قی باز دارد و دل را قوی گرداند ص آب سیب و به و انار ترش
و شیرین و امرود از هریک یکجزو آب زرشک آب سماق آب غوره آب زعرور از هریک
نیم جزو بجوشانند تا به ثلثی آید قند آن مقدار که کفایت کند اضافه نموده بقوام آورند شربت
ریباس اسهال صفراوی را نافع باشد و قی باز دارد و تشنگی بنشاند و معده را قوت دهد
ص ریباس را سرود نبال بکار دچوبین بیندازند و در هاون سنگین یا چوبین بکوبند

سیب اصفهانی اندرون وبیرون پاک کرده درهاون سنگین یا چوبین بکوبند وآب آن بگیرند
ده من وبجوشانند تا دو من آید پس یک من قند اضافه نمایند وبجوشانند تا بقوام آید شربت
صندل دل را قوت دهد وخفقان گرم ومعده وجگر گرم را نافع باشد وتشنگی شکم هم بند واز
شفائی ص صندل سفید سائیده بیست مثقال در گلاب یک شبانروز بخیسانند روز
دیگر اندک جوش داده شیره اش بگیرند وبا یک من قند شربت سازند شربت صندل
ترش جهت تسکین سوزش دل وتپ محرقه نافع بود ص صندل سفید سوهان کرده پنجاه درم
یک شبانروز در آب غوره وسرکه هر یک پنج اسار وقدری آب بخیسانند پس بجوشانند تا برآید و
صاف کنند وبا یک من شکر بقوام آرند شربت نارنج جهت تقویت معده ودل نافع است
ص قند سفید هر قدر که خواهند بگیرند وبجای آب عرق گاوزبان انداخته بجوشانند وکف
بردارند پس آب ترشاوه نارنج چهار اوقیه بجوشانند ویک رطل قند بیندازند ودو سه جوش داده
فرود آرند وزعفران بعد رم فی یک رطل حل کرده بیامیزند وبدارند شربت ترنج جهت خفقان
گرم وامراض حاره دل بغایت مجرب است ص ترشی ترنج را یکروز در آب بشویند تا اثر
ترشی در جرم آن نماند پس مقابل هر یک عدد ترنج هفتاد وپنج مثقال قند اضافه نموده بقوام
آورند شربت برگ ترنج نسخه قدماراست جهت ضعف دل وخفقان وضعف معده نهایت نافعیت
ص برگ ترنج پنجاه عدد در شراب کهنه صاف یاد جمهوری بقدر شش قسط که هر قسطی صد
وپنجاه مثقال است هفت روز بخیسانند پس صاف نموده با صد وپنجاه مثقال عسل کف کرده
بقوام آورند ومدد بعضی از پوست ترنج بشیره مسطور ترتیب میدهند وبعضی یک رطل پوست ترنج را
دو دو بیست وپنجاه آب خیسانیده بجوشانند تا به ثلث رسد پس صاف نموده با یک رطل عسل
بقوام می آورند شربت تفاح مقوی منقول از ذخیره ضعف قلب وامراض سوداوی را
نهایت نافع است ص بگیرند سیب شیرین وپوست وتخم آن دور کرده بکوبند وآب
بگیرند ودر هر دو من ازان یکمن آب جل ویک من شراب ریحانی داخل کنند وهمه را در یک

سرد و تر است جهت سرفه و درد سر و خشونت حلق و خراشیدگی آن و ذات الجنب و
ذات الصدر و ذات الریه و حمیات صفراوی و درد حلق و خنجره بغایت نافعست و شکم نرم کنند
و سوءمت اسعار را بشرط مداومت بالکل زائل سازد و درد معده و امعا را ازپوست سازج یا
مادهٔ یالیس بود ساکن نماید ص سپستان خوب فربه یک چهار یک درده من آب بجوشانند
تا سوم حصه بماند پس بمالند و صاف کنند و قند یک من آمیزند و بقوام آرند شربت ده مثقال
شربت خشخاش مخترع ص کوکنار نیم آثار مشک عنبر اشهب شش ماشه نبات دو آثار
کچله منقشر در شربت خیسانیده و ده عدد بطریق متعارف مرتب سازند شربت که بانتصاب
نفس نافع است ص مصطگی سازج هندی هر یک سه درم شیح قیصوم فراسیون پوست
بنج کبر پوست بنج بادیان فنیج جبلی سداب از هر یک پنجدرم انجیر سفید یکیر طل همه را در پنجر طل
آب بجوشانند تا دو رطل باقی ماند صاف نموده عسل پنجفنج هر یک یکیر طل داخل کرده بانیش
ملایم بجوشانند و کف بردارند شربت سازند شربت یک اوقیه و نصف باب سرد و شربت فریادرس
برای سرفه و نزله مجرب است ص گاوزبان گیلانی صندل سفید پرسیاوشان عود صلیب
از هر یکدو تولچه اصل السوس را زبانج تخم خطمی گل سرخ از هر واحد یک تولچه منقی بیست و پنج عدد
خشخاش دو تولچه کوکنار پنج عدد قند سفید یک آثار بدستور مرتب سازند شربت دیگر این الیاس
ذکر نموده که برای مسلول لاغر بکار آید ص آب انار ولایتی شیرین چهار رطل آب سیب
یکیر طل آب نیشکر دو رطل همه را بجوشانند تا نصف بماند نگاهدارند شربت یک اوقیه باید دانست
که این فاضل خلاف ظهور و زیده زیرا که همه قائل اند که تفاح مورث سل است پس این
شراب بچه طور نافع سل خواهد شد شربت اسبغول بجهت خفقان صفراوی و سرفه گرم
و خشک و خشونت قصبه ریه و امثال آن نافعست ص بذر قطونا یک اوقیه را با یک رطل
آب بپزند و لعاب آن بگیرند و با یکیر طل و نیم شکر سفید بقوام آرند و استعمال کنند شربت
سیبل معده را قوت دهد و مفرح بود و قی ساکن کند و اسهال صفراوی را باز دارد ص

یک اوقیه بنفشه خشک را حل کنند و باید که وی را بسیار بجوشانند شربت نیلوفر صداع حار و تپ های صفراوی و ذات الجنب و ذات الریه را نافع بود ص گل نیلوفر یک اوقیه و اگر تازه باشد یک چهار یک بجوشانند و با یک من قند شربت به پزند شربت عناب آبله و حصبه و درد سینه را نافع بود ص عناب ولایتی یکصد طل در چهار رطل آب بجوشانند و با دو رطل یا سه رطل قند بقوام آرند شربت اعجاز تالیف حکیم ارزانی جهت اقسام سرفه خشک نافع است و برای تپ دق مفید ص عناب ولایتی بیست عدد سپستان فربه شصت دانه اصل السوس منقشر تخم خبازی تخم خطمی گل نیلوفر گل بنفشه هر یک هفت درم بهدانه پنجدرم کتیرا صمغ عربی هر یک سه درم برگ ارو سه یکصد طل قند سفید دو رطل غیر از صمغ و کتیرا همه بجوشانند و بطریق معلوم با قند بقوام آرند و بعده کتیرا و صمغ عربی کوفته بیخته داخل نمایند شربت عنب بهسعال نفع دارد و دهنش هوا را مفید بود ص انگور شیرین از کرم قدیم بگیرند و با آب شسته شیره وی بستانند هر قدر که خواهند بجوشانند تا که ثلث بماند و همچند شیره خام قند سفید آمیزند و کف بردارند و بقوام آورند شربت نرجس که ضیق و انتصاب نفس را نافعست ص نرگس تازه سالم از عفونت ربع رطل در آب گرم یک شبانروز تر کنند و با آتش ملایم بجوشانند و صاف سازند و یکصد طل قند یا عسل آمیخته بقوام آرند شربت فراسیون معمول راقم که ضیق و سعال را که سبش بلغم بود نافعست ص فراسیون چهل درم اصل السوس نه درم فارفیون پنج نهری پرسیاوشان هر یکده درم حلبه مغز بادام مغز چلغوزه بادیان انیسون هر یک پنجدرم مصطکی دارچینی زنجبیل هر یک دو درم مویز منقی سی درم عناب سپستان هر یک صد دانه انجیر سفید بیست عدد جمله در بیست و چهار رطل آب تر کنند و یک شبانروز بگذارند پس برآتش نرم بپزند تا که نصف بماند صاف کنند با پنجرطل قند سفید بقوام آورند شربت یک اوقیه شربت انجبار نفث الدم و اسهال دموی و سیلان طمث را نافع است معده و جگر گرم را سود دارد شفائی ص اقاقیا دو مثقال صندلین سائیده هر یک پنجمثقال انجبار هفت مثقال قند سفید نیم من شربت سازند شربت سپستان

این دو را ماسرون خوانند نافع است در جمیع حالات بخناق و ذبحه و هم نفع میرساند بورم
حار دهان ص بگیرند عصر توت سرخ پنج رطل و طلاء دو رطل و عسل مصفی یک رطل و همه را با آتش
ملایم بجوشانند تا بقوام رقیق آید و زعفران و عصاره لحیته التیس هر یکدو درم شب یکدرم و نیم
ساییده بران پاشیده و حل کرده بردارند شربت توت موافق نسخه شاهی ص بگیرند آب
توت سیاه دو رطل و بجوشانند تا نصف بماند پس با سه رطل شکر سفید بقوام آرند شربت
حب الآس سرفه با اسهال را نافع است ص حب الآس بکوبند و بجوشانند تا مهر شود
و بیالایند و هر دو جزو ازان ده جزو قند سفید اضافه کنند و بقوام آرند و اگر قدری طباشیر سفید
سوده بیفزایند اقوی خواهد بود شربت زوفا ساذج ضیق و سرفه را نافعست ص زوفای
یابس از چوب پاک کرده نیم رطل در آب بسیار گرم یک شبانروز تر کنند و بپزند و صاف
نمایند و قند سفید یا شکر سفید چهار رطل و عسل یا یک رطل آمیخته بقوام آرند شربت زوفا مرکب با بلغم
غلیظ را از مجاری نفس بر دو سینه را پاک و نرم کند و ضیق و سرفه را سود دارد ص را زیانه
گرفس هر یک پنج درم زوفای یابس هفت درم انجیر ده عدد مویز منقی سی درم حلبه چهار درم
تخم خطمی ایرسا اصل السوس هر یک سه درم پرسیاوشان شش درم قند سفید دو رطل گلقند
یکرطل بدستور متعارف شربت سازند شربت ازده تا پانزده درم با یکدرم مغز بادام تلخ شربت
زوفا را نسخه دیگر که سینه را از خلاط غلیظ پاک کند ص پنج گرفس پنج بادیان پنج کبر هر یک سه درم
زوفا چهار درم بجوشانند و با قند بقوام آرند شربت بنفشه که سرفه و شوصه را سود مند بود
و تلیین طبیعت نماید و فوائد بسیط را جامع بود ص بنفشه تازه یکرطل تخم خطمی بهدانه صمغ عربی
هر یکده درم جمله را در پنج رطل آب تر نمایند یکشبانروز پس بجوشانند تا ثلث برسد بیالایند و قند
سفید یا نبات جید اضافه کنند و بقوام آرند شربت هفت درم شربت بنفشه بسیط ذات الجنب را
و ذات الریه و صداع و درد چشم و درد گرده را نافع بود و بول براند سینه را نرم کند ص گل بنفشه
تازه یک چهار یک بجوشانند و بیالایند و یکمن قند بقوام آورده شربت بنفشه و اگر گل بنفشه تازه نباشد

در دو من آب به پزند تا به نیمه آید و با یک من قند شربت کنند **شربت** اسطوخودوس صص اسطوخودوس
ده درم بسفایج فشتقی خراشیده گاوزبان گیلانی بادرنجبویه هریک پنجدرم همه را در یکرطل آب بجوشانند
تا به نصف رسد پس بیالایند و شکر طبرزد دران کنند و بجوشانند تا به نصف رسد شربت یک اوقیه
شربت عسل تالیف محمد بن زکریا جمیع امراض باردہ و امراض بلغمی را سود
دارد خصوص فالج و رعشه را نهایت مفید است و معده بارد را نیز سود دارد صص یکمن عسل مصفی
یکرطل و باشش رطل آب باران بپزند و کف ازان برداارند پس فلفل سفید زنجبیل قرنفل
خولنجان مصطگی رومی از هریک یکمثقال چون سرمه ساده پارچه کتانی بسته دران افگنند و بجوشانند
دلچه پارچه ادویه را بدست بمالند و انچه پارچه دران است از ادویه بیرون آرند و چون شراب
بقوام آید فرود آورده نگاهدارند و هنگام حاجت بکار برند و اگر عوض ادویه مذکور به عنبر و
مشک بقدر حاجت بویا نموده بکار برند در لطافت و لذت اقوی خواهد بود **شربت** دارد
بخت مقوی اعضاء رئیسه است و امراض بلغمی را سود مند بود و نسیان را زائل کند و
رنگ خسار نیکو گرداند و پیران را موافق آید و قوت باه بیفزاید و اشتها آورد و بدن را
فربه نماید صص بگیرند آب انگور یک صد من سیب شیرین به شیرین که از پوست و دانه پاک
کرده باشند هریک سه من گلاب نیم من آب خالص ده من دارچینی قرنفل مصطگی رومی کبابه
سنبل الطیب خیر بوا خولنجان هریک پنجدرم عود قماری بسباسه شنه از هریک سه درم زعفران
دو مثقال مشک خالص نیم مثقال عنبر اشهب مثقال سیب به را در آب انگور بجوشانند
و کف آن بگیرند تا این هر دو مهر اشود پس از آتش فرود آورده بگذارند تا سرد شود و بمالند
و بیالایند و دو به را نیکو فته و در کیسه کتان کرده در وقت جوشانیدن کیسه را در دیگ اندازند
دلچه کیسه بمالند و شیره آنرا برآورده کیسه را دور کنند و مطبوخ را بیالایند و سرد کرده در خم
ریزند و مشک و عنبر اشهب و زعفران را بگلاب سوده دران داخل نمایند و سر خم را محکم
کنند و بعد از شش ماه سر خم را دور کرده شراب را استعمال نمایند **شربت** توت یونانیان

وبکار برند شربت ابریشم از تالیف راقم جهت تقویت دل ودماغ وباه مفید ص سلیه
ابریشم سی مثقال بگیرند ونخ از وبکشند وسه شبانروز در گلاب وبید مشک وآب باران سه یک
دو آنار بخیسانند وبجوشانند پس صاف نموده با عسل ونبات سفید از هر یک بیست مثقال
بقوام آورند وبعد فرود آوردن عنبر اشهب یکمثقال ورق طلا یکدرم ورق نقره یک تولہ
دران حل کنند ودر ظرف پاکیزه نگاهدارند شربت از نه ماشه تا دو تولہ شربت گاوزبان دل را
قوت دهد وسوداوی مزاج را بغایت نافع باشد وخفقان را زائل کند از شفائی ص
آب گاوزبان تازه یکمن بالکمن قند بجوشانند وکف آن بردارند وبقوام آرند وبیست مثقال
گلاب دران ریزند وفرو گیرند واگر گاوزبان تازه نباشد چهار یک خشک داخل کنند
شربت گاوزبان مقوی دل ودماغ منقول از قرابادین عم مغفور ص گاوزبان گیلان
بادرنجبویه هر یک نیم طل نبات سفید سه رطل عرق بید مشک چهار شیشه گلاب چهار شیشه
مشک خالص نیدرم عنبر اشهب نیدرم کافور یکدرم زعفران دو درم اول گاوزبان و
بادرنجبویه را دره سیر آب بجوشانند چون نصف بماند صاف نموده عرق بید مشک و گلاب
داخل نموده با نبات بقوام آرند بعد ازان عنبر وزعفران ومشک وکافور بگلاب سابیده
داخل نمایند شربت از دو درم تا ده درم واگر گاوزبان وبادرنجبویه را مقطر کرده عرق بنسبا
وعلی الرسم شراب سازند لطیف ولذیذ خواهد بود واگر مزاج مائل به برودت بسیار باشد کافور
موقوف نمایند شربت افسنتین بالنخولیای مرائی را نافع بود وجهت ضعف معده بارد
وسوء القنیه بغایت مفید باشد وتلتین طبع نماید ص سنبل الطیب دو درم تربد سفید خارشتر
نرم سفید از هر یک چهار درم افسنتین رومی ده درم ورق گل سرخ بیست درم جمله را در
چهار رطل بخیسانند وبجوشانند تا به ثلث رسد صاف نموده با صد ولبست درم قند سفید
بقوام آرند شربت افسنتین دیگر معده ضعیف وجگر ضعیف را وسپرز را نافع بود وطبع را
نرم کند وبادهای رودہ دفع نماید ص افسنتین پنجاه درم سلیخه بیست درم کرفس سی درم

ابریشم که حکمت پناه مسیح الزمان بجهت جهانگیر بادشاه ساخته بود خفقان را منفعت عظیم
نموده و معمول عم مرحوم بوده ص ابریشم خام ده توله یک شبانروز در سه آثار آب بخیسانند
و بجوشانند و صاف نموده بآن ضم کنند و هفتاد مثقال نبات سفید و سی مثقال عسل داخل
کرده بقوام آرند و تبرزند تا سفید شود بعد ازان با ابریشم مقرض سه مثقال گاوزبان گیلانی
دو مثقال فرنجمشک یکمثقال مروارید کهربا شب صندل سفید عود مصطگی مشک عنبر اشهب
از هریک نیم مثقال گلاب چهار سیر بدستور معمول شربت سازند شربت ابریشم منقول از بیاض
عم مرحوم برای خفقان بارد و تقویت معده و رفع امراض دماغی مثل صرع و لقوه مفید ص
بگیرند ابریشم یکطل و در آب آهن ناب سه شبانروز بخیسانند و پس بجوشانند جوشانیدن نیکو
تا قوت ابریشم در آب بیاید صاف نموده نگاهدارند بعد ازان اسطوخودوس نیم طل برگ
گاوزبان تا ربع رطل بادرنجبویه ربع رطل گل گاوزبان چهار توله بگیرند و هریک جدا جدا
بدستور بخیسانند پس بجوشانند و بعسل مصفی و نبات سفید هریک سه یا و بقوام آرند و از آتش
فرود آورده این ادویه را باریک سائیده داخل نمایند عود هندی مصطگی الایچی خورد از هریک
شیرین عود صلیب سنبل الطیب قرنفل از هریک یکتوله بسبا سه
جوز بوا زعفران از هریک شش ماشه عنبر اشهب نه ماشه شربت ابریشم جهت تقویت
دل و دماغ و باه مفید است منقول از بیاض عم مرحوم ص ابریشم چهار توله باریک نموده
در چهار شیشه عرق بید مشک دو شیشه گلاب سه شبانروز بخیسانند و بعد جوشانیدن و
صاف نمودن هفت توله شراب فواکه و هشتاد توله قند و نبات سفید داخل کرده کف
آنرا باسفیدهٔ تخم مرغ گرفته بعده دران دارو ها را در خریطه بسته بجوشانند تا بقوام آید زعفران
عود هندی مصطگی از هریک یکمثقال صندل سفید سنبل الطیب از هریک سه مثقال قرنفل
هیل ساذج در رنج عقربی از هریک نیم مثقال بعد فرود آوردن عنبر اشهب دو مثقال مشک
نیم مثقال ورق طلا یک مثقال ورق نقره سه مثقال داخل نمایند و یک ساعت خوب بسایند

بسفایج فستقی برگ فرنجمشک اسطوخودوس سنا ورق سنا از هریکدو نیم درم نبات وگلاب
هریک پاوآثار شب دو یه را در آب خیسانیده صبح بطریق معروف همراه نبات وگلاب
بقوام آورند واگر عوض صنا ترنجبین و شیرخشت داخل سیکردند دراین وقت درسایر خواص
اقوی میگشت شربت مسهل نیز از تالیف اوشاداست برای اخراج مواد سوداوی
وبلغمی مفید جهت خفقان بارد وامراض دماغی تجربه رسیده ص پرسیاوشان گاوزبان
گیلانی بادرنجبویه انیسون از هریک یکتولہ گل سرخ بنج گاسنی هریک یکنیم تولہ گل بنفشه
تر مدسفید هریک دو تولہ عود صلیب غاریقون نرم سفید از هریک نیم تولہ سنا مکی سه تولہ منقی
سی دانه کشمش چهار تولہ اسطوخودوس بسفایج فستقی هلیله کابلی تخم کرفس نیمکوفته تخم کشوث
هلیله سیاه از هریک یکنیم تولہ ادویه را از انچه کوفتنی است نیم کوفته دوشب در آب که چهار انگشت
بالای ادویه باشد تر نمایند وبانرنجبین و نبات وگلقند از هریک پاوآثار بقوام آرند شربت از
چهار درم تا پاوآثار بعد نضج مواد استعمال نمایند واگر حاجت باشد برای قریق نمودن هنگام
خوردن این شربت عرق مناسب بقدر ممزوج نمودن بنوشند واین شربت را بجهت شخصی
که از خوردن مسهل کاره بود تصنیف فرموده بودند شربت بادرنجبویه از جلابی ص
گاوزبان خشک سی درم بالنگو تازه یک من اگر تازه نباشد خشک سی مثقال بگیرند و
بجوشانند وبیالایند وبایک من عسل گفته شربت سازند ونسخه که جدامجد در قرابادین
خود مرقوم ساخته اند دران عنبر اشهب بوزن یکان تولہ نیز داخل است شربت اسطوخودوس
در انضاج مواد سوداوی وبلغمی خصوص مواد دماغی نفع بسیار دارد ونسیان واختلاط را
مفید است ص اصل السوس مقشر پنجدرم بنفشه خشک ورق گل سرخ از هریک هفتدرم
پرسیاوشان اسطوخودوس فاوانیا گاوزبان خراسانی تخم رازیانه تخم کرفس تخم خطمی
هریک پنجدرم مویز منقی بیست درم سپستان سی عدد همه را بجوشانند ودر سه رطل شکر
طبرزد وعسل صاف کنند وشربت بزنند ازده درم تا پانزده درم باآب گرم بدهند شربت

قوی مزاج وکلان است که بسن رهاق وبلوغ نرسیده باشد واگر طفل بسیار صغیر بود
بدایه وی وقدری بطفل میداده باشد واگر ازین عارضه بدن ورم زیاده کرده باشد
وجای متقرح شده باشد نفل ازین دوا را بآب برگ حنا سائیده ضماد کنند سفوف
برای سرخ نمودن رخسار ص زوفای خشک ۵ جزو زعفران سه جزو کوفته بیخته سفوف
ساخته هر روز دو درم بجوزند سفوف مسهل عجیب وغریب منقول از خط جد امجد وعم مرحوم بود
ودر اخراج سودا بی نظیر است وبلغم را دفع نماید وآتشک را در سه روز دفع می گرداند دوا را
درمیان انداخته همراه شهیر فرو برند واکثر قی آرد وبا وجود آن در اسهال تقصیری نمی کند در حار
مزاج وضعیف المزاج کم استعمال باید کرد ص بگیرند سیماب وگندبک مساوی الوزن وبگلی
نمایند وهر قدر که سحق زیاده خواهد شد ابلغ خواهد شد وقی کمتر خواهد آورد واگر کم سحق خواهد شد
البته قی خواهد آورد وقتیکه از گلی فارغ شوند برابر هر دو جزو حب السلاطین کوفته همه را سحق بلیغ نمایند
بعد ازان سنگ بصری مساوی از هر واحد از سیماب وگندبک گرفته یار کنند وباز سحق نمایند
قدری که سنگ بصری باریک گردد همه را برابر برداشته در ظرف گلی آب نارسیده لیسه نمایند
وکهرل را شسته آنش درمیان ظرف مذکور اندازند اگر برد واندار دوانگشت آب
نه آید والا آب دیگر بریزند وبالای آتش نگاه دارند تا که آب خشک شود وهنوز تری آب
در طوبه باقی باشد که از آتش فرود آورده در سایه نه وبالا نموده نگاه دارند که خشک شود
پس در ظرف شیشه یا چینی بردارند وقدر مستعمل در یک سرخ یا دو نیم سرخ است

باب الشین المعجمه شربت از تالیف قدما راست وجمعی بران اند که اول
کسی که شربت تالیف نموده فیثاغورس است **شربت** مجرب ومعمول والدا حد جبت
اقسام مالیخولیا اکثر بعد تنقیه همراه مار الجبن استعمال میفرمودند بدون تنقیه وتنها نیز گاه گاه
در استعمال می آوردند ص گاوزبان گیلانی هفت درم ونیم گل بنفشه ربع کم دو درم
گل سرخ یکدرم وربع ورق بادرنجبویه گل نیلوفر نخم فرنجمشک هلیله سیاه افتیمون

جدا جدا کوفته بیخته هر واحد یک پاو اکبری بگیرند ممزوج نموده جمله را چهل وزنه حصه کنند یک
صبح و یک حصه شام بدهند غذا دال نخود بی نمک و نان نخود بی نمک و بنا بر ضرورت نان
میده و کباب بی نمک **سفوف** برای جرب و سعفه و سوزاک و آتشک و هر قسم که آبله
باشد لب یار سفید دست خصوص بعد از تنقیه و بار ها نجربه نموده شد ص هلیله زرد چهار ماشه هلیله
کابلی سی ماشه هلیله یازده ماشه آمله ده ماشه شاهتره سی ماشه چوب گزیازده ماشه گل سرخ شش ماشه
ریوند چینی پنجاشه برگ سنا بیست ماشه هلیله سیاه ده ماشه کوفته بیخته هموزن شکر سفید آمیخته
سفوف سازند و علی الصباح یک یک دام با یک یکتوله یا نیم ماشه ازین سفوف خورده باشند
اگر مزاج مساعدت کند علی التواتر بخورند والا دو سه روز بخورند و موقوف نمایند و باز شروع
کنند و به صغیر السن و ضعیف المزاج کمتر ازین باید داد **سفوف** جهت برص ص اجمود
باوآنار گیرو گوالیاری نیم پاو هر دو را کوفته بیخته مثل سرمه ساخته وزن یک مڑی روز همراه
آب بخورند و غذا سوای نان بی نمک و روغن دیگر ندهند **سفوف** دیگر بجهت برص از مجربات
شاه عطاء الله مرحوم ص منڈی پاو سیر سمندر سوکهه نیم پاو هر دو کوفته بیخته سفوف ساخته
هر روز شش ماشه یا نه ماشه بروغن زرد بخورانند و از شیر و شیرینی پرهیز کنند و در اثنار خوردن
ازین سفوف گولیها طلا کرده باشند کنونبل چیته هر دو را کوفته بیخته با آب لیمو خمیر کرده گولیها
ساخته نگاهدارند وقت حاجت با آب لیمو سائیده طلا کنند **سفوف** جهت سرخ باده اطفال
معمول و مجرب صاحب بقائی داو نوشته که تخلف نمیکند ص کچور زیره حنا برگ نیم نیل گنشیز
دارچینی هلاه حری سمس بند فوه پوست انار دهامه یکن رکت چندن سندی سورانج
دانه دو نیچی یکجزو و دواء دیگر دو نیم جزو همچنین هر دواها بعد یک جز از دواها قبل زیاده باشد
چنانچه اگر کچور یکدرم باشد زیره دو درم علی هذا القیاس نادنیه یکیک درم بیفزایند و دنیه
هفده درم بگیرند و همه را نیم کوفته نگاهدارند و وقت حاجت به طفل از یک شنه تا نه ماشه
شب در آب تر کرده صبح صاف نموده حسب قوت و سن طفل دهند و نه ماشه خوراک

نمایند سفوف سوربجان برای خراج مواد سوداوی و بلغمی در امراض مذکور بکار آید ص سوربجان
مصری هفت مثقال غنچه گل سرخ منزوع الاقماع سنا مکی هر یک پنج مثقال پوست هلیله زرد
تربد سفید مجوف تراشیده بروعن بادام شیرین چرب نموده از هر یک چهار مثقال سقمونیا
مشوی لاجورد مغسول حجر ارمنی مغسول از هر یک مثقال بوزیدان بسفایج فستقی مصطگی
رب لسوس از هر یک دو مثقال زعفران دو دانگ قند سفید ده مثقال کوفته بیخته سفوف
سازند و در شیشه نگاه دارند شربت دو درم با آب سرد سفوف تقرس از محمد بن زکریا جهت
درد مفاصل بارد و نقرس بارد و مجرب نوشته اند و گفته اند که بالکلیه قطع می کند ص ناتخواه
اهبل سداب تخم کرفس از هر یانه دو قوه هر یک دو جزو فوه بادام تلخ سنبل قسط شیرین زراوند
مدحرج هر یک پنج جزو کوفته بیخته هر روز یکدرم استعمال نمایند و از ابتدای زمستان و تا وسط نهار
بکار آید و بعد از تناول این تا چهار ساعت از ماکول و مشروب چیزی نخورند و باید که بعد
از تنقیه استعمال نمایند سفوف مجرب حکیم کمال الدین حسین مرحوم جهت تپ ربع ص
افیون نیم مثقال جند بیدستر جلتیت خوشبو قرنفل شونیز مرصاف مبعر سایله دارچینی سداب
خشک فلفل هر یک سه مثقال مجموع کوفته بیخته سفوف سازند شربت یکمثقال با بهشت
مثقال شراب کهنه سفوف خازیزص تربد سفید زنجبیل مصطگی شکر مساوی کوفته
هر صبح از یکمثقال تا دو درم بخورند سفوف شاهتره که اهل شام بجمیع اقسام جرب استعمال
می کنند و طبری نقل کرده که بعد از تنقیه و فصد و اصلاح غذا بکار می آید ص قنبیل سه درم
ثلث ماهیران چینی پنجدرم شاهتره خشک ده درم کشنیز خشک بیست درم کوفته بیخته با سه چند
شکر آمیخته بر حل نشاسته ریخته استعمال کنند شربت سه درم تا پنجدرم بقدر طاقت سفوف
که لدغ عقارب را نافع است ص بیوند چینی زراوند طویل بیخ کبر عاقرقرحا بالسویه سفوف سازند
شربت از یک مثقال تا دو درم سفوف برای جذام صاحب بقای ستوده ص برگ
نیم کمین سمندوری کلان کنائی با بلمغ بیخ و برگ آلهٔ اکبر ابای آنبه هلدی سرپهو که بابچی همه را

سہ ماشہ گوند ناگوری نشاستہ لسوڑہ تخم خشخاش از ہر یک چہار ماشہ کوفتہ بیختہ برابر آن
شکر سفید داخل کردہ یک تولہ بآب سرد بخورند **سفوف** برای سوزاک کہ باخون وریم باشد
ص اصل السوس منقشر دہ ٹانک ست سلاجیت شورہ قلمی جواکھار الایچی کلان گل بنفسہ
برگ حنا ہلدی زیرہ سفید از ہر یک دو ٹانک نبات سبت وہشت ٹانک **سفوف** ساختہ
یکدام بیختہ ہمراہ آب سرد بخورند **سفوف** مفتت حصات از مجربات است **ص** مانخواہ
تخم کرفس از ہر یک پنجدرم تخم جرجیر درم باریک نمودہ ہر روز دو درم بآب سرد بخورند
سفوف برای سرعت انزال از بیاض عم مرحوم **ص** مورانبہ پاوسیر موصلی سیاہ موصلی
سفید موچرس سنبل الطیب خراطین از ہر یک چہار دام بیختہ کوکنار دو دام بیختہ افیون
پنجاشہ تخم حلبلی دو دام بیختہ ورق الخیال در کف خشتر پر کردہ در سایہ خشک نمودہ یک
تولہ باشیر گاو بخورند **سفوف** برای سوزاک **ص** گل بنفسہ پنج ٹانک کبابچینی پنج ٹانک جواکھار شورہ
قلمی ہر یک یک ٹانک الایچی کلان اصل السوس ہر یک پنج ٹانک تخم کشنیز دو نیم ٹانک
زیرہ سفید دو نیم ٹانک برگ حنا آملہ منقی دو نیم ٹانک نبات سی و دو ٹانک جوکوب
نمودہ ہر روز پنج ٹانک این سفوف را پانج ٹانک نبات در یکپاو آب شب تر کنند صبح
بالیدہ صاف نمودہ بنوشند **سفوف** برای سرعت انزال **ص** بوست درخت ببول
برگ پلاس ستاور خشک انبہ پوست پنج گرنی بیج سنبھل پوست انجیر باغی پیلی ببول
سپستان بجر دنبی مساوی کوفتہ بیختہ سفوف سازند **سفوف** مقوی باہ **ص** پلپل دراز
رابادہ برابر شیر گاو بجوشانند کہ شیر را درخورد بعد ازان پلپل را در سایہ خشک کردہ در جائے
کہ باد نباشد باریک سائیدہ ہر روز سہ درم باشش درم نبات سفوف نمودہ بانیم شیر گاو
خوردہ باشند **سفوف** دیگر **ص** سورنجان مصری دہ درم سنا مکی ہفت درم پوست
ہلیلہ مغز بادام مقشر از ہر یک سہ درم زعفران نیم درم سقمونیا یک درم گل سرخ
شش درم فند سفید سی درم اگر بادہ بلغمی بود پنج سفید پنج مثقال سقمونیا نیم درم اضافہ

سفوف دیگر برای سرعت انزال مجرب است ص لاکہ دانہ زرد منعول سریانی تج
لودہ ٹپھانی مازو بی سوراخ خورد برابر کوفتہ بیختہ شکر سفید ہموزن او دیہ آمیختہ از شش ماشہ
تا نہ ماشہ باشیر گاو میش بخورند سفوف برای قوت باہ و امساک و تقویت اعضاء رئیسہ و
گردہ و مثانہ بی نظیر است تصنیف والد ماجد ص گوند کتیرا گلنار صندل سفید طباشیر موچرس
خارخسک ورده مائین قلعی کشتہ از ہر واحد چہار ماشہ کہربا سائیدہ مصطگی گل ارمنی ثعلب مصری
ثقاقل لسان العصافیر نفع یکہان بیدمایۂ شتر اعرابی لودہ کرمانی از ہر یک سہ ماشہ
سنبل الطیب و ماشہ تودری بہمنین نہ نہ ماشہ پوست بیخ سولسری پوست بیخ کچنال
پوست بیخ جھربیری پوست بیخ کیکر پوست بیخ سنکاہولی سنگھاڑہ خشک از ہر یک بیخ ماشہ
دانہ الایچی خوردش ماشہ ادویہ را کوفتہ بیختہ برابر آن نبات سفید آمیختہ سفوف سازند
و یک تولہ باب سرد بخورند سفوف برای اندمال قرحہ مجرب است تالیف یگانہ روزگار
حضرت استاد رحمت اللہ ص گوند کتیرا دم الاخوین گل ارمنی طباشیر رب السوس گل منجوم
گلنار حب کاکنج تخم خشخاش از ہر یک و ماشہ نشاستہ تخم خیارین مغز تخم کدو تخم خربزہ مغز تخم خربوزہ
از ہر واحد سہ ماشہ ریوند چینی ماشہ کوفتہ بیختہ سفوف سازند سفوف مغلظ منی از تالیف رقم
ص سنگھاڑہ خشک شش ماشہ مازو سہ ماشہ تالمکھانہ نشاستہ ہر یک چہار ماشہ گوند شش ماشہ
ثعلب مصری چہار ماشہ مصطگی سہ ماشہ نبات سفید ہموزن ادویہ کوفتہ بیختہ سفوف سازند
خوراک پنج ماشہ تا ہفت ماشہ سفوف دیگر برای تقویت باہ ص پوست بیخ سنکاہولی
پوست بیخ اونٹ کٹارہ آردہ اش ہر سہ بوزن برابر دوا را در سایہ خشک کردہ جدا جدا
باریک بسایند و جامہ بیز کردہ بہم آمیزند شربت ہفت ماشہ وقت صبح یا قدری شیر گاو
سفوف برای تغلیظ منی منقول از بیاض عم مرحوم ص عاقرقرحا بیخ بند تخم کونچ گلنار تخم اوگنگ
موچرس بہوبہلی تج اندرجو شیرین تالمکھانہ سمندر سوکھہ سوصلی سیاہ موصلی سفید
سنگھاڑہ خشک مصطگی خصیۃ الثعلب کباب چینی دانۂ الایچی کلان طباشیر خارخسک از ہر یک

قرنفل چهار سرخ زعفران یک سرخ تنگ‌وف چهار سرخ دارچینی یکماشه مازو پهل چار سرخ
افیون شش برنج ورق طلا ورق نقره هفت هفت سرخ مشک یکماشه ریگ ماهی
یکماشه این همه را سفوف سازند و با یک قدح شیر فرو برند بعد چندی بجماع مشغول شوند
نهایت قوت یابد و قدری امساک خواهد آورد و چون در وقت جماع قدری سوزش سینه بهم
یک پیاله کلان شیر بخورند در تمام شب همین قسم چهار ده آثار شیر باید نوشید و هضم خواهد شد
و بیدار خواهد ماند و در جماع مشغول خواهد بود و از بیاض عم مرحوم نقل شده لیکن در تجربه
راقم نیامده است سفوف از بیاض عم مرحوم ص مغز خسته جامن مغز خسته انبه
ها تها جوڑی رسوت موچرس فوه بیس موته مغز بیل لوده گیرو کا پهل فلفل گردسندهی
صندل سرخ مازو کزنازو دهماسه گل دهاوه ملٹهی پوست درخت سانج برابر سوده بهموزن
آن شکر سفید بهامنیز ندود و درم با آب شسته برنج بخورند خون حیض و بواسیر و شکم باز دارد و
تری در فتن زرد آب و هر نوع که باشد برطرف سازد و اگر بعسل و شکر معجون سازند نیز روا است
سفوف برای رطوبت نسا مجرب است ص دهاوه خسته انبه خسته جامن یکهان
رسوت ها تین موچرس گل زعفران اتیس موته بیل گری لوده گیرو کا پهل فلفل زنجبیل
اندرجو صندل سرخ پوست کزجوانسه گل دهاوه بدهارا املٹهی ارجن برجن گل کیله گل سنبهل
برابر کوفته بیخته سفوف سازند و بعسل و آب برنج نیم درم بخورند سفوف مختصر برای رطوبت
نسا مجرب و منقول از بیاض عم مرحوم ص گل هر مهری کهربا هر یک پنج درم سابیده نگاهدارند
بوزن نیم ماشه بازردی تخم مرغ نیم برشت هر دو وقت بخورند سفوف امیران از حکیم علی برای
اندمال قرحه سوزاک بسیار نافع و مکرر تجربه درآمده ص طباشیر سفید کبریت زرد دو درم مغز تخم
خیارین چهار درم تخم خرفه نیم مثقال صمغ عربی دانگ کتیرا دانگ امیران چینی دانگ گلنار
یکنیم دانگ زرشک بیدانه افیون زراوند مدحرج از هر یک دو دانگ کنجد سفید مقشر مثقال
شکر سفید چهارده درم کوفته بیخته سفوف سازند خوراک یکمثقال با آب تازه یا ادویه مناسبه

مجرب از اطبای هند منقول از ترجمه ماهیر جهت درد پشت و درد رمنی و تقویت انعاظ و سستی
آلات تناسل ص فوفل هفت مثقال و نیم صلایه کرده در سفال آب ندیده و پاک دار چینی
هفت مثقال و نیم بدستور کوفته بیخته اضافه نمایند و بر روی آتش نرم گذاشته تا چهار حد تخم
مرغ بقدر آنکه معجون شود مغز پسته دو مثقال و نیم نبات سفید هشتاد و دو درم کوفته بآن مخلوط
نمایند و مجموع را در یکروز بخوانند سفوف دیگر که در امر قوت باه و امساک مجرب نوشته اند ص
بگیرند یک سیر دار فلفل را در سی سیر گاو بجوشانند تا تمام شیر را در خورد بعد از ان خشک کنند
و تا سه بار چنین کنند پس خشک کرده با دو وزن آن نبات سفید کوفته در هم کرده نگاهدارند
دهر روز صبح ناشتا بخورند پنجدرم سفوف دیگر بجهت قوه باه و امساک منی مجرب مفید
ص جوز بوا نیم کوفته در آب پوست خشخاش هفت مرتبه پرورده کنند و هر مرتبه خشک کرده
باز آب پوست تازه بر روی آن کرده خشک کنند تا هفت مرتبه تمام شود پس قرنفل زنجبیل
دار فلفل شکر طبرزد تخم و گل بنفشه که آنرا هندی گابجه گویند جوز پرورده اجزاء مساوی کوفته
بیخته اول مقدار یکدرم در وقت عشا بخورند و بعد از ان هر روز مقدار موافق و اگر حب بسته
استعمال نمایند هم رواست و اگر چرس عوض گابجه نمایند اولی خواهد بود سفوف که شهوت
باه بیفزاید و بلغم دفع کند گرده را قوت دهد و صحت بدن افزاید و اشتها زیاده کند و منافع بسیار
دارد مختصر کرده شد ص زنجبیل دار فلفل فلفل تخم کرفس نمک طبرزد نمک حوا اکهار زیره سفید از هریک
چهار درم قرنفل انار دانه از هریک هشت درم تخم اونگن پاک کرده چهل درم اسگند یکصد
و بیست درم حلتیت یکدرم ادویه کوفته بیخته نگاهدارند و هر روز پنجدرم ازین سفوف ده درم
زنجبیل در دو سیر شیر گاو خام اندازند و صبح ناشتا بخورند و شکر سرخ بخورند سفوف که منی را
خشک کند ص تخم سداب انیسون از هریک یکدرم بزر البنج سفید چهل دستر از هریک پانزده درم
گل سرخ گلنار از هریک سه درم کوفته بیخته سفوف سازند شربت دو درم بآب سرد و سرکه
و یا دوغ ترش بکار برند سفوف کیمیای عشره ص نکچنی سه سرخ کابچل شنگرف

روز چهارم آبکیه برنج سرخ که آنرا اهل هند ساتھی گویند قدر دو سه دام دران تر کرده باشند بخورند
روز پنجم و ششم نیز همراه همین آب برنج باید خورد و غذا درین اشنا رود و دو سه روز هم بی نمک
و بی شیرینی بخورند سفوف در کشادن بول بسته از مجربات است ص شوره قلمی خرد
هر یک نیم دام بخته سحق کرده با آب ناشتا بخورند و در طب فرشته نوشته که اکبر بادشاه را اول سبز
شده بود بهیچ دوا نمی کشود آخر حکیم مصری سه تولہ شوره قلمی در آب حل کرده داد و لبفاصله دو
دو تولہ دیگر داد حق تعالی شفا بخشید سفوف برای اصلاح منی مجرب بعضی اطبا است ص
شفا قل مصری تعلب مصری مصطگی رومی دارچینی صوتی غسلوچین گجراتی بج نو و خوب تالمکنا
گوکهرو سپستان سنگهاڑه خشک از هر یک یکدرم مصری سه دام همه را کوفته بخته بوزن برابر
چهارده پوڑی بسته هر روز یک پڑی با شیر تازه ماده گاو بخورند و از ترشی و جماع پرهیز نماید سفوف
سفید از برای قوت باه و در نهایت نفع است ص بگیرند خسک خشک و آن را کوبیده
در آب خسک تر تر نمایند و در آب خشک سازند و این کار را مکرر کنند تا آنکه سه وزن خشک
خسک آب خسک تر بآن بخورانند و خشک نمایند پس بگیرند ازان خسک مرلی یک جزو
وارعاقرقرحا ربع جزو نبات سفید مثل مجموع و همه را کوفته بخته چهار درم ازان بخورند سفوف
برای منع سیلان رطوبت رحم بسیار موثر ص خسته تمر هندی را در آب تر نمایند تا
قوت وی در آب بیاید آنوقت خسته تمر هندی را انتشر نموده باز در آب مذکور تر نمایند تا
آنکه آب بخورند و خشک شود بعد ازان برگرفته باریک سائیده همونن آن مغز تخم درخت
آزاد یعنی مغز تخم بکاین و صندل سفید آمیخته برابر جمیع نبات انداخته سفوف سازند نیز
او قیه با آب بخورند سفوف دیگر از بیاض عم مرحوم حیض مفرط باز دارد ص سپاری چهار
دو درم برگ بانسه دو درم فیروزه درم باریک سائیده بقدر مناسب وقت خفتن که معده
خالی باشد بخورند سفوف دیگر برای قوت باه مجرب است ص تخم جبر جیر تخم خربوزه
تخم تره اجزا مساوی کوفته بخته سه درم ازان یک اوقیه شیر تازه بخورند سفوف

ص ست سلاجیت آفتابی یک تولہ موصلی سیاہ و سفید آملہ ہر یک نیم تولہ جلیلی چہار ماشہ بیخ
نیم ماشہ کوفتہ بیختہ سفوف ساختہ ہفت ماشہ با شیرہ تخم خیارین بخورند سفوف برای اسقاط
داہوار از مجربات عم مرحوم منقول شدہ ص سداب قرماناابہل از ہر یکدہ درم مرپنجدرم شربت
ثلث درم سفوف کہ قطع شہوت جماع از رجال و نساء کند ص شہدانج تخم خرفہ تخم کاہو
فنجنگشت از ہر یک یکمجز و نیلوفر دہ جزو شربت سہ درم با شیرہ تخم خرفہ سفوف از ذخیرہ خون ایدن رحم
و مقعد باز دارد ص کشنیز بریان ساق پاک کردہ جند بیدستر صدف سوختہ کہربالسد ہر یکدہ درم
نارو بی سوراخ بلوط بریان قرنفل گلنار از ہر یک پنجدرم شربت دو درم بآب سرد سفوف
کہ بادہای رحم را ببرد و زنان آبستن را سود دہد و معدہ و جگر را قوت دہد ص پودینہ تخم بادیان
ہر یک یکدرم و نیم مروارید عاقرقرحا ہر یکدو درم زرنباد درونج تخم کرفس و ج جوز بوا دار فلفل
دارچینی خیر بوا ہر یک سہ درم زنجبیل مصطگی ہر یک پنجدرم شکر ہم چندا دویہ شربت دو درم تا
سہ درم سفوف از بقائی برای جریان منی و سوزاک قدیم و جدید بسیار مفید نوشتہ ص ست گلو
ست سلاجیت الایچی خورد یکمان بید نا لمکمانہ قلعی کشتہ نبسلوچن ہر یک یکدام نبات سفید
برابر ہمہ کوفتہ بیختہ ہر روز نہ ماشہ تا یک تولہ بخورند سفوف برای جریان منی از بقائی ص
بیخ بند سیاہ تخم ہلیلہ ہر یک سہ درم گوکھرو تا لمکمانہ اندرجو شیرین ہر یک شش درم بسوزہ
بست دام کوفتہ شکر تری آمیختہ ہر روز یک تولہ بآب سرد بخورند سفوف جہت بند کشادہ
ص چہال ڈہاک چہال سولسری چہال گولر گویند سینبل موصلہ سینبل قوہ گویند بول گویند
ڈہاک گویند گولر تخم دبریان ہمہ برابر کوفتہ خوراک کامل آن ہفت درم است سفوف جہت
سوزاک قدیم و جریان ریم از بقای ص سلاجیت ست گلو تازہ الایچی کلان تواکیر
کنہ سفید بسوزہ خس ہمہ برابر کوفتہ بیختہ یک ٹانک بہ ہند سفوف جہت سوزاک و سیلان
جرک مجرب است و تخلف ندارد ص شورہ قلمی دانہ الایچی کلان ہر یک بست و یکماشہ
باریک ساختہ شش حصہ کنند و تا سہ روز ہمراہ آب یک حصہ صبح و یک حصہ شام بخورند

مغز تخم کدو شیر تخم خشخاش سفید تخم خشخاش سیاه صمغ بادام کتیرا انشاسته تخم خرفه مقشر تخم خبازی تخم
خطمی لک مغسول ریوند چینی از هر یک پنجدرم طین ارمنی ده درم حب الصنوبر مقشر مزرکتان و
بزرکانج جبلی از هر یک سه درم رب السوس بآب سوده از هر یک بیست درم کوفته بیخته
بیست درم بزرقطونا داخل کرده نگاهدارند و پنجدرم آنرا با ماء الشکر یا جلاب شکری یا ماء الشعیر
شیرین کرده بدهند سفوف **ملخم** قروح کلیه منقول از کتاب مسطور **ص** طین مختوم طین
قبرسی طین تیمولیا مغسول از هر یک سه درم طباشیر سفید صمغ عربی نشاسته کتیرا از هر یک
یکدرم بارتنگ سه درم بسد کهر باشاخ گوزن سوخته از هر یک درم ونیم سوای بارتنگ که دو برابر
کوفته بیخته بارتنگ داخل کرده دو درم آنرا در خشخاش بارب سیب بدهند **سفوف** برای
تقویت گرده ومثانه که والد ماجد جهت راقم تالیف فرموده بودند **ص** گویند کتیرا طباشیر سفید
گل ارمنی گل قبرسی گل مختوم صندل سفید گلنار اقاقیا بسد سائیده رب السوس گل سرخ
شاه بنج عدسی مغسول خرفه مقشر خارخسک پرورده ست گلوست سلاجیت قلعی کشته
مروارید از هر یک دو ماشه تخم خشخاش مغز تخم خیارین هر یک چهار ماشه لسباسه مغز تخم کدو
مغز بادام مغز فندق مغز چلغوزه موچرس از هر یک سه ماشه کوفته بیخته سفوف سازند سفوف
حنین جهت سرعت انزال که سبب آن حرارت باشد نظیر ندارد **ص** بزرقطونا دو درم
تخم خرفه سه درم کشنیز یکدرم ونیم شربت یک مثقال ناشتا بخورند **سفوف** برای قرحه
بمجربه درآمده **ص** طباشیر سفید چهار ماشه دانه الایچی خورد ست گلوکبابه چینی از هر یک دو ماشه
قلعی کشته نیم ماشه ست سلاجیت آفتابی سه ماشه کوفته بیخته سفوف ساخته با شیره تخم
خیارین میخورده باشند همه یکخوراک است همین طور هفت روز باید خورد **سفوف**
دیگر جهت قرحه سوزاک مجرب است **ص** قلعی کشته دانه الایچی خورد طباشیر سفید کبابه چینی
هر واحد دو ماشه کوفته بیخته سفوف سازند روز اول یکماشه روز دوم یکنیم ماشه روز
سوم دو ماشه باقدری آب یا شیره ادویه مدره **سفوف** برای قرحه سوزاک تالیف جدا

کوفته بیخته سفوف سازند شربت سه درم بانفنج یا طلا سفوف که جهت جرب کلیه بعد از استفراغ
وقی بکار آید ص رب السوس چهار دانگ نشاسته صمغ عربی کتیرا خشخاش سفید نربا البنج سفید
دو درم مغز تخم خیار بادرنگ مغز تخم خربوزه هر یک پنج درم تخم خرفه ده درم کوفته بیخته بزر قطونا
ده درم اضافه کنند شربت هر صبح سه درم با طبیخ شاهتره و شربت انجیر سفوف بعد انفجار ورم
کرده و شانه هر گاه ریم باز ایستد جهت کشادن بکار آید ص رازیانه انیسون هر یک یکدرم تخم
سرشف راسن خشک هر یک یکدرم و نیم تخم انیسون تخم کرفس هر یکدو درم فطر اسالیون سه
درم شربت دو درم صبح دو درم شام سفوف جهت قرحه مزمن که با چرک و با او تقطیر البول
و سلسل البول نیز نافع بود و جهت دزو رمنی نافع بود و صاحب تحفه گفته که در امراض مذکور
چند مرتبه تجربه رسیده و موثر افتاده ص گل ارمنی کشنیز خشک صمغ عربی تخم حماض بود اده
کندر دکر هر یکدو درم بلوط بود اده پانزده درم شربت دو مثقال با آب سرد در ایام استعمال
این سفوف از آب اجتناب نمایند سفوف که تفیت حصات کند و جهت محرورین و صفاویان
جگر گرم نافعست ص صمغ آلو تخم کاسنی هر یک نیم جزو مغز تخم خربوزه مغز تخم خیار هر یک جزوی و
شربت دو مثقال با یک اوقیه سکنجبین سفوف که حکیم علی در شرح مفردات جهت حصاة
المجربات نوشته ص زرق الحمام دو درم دارچینی سه درم کوفته بیخته بخورند و همچنین کبوتر را
اگر بجای دانه تخم کتان بدهند و سفوف از رق آن کنند حصاة را پاره پاره کند سفوف
که چکیدن بول بی مراد و سیلان منی بی اراده باز دارد و اصلاح حال شانه نماید ص گل سرخ
گلنار از هر یک پنج درم سماق تخم کرفس تخم خشخاش کوگ تخم سداب از هر یک سه درم انیسون نربا البنج
دو درم بلوط کندر سه درم هلیله دو درم سعد سه درم زیره دو درم خرفه چهار درم کوفته بیخته برابر
آن فایند آمیخته مرتب سازند از پنج درم تا هفت درم بخورند سفوف لک یا ریوند به نسخه
عیسی بن یحیی از برای قروح کلیه شیخ رئیس گفته که سفوف لک با ریوند و بزرگ کنج خصوص
جلب آن قوی است در علاج قروح کلیه ص مغز تخم خربوزه مغز تخم خیارین مغز تخم خیار بادر

نشاسته کتیرا از هریک سه درم حجر الیهود شش درم قند سفید هشتاد و هشت درم کوفته بیخته دو درم باب نخود سیاه بخورند سفوف که بول براند و حرقت بول و سوزش مثانه را نافع بود ص مغز تخم خیارین مغز تخم کدو شیرین تخم خرفه خشخاش نشاسته کتیرا ارب السوس از هریک سه درم بزر البنج دو درم قند سفید برابر ادویه شربت سه درم باب خشخاش بنوشند سفوف جهت تفتیت و اخراج حصات مجرب است ص خاکستر بیخ کرنب بنطی خاکستر پوست بیضه مرغ که چوجه برآورده باشد حجر الیهود نرم ماده سائیده مثل غبار ساخته با خاکستر بابیخته آمیخته قدر یک ملعقه لشبراب خسک یا آب خسک تازه بخورند سفوف دیگر ص شاه بیخ مغسول دم الاخوین بسد کهربا گلنار شب یمانی تخم خرفه گل ارمنی گل قبرسی بالسویه کوفته بیخته باب سماق بخورند سفوف ماسک البول جهت سلسل بول بلا حرقت و بول در فراش و کثرة آن نافع بود ص گلنار گزنبارج هریک پنجدرم کتیرا خشک بیان صمغ عربی گل ارمنی هریک ده درم کندر سی درم بلوط پنجاه درم کوفته بیخته باب جالینوس بخورند سفوف که ذیابیطس را نافع است ص صندل سفید یکدرم نشاسته کتیرا تخم کاهو تخم خرفه هریک سه درم صمغ عربی گل ارمنی گلنار سماق بلوط هریک پنجدرم کوفته بیخته مرتب سازند همراه بعضی اشیاء که جالع قبض و حموضت باشد استعمال کنند سفوف مدر رمل از مختار اصل هیل ص مغز تخم خربوزه تخم خیازی تخم کرفس از یانه هریک یکجزو مغز بادام حب البان بیخ عقیق بیخ کاکنج حب بلسان دوقو فقاح اذخر نانخواه برگ سندس فلفل گل سرخ سعد هریک نیم جزو کوفته بیخته سفوف سازند سه درم یا کم ازان با طبیخ برسیاوشان بخورند سفوف جهت قرحه مثانه ص سومیائی کانی دو دانگ م الاخوین شاه بیخ مغسول نشاسته تخم کرفس هریک پنجدرم صمغ عربی یکدرم کاکنج دو درم سفوف سازند شربت یکدرم و نیم با شراب خشخاش سفوف جهت قرحه مثانه و جرب آن و بجمیع امراض مسطور مفید ص ریوند چینی یکدرم صمغ عربی گلنار افیون کتیرا هریکدو درم تخم خرفه سه درم زرشک بیدانه هفت درم کبریت زرد طباشیر تخم خیارین هریکدو درم کنجد سفید پانزده درم شکر طبرزد سی درم

بنجر بر راقم نیز آمده **سفوف** سعد جهت اسهال صبیان مجرب است **ص** سعد کندر حب الآس
خشخاش بالسویه کوفته بیخته با شیر مرضعه بنوشانند **سفوف** جهت اسهال فائده عظیم دارد **ص**
ورق قنب بریان زنجبیل نیم برشته دارفلفل از هریک نیم مثقال مصطگی رومی انار دانه بریان
کشنیز خشک بریان از هریک چهار دانگ صمغ عربی یکدانگ پوست خشخاش بوداده
یک مثقال و یک دانگ کوفته بیخته هر روز یکدرم ازان با آب سرد بخورند **سفوف** لولوئی از
علویخان مغز الیه نوشته که بجهت خود در اسهال دموی بواسیری و حرارت کبد و حمی و تهیج پاها
و خفقان و نفخه مراق ترتیب داده و منافع بسیار مشاهده نمودم **ص** مروارید ناسفته لیث سبز
زهر مهره خطائی از هریک یکمثقال ورق طلا عنبر اشهب از هریک یکدانگ و نیم ورق نقره
یکمثقال و یکدانگ و نیم صندل سفید ابریشم متقرض طباشیر سفید پوست بیرون پسته دانه هیل
بریان کشنیز خشک بریان بادیان بریان آمله مقشر هلیله سیاه در روغن گاو بریان کرده از هریک
یکمثقال و نیم زرشک منقی سماق منقی انار دانه دار چینی از هریک یکمثقال مصطگی رومی مثقال
کوفته بیخته سفوف سازند **سفوف** از جمع الجوامع مسهل سوداء و بلغم غلیظ و مجرب است و بیحد
وجه غائله ندارد **ص** تربد سفید مجوف تراشیده و بروغن بادام شیرین چرب نموده پوست هلیله
سنا کی از هریک یکدرم زنجبیل یک دانگ فضی خاریقون تازه بیس سفید ریوند چینی اسفاناج
اسطوخودوس افتیمون افرنطی غنچه گل سرخ کتیرا از هریک دو دانگ فضی نبات سفید دو درم کوفته
بیخته بروغن بادام دو درم چرب نموده از دو درم تا مثقال بخورند بعد ازان آب نیمگرم بنوشند
سفوف حجر الیهود سنگ گرده و مثانه را پاک کند و پاره پاره کرده بیرون آورد **ص** مغز
تخم خیارین مغز تخم خربوزه مغز تخم کدو از هریک پنجدرم خسک مربی چهار درم حجر الیهود حب قلعت
از هریک سه درم تخم کرفس سیسالیوس فطر اسالیون از هریک یکدرمی صمغ عربی کتیرا از هریک مثقال
کوفته بیخته دو درم با شراب خسک بخورند **سفوف** حجر الیهود به نسخه دیگر **ص** تخم قلعت پانزده
درم مغز تخم خربوزه مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از هریک چهار درم و نیم سیسالیوس دو درم صمغ عربی

بیخته حسب حاجت بدهند و در گرما با آب سرد یا با آب گرم سفوف تربد که شکم براند و معده را
قوت دهد ص سنا مکی انار دانه هر یک شش درم زنجبیل هندی تربد سفید بادیان هر یکدو درم
کوفته بیخته وقت خواب و مثقال آب گرم دو نیم مثقال وقت صبح بخورند سفوف که جهت زلق الاسعار
مجرب است ص هلیله سیاه بلیله آمله هر سه برابر برو غن زیت سرشته هر یک پنجدرم زیره کرمانی
مدبر حب ارشاد بریان هر یک هفتدرم تخم کرفس انیسون سکنجبین خشک کرده و بوداده هر یک
چهار درم مصطگی قرنفل قاقله عود هندی سنبل الطیب هر یکدو درم سعد سه درم صبح و شام دو
نخورند سفوف اسوقه اسهال معدی و معوی باز دارد ص سویق جو شویق سماق حب آلاس سویق
تفاح سفرجل سویق خرنوب شامی سویق نبق سویق بلوط سویق انبر باریس کعک شامی جمله
یکجا کرده اجتماع کنند لهذا این دوا را قمحه الاسوقه گویند و فرق در قمحه و سفوف آن است که
انچه مدقوق ساخته و با آب و مانند ان انداخته نبوشند آنرا قمحه گویند کما هو المتعارف فی السویق
و انچه خشک در دهان اندازند و با آب آنچه افوه بریده آنرا و در بینداز آنرا سفوف نامند و گاهی بر سبیل مجاز اطلاق
یکی بر دیگر میکنند سفوف جهت اسهال اطفال مجرب است و غیر اطفال را نیز نافع بود ص
طباشیر انار دانه بوداده لبسیار نرم صلایه کرده صمغ عربی کتیرا مصطگی تخم مورد گل سرخ گل ارمنی
بالسویه سفوف کنند و در اطفال نیم مثقال صباح و نیم مثقال شب با رب به یا شربت سیب تر تر
بدهند سفوف جهت اسهال مزاری مزمنه و بواسیری و نواصیری حار الغایت نافعست و
مجرب نوشته اند ص گل سرخ صمغ عربی بریان سماق بهدانه هر یک دو مثقال گل ارمنی انار دانه
بریان دانه انگور که در سرکه پرورده باشند و بریان هر یک پنج مثقال طباشیر سفید گل مختوم گل
و اغستانی هر یکدو مثقال مصطگی رومی عود قماری هر یک یکمثقال شربت دو مثقال انار یا رب مشابه سفوف
یتواج جهت اسهال بواسیری مجرب است ص تواج خطائی نیم مثقال نیلوفر یکمثقال باعرف
بارتنگ سبز یا ماست بخورند سفوف که رفتن خون بواسیر باز دارد و درین باب مجرب نوشته اند
ص مغز بنولی دو ماشه حضض یکی یکماشه شکر تری سه ماشه سفوف ساخته با آب گرم بخورانند

فانید سبزی بگیرد و انیمه را سفوف کنند شربت پنجدرم جهت این امراض کمونی و فلافلی و مرج مربی
نیز نافع است سفوف که خروج غائط بی ارادہ را مفید است بعد تنقیه بکار برند ص
گزنابج افسنتین ایرسا سعد هر یک یکدرم نانخواه زیره کرمانی گل سرخ تودری نارمشک بوزیدان
هر یکدو درم مصطگی طالیسفر سعتر فارسی زوفای خشک هر یک سه درم بکوبند و بپزند و برابر همه
هلیله کابلی منحول بیامیزند و مثل جمع شکر طبرزد منضم ساخته یکدرم صبح و یکدرم شام بدهند و از
استحمام و نخفتن آب گرم بر معده و امعاء پرهیز کنند و اگر سبب این اخلاط سوداوی باشد
افتیمون یکدرم اضافه کنند و یکدرم و نیم ناشتا فقط بدهند و صاحب شفاء الاسقام و سمر قندی
نوشته که بریان کردن او در سه جا برای دو غرض میباشد یکی آنکه اگر از جمله بزور بغایت عود نماید
دران پدید آید دوم آنکه اگر کشتر از رطوبت نبود یک گونه تجفیف در و حادث گردد و چون
بعضی ادویه که سعر ازین دو غرض اند حاجت به بودادن آنها رانیست و گل ارمنی لبسیار
باریک بسایند تا بزودی از موضع سجح برود و بخلاف صمغ که آن لبسیار باریک نباید ساخت
تا شدید الالصاق بود سفوف که اسهال را باز دارد و اشتهار رفته را باز آرد ص بریان
چون سرمه باریک کرده کرویا در سرکه تر کرده و بریان نموده کشنیز خشک در سرکه تر کرده بریان
نموده هر یک بست درم خرنوب نبطی سماق پاک کرده گزنابج گلنار هر یکده درم کوفته بیخته
شربت یک نیم درم با شراب مورد یا رب به سفوف قشر الرمان که عند الافراط اسهال و
افراط عمل مسهل بدهند فوراً باز میدارد ص پوست انار باز و هر یک یکدرم کعک و درم
کندر نیمدرم بزر البنج ربع درم افیون دانگی و این یک شربت است کامل قوی مزاج را
با بیبه استعمال نمایند سفوف اقماع الرمان جهت اسهال مفرط کهنه نفع کثیر دارد و بسی
عجیب است و مراد او از اقماع در اینجا گل انار است ص گلنار شب بمانی سماق بلوط
خرنوب سوک آرد کنار تخم مورد انار دانه ترش قسط بزر البنج سفید گزنابج وطراثیت طلق کشته
کشنیز بریان دانه انگور بریان پوست انار سرمه افتیمون مازو جمله برابر نخود بریان همچیده کوفته

خروج غائط بی ارادہ

بریان حب الرشاد بریان تخم حماض بریان ازین هم تخم ها را درست دارند صمغ عربی بریان
طباشیر گل ارمنی گل قبرسی گل مختوم بل شیرین حب الآس پوست بیرون پسته سوخته
پوست اندرون پسته سوخته خسته خربادانه موبزدانه انبار بارلیس عفص سبز پوست انار این جفت بلوط شاه بلوط خرنوب
شامی خرنوب بنطی شاخ گاو کوهی و شاخ بز کوهی کهربا سوخته مروارید ناسفته سوخته مرجان
سوخته جزر السرو سوخته پوست گردگان سوخته نشاسته پست کنار آرد نخود گزنارج خسته
کنار سوخته قسط گلنار تخم خبازی تخم خطمی اندکی بریان نمایند اقاقیا سک را یک صندل سائیده
و خشک کرده پوست خشخاش زیره کرمانی یک شبانروز در سرکه خیسانیده و بریان نموده
دم الاخوین بیخ انجبار تخم نوزک بریان هر یک جزوی خسته جامن سوخته
خسته انبه سوخته هر یک دو جزو اندکی همه را کوفته بیخته با تخم ها آمیخته سفوف سازند هر روز
دو درم تا دو مثقال با آب سرد بخورند **سفوف** مخرج جهت اسهال و خون بواسیر و غیر آن
مجرب نوشته اند ص نشاسته بریان گل ارمنی تخم کل صمغ بریان فوفل شاخ گوزن
سوخته پوست تخم مرغ پوست گلنار دم الاخوین تخم ریحان بریان باز تنگ زیره بریان
جفت بلوط گل سرخ بسباسه هر یک نیم ماشه پوست بیرون پسته عود غرقی طباشیر سفید
حب الآس کشنیز خشک مغز بیخ انجبار و لاتی هر یک یک ماشه کهربا انار دانه بریان مروارید
بسد شاد بیخ هر یک دو ماشه کوفته بیخته سفوف سازند **سفوف** مقوی که در اسهال سودا و
بعد وضع محاجم بر طحال بکار آید و از مخرجات رئیس است ص بهمن سرخ بریان کرده
زرد بناد بریان تخم سداب تخم شاهتره هر یک یکدرم انار دانه یازده درم کوفته بیخته سفوف
سازند شربت سه درم **سفوف** که اسهال معدی را نافع بود از بقائی ص کرویا کزنارج
حب الآس طراثیث طباشیر تخم کشنیز بریان هر یک سه مثقال خرنوب آرد کنار سماق
هر یک پنج مثقال کوفته بیخته هر روز دو مثقال با رب به آمیخته بخورند **سفوف** که خروج
ریح بی اراده را فائده بخشد ص زیره نانخواه کاشم کرویا هر یک جزوی افیون دو جزو

باشد ص بزر قطونا تخم ریحان تخم مرو نشاسته تخم حماض بری بریان کرده صمغ عربی گل ارمنی
طباشیر مساوی کوفته بیخته از سه تخم اول در یکدیگر بیامیزند و شربت سه درم روغن بادام با روغن
چرب کرده همراه گلاب یا با دویه و عرقهای مناسبه بخورند سفوف این ماسویه جهت زحیر و وجع
امعاء و مجرا نافع است ص تخم خطمی و خبازی منقشر از هریک پنجدرم نشاسته بریان سه درم
صمغ عربی گل ارمنی از هریک دو درم کوفته بیخته سه درم شام بابی که طباشیر و گل ارمنی
و صمغ عربی در آن منقوع باشد بخورند سفوف که در یکساعت شکم به بندد ص شاه بلوط سه درم
مازو پوست انار از هریک چهار درم سماق شش درم حب الآس هفت درم کوفته بیخته دو درم
با آب سرد بخورند سفوف که نافعست از جهت اسهال کبادسرفه بود ص حب الآس شاه بلوط
خرنوب خشخاش از هریکدو درم صمغ عربی یکدرم کوفته بیخته سفوف سازند شربت سه درم سفوف
که همین نفع دارد ص صمغ عربی طباشیر گل ارمنی حب الآس از هریک چهار درم بر سیاوشان
کندر از هریک یکدرم خرنوب شامی مقل یکی اشق از هریک سه درم کوفته بیخته بشراب خشخاش
بدهند سفوف بلوط معده را قوت دهد و اسهال را باز دارد ص شاه بلوط یکدانه مویز آردکنار
از هریکدو درم خرنوب نبطی حب الآس از هریک بیست درم کوفته بیخته سفوف سازند شربت
سه مثقال سفوف هندی برای بواسیر خونی و بادی مفید است ص تخم بکاین خشک
رسوت نگرکوٹ هلیلهٔ سیاه هریک یکدانم کوفته سفوف سازند دو پاشته یاشش پاشه با آب بخورند
و بعد ازان قدری قدری نخود برشته بخورند غذا مرغن بی نمک یا کم نمک و دال یا خشکه
و بعضی حب بسته بقدر نخودی صبح و یکی شام استعمال نمایند منقول از بیاض عم مرحوم
سفوف سنا از بقای اخراج اخلاط ثلثه و وجع شکم و قولنج کند و کرم بکشد ص سنا یکی
زنجبیل پوست هلیلهٔ زرد نمک سیاه هریک مساوی کوفته بیخته از هفت پاشه تا یک
تولهٔ با آب گرم بخورانند و با طفل موافق سن ایشان باید داد سفوف حابس اسهال و موی
و غیر دموی و دیرینه باب مجرب است ص بار تنگ بریان نیکو بریان تخم ریحان مردار سنگ

صاحب قلانسی نسخهٔ سفوف مسطور همین را اختیار کرده کما یظهر من کلامه تا اینجا عبارت صاحب قادری است راقم گوید قول این بزرگ که کهربا علی الاصح معدنی است مخالف کتب معتبره مثل جامع بغدادی و جامع ابن بیطار و شروح قانون و جز آن قول بسیار ضعیف را صحیح نوشته از برای تصحیح قول شیخ مرتکب توجیه ضعیف گردیده حالانکه بدون ارتکاب تکلیف قول شیخ درست نیست زیرا که لک از عیدان می گیرند و برای اضافه این قدر کفایت می کند کما لا یخفی علی الطبیب و در علاج الامراض حاشیه منیهٔ آن زیاده ازین تفصیل نوشته ام سفوف جهت سبز منقول است در تذکره و در یک هفته زائل میکند مرض را ص مرجان سوخته کثیر ادو دانگ بخورند و همچنین شکنبه یک مثقال عرق بهار چهار مثقال مرجان دو دانگ تا یک هفته مداومت نمایند سفوف مقلیا ثابواسیر و مفاصل و اسهال کهنه و زحیر و ضعف معده و مغص معده را نافع بود ص تخم ترهٔ تیزک هشت درم زیرهٔ کرمانی هشت درم در سرکه خیسانیده و خشک کرده زنجبر بریان یکمثقال بزرگتان تخم گندنا ملیلهٔ سیاه بروغن زیت بریان کرده از هریکدو مثقال مصطگی یکمثقال غیر از تخم ترهٔ تیزک مجموع را کوفته بیخته مرتب سازند سفوف یهودی از جهت زحیر مجرب است اسهال کهنه را بند کند ص تخم ترهٔ تیزک بریان کرده بزرقطونا بریان کرده اهلیله بریان کرده از هریکدو درم زیرهٔ کرمانی تخم گندنا تخم شبت خشخاش انیسون بزرالبنج از هریکدو درم و نیم افیون سه درم و دانگی کوفته بیخته سفوف سازند شربت دو درم در کتب نوشته اند لیکن در استعمال راقم از دو سرخ تا چهار سرخ در آمده است افیونی را یکماشه و یکنیم ماشه توان داد و بعد دریافت سازش سفوف زیادتی مقدار مفوض برای طبیب است سفوف برای اسهال مجرب است خصوص بحیث افیونی که علاج آن دشوار است ص گل دهاوه رال هردو را سائیده بادوغ که آهن داغ کرده باشند بخورند سفوف برای اسهال خون ص صمغ عربی کثیر اسنگ جراحت از هریک یکماشه برب به یا برب ریباس بخورند سفوف الطین و سفوف النساء نیز خوانند اسهال مزاری و دموی را نافع

جهت اسهال مفوض افیونی یا مفید

سفوف کهبت سبز مجرب است ص زوفا خشک پوست بیخ کبر عنب الثعلب برسیاوشان
تخم فنجنگشت تخم سداب بالسویه شربت دو درم با نخبین سفوف که در یرقان سدی بکار آید
ومجرب نوشته اند ص کبریت زرد نیم مثقال افتیمون تخم کرفس جلی تخم دسیاه کندر سفید بلده
درم مغز جلغوزه سه درم مویز منقی پنجدرم همه اجزا را کوفته بیخته یکدرم و نیم با آب ازیانه بخورند سفوف که مخصوص
بجگر است و در تقویت وی کامل ترص گل سرخ سه درم زرشک منقی لک مغسول هریک
یکدرم ونیم فوه طباشیر صندل سفید نشاسته سمغ عربی هریک یکدرم ریوند چینی نیم مثقال تخم حماض
یکمثقال زعفران دو دانگ کوفته بیخته سفوف سازند عادهٔ جگر را قوت وهد وخمار وی
زائل کند ورخاوت ورطوبت معده را سود مند بود سفوف لک مغسول حب لاس
بلوط مصطگی مازو عود بلسان پوست انار هریک یکجزو زنجبیل کندر هریک نیم جزو قند سفید
دوچند همه شربت از دو درم تا سه درم و باید که تا یک هفته بدهند وهم وقت صبح وهم وقت
خواب گوشت درین اثناء ترک کنند و در قانون وزن قند نیز همراه لک وغیره که هم وزنند
اگر هر واحد ازان مثلا یک درم باشد هریکیک درم باید گرفت و وزن او که مضاعف
مرقوم شد مختار صاحب ذخیره است و وی عوض لک از نسخهٔ مسطور عیدان اللک نوشته
و بدانند که شیخ در قانون لک عیدان مرقوم نموده است و اکثر اطبا را از لفظ لک اراده
کرده اند و اضافهٔ وی بعید آن در کلام ایشان آمده است جهت رفع التباس چه لک را
بعضی از جمله کهربا میدانند و تحقیق غیر آن است بدانکه لک نباتی است لهذا بعیدان
مضاف شده و کهربا علی الاصح معدنی است و صاحب ذخیره لک عیدان را که در قانون
مسطور نموده عیدان لک تفسیر کرده بلحاظ تقدیم مضاف الیه بر مضاف و عجب نیست
که حین ترجمه کلام یونانی برعایت هر کلمه در مجلس از شرح جم اول چنین رفته و تقدیم مضاف الیه
بر مضاف در کلام یونانیان شایع است بالجمله عمل لک وعیدان وی یعنی چوبهای او
اگرچه قریب باهم اند لیکن در تجربه این در ولیش لک نافع تر از عیدان خود است و

چهار درم بسد سوخته گلنار طباشیر سفید خرنوب بنطی گل فرسی گل ارمنی تخم گل صندل سفید بارتنگ بریان کرده تخم حماض بلوط بریان کرده تخم مورد پست کنار آرد سنجد کشنیز خشک بریان کرده سماق زرشک پست جو بریان کرده بزر قطونا بریان طراثیت بریان کرده خرفه بریان صمغ عربی بریان از هر یک سه درم گل مختوم مصطگی هر یک یکدرم انار دانه پنجدرم کهربا اقاقیا مغسول از هر یک دو درم مجموع را سوای بارتنگ و بزر قطونا کوفته بیخته سفوف سازند سفوف که حرارت بنشاند و خمار را دور گرداند و اسهال صفراوی را ساکن گرداند و کسی را که آبله برخواهد آمد سود دارد ص ورق گل سرخ ده درم طباشیر هشت درم سماق تخم حماض عدس مقشر زرشک تخم خرفه تخم کاهو خشخاش سفید از هر یک پنجدرم صندل سفید ده درم و نیم کافور یکدرم شربت سه درم با شراب غوره یا با شراب انار سفوف که نافعست از جهت یرقان و درد جگر و قی صفراوی ص لک مغسول یک مثقال طباشیر سفید ده درم زعفران یکدرم ریوند چینی دانگی و نیم کافور یک دانگ شربت دو درم با شراب تمر هندی یا شراب لوبیا شراب فواکه سفوف دیگر که درم جگر را سود دارد و بول براند ص تخم خیارین تخم خربوزه از هر یک پنجدرم تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک سه درم تخم کرفس انیسون رازیانه رب السوس از هر واحد دو درم عصاره زرشک چهار درم ریوند چینی یک مثقال لک مغسول چهار دانگ زعفران سبل مصطگی از هر یک یکدرم کافور دو دانگ شربت سه درم سفوف منقول از بیاض عم مغفور نافع از هوای امراض طحال و کبد ص تخم خبازی ده گل سرخ از هر یک پنجدرم هلیله سه درم کشنیز خشک که در سرکه تر نموده باشند تمره طرفا تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک دو درم زرشک شش درم رب السوس یکمثقال ریوند چینی یکمثقال کوفته بیخته سفوف سازند سه درم ازان بطبیخ ماء الخلاف و ماء ورق طرفا که سکنجبین در ان حل ساخته باشند بخورند سفوف که بجهت استسقاء مجرب است ص حلیلت سه درم فلفل دراز زنجبیل نانخواه هر یک شش درم پوست هلیله زرد شیطرج بهمن سفید سنا گلی هر یک سه درم کوفته بیخته سفوف سازند

عنبر اشهب و رق طلا و از هر یک شش قیراط نبات سفید بیست مثقال کوفته بخته هر روز صبح و شام
نیم نیم مثقال تناول نمایند سفوف ملح از شیخ رئیس نافع از برای وجع کبد و اوجاع مفاصل و امراض
که بوده باشد بسبب فضول ص نمک طعام یکطل نوشادر زنجبیل فلفل سیاه پودینه هر
از هر یک دو وقیه فلفل سفید سه وقیه انیسون تخم جرجیر نانخواه سنبل الطیب از هر یک یک وقیه
تخم کرفس بری یک وقیه و نیم کوفته بخته سفوف سازند دو مثقال با آب نیمگرم سفوف
وج مقوی معده و دماغ است و مانع صعود بخار از معده بدماغ و چون استعمال کرده میشود
بعد از تنقیه معده نافع سیات است که بسبب صعود ابخرهٔ بلغمیه بود ص وج ترکی زنجبیل کندر
شونیز از هر یک یکجز و کشنیز خشک چهار جز و نبات سفید هشت جزو کوفته بخته سفوف سازند
شربت دو درم ناشش درم بارب به و غذا قلیه با تومل حاره سفوف که رفع رطوبات کند مقوی
معده رطب هاضم طعام است ص دارچینی سعد کوفی عود قماری نانخواه بادیان خطائی
فلفل سیاه دارفلفل دانهٔ هیل صعتر فارسی رازیانه انیسون کشنیز خشک مقشر زیرهٔ کرمانی مدبر
زیرهٔ سبز زیرهٔ سفید مدبر زنجبیل مصطگی رومی کوفته بخته یک مثقال با عرق بادرنجبویه بیاشامند
سفوف دیگر که مداومت آن معده و دماغ را قوت دهد و تفریح آورد و دفع علل بارده
نماید و حفظ صحت کند ص مروارید سائیده کهربای شمعی ابریشم مقرض از هر یک چهار دانگ دو نخود
چینی لسباسه رازیانه مصطگی رومی انیسون زرنباد هر یک یکمثقال نبات سفید نه مثقال کوفته
بخته از دو درم تا سه درم بخورند سفوف که طبع را نرم دارد و تنقیه معده نماید و فضول را منحدر
سازد ص مصطگی تربد سفید مجوف خراشیده و بروغن بادام چرب نموده از هر یک دو درم
شکر سفید دو چند کوفته بخته چهار درم با آب گرم بخورند سفوف که درد جگر و تهیج را ببرد ص
گل سرخ هشت درم زرشک پنج درم سنبل مصطگی عصارهٔ غافث افسنتین رومی کوبیده چینی
از هر یک دو درم و نیم زعفران یکدرم شربت دو درم با سکنجبین سفوف لولوی دو سطاریا
کبدی را دور نماید و معده و جگر را قوی گرداند و حرارت و تشنگی بنشاند ص مروارید ناسفته

پنج مثقال فلفل سیاه پاوکم چهار مثقال فلفل سفید سه مثقال اذخر پاوکم دو مثقال افسنتین
سنبل الطیب حلتیت طیب کمون هر یک نیم مثقال دارچینی تخم انجدان مغز تخم معصفر
زنجبیل انیسون اصل السوس هر یک یکدرم نمک هارا در ظرف گلی انداخته در آب باران تر
ملایم بجوشانند پس در تنور نگهدارند تا منجمد شود پس بار دیگر ادویه را که کوفته بیخته باشند باب
سائیده بیامیزند واگر نوشادر کافی هم رسد همین نوشادر را بطریق مذکور صاف نمایند
شربت از یک ماشه تا دو ماشه سفوف که بجهت شاه جهان پادشاه حکماء آن زمان برای
ضعف معده واسهال داده بودند می گویند نفع بسیار بخشیده بود ص قرنفل مصطگی
عنبر الایچی خورد عود غرقی سنبل الطیب دنع سوخته گلنار فارسی مشک بسد مرجان کهربا گل سرخ
از هر یک یکماشه پوست بغزیل طباشیر از هر یک دو ماشه کوفته بیخته سفوف سازند شربت
از یکدرم تا یک مثقال سفوف مخرع قوة الحکماء رئیس الاطباء علامی فهامی حاذق الملک
حکیم اکمل خان در تقویت معده وهضم طعام وبرانگیختن اشتهاء بی نظیر است ص هلیله
زرد هلیله کابلی دانه هیل بادیان مصطگی پودینه نانخواه طباشیر شیطرج از هر یک چهار ماشه جوانه
دارچینی قرنفل پوست انرج سنبل انرج سنبل الطیب زیره سفید تیرج تج از هر یک سه ماشه
انار دانه هفت ماشه نمک لاهوری نمک سیاه هر یک یکتوله نرمه سفید شش ماشه کچری بریان
کرده هفت ماشه در آب لیمو وکهانرخود که دو سه انگشت برادویه باشد تر نمایند وخشک
ساخته سفوف سازند سفوف لولوئی از حکیم عبد الهادی حکیم مذکور گفته که مقوی معده
وکبد وقلب است ونافع از برای خفقان وضعف قلب حادث بمشارکت معده از حصول
خلط سوداوی وبلغمی بصفراء واصحاب مالیخولیا موافق ووسواس را نافع است وطعام
هضم نماید واخلاط صالح پیدا کند ص مروارید ناسفته کهربای شمعی کشنیز خشک بنفشه آمله
منقی سماق انار دانه بادرنجبویه دارچینی مصطگی دانه هیل طباشیر سعد کوفی خولنجان زرشک
مدبر در سرکه پوست انرج سادج هندی زرشک منقی بادیان هر پنج از هر یک یکمثقال مشک یک

سفوف مخرع بعضی اهل تجربه کرده امر هضم و دفع قبض مثل این کمیاب و در امر اشتهار
حکم سیماب دارد ص کهار نمک کهار نکهنی کهار ترب کهار برگ پودینه کهار کثائی جمله را
جدا جدا نمک برآورده هر پنج نمک را در عطر نانخواه که برابر مجموع باشد بسایند تا یکپاس سر
سفوف کرده نگاهدارند مقدر خوراک از نیم ماشه تا دو ماشه سفوف هندی در مجربات میرزا
صدرالدین محمد خان نقل نموده شد ص نبسلوچن هفت ماشه مرچ پلپل پیپلا مول نمک
سونجر زیره سفید جوا کهار چینیه نالیسر کشنیز جاب چوک تن تریک الایچی خورد تیج تج هر یک
هشت ماشه زنجبیل پنجاه و شش ماشه انار دانه دو صد و بیست و چهار ماشه جمله را باریک
کرده با قند یا مصری آمیخته از شش ماشه تا یک تولہ بخورند سفوف بجهت سنگرهنی منقول
از بیاض عم مرحوم ص هلیلهٔ زنگی بلیگری بادیان کوکنار رال مورپهلی اسبغول برنج کشنیز
جوزبوا اگر موتهه خسته کهه ابنه همه برابر نیم خام و نیم بخته کرده هموزن اجزاء شکر سفید آمیخته
یک چٹکی صبح و یک شام بخورند مجرب است سفوف دیگر برای اقسام سنگرهنی مجرب
نوشته اند ص موچرس مائتین گل دهاوه از هر یک یکدام مصطگی دو دام بلیگری کوکنار رال
خشک هر یک یکدام کوفته بیخته سفوف سازند یک ٹانک صبح و یک ٹانک شام بخورند غذا ابهیج ساتهی مدال
مونگ سفوف شیرین از سفوفهای هندی است و در زبان هندی مسمی به لولکا و چورن
است و در کثرت نفع نظیر ندارد اشتهار آرد و ذرب ببرد و جمی مرکبه را نافع آید اکثر تجربه استاد
راقم درآمده است ص قرنفل دانهٔ الایچی خوردنا کیسر مرچ کنکول دارچینی زنجبیل فلفل
دراز نشتر بالاخس موچهر صندل سفید اکر مکد طباشیر کنول گٹه زیرهٔ سفید زیره سیاه پنج پنج
از هر یک پنج ماشه کافور قیصوری یک ماشه نبات سفید هموزن ادویه کوفته بیخته سفوف
سازند شربت پنجاشه با آب سفوف مشهور بملح سلیمانی در تقویت معده و تحلیل طعام
و در امراض خصوص برگاه در زرده تخم مرغ انداخته بخورند بعدیل است ص نمک سانبهر
یکتولہ نمک سنگ پانزده مثقال نمک اندرانی ده مثقال نوشادر پانزده مثقال تخم کرفس

زرشک ضعف معده را نافع بود و شکم به بندد ص سماق نانخواه زنجبیل انار دانه بریان
کرده زرشک منقی آرد کنار هر یکیده درم کوفته بیخته یکمثقال بخورند و در بعضی نسخه شکر طبرزد بیست
مثقال افزوده اند سفوف سماق تشنگی بنشاند و اسهال سعدی و استرخا رمعدی و منعصر را
نافع باشد ص صمغ عربی گلنار هر یکدو درم حب الآس انار دانه بریان کرده هر یک پنجدرم
سماق ده درم خرنوب پانزده درم کوفته بیخته یکمثقال بخورند سفوف شمار که عبارت
از بادیان است غذا هضم کند و اشتها آرد و باد تحلیل کند ص زرد سه درم پوست
بیخ کبر چهار درم مصطگی تخم کشوث هر یک نیم توله بیخ کرفس شش درم گل بنفشه هفت درم
انیسون یک اوقیه بیخ سوسن دو اوقیه شمار سه اوقیه کوفته بیخته همچندی سفوف سازند
سفوف که درد معده بارد را مفید است منقول از شرح حکیم علی ص عود خام مصطگی
سنبل قاقله جوز بوا هر یک دو درم سعد انیسون تخم کرفس هر یک سه درم گل سرخ چهار درم
کوفته بیخته با شراب ریحانی و شربت سیب بخورند سفوف که شهوت کلبی را که از برودت معده
باشد سود مند بود ص عود هندی قرنفل فلفل سعد هر یک پنجدرم اشنه سنبل کندر از
هر یک یکدرم کرویا تخم کرفس هر یک یکدرم و نیم مصطگی سه درم و نیم نرم سائیده با شراب
کهنه خمیر کنند و خشک نمایند و بار دیگر سحق نموده بشراب تسقیه یک بار تا دو بار داده بکار برند
و پیش از طعام یکدرم بخورند سفوف که قی صفراوی باز دارد ص کافور پنجدانگ طباشیر
دو درم گل بنفشا پوری سه درم گل سرخ سماق هر یک پنجدرم شربت یکدرم با آب انار ترش
یا آب سیب سفوف که منع غثیان و قی محرور بن کند ص عود رومی پوست بیرون
پسته پودینه خشک هر یکدو درم گل سرخ طباشیر سفید هر یک پنجدرم زرشک سماق
انار دانه هر یک پانزده درم شربت یکمثقال با آب انار و شربت پودینه سفوف که جهت
التحام قروح بعد تنقیهٔ آن از چرک بکار آید ص گل سرخ گلنار هر یک یکدرم گل ارمنی
سه درم کندر دو درم الاخوین هر یک پنجدرم شربت از یکدرم تا دو درم با رب سیب یا رب

سازند پس سی درم اگر ازان باشد کشنیز بریان وعصارۀ زرشک انار دانہ بریان وسماق
منقی از تخم ہر یک ثلث وی کہ دہ درم است اضافہ کنند و کوفتہ بیختہ بقدر حاجت بخورند سفوف
نفاع معدہ را قوت دہد و باد دفع کند و نفخ شکم دور سازد و پیش از غذا و بعد از غذا توان خورد
ص نفع خشک ۵ درم سماق پنجدرم فلفل دو درم نمک پنجدرم کوفتہ بیختہ از یکدرم تا دو مثقال
بخورند سفوف قرنفل جہت ضعف معدہ مجرب است ص قرنفل رازیانہ از ہر یک سہ درم
انیسون مصطگی ہر یکدو درم زنجبیل نبات از ہر یک یکدرم کوفتہ بیختہ دو درم پیش از غذا بخورند
سفوف نانخواہ جہت بادہا و درد معدہ و سپرز و تقویت ہضم و رفع زحیر و نخس بخارات نفاخ
نافع بود ص نانخواہ تخم کرفس بالسویہ قند ہم چند شربت دو درم سفوف در وجہ سہوت
کہ بعد تپ ہا در ایام نقاہت افتد نافعست ص گل سرخ پنجدرم سماق دہ درم قاقلہ کبار
یکدرم کوفتہ بیختہ دو درم بخورند سفوف مرکبی معدہ را سود دہد و کرم دراز و خورد شکم را
بری آرد ص ہلیلہ کابلی برنگ مقشر ہر یکدہ درم تربد سفید سی درم فانیذ دو چندان و
شربت دو درم سفوف سینای منسوب بشیخ سینا کہ اشتہار قوی آرد و از راہ تقویت
معدہ و تجفیف رطوبات بہ نزلہ نفع دارد ص عود غرقی قرنفل ہر یکدو ماشہ نفع باد
ہر یک یکدرم شاہجہانی کوفتہ بیختہ سفوف سازند شربت ازدو ماشہ تا چہار ماشہ سفوف
جبالی کہ ببارسی سفوف البستنی گویند جہت شہوت طیب و شہوت رد بہ زنان حامل را نافع بود
ص قاقلہ خیرو اکیا بہ مساوی شکر سفید برابر ہمہ شربت دو درم باب گرم و در نسخہ بجای
کیا بہ بسباسہ است سفوف خرنوب اسہال معدی و استرخاء آن را نافع بود و تقویت
اعضا کند ص خرنوب نبطی بی دانہ زیرہ کرمانی مدبر سماق لپت کنار حب الآس مصطگی بلوط کشنیز
خشک بریان مساوی کوفتہ بیختہ بکمثقال بخورند سفوف ذرب ص تخم حماض
بید مشک بیدانہ مویز کشنیز خشک بریان گل سرخ خرنوب شاہ بلوط طباشیر ہر یک یکدرم
سماق حب الآس ہر یکدو درم انار دانہ چہار درم کوفتہ بیختہ سفوف سازند سفوف

پنجدرم عود خام نیم درم آمله منقی یکمثقال کوفته بیخته با آب به استعمال نمایند خوراک سه درم سفوف
حب لعنب شکم را به بندد و معده را قوت دهد ص دانه انگور صمغ عربی از هریک چهار درم
حب لآس سماق از هریکیده درم مصطگی گلنار از هریک یکدرم کوفته بیخته سفوف سازند
سفوف ارسطاطالیس حکیم مذکور از بهر اسکندر ساخته بود ذرب و تباهی معده و زردی
روی و وسواس و نسیان را نافع بود و طعام را هضم کند و بوی دهان خوش نماید و دل را
قوت دهد و قوت آن تا یکسال باقی می ماند و اکثر استادان این سفوف تصرف کرده اند
و تصرف شیخ داود نزدیک اقم دور از صواب است و راقم اصل نسخه کذکور یشیو بسیار فائده مشاهده
نموده ص قرفه سافج هندی عود هیل اسارون مصطگی بلیله کابلی فرنجمشک ناردمشک زیره کرمانی
دارچینی آشنه دارفلفل زنجبیل قرنفل انار دانه جوز بوا قاقله از هریک دو درم مشک عنبر هریک
یکدرم نبات سفید شش و زن ادویه کوفته بیخته سفوف سازند شربت از یکدرم تا سه درم
سفوف که فواق بلغمی را دفع کند ص تخم کرفس فطراسالیون از هریک
دو درم و نیم دو قوپوست بیرون پسته سعد انیسون پودینه اسارون قسط زیره کرمانی
از هریک سه درم مج نیم درم کوفته بیخته شربت دو درم سفوف
که شهوت رد به زنان حامله را دفع کند و معده را قوت دهد و اشتها آرد ص
زرنباد تخم کرفس نانخواه زیره کرمانی از هریک دو درم کندر سه درم کنجد مقشره درم نیم سفید
نود مثقال کوفته بیخته استعمال نمایند سفوف الزور بادها را بشکند و معده را قوت دهد
ص کرویا انیسون زیره کرمانی فاقله قرفه نانخواه تخم کرفس از هریکیده درم قرنفل پنجدرم
زنجبیل دارفلفل از هریک دو دانگ قند بیست مثقال کوفته بیخته مرتب سازند شربت دو
درم سفوف نمک که اشتها آرد و مناسب محرورین است و منع اسهال نماید ص بگیرند
نمک اندرانی خورد خورد بشکنند و برتابه آهنی یا سفال گرم نان نهند و سر که تیز بران بپاشند
و حرکت همی دهند نمک را و چون خشک شود دیگر بپاشند که بدین سان سر که را مرشوش

کهربا پست جوهر وارید هر یک نیم درم کافور دانگی شربت دو درم همراه سکنجبین سفرجلی سفوف که
در ورم اذنی القلب بعد خفت مرض و ازالهٔ حالت شبیه بغشی و بعد ریختن آب فاتر که در آن
قدری اکلیل الملک مد قوق بسر که و گلاب داخل کرده باشند باید داد ص ریوند چینی دو دانگ
خضض دو ثلث یکدرم ورق بادرنجبویه گاوزبان هر یک یکدرم نیلوفر یکدرم ونیم ورق عنب الثعلب
خشک پنجدرم کوفته بیخته از یکدرم تا هفت درم رب حماض بدهند سفوف که شیر زیاده کند
ومنی بیفزاید منقول از شفائی ص تخم شلغم تخم رطبه تخم ترب تخم گندنا تخم پیازاردج تخم بادیان
تخم جرجیر جمله برابر و در بعضی نسخ بجای اردج اردخ داست کوفته بیخته صبح وشام با شیر بخورند
وبعد از ان تخود در شیر تر کرده بخورند و شیر بنوشند سفوف در ونج از شفائی خفقان سر را
سود دارد ص در ونج عقربی گاوزبان گیلانی از یک شش درم زرنباد دو درم بکوبند و
بیزند شربت یکمثقال تا یک چهار شراب کهنه یا ماء العسل سفوف عود معده سر در اسود
دارد ص قرنفل کبابه از هر یک پنجدرم سنبل الطیب مصطگی از هر یک سه درم عود بیست
درم شکر طبرزد بوزن ادویه شربت یکمثقال باده درم گلقند سفوف که قی بلغمی را نافع کند
ص کندر مصطگی هر یک پنجدرم عود خام هفت درم انار دانه پانزده درم قرنفل جوز بوا بسباسه
قافله سعد کوفی نعنع از هر یک چهار درم پوست ترنج فرنجمشک از هر یک ده درم گل سرخ
شش درم سنبل آمله از هر یک پنجدرم شربت سه درم سفوف که شهوت دیه شهوت وطین را نافع
بود ص انیسون تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه از هر یکده درم فلفل سفید دو درم ونیم قرنفل
پنجدرم کوفته بیخته سفوف سازند شربت هر صبح وشام یکمثقال سفوف انیسون بادهای معده را
دفع کند ومعده را از اخلاط غلیظ پاک نماید ص انیسون نانخواه تخم کرفس از هر یک پنجدرم کندر چار درم تفاح
اذخر قسط مصطگی از هر یک درم سپندان سفیدی درم کوفته بیخته با فانید آمیخته بخورند سفوف
حب لرزان ضعف معده واسعار واسهال مزاری را نافع بود ص انار دانه بریان کرده ده درم
بلوط اسماق زیره کرمانی مدبر حب آلاس کشنیز خشک بریان سنجد خرنوب آرد کنار از هر یک

سرطان نهری محرق نشاسته مغز بادام بریان صمغ عربی بریان از هر یک یکدرم
زعفران یک نیم دانق پوست خشخاش یکمثقال کوفته بیخته سفوف دو درم وقت صبح
با آب برگ بارتنگ و آب بید از هر یکیده درم بخورند و همچنین وقت شام سفوف برای
دفع سرفه و ضیق النفس بلغمی منقول از خط خال والد شریف والیشان این سفوف را
مجرب نوشته اند ص برگ آنکه که زرد شده باشد از درخت افتاده باشد یک آنار چونه بری و
نمک از هر یک دو دام بیخته هر دو را در آب سائیده بر برگ مذکور طلا ساخته خشک نموده
در سبوچه گلی نگاهدارشته و رمیان آتش پاچک دشتی تا یکپاس گذارند تا سوخته شود و قدری
مناسب بکار برند سفوف شب برای نفث الدم ص شب یمانی سرمهٔ اصفهانی
از هر یک یکدرم کهربا مروارید از هر یک سه درم دم الاخوین صمغ عربی کتیرا از هر یک
دو درم کوفته بیخته سفوف سازند شربت بنفشه نیمدرم نانیم مثقال سفوف برای نفث الدم
وقتی که سبب صدمه کبد باشد ص ریوند چینی ده درم لک مغسول گل ارمنی از هر یک
پنجدرم کوفته بیخته سفوف سازند خوراک نیمدرم سفوف ممسک سل نزدیک اشتغال
حرارت وحمی ولین طبیعت مستعمل است ص اسبغول تخم مرو تخم ریحان تخم خرفه از هر یکیده
درم صمغ عربی نشاسته کتیرا تخم حاص گل ارمنی سرطان محرق از هر یک چهار درم حب الآس
سویق بنق سویق غبیرا از هر یک شش درم شاه بلوط پانزده همه اجزا را سوده سوای
تخم های مذکوره کوفته بیخته دو درم ازین سفوف بارب آس و آب بارد وقت صبح
بخورند سفوف از تالیف راقم بجهت رفع خفقان و تقویت دل ص گاوزبان گل بنفشه
گل بید خشک گل سرخ از هر یک دو درم مروارید ناسفته قیطاس مجرد ارمنی کهربا لیشب سبز
یاقوت از هر یک نیمدرم گل داغستانی طباشیر سفید هر یک یکدرم کتیرا منفش صندلین هر یک
دو درم کوفته بیخته سفوف سازند از یکدرم تا دو درم همراه گلاب بخورند سفوف طباشیر
از شفائی دل گرم راسود دارد ص گل سرخ طباشیر سفید هر یک سه درم کشنیز خشک دو درم

تخم خرفه سفوف مجرب سید الحکما جهت نضج ماده ص تخم خطمی صمغ عربی گل ارمنی
کتیرا طباشیر هریک ۵ ماشه رب السوس بهدانه تخم خبازی نشاسته مغز بادام هریک سه ماشه
آرد باقلا هریک چهار ماشه کوفته بیخته سفوف سازند و قدری در دهن نگاهداشته باشند
سفوف دیگر جهت نفث الدم از تالیف والد شریف ص انجبار ولایتی دم الاخوین از هریک
یکدرم خرفه مقشر دو مثقال صمغ عربی کهربا اقاقیا مروارید از هریک یکدرم خشخاش دو درم کتیرا
رب السوس گل ارمنی هر واحد یک مثقال گل داغستانی نیم مثقال صندلین سبد یکدرم
کافور قیصوری بکماشه سرطان محرق یکدرم زهر مهره سائیده سه ماشه تخم کاهو نشاسته هریک یکدرم
گل نیلوفر سه درم کوفته بیخته سفوف سازند دوشش ماشه تا یک توله با تبرید مناسب بخورند سفوف
لنابرا نفث الدم ص سنگبراحت یکدرم مروارید سائیده پوست خشخاش دم الاخوین از هریک
یکدرم کهربا ریشهٔ انجبار هریک دو درم خرفه مقشر نشاسته از هریک دو مثقال کوفته بیخته سفوف سازند
شربت از یکدرم تا دو درم سفوف آخر لنا برای سل ونفث الدم ص عزی السمک طباشیر
سفید هریک یکدرم افیون نیمدرم زعفران نیم ماشه مصطگی کافور قیصوری بکماشه گل داغستانی
اقاقیا از هریک یکدرم سرطان محرق یکمثقال تخم کاهو دو درم نبات یکدرم کوفته بیخته سفوف
سازند سفوف برای سعال بلغمی وضیق النفس ص بلیل دراز اصل السوس طباشیر
همه برابر هر روز سه درم وقت خواب با آب گرم بخورند سفوف برای سعال منقول
از سکندری ص صمغ عربی شکر نبری از هریک یکده درم عاقرقرحا بیخ سوسن کبود هریک دو
درم سفوف ساخته هر روز یکدرم بخورند سفوف که نفث را بخته گرداند و سعال را
سفید بود ص صمغ عربی اصل السوس از هریک چهار جزو دارفلفل یکجزو شکر برابر همه
سفوف ساخته بقدر دو مثقال بخورند سفوف تالیف حکیم عبد الهادی برای سل یا
نفث الدم ولین طبیعت ص کافور قیصوری نیمدرم طباشیر سفید بیخ انجبار ولایتی دم الاخوین
مروارید ناسفته کهربا کتیرا سفید مغز تخم کدو عزی السمک فاوانیا انیسون رب السوس

تخم شاهتره تخم بالنگو سه درم ادویهٔ بکوبند و بپزند غیر از ملیلجات که آنها را پارچه بپزند نمایند و غیر از
تخم بالنگو که او را ناکوفته آمیزند و همچندان شکر سفید آمیخته از چهار درم تا هفت درم استسقا را
نمایند بعرق گاوزبان و شکر بنگرم و اگر سدس درم محموده درین بیفزایند اقوی خواهد بود سفوف
تالیف والد شریف برای خدر و برودت دماغ ص در روغن عنبری زرنباد مصطگی ابریشم خام نوشادر
تخم بادرنجبویه گاوزبان گیلانی قاقله صغار از هر یک سه ماشه جدوار بنفشی عود غرقی از هر یک
یکماشه عود صلیب برگ فرنجمشک ارجنی سلیخه سنبل الطیب از هر واحد دو ماشه سورنجان مصری
چهار ماشه بهمین شش ماشه کوفته بیخته نبات سفید هموزن ادویه داخل نمایند خوراک شش ماشه
باعرقها و اشربه مناسبه سفوف که سل و سعال و تپ دق و تپ خلطی و اسهال را نافع است و جهت
صداع و منع نزلات حاره مجرب ص تخم خطمی اقاقیا گلنار هر یکدو درم مغز بادام سه درم
کتیرا نشاسته صمغ عربی مغز تخم کدو شیرین مغز تخم تربوز مغز بهدانه رب السوس طباشیر سفید
مغز تخم خیارگل ارمنی عصارهٔ لحیته الثیس هر یک چهار درم با قلا منقشر هفت درم خشخاش
سفید سرطان سوخته هر یکده درم کوفته بیخته شربت دو مثقال یا سه مثقال سفوف
نفث الدم ص طباشیر گلسرخ گل ارمنی گل مختوم تخم خرفه شادنه عدسی مغسول از هر یک
پنجدرم لبسد کهربا مروارید ناسفته خشخاش سفید رب السوس اقاقیا عصاره لحیته الثیس
هر یک سه درم بزرقطونا هشت درم افیون دو درم غیر از بزرقطونا همه را بکوبند و بپزند
و سفوف سازند شربت دو درم با آب باران یا آب برگ خرفه و اگر حرارت قوی بنود کند
سه درم درین نسخه بیفزایند سفوف سرطان سلول را بغایت نافعست ص سرطان سوخته
سوخته دو درم طین قبرسی صمغ عربی خشخاش سفید خشخاش سیاه تخم خطمی هر یک شش درم
صندل سفید دو درم شکر الغسر طباشیر هر یک سه درم تخم خبازی تخم خرفه هر یک پنجدرم مغز تخم خیارگل
مغز تخم کدو گل ارمنی عصارهٔ لسان الحمل گل مختوم هر یک چهار درم زعفران یکدرم کوفته بیخته
مرتب سازند شربت دو درم تا پنجدانگ کافور دو دانگ ماء السرطان شراب خشخاش و شیره

وکف بردارند و بپیچند چون دیگر گف بر سر نمی آرد از وصاف نموده داخل کنند در آن پنج استار
سفرجل لقرطم نرم کوبیده بریم زنند و بگیرند بنسبت درم تربد سفید مضمغ و نرم کوبیده در پارچه
محلل النسیج کنند و سر آنرا محکم بسته لمجه پارچه بمالند و بفشارند تا باقی نماند و آن صره چیزی از
تربد و بقوام سکنجبین آیند پس فرو آورده سرد کرده در شیشه یا در ظرف چینی نگاهدارند شربت از
ده درم تا پانزده درم سکنجبین افتیمونی منقول از قرابادین شفائی اصحاب مالیخولیا و توحش
وصرع را نافع بود ص افتیمون ده درم بسفایج فستقی تربد سفید از هر یک شش درم گاوزبان
پرسیاوشان تخم کاسنی ایرسا تخم کشوث پوست بیخ کاسنی از هر یک پنجدرم حاشا ورق گلسرخ
کما فیطوس از هر یک چهار درم تخم بادروج فرنجمشک بادرنجبویه زربناد دروج عقربی بهمن سرخ
وسفید سازج هندی فاقله سنبل از هر یک سی درم گلقند آفتابی بوزن ادویه در سرکه و آب
بخیسانند یک شبانروز و بایک من فند بقوام آرند سکنجبین افتیمونی بنسخهٔ دیگر ص
افتیمون گاوزبان فرنجمشک بادرنجبویه هر یکیده درم افتیمون در پارچه گلستان بسته و دیگر ادویه را
در شصت درم سرکه شب بخیسانند و صبح بجوشانند و وقت حاجت یکمثقال تناول نمایند
سفوف لنا بجهت امراض مذکوره ص حجر لاجورد حجر ارمنی یشب قیطاس یعنی زهر مهره
بادرنجبویه بسفایج فستقی اسطوخودوس برگ فرنجمشک بریشم مقرض گاوزبان گیلانی گل سرخ
از هر یکدو درم در روغ بلیله کابلی افتیمون مصطگی رومی بهمن سفید آمله گل گاوزبان از هر احد
سه درم کوفته بیخته سفوف سازند شربت مثقال تا دو درم بمارالجبن سفوف لنا برای
اخراج سواوسوداوی بمارالجبن ص بلیله سیاه پانزده درم غاریقون افتیمون از هر یک
پنجدرم بادرنجبویه هفت درم شحم حنظل چهار درم شربت یکمثقال سفوف مبارک نافع برای
مالیخولیا وبهق اسود و جذام و ادرام سوداوی و جرب و حکه و قوباص حجر لاجورد
مغسول دو درم حجر ارمنی دو درم مغسول بلیله سیاه پوست بلیله کابلی بلیله زرد هر یک چهار درم
افتیمون بروغن بادام آغشته بسفایج از هر یک هفتدرم سنا مکی گل بنفشه هر یک پنجدرم

نمایند و سرکه آنقدر که مطلوب باشد آمیخته بکار برند اول بقوام آرند سکنجبین زنبی در تقویت
معده و جگر بی نظیر است ص مویز در سرکه پر کنند و صاف ساخته با عسل بپزند چنانچه
دستور است سکنجبین تفاحی از تالیف حکیم ارزانی جهت اشتها و هضم و تفتیح سده و جگر
و تقویت معده و دل و دفع غثیان و قی نافع است ص آب سیب پخته شیرین صد درم
سرکه چهل درم آب انار ترش آب لیمون گلاب بید مشک هر یک بیست درم قند سفید یکصد
و نیم پودینه سبز یک مشت در اثنای طبخ اندازند چون خوب بجوشد بیرون آرند سکنجبین فواکه
برای فواید مذکوره از تالیف مؤلف ص آب انار شیرین و ترش آب سیب آب شیرین
و ترش آب غوره آب زرشک رب فالسه آب تمرهندی از هر یک هشت درم سرکه
انگوری شصت و چهار درم آب نعنع سه درم عسل و نبات یکیک آثار بقوام آرند دارچینی
مشک هر یک یکدرم طباشیر سفید چهار درم هر سه را خوب باریک نموده باقدری سکنجبین تیار
مخلوط نمایند بعد ازان در تمام سکنجبین بوجه احسن خلط کنند سکنجبین نانخواه طعام هضم کند و اشتها
آرد و معده را مفید بود ص نانخواه زیره سیاه زوفا جعده جبلی هر یک یک وقیه سرکه
کهنه یک قسط و نیم عسل نیم قسط ادویه را در سرکه یک شبانروز بپزند تا به ثلث برسد و صاف
کنند و عسل آمیخته بقوام آرند و با آب قلیل الیر و دهند سکنجبین تمرهندی تالیف علوی خان
نافع از برای قی صفراوی و حمیات حاره و قتیکه با قبض طبیعت باشد و مقوی معده و
کبد حار است ص بگیرند زرشک منقی نیم رطل در دو رطل آب خالص و دو درما وقیه گلاب
بخیسانند یک شب و صبح در صافی آنرا از غیر مالیدن جرم آن بدست گیرند دو رطل شکر
سفید جید داخل کرده بجوشانند و قدری سفیدهٔ تخم مرغ مخلوط بران زنند و کف آن را برگیرند
و چون دیگر کف برسر نیارد مصفی نموده باز در دیگ سنگین نموده مقدار نیم رطل سرکه انگوری
جید داخل کرده بجوشانند تا بقوام آید نگاهدارند سکنجبین مسهل ص بگیرند یکمن شکر سفید در دیگ
سنگین کرده سطح آن را مستوی سازند پس بر بندند بران سرکهٔ غنصل و با آتش ملایم برفق بپزند

انار سفوف لاجورد که برای رفع مواد سوداوی همراه مارالجبن مستعمل میشود ص حجر ارمنی
مغسول لاجورد مغسول مسحوق هریک دو ماشه هلیله سیاه هلیلهٔ کابلی هلیلهٔ زرد از هریک یکمثقال
افتیمون بسفایج فستقی از هریک هفت ماشه سنائکی نبفشه از هریک پنج ماشه تخم شاهتره شش ماشه
تخم بادرنجبویه دو ماشه کوفته بیخته شکر سفید چهل و هشت ماشه بیامیزند شربت یکمثقال سفوف
دیگر مجرب و معمول قبلهگاه بنده درگاه بجهت فوائد مذکوره ص سنائکی افتیمون از هریک نیم درم
زرد سفید و مجوف خراشیده پنجدرم غاریقون نرم سفید لاجورد مغسول هلیلهٔ سیاه بادرنجبویه از هریک
سه درم گل سرخ چهار درم پوست هلیلهٔ کابلی پوست هلیلهٔ زرد بسفایج فستقی ریوند چینی از هریک
پنجدرم اسطوخودوس دو درم کوفته بیخته سفوف سازند شربت از یکمثقال تا چهار مثقال و بعضی
احیان از چهار مثقال اضافه شده و نفع بسیار نموده سفوف مروارید که در دفع امراض دماغیه
و قلبیه و وسواس و خفقان بالنفع بین می نماید از احتیاط جالینوس است ص هلیلهٔ کابلی گاو زبان
بهمنین از هریک ده درم در روغن عقربی ریحان بادرنجبویه گل سرخ مصطگی از هر واحد پنجدرم با قوام
مرجان قرمزی مروارید ناسفته ورق طلا محلول ورق نقره محلول از هریک یکمثقال تخم بالنگو
پنجدرم حجر ارمنی ابریشم مقرض از هریک سه درم کوفته بیخته در شیشه نگاهدارند و یک من قند
و چهل مثقال سرکه بپزند تا بقوام آرند سکنجبین ربانی تب محرقه و جگر و معدهٔ گرم را سود دارد
و تشنگی بنشاند ص سرکهٔ آب انار ترش و شیرین از هریک نیم من بقوام آرند و قدری زرشک
و یک تا چهار یک سرکه صاف و یکمن قند اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید و اگر بدل سرکه منظور
نشود آب تمر کنند نیز روست سکنجبین آ لیموئی معده و جگر را قوت دهد و فتهار طعام آورد و سده جگر را بگشاید
و طعام هضم کند و ناقهان را فائده بخشد ص آب پنجاه مثقال سرکه حماف و آب لیمون و گلاب
از هریک سی مثقال قند یکمن بجوشانند تا بقوام آید سکنجبین افسنتین درد معده را که بسبب
صفرا باشد نفع دهد ص افسنتین و سرکه تر کنند و از ان سرکه سکنجبین سازند چنانچه رسم است
سکنجبین دردی معده گرم را نفع دهد ص گلقند شکری در گلاب گرم حل کنند و صاف

بلغم باشد نافع خصوصاً و نسخہ ہای متعدد است و آنچہ معمول اکثر اطباء ست مرقوم گشتہ ص جند بیدستر
دار چینی اسارون قومود و قوبہ یکدرم فلفل دار فلفل باز رد قسط ہر یک شش درم زعفران
نیمدرم و در نسخہ دیگر شبش قیراط و در بعضی مرشش درم افزودہ اند باز رد را در عسل کہ سہ چند
جملہ باشد حل کردہ ادویہ مسحوقہ مخلولہ بدان بسرشند و بعد شش ماہ بکار برند شربت از دانگی تا
دو مثقال سہاک سونٹھ دواء ہندی است ہاضم و مشہی دافع ہر قسم بلغم و مقوی باہ و دل
و پرسوت نمان را بسیار نافع بود ص سونٹھ زیرہ سیاہ زیرہ سفید کشنیز بادیان تخم شبت تربالا
لونگ جوتری صندل سفید لودہ گجراتی ہو بیروکتہ تیلہ ہر یک نیمدرم ترکتادہ دہ درم زنجبیل
روغن مادہ گاو ہر یک شانزدہ درم شکر تری چہار و نیم سیر اول زنجبیل را کوفتہ بختہ و بہ بیخ انار
شیر گاو بجوشانند تا کہ غلیظ شود روغن انداختہ کنجہ زنند بعد ازان شکر تری در اندک آب صاف
نمودہ باہم بسرشند و مثل حلوا بپزند و دو ہارا داخل کنند و ہر روز یکدرم یا کم ازان بخورند سفوف
و آن اقدم تراکیب است و بعد ازان معجون ترکیب یافتہ و بسقوریدوس گوید کہ مخترع او بقراط
شاگرد اسفیلوس است بہ بقراط مشہور سفوف قلیل الاجزاء بہجت صداع خماری و نجاری
و خفقان معدی و رفع وسواس سوداوی تصنیف فی الدہر جوم ص کشنیز خشک دو تولہ
گاوزبان شش ماشہ آملہ مقشر یک تولہ گل سرخ صندل سفید ہر یک شش ماشہ کوفتہ بختہ
نبات سفید ہشت تولہ آمیختہ سفوف سازند و بعضی اوقات این ادویہ اضافہ می فرمودند
طباشیر سفید سہ ماشہ زہر مہرہ مروارید سائیدہ از ہر یک دو ماشہ خرفہ مقشر پنجماشہ شربت از شش ماشہ
تا یک تولہ باعرق ہای مناسب سفوف بنفشہ برای صداع نجاری و رفع قبض از مجربات
است ص سر بنفشہ نبات مساوی الوزن گرفتہ سفوف سازند شربت از نہ ماشہ تا یکتولہ
سفوف برای خمار اگر پیش از شراب استعمال کنند بگذارد کہ مستی در وی اثر کند و محرورین
را نشاید ص نانخواہ سداب نمک زیرہ سیاہ از ہر یک سہ جزو تخم کرنب نبطی مغز بادام
تلخ مغز بادام شیرین ہر یکی جزوی کوفتہ بختہ سفوف سازند خوراک سہ درم بآب سرد یا

وبا یک سیر قند بقوام آرند شربت ناشتا پنج مثقال نادهٔ مثقال سکنجبین بزوری اصولی سده
جگر و سپرز بگشاید و بلغم را براند و صفرا بنشاند و معده را سود دهد ص انیسون تخم کشوث را زیانه
پوست بیخ کبر پوست بیخ کرفس هر یک پنجدرم تخم کاسنی ده درم همه را نیکوب کنند و در یک
نیم طل سرکه نند و نیم طل آب خالص یک شبانروز تر دارند و با تش نرم بپزند تا قدری آب کم
شود و قند پنجر طل حلکرده بقوام آرند سکنجبین عنصلی سختی جگر و سپرز را نافع است و جهت سده
و قطع اخلاط غلیظه و دفع سعال و ضیق نفس طویل مفید باشد ص پیاز عنصل نیم طل بکار و چوبین
یا زجاج قطع کنند خوردخورد و سرکه کهنه پنجر طل انداخته با تش نرم بپزند تا که پیاز عنصل مهر اشود
پس صاف کنند و با یک طل سرکه قند سفید یک نیم رطل آمیخته با تش نرم بقوام آرند و در
اثناء طبخ کف برگیرند پس فرود آرند و بکار برند سکنجبین قوهٔ استسقاء و صلابت سپرز و در
جگر را نافع است و سدهٔ جگر را بگشاید ص رازیانه پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کبر انیسون
تخم کاسنی پوست بیخ کاسنی زوفا یابس فوه عافث افسنتین هر یکیده درم تخم کشوث تخم کرفس
و پوست بیخ آن جعده سنبل اسارون هر یک هفت درم آب دو صد درم سرکه نیکو یک شبانه
بعد از جوشانیدن و صاف کردن با یک من قند بقوام آرند سکنجبین ریوندی یرقان
و درد جگر را که از گرمی باشد سود دارد ص تخم کاسنی نیکوفته بیست درم گل سرخ تخم
شاهتره تخم کشوث هر یکیده درم ریوند پنجدرم ریوند را نرم کوفته در صره بندند و با دو یه دیگر
در دو من آب بجوشانند و کیسه ریوند را بدست بمالند تا شیره تمام باز دهد بعده صاف کنند و
با نیم من قند بقوام آرند و با مار الجبن استعمال کنند سنجر بنابلسین مهمله و جیم و زاء معجمه و تحتانی و
نون و تحتانی ثانی و الف و معنی وی کثیر النجاح است و قیل الدواء الحاد و بسین مهمله و
نون و جیم و زاء مهمله و نون ثانی و تحتانی نیز بعضی تحقیق نموده اند و بالجمله دواء مذکور معروف
و مجرب است و جهت گرم کردن معده و ازالهٔ تخمه و تفتیح سده و تحلیل صلابات احشاء و باه
و تسکین وجع معده و دندان و تاکل آن و جهت بطوء استمرار و قولنج و عسر بول که از برودت

دو مثقال زنجبیل چهار مثقال زعفران نیم مثقال عود هندی پنج مثقال کوفته بیخته
بآن بسرشند سکنجبین واضع اشر بربوب وسکنجبین فیثاغورس است وگویند که سکنجبین
اقدم است وشیخ میفرماید که از حکمای فرس بیونانیان رسیده وصاحب تذکره گوید که معرب
سرکا انگبین است وبعضی گفته اند که معرب سک انگبین است وسک بمعنی سرکه در لغت
فارسی آمده وعلوی خان مرحوم باوجود آنکه خود گفته که معرب را قاعده مقرری نیست بر شیخ داود
اعتراض کرده که اگر معرب سرکا انگبین می بود سرکا انجبین بودی سکنجبین ساده صفرا دفع کند
ومحرور مزاج را موافق بود وتپ های حاره وجگر گرم را مفید باشد وتشنگی بنشاند وسده بکشاید و
بول براند ص قند سفید یکمن در دیگ کنند ویک چهار یک سرکه بر سر آن ریزند وبقوام
آورده پاک وقیه گلاب بر سر آن ریخته فرو گیرند واگر تبرید زیاده خواهند سرکه از وزن مذکور
بیفزایند سکنجبین بزوری باردسده جگر بکشاید وبول براند واستسقا وتپ های حاده را
نافع بود وتشنگی بنشاند ص پوست بیخ کاسنی هفت درم تخم خیارزه تخم کاسنی از هریک
پنجدرم نیم کوفته دریک چهار یک سرکه کرده در آب بخیسانند یک شبانروز ودیگر بجوشانند
وبیالایند ویکمن قند بقوام آرند سکنجبین بزوری هارسده معده وجگر بکشاید وبول براند
وفضول از معده پاک کند ودستسقی را نافع باشد ص تخم کاسنی نیم کوفته تخم کشوث تخم کرفس
رازیانه اینسون از هریک پنجدرم پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس از هریک ده درم در آب
دسر که بخیسانند چنانچه ذکر شده وبایک من قند بقوام آورند سکنجبین بزوری معتدل سده
سپرز وجگر ومعده بکشاید وتپ های مرکبه دور نماید وبول براند ص تخم کاسنی رازیانه تخم کرفس
از هریک هفتدرم مجموع نیم کوفته در سه رطل آب وبیست درم شبانروز بخیسانند روز دیگر بجوشانند
بایک من قند بقوام آرند سکنجبین دیناری نسخه قصری نافع امراض جگر وسده آن ص ریوند چینی
یکمثقال پوست بیخ کاسنی تخم کرفس تخم کشوث بیخ مهک هریک سه مثقال تخم کاسنی پنج مثقال
زرشک تخم گل بنفشه هشت مثقال دریک سیر سرکه انگوری ودو سیر شراب خیسانیده بجوشانند

نمایند سنون زرد معمول ومجرب جہت استحکام دندان ورفع درد آن ص پوست انار
گلنار زرد چوب سماق شب یمانی برشتہ مازو ہمہ مساوی کوفتہ بیختہ سنون سازند سنون کہ خون
رفتن بن دندان بازدارد ص عود بسوزند وخاکستری بسایند وہمچندان شب یمانی برشتہ آمیختہ
بمالند واگر قدری نمک لاہوری داخل نمایند اقوی خواہد بود سنون کہ دندان را محکم کند
وبوی دہن خوشبو نماید وکثیر الفوائد ونادر است ووجع را فوراً ساکن میگرداند ص مصطگی
تخم مینہیل کسیس زنجبیل سودہ سنگ جراحت بریان سہاگہ بریان سنگ سرمہ سنگ سفید ہر
یکدام فلفل کشنیز بریان کتہ زیرہ بریان ہر یکدو دام ناگرموتہ چہار دام ادویہ کوفتہ بیختہ بمسواک
بر دندان بمالند وبآب غرغرہ نمایند ودہن صاف سازند وبالایش بیرہ بآن بخورند سفرجلی
مسہل معدہ را قوت دہد واشتہای طعام آورد وقولنج بکشاید ص بہ اصفہانی را نیم من
از پوست ودانہ پاک کنند ودر سرکہ یا شراب بجوشانند تا مہر اشود واز غربال بیرون کنند وبکمین
عسل بر سر آن ریزند وبجوشانند تا بقوام آید این دارو ہا را کوفتہ بیختہ بآن بسرشند زنجبیل
دار فلفل قاقلۂ صغار وکبار دارچینی زعفران از ہر یک سہ درم تربد سفیدی درم مصطگی پنجدرم
سقمونیا دہ درم شربت پنج مثقال تا ہفت مثقال بآب گرم سفرجلی تالبستانی صاحب مزاج
گرم را موافق بود ودر فصل تابستان توان داد ازین جہت محمد ذکریا این نام نہادہ ص
سقمونیا دہ درم ونیم تربد سفید دہ درم مغز تخم خیار وکدو از ہر یک پنجدرم ورق گل سرخ طباشیر
سفید از ہر یکدو درم ونیم تربین عصارۂ بہ از ہر یک پنجاہ درم آب بہ وتربین را بجوشانند
چندانکہ تربین گداختہ شود بقوام آرند پس دارو ہا کوفتہ بآن بسرشند واین جملہ دہ سرشت
است سفرجلی ممسک بنبختہ میرہ مومن شکم بہ بندد وہاضمہ را قوت دہد وبجہت تقویت
معدہ واحشا ودماغ نافعست ص بگیرند سفرجل اصفہانی واز پوست ودانہ آن پاک
کردہ یک رطل وآنرا در شراب ریحانی یا سرکہ بجوشانند تا مہر اشود واز پرویزن موی ببالایند
وبا نیم رطل نبات سفید عسل مصفی بیزند تا بقوام آید پس فلفل دار فلفل قرنفل از ہر یک

آن و دفع اکثر امراض را نافع است ص نیله تهوتهه بریان تخم کشنیز بریان زیرهٔ سفید زنجبیل
قسط شیرین فلفل کاث هندی نمک هندی نمک سیاه زاج زرد یعنی کسیس مصطگی رومی همه
برابر سنون سازند سنون جهت درد دندان وجریان خون واستحکام اصول واکثر امراض
انسان از بقائی ص نیله تهوتهه سوخته شب یمانی سوخته نمک لاهوری کته پاپڑیه مازو سوخته دانهٔ الایچی
کلان همه را مساوی کوفته بیخته استعمال نمایند واگر دندان متحرک باشند هیرا کسیس بیفزایند سنون
که والد ماجد جهت نواب مجدالدوله برای تقویت لثه واسنان تالیف فرموده بودند ص زرد مصطگی
گلنار سرخ بسد سفید سائیده الایچی خورد گل سیوتی زیرهٔ سیاه بریان شب یمانی برشته از هر یکدو
ماشه طباشیر سفید یکماشه کوفته بیخته سنون سازند دهن را خوشبو نیز کند سنون جهت استحکام
دندان اگرچه قریب افتادن باشند دیگر امراض لثه را نیز نافع بود منقول از بیاض حکیم علی
اکبر خان مرحوم ص پوست مغیلان چهار توله سنگ جراحت کته پاپڑیه سپاری چهالیه از هر یک
یکتوله فلفل سیاه زنجبیل هر یک یکماشه هر شش اجزا را بدون بریان نمودن جدا جدا بایستند
و وزن نموده باهم آمیخته نگاهدارند و شب و روز هرگاه خواهند بر دندان بمالند سنون
که اهل هند مسی می نامند و هر روز بکار برند ص لیچن یک آنار مازو سبز یک نیم پاو نیله تهوتهه
دوازده دام کته سفید شش دام الایچی خورد قدری باریک سائیده استعمال نمایند سنون
مسی به نسخهٔ دیگر ص لیچن خالص یک آنار پاو بالا مازو سبز بی سوراخ نیم آنار الایچی خورد
مع پوست نیله تهوتهه هر کدام چهار دام کته سرخ پنج دام هیرا کسیس مصطگی رومی هر یک یکدام
سون مکی گجراتی چهار ماشه انبهه اجزا را کوفته بیخته چند بار از پارچه سفت گذرانیده بکار برند سنون
مسی بنسخهٔ دیگر منقول از بیاض علویخان ص برادهٔ مس پوست انار از هر یک نیم استار
مازو سبز ربع استار زاج سفید همه اجزا را کوفته بیخته مثل سرمه صلایه نموده استعمال نمایند
سنون مسی سرخ که آنرا ڈانگ گویند ص تمر هندی پاو سبر کریت یکتوله شب یمانی چهار
ماشه نمک دو ماشه برای سرخ ساختن همین کافی است واگر سبز سازند توتیای سبز نیز داخل

سوخته کزماج سعد سنبل هریک چهار درم نمک اندرانی یکدرم سنون سازند سنون صاحب
تحفه از کافی نقل کرده و گفته که در کندن دندان نائب مناب کلیس است و تفتیت دندان
می نماید ص عاقرقرحا پوست حنظل چوب توت شیرین مازریون مدبر پوست بیخ کبر حلتیت
زرنیخ زرد بالسویه مجموع سائیده سه روز در سرکه بخیسانند و حلتیت را نصف وزن او مقل ازرق
در سرکه بخیسانند و حل کرده ادویه را بآن بسرشند و وقت استعمال احتیاط کنند که بدندان مجاور
نرسد بلکه دندان صحیح مجاور را بخمیر موم غلاف کنند سنون جهت رویانیدن گوشت
بن دندان و رفع بدبوی دهان بغایت نافع است تالیف والد حکیم مومن ص دم الاخوین
کزماج انزروت جوزالسرو کندر بیخ نی سوخته طباشیر اقاقیا گل سرخ جفت بلوط پوست
انار ترش هریک جزوی قصب الذریره نصف جزو در وقت خواب استعمال نمایند سنون
که جهت آکله بهترین دواست ص برگ سداب دو درم اشنخار آهک زرنیخ هریکی یکدرم
جمله را سوده در سرکه تند تر کنند و در کوزه نو نهاده در گل حکمت گرفته در آتش نهند که گل سرخ
شود دوا پخته گردد پس برآورده مقدار دانگی یا دو دانگ برآکله افگنند در چند بار بفضل
الهی برطرف شود سنون که بجهت درد دندان بغایت نافعست ص موحوبه تخم ریحان
تخم سرس پوست درخت انار زرشک کتیرا بادام مقشر صمغ عربی از هریک دانگی فوفل پنج عدد
بسیار نرم سائیده استعمال نمایند سنون که در تسکین آلام و رفع خون و رویانیدن گوشت
و منع ریختن سوبتجربه بعضی رسیده و باکثر افرچه موافق است ص سعد طباشیر گل سرخ
تخم مورد گلنار کات هندی فوفل کزماج اقاقیا از هریک جزوی سماق سه جزو و صاحب
تحفه این نسخه را نسبت بخود نموده سنون از جهت درد دندان و محکم شدن گوشت بن
دندان مجرب است منقول از بقائی ص عاقرقرحا دو درم انجبار یکدرم و نیم گلنار شب یمانی
کزماج طباشیر از هریک یکدرم همه را باریک سائیده و از پارچه گذرانیده بر دندانی که دردی
کند یا بیخ آن سست باشد بپاشند سنون دیگر از بقائی جهت رفع درد دندان و استحکام

گل سرخ سماق پوست انار ترش مازو استخوان هلیلهٔ زرد گلنار کزنا زج مساوی کوفته
بیخ دندان افشانند سنون اکلهٔ دهن ولثه را نافع باشد ص پوست انار ترش و
شیرین از هریک سی درم مازو گلنار شب یمانی کاغذ سوخته عاقرقرحا از هریک ده درم
سماق پانزده درم نمک هندی نوشادر پنجدرم کوفته بیخته بسرکه بسرشند و خلوله ها سازند
در وقت حاجت دیگر باره بکوبند و استعمال نمایند سنون بنسخهٔ دیگر واستر خار دو درم
لثه را نافع بود ص پوست انار دو درم گلنار زرد چوبه سماق شب یمانی مازو از هریک یکدرم
کوفته بیخته استعمال نمایند سنون که اکله و ناصور بیخ دندان را نافع باشد و خون رفتن
باز دارد ص مرتوشا دبیخ سوسن زرنیخ سرخ عاقرقرحا مساوی کوفته بیخته استعمال نمایند
سنون منقول از خط والد ماجد مرحوم ص پوست تخم مرغ اقاقیا عنفص حضض یکی قسط حب الآس
کزنا زج دم الاخوین طباشیر سفید بیخ انجبار ولایتی گل ارمنی برگ ریباس گلنار کشنیز خشک
خرنوب پوست هلیلهٔ زرد جفت بلوط پوست بلیلهٔ کابلی هلیلهٔ سیاه صمغ عربی گاؤزبان گیلانی سوخته
هرکدام شش ماشه کاغذ سوخته زرورد پوست انار شیرین عنب الثعلب برگ مورد سماق
برگ عناب سوخته کوفته بیخته مرتب سازند سنون بجهت درد دندان و استحکام آن
ص نیلا تهوتهه بریان کرده کته سفید نمک سفید کوت زیرهٔ سفید بریان زنجبیل کشنیز بریان
هریک یکدام دارفلفل پنجدرم سنون سازند سنون حضرت فرید شکر گنج ص پوست
هلیلهٔ کابلی پوست بلیلهٔ آمله منقی زنجبیل دارفلفل تونیا بقم مازو نمک سنگ مساوی جدا
جدا کوفته بعده همه را وزن کرده باهم آمیخته بکار برند سنون بارد جهت امراض حاره
وبرای رویانیدن گوشت لثه و تعفن آن و حرکت دندان تجربه رسیده منقول از تذکره
ص طباشیر گلسرخ از هریک سه درم مروارید گل ارمنی برشته دم الاخوین از هریک
دو درم مرجان سوخته صندل سرخ مرصاف حب کانجی گزنا زج مامیران از هریک یکدرم
کوفته بیخته سنون سازند سنون که صحت انسان را نگاهدارد ص شاخ گوزن

دبعد مالش سہ چہار گھڑی آب نرسانند و بالائش یک بیڑہ پان بشرط عدم موانع بخورند
سنون کہ دافع حدت خون بود ص گز مازج مازو گلنار طباشیر سماق گل سرخ پوست انار
رش فٹاخ گوزن سوختہ کوفتہ بیختہ سنون سازند **سنونی** کہ خون رفتہ باز دارد ص
ماتین کہنہ سپاری نیم سوختہ برابر مردار سنگ نصف وزن سنون سازند **سنون** کہ گوشت
دندان محکم کند ص مرجان سوختہ نیم تولہ طباشیر سفید کشنیز خشک استخوان تمر ہندی ہر یک
یکتولہ کہربا نیم تولہ فوفل سماق ہر یک یکتولہ کات ہندی چہار دانگ کوفتہ بیختہ دہن را اول
آب کشنیز شستہ بمالند **سنون** برای تقویت دندان و رفتن خون و خوشبوی آن عدیل
ندارد و منقول از بیاض جد امجد مرحوم ص کہربا سودہ چہار ماشہ برادۂ آہن یک تولہ و یک ماشہ
مصطگی مازو سبز توتیای سبز سوختہ از ہر یک سہ ماشہ چوبچینی پوست بیخ مولسری ہر یک ہفت
ماشہ لبد سودہ چہار ماشہ ہیراکسیس فوفل سوختہ کتہ پاپڑ یا سنگ جراحت از ہر یک شش ماشہ
شب یمانی برشتہ ہلیلہ کابلی از ہر یک سہ ماشہ فٹاخ گوزن یک تولہ کوفتہ بیختہ سنون سازند
سنون برای نقصان لحم لثہ از بیاض عم مرحوم و مجرب نوشتہ اند ص کرسنہ کوفتہ
بعسل خمیر نمودہ برآجر دانستہ در تنور گرم گذارند تا محترق شود پس بگیرند کندر و کرم الاخوین
از ہر یک پنجدرم ایر ساز را وند مدحرج از ہر یک دو درم کوفتہ بیختہ باہم آمیختہ سنون
سازند **سنون** سورنجان تقویت دندان نماید ص سورنجان مصری فوفل سعد گرمازج
پوست ہلیلہ زرد صندل سفید گل سرخ مساوی کوفتہ بیختہ سنون سازند **سنون** کہ
ناصور بن دندان را باصلاح آرد ص بیخ سوسن عاقرقرحا از ہر یک یکدرم شب یمانی
گلنار مازو سماق از ہر یکدو درم کوفتہ بیختہ سنون سازند **سنون** کہ چون قبل جوشش
ارد و آتشک بر دہن و بیخ دندان افشانند منع جوشش دہن کند و اگر جوشش نمود
باشد استعمال نمایند باصلاح آرد ص زراوند مدحرج برگ مورد کندر گلنار سعد بیخ سوسن
دم الاخوین مازو مساوی کوفتہ بیختہ استعمال نمایند **سنون** ص کرم دندان متحرک را مستحکم گردند اسرمہ نوتیا تیب یمانی نشاستہ

ص برگ سنبھالو برگ فراش برگ دھتورہ برگ چنبیلی از ہر یک یکدام روغن کنجد نیم آثار ہمہ را
خوب سائیدہ در روغن مذکور اندازند و بر آتش گذارند و کفچہ زنند چندانکہ ہمہ دواسوختہ نشیند
گردد بعد ازان فرود آوردہ بیز زنند چندانکہ ہمہ یکسان شود پس روغن خالص بگیرند و بکار برند روغن
جہت جانبخن کہ در دست و پا بہم رسد ص نیم تولہ پوست ہلیلہ نہ ماشہ چوب چینی یک تولہ نیلا تھوتہ
برشتہ دو تولہ بطریق مسمی بمالند بعد ازان بر روغن مضمضہ نمایند بجہت استحکام دندان و تقویت
لثہ عدیل ندارد سنون بجہت استحکام دندان و نشف رطوبت لثہ معمول جد امجد رح ص
تنبا کو صورتی فلفل بالسویہ لبسایند و ہر روز سہ مرتبہ دلوک نمایند سنون جالی دندان
زردی و سیاہی ببرد ص مازو و زنجبیل زد البحر دار فلفل قاقلہ اصغا از ہر یکدو درم نمک بیان کردہ دہ درم عود
پنجدرم مشک سہ درم جوسوختہ کوفتہ بیختہ سنون سازند تا کہ دندان را محکم کند و خوشبو نماید سنون
کہ خون رفتن از دہن باز دارد ص عفص عدس اقاقیا کندر گلنار سب یمانی بزر الورد از ہر یک
چہار درم کوفتہ بیختہ بر دندان مالند و اگر بر دندان بعد مالیدن کندی کند بآب برگ سماق
و خرقہ مضمضہ نمایند و یک دو مرتبہ بادام بخایند کہ کندی برود سنون کہ بوی دہان خوش کند
و دندان را محکم کند و جلا دہد و گوشت بیخ دندان بروياند ص سفال چینی کف دریا اشنخار
نمک اندرانی از ہر یک سہ درم جوسوختہ عود سوختہ عاقرقرحا از ہر یکدو درم قرنفل کباب چینی از
ہر یک نیم درم کوفتہ بیختہ سنون سازند سنون مجرب ص نیلہ تھوتہ بیان کردہ زیرہ سفید بیان کردہ کشنیز
بودادہ سونٹھ کتھ پاپڑ یا نمک سیندہ مصطگی قرنفل ہمہ را کوفتہ سنون سازند و از آب
سرد پرہیز نمایند سنون برای استحکام دندان و بریدن گوشت و جلای دندان
مجرب است و معمول جد امجد مرحوم ص نیلہ تھوتہ یا ودام نمک لاہوری نیمدام کتھ سفید
قسم اول زیرہ سفید ہر یک پاؤ دام زنجبیل کشنیز خشک کسیس ہر یک نیمدام مصطگی بجردنتی
ہر یک یا ودام کپور کچری کباب چینی ہر یک نیم پاو نیلہ تھوتہ را بتابہ گرم نہادہ خوب سفید نمایند
و زیرہ سفید و کشنیز را نیز اندک بریان کنند کہ سرخ شود بگیرند و باقی ادویہ کوفتہ بیختہ مثل مسی سازند

سه درم مغز فندق مغز بندیانه هر یک چهار درم مغز چارتخمه مغز خرب النرم مغز تخم خیارین مغز تخم
کدو و کتیرا هر یک هفت درم چوب چینی ده درم موم کافوری پنجاه درم وبیدتازه صد درم علی الاسم
مرتب سازند بعد ازان که بحمام رفته باشند و کیسه درست کشیده باشند و در زمانی که هنوز حرارة
حمام باقی بود بمالند و بدن را از پارچهٔ ابریشمی پوشیده دارند روغن که جهت درازی موو سیاهی
آن و منع تشقق و سقوط منقول از مجربین است صص نارود پوست هلیله تخم مورد هر یکیده درم آمله
سی درم همه را نیکوب کرده در شراب هشت رطل بخیسانند پس شانند تا سه رطل برسد صاف کرده پس
این اجزا را بیفزایند سعد کندر مصطگی هر یک پنجدرم برگ حنا پرسیاوشان تخم کتان بریان کرده
هر یکیده درم سه روز دیگر داشته بجوشانند تا ملث بسوزد آنگاه صاف کرده با هم چندروغن کنجد بجوشانند
تا روغن بماند روغن کنجد منع رنجتن مو که از علت آتشک بود از مجربات ست چون مو سفید شود موضع را ثعلب
برآید اگر استعمال این روغن بر ان موضع نمایند موی سیاه برویاند صص برگ سه سه مثقال برگ مورد پانزده مثقال چهار صد
مثقال آب بجوشانند تا به نصف رسد پس صاف نموده با صد و بیست مثقال روغن بماند شش مثقال لادن در ان
حل کنند روغن مخترع حکیم علی که در حفظ شعر از سقوط و درازی و سیاهی وانبوه کردن بی نظیر
است صص پرسیاوشان ملبا شیر گرد سماق زرورد گلنار مصطگی هر یک یکجز و لادن پوست انار
فوفل پوست هلیله هر یکیده و جزو پوست بلیله مازو سبز هر یک سه جزو آمله منقی پنج جزو برگ مورد
دوازده جزو این همه را دو برابر نیکوفته یک شبانروز در آب گذارند و با آتش نرم بپزند تا قوت دواها در آب
درآید و بدست خوب بمالند و صاف کنند اما بنحویکه جرم دارد همراه مانده باشد پس روغن کنجد خالص
پنجاه جزو بر روغن گل پنجاه جزو اضافه نموده با آتش نرم بجوشانند و برهم میزده باشند در آخر آن
جرم بسته میشود اول بیرون آرند و سرد کرده در ظرفی کنند و بعد ازان روغن را خشک کرده
بران ریزند و همچنان نگاه دارند و باید که در آخر احتیاط کنند که آب هم نماند و هم روغن نسوزد
روغن که بجهت پرنمودن رخنه و برآوردن کولی و حلقه ها آزرده و پارچه و پیه و استخوان شکسته
که در زخم آمده مانده باشد نظر ندارد و اگرچه مفاصله نیم گز یا زیاده یا کم باشد منقول از بیاض عم مغفور

بپزند تا آب او بسوزد و روغن بماند آنگاه در ظرف چینی یا شیشه نگاهدارند وکات وزال بعد سرد شدن بیندازند و باید که در اثنار یختن لمحه بلمحه خبر گیران باشند تا روغن بسوزد و روغن دیگر قلیل الاجزا که صاحب تحفه تجربه نموده و گفته که در التیام زخمهای تازه بهتر از نسخه اول است ص بیخ مهک دیودار هوجوبه پوست درخت مغیلان زردچوبه بالسویه چهار چهار مثقال کوفته با روغن چراغ که از پنبه دانه و تخم کتان میگیرند شش مثقال و سه من تبریز آب بجوشانند بحدی که کف نکند تا آب بسوزد پس صاف نموده استعمال نمایند روغن گندم وجوسعفه وقوبا را سود مند باشد محلل ملین بود و سوزش و حرارت را ساکن گرداند و اورام صلبه و اورام حاره را نافع است طریق آن سر چند نوع بود یکی آنکه بگیرند گندم سفید یا جو پاک کرده یکه طل و در شیشه کنند و مطین گردانند و در دهان شیشه قدری لیف خرما نهند و ظرفی را در میان سوراخ کنند و شیشه را سرنگون در آن سوراخ نهند چنانچه گردن شیشه در آن سوراخ محکم باشد و سر شیشه اندکی از سوراخ بیرون آمده باشد و ظرفی در تحت آن نهند و آتش فحم در آن ظرف حوالی شیشه کنند و دم بزنند که آتش فرو گیرد و روغن متقطر شود و اولی آنکه گندم را اول از آب شب تر نموده صبح بطریق مذکور روغن بکشند و نوع دیگر آنکه گندم یا جو پاک کرده بریزند آن بافته نهند و مطرقه با صفحه آهنی بغایت گرم بر روی آن گندم یا جو نهند و آن را بفشارند که روغن از وی بیرون آید پس بردارند و استعمال نمایند نوع دیگر آنکه گندم درست کوفته در قرع و انبیق گذاشته آتش بآهستگی کنند تا روغن بچکد روغن برای قوبا و بهق مجرب است ص سیماب گندهک نیله تهوتهه روغن نیم پاو گندهک و سیماب کچلی نموده نیله تهوتهه اضافه نمایند بعد ازان روغن انداخته سه چهار پاس کهرل کنند و وقت حاجت بکار برند روغن جهت ناصور ص خربا یک عدد در میان دو تولہ روغن کنجد بجوشانند تا سوخته شود بعد ازان صاف نموده یک مثقال شنگرف صلایه کرده داخل نمایند تا مزوج شود و قدری داخل زخم نمایند انشاء الله تعالی بعد از پنجاه روز به شود روغن مسمن که حکیم عماد الدین محمود تالیف نموده ص بیخ بنفشه دو درم مغز لبته مغز حب الصنوبر مغز پنبه دانه مغز بادام شیرین هر یک

رمالی ص بگیرند زرد چوبہ چوب دیودار اصل السوس لبین مہلہ در آخر دار ہلد از ہر یک یک اوقیہ
گرفتہ بایک اوقیہ دودہ سقف کسی کہ نخود بریان کند آمیختہ با آب کہرل کند تا خوب مضمحل شود پس
در دیگ باسہ رطل وثلث رطل آب صاف کہ سی صدود و مثقال باشد باتش ملایم بجوشانند
تاثلث آب مذکور بماند ثقل را بکف گیر بردارد ودیگ ہمان قسم بر آتش باشد وآن ثقل را دوکرہ
در پارچہ کردہ در ہمان دیگ بفشارند وثقل را کہ ہیچ ماہیت در آن نماند دور کنند بعد ازان
روغن کنجد بیست اوقیہ کہ دو صد مثقال میشود داخل کردہ باتش ملایم تر از آتش
اول بجوشانند کہ آب جذب شود ودر آخر احتیاط کنند کہ روغن نسوزد واگر ہمچنین جای سرد گذاشتہ
روغن صاف از بالا بردارند وبینہ کہ در تہ دیگ باشد دور کنند صواب ست وقوت این روغن
تایک سال می ماند وحکیم علی در مجربات خود نوشتہ کہ جہت درد مفاصل ودرد پای مزمن اگر
پانزدہ مثقال ہوجونہ وپنج مثقال قند اضافہ اجزاء خمسۂ مذبورہ کنند بہتر باشد واگر احیانا آبلہ وجدے
بوجود آید برآید وبحرارتہ وقرحہ انجامد بلکہ متعفن شود قدری کافور درین روغن حل کردہ قلیلی ازان
استعمال کردہ باشند ونسخہ این روغن کہ در شرح قانون است در اکثر نسخہ ہای شرح غلط معلوم
میشود روغن شیخ صنعان جہت جمیع اقسام زخم وناصور وجع امعاء وبواسیر مجرب ومحلل اورام
بارده ومقوی اعضاء راست ص جدوار خطائی پنج تولہ شنگرف گل سفید جوز بوا مر دارسنگ
فنبل رال تخم ہلیل ملغار زرنیخ سرخ موميائی کانی ہر یک یج سبر اہبل نیم اسیر اشق پاؤ کم سیر دار ہلد
چوب گز دیودار بنج مہک قنہ ہلیلۂ زرد منقی آملہ منقی تراشہ آبنوس ہر یک یکسیر پوست درخت مغیلان
برگ حنا فوفل حلبہ خانۂ عنکبوت چوبچینی خوب ہر یک پاؤ سیر دودر چہپر بود جوبہ ہر یک شش
سیر آب برگ نیم نازہ آب برگ پان ہر یک نیم من روغن کنجد یک من ونیم زرد چوبہ برگ حنا دار ہلد
دیودار تراشہ آبنوس چوب گز اصل السوس دودہ چہپر پوست درخت مغیلان اہبل
فوفل ہلیلۂ زرد ہلیلۂ آملہ چوب چینی مجموع را اصلایہ کردہ باچہار من آب صاف پختہ تایک من
بماند صاف نمودہ نگاہدارند وباقی ادویہ را کوفتہ باآب برگ نیم وآب پان در روغن کنجد نوات

بآتش ملایم بپزند تا که آب برود و روغن بماند پس نگاهدارند و بکار برند روغن بیضه دو هفته
بر موضع که بمالند مو بر ویاند ص بگیرند یک خربوزه و سوراخ کنند و دانه ازان بیرون آورده
زرده تخم مرغ سی عدد در وی اندازند و برگ مورد کوفته و براده آهن صلایه نموده هر یکده در
روغن زیت پنج سیر برآمیزند پس سوراخ محکم کنند و بگل حکمت گرفته یک شب در تنور نهند و
بیرون آرند و گل دور سازند و میان آن خربوزه بار و غن زیت بمالند تا چون مرهم شود و طریق
دیگر اینست که زرده تخم مرغ پخته بدست بمالند و قدری نوشادر سوده بروی ریزند و در شیشه
کنند و بگل حکمت بگیرند و قدری موی اسپ یا لیف خرما با پنج ها با آتش که ازان جاروب میسازند
بر دهان شیشه نهند و بگیرند نظری و در میان آن سوراخ کنند و سر شیشه دران سوراخ کنند و محکم
گردانند و انگشت دران ظرف ریزند و آتش زنند چنانچه آتش بر پشت شیشه باشد نار و غن
ازان بریزد و یا اندرون طشت پاکیزه زرده تخم مرغ بیالایند و در آفتاب بگذارند نار و غن ازو
جدا شود بهتر آنکه بیضه ها را جوشانیده بنیمبرشت نموده زردی آن را گرفته در آوندآهن یا مس انداخته
بر آتش نهند و آوند مذکور اندکی کج دارند نار و غن جدا شده بهمین آوند بیاید روغن دیوداریست
از مخترعات حکیم علی شارح قانون است و او نوشته که در علاج جراحات بمنزله خرق عادات است
خصوص در جراحات تازه پس اگر بر موضع زخم پیش از سر دشدن این روغن ریزند امین
مانند از درد و ورم و صدید و چرک و تغیر لون فرود مندمل کنند و اگر هر روز چهبه بار در ین
روغن تر کرده بگذارند در یک روز پیه یا گوشت ملصق شود و در کتاب گنج باد آورد مذکور است
که روغن را حکیم مسطور جهت عرش آشیانی در راه کابل وقتیکه از فیل افتاده بود ند ساخته
و اعضای بادشاه دردمند شده بود بعد از مالیدن آن در عرصه سه شبانروز صحت گردید و حکیم
مذکور عنایت بهبه و نوازش جلیه فرموده و حکیم علی در مجربات خود نوشته که یک شخص او اقع شده
که افتاد و زخم فرو رفت و از کمر تا پشت کوفت رسیده خریطه اسفل روغن دیوداری قالب فرمودیم
و بروغن دیوداری مالیدن اعضا و بعد ازان مالیدن روغن گل امر کردیم بر طرف شد ماندکی

لادن از هر یک یک اوقیه و ربع طباشیر سفید نصف اوقیه فوفل دو اوقیه و نصف کوفته
بیخته درسه رطل آب بجوشانند و صاف کنند از پارچه متخلخل با دو رطل روغن گل هر آنش
ملایم بپزند و ثفل که باقی مانده است آنرا بردو رطل آب علیحده علیحده بجوشانند پس خوب
مالیده بخرقه متخلخل صاف نموده اضافه کرده بآتش ملایم جوش دهند تا که آب برود و روغن
بماند پس ثفل که از روغن باشد گرفته در شیشه کنند که دهن آن فراخ باشد پس مغن مصران ریزند و
همین قسم مع ثفل نگاهدارند و وقت حاجت استعمال نمایند **روغن** که منع سوا زرختین کند
ص آمله ورق آس در آب بپزند تا آب سرخ شود با یکرطل زیت انفاق بپزند تا آب برود و
روغن بماند پس یک اوقیه لادن محلول بشراب اندازند پس بیخ مورا مالش نمایند **روغن**
که موی روياند و منع تساقط آن کند ص لادن در شراب حل کرده برابر وزن آن روغن
آس گرفته بیامیزند دست در بیخ مو مالش نمایند و صبح بحمام روند **روغن** که حلق موکند
ص قلعی یکجزو و ذره غیر مطفی دو جزو زرنیخ زرد ده جزو در آب بخیسانند چندانکه آب لاغ
اجزا رسد و سه روز نگاهدارند بروز چهارم صاف نموده سه جزو ازین و یک جزو در روغن
کنجد آمیخته بآتش ملایم بپزند تا آب برود و روغن بماند **روغن** که منع تساقط شعر و ابتدا
ضلع نماید ص عفص هلیله سیاه برگ آس در شراب بپزند پس یکرطل زیت انفاق گرفته
یک اوقیه لادن نصف اوقیه مصطگی دران حل نموده بیامیزند تا متحلل شود پس ازان شراب را بعد ازانکه
صاف نموده باشند بجوشانند تا که قدری غلیظ شود پس ازان در روغن مذکور شراب مطبوخ
هموزن آن اندازند و طبخ دهند تا که شراب برود و روغن بماند و غلیظ شود پس وقت شب طلا
نمایند و صباح بطبخ آس بشویند **روغن** آمله ص آمله و اس و لمار ضنو برابر در آب بخیسانند صاف
نموده مثل آن روغن کنجد خالص داخل نموده بپزند تا که آب برود و روغن بماند پس بکار برند
روغن که موی را برویاند و دار الثعلب انافع باشد ص قیصوم بابونه پرسیاوشان از هر یک
یک اوقیه در شراب بپزند تا که گداخته شود پس صاف نموده برابر آن روغن بان اندازند

اوجاع مفاصل ص جند بیدستر قسط تلخ هریک سه درم زراوند چهار درم عصاره مرزنجوش
روغن زیت ازهریک رطلی شپرک ذبح کرده دوازده عدد آب خالص بقدر ضرورت همه رایک جا
کرده بپزند چندانکه آب برود و روغن بماند استعمال نمایند روغن مفاصل منقول ازبیاض
عم مرحوم وجع مفاصل راص افیون هشت درم روغن کنجد وشیرگاو یک آثار کچله بیست
عدد افیون رادرشیر حل نمایند پس روغن وکچله داخل کرده درظرف آهنی بجوشانند باتش
ملایم تاشیر برود و روغن بماند فرود آورند وصاف نموده استعمال نمایند روغن زنجبیل جهت
صلابت مفاصل ووجع آن ودر ریاح غلیظ مجرب است ص روغن کنجد پاوآثار
آب زنجبیل تازه که آن رالادرک گویند دوسیر بجوشانند تاکه آب جذب شود روغن بماند
روغن نی منقول ازخط والد شریف ص نی زرد شده راکه تمام خشک نشده باشد
بند بند جدا کرده در روغن زیتون یاکنجد چند روز بگذارند تاقدری دهنیت اخذ کند
پس بطریق روغن آخربا قرع معکوس تقطیر نمایند روغن حناموی راسیاه کند وعرق النسا
واوجاع مفاصل رانافع باشد ص برگ حنانیم من دردومن آب بجوشانند تانیمه باقیماند
صاف کنند وبانیم من روغن کنجد بجوشانند تاروغن بماند روغن سورنجان مفاصل
رانافع باشد ص سورنجان مصری آب کرفس ازهریکده مثقال قصب الذریره پنج مثقال
سورنجان قصب الذریره رانیم کوفته بنجیسانند ویکشبانروز وروز دیگر بجوشانند تامهر اشود
بیالایند وآب کرفس اضافه نموده باچهاریک روغن زیت بجوشانند تاآب رود وروغن
بماند روغن که جهت حبس عرق بکار آید ص برگ مورد خشک گلنار گل سرخ مصطفر
آبی تازه پاک درآب بپزند ومقدار ربع آب روغن داخل کنند وآن مقدار بجوشانند
که روغن بماند واگر قدری مازو کوفته اضافه نمایند خوب تر شود روغن که درنگاه داشتن
موی ازسقوط ودراز کردن آن ازجمله عجایب است وسیاه میکند وزود تر روياند ص
ورق آس آمله ازهریکده اوقیه پوست بلیله پوست هلیله ازهریک پنج اوقیه مصطگی پرسیاوشان

تا لمکمانہ تخم اوٹنگن آش بچکان اسپند تخم پیاز مصطگی کلیجن کلونجی ہالون چلغورہ کنجد سیاہ
حلبہ پنبہ دانہ زعفران لونگ موصلی سیاہ مشک تراشہ سم اسپ عراقی تخم کٹائی بزرگ تخم
کٹائی خورد چرونجی دیودار اگر غرقی چیتہ بیخ اونٹ کٹارہ ہر یک یکدرم مالکنگنی تخم دھتورہ
انگوزہ بیخ کنیر سفید از ہر یکدو درم زردی بیضہ بیست عدد روغن کنجد بقدر حاجت دارو ہا
را کوفتہ در روغن کنجد چرب کردہ باز زردی بیضہ آمیختہ بدست مالیدہ شب نگاہ داشتہ
صبح بدستور روغن کشند و بکار برند روغن دیگر از بقائی این را نیز مجرب نوشتہ ص مثل ہالیلہ
زرد بیخ موصلی سیاہ بیر بہوٹی ہر یک یکدام مٹھہ تیلیہ گھونگچی سفید لونگ ارجنی تخم
کونچ بیج بل پوست انار خراطین پیہ شیر بیر ہر یک دو درم کرم سر وا پوست بیخ کنیر سفید پاو
سر مار سیاہ کہ تازہ گرفتہ باشند کژدم سیاہ ہر یک یکعدد کیکڑا غوک مستی سانڈہ ریگ ماہی
ہر یک دو عدد دوا ہا کوفتنی کوفتہ و جانوران را ریزہ ریزہ کردہ ہمہ را در شراب دو آتشہ دو سہ
شبانروز تر کردہ نگاہدارند بدستور چوہ بکشند روغن کہ فتق را نفع نماید ص حنظل کلان
دو عدد در روغن کنجد نیم آثار آب چاہ یک آثار حنظل را بارچہ کردہ در آب و روغن انداختہ بجوشانند
ہر گاہ آب سوختہ روغن بماند صاف کردہ نگاہدارند و روزی چہار مرتبہ تدہین نمودہ باشند روغن
ناتورہ جہت سرعت انزال بی نظیر نوشتہ اند چون کف پایدان چرب کنند ص تاتورہ تازہ از
پوست باز کنند و نیم کوفتہ در شیشہ بلند کردن گنند و سر شیشہ بموی اسپ محکم نمایند و شیشہ در
گل حکمت گیرند از ہر کاسہ بزرگ کہ آتش توان کرد ترتیب نمایند و بیخ کاسہ را سوراخ کنند و سر شیشہ را
ازان بیرون کنند و در زیر شیشہ پیالہ گذارند و کاسہ را بر بالای سہ پایہ نہند و آتش از بالای
شیشہ کنند و روغنی کہ ازان بچکد نگاہدارند روغن دفلی در دلشت کہنہ را دور کند و رفع
جرب در ساعت نماید و مجرب است ص روغن یکمرطل زیت یکمرطل برگ خرزہرہ یک اوقیہ
ہر دو باہم بدون آب یا آب انداختہ بپزند و صاف کردہ نگاہدارند و شب بر پشت بمالند و صباح
استحمام نمایند و غذا اسپید اج کنند روغن خفاش نافع جہت عرق النسا و نقرس و جمیع

آن را تحدید بیست و چون با شونیز استخراج دهن او نمایند در جمیع امراض بارده از موضع
و به نهایت موثر است و استخراج و روغن با بخار مختلف است بهترین ابخار تقطیر است
ص بخود را نیم کوفته در قرع مطین کرده بطریقی که گلوی قرع خالی باشد و از لیف و مانند آن
گلوی قرع را پر کنند تا از وقت معکوس آرد بخود از شیشه بیرون نیاید و کوزه ترتیب دهند دو طبقه
و گلوی قرع را از سوراخ طبقه اول بطریق اسفل کوزه بیرون کنند و شکم قرع از طبقه اول ظاهر
باشد و قابله را بدان قرع وصل نمایند و بر اطراف شکم قرع آتش سرگین یا زغال کمی افروزند
تا روغن از لیف های گلوی قرع قابله بچکد در شیشه نگاهدارند روغن خسک بنوع دیگر باید را
زیاده کند و رنگ خساره را نیکو گرداند و بر جماع حریص نماید و اصلاح حال کرده و شانه و
پشت کند هر گاه بخورند بعد از ان بمقدار یک اوقیه هر روز با نبیذ فتح یا نبیذ استعمال کرده میشود
این روغن در حقنه های مبهی ص روغن کنجد شیر گاو تازه آب خسک تر از هر یک ده
رطل فانیذ سفید پنج رطل زنجبیل دو رطل و نیم فانیذ را کوبیده حل کنند و مجموع را در دیگ
سنگین کرده با تش ملایم بجوشانند تا آب خشک و شیره برود و روغن بماند پس از آتش گرفته
صاف کنند و در شیشه ها نگاهدارند و بیاشامند چنانکه مذکور شد روغن زنجبیل ممنخن است
و نافع بود از برای نقصان باه و ذهن را حدت بخشد و مفید است از برای وجع شانه و از
از کبر ادویه در و پشت و وجع در کلیه و بواسیر که متولد از مره سودا بود خصوص وقتیکه بیاشامند
آنرا با روغن مغز اسنه آلو یا زرد آلو یا شفتالو مالیدن بر فقرات پشت و خاصره بحرکت در می آرد
باه را و همچنین آشامیدن آن محرک باه است و مقدار شربت آن سه مثقال ص بگیرند مغز بادام چهل
و بکوبند و بپزند در آب و روغن را از روی آب بگیرند و این طریقه اصلح است از انکه آنرا بکوبند
و بطریق عطر روغن را بگیرند و بدستور روغن بادام نیز گرفته میشود روغن که صاحب بقادر
جهت تقویت باه مجرب نوشته ص رس کپور دال گهونگچی افیون نگر کوٹ کچلا زهر سنکهیه
جوتری جائیپل فیل کنیری زهر تیلیه اسگند ناگوری تخم خراسانی دارچینی حاقر قرحا سها گه تیلیه

بواسیر مجرب و بی غائله است ص کوگرد زرنیخ هر دو برابر سائیده بر آتش نرم تسقیه بروغن
کنجد کنند بحدی که خوب جذب کند و با قرع و انبیق تقطیر نمایند روغن وذغ جهت ورم
مقعد و درد بواسیر لغات مفید است هرگاه با حرارت بود ص وذغ ماسبه کوبیده در آب
بجوشانند تا مهر شود روغن که بر روی آب بعد سرد شدن بسته شود بردارند و اگر دنباله بادنجان را
سائیده اضافه کنند جهت بواسیر بارد نیز نافع خواهد بود روغن که چون بر معده تدهین کنند
تحلیل نفخ کند و نفع بقولنج و ریاح غلیظ می نماید مجرب است ص سنبل الطیب و ارشیشعان
بابونه برگ سداب تخم شبت شونیز مصطگی از هر یک یکمثقال زیره کرمانی دو تولچه کوفته در یک آثار
آب بجوشانند هرگاه چهار حصه بماند بران آب شبت تر و روغن بید انجیر و روغن گل و روغن
بابونه هر یک چهار تولچه داخل کرده بجوشانند تا آب برود و روغن بماند صاف نموده عنبر اشهب داخل کرده
نگاهدارند و وقت حاجت بنرمی گرفته استعمال نمایند اگر ریح غلیظ و درد شدید باشد وقت استعمال
قدری جند بیدستر حل نمایند روغن خسک عسر البول را نفع عظیم نماید ص خسک ده مثقال
زنجبیل چهار مثقال و نیم بکوبند و بپزند و بجوشانند و بیالایند و یک چهار روغن کنجد اضافه
نمایند و بجوشانند تا آب هر دو و روغن بماند روغن عقرب سنگ گرده و مثانه را پاره پاره
کند و بریزاند ص ریوند چینی سعد کوفی حنظل یا رومی پوست بیخ کبر از هر یک یک اوقیه روغن
بادام تلخ یکرطل دارو ها را کوفته بیخته در شیشه کنند و روغن بران ریزند و یک هفته در آفتاب
گذارند بعده بیالایند و ده عقرب زنده دران اندازند و سر شیشه را ببندند و یک هفته دیگر
در آفتاب بدارند و دو قطره ازان در احلیل بچکانند روغن نمل که بپارسی مورچه نامند
ص چون بگیرند یکصد مورچه کلان سیاه که در مقبره یا میباشد در شیشه کرده نیم اوقیه روغن زیتون
بروی او کرده تا هفته بگذارند پس بمالند بر احلیل سخت می کند قضیب را و بزرگ میکند او را و صلب
می نماید عصب را موجب نعوظ میگردد بعد از انکه مایوس از برخاستن شده باشد روغن حمض
از اسرار مکنونه است در تقویت باه بعدیل و چون با عسل و معاجین با هیه طبخ دهند و منافع

را قوت دهد و حبس عرق کند و اگر بر روی کشکاب کند و بخورند اسهال بند نماید ص آب دو جزو
آب برگ مورد یک جزو روغن گل یک جزو همه را بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن
افسنتین معده و جگر را و جمیع اعضا را قوت دهد مروخا و اکلا ص افسنتین رومی تازه دو سیر و نیم
در روغن زیت یا روغن بادام تلخ یا روغن جوز یا روغن خسته زرد آلو تلخ که نیم من باشد اندازه
در شیشه کنند و چهل روز در آفتاب آویزند روغن علقم روغن حنظل است و بعضی ترجمه وی
روغن قثاء الحمار کرده اند و اکثر اطبا و بهترین ادهان دانسته اند خصوصاً جهت استسقاء و برودت
معده و درد مفاصل و نقرس و عرق النسا و تقویت باه ص عصاره قثاء الحمار ده رطل میعه سائله
پانزده مثقال قنطوریون شحم حنظل زراوند مدحرج زوفا خشک پودینه کوهی و بری و نهری سکبینج ورق
و ملی بیخ سوسن آسمانجونی هر یکیده مثقال عاقرقرحا چار مثقال روغن زیتون آب صاف بالسویه
پانزده رطل بعد از خیسانیدن ادویه بجوشانند تا آب سوخته روغن بماند پس صاف کرده استعمال
نمایند روغن دامون بجهت برودت معده و عصب نافع است و مقوی اعضا و دافع فضول
ملین اعصاب حاسه و دامون لفظ رومی ست و تفسیر او دوعشره اخلاط ست ص میعه سائله
سافج هندی سنبل هر یک چهار اوقیه روغن بلسان مصطگی موم سفید هر یک دوازده اوقیه
فرفیون سه اوقیه فلفل یک اوقیه روغن بان چهل و هشت اوقیه دارچینی شش اوقیه انچه خشک
است بکوبند و غیر آن را اندر آب کنند و سهم بیامیزند و بدارند روغن خطمیا نافع را تحلیل کند
و جهت قیله و قبق مفید و مجرب بود و بادی را که در پشت و زهار و خصیه و گرده و جز آن بود رفع سازد
و ورم بلغمی را نافع نماید ص زراوند مدحرج سعد و سلیخه پوست بیخ کبر هر یک جزوی خطمیا نارومی
دو جزو همه را نرم کوفته با روغن بادام تلخ یک رطل در شیشه کنند و ده روز در آفتاب گذارند روغن
دارشیشعان معده را قوی کند و شکم رفتن باز دارد ص قرفه یک اوقیه زیره دو اوقیه چوب
سلیخه قسط هر یک چهار اوقیه دارشیشعان شش اوقیه همه را نرم کوفته با روغن کنجد هفت رطل
با نرمی بجوشانند و مالیده و صاف نموده بکار برند روغن جهت ساقط کردن دانه ها

کبابه دار فلفل جوز بوا لبسباسه شونیز قسط کروبا از هر یک چهار درم جمله نیم کوب ساخته در آب
بخیسانند تا دوا نرم شود و بیالایند و صد و پنجاه درم روغن بید انجیر آمیزند و بجوشانند تا آب
برود و روغن بماند شربت دو درم تا سه درم باب الاصول و تدهین و درین روغن نیز نمایند
روغن بید انجیر ساده مسهل بلغم بود و اعصاب را از رطوبت پاک نماید ص بید انجیر پاک
کرده بریان نموده نرم کوفته در آب بجوشانند و کف همی گیرند در ظرفی تا تمام کف گرفته شود و آب
زرد بماند پس کف ها را بجوشانند تا تمام روغن صاف برآید روغنی که جهت درد گوش و
کری آن مجرب است ص بزر البنج حریل هر یکی ده درم نیم کوفته شب در یک رطل آب
بخیسانند و صبح بجوشانند هرگاه نصف بماند صاف نموده روغن کنجد نصف رطل داخل کرده
باز بجوشانند تا روغن بماند روغن تر ب در گوش را نافع است و ثقل سمع و بادی که در گوش
بود دفع کند و بتجربه مولف هم رسیده ص روغن کنجد یک جزو آب سه جزو بجوشانند تا آب
فانی شود و روغن باقی ماند روغن جهت دوی و طنین و ثقل سمع ص استین روی
بابونه را در سر که بجوشانند و گوش را بر بخار آن دارند و بعد ازین روغن چند قطره در گوش
چکانند زهره گاو یکتوله روغن گل روغن مغز خسته شفتالو هر یک دو توله با آتشی در کمال بلاغت
بجوشانند تا آب برود و روغن بماند صاف نموده نیم درم افیون خالص دران حل کرده بکار برند
از بیاض جد امجد نقل شده روغن برای خناق و موی وقت منتهی هرگاه صلب شده باشد
استعمال نمایند تلین و نضج نماید ص عصاره بارتنگ برگ کاسنی شیره جوشقشر لعاب گل خطمی شیره
عدس قشر عصاره برگ خبازی عصاره بابونه روغن خیری بجوشانند تا وقتیکه آب فانی
گردد و روغن باقی ماند و بعضی عوض روغن خیری روغن گل می اندازند و بر گردن نیم گرم مکرر
تدهین کنند روغن لاله معده را گرم کند ص بگیرند برگ لاله و در شیشه کرده روغن زیت بر سر
ریزند و تا یکماه در آفتاب بیاویزند روغن مصطگی ص مصطگی رومی بریزند در شیشه و دیگی را نیم
کنند و آن شیشه را در میان دیگ بگذارند تا آب بجوشد چندانکه گداخته شود روغن به جگر و معده

بتجربه رسیده ص موم یک آثار نمک شور سه آثار هر دو را در دیگ انداز ند و بطریق گلاب
بکشند مثل عرق برمی آید آنرا نگاهدارند و بر بدن عریان شده بمالند و می باید که بعد از مالیدن
دو گهری پارچه بر بدن نینداز ند روغن ریحان فالج و درد زانو را نفع دارد شربا و مروخا
ص آب ریحان دو جزو روغن کنجد یک جزو بجوشانند تا روغن بماند روغن آجر لقوه
و فالج و امراض باردهٔ را نفع دارد و مسمی است بدهن مبارک و بخواص بسیار موصوف و
گرم تر و لطیف تر از نفط سفید است و جهت گزیدن عقرب و کسی را که افیون و بزر البنج داده
باشند نفع کثیر دارد و مقوی باه است ص خشت پخته سرخ آبدیده بادام کنند و در اتش
اندازند که سرخ شود و ما زنبور هر قطعه را گرفته در روغن زیت سرد کنند پس از روغن بر آورده
خورد نمایند و در شیشه که مطین لطین بود اندازند و سوی اسپید دهن شیشه بندند و بطریق معروف بپکانند
و باحتیاط در شیشه نگاهدارند شربا و مروخا بکار برند روغن حواصل منقول از خط افضل المتقدمین و اکمل المتحققین والد ماجد
فالج و وجع مفاصل و لقوه و جمیع امراض باردهٔ دماغی ص حواصل یکعدد سنبل الطیب بسباسه سورنجان
مصری بوزیدان خولنجان زرنباد جوزبوا زراوند طویل بنج زیره عود صلیب دارچینی از
هر یکدرم ماشه قسط بحری قرنفل از هر یک سه ماشه زعفران نیم ماشه خفاش زنده ده عدد در روغن
زیتون در دیگ مسی قلعی دار کرده گلاب نیم من آب دو من بر سر آن کنند و بر آتش گذارند
و روغن که بالا آید بگیرند و استعمال نمایند روغن حواصل بنسخه دیگر نیز منقول از خط آن
مغفور ص حواصل از پر و امعاء پاک کرده و بازوی اورا دور کرده همه را قیمه نمایند و استخوانش
را کوفته مع قیمه در روغن صاف نموده در شیشه نگاهدارند و وقت حاجت بر موضع طلا نمایند
روغن بید انجیر مرکب فالج و لقوه را نفع دهد و سده جگر و سپرز را بگشاید و قولنج را دفع کند
ص نانخواه صعتر پودینه کوهی تخم کرفس انیسون مصطگی رومی اسارون هر یک بیست درم
بنج کرفس و بنج بادیان و بنج سوسن آسمانجونی راسن خشک هر یکده درم شیطرج هندی مقل
از هر یک پنجدرم سکبینج جاوشیر و زرنباد در و بنج عقربی از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی خیرالوا

عرق بهار نارنج وعرق بادیان کنند بهتر است پس بیالایند بعد ازان جند بیدستر فلفل سیاه فرفیون
مبعّه سایه از هریک ده مثقال درآن حل کرده در شیشه نگاه دارند روغن مبارک منقول
از شفاء الاسقام این روغن را شیخ داؤد در تذکره باسم دهن اللقوه گفته نافع است از برای
لقوه وفالج وکزاز وعرق النسا ورود والی وتقرس وتحلیل رياح کند وهیچ باه وشهوت جماع
است وقطور آن در گوش جهت کری وگرانی گوش وسده صماخ در یک روز موثر وقطور
آن جهت امراض رحم مفید ص جلم شونیز کوبیده تسفیه نربت بطریق تحمیص بر روی آتش
نمایند تا سه وزن خود روغن را جذب کند پس تقطیر روغن بقرع معکوس یا بقرع انبیق
نمایند واول بهتر است روغن مجرب بجهت حذر وفالج ورعشه واسترخاء مفاصل بارد
وعرق النسا ص قصب الذریره قسط تلخ از هریک سه مثقال اذخر یکی سورنجان
مصری کبابه چینی ناردین اسارون از هریک دو مثقال زربناد دار شیشعان عاقرقرحا
سغاث بغدادی بوزیدان از هریک یکمثقال مجموع را نیلوفته بسه پیاله آب بجوشانند آنقدر که یک پیاله آن بماند پس
شیره آن را برآورده روغن گل سرخ روغن یاسمین روغن زنبق روغن بابونه از هریک
مثقال داخل کرده بجوشانند چندانکه آب برود وروغن بماند پس جدوار خطائی چند بیدستر
فرفیون از هریک سه مثقال جوزبوا زنجبیل از هریک دو مثقال مقل ازرق یکمثقال
کوفته بحریر بخته در هاون سنگی کنند وروغن را اندک اندک بران چکانند وبدسته بمالند
تاتمام روغن بان مخلوط شود بعد ازان سومیائی معدنی دران حل کنند ودر شیشه نگاهدارند
روغن ناردین منقول از منصور بن محمد زکریا وصاحب منهاج الدکان گفته که من نقل
کردم این نسخه از قاضی فتح الدین ص روغن بان یکرطل سنبل رومی شش درم
سعد کوفی قصب الذریره مصطگی اذخر یکی از هریک یکمثقال انهمه اجزا ارزم کوبیده در روغن
بان داخل کرده بیست روز در آفتاب گذارند وهر روز دو مرتبه برهم زنند پس بیالایند
ونگاهدارند روغن موم از بیاض حکیم علی اکبر خان مرحوم برای درد اعصاب وتحلیل مواد

در اندک آب تر کرده تمام شب نم نمایند و صبح در روغن بریان نمایند چون سوخته شود روغن را
بپارچه صاف نموده جدا سازند بعد ازان بیست عدد جوز بوا را نرم کوفته دران داخل نمایند
و وقت صبح و شام بمالند و یک ساعت بخرقه دلک نمایند و از آب و هوای سرد احتراز لازم
دانند روغن زعفران که آنرا خلوق نیز گویند بلین عصب است و تشنج را زائل کند و نافعیت
از برای اوجاع و صلابت رحم و معده و رفع بیخوابی کند و از برای تنقیه قروح رحم مفید
است و رنگ انیکو گرداند ص به نسخه شیخ رئیس زعفران شش درم قصب الذریره نیم درم
مرکی صاف نیم درم دران نسخه دیگر یکدرم فرو ماناشش درم اجزا را علیحده علیحده نیم کوفته
ادویه را سوای فرو ماناشش درم با سرکه انگوری خیسانیده پنج روز بگذارند در ششم فرو ماناشش
را با سرکه انگوری بخیسانند و یکروز دیگر گذارند در روز هفتم روغن کنجد یا زیت یا هر چه مناسب
دانند بقدر پنج استار داخل کنند پس بالش ملایم بجوشانند تا سرکه رفته روغن بماند پس بیالایند
و روغن را علیحده نگاهدارند و ثفل را علیحده و گویند که ثفل روغن زعفران فرفوسعار است
که در اکثر دواها مستعمل است روغن سوسن منقول از ذخیره نافع است برای فالج و امراض
بارده کرده و مثانه سرد را گرم گرداند و اختناق رحم و برودت معده را نافع باشد ص سلیخه
قسط تلخ حب بلسان زعفران مصطگی از هر یک یک اوقیه قرنفل قرقه الطیب از هر یک
نیم اوقیه ادویه سوای زعفران نرم کوفته همه را در شیشه کرده یکمن زیت طیب بر روی آن
کرده سی عدد گل سوسن سفید پاک کرده اضافه نموده چهل روز در آفتاب گذارند روغن
قسط به نسخه حکیم سوسن نافع از برای رعشه و فالج و تشنج و خدر و امثال اینها و اعصاب را
را نیز نفع نماید و باید که اول اعضا را در دناک را بکیسه درشتی بمالند تا سرخ شود و در شب تدبیر
نموده بخواب رود ص قسط تلخ سنبل الطیب از هر یک بیست و دو مثقال گویند و در
یکرطل زیت طیب یکرطل آب بجوشانند تا آب برود و روغن بماند پس بیالایند و باران
روغن را با یکرطل آب بر روی ادویه کرده بجوشانند تا سه مرتبه و اگر بعوض آب هر مرتبه

دارفلفل جوزالقی بلادر ایرسا زیانه قسط تلخ بوزیدان زربناد در وبنج از هریک پانزده
مثقال نیم کوفته باشیر وآب از هریک پانصد مثقال وروغن کنجد دویست وپنجاه مثقال
بجوشانند تاآب وشیر برود وروغن بماند چون در استعمال بلادر می باید که احتیاط بسیار نمایند
اول دریافته که باین مزاج بلادر موافقت دارد آن زمان این روغن بکار برند روغن نوم
آن را روغن راهب نیز گویند بعضی گفته اند که این ترکیب یکی از راهبان است برای امراض
بارده وتعقد عصب ووجع ظهر کهن وتقطیر بول وبواسیر مفید ص نوم مقشر یک جزو فرفیون
عاقرقرحا از هریک ثلث جزوی فلفل سداب از هریک ربع جزو مجموع را نیمکوفته بانه وزن
جمله ادویه زیت داخل کرده به پزند تاثلث آن بماند پس بیالایند ودر شیشه نگاهدارند روغن
چوب چینی از امراض بارده بلغمی چون فالج واسترخا ورعشه وکزاز بازدارد ووجع مفاصل و
دردها که از اتشک بهم رسیده باشد ببرد ص چوب چینی اعلی بیست مثقال سورنجان
سداب از هریک پنج مثقال قصب الذریره اشنه سنبل الطیب سافرج هندی مرزنجوش زرواند
از هریک سه مثقال عاقرقرحا دو مثقال قسط ده مثقال مجموع را نیمکوفته دوشبانروز در یک
من سیاه آب که قریب هفت رطل ونیم بغدادی بخیسانند آنگاه بازیت وروغن گل سرخ
از هریک چهل مثقال روغن بابونه وروغن زنبق وروغن نرگس وروغن بنفشه پانزده مثقال در دیگ
کرده بآتش ملائم بتدریج بجوشانند تا اجزا مهرا شود وآب برود پس بیالایند وروغن را نگاهدارند
وثقل را با یکمن شیر بزوآب پنجاه مثقال روغن کنجد مرتبه دوم بجوشانند تاآب برود وروغن بماند پس
بیالایند ودر روغن اول داخل کرده در شیشه آن نگاهدارند وسر آن را محکم کنند ووقت حاجت
بکار برند واگر در پنجاه مثقال این روغن یکمثقال مومیائی در آبی حل سازند برای رعشه ودیگر امراض
بارده انفع خواهد شد واگر چند بید ستر فرفیون هریک نیم مثقال همراه مومیائی نیز سائیده اضافه
نمایند قوی تر خواهد گردید روغن حرمل فالج ورعشه وتشنج واعیار دست وپارا نافع بود ص
سپند سوختنی یکرطل زنجبیل مربی رطل روغن کنجد چهار رطل اسپند زنجبیل را نیم کوفته

دو نیم ماشه روغن گل روغن بالونه روغن سوسن روغن بید انجیر از هر کدام نیم پاو تمام ادویه را سوای
مشک و عنبر و جوز و فرفیون جند بیدستر نیکوفته در چهار پنج آثار آب یکشبانه روز تر نمایند صبح بجوشانند
هرگاه سوم حصه بماند صاف نموده در روغن ها آمیخته باز بجوشانند تا آب فنی شود و روغن باقی بماند بعد ازان ادویه
باقی مانده را بسیار باریک سائیده حل نموده بکار برند روغن ضبع جهت فالج و لقوه و عرشه و جزان نافعست ص گرفته
شود در اول ربیع ماده ضبعه عرجا و بسته شود بر دو دست و پای او و در دیگ مسی زنده انداخته ترمس ابیض و شست
هر یک یک کف دست و آب شیرین بقدر کفایت انداز نده و سر دیگ بند نمایند و با آتش ملائم بپزند
تا مهر اشود بعد ازان از آتش فرو آورده صاف نمایند جلد و استخوان و موی و لحم و تمام ثقل او دور
نمایند پس ازان آب صاف شده در دیک دیگر انداخته و روغن بلسان روغن نارین از
هر یک قدر اسکرجه داخل نمایند و با آتش ملائم بپزند و قتیکه سوم حصه بماند برابر آب عسل داخل
نمایند تا بقوام آید استعمال نمایند روغن لبوب سبعه جهت تشنج بیسی و بالنخولیا و برای سهر نافع
شهریار و سوعلاد مروخاً ص مغز فندق مغز پسته مغز بادام شیرین کنجد مقشر مغز چلغوزه مغز تخم کدو
شیرین مغز جوز هر مساوی کوفته بدستور روغن بادام مرتب سازند روغن که چون او را بر سر
بینی بمالند سبات را رفع نماید منقول از بیاض عم مرحوم ص نوشادر نمک لقطی تخم سپندان
تخم جرجیر فلفل سیاه زنجبیل کاکنج همه را در آب بجوشانند تا مهر اشود پس صاف کنند و با همچند
وی روغن بید انجیر بلیخ دهند که آب بسوزد و روغن بماند روغن اسقیل نافع است
برای سکته و سبات و فالج و استرخا چون بر سر و مهره های گردن و پشت بعد از تنقیه بمالند
و بمجت عرق النسا و درد کمر بلغمی نیز مفید ص اسقیل تازه چهار اوقیه در یک من زیت
سراج بپزند آنقدر که چون بدست بمالند مضمحل شود پس خوب بمالند و بعد ازان عاقرقرحا
جند بیدستر خردل فسط تلخ فرفیون از هر یک یکمثقال مشک نبتی نیم مثقال سائیده اضافه
نموده خوب مخلوط نمایند و بکار در آرند روغن بلادر استرخا عصب و فالج و لقوه و دیگر امراض
بارده را نافع است محلل ریاح ص سنبل الطیب هیل بوافلفل وج تنکی شیطرج را

وچند مرتبه چنین کنند بعد ازان روغن بکشند و روغن بنفشه ساده مثل روغن گل ساده مرتب نمیشود یا کنجد را در گلهای بنفشه پرورش نموده مثل روغن زنبق بکشند و روغن گل نیلوفر بادام ساده را بهمین نهج مرتب سازند و او در تبرید اقوی است و روغن بالبونه و نرجس و اکثر ادهان طریق اینها همین است یعنی گلهارا در روغن کنجد و امثال آن انداخته بعد مضمحل شدن گلها تبدیل نموده مرتب سازند و یا آب آنها گرفته همراه روغن بجوشانند تا آب فانی شود و روغن باقی ماند روغن برای فالج و رعشه و جمیع امراض مزمنه منقول از بیاض عم مرحوم در فالج بنجر راقم نیز رسیده ص سیماب تخم دتوره ز هر یک از هر یک یک مثقال روغن کنجد بست مثقال کوفته را گرم نمایند تا گرم شود بعد ازان از آتش گرفته او یه بنیدازند و از چوب و یا دسته آهنی خوب حل کرده بکار برند روغن روباه مستعمل جد امجد و والد ماجد و فقیر هم در فالج و رعشه و اکثر امراض بارده فواید مشاهده نموده ص بگیرند روباه دست و پای او بسته زنده در دیگ که آب در و بقدر بیست آثار بسیار گرم باشد اندازند تا خوب پخته شود و مضمحل گردد صاف کرده آب آن بگیرند و نگاهدارند پس فلفلمویه مالکنگنی جوز بواسناد سنبل انگوزه از هر یک نیم پاو تخم دتوره آثار پوست بید انجیر سه آثار افتیمون خالص سه درم همه را جوکوب نموده در یک من آب خالص با آتش ملایم بپزند تا پانزده آثار آب بماند صاف نموده آن آب را با آب روباه که اول گرفته اند ممزوج نمایند و پنج سیر روغن کنجد خالص گرفته برای هر دو آب اضافه نموده بر آتش نیز بجوشانند تا آب بسوزد و روغن بماند صاف کرده استعمال نمایند و استاد براے کسر سورة این روغن وقت استعمال برابر وزن روغن کنجد آمیخته استعمال می فرمودند روغن کلان معمول این دودمان برای فالج و لقوه و دیگر امراض بارده ص قسط فرفیون جند بیدستر قصب الذریره اسفنتین کندش بیخ بادیان شیطرج از هر واحد سه ماشه عاقرقرحا فلفل مشک سنبل الطیب بیخ سوسن قرفه اشنه راسن مرسلیخه قرنفل جوز صعتر نانخواه بیخ کرفس تخم انیسون اسارون سکبینج جاوشیر زرنباد زنجبیل دارچینی کبابه بسباسه دارفلفل کندر از هر یک دو ماشه شونیز چهار ماشه بادام تلخ شش ماشه عنبر اشهب یک ماشه بید انجیر مقل از هر یک چهار ماشه مصطگی

وبه بندند باب الراء المهمله روغن بادام تلخ گرم وخشک است در ورم بحبت صداع
بارد وطلا برای درد گوش وکری آن قطور آ نفع می نماید وخوردن آن وچکانیدن آن وسا علیل
تفتیت حصات کند وروغن بادام شیرین گرم وتر است وصداع بیسی وشنج را نافع بود و
هر دو مقوی دماغ اند ص بگیرند مغز بادام وآنرا منقشر کرده بکوبند واندکی نبات یا فانید سائیده و
آمیخته در طبق مسی بر آتش زغال گذارند ودست را آب تر نموده مغز بادام را افشرده باشند
وظرف را اندکی کج دارند تا روغن جدا شده طرف مابین طبق جمع شود وروغن بسته که بهیز
طریق گرفته میشود اگر صاحب شقیقه بحمام رفته وانکباب بر پارچه نموده سعوط کند علت او
همان روز بر طرف گردد روغن کوک جهت صداع وسهر که از حرارت وبیوست بوجع نفع نماید ص
آب کاهو سبز دو حصه روغن کنجد یا بادام یک حصه بجوشانند که روغن بماند وروغن کدو همین
اثر دارد ودر دوم سرد تر است روغن پوست کدو ص کدو خراشیده باشم وتخم بکوبند وآب
او گرفته چهار حصه روغن کنجد یا بادام آمیخته بجوشانند تا روغن بماند واز مغز تخم کدو شیرین نیز مثل
روغن بادام روغن می گیرند واین الطف است روغن گل سنج مرکب القوی است
وجالینوس معتدل میداند راوع ومحلل ومقوی اعضا است ص بگیرند برگ گل تازه از
اقماع پاک کرده در روغن زیت یا کنجد بپزند ودر شیشه کرده در آفتاب گذارند وچون سر
گل سفید شود واین علامت زوال قوت است بیرون کنند وبکار برند واگر بدون گداختن
در آفتاب هفت مرتبه تجدید گل تازه در روغن کنند در تبرید اقوی خواهد بود وروغن گل خام
عبارت ازهمین است وروغن مذکور بعد یکسال تغیر میگردد وطریق دیگر آن ست بگیرند گلها
وکوفته شیره آن برآرند وبا روغن زیتون یا روغن کنجد که نیموزن باهم وزن باشد بجوشانند
تا شیره فانی گردد وروغن باقی ماند روغن بنفشه بادام مقوی دماغ است ومرطب است
ص بگیرند سر بنفشه تر در روغن بادام ترتیب نمایند یا آنکه بادام را منقشر نموده دو نیم کنند وزیر و
بالای او گل بنفشه تر نموده چند روز بگذارند که بنفشه خشک وسفید شود ومغز بادام بو بگیرد

سائیده بعد حمام بربدن پراگنده کنند تا عرق را جذب کند پس دور نمایند از کتاب علوی خان
منقول شد ذرور سیسقولون که جراحت مزمنه را یکدفعه و دو دفعه التحام دهد و جون بیر سائی
وعذری بی مانعی همچنان بالایش بندند بسرعت زائل کند از مجربات است واز اسرار نوشته
اند گل ارمنی گل سرخ دو ثلث یکمثقال جفت بلوط یکمثقال مرصاف یکدرم ونیم کندر
دو درم گلنار سه مثقال از جریر گذرانیده بپاشند ذرور سعتر در رفع آکله وتجفیف قروح
مجرب است ص کافور ربع جزو تخم ریحان بوداده نصف جزو پوست پیاز سوخته یکجزو مرتب
سازند واستعمال نمایند ذرور ابوی عرق منتن را دور کند ومزاج سرد را مناسب است
ص سنبل الطیب قرنفل حماما عبدان البلسان سلیخه از هریک یکدرم قسط اظفار الطیب
سنبل هندی دارچینی از هریکدو درم اطراف مزرنجوش چهار درم میعه سائله انار در شراب
حلکرده وباقی ادویه را در آب تمام سائیده باهم آمیخته استعمال نمایند ذرور عجیب بر روی
گوشت والصاق می کنند جراحت تازه را صاف کند صبر انزروت دم الاخوین سائی
سحق کنند وبر جراحت بریزند ذرور ملتحم از مجربات حکیم سعد الدین گیلانی ص گلنار زرود
کندر مکی مجموع برابر کوفته بیخته بر زخم بپاشند ذرور دیگر ص مرانار سوخته مازو سوخته
اقلیمیای فضه مروارسنگ سفید آب هریکدرمی کوفته بکار برند ذرور که جهت آکله مجرب
است ص گل گلاب سفید گلنار قنبیل کات هندی سفید صاف کرده هریک یکمثقال
سنگ بصری شش مثقال سنگ بصری را سه مرتبه در آبش سرخ کرده سرد نمایند که رندی
ازان برطرف شود باز همه را کوفته زرشک منقی با سماق بادیان سنگ خاره دور رود متصل
باسرکه انگوری بسایند ودر ظرف چینی پهن نمایند وبپارچه تنک سر آنرا به بندند ودر سایه
خشک کنند ووقت استعمال زخم را بسرکه شسته باشند وقدری ازان بگلاب وسرکه
بخورند واز روغن وگوشت وماست پرهیز کنند ذرور که داغ کند وخون آمدن از جراحت
باز دارد ص آهک آب ندیده ریزه گرفته قلقطار قدری باوی آمیخته بر جراحت کنند

اضافه نمایند و هرگاه خواهند فتیله ساخته در سوزاک استعمال نمایند بی نظیر خواهد بود ذرور
که جراحات قضیب و دبر گرداند خصوص ختنه را باید گرچون ختنه کنند بگذارند که تا خون تمام برود بعد
ازان این دوا بیفشانند و ببندند ص کات هندی مردارسنگ هلیله بلیله امرصافی مرود
صبر اجزا مساوی کوفته بیخته بر جراحت بیفشانند یا برخرقه کهنه ذرور کنند و بر جراحت و محل ختنه
بپیچند و بعد از سه روز باز کنند جراحت به شده باشد و هیچ داروی دیگر محتاج نشوند مجرب است ذرور
برای قروح طرحه حدیر این اعضا عجیب الفعل است و در اندک زمان باصلاح آورد
ص شب سوخته توتیای کرمانی کوفته بحریر بیخته استعمال نمایند ذرور ازیهودی بجهت
قروح ذکر و حوالی آن ص شاذنج مغسول صبر سقوطری مردارسنگ پوست کرد سوخته
اجزا مساوی کوفته بحریر بیخته بپاشند ذرور بسیج گوید که این دارو را آزموده ام رکیهای
فاسد را سود دارد ص صبر مرازروت هریک یکجو کندر دو جو و همه باریک بسایند و بپزند
و وقت حاجت بر ریش ها افگنند ذرور ازروت جهت رطوبات و بردن گوشت بسیار
مجرب است ص کندر مصاف دم الاخوین هریک دو درم نحاس سوخته پنج درم ازروت
پوست انار مازو شب کاغذ کبود سوخته سعد هریک ده درم ذرور سازند ذرور حسین جهت
نزف دم جراحات نظیر ندارد ص کندر صبر زرد هریک پنج درم سماق زاج سفید دم الاخوین
هریک یک درم آهک شسته دو درم حسین سه درم مثل غبار سائیده استعمال نمایند و مفردات این ترکیب
هم همین اثر دارد ذرور که جراحت آتشک را نافع بود ص بوید ارسوخته شش ماشه فوفل
سوخته یک عدد نیله تهوته بریان نموده یکماشه مردارسنگ کته سفید سنگ جراحت از هریک دو ماشه کوفته
بیخته ذرور سازند ذرور که بدن را خوشبو کند ص سعد سازج فقاح اذخر میعه سائله شحم انار
از هریک ده درمی گل سرخ خشک اطراف آس از هریک بیست درمی فقاح اذخر سازج
را بشراب ریحانی یا گلاب تر کنند و خشک نموده سحق نمایند پس اطراف آس و گل سرخ
سائیده بر آن اندازند و زعفران در گلاب سوده باد و پیه آمیزند و در سایه خشک کنند پس

پوست زرد آلوچ و نفل برگ مورد شاخ گوزن سوخته از هر یک مثقال دم الاخوین کندر
اذخر از هر یک مثقال همه اجزا را کوفته بیخته بر دهان و پای دندان بپاشند ذرور ابیض
لثه را محکم کند و قطع خون رفتن و تقویت دندان نماید و بوی دهان به برد و دندان را از
افتادن و تاکل و کند شدن نگاه دارد و منع انصباب مواد بسوی عمور اسنان نماید ص
عاقرقرحا و جاوتر کی کزبانج سعد کوفی از هر یک سه درم قشور رمان مازو سبز قشار کندر گلنار فارسی
غنچه گل سرخ منزوع الاقماع از هر یک سه درم زبد البحر نمک طبرزد شب یمانی صدف سوخته از هر یک
یکدرم و نیم فلفل سفید مصطگی رومی عود بلسان از هر یکدرم مروارید ناسفته لبد چینی سفید از هر یک
سه درم فیلکوس سوخته نیم درم اگر بهم نرسد دندان فیل بگیرند اشنه هلیله طباشیر سفید تخم خرفه مقشر نشاسته
کیر اکثیر خشک سوخته ارد عدس از هر یک هفتدرم کوفته بیخته کافور قیصوری نیم مثقال داخل
کند و بر دندان و لثه بپاشند و بعضی اوقات باسرکه مضمضه کنند و گاهی بازیت و روغن نفط سفید
سرشته بر دندان و لثه گذارند و رفع حرکت دندان نماید لیکن در نرم کوبیدن نهایت سعی نمایند
ذرور قلاع و جوشش زبان را نفع تمام دارد و مجرب است ص دانه الایچی کلان بهوه دل
گشته کشنیز سوخته پهنکری جمله برابر کوفته بیخته بر دهان پاشند ذرور برای قلاع ابیض بارد
ص عاقرقرحا کباب زعفران سعد فوفل جمله برابر کوفته بیخته استعمال ذرور سازند ذرور
اقوی در تخفیف ثبور لثه و قلاع ص عروق پوست انار سماق از هر یک شش درم عفص چهار درم
شب یمانی دو درم کوفته بیخته ذرور سازند ذرور اعظم جهت جراحت قضیب و آکله و قروح
سیاعیه دهان و گلو و سایر اعضا و رفع خون جراحات در دیانیدن گوشت و منع ورم و انصباب
مواد آزموده اند و از تالیف صاحب تحفه و امجرب نوشته ص سفیدآب قلعی نوشادر کرمانی شسته کندر
از هر یک یک جزو موی سوخته گلنار شاخ گاو کوهی سوخته و اگر نباشد استخوان سوخته برگ عناب
گل ارمنی هر یک دو جزو از حریر گذرانیده استعمال نمایند و هر گاه در غیر گلو و دهان بکار برند
صبر زرد یک جزو مروارید سنگ در آتش مکرر سرخ کرده و سرکه انداخته و خسول نموده دو جزو

هر یک یکدرم و نیم تو تیا باب غوره پرورده دو درم و نیم سائیده بپاشند و باید که ازین ذرور چیزی
بحلق نرود ذروری دیگر که جهت قلاع احمر مجرب است ص طباشیر سفید جوسوخته
شیرخشت مساوی سائیده بپاشند ذرور جهت قلاع سفید قلیل الحرارت عفص چهار درم
زرد جوبه پوست انار گلنار سماق هر یک شش درم شب یمانی ده درم بعضی دوازده درم نوشته اند
همه را کوفته بیخته اول ادهان را بماء العسل سرشته بپاشند ذرور جهت قلاع شدید که مثل خارها
در زبان بهم رسد و باصطلاح اهل دکهن اجهری نامند بسیار نافع است بعد خراشیدن از بیرگ
بید انجیر استعمال نمایند ص بنبلوچن کتهٔ سفید کباب چینی سنگ جراحت الایچی کلان شونیز فلفل
برابر کوفته بیخته بکار برند نزدیک شده حرارت کافور اضافه نمایند و هرگاه تحلیل باشد کباب عنب الثعلب
خشک سائیده بیفزایند ذرور که مکرر بخاطر رسیده جوش دهان خصوصاً کهنه را بیرد ص
کتهٔ سفید طباشیر سفید دانه الایچی زیره گل سرخ زیره گل سیوتی ناگرموتهه کباب چینی هلیله سیاه
بار بکاین سوخته از هر یک یکماشه سیاهی نابه سغز الماس خشک هر یک دو ماشه همه را کوفته
بیخته بر زبان بپاشند هر قدر که صلابه زیاده خواهد شد اقوی خواهد گشت ذرور برای قلاع معمول
حکیم علی اکبر خان مرحوم ص گاوزبان گیلانی محرق کاغذ محرق دوغ محرق کشنیز خشک
در سرکه خیسانیده بریان کرده گل ارمنی حب لاس طباشیر سفید دم الاخوین مرجان سرخ
اقاقیا لبسد بلیله کابلی گلنار فارسی فوفل عاقرقرحا پوست هلیله زرد برنج در آب بستان افروز
خیسانیده برگ ریباس اجزاء مساوی کوفته بیخته بعد از غرغره که آب چوب چینی کرده باشند ذرور
نمایند ذرور اسود نافع جهت گوشت پای دندان که گم شده باشد بروياند و گوشت فاسد را
دور بسازد و خون رفتن باز میدارد ص فوفل گلنار فارسی از هر یک دو مثقال شاخ بز
کوهی سوخته مثقال کاغذ خطائی سوخته نمک اسود لعبل سرشته و سوخته سعد کوفی از هر یک دو
مثقال جمع مقشر طباشیر سفید غنچه گل سرخ دراقی عاقرقرحا شب یمانی از هر یک نیم مثقال
کزاج استخوان هلیله زرد آلو بخاری عود قماری خام سوخته صندل سفید سک اصلی رامک

و دانگی صلایه کرده ذرور سازند ذرور ما میران جهت اختلاج دائم چشم و امراض باردهٔ مزمنه و تقویت
بصر مجرب است ص زنجبیل قرنفل فلفل ما میران دارفلفل توتیا کرمانی مغسول صمغ عربی جمله
برابر کوفته استعمال نمایند ذرور جهت رفع حمرهٔ چشم و رمد و جلاء آن و طرفه مجرب است
ص برگ عنب الثعلب سوخته مروارید ناسفته مغناطیس سوخته مغسول کشوث سوخته
ریگ زرگران جلاء نقره باومید هند بالسویه ذرور سازند ذرور سبل از مجموعه ص تخم بید انجیر
یک عدد نبات مصری یک مثقال انزروت سه مثقال همه را خوب باریک سائیده ذرور
کنند یا بمیل در چشم کشند و در آشنار استعمال این ذرور این حب ها بخورد افیون تازه بسا
یک مثقال رب السوس کثیرا از هر یک سه مثقال کوفته بخته با آب حب ها بقدر بندقه بندند
و هر روز یکی از آن یا کم فرو برند ذرور معسل جهت بیاض از حکیم علی ص بوره ارمنی یک جزو
عسل سه جزو خوب باهم آمیخته بکشند ذرور که نافع است از برای درد چشم کهنه و سرخی آن
و آب رفتن ص توتیای مغسول نشاسته سفید آب ارزیز مساوی کوفته بخته ذرور سازند
ذرور زردی باعتبار رنگ مذکور شده جهت دو قه مستعمل است ص پوست بیضه و جاوشیر
مدبرده درم شاذنج مغسول دو درم جمع کرده بسایند ذرور که جهت درد چشم اطفال و دفع ثقل
و صلابت اجفان اینها نافع است منقول از بقائی ص انزروت سرخ اگر مدبر باشد بهتر والا
ساده هم کافی است و معمول است بکجزو مروارید سنگ بصری دو جزو چاکسو شش جزو ذرور
سازند و پلکها برداشته برانگنده و بند کرده بالای چشم مالیده از نان گندم و روغن ورشکر دوست
کرده گذاشته برفاده بربندند اگر گرمی غالب بود و تسکین زیاده مطلوب باشد برگهای تازه
نرمه نارسیده بجای آن مالیده بر چشم بندند ذروری که جرب و ثقل و غلظ اجفان را نافع
است ص زردی بیضه در آفتاب خشک کرده انزروت سفید لبنیر خر پرورده هر یکی چهار درم
ما میران هر یکی نصف درم زعفران شیاف ما میثا هر یک ودانگ کوفته بخته استعمال نمایند
ذروری که در انحطاط مرض آکله بکار آید ص گلنار سفید آب قلعی هر یک یک درم زرنیخ مر

الست که ادویه ذرور بغایت باریک باشد بخلاف ادویه کحل که آنجا احتیاج این قدر باریک نمودن نیست
زیراکه در میل خرد و ادویه باریک متعلق نمیگردد ذرور ملکا ورد بیخ وابتدای رمد را نافع بود ص
انزروت پرورده شیر خرنشاسته صمغ عربی نبات مساوی کوفته بیخته استعمال نمایند ذرور اصفر
نافع ست از برای کمنه المده ودرد چشم که سبب آن رطوبت باشد ص انزروت مربی
پنجدرم شیاف مایثا دودرم صبر زعفران تخم گل از هریک پنجدرم افیون چهار دانگ کوفته بیخته استعمال
نمایند ذرور دیگر قرحه ومورسرچ را نافع باشد ص سرمه اصفهانی شادنج حدسی مغسول
صلابه کرده ذرور سازند ذرور دی ابیض که ابتدای رمد را نافع باشد ص اقلیمیای
نقره سفید آب صبر سقوطری از هریک دودرم کتیرا هشت درم صمغ عربی چهل درم گل سفید شصت درم
نشاسته سی درم افیون ده درم کوفته بیخته بآب رازیانه پرورده ذرور سازند ذرور رمادی جرب
وسبل دومعه را نافع باشد ص مامیران چینی یکدرم توتیای کرمانی پرورده شبح سوخته پرورده
توبال مس مغسول سرمه اصفهانی پرورده از هریک دودرم کوفته بیخته استعمال نمایند ذرور
انزروت قرحه را پاک سازد ص نشاسته سه درم انزروت مربی سفید آب صاص از هریک
یکدرم کوفته بیخته ذرور سازند ذرور کرکه دمعه وجرب وضعف بصر را نافع بود وپیران را موافق باشد
ص توتیا مغسول ده درم پوست هلیله زرد صبر سقوطری دارفلفل زردچوبه از هریک پنجدرم
فلفل دودرم کوفته بیخته ذرور سازند ذرور کرکه نافع است از برای جرب وسبل وظفره
واکله حفن ص اقلیمیای نقره صمغ عربی از هریک سه درم زعفران فلفل شنگرف از هریک
دودرم افیون یکدرم ونیم صلابه کرده استعمال نمایند ذرور کرکه جهت درد چشم اطفال نافع
باشد ص انزروت مربی خسک از هریک ده درم دم الاخوین مامیران از هریک دودرم
کوفته بیخته استعمال نمایند ذرور کمنه ص دارفلفل دودانگ هلیله زرد حضض مر از هریک دودرم
زبدالبحر یکدرم مامیران صبر دانگی ونیم کوفته بیخته استعمال نمایند ذرور کافوری که نافع است
ازجهت حرارت ورمد ص صدف سوخته مروارید ناسفته از هریک دودرم نشاسته یکدرم

ص قند سیاه هشت سیر شاه جهانی پوست مغیلان پنج سیر شاهجهانی برگ صبر که خارهای
آنرا دور کرده باشند دو سیر پوست هلیله زرد پوست بلیله پوست هلیله کابلی هلیله سیاه آمله منقی
از هر یک پنج توله اسارون سلیخه سیاه حب بلسان عود بلسان اسطوخودوس بادرنجبویه بسفایج فستقی
افسنتین رومی مصطگی انیسون دارچینی رازیانه زعفران برگ تیز از هر یک چهار توله چوب خضنی
نه ماشه ریزه ریزه کرده غنچه گل سرخ از هر یک پنج توله سنبل الطیب ناگکیسر کبابچینی مقل ازرق
دوقو فطر اسالیون از هر یک سه توله همه را کوفته بیخته با قند سیاه و پوست مغیلان درهم کرده
و آب بقدر ضرورت دران ریخته خم را در سرگین اسپ دفن کنند و بگذارند که جوش خورد و چون
برسد یعنی از جوش فرو نشیند آن را صافی نموده در شیشه ها کرده نگاهدارند و هر صبح و شام چهار پیاله
قهوه خوری ازان بنوشند در بهره بلاد نیز از اطبای هند است و منافع بسیار آن ذکر نموده
اند ص بلاد در یک سیر پوست هلیله کابلی نیم سیر وارفلفل قرنفل از هر یک نه توله فلفل سیاه فلفل
از هر یک سدس یک سیر گل دهاوه پنج سیر قند سیاه دو وزن همه ادویه را نیکوفته قند را
حل کرده ادویه را در و انداخته در میان خم نموده دفن کنند چون لا من برسد بیالایند و بکار
برند در بهره که راقم برای دردمختی طحال و نفخ شکم و اشتها مفید یافته ص اجوا این پوست هلیله
هر یک بیست درم کیث یعنی چرک آهن سه درم هر سه را اندکی بکوبند و در ظرف کهنه چرب
کرده در آب شیرین ده برابر همه انداخته و دهن ظرف محکم بسته در مغاکی که سرگین خشک
دران پهن نموده باشند بگذارند بعد ازان تمام مغاک را از سرگین پر کنند و سه هفته بدارند بیرون
آورده صاف نمایند در شیشه کنند صبح و شام یکدرم باز یاده استعمال نمایند و بعضی قند سیاه
کهنه برابر همه اجزا داخل سازند و بعضی شیره گهیکوار نیز اضافه نمایند در صورت داخل نمودن
شیره اولی نزد راقم است سیاه که قند داخل نمایند باب الذال المعجمه ذرور بالفتح ادویه
یابسه که در چشم و جراحات و قروح پاشند و فرق درمیان کحل و ذروران ست که ذرور را
یک دفعه در چشم می اندازند و کحل را در چشم بمیل کشند تا مقدار قلیلے از دوا بچشم برسد و شط

گل سرخ شانزده درم عسل کف گرفته هشت اوقیه هر اوقیه پنجاه درم دبرارنب را از موضع
مختلف از جلد ارنب بگیرند و باریک بسایند و باقی ادویه بعسل بسرشند و با آتش ملایم بپزند تا غلیظ
شود و وقت خواب بخورند وقتیکه معده خالی از طعام باشد دوا مجهت بند کشاد نافع است
ص کونبل درخت ڈهاک که دانشده باشد و بعد از خزان آن بهم میرسد هر قدر که باشد نرم
کوفته با قند سیاه شش هفت ساله و هر قدر که کهنه باشد بهتر بسیار سحق نموده بقدر یک تولہ گولی
بسته تا چهارده گولی بخورد دوا مکه تعقد و وجع مفاصل را نافع نماید ص تخم شبت را گرفته
در آب بپزند و بخار آن بعضو برسانند و همچنین خوردن البان برای وجع ظهر مجرب است
دوا مکه درد پشت را که از باد و بلغم بود سود دارد ص شاخ آهو را در آوند کرده بگل حکمت گیرند
و در آتش افگنده بسوزانند آنگاه برآورده آس کنند و هر روز قدری ازان با روغن گاو بخورند
مجرب نوشته اند و حکیم علی گوید روغن گل در صلایه داشته که از سرب مصنوع باشد بمالند و این
روغن را بر مفاصل طلا کنند وجع آن رفع نماید و سحاقه و حراقه اسرب جهت وجع مفاصل نیز
مفید است و بستن قطعه اسرب بر النواه و تعقد مفاصل اذابه آن کند دوا مکه جهت تسکین
درد مفاصل مجرب نوشته اند ص استخوان آدمی سوخته باریک ساخته بگلاب بسرشند و مهیا
کنند و قدری بمالند و صاحب تحفه گوید آشامیدن استخوان سوخته انسان سه روز هر روز یکمثقال
با مثقال آن شکر جهت عرق النسا و مفاصل وصع بغایت آزموده شد دلوک جدید برای
ربو بلغمی ص زبد البحر پوره ارمنی باریک سائیده در پارچه خشن بسته بر صدر و اضلاع آهسته
دلک نمایند و اگر از دلک اغبار شود روغن خیری و روغن خربزی با هم آمیخته قدری بر سینه
بمالند دلوک جهت خناق و اقسام آن رافع کند ص سبوس گندم اکلیل الملک بابونه
خطمی زوفا نمک در آب بپزند و پای ها را درین مطبوخ بمالند تا گرم شود ڈرهره گهیکوار
لغت هندی است و معنی آن بنبد صبر است و از اطبا است که گفته اند از برای جمیع
امراض سوداوی و بلغمی و جمیع امراض باردہ معده و کبد و تنبین و استسقا را دفع کند

خواهند نهاد هموار کنند بنهجی که اندر گوش در آید و چسپان شود تا هموار او و داخل نباشد و اگر
طرفی خالی نماید بپارچه مخموسازند پس آنطرف که نپیه است بفروزند و هرگاه حرارت وی
اندر گوش کمابینغی محسوس گردد چوب را دفعةً بیرون کنند تا بنابر ضرورت آب منجذب شود
و در اثنار این عمل باید که مریض بر همان شق مضطجع باشد تا آب بسهولت برآید و هرگاه آب
اندک بود لبسا باشد که بنابر حرارت خود بخود منجذب شود و تحلیل یابد دوا مه که درد گوش دور
نماید ص آب برگ سندروس در گوش چکانند دوا مه که کرم گوش را بکشد ص حنظل
تازه در آتش کنند چون پخته شود مغز او بمالند و فشرده در اندرون بچکانند کرم بمیرد دوا مه
که رطوبت ضرف که از گوش سائل شود دفع نماید ص مازو باریک ساخته در شراب کهنه
آمیخته بچکانند دوا مه که در سیلان خون از گوش باز دارد ص انار مع پوست و انچه در دوست
اندر سرکه بپزند و بچکانند دوا مه که درد گوش را بسبب ریاح بود مفید بود ص شلغم را در آب
پخته بخار آن بگیرند دوا مه نافع جهت سیلان خون از گوش و مجرب درین باب نوشته اند
ص بگیرند کلیه ثور و قدری از شحم آن محلج کرده نیم بریان کنند و فشرده آنرا آب بگیرند و در گوش
چکانند و سفل آن نیز نافع است و همچنین چکانیدن روغن خسته زرد آلو دوی و ثقل ان
را ببرد دوا مه که قرحه و بثره گوش را ببرد ص لعاب حلبه و تخم کتان و تخم مرو فزادی یا مجموع با شیر
زنان آمیخته در گوش چکانند دوا مه که کرم گوش بکشد بلیم کوفته بخته در گوش اندازند و یا آلبش بار و ده
بچکانند و همچنین اگر قطور کرده شود صبر و سقمونیا محلول بآب گرم دوا مه که درد گوش ببرد ص
مهاور در شیر عورت حلکرده در گوش چکانند و اگر مرز بگوش جوشانیده بخار آن بگیرند ثقل گوش
و وجع ببرد دوا مه برای عجل مجرب ص جوز بواسه درم تخم پیاز تخم جرجیر تخم شبت بسباسه
لسان العصافیر از هر یک یکدرم مشک یا عنبر هر واحد که باشد قدری گرفته بعسل بسرشند
و زن بعد از ظهر در صوف بقدر سه ساعت دارد بعد از ان بیرون آورده صحبت نماید دوا مه
نافع برای فتق ص دبر از نب هشت درم حبه السوداء زرورد از هر یک چهار درم ورق

وانگشت را در آب یخ بگذارند وحضض طلا کردن در ابتدا نافع می آید وصمغ سر وصماد کنند
وچند روز بسته دارند تا نرم شود پس سوزن درین ناخن زنند تا خون بسیار ریزد پس صمغ
باسر که کوفته صماد کنند از صبح تا شب دست را تازه با ناخس معیوب بندارد دوا مه که بر حرص
در دو روز باذن الله رفع نماید ص بگیرند ماری ولبنگا فند وشاهتره تر یا خشک در شکستر
پر کرده بدوزند وبر روی آتش کباب کنند تا پخته شود پس شاهتره را برآورده بر موضع بر حرص
صماد نمایند دوا مه بجهت شقاق که در لحم سرایت کرده باشد ص سندروس بکوبند وبار وغن
گذر بیزند تا غلیظ شود پس از شقاق بچکانند دوا مه که گنده نغل دور کند ص نوتیا بگلاب
سوده بر کاسه سفال تو بمالند وعود را بر مجمر نهاده بر بخار عود گذارند تا خوشبو گردد وپس نوتیا را در نغل
بمالند دوا مه که کلف وتیرگی روی را ببرد ص غنچه گل چینه مع برگ پوست بایسایند بر روی طلا
کنند دوا مه که سفعه سرخ را که بر روی واقع شود نفع نماید ص بگیرند صابون ودر گلاب سائیده
طلا کنند هر روز بگذارند یکدو ساعت پس بآبگرم بشویند واعاده کنند بارها وجهت چهانجن که
در عضو بهم میرسد وجلد تو بر تو مثل قوباء مقشر میگردد نیز مجرب است دوا مه که کری گوش
ببرد مغز بادام مغز تخم کدو وتلخ هر یک یکدام بیخ نیم پا واد رک نیم پا وسیر نیمه را نیکوب کرده در آب
جوشانیده وصاف نموده بروغن کنجد نیم سیر داخل کرده بجوشانند تا آب جذب شود در روغن
بماند چند قطره گرم کرده بچکانند دوا مه که برای بند کردن ریم از گوش بعد ازان که اخراج
از ادویه دیگر کرده باشند مجرب است ص پوست بیضه مرغ وخرمهره زرد مساوی گرفته
هر دو را سوخته سائیده نگاه دارند ودر گوش قدری ازان بدمند دوا مه که گوش را از
چرک پاک کند ص فتیله بعسل آلوده از روت مسوف بران پاشیده در گوش گذارند دوا مه
که آب در گوش رفته باشد زود بجهل ودیگر تدابیر بر نیاید فوراً برآرد چوب مروی یا شبت یا باد یان
که متحلحل باشد بقدر یک وجب گیرند در یک طرف او بمقدار ثلث دی که چهار انگشت
مضموم میشود پنبه بپیچند یا زبیت یا روغن دیگر بیالایند وطرف ثانی چوب مذکور که در گوش

در آب جوشانیده آن آب را در خانه پراگنده کنند کیکان نمیرند و اگر خون بز در زمین دفن کنند
کیکان آنجا جمع شوند دوا مکه سفیدی موضع حجامت دور کنند ص مروارسنگ سفید
کرده بعد از فراغ از حجامت بمالند همچنین بقوه سائیدن در ساعتی گذاشتن دوا مکه نفع بر
ثالیل بخشد هر روز چند بار بسرکه و نمک ثالیل را دلک کنند و از پارچه شب یمانی مکرر بمالند که خون
آلوده شود دوا مکه دمامیل را بکشاید و از شگافتن باهن مستغنی سازد ص آبک آب
مذیده با پیه ممزوج کرده برنهند دوا مبرای رفع رشته ص صابون قدری در روغن کنجد
مرهم ساخته ضماد نمایند انشاء الله تعالی در سه روز نفع بین نماید دوا مکه نهزال می نماید
ص لک مغسول با یکدرم سرکه چند روز بخورند و اگر هر روز سه درم از سند روس در آب
و سکنجبین حل کرده با سه هفته بخورند تهزیل بی اذیت کند دوا مکه از مجربات محمد زکریا است
بجهت ازاله برص ص مورچه کلان که از گور برمی آیند با سرکه بسایند و موضع برص را
بخراشند بعد از انکه تنقیه مسهلات کرده و یک اربعین روز و شب طلا نمایند و بروغن بادنجان
و آب نطرون بشویند دوا مکه حبس عرق نماید ص شب یمانی با آب حل کرده بمالند دلک
بورق سوسن و آس و طرفا و آب معصور آن دوا مکه عرق مدنی را بغایت نافع است
در اول ظهور نفاط ص نیمدرم صبر بخورند روز دوم درم روز سوم یکنیم درم و موضع را
نیز بصبر طلا کنند و هرگاه رشته ظهور نماید باید که بر پارچه سرب که بوزن یکدام باشد پیچند و
از قطع شدن رشته پرهیز کنند مگر آنوقت که رشته دراز شود پس درینصورت اندکی ازان
قطع کنند و باقی را بر پارچه سرب بندند دوا مکه سبزی و کبودی را که از ضربه بهم رسد برد ص
برگ کلم با ترب یا پودنیه کوبیده ضماد نمایند دوا مکه سبش ابکشد ص زنبق در آب برگ ترب
سحق بلیغ نمایند و ریسمان را چند مرتبه تر نموده خشک ساخته در کمر بندند دوا مکه خنازیر را
منفجر سازد و هم تحلیل نماید ص حجر مغناطیس را به سرکه و آب سداب حل کرده بمالند
دوا مکه داخس را نافع باشد ص زبر قطونا سرکه ضماد نمایند و خرقه در آب نخ تر کرده ببندند

نقل شده دوا مه برای کلف ص پوست بیضه دانستان مربی بخم خربوزه دقیق صعتر
منحل اصول قضیب قشور عدس دقیق باقلا فوفل زبدالبحر ماسیران چینی از هر واحد یک جزو
ادویه باریک سائیده بکار برند و بقدر حاجت گرفته با آب تر خمیر کرده بر موضع طلا نمایند
دوا مه دیگر ص ترمس با فلاشعیر منقشر تخود گرسنه تخم خربوزه از هر واحد چهار درم قسط بادام
تلخ بیخ سوسن زبدالبحر زراوند مدحرج از هر واحد دو درم تخم ترب حجر فلفل کندش جزو کنجشک
سفید از هر واحد درم و نصف همه را باریک کوفته در آب سرشته طلا نمایند و آب نخاله بنوشند
دوا مه که منع ریختن شعر ابرو نماید مجربست ص خاکستر نفاحات که در شکم ماهی میباشد خاکستر
قشور بندق بیخ نی لادن برابر گرفته در شراب حل نموده برابر و طلا نمایند و کم خواهد بود که این
دوا بعضی که باید استعمال شود نفع نکند دوا مه که برای برش نمش جا مع النفع ست ص بادام عدس را برابر گرفته
باریک سائیده از آبی که در ان انجیر پخته باشند سرشته بروجه طلا نمایند دوا مه که مسمی بمعتصمی
است معتصم بعضی اطبا را برای غلام خود فرمایش کرده بود ص بگیرند قیروطی که معمول اردو
فایز است بر بدن مالش کنند پس بحمام بروند و لحاف بپوشند تا آمدن عرق شروع نماید
و آب نیمگرم بر بدن اندازند تا که رطوبت آن در بدن سرایت کند پس این طلا نمایند ص
رماد حلزون رماد بیخ سداب دشتی هر یک مساوی ظلف ماعز کرنب بیخ هندی کهیره هر یک جزو همه را
در سرکه انگوری و قدری زیت حل نموده متواتر طلا نمایند در هر موضع که باشد موی بروید
و تخلف ندارد دوا مه که موی باریک بکند ص لحاء درخت انجیر لحاء کرم سفید بری طین
قیمولیا از هر واحد قدر مین در آوند آهن کرده گل حکمت نمایند و در تنور فخارین بریان کنند پس
خارج نمایند و نصف درم بورق و ماز و سه عدد بان سائیده استعمال نمایند دوا مه که زنبور از ا
بگریزد ص بگیرند گوگرد بالسر زنبور و آن بسوزانند و اگر عصارهٔ خطمی یا خاد شتی در زیت حلکده
کسی بر خود مالد زنبور گرد آن کس نگردد و اگر پوست ترب را بر گزدم نهند ببرد و همچنین
آب ترب و برگ آن و آب دهان روزه دار که مزاج او گرم باشد گزدم را بکشد و اگر حنظل

بسایند همین حکم دارد دوا دیگر که در تلیین اورام صلبه و تحلیل صلابات نافع تر است و
قوی الاثر ص پیه بط پیه ماکیان مغز ساق گاو موم زرد همه را بر روغن بگذارند و بر عضو بمالند
یک شبانروز و قبل از وضع دوا باید که بر عضو تمطیل کنند بطبیخ خطمی یا آب صرف نیم گرم و
تضمید دیگر نمایند و هر بار بسبب تمطیل لازم دانند و چون رخاوه در ورم جاذب گردد محللات
بکار برند دوا دیگر جهت خنازیر حاره بکار آید ص مرصاف یک جزو حضض نکی دو جزو
آب کشنیز تازه ضماد نمایند دوا برای رشته ص افیون پیاز صابون روغن کنجد پیاز
وصابون را ریزه ریزه کرده در روغن جوش دهند که مثل مرهم شود بر دهن نازود حوالی
آن ضماد کنند اول بخار آن بموضع رسانید بعد ازان ضماد کنند دوا دیگر جهت خنازیر
اورام صلبه ص تخم حلبه تخم کتان تخم کرنب یکجا کنند وضماد نمایند دوا دیگر جهت خنازیر
وامثال آن ص سرگین گاو خشک کرده با بونه اشق خطمی همه را باریک ساخته وبهم آمیخته
ضماد نمایند دوا دیگر جهت خنازیر که بی حرارت باشد وجهت سلعه بغایت موثر ص
قنه دو درم حلتیت اشق هر یک پنج درم جاوشیر فرفیون هر یک هفت درم مقل ازرق چار درم
سکبنج سه درم جمله را در سرکه حل کنند و بآب کشنیز ضماد نمایند و بعد سه روز تازه سازند دوا
برای حراز ص دقیق تخود چهل درم حلبه بورق نخاله رصاص سفید مسحوق از هر یک هشت درم
گل خطمی شش درم کوفته از خل خمر که ممزوج باشد خمیر کرده بر سه مالند واز روغن گل ممزوج
بخل نموده تدهین کنند دوا که بوی نوره دور کند ص برگ خوخ عفص حنا گل سرخ
سک صندل سفید مفرد یا مجموع کوفته بیخته بعسل طلا کنند دوا دیگر که اورام صلب
چون خنازیر ببرد سلعه وامثال آنرا ببرد ص سرطان نهری تازه بکوبند وضماد نمایند تا سه روز
صبح وشام تازه نمایند و بعد سه روز با نوره و نمک ملح مناصفه بکوبند وضماد کنند از صبح تا شام
واز شام تا صبح در سه روز پخته میگردد و بعد با دوبه منقیر سازند دوا جهت برص مجرب است
ص با بچی غنچه گلنار دهن بسته مساوی صلایه نموده بر موضع برص بمالند از بیاض عمم مرحوم

ص خرقه با سرکه تر کرده بر جراحت نهند و بگیرند گل ارمنی یک جزو پوست بیخ نفاح افیون هر یک
نیم جزو کوفته بیخته با آب سرشته بنادق سازند و وقت حاجت بگلاب و قدری سرکه انگوری
سائیده طلا نمایند بالای آن خرقه مسلول با آب برف نهند و اگر خشک شود تبدیل خرقه نمایند
دوا ام که بجهت کشادن جراحت موضع گزیده سگ دیوانه بکار آید ص زفت یک طل حاشیر
یک طل در سرکه حل کنند و زفت باوی بسرشند و ضماد کنند و پیاز و حلتیت را بر سر موضع گذاشتن
همین کار کند و حکیم کاشفا گفته که بهتر از پیاز در علاج سگ دیوانه هیچ چیز نیافتم طریق آنست که نیم من
پیاز را آب گرفته در سه شبانروز بیاشامند دوا ام دیگر برای ورم که بعد از بیماری ها در از پشت
ما و چشم در وی پدید آید سود دهد ص صبر اقاقیا مر کی سعد شیاف ماهیثا زعفران حضض گل ارمنی
طلا نمایند دوا ام که دمامیل را نافع است ص تخم کنان حلبه هر یکده درم مبیعه سائله چهار درم
موم سفید بیست درم بروغن یاسمین ضماد کنند دوا ام جهت انضاج دمامیل ص خمیر ترش
دو اوقیه تخم مرکوفته اسبغول مسلم بروغن گاو چرب نموده هر یک یک اوقیه و نصف لبن
البتین سه اوقیه حلبه تخم کنان هر یک پنجدرم و بسر برند و بکار برند دوا ام که ورم دمامیل
بگشاید ص خمیر نان سه جزو بورهٔ ارمنی نمک جاشا سرگین کبوتر سرگین خروس هر یک یکجزو
بکوبند و بزبیت سرشته استعمال نمایند دوا ام دیگر جهت اورام حاره و ورم حار فرج و قضیب
و کنج ران و سایر اعضا از مجربات است ص کوکنار بکوبند و باریک در آب بپزند که مهر شود
پس هم چند کوکنار اسبغول بگیرند و سحق نمایند و روغن گل بقدر مناسب اضافه کرده استعمال
کنند دوا ام دیگر جهت کسر عادنه ورم سرطانی خواه متقرح باشد یا سرف هر تقرح بود ص سپیده
اسرب نوتیا شسته بالسویه روغن گل در آب خرفه آب عنب الثعلب لعاب تخم خطمی آب کدو
آب تخم خیار هر کدام که حاضر باشد آمیزند و ببرنهند دوا ام دیگر جهت سرطان متقرح و جرب جار
و حکه و اورام حاره مجرب است و منع مرهمی نماید ص سرب را با آب کاسنی بسایند تا غلیظ
شود و بروغن گل یا روغن بادام بالسویه ضماد نمایند و اگر با آب کشنیز سبز یا آب برگ بارتنگ سبز

دمامیل و اورام ۱۲

دران آمیزند وزعفران در گلاب حل کنند و با شکر آمیزند و بر آتش بپزند و روغن اندک اندک داخل
کنند و بخیسانند که حلوا شود پس این را با سابق ببرشند و هر روز پنج درم بخورند و بعد او باندک زمان
استحمام نمایند بجهت سلعه که آنرا در هندی رسولی گویند نفع بین میرساند چونه پان سبجی لوٹه هر دو را برابر
گرفته بآب کهرل نمایند و بقدر نصف بخود در میان رسولی گذارند بعد از سه چهار روز منفجر شده آب
خواهد برآمد بعد ازان مرهم گذاشته علاج نمایند و تا به شدن آب هرگز نرسانند که بیم عود است **دوا**
که از محمد حیات اکبرآبادی براقم رسیده بجهت آتشک مجرب است **ص** شنگرف بریان کرده رنگار
هر یک دو ماشه خرمهره زرد سوخته چهار عدد سپاری چهالیه سوخته یک عدد مردارسنگ بریان
کرده نیله تهوتهه بریان کرده رال هر یک دو ماشه شنگرف نیله تهوتهه مردارسنگ هر سه را سائیده
بعد خرمهره و سپاری چهالیه سائیده بعده زنگار با هم بیامیزند خوراک از نیم سیر تا دو نیم سیر وقتیکه
ارادهٔ خوردن دوا کنند اول نان گندم بوزن چهار دام بپزند و بروغن زرد چوب چرب کرده آنرا
واندکی نان از میان گرفته دوا را در و انداخته غلوله بسته بخورند بعد ازان تمام نان را بخورند **دوا**
که در تسمین بغایت نافع است **ص** کتیرا مغز بادام نشاسته شکر جمله برابر بگیرند و قدر رواق تناول
نمایند و مداومت فرمایند **دوا** که بدن را لاغر کند **ص** نانخواه تخم بادیان سداب زیره کرمانی
هر یک چهار درم چوب لک یا لک مغسول دو درم بورهٔ ارمنی مرز نجوش هر یک یکدرم کوفته
بیخته هر روز یک مثقال بدهند **دوا** دیگر **ص** زاج زرد اوند مدحرج حنظل یا هر یک دانگی
و نیم مرز نجوش نیمدرم لک مغسول سندروس هر یک چهار دانگ کوفته بیخته دو دانگ بخورند **دوا**
که حبس عرق کند و شکم ببندد **ص** برنج سماق کشنیز عدس عناب در آب بخیسانند و بجوشانند و آب آنرا
تنها یا با شربت خشخاش بنوشند **دوا** دیگر که عرق بند کند **ص** ماز و باقدری سفیدار زیر بار یک ساخته
بار و غن گل آمیزند و بر بدن بمالند **دوا** دیگر **ص** گل سرخ گلنار اقاقیا حضض کندر بر و غن گل
با گلاب سائیده بمالند و تدهین روغن نفع تمام دارد و غذای که حبس عرق کند هر بیه و گوشت
نمک سود و گوشت گاو و امثال آن این است **دوا** که چون از موضع جراحت زلو بازدارد

دوا مذکور تصرف حکیم علی آهک آب نادیده یکرطل زرنیخ زرد خالص سه اوقیه صبر یکمثقال
هریک را علیحده علیحده بسایند پس همه یکجا خلط کنند و آب گرم بقدر کفایت بیندازند و بیضهٔ مرغ
یک عدد بر آن بشکنند و خوب مخلوط سازند و روغن گل سه اوقیه اضافه نموده گرم گرم استعمال نمایند
دوا مذکور نیز باختراع حکیم علی خوشبو کند بدن را وجع مفاصل و خاصره دور کین و زانو دور
نماید و تحلیل ریاح و تقویت اعضاء و تنشیط حرکات کند ص نوره آبناد دیده دورطل زرنیخ
ورقی سه اوقیه زرنباد دو مثقال صبر سقوطری چند بیدستر هریک یکمثقال علیحده علیحده بکوبند پس
بیامیزند و دیگر بسبر شانند تا خوب باریک شود پس بگیرند دو رطل و نیکوب کنند و در آب خوب
بجوشانند و صاف نموده ادویهٔ مسحوقه باین آب بسرشند و بیضهٔ مرغ عددی بر آن بشکنند و روغن
کنجد پنج مثقال اضافه کرده بر بدن طلا نمایند و اگر زرنیخ کم کنند بهتر باشد و قوهٔ نوره ضعیف گردد
و موی را دیر بستر و دیر بانی معتدبه بلاصق بدن باشد و نفع بامراض بیشتر ظاهر گردد دوا
بجهت آتشک ص شنگرف عاقرقرحا فوه سها گاجوا ین نیلا تهوتهه همه را جو کوب نموده چهار ده
پری سازند یک صبح و یک شام در حقه گلی بکنند دوا مه که چون برابط دهانه وذقن بمالند رفع
نبات موی کند ص طین قیمولیا اسفیداج رصاص هریک جزو شب نیم جزو آب لیمو رطل طلا
نمایند دوا مه که در یسمین عجیب است ص کهربا یمن سفید مغاث زرنباد جوز گندم تخم خشخاش
هریک هفت درم کوفته بیخته بریان کنند و پست گندم بقدر سبوق سائیده آمیزند و شکر سفید
بقدری که شیرین سازد اضافه نموده موافق مزاج استعمال نمایند دوا مه دیگر برای یسمین باعتقاد
سمرقندی بهتر ازین و درین باب هیچ دوای نیست ص حب السمنه بوزیدان جوز گندم حب
فلفل هریک یکدرم حب الحلب قرفه دارچینی شقاقل هریک سه درم تودری سفید دو برابر
تخم خشخاش هریک پنجدرم زعفران دو درم جوز هندی آرد با قلا آرد نخود هریک ده استار مغز فندق
کیتر ابدوغن صبره هریک نیم من مغز بادام آرد بیخ شنگر سفید فانیذ هریک یکمن عسل منزوع الرغوه ده من
فانیذ را بکوبند و با عسل آمیزند و بر آتش نهند تا مختلط گردد پس فرود آرند و ادویهٔ کوفته بیخته غیر از زعفران

گفته ندیده ام کسی را که خورده باشد این دوا را نفع از سنگ دیوانه ندیده ام ص سرطان نهری
محرق دو جزو کندر یک جزو هر روز دو درم صباح دو درم عشار با آب سرد بخورند دوا مرکه در رمیدن
دست از سر بکار آید ص شلغم را میان خالی کرده وموم و روغن در میان نمایند و در خاکستر گرم
نهند و طلا نمایند و اگر شلغم پاره کنند و در روغن بجوشانند و ضماد نمایند نیز سود دهد دوا مرکه در ترقید
باشنه بکار آید ص پیه بز گداخته نازو نرم سائیده در هم آمیخته بر قیدگی کنند دوا مرکه جهت استیصال
مادهٔ جرب رطب صاحب بقائی ستوده ص مصطگی یکدرم با میران چینی دو درم گل سرخ خشک یک
مدبر در سرکه و روغن بادام هر یک سه درم صبر سقوطری ۵ درم کوفته بیخته سه درم یا کم از ان
با امثال آن شکر تری آمیخته با بگرم می خورند و اگر خواهند با سه چندان شکر تری مقوم سازند
و بقدر تحمل بعمل آرند نیز رواست دوا مکرر برای ضربه معمول راقم ص لک منعسول مصطگی فوه
ریوند چینی از هر یک نیم درم کوفته بیخته بر رده بیضهٔ مرغ نیم برشت انداخته بخورند جمله یک شربت است
دوا مرکه برای برص از حکیم محمد احسن که حال راقم اند تجربه راقم رسیده ص بابچی نیم آثار نمک سنگ
سه پاو کوفته بیخته بقدر کفدست خورده باشند غذا سوای نان نخورند هیچ نخورند و در اثناء خوردن
این دوا مالش باین دوا کرده باشند بابچی پاو آثار نمک نیم آثار کوفته در دوغ شیرگاو تر نمایند و نگاهدارند
هر روز مالیده باشند دوا مرکه بسرعت حلق شعر نماید ص بگیرند آهک تازه و بروی شش چندان
آب اندازند و سه روز بدارند و پس صاف نموده سدس آن آهک دیگر اندازند و بعد از سه روز
صاف نمایند باز همان قدر آهک دیگر اندازند و بعد سه روز صاف نمایند پس زرنیخ اصفر ثلث
آن باریک ساخته اندازند و در آفتاب بدارند و هر شبه امتحان کنند پس بصوفه بدن را بمالند
که زود حلق میکند و بعد ازان روغن گل طلا نمایند و اگر ضرورت باشد که جلد مرتب سازند بگیرند
نوره و ثلث آن زرنیخ و هر دو را در آب سائیده بر موی ها بمالند و ساعتی صبر نمایند پس دور
کنند و اگر هر دو را در آب سائیده در قدری آب بر آتش بنهند و استعمال کنند اقوی خواهد بود
و اگر قدری صبر درین بیفزایند هم بوی نوره و زرنیخ دور خواهد کرد و هم در خواص قوی خواهد بود

بکار آید ص بابونه اکلیل الملک بنفشه خطمی سبوس گندم مجموع یا هر واحد در آب جوشانیده علی الدوام بخورکنند دوا است که چون بر آبله باشد مفید بود ص گل سرخ کندر صبر انزروت دم الاخوین همه را سائیده استعمال نمایند دوا است در زمانی که خشک ریشه بافتد که در زیر خشک ریشه رطوبتی باشد و عمق داشته باشد بکار آید ص صبر مرزرد چوبه مردارسنگ اقلیمیای نقره سفید آب قلعی زنجبیل سائیده دران عمق کنند تا پر شود دوا است که نشان آبله از روی ببرد ص بنج نی خشک هشتدرم استخوان سوخته یا بوسیده پشنگ گوسفند کهن سفال نو تخم خربوزه نشاسته آرد نخود هر یکیده درم حب اللبسان قسط زراوند طویل هر یک پنجدرم کوفته بنجینه با آب خربوزه یا آب باقلا سرشته بشب طلا نمایند و در بنفشه بپزند و با آب آن روزانه بشویند دوا است دیگر مردارسنگ سفید کرده دو درم آرد باقلا آرد نخود بنج نی خشک هر یک سه درم تخم خربوزه پنجدرم سائیده بکشکاب آمیخته مکرر بعمل آرند دوا است که در حمیٰ مرکبه از بلغم و صفرا معمول راقم است خصوصاً هرگاه بعد تنقیه استعمال کنند بسیار نافع آید ص گلقند سکنجبین هر یک چار درم بهم آمیخته بخورند و عقب آن شیره بادیان شیره تخم کاسنی شیره تخم خیارین هر یک سه درم در عرقهای مناسب کشیده شربت بزوری بار دهفت درم اضافه نموده بخورانند و گاهی حبه هم بقدر سه درم اضافه کرده میشود دوا است که جهت ربع مجرب نوشته اند ص برگ دستبوره سیاه برگ پان کیکری فلفل کرد هر یک دو نیم عدد بار یک ساخته قدر فلفل حب سازند یکی صبح و یکی شام با آب گرم بدهند دوا است الثوم جهت ربع بلغمی مجرب نوشته اند ص ثوم نیم مثقال قسط مغز جوز هر یک دو نیم مثقال پیش از نوبت بخورند دوا است الزبد جهت بلغمی را نافع بود ص زنجبیل بادیان مصطگی از هر یکیده درم تربد موصوف بیست درم شکر طبرزد چهل درم شربت هر شب یکمثقال دوا است الحلتیت شب ربع و گزیدن عقرب در تیلا و مانند اینها را نافع است و از جهت تب بعد از گذشتن چهل روز و پدید آمدن نضج در مواد همراه سکنجبین دهند و جهت گزیدن جانوران زهره دار همراه شراب ص حلتیت مساب مرو فلفل سادی کوفته بعسل بسرشند شربت مقدار یکمثقال دوا است که جالینوس

دوای که نشان آبله از روی ببرد ۱۲

دوا است الزبد

سفوف استعمال نمایند نیز رواست دوا مہ کہ بہت وجع الورک و وجع الرکبہ مجرب است
ص اجوائن ہالون کلونجی مغز تخم خربزہ ہر چہار برابر یک جائی آنکہ بکوبند و ہر صباح آنقدر کہ در گرفتن
سہ انگشت بیاید بآب بنجورند و در کاستن و فزودن حسب مزاج مختار اند دوا مہ کہ بہت
عرق النسا از مجربات قدما است و صاحب تحفۂ سفوف سنا نامیدہ ص سورنجان نیم درم
سنا مکی شش درم باسہ درم شکر دوا مہ کہ بعد تنقیہ بہت وجع مفاصل استعمال نمودہ میشود
ص سورنجان مصری نیم مثقال بوزیدان مصطگی ہر یک نیم درم ہر سہ را سائیدہ در گلقند
آفتابی ہفت درم آمیختہ بنجورند و عقب آن عرق خارخسک عرق گاوزبان عرق خیارشنبر یک
پنج تولہ شربت اصول دو تولہ تا ہفت روز بنجورند دوا مہ کہ بہت وجع مفاصل و اشال
آن بغایت مجرب نوشتہ اند ص سورنجان ہفت درم زیرۂ کرمانی مدبر فود نہ ہر یکدو درم فلفل
یکدرم قند سفید دوازدہ درم کوفتہ بیختہ شربت سہ درم دوا مہ الاربع بہت مفاصل بسیا
مجرب نوشتہ اند ص کمادریوس کما فیطوس خبطیانا تخم سداب مساوی ہر روز یکمثقال
از ابتدای زمستان تا شروع تابستان بنجورند و بمحرور المزاج کمتر استعمال باید کرد دوا مہ الجرمل
بہت اوجاع مفاصل مجرب نوشتہ اند ص ہزار اسفید تخم ترب جلنبیت مرد لبورہ ار
نوشادر مساوی کوفتہ بیختہ استعمال نمایند دوا مہ برای منع عرق در پتہا و جزآن مستعمل است
ص برگ مورد گلنار کہربا سائیدہ بر بدن پاشند دوا مہ کہ در جدری وغیرہ ہر گاہ آبلہ
بزرگ در چشم برآید استعمال کردہ میشود ص سرمہ اصفہانی کافور آب کشنیز سبز حلکردہ
ہر ساعت در چشم بچکانند و رخادہ بر چشم نہند و تختہ از سرب بانندازہ چشم بر بالای بستہ دارند و اگر
فقط سرمہ با گلاب سائیدہ یا بی گلاب در چشم کنند نیز مفید بود و پیش از برون آبلہ جدری
اگر در چشم کشند مانع بروز جدری در چشم بود دوا مہ کہ حلق را از آفت جدری نگاہدارد ص
سماق گل سرخ عدس سبز در گلاب جوشانیدہ غرغرہ کنند و بارب توت و آب سرد نیز
مفید بود دوا مہ کہ در برآمدن جدری زمانیکہ ثبرات گردکہ در و علامات نبودہ باشد

نشود دوا مه که تعظیم ذکر کنند ص بگیرند خراطین و بشویند و خشک کنند و باریک سائیده
و بروغن کنجد آمیخته بر قضیب پس از دلک بخرقه خشن طلا نمایند و یک شب بدارند و بشویند
و بمالند و همین قسم مکرر بعمل آرند عظم تمام آرد و بدانند که دلک دائم و از عقب دلک روغن
مالیدن تا آنچه منجذب شده باشد بتحلیل رود و با آب گرم تنطیل نمودن و بزفت طلا کردن
از منعظمات عضو است و اگر زلو بگیرند و در نار جیل که آب در و موجود باشد بپزند و در جائی
محفوظ نگاهدارند تا تمام آب خشک شود و زلو نیز پس بیرون آرند و پس باریک ساخته طلا
نمایند در سطبر نمودن قضیب اثر تمام دارد و اگر آب نارجیل نباشد عوض او قدری شیر داخل
نمایند و اگر پیاز نرگس را که گل نیاورده باشد اندکی تراشیده و از ان پیاز قضیب را بمالند
تا سرخ شود پس شیر میش طلا نمایند و خمیر کنند و در روز چند مرتبه این عمل نمایند تعظیم ذکر نماید
و اگر زفت بعد مالیدن شیر ریزند و ساعتی نگاهدارند و باز بکشایند و همچنین کنند منفعت عظیم
خواهد کرد دوا مه که چون زن بفرج خود بمالد مرد فریفتهٔ آن زن گردد ص گوشت ممولا خشک
ساخته سائیده در عسل آمیخته استعمال نمایند دوا مه که حرقت شدید فرج و سوزش بول را
نافع است ص کافور قیصوری در گلاب یا آب سائیده استعمال نمایند صاحب قادری
گوید زنی معتاد بود که در ایام حمل حرقه در فرج او پیدا میشد و دهن رحم آهسته آهسته بعد چهار ماه
کشاده میشد در ماه هفتم هشتم بچه می انداخت و هیچ دوا فائده نمیکرد و آخر الامر اجازت دادم
باین دوا و تدابیر دیگر نیز مرعی داشتم اثر تمام مشاهده گردید دوا مه که منسوب ست نه یحیی بن
خالد بمیت وجع مفاصل مجرب ست ص سورنجان دره درم سنا مکی پنجدرم زنجبیل
زیرهٔ کرمانی دار فلفل اسارون هریک دو درم بعسل بسرشند شربت دو مثقال با آب نیمگرم
و اگر بسبیل سفوف استعمال نمایند وزن ادویه یک مثقال کافی است دوا مه مخدر
که عقد شده وجع استعمال نمایند یکمثقال ص تخم کاهو تخم نیج سفید هریکده درم شیطرج
افیون هریک دو درم بهم آمیخته مثل چلغوزه حبوب کنند و یک حب بدهند و اگر بسبیل

از قادری ص برگ یاسمین سفید کوفته بجوشانند بعد فاتر شدن قضیب در وی گذارند بقدر
نیم ساعت و پس ازان همان جا بول کند و سه مرتبه تکرار عمل نماید نفع تمام دارد و نیز در تربوز
منقور آلت درآورده همان جا بول کردن نافع است و کذالک در کدو و خیار دوا مه که
در اسقاط مجرب است ص بول اذرقند سیاه ملفوف نموده بخورانند و همچنین اگر کتول را سائیده
شیاف ساخته بعمل آرند و تبخیر از سم اسپ وی آدمی و مرو جا و شیر و سرگین کبوتر و پوست
مار بچه بیرون آرد لیکن پوست مار بچه را بکشد دوا مه جهت قرحه که چرک و قیح بسیار داشته باشد
ص پنجدانه مزبلی را که هر دانه را سه چهار پاره کرده باشند در آب خیسانیده صبح فرو برند و آب
آنرا بخورند تا هفت روز دوا مه که سرعت انزال را رفع کند و مجرب است ص دانهٔ
تمر هندی سه چهار روز در آب بخیسانند و پوست آن را دور کنند و مغز وی با دو چند قند بکوبند و
حب ها بندند و بقدر نخود دو حب بخورند دوا مه که تقویت باه کند ص مغز کنجشک نر که
در وقت هیجان گرفته باشند بست عدد و در سایه خشک کرده بروغن مخلوط بر قضیب و
کف پا بمالند موجب هیجان شهوة میگردد و مجرب نوشته اند دوا مه که بالخاصیت تسهیل
ولادة کند ص مغناطیس را در دست گرفتن و خاکستر پشم خرطلا کردن و بسر ران راست
و سم اسپ خرد و کردن دوا مه که ادرار طمث و حیض نماید و اسقاط کند ص پوست
خیارشنبر چهار مثقال باریک سائیده در آب بجوشانند و صاف نموده با شربت مدر بنوشانند
و اگر ادویه مدره دیگر نیز همراه پوست مذکور بجوشانند اقوی خواهد بود دوا مه دیگر که ثیبه را مثل
بکر گرداند ص قطعه اسفنج خالصاً بریده بردارند و بعد یکپاس نفع ملاحظه نمایند دوا مه که فرجی
خصیه زائل گرداند و کوچک نماید ص بر سر بی آب کشنیز بچکانند و سر ب دیگر بر و بسایند تا
هر دو چیزی فرسوده شود بر خصیه طلا نمایند دوا مه که چون زن آنرا اندرون بمالد گفته اند
که هیچ کس بر و قادر نشود ص بگیرند کرم خراطین و آنرا خشک نموده سائیده بکار برند دوا مه
دیگر پیه ماکیان مرد ار سنگ زرد سائیده بر قضیب بمالد و مجامعت نماید هیچ مرد بر آن قادر

زعفران ماشہ بدستور مرہم سازند واستعمال نمایند دوا مر کہ تقویت باہ نماید وبند کشاد را نافع باشد
ص بیخ بند تال یکمانہ گوند ڈھاک گوند ناگوری ثعلب مصری روب برسس اجزا مساوی کوفتہ
بیختہ شکر تری آمیختہ بوزن مجموع ادویہ داخل کردہ نگاہدارند وہر صبح یکدام خام بخورند پس شیر گاو
بقدر نیم رطل نبوشند دوا مر النرجبین جہت ضعف باہ کہ سبب آن حرارت بود بکار آید ص
ترنجبین سفیدی درم در دو رطل شیر تازہ بجوشانند تا بقوام آید وہر شب دو ملعقہ بخورند دوا مر
الخشک در تقویت باہ بی نظیر است ص خسک خشک را بکوبند وبپزند ودر آب خسک تر
سہ شب بانروز در آفتاب پرورند وہر روز تازہ کنند چنانچہ آب خسک ترسہ وزن خسک خشک
شود پس خشک کند سہ درم تادہ درم شیر تازہ ودہ درم نبات نبوشند وبر دمزاج را قدری
زنجبیل کوفتہ اضافہ نمایند دوا مر البصل تولید منی کند وبغایت نعوظ آورد ومقوی باہ بود
ص آب پیاز جزو عسل دو جزو بجوشانند تا بقوام آید ودر وقت خواب دو مثقال نبوشند
دوا مر دیگر بجہت قوۃ باہ ص مغز گنجشک خانگی نر ذبح کردہ پاک نمودہ باہر دو خایہ اش
بیست ودو قطعہ جوز بوا نبرگ بیست ودو عدد قرنفل چہار درم مازو سبز چہار عدد زعفران
بسبا از ہر یکنیم تولہ را در شکم بیست ودو گنجشک پر کردہ بدوزند ودر زعفران گاو بریان کردہ پس استخوان گنجشک ہا را جدا
کردہ باجوز کوفتہ وسایر ادویہ را نرم کوفتہ باہم آمیختہ ہر صبح بقدر نیم تولہ بخورند دوا مر جہت شخصی
کہ مایوس شدہ باشد از باہ واز کار رفتہ باشد ص بیار وقضیب گاو خشک نمودہ سوہان کرد
نگاہدارد پس بگیرد بیضہ مرغ وآنرا سوراخ کند وزردی آنرا بیرون آرد بنوعی کہ سفیدی بماند پس
قضیب گاو سوختہ را در ان تخم مرغ پر کند وسوراخ آنرا پوست بیضہ دیگر بگیرد دو بیضہ را بگل حکمت
نمودہ در زمین حفر کردہ برازسرگین گاو کند وبیضہ را درمیان سرگین گاو قرار دہد ویک شبانروز
آتش کند پس آن بیضہ بیرون آورد وگل آنرا دور کند پس ہر چہ برآید آنرا حلایہ کردہ نگاہدارد
وہر صبح مقدار یکدرم بخورد بغایت الہی بمقصود رسد دوا مر برای ورم بلغمی بارد ریحی خصیہ
مجرب است ص مغز بید انجیر در شیر گاو پختہ ضماد نمایند دوا مر کہ سوزاک را نافع است منقول

یکمثقال گل ارمنی پنجدرم باہم آمیختہ باآب برگ بازرنگ باآب برگ تورک یاآب سماق بخورد
دوا دیگر برای ہمین مرض ص سنگجراحت دودام گوندڈہاک یکدام مائین خوردنیم دام
نبات سفید دودام کوفتہ بیختہ سفوف سازند خوراک یک کندست بایک پاؤشیر تازہ دربیہ روز
نفع کند دوا کہ اسقاط حمل وادارطمث نماید ص پودینہ نہری مشکطرا شیخ فوہ حلیت سکبینج
جاوشیر ازہریک دودرم تمرہند سہ درم سداب خشک پنجدرم قرص سازند شربت دودرم
باطبیخ ابہل وطبیخ لوبیا صاف کنند ومقدار پنجاہ درم بدہند دوا دیگر وہ سلیخہ قرفہ ہریک سہ درم
کنجد سیاہ نخود سیاہ ہریک یکمثقال حلبہ سہ کف خرباکبر طل بغدادی بیختہ درآب جوشانیدہ صاف
نمودہ سہ اوقیہ ازان بایک اوقیہ ونیم سداب نیز آمیختہ بخورند دوا دیگر کہ رحاد وعسر ولادت را
نافع شد اسقاط شیمہ کند منقول ازثابت بن مرہ ص مرقنہ جاوشیر بالسویہ شربت دودرم
باب کرفس یاآب رازیانہ دوا اسقاط کند ص انگزہ پنجدرم مرکبدرم سداب خشک سہ درم
جملہ یک شربت است صبح وشام باطبیخ ابہل بدہند دوا دیگر زراوند طویل خطیا ناخبۃ الغار
مرقسط بحری سلیخہ فوہ عصارہ افسنتین مقل قردمانا مشکطرا مشیع مساوی کوفتہ بیختہ ہرصبح دومثقال
باعسل سرشتہ بدہند دوا کہ کفیدی قبل راکہ دراقتضاض بکارۃ یاعسر ولادت بہم رسد
پیش وپس یکجا کردہ مدباشند سود دارد ص موم سفید پیہ گردہ بزمغز ساق گاو بالسویہ بگذارند
وصاف کنند وبہم آمیزند وقدری سنگجراحت ومردارسنگ سودہ دران مخلوط سازند نامدتی
بگذارند تاشفاق رابہ کند دوا کہ استخاضہ رانافع است ص تال مکہانہ خربارسوت سودہ
برابر کوفتہ بیختہ ہرصبح نیم تولہ چہارماشہ شکر آمیختہ باآب برنج بخورند دوا برای خشکی فرج زن
منقول ازبیاض عم مرحوم ص مازو چہارماشہ عود سفید دوماشہ حب لآس سہ ماشہ مشک
نیم سرخ فقاح اذخر سہ ماشہ زعفران یک سرخ قرنفل سہ عدد سک سہ ماشہ کوفتہ بیختہ دریارچہ
کتان بستہ بردارند دوا کہ ورم رحم رانافع بود منقول ازبیاض مذکور ص روغن گل بنفشہ
روغن گل بیہ مغز ساق گاو پیہ گردہ بزازہریک تولہ زردی بیضۂ مرغ یک عدد مصطگی سہ ماشہ

دوا مرکه بسوزش قضیب وبول نفع تمام دارد ص درخت موز که هندی کیله گویند قدری میان
تنه شق کنند ودر انجا وصل نمایند نهجی که دران ترشح کند ودر ظرف آید وتمام شب بدارند پس قدر
آب که جمع گردیده باشد بگیرند ووقت حاجت بدهند دوا مرکه جهت اخراج سنگ گرده ومثانه
ورفع احتباس مجرب دانسته اند ص بگیرند کرم شب تاب که آنرا العربی حباحب گویند براو
دور کرده خشک نموده با دوازده مثقال نقیع حلتیت سه روز متواتر بنوشند دوا مرکه لقوه
باه کند ص بگیرند پیاز سفید صد عدد وپاک نمایند ودر پاتیله سنگین کنند وشیر تازه بر سر آن ریزند
چندانکه چهار انگشت بر سر ان بایستد وبنیرند تا مهر اشود پس از آتش بردارند وبگذارند که سرد شود
وبوزن پیاز روغن گاو داخل کنند وبجوشانند وبوزن عسل بیفزایند وبقوام آرند ومثقال خولنجان یک بیست در
کوفته بدان بسرشند دوا مرکه تقلیل منی کند وباحرارت مزاج توان داد ص گلنار گل نیلوفر
گل سرخ هریکدو درم کشنیز خشک اسپغول هریک سه درم تخم کاهو تخم خربزه هریکیده درم شربت
سه درم باقدری کافور چند روز استعمال نمایند وغذا حموضات سازند دوا مرجهت سیلان
منی وافسام بر میو نافع است وهم مقوی وهم مشتهی ص مغز کونج سفید نیم سیر شاهبهانی
موصلی سیاه نیم سیر شاهبهانی پلیل دراز یاوآثار شاهبهانی شیر ماده گاو پنج آثار شاهبهانی اجزارا
کوفته بخته باشیر بجوشانند که شیر درخورد بعده دارچینی شیرین بکدام بخته عاقرقرحا قرنفل کلاه دار
الایچی خورد وهریک یکدام بخته نرم سوده وشکر سفید رادوبرابر ادویه سوای شیر گرفته داخل نموده
معجون سازند خوراک ازده ماشه تابیست ویکماشه دوا مرکه اورا طمث نماید ودراین باب
قوی است ص مشکطرا مشبع فوه از هریک یکجزو تخم کرفس ازیانه قاقله قنه سکبنج جاوشیر مصطگی
ازهریک نصف جزو سمه راجمع نموده یک مثقال کوفته بآبی که دران ترمس لوبیای سرخ
بخته باشند عسل داخل نموده بخورند دوا مرکه مکرر تجربه رسیده ص خطیما نا سائیده همون
آن حنا بیامیزند ودر آب سرشته برکف دست وپا ضماد نمایند ویکساعت در آفتاب نشینند جهت
طمث کند دوا مرکه رفع علت استحاضه کند منقول از بساط انبساط ص کهربای شمعی سوده

حار نباشد بجهت اخراج حصاة بکار آید ص خاکستر کرنب نبطی خاکستر پوست تخم مرغ که
بچه ازان برآمده باشد حجر الیهود مساوی کوفته بیخته شربت یک ملعقه با آب خسک یا شراب کبنه
دوا بجهت بول الدم مجرب و معمول عم مرحوم ص چشمه نیرج بیست و یکعدد بکوبند و بار یک
نمایند و بخورند و بالای آن آب برادهٔ صندل بنوشند دوا که در تفتیت حصاة اثری
تمام دارد ص خاکستر کژدم حجر الیهود سائیده حجر الاسفنج هر یکدو دانگ با شراب یا ماء العسل
بخورند جمله یک شربت است دوا هندی بجهت کسی که بر بول او مگس نشیند هندیان
از اقسام پریمیو بلغمی شمرده اند ص کراکته پوست رواس هلیله جمهون موکه همه را مساوی
گرفته سائیده دو درم یا سه درم با شهد مریض را بخوردن داده باشند دوا دیگر برای
همین مرض مفید ص هلیله بلیله آمله اکمره الماس مساوی در آب جوشانیده صاف نموده
استعمال نمایند دوا دیگر برای همین مرض ص گلوبند و مکهاره خربا با شهد در آب جوشانیده
صاف نموده بخورانند دوا دیگر برای همین مرض ص کلوجره در آب جوشانیده در انشار
طبخ کرکوکه مارماهی کتکی انگزه داخل کرده صاف نموده بخورانند دوا دیگر برای همین مرض تخم بیرسنده
ص گلوی خشک را نرم سائیده با شکر تری آمیخته نهار دو کف هر روز بخورد دوا
دیگر برای این مرض ص پوست ارنی با پوست نیم یا زردچوبه یا پاڑی در آب جوشانیده
صاف نموده بخورند و اگر سلاجیت یار کنند در نفع اقوی خواهد بود دوا که در رفع حبس
بول مجرب است ص چوده تند خوشبو بقدر یکماشه با برگ پان بخورند دوا که بخاصه
بول کشاید ص زعفران یک شاخ در مجری قضیب نهند و کذلک شوره قلمی و پیش زنده
و اگر کبوتر بچه را بکشند و خون او بر زهار چکانند و آنرا سینه بشکافند و گرم گرم به بندند قوهٔ شتانه
را بحرکت می آرد دوا بجهت سنگ گرده مجرب است ص ترب را خالی کرده چهار دانه
تخم لفت در ان کرده بالای آن از پارچه ترب بند کرده گل حکمت نموده در خمیر گرفته در تنور
نگاه دارند و قتیکه پخته شود برآورده قدری قدری بصاحب حصاة بدهند تا سه روز

بجهت سوزاک نیز منقول از قرابادین عم مرحوم راقم نیز مکرر تجربه نموده ص گیرو بکدام د
تخم و مع پوست یکدام شب دریکنیم پاو آب تر نموده صبح بطور نیک سائیده بنوشند و
تشنگی بسیار شود شیر گاو بخورند در سه روز بفضل الهی برطرف گردد دوا دیگر منقول از
کتاب مذکور بجهت قرحه سوزاک بسیار نافع است ص کونپل درخت بڑ در سایه خشک
سازند بعد ازان سائیده بیخته مثل آن شکر خام آمیخته موافق مزاج بالبی شیر گاو علی الصباح تا
هفت روز بخورند دوا دیگر منقول از کتاب مذکور بجهت سنگ گرده و مثانه ص حجر الیهو
سنگ سرماهی تخم ترب حب القلت از هر یک دو ماشه همه را کوفته در شربت کشوث شر
بخورند بعد ازان شیره تخم خربوزه تولہ بنوشند دوا که تقویت گرده و باه کند ص مغز پنبه دا
مغز حبة الخضرا مغز حب صنوبر صغار و کبار مغز پسته تخم هلیون مغز نارجیل مغز حب القلقل
مغز گردگان مساوی شقاقل زنجبیل حب الزلم لسان العصافیر هر یک نیم جزو کوفته
بعسل بسرشند شربت یک گردگان و اگر مغز کنجشک یک جزو و لعنع دار فلفل هر یکنیم جزو
کوفته بعسل بسرشند قوی تر شود دوا که خون منجمد از مثانه خارج کند ص پوست بیخ
کبر حب بلسان قرد ماناز راوند مدحرج الهل فوه تخم کرفس دو قوهمه برابر شربت شقال تا
دو درم بمقدار الاصول وچکانیده بنشود قدری ازین دوا در قضیب دوا که جهت
درد مثانه نافع و مداومت آن جهت تقویت باه عجیب الاثر است و برای ربو و درد جگر
نیز مفید ص خصیه بز را شگافته زراوند مدحرج نطرون وزهره بز بریان کرده خشک کنند
یکمثقال او در آب گرم بدهند دوا که برای بول فراش بکار آید ص تخم کتان
بریان راسن خشک هلیله کابلی بریان هر یکده درم تخم خطمی هفت درم شب یمانی سه درم
اقاقیا مرکند رشیاف ماهیشا هر یک دو درم کوفته بیخته با عسل بسرشند شربت سه درم
دوا که بول فراش را نافع و هم برای سلسل بول و ادرار مدی و منی مجرب است ص
بلوط را با هموزن او کندر کوفته بیخته با روغن زیتون مداومت نمایند دوا که هرگاه مزاج

وحکیم علی نیز باین معنی تصریح نموده **دوا** نافع از برای فروح کلیه ص مغز تخم خیار با درنگ،
سی و پنجعدد مغز حب صنوبر دوازده عدد مغز بادام شیرین مقشر پنجعدد زعفران قدری کوفته
بنا شتا بخورند پس اگر حرارت بسیار باشد بدل حب الصنوبر مغز حب خیار کنند **دوا** که
همین منفعت کند ص حب الصنوبر هشت عدد مغز حب قثاء چهل عدد مغز حب قثاء چهل
نشاسته یکدرم ونیم کوفته با یک رطل آب که دران نار دین تخم کرفس از هریک هشت درم
جوشانیده باشند تا بربع رسیده باشد حل کرده بیاشامند **دوا** که هرگاه درین علت وجع
شدید باشد واجب است معالجه این دوا و دواعی اض از علاج قرحه ص نبر البنج یک قیراط
مغز تخم خیارین دو درم تخم کاهو یکدرم تخم خرفه مقشر یکدرم کوفته حب سازند تسکین وجع فورا
نماید **دوا** که تفتیت حصاة نماید ص مغز تخم خربوزه حب القلت زجاج ابیض محرق
دو قو مساوی کوفته یکدرم بآب خسک یا آب ترب بیاشامند **دوا** که مجرب است در تفتیت
حصاة ص تخم خربوزه تخم قرطم زعفران حب القلت کوفته همراه اشیاء مناسبه استعمال نمایند
دوا دیگر همین منفعت دارد ص اسفنج اصل خسک تخم گندر هریک دو درهمی تخم خیازره
تخم خطمی نشاسته از هر یک درهمی را زیانه اینسون جعده
از هریک سه درهمی کوفته بقدری که طبیب مناسب داند که حاجت است بیاشامند **دوا**
عجیب الفعل در تفتیت حصاة ص مغز تخم خربوزه نا نخواه تخم کرفس تخم ترب زیره سفید
مغز بادام تلخ اجزای مساوی کوفته شربت دو درم با آب پرسیاوشان وچند روز متوالی
بآن مداومت نمایند واین نسخه از اسحق است وگفته که من آزموده ام چون هر روز سه درم
از با آب مطبوخ پرسیاوشان بخورد بی شک سنگ بیرون آید غذا نخود آب **دوا**
برای سوزاک منقول از قرابادین عم مرحوم ص بیخ کیله پوست بیخ فالسه اگر شیرین باشد
بهتر تخم خبازی اصل السوس از هریک یکتولچه سوای اصل السوس هر سه دوا را
بطور نیک سائیده واصل السوس را لعاب برآورده علی الصباح بنوشند **دوا**

اسہال اطفال صاحب بقائی لبیار ستودہ ص دہاوہ بیل گری اندرجو تلخ خس مساوی
کوفتہ بیختہ بقدر سن ومزاج طفل بعسل آمیختہ بلیسانند وبعضی بجای دہاوہ آلہ میکنند ودر منصور
بقی ہم نفع می نماید دوامہ دیگر جہت بواسیر صاحب بقائی لبیار ستودہ ص اندرجو تلخ جزبک
ہرواحد یکدانگ مصری یکنیم مثقال کوفتہ بیختہ یک مثقال بادوغ گاو بخورند غذا دال مونگ
مقشر باخشکہ دوامہ کہ بہ دیگ بردیگ مشہور است لفظ فارسی مرگ موش عملی نیز گویند وترجمہ
وی بعربی قدر علی قدر است ووجہ تسمیہ او از بعضی تراکیب این مرکب مفہوم میگردد اسقاط
بواسیر میکند وہرگوشت زیادہ کہ باشد رفع سازد ص سیماب نوشادر ہریک ربع رطل زنگار
آہک آب ندیدہ ہریک نیم اشخار یک رطل زرنیخ زرد سودہ ہریک یک رطل ونیم لعبدا
اجزا با سرکہ بسایند تا سیماب کشتہ شود پس خشک کنند ومرتبہ دیگر باب سرد بسایند وآنرا در یک
مصعد کنند ونگاہ دارند وبرباسور کہ بیرون آمدہ باشد بپاشند محمد زکریا میگوید این دارو
ہر دارو ہریک روز برباسور باید کرد واگر بینند کہ ہنوز چیزی می برآید یک روز آسایش دہند
وروز دیگر بکار برند پس برگ کرنب بپزند در آب وروغن گاو مرہم ساختہ استعمال نمایند
دوامہ کہ علت انبہ را زائل کند ص جدوار قسم اول درسرکہ سائیدہ ودر پنبہ آلودہ کردہ صاحب
انبہ احتمال نماید علتش زائل گردد واگر ازین عمل سہ مرتبہ کند اثرش نماند بعضی اطبا نوشتہ
اند کہ باین دوا ر علاج اکثر مردم نمودم شفا یافتند وبعید نیست کہ این قسم از بلغم بورقی
بود کہ در امعا باشد وبرای ہمین این تدبیر کثیر النفع است در ازالۂ دیدان صغار کہ در مقعد
پیدا میشوند دوامہ کہ قتل دیدان نماید ومجرب است ص بعد دہ دانہ کہ از مویز بیرون
آرند فلفل گذاشتہ مردکلان را ہشت عدد وخورد را پنج عدد یا دہ عدد بلع بکنانند دوامہ کہ
بجہت اسہال خون بواسیر نافع است ص رسوت سہ ماشہ باماست ملفوف نمودہ
بخورند غذا دال مونگ گلتی باماسکہ وہمچنین داغ کردن خضر وبصر برای خون بواسیر مفید
نوشتہ اند وکذلک داغ نمودن بر مفصل ترقوہ جہت ریاح بواسیر از مجربات نوشتہ اند و

کوکنار نیم برشتہ پلپل کشنیز خشک بریان یک ٹانک صمغ عربی ربع ٹانک کوفتہ بیختہ بآب سرد
شبینہ بقدر مزاج مریض استعمال نمایند طریق مدبر کردن بنگ بگیرند قنب قسم اول پاک کردہ بزر
بنفشہ یا روغن بادام یا روغن گاو چرب کنند پس بیارند علف سبز کہ ہندی آنرا دوب گویند
وشیرہ وی بستانند و قدری از شیرہ ناخواہ نیز بآن ضم کنند و این ہر دو شیرہ در بنگ انداز ند
وبدست بمالند و برسفال نو آب نرسیدہ بر آتش ملایم برشتہ نمایند و فرود آرند و بعد از سرد شدن
باز شیرہ مذکور را آمیختہ بریان کنند و ہفت مرتبہ رسانند پس بکار برند **دوا** مہ کہ انواع کرم
بیفگند **ص** برگ نیب پای برنگ کمیلہ ہر یکیدہ درم کوفتہ بیختہ بعسل آمیختہ بخورند **دوا** مہ کہ دردِ
ہرگاہ کہ باتپ ولہب نبود نافع است وحکیم علی در شرح معالجات بسیار ستودہ **ص** بگیرند کبکی یا دراجے
وشکم او را پاک کردہ ساق وانار دانہ نرم درو سائیدہ پر کنند پس بگذارند بر خشتی در تنور گرم
کہ یک شبانروز دران نان پختہ باشند تا مثل زغال شود پس بکوبند باریک وبگیرند و برابر
آن نان خشکار سوختہ وہم آمیزند و پنجدرم ناشتا بدہند واز پس آن رب بہ کہ دران سکنجبین
حل کردہ باشند و تجرع نمایند **دوا** مہ کہ خون بواسیر بند کند واز مجربات حکیم علی منقول است
ص کہربا گل مختوم و دوای کہ در ہندی اتیس گویند ہر یک نیم مثقال باریک بسایند و
سفوف سازند جملہ یک شربت است سہ روز متوالی بدہند **دوا** مہ کہ بالخاصیۃ باسور خشک
کردہ بیفگند **ص** سرہای شور بگیرند و نزدیک آتش خشک کنند و بکوبند و پنیر خشک کہنہ کوفتہ
بیختہ درہم آمیختہ بیاشامند **دوا** مہ از ثابت ابن قرہ کہ درد باسور را بنشاند و خون باز دارد و
اگر متصل بکار دارند خشک کند و بیفگند **ص** مسیعہ سائلہ قسط لوست بیخ کبر بیخ ہزار اسفید ہر یک
جزوی خرزہرہ کندر کبریت اصفر ہر یک نیم جزو بیختہ ہر یک پنج دہ درم ازان سی درم روغن کنجد و
روغن زنبق مساوی بگیرند و آن کندر و کبریت دران حل کنند پس دواہا را داخل کردہ در شیشہ
کنند و بکار برند **دوا** مہ کہ جہت اسہال خون مجرب است **ص** مغز خستہ انبہ مغز خستہ جائن
مغز کونچ برابر کوفتہ بیختہ بآب شستہ برنج سائی بقدر قوت مریض بدہند **دوا** مہ کہ جہت

دوا مر دیگر جهت پیچش که با خون بود یابی خون از جمله مجربات نوشته اند و خلاف ندارد ص هلیله زنگی
بروغن چرب کرده در ظرف آهنی بریان کنند تا منتفخ شود و محترق نگردد پس کوفته بیخته برابر ان
شکر سفید آمیخته غلوله ازان باآب بخورند غذا برنج و ماست سازند دوا مر که جهت اسهال و پیچش
مجرب است ص مغز بیل موچرس خسته کهنه انبه هر یک یکدام جائیفل یک عدد افیون بقدر
نخود کوفته بیخته بمقدار یک کف دست یا کم و زیاد حسب حاجت و موافق مرض بدهند دوا
که جهت سنگر ہنی مجرب است ص پوست سنگدان خروس قرنفل هر یک یکتوله کوفته بیخته
جمله را یکروز بخورند و همین نهج دو روز دیگر استعمال نماید ذرب مزمن رفع گردد و اگر دانند که مریض
تحمل ندارد که یک یکتوله دوای مذکور هر روز بخورد و خوراک یک روزه سه روزه بدهند و
تا سه روز استعمال نمایند دوا مر که جهت زحیر مجرب است ص زنجبیل بادیان مغز بیل هر یک
هفت ماشه نبات کوفته بیخته روز اول هفت ماشه دهند و روز دویم دو ماشه روز سوم چهار ده
ماشه همراه آب دوا مر که بجهت اسهال و ذرب کهنه مجرب است ص سنگ بصری زرد
بریان کرده بسباسه هر دو را باریک ساخته از نیم ماشه شروع نمایند و بتدریج تا چهار ماشه توان
و بعضی بسباسه ضعیف بصری کنند و بعضی برابر هر دو باریک می آمیزند و همراه آب استعمال
میکنند و بعد خوردن وی چند لقمه مرغن بخورند تا تدارک ضرر سنگ بصری کنند و یک هفته استعمال
کنند پس از سه روز بر طبع دارند و اگر دیگر حاجت باقی باشد باز دهند تا یک هفته سنگر ہنی مزمن
دفع شود و طریق بریان کردن سنگ بصری آن است که ویرا در آتش سرخ کنند و اندر گلاب
سرد نمایند بیست و یکبار و اگر صد بار چنین کنند بهتر باشد و بعضی ویرا در گلهای انار پیچیده در آتش
سرخ کرده بگلاب سرد نمایند و بعضی در جغرات سرد کنند و بعضی در آب لیمون و صاحب قادری
گفته که مختار این درویش آنکه بصری را فقط در آتش سرخ کرده دو بار در گلاب سرد کنند و
ده بار در جغرات و ده بار در لیمون و ده بار در آب برگ انار دوا مر که جهت اسهال و زحیر
و مغص و ضعف معده بسیار نافع است ص بگیرند بنگ مدبر چهار ٹانک مصطگی انار دانه

وباقی بگیرند هریک سه ماشه ومجموع درنیم آثار آب خیسانیده صبح جوشانیده هرگاه چهاردام بماند صاف نموده بنوشند وبازوقت شام ثقل اورا درپاو آثار آب جوشانیده صاف نموده بنوشند اصل این نسخه پنج جزواست راقم بی کفیل اکثر استعمال نموده درزرب وتباهی معده وحرارت منافع لبیار مشاهده کرده **دوا** مرکه تخذیر وتسکین وجع نماید ص زنجبیل دارفلفل سنبل انیسون تخم کرفس فردانا میعه سائله بزرالبنج ازهریک یکدرم جندبیدستر افیون ازهریک نصف درم پودینه درم اجمیع یک مثقال بگیرند **دوا** مرکه بجهت گرم معده وامعاء مجرب است ص جدوار انجیر خشک وخرما میل نمایند بعدازان این دوارا اختیار کنند فستقین وی شیح قسط مربرنگ کابلی هلیله زرد هلیله سیاه آمله ازهریک سه مثقال تربس نخود سیاه ازهریک یکمثقال تربدد و مثقال غافث چهارمثقال سرخس مشکطر اشبع سه مثقال همه رانرم کوفته سه وزن عسل آمیخته تیار نمایند شربت سه مثقال تاچهارمثقال وبعدازخوردن دوارصبر نمایند تا خوب گرسنه شوند **دوا** مرکه دردبواسیر نشناند ص خوب کلان تخم گندنا کشنیز درظرفی بنوشند ودود آن بمقعد برسانند **دوا** مرای وجع اسافل که ازبواسیر باشد ص ده درم اهلیل رادانه بیرون کرده باروغن گاو بقدری که اورا فراگیرد برآتش گذارند تاروغن جذب کند پس سائیده باده درم فانیذ مخلوط ساخته هرروز دودرم ناشتا باآب گرم بارد المزاج بنوشد واین دوارا زمجربات اطبا است **دوا** معمول فرنگی برای بواسیر ص سرب دوازده مثقال زیبق نه مثقال اگرترکی سه مثقال سرب راآب کرده سیماب درآب سرب شده بریزد وبگذارد تاسرد شود پس صلایه کنند وازپارچه ریشمی تنک گذارند وباعسل خام حب سازند بقدرنخود کوچک دوحب صبح وسه حب وقت خواب بخورند وباید که درچله زمستان وتابستان چهل روز استعمال نمایند از بیاض عم مرحوم نقل کرده شد **دوا** مرجهت پیچش واسهال که بهیچ دوانرفته باشد مجرب نوشته ص بلیله اجواین زیره سفید هریک هشتدرم جدا جدا بریان کنند کوفته بیخته هرروز پنجدرم باماست چکیده بخورند

برنگ کابلی مقشر از هر یک یکدرم نمک هندی دانگی کوفته بیخته با شیر و شکر بیامیزند و بخورند دوا
که همین خاصیت دارد ص برنگ کابلی مقشر سه درم تربد سفید دو درم قنبیل یکدرم نمک هندی
پنجدرم کوفته بیخته بموبز منقی سرشته تناول نمایند دوا مکه حب القرع و کرم دراز بکشد و اخراج
نماید و بعضی نوشته اند که ازین دوا خریطه حب القرع بطول پنجدرعه برآمده ص سرخس
قنبیل حب النیل شیح ارمنی وچرک خراسانی انیسون تربد افسنتین برگ شفتالو تخم
هر یک سه درم مقل ازرق ستمونیا هر یک شمن درم کوفته بیخته بشراب اصول حب کنند
وعقب وی مغز جوز تقل نمایند و اگر درم جرعه جرعه بنوشند دوا مکه صاحبان انبه را
نفع دهد ص گل نیلوفر خشک دو درم و نیم تخم کاسنی تخم خرفه از هر یک سه درم گل سرخ
پنجدرم زرقطونا ده درم شربت دو درم تا سه درم تا نیم اوقیه بسر که باب آمیخته وحقنه کردن بشراب
انگوری نیز سود دارد دوا مکه حیات را بیرون آرد ص برنگ مقشر هلیله زرد هر یک
پنجدرم و نیم تربد سیزده درم قند سفید برابر همه شربت شش درم باب گرم دوا مکه دیدان
صغار را که نزدیک تعدد متولد شوند و حکه آرند سود دارد و این صبیان را بیشتر افتد ص
بگیرند زیت رکالی بار و غن خسته زرد آلو بار و غن خسته شفتالو یا لفظ سفید باز هره گاو ممزوج
بقدر قلیل هر کدام که میسر آید پس پنبه بدان آلوده حمول نمایند دوا مکه درد شکم و درد هر جا
بسبب حرارت بود نفع دهد مجرب است ص آرد ماش سیاه باب گرم خمیر کرده قدری
نمک تنهم کرده از هر یک طرف بر تابه گرم نهند تا بیرد و فرود آرند و بر طرف خام وی روغن
گل یا روغن گل مالند و بر عضو بندند و اگر قدری زنجبیل و مسل که بعربی جوز القی نامند
نیز آمیزند قوی تر شود و اگر از بوی کسی را چندان نفرت نباشد حلتیت نیز آمیزند که نفع کثیر
دارد دوا مکه در هندی دهنیا پاچک گویند در اسهال و ذرب و پیچش عجیب الفعل است
ص خس گجراتی موثه هندی بیل گری کشنیز زنجبیل مکه بتر بالا صندل سفید کتول حب الزاج
تغیر و تبدیل در اوزان نموده استعمال نمایند و در مزاج گرم موثه و زنجبیل موقوف نمایند

مجرب نوشته ص بیارد کدو تلخ و سر آن بریده باب پر کنند و تمام روز در آفتاب و تمام شب
در شبنم نگاهدارند علی الصباح دو قطره در چشم چکانند و بعد از دو گهڑی پوست هلیله و نبات
سائیده و یک کف دست بخورند و غذا دران روز جغرات و خشکه نخورند **دوا** مهت
یرقان اصفر و اسود معمول حکیم شاه محمد مرحوم ص هلاکیر دار هلد هر یک پنج ماشه باب سائیده
عسل نیمدام ممزوج نموده بخورند **دوا** مه که در استسقاء صاحب قادری مجرب نوشته ص
منڈوه که از اقسام غله است و در هند مشهور راست بگیرند هر قدر که خواهند و بسایند و آب برگ کچنار
بسرشند و بان بپزند بی آنکه نمک آمیزند و بار و غن بسیار غذا سازند و بجای آن طبخ کچنار
یا عرق او بنوشند و غذا نیز در همان آب پزند و غسل و وضو و آبدست هم بهمان نمایند در دو هفته
باذن الله تعالی مرض دفع شود **دوا** مه که صلابت طحال دور کند و مجرب است ص بر
آگله که خود بخود از درخت ریخته باشند صد عدد نمک سنگ اشخار سهاگه زرد چوبه نمک سیاه
نمک سفید جوا کهار هر یک هشت درم انگوزه ده درم نرم سوده درده درم روغن سرشف ده
درم شیر آگله آمیخته بر برگهای آگله هر دو وقت طلا کنند و در دیگ گلی تو بر تو نهند و سر دیگ
بخمیر بگیرند پس دیگ را بگل پاکیزه گرفته بعد خشک شدن میان پاچک دشتی گداخته
آتش قوی دهند و بعد از سرد شدن سر دیگ بگشایند جمله اجزا خاکستر شده باشد هر روز از
سه انگشت باب شبانه بخورند و از ترشی و شیرینی و اشیاء دیگر و ماهی پرهیز نمایند **دوا** مه که در
مذوبت و صلابت سپرزبی نظیر است و التهای نیرمی افزاید ص عرق گندک یک سیر خ
در آب آمیخته بنوشند و بتدریج بیفزایند شربت کامل دی چهار سیر خ است **دوا** مه دیگر تو شاد
نیمدرم باب شربت بنوشند و تربد کنجد مساوی بگیرند و گرم نموده بر سپرز ضماد کنند **دوا**
دیگر بجهت یرقان مجرب نوشته اند ص برگ حنا نرم کوفته در آب شب تر کنند صبح آب
صافش بنوشند تا یک هفته **دوا** مه که حب الفرع و کرم درازه بکشد و اخراج کند از شفای
ص ترمس حب النیل قنبیل سر خس از هر یک پنجدرم در پنجه ترکی دو درم تربد سفید

صلابت طحال

جهت یرقان و زردی

کاشور حلق و مری و قصبهٔ ریه مرا نافع قبل از تفرج تسکین لذع و حرقت میکند ص بگیرند شیرهٔ جو
و نشاسته و روغن بنفشه حریره سازند و با آب میوه ها طبع نرم دارند و شبانگاه لعاب اسپغول
بگرم تجرع نمایند و از آب سرد پرهیزند و از بنفشه و کتیرا و رب السوس تخم خیارین مقشر نشاسته
بلعاب اسپغول حب بسته دایم در دهن نگاهدارند دوا مه که ورم سرد مری را نافع است
ص شبت بالبونه الکلیل الملک تخم کتان در آب جوشانیده و آب وی در منفخ آمیخته جرعه جرعه
بنوشند دوا مه اسفلیدس جهت ورم صلب جگر مجرب است ص کما فیطوس فراسیون
تخم کرفس جبلی حنطیانا تخم خبازی تخم خیارفوه اسقولوفندریون بیخ جاوشیر مغز تخم انجره
تخم کرنب ریوند فلفل سنبل هندی قسط تخم کرفس بستانی تخم گندر تقله یهودیه حعده افیون غافث
حب عرعر مساوی کوفته بیخته بعسل معجون سازند شربتی یک بندقه بشراب بعسل بقدر یک فلوس
دوا مه الملح جهت قروح جوف و انفجار اورام کبد بعد تنقیه ارجرک بکار آید منقول از شرح حکیم علی ص
مصطگی تخم کاسنی تخم کرفس گل مختوم هریک یکمثقال کندر دم الاخوین گل سرخ طباشیر سفیدهریکدو
مثقال کوفته بیخته سه درم با ماء العسل یا جلاب حب سازند حسب حال بدهند و از خارج سک
و را لک سعد کندر سنبل مصطگی قصب الزیره در آب سیب آب آس آب سفرجل آمیخته
طلا نمایند دوا مه که در دوئی وضربه جگر مانع از تورم آن میشود بعد فصد استعمال می کنند ص
فوه ریوند هریک یکدرم تا سه درم بدهند دوا مه که در ابتدا ورم کند زمانی که بسبب آسیبی بود
که از خارج رسیده باشد استعمال گرمی و ورم و حرارت زائل کند و خون باز دارد ص ریوند چینی
گلنار دم الاخوین شب یمانی مساوی شربت یکمثقال با آب به دوا مه دیگر که شیخ تعریف آن
نموده ص ریوند چینی گل ارمنی حب الآس با هم آمیخته بدهند دوا مه که در یرقان سیاه
هرگاه که سبب او طحال و کبد هر دو باشد بکار آید ص آب عنب الثعلب سه اوقیه آب کاسنی
دو اوقیه آب برگ ترب آب برگ کرنبه هریک یک اوقیه دنبه آب برگ شنبر یک اوقیه جوشانیده
صاف نموده فلوس خیارشنبر ده درم حل ساخته بنوشند دوا مه که جهت یرقان صاحب بقائی

دوا مہ النفرس جہت ضعف معدہ کہ سبب آن برودت و رطوبت باشد نافع بود ص
ہلیلہ سیاہ بروغن گاو بریان کردہ دہ درم نانخواہ صعتر فارسی از یک سہ درم حرف متقلو
پنجدرم خبث الحدید دہ درم شربت ہزدہ درم باشراب کہنہ دوا مہ خطیا ناجہت درد معدہ
وجگر و طحال و صلابت و سدد و تپ ہای کہنہ ص خبطیا نا فلفل ہر یکدہ درم قسط سادج
سنبل زراوند ہر یک او قیہ کوفتہ بختہ بعسل کف گرفتہ بیا میزند تا چون عسل غلیظ شود دستہ
یکدرم باب سداب دوا مہ کہ جہت قی و تہوع کہ بہیچ دوا نہ ایستد از مجموعۂ بقائی ص دا مہ
ہیل قرنفل مغز خستہ کنار مغز خستہ آملہ دار فلفل سعد صندل سفید تخم کشنیز طباشیر یوست
درخت سنبل کہ درخت عظیم در ہندی باشد بہول بہر یک این دوا نیز ہندی است بر نج
ساٹھی مار قیصر ہر یک یکدرم مشک دو درم انار دانہ چہار درم بعضی اوقات بحسب حاجت زیادہ
ہم کردہ میشود و بعضی اوقات رعایت گرمی کردہ مشک مطروح ساختہ میشود کوفتہ بختہ گاہے
باب سرد و گاہی بشربت انار منعنع و گاہی ببرب و دیگر مناسب حال دادہ میشود شربت از دو ماشہ
تا شش ماشہ دوا مہ کہ جہت قی و غثیان و تہوع و کرم شکم و بہم رسانیدن اشتہا صاحب بقائی
مجرب نوشتہ ص طالیسفر علف ہندی فلفل سیاہ نمک مار قیصر ہر یک پنجدرم فلفل و را زیرہ
سیاہ صعتر شیطرج سماق دار چینی ہر یک یکدرم سعد ابہل تخم کشنیز ہیل اہل بید زنجبیل از ہر یک
یکدرم و نیم انار دانہ نہ درم و نیم نبات چہار دہ درم کوفتہ بختہ نادو درم تنہا یا بہ چیزی مناسب دہند
دوا مہ کہ در ورم معدہ قریب انفجار بکار آید ص تخم مرو تخم کتان خطمی مساوی کوفتہ بختہ بسرشہ
سہ درم صبح و سہ درم شام با چہار او قیہ شیر بز بخورند دوا مہ کہ حکاک مری را نافع است و از
بیشتر از بخار معدہ بود ص شبت تو تیا تخم ترب بجوشانند قی کنند و بسر کہ کہنہ غرغرہ نمایند و
بہر لسکین نوع و حکہ شیر تازہ باشکر آمیختہ جرعہ جرعہ بنوشند و درین مرض تشرب شراب کدو شیرین
نافع ترین چیزہا است دوا مہ کہ تفرق الاتصال مری را نافع است ص صمغ عربی کشانیدہ
گل ارمنی باریک ساختہ اندک اندک بخورند و حسب سبب در تنقیہ و جز آن کوشند دوا مہ

دوا مر که شیر کم کند ص زیره کوفته بسر که ضماد کند دوا مر که شیر منجمد را منحل سازد و تسکین وجع شدید نماید ص حرام مغز را در شراب بپزند و ضماد نمایند دوا مر که شیر زیاده کند ص تودری گلگون ده درم با شیر گاو بخورند دوا مر که ورم گرم ثدی را سود دارد ص اسبغول و سکنجبین و آب بپزند و برنهند و بعد از ساعت تجدید نمایند دوا مر که قی صفراوی را باز دارد ص زرشک بهدانه انار ترش سماق دانه جدا کرده پوست بیرون پسته هر یک یکجز و طباشیر سفید گل سرخ غوره خشک هر یک نیم جزو کوفته بیخته از دو درم تا سه مثقال ازوی بگیرند و با آب به یا آب انار شیرین یا سرکه و مانند آن بسرشند و بنوشند دوا مر که قی بلغمی و سوداوی را باز دارد ص گل سرخ چهار مثقال زرشک بهدانه سه مثقال نعناع پوست بیرون پسته مصطگی عود قرفه سنبل الطیب زنجبیل خشک زیره کرمانی مدبر از هر یک ده درم کوفته بیخته دو مثقال ازوی با سکنجبین سفرجلی و امثال آن بنوشند دوا مر که قی بلغمی دفع کند ص بای برنگ نمک سیاه فلفلین زنجبیل برابر سوده با شهد بخورند دوا مر که همین عمل کند ص عود هندی ناگیسر دارچینی طباشیر الایچی خورد پوست هلیله زنجبیل برابر کوفته بیخته با شهد بخورند دوا مر که ضعف جاذبه معده را نافع است ص هلیله شش درم فلفل دراز چار درم چنرک سه درم نمک سنگ دو درم کوفته بیخته با آب ترنج خمیر کنند و حب ها کرده در سایه خشک سازند و هر روز نهار دو درم بخورند و علامت ضعف جاذبه این ست که اشتها شود و هرگاه طعام پیش آرند رغبت غذا برود دوا مر که قوای اربعه معده را و امعا را قوت دهد و هم هشتی و هم هاضم و اگر شکم نرم بود قبض و اگر قبض بود بکشاید بهر آنکه هر قوی که ضعیف باشد وی را قوی تر میسازد و مجرب است ص انار دانه ترش کهنه نبود شانزده دانگ زنجبیل زیره سفید هر یکی دو دانگ ترنجبین سفید زیره سیاه تنترنیک پوست هلیله هر یک یکدانگ پوست هلیله زرد و نمک سنگ دو نیم دانگ جمله را بکوبند و باریک سازند و قبل از طعام و بعد از آن دو درم یا سه درم بخورند و اگر دو وقت بخورند نیز روا ست و اگر قبض مطلوب باشد آن دو یا را بپارچه سفت ببندند و اگر تلئین مطلوب باشد از پارچه غیر سفت بلکه از غربال بگذرانند تا او دیه خرد تر بود

ماهم دیگر نسخه

دوا مر

قطع قطع بکنند وهم وزن آن منزوع الرغوه در قدر سنگی یا حرفی بنهند از تند و نصف دیگ
خالی باشد و بعد ازان سر دیگ از سپرپوش گلی بندند و مکانها خالی را از عجین محکم نمایند و
دیگ را در تنور معتدل که نه گرم و نه سرد باشد یک شب بگذارند و سر تنور را از طابق آهن
تمام شب بندد دارند بعد ازان دیگ را روز اول بردارند و سر دیگ وا کنند و انچه در میان
دیگ است بخوب وجه بمالند و صاف نمایند و هر روز بقدر بلعقه خورده باشند و از هر چه بپرهیز
است ازان پرهیز دارند و بعضی گفته اند که من عوض تجل چقندر و عوض عسل شکر طبرزد اند اختم
بسیار نافع یافتم دوا مر الکاهن نافع برای سعال این دوا نفیس است جالینوس گفته که
من علاج سعال همین دوا نموده بودم بسیار نافع افتاد ص افیون دو مثقال تخم کاهو
بیست مثقال چند بید بیست و پنج مثقال سداب بستانی خشک بیست و چهار مثقال تخم کنان بریان
شانزده مثقال پوست بیخ جاوشیر سی و سه مثقال مرصافی چهارده مثقال زعفران
هفت مثقال کوفته بیخته با سه چندان عسل معجون سازند و مقدار با قلا بخورند و اگر حمی باشد با
آب والا همراه شراب دوا مر که بخفقان حار و بارد نافع است ص عنبر اشهب مشک
زهر مهره سائیده عطر صندل هر یک یکماشه مرجان صلایه کرده ورق نقره ورق طلا از هر یک
دو نیم ماشه روغن بادام نیم دام بیخته همه را یکجا کرده یک شب و روز علی الاتصال بسایند و
از یکماشه شروع کنند و هر روز یکماشه بیفزایند در هفت روز بهفت ماشه برسانند دوا مر
نافع بجهت سیت و برسوت ص کندر زربناد ایر سا هر یک پنج ماشه جدوار چهار ماشه
مشک نیم ماشه فقر الیهود ماشه در آب تر نموده جوشانیده صاف کرده بخورند دوا مر دیگر نافع
برسوت و جهوله ص شنگرف مرچ تخم سنبها لوپلیل از هر یک واحد یکماشه سوای شنگرف کوفته بیخته شنگرف
را با آب سحق نموده دو حبه گولی بخورنه دوا مر که شیر بیفزایند ص تخم کرفس بودیدان تخم
شب بادیان انیسون از هر یک برابر کوفته بیخته بعسل آمیخته بقدر مناسب بخورند
دوا مر که تسکین وجع شدی کند ص کاهو بستانی را در سرکه و روغن بیخته بخورند و ضماد نمایند

را نافع است ص سکبنج خنطیانا مرصاف جاوشیر فلفل سفید هر واحد دو مثقال حب انار
منقی چهار مثقال سحق کرده با آب خمیر کنند شربت بر رای طبیب دوا ۱۰ کجهت اقسام
سرفه بلغمی تازه و کهن و ضیق جدید و مزمن را مجرب است ص بیارد جرجیر با برگ و
شاخ و تخم و بیخ و همه را بسوزانند که خاکستر شود و نیم سیر ازین خاکستر جوشانیده با نیم آثار آب
گرفته باد و نیم پا و فلفل دراز کهرل کنند و حب بمقدار کنار دشتی به بندند و یک حب صبح
بخورند و نیم سیر آب خاکستر که باقی مانده است دران نیم سیر اجواین انداخته نگاهدارند و
وقت خواب یک کف بخورند و از روغن پرهیز کنند دوا ۱۰ که ضیق النفس و سرفه کهنه را مجرب
است ص شحم حنظل بهنگره دیودار گوگرد شسته فلفل زنجبیل جمله برابر کوفته بیخته بگیرم
با آب عسل بدهند دوا ۱۰ که سرفه وسل و دق را سود دارد ص بانسه که گل او سفید باشد
مسمی است بار دسه بسوزانند و از خاکستر او کهار بگیرند بنوعی که معمول است پس کهار یکدرم
کتیرا صمغ عربی بلهٹی هر یک سه درم کوفته بدارند و قدر حاجت بدهند دوا ۱۰ برای
دفع دمه ص گیکوار پنج آثار نمک شور نیم آثار فلفل دراز یک تولہ اجواین یا و آثار
گیکوار را پارچه پارچه نموده در دیگ گلی آب نارسیده نهند و بالایش نمک شور و اجواین
و فلفل نگاهدارند و دهن دیگ را از آرد ماش بند کرده پنج پاس آتش دهند تا که همه خاکستر
شود یکماشه نهار بخورند و از نمک و شیرینی پرهیز نمایند و روغن بخورند هر قدر که خواهند دوا ۱۰
نافع برای ضیق و ربو ص حلبه تقشر بدقوق یک جزو سنغر حب الصنوبر کبار یک جزو
در آب شیرین خوب بجوشانند و در هاون خوب سحق نمایند و در عسل کف گرفته آمیخته
مثل معوق بسازند دوا ۱۰ عجیب برای اخراج ماده از صدر و ریه ص زوفا خشک پونه
اصل السوس خردل قرمانا فلفل تخم الخره اینسون مساوی کوفته بیخته بعسل کف
گرفته معجون سازند و یک ملعقه بخورند دوا ۱۰ برای ضیق النفس بسیار مجرب و بعید
ص بگیرند ترب بقدر حاجت و اگر ترب بزرگ سیاه پوست باشد بهتر است و آنرا با یک

که زلو را که در دهان یا غیر آن تعلق گرفته باشد جدا نماید ص سرکه و نمک با سرکه و انگزه بهم آمیخته
غرغره نمایند و همچنین اگر گل سیاه در خریطه تر کرده در دهن علیل گذارند زلو هر جا که باشد بسوی
گل میل کند پس گل بیرون آرند زلو نیز بیرون آید و اگر ثوم بخورانند و در آفتاب بنشانند تا
گرمی اشتداد کند پس کوزهٔ آب سرد بر لب نهد و بفرمایند مریض را که دهن کشاده دارد همین
عمل نماید و اگر زلو نظر آید از زنبور بگیرند و ساعتی چنان دارند که تعلق بگذارد پس بیرون کشند
و از جوشانیده نانخواه غرغره نمودن نیز درین باب مجرب است دوا ص که غرغره نمودن
نیز بآن نافع است کسی را که چون آب بخورد و از بینیش برآید ص پوست هلیله زرد را
در آب جوشانیده بدان غرغره نمایند دوا ص که استخوان را بحلق مانده باشد مفید است
یکدرم سپیدان را با آب گرم بدهند دوا ص که شوکهٔ متعلقه را که بنظر نیاید مفید بود بگیرند تخمهٔ تربز
از گوشت گاو بالای آن انجیر خشک بر سیمان بسته بلع نمایند پس وقتیکه تجاوز کرد ماهیتا
آب سرد بنوشند پس بکشند بسرعت و از مخرجات قرشی آن ست که اسفنج را بخیطه بسته
بلع کنند وقتیکه باشب را تجاوز نماید آب بر و بخورند پس بزودی برکشند دوا ص جالینوس
نفع میکند تعلل قصبهٔ ریه و قروح ریه و نفث قیح و دم و مادهٔ منجلبه بسینه و عسر نفس و گفته اند
که این دوا ارقوی است ص با رزد و ثلث و یک مثقال سلیخهٔ سوداء و دو مثقال سنبل
رومی دو مثقال و نصف حماما کبیر اتخم تمر شامی هر یک سه مثقال صمغ البطم زعفران کندر
مرداسنی مغز جلغوزه اصل السوس مقشر طین ساموس قسط هر یک چهار مثقال و در بعضی
نسخها قسط یک مثقال است عسل چهار قرطون عسل با صمغ بطم در انار مضاعف طبخ دهند
هرگاه غلیظ شود با زرد بآن آمیزند و طبخ دهند که قطرهٔ ازان از جای بیندازند منبسط شود و
دوا ص مسوقه بیامیزند دوا ص که تنقیه ریه و تقطیع رطوبت می کند و بر بو نفع می بخشد نفع بین ص
قنه یکدرم در آبی که انجیر سفید یک اوقیه جوشانیده صاف کرده باشند حل کنند و یکدرم روغن
بادام شیرین حل کرده بنوشانند دوا ص که هر قسم سعال و هر مادهٔ سیال و دبیلات باطنه

وسوداوی را نافع است چون بدان غرغره کنند و یا خارج حلق طلا نمایند ص نشاسته
سنبل الطیب هریک پنجدرم تخم کرفس انیسون نانخواه هزار اسفید دارچینی مرکی زراوند طویل
زعفران هریکده درم گل سرخ بیست درم قسط رماد خطاطیف هریکی سه درم مازو تازه دو عدد
کوفته بیخته با عسل سرشته بکار برند دوا م جهت حرقه خلق مفید منقول از مجموعه ص تخم
گل یکدرم موم کافوری یکدرم و نیم انزروت دو درم روغن گل سه درم و نیم موم روغن ساخته
حب ها خورد کرده یک یک ابزرده تخم مرغ آلوده فرو برند و اگر بطور لعوق لعق نمایند نافع تر
باشد و در غذا هم زرده تخم مرغ نیم برشت تناول نمایند دوا م که لهاة را بردارد و استرخاء آنرا
نافع است ص پوست انار شیرین گلنار طباشیر سفید از هریک یکجزو عفص اخضر اقاقیا
بزرراز یانه از هریک نصف جزو کوفته بر معرقه میل نهاده ازان لهاة را بردارند یا دوا م بر انگشت
نهاده بر لهاة گذارند و همین دوا بردارند دوا م برای سقوط لهاة بسیار مجرب است ص
جوز السرو ملح اندرانی نوشادر سماق عفص غیر منقوب اقماع رمان اقاقیا عصاره لحیة الثیس
شب یمانی ورق السوسن شیاف مایشاما میران حضض مرصاف ثمره طرفا و عروق آن و صل الدود
گلنار رماد خطاطیف کوفته بیخته نفوخ در حلق نمایند صبح و شام دوا م یابس منقول از قرابادین
قانون برای استرخاء لهاة که بسبب رطوبت بلغمی باشد ص فلفل سفید یک مثقال مرصاف
یکمثقال شب یمانی مازو سنبر هریک دو مثقال کوفته بیخته بر لهاة مستر خی بپاشند دوا م
که در قلع و استیصال مادهٔ خنازیر مجرب است ص تخم سرس کوفته بیخته یک حصه در دو حصه
شهد آمیخته و در دیگ گلی آب نارسیده اندازند و سر پوش بر آن نهاده بآرد ماش لوائی
آن مستحکم سازند و در آفتاب بدارند تا دو هفته و چون دو هفته بگذرد دهن او بگشایند و هر روز
یک توله و ازان بخورند و از ترشی و بادی و امثال آن پرهیزند بعنایت الهی در یکهفته
دفع نماید و هرچند این دوا بدبو و گنده میباشد نفع او زیاده است دوا م که ملاذه بردارد
مازو را در سرکه سائیده بر تارک بچسپانند یا گل سرشوی سوخته بسرکه سرشته برنهند دوا

ودهن پائین دارند تا آبی که جاری شود بزیر برود و اگر خواهند بان بالای وی بخورند و همچنین مغز
کربخوه نمک سنگ بآب لیمون سائیده بر زبان مالیدن و پشکری گجراتی سفید باریک ساخته
وباریک سائیده بر انجر ریختن و دهن کشاده باز داشتن نار طوبت برآید برای انجر مفید است
دوا امر که دندان کودکان بآسانی برآرد و چربی بط و مرغ بر موضع برآمدن دندان بمالند و همچنین
شیر و مسکه و روغن بادام که موم را در ان حل کرده باشند و بدان موضع را مالیدن نفع
کلی دارد و در وقت برآمدن دندان سر و گوش و گردن چرب دارند و طفل را نگذارند که چیزی
بخاید و هرگاه درد قوی باشد و طفل اضطراب نماید روغن گل بر بیخ دندان بمالند ص که دندان
بکند تخم گندنا تخم ساز مساوی بر آتش انداخته دود بگیرند و همچنین زبد البیخ و میعه سرد و راسخ نموده بهاوقر
سازند و دود آن بگیرند دوا امر که سن بتاکله را قلع کند و وجع آنرا ساکن گرداند تقطیر لبن تیوع
کنند و اگر با قطران ضم نموده تقطیر نمایند اقوی خواهد بود دوا لی موضع تقطیر از موم بپوشند دوا
الحیل خناق بلغمی و سوداوی را سود مند بود چون با ماء العسل بدان غرغره کنند یا بر خارج
حلق طلا نمایند تا همچون خشک شود در حلق دمند ص نهار اسفید تخم ترب مریکی بورق ارمنی
نوشادر مساوی کوفته بخیته استعمال نمایند دوا امر الحلیت که در بحت الصوت بار و بکار آید
ص فلفل حلتیت خرد دل زعفران بالسویه کوفته بخیته بعسل سرشته بعد از تنقیه برابر بخود بخورند
دوا امر الحلیت بنسخه دیگر ص ورق سداب مریکی قسط فوتنج فلفل عاقرقرحا همه برابر حلیت
ربع مجموع را با عسل بقدر کفایت سرشته وقدر بندقه یا جوزه بخورند دوا امر خرا الکلب که حبت
خناق صعب و ذبحه بعد از فصد و تنقیه و استعمال غرغرا زراه اضطرار بکار آید ص سک را
یک روزه بهند و نان دهند و لشته نگاهدارند پس آب نمک بان بدهند تا شکم پاک شود و سه روز
استخوان پاچه بدهند و سرگین بگیرند پس از ماز و وسعتر و سرگین مذکور جزوی بگیرند و بکوبند و
حلق دمند و در نسخه دیگر سرگین و زعفران و گل سرخ هریک مساوی نوشته و در نسخه دیگر
سرگین و غص و قشور رمان منحرد مساوی مسطور است دوا امر الخطاطیف صغیر خناق بلغمی

بحت الصوت

ص شب یمانی فلفطار فلفل دیس نمک سوخته نوشادر هریک یکجزو مانو مدبر کاغذ مصری سوخته
آهک آب نادیده هریک یکجزو نیم زعفران کندر برگ حنا هریک نصف جزو ربع جزو کوفته بیخته
اقراص سازند در سرکه حل کرده تمضمض کنند و در دهن بدارند دوا ایضا که بواسیر لب را نافع
است ص عدس بابونه اکلیل الملک خطمی اندر آب بپزند و بکوبند و مخ بفیه و بیه ماکیان ممزوج
سازند و بر نهند دوا ایضا که آماس لب را نافع است ص حضض بابونه اردی جوگلاب عنب الثعلب
بعد فصد و اسهال ضماد نمایند و در انتها قیروطی که از موم و روغن بادام ساخته باشند بر نهند و
آب گرم بشویند دوا ایضا که جهت درد دندان مفید است ص برگ سنبها و نمک سنگ
هریک جو کوب کرده در جامه بندند و زیر دندان گیرند دوا ایضا که درد دندان را مجرب است ص
سهاکه تیلیه بر آتش نهند دارد سته آهنی صلایه نمایند و بعد ازان از آتش فرود آورند و باز صلایه
کنند تا که خوب سائیده شود و نگاه بدارند و بکار برند دوا ایضا بجهت قلاع اطفال مجرب است
ص گاو زبان گیلانی سوخته بر زبان پاشند و کذلک حکم جو سوخته است دوا ایضا که کرم دندان
و درد ی که از سبب کرم بهم رسد دور نماید ص برنگ مقشر در پارچه سالوس سرخ پوتلی بسته
در قدری آب بجوشانند و باین آب مضمضه نموده پوتلی درین دندان گذاشته بجوانند
و تکرار عمل نمایند دوا ایضا که درد بارد دندان در ساعت ساکن کند اورک را ورق ورق
کرده و نمک نرم سائیده بران پاشند و گرم نموده بر دندان دردناک گذارند و همچنین مضمضه
نمودن از آبی که دران پوست درخت کیکر ریزه ریزه نموده جوشانیده باشند یا برگ چنبیلی را
دران ملیخ نموده باشند برای اکثر اقسام وجع دندان نافع است دوا ایضا که بجهت کرم دندان
بکار آید ص گوگرد در سرکه حل کند و بر پنبه نهاده بر دندان گذارند و کذلک چوب فلفل را
نرم سائیده بر دندان کرم ناک گذارند دوا ایضا که ضفدع لسان را نافع است ص شب یمانی
بیخ سوسن آسمانجونی زعفران مرمساوی کوفته بیخته بر ضفدع بمالند دوا ایضا که بمرض انجر نافع است
ص بگیرند نیله تهوته و آن را برشته سفید کرده نرم سوده بقدر یک سرخ بر انجر بپاشند

که خون رعاف بند کند کافور یک حبه در شیره کشنیز سبز حل کرده سعوط نمایند و اگر عوض آب کشنیز سبز آب افشرده سیرگین خر کنند قوی خواهد بود و مگر زنجبر به رسیده است و اگر قدری افیون اضافه نمایند بعدیل خواهد شد و همچنین روغن بنفشه بادام و مسکه هر دو را مخلوط نموده استنشاق نمایند رعاف که از حدة و مرارتیه خون باشد دفع شود گذلک آله بقدر چهار دانگ در آب سائیده بر یافوخ گذاشتن و پشم شتر سوخته در بینی دمیدن رعاف را نفع بسیار کند دوا ۱۰ که بواسیر انف را سود مند بود ص جوز السرو انجیر مساوی کوفته فتیله کرده در بینی نهند و همچنین اگر زاج اخضر را در خل سائیده در انف صبح و شام گذارند بواسیر دور کند دوا ۱۱ که رعاف را بند کند ص فتیله را با سفیدهٔ تخم مرغ آغشته و کافور بران پاشیده در منخر سائل الدم بگذارند و گل ملتانی با آب سائیده بر سر و چهره و گردن طلا کردن هرگاه خشک شود دیگر اعاده نمایند و تکرار عمل کنند رعاف بند شود دوا ۱۲ بجهت رعاف ص دارای سرخ را با خون آغشته و سوخته محرق با اسفیدهٔ سائیده در بینی دمند دوا ۱۳ مجرب جهت رعاف ضفدع سیاه زاج محرق سورنجان هر دو را به بیاض بیض جمع کرده زیر زبان نگاهدارند دوا ۱۴ که قلع اسنان ضعیفه و دردناک کند ص پوست بیخ توت پوست بیخ کبر عاقرقرحا شیر شبرم تخم مازریون زرنیخ پوست حنظل بسر که بخته سحق کنند تا مثل خمیر شود هر روز در سر که دیگر انداخته تا یک هفته همین قسم سائیده پس حوالی سن متاکل کلک زده طلا نمایند روزی چند بار دوا ۱۵ که درد دندان را نافع است ص فلفل عاقرقرحا زنجبیل مساوی کوفته بخته بعسل سرشته بمالند و اگر میل آهنی گرم کرده چند کرت بر دندان نهند درد بنشاند دوا ۱۶ که درد دندان سوراخ دار را نافع است ص فلفل عاقرقرحا مازریون مساوی بگیرند و داده باریک ساخته بعسل سرشته در سوراخ دندان نهند دوا ۱۷ که لثه را محکم کند و گوشت رفته بر و یاند ص زراوند مدحرج کندر دم الاخوین کرسنی بیخ سوسن مساوی کوفته بخته به سکنجبین عنصلی سرشته استعمال نمایند دوا ۱۸ که آکله ساعیه را نافع است

زائل گرداند باش را خائیده بربندند دوا مه که کلال ابصر را که از ادامت نظر سوی تلخ و شعاع
آفتاب حادث شود نافع است بگیرند بادام و بکوبند و بر چشم ضماد نمایند و بدوشند شیر در چشم
و تکمید چشم کنند بآب گرم دوا مه که منع شعر زائد کند خون قنفذ و مرارهٔ آن و جند بیدستر مساوی
در لعاب فم صائم آمیخته بر موضع شعر بمالند دوا مه بجهت ثالیل جفن ص شو نیز و ملح و خل
طلا نمودن مفید و مالیدن عکر زیت موجب تحلیل دوا مه که شعر زائد را نافع است موی را
بکشند و فی الحال خون اسر و یا روغن کچله بران بمالند و تکرار عمل کنند دوا مه که
منع انبات شعر زائد و شعر منقلب کند صدف کوچک سوخته سائیده بقطران سرشته
بعد از تنف بمالند دوا مه که تیز گرداند ابصر را و حفظ صحت چشم نماید تو تیا بگیرند و هفت روز در آب
بادیان تر نمایند پس خشک نموده سائیده استعمال کنند دوا مه که تشن بینی بر دفشار کند
ربع جزو و فشور نحاس شب یمانی زعفران هر یکی جزوی باریک سائیده قدری از آن
بمغرفه میل در بینی علیل که اورز مستلقی خوابانیده باشند اندازند دوا مه که اقسام رعاف
بند کند ص هلیله گل معصفر انار خام برابر سوده بآب سعوط کنند دوا مه که باسور بینی را سود
دهد و آن گوشت فزونی بود که در بینی بهم رسد زنگار نوشادر اشخار یکجا کرده بشهد آمیزند
و فتیله بدان آلوده در سوراخ بینی نهند و از گوشت و شیرینی پرهیز نمایند دوا مه که نافع است
برای قروح دینه تتنه الف منقول از بیاض عم مرحوم ص عفص مر زعفران سعد ر بیخ شب
کوفته و خوب باریک ساخته در الف نفوخ نمایند دوا مه که رعاف به بند دیگ کهنه در آب
سائیده بر پیشانی طلا نمایند دوا مه که سدهٔ بینی بکشاید کلونجی با بول خر سائیده بر بالد ایجکان
دوا مه بجهت آن کس که بوی نیک دریابد و بدنه مشک دائم در بینی بچکانند و اگر کسی بوی
بد دریابد و بوی نیک نه جند بیدستر دائم در بینی بچکانند که رعاف بند کند بگیرند حضض و در
حرقه کنان بسته بسوزند و خاکستر وی بگیرند و در بینی دمند دوا مه که بواسیر الف را نافع است
بگیرند روغن گل و سرکه و گلاب و لعاب حلبه باهم ممزوج نموده در بینی تسعیط نمایند دوا مه

بماند که در طول شگافته دو پاره نمایند بمیان وی رطوبت سرخ که جمع شده باشد آنرا
در چشم کشند از بسکه تند و تیز است ایلام بسیار دهد و سواس نباید نمود که لبلاب اشک
مادهٔ مرض بالکلیه برطرف سازد دوا مه که دافع شب کوری و نزول است ص زیره
گاو در شیشه کرده دو روز در آفتاب گذارند پس مرو زعفران مساوی کوفته بآن زهره مزوج
کرده سه روز دیگر در آفتاب گذارند پس استعمال سازند دوا مه که پریدن مژه را نافع ناید ص کاسنی
جوز بوا در روغن چنبلی سائیده بر پلک بمالند دوا مه دیگر که پریدن چشم باز دارد ص زعفران
بسباسه هر دو را در آب سائیده بر مژه بمالند دوا مه دیگر که جرب عین را نافع ناید بگیرند آلمه
واورا در گلاب تر نمایند بعد ازان گلاب را در چشم چکانده باشند و کافور محلول در آب همین
حکم دارد دوا مه که طلا کردن آن بر چشم ریدر را نفع بین می نماید بگیرند انزروت و سندی بفیه
باشیر دختر باشیر بز آمیخته بکار برند دوای که بجهت ثبور پلک که آنرا گهانجنی گویند بکار آید روز اول
رستوگیر در آب سائیده طلا نمایند بعد ازان که بخبگی معلوم شود زغال کهنه دیوار خانه با آب سائیده
بیرون پلک طلا نمایند و اگر سرعت نفیج مطلوب باشد قرنفل و زرد چوب در آب سائیده بکار
برند و خانه زنبور که سندی خانه کهاری گویند طلا کردن نیز نافع است دوا مه که در پنج اطفال
را نافع است ص بگیرند انزروت و زعفران هر دو را سائیده اکتحال نمایند دوا مه که بجهت
جرب عین مجرب است و منع میکند چشم را از قبول مواد باز دارد ص بازد را مثل غبار
سائیده بر اجفان پاشند و ببندند و سه ساعت بگذارند دوا مه که عشار را ببرد بگیرند جگر گوسپند
و آنرا بر آتش بریان نمایند و در حالت بریان نمودن دار فلفل نیمکوفته بر آن بزنند تا بار طوبت
جگر گوسپند یخته شود بعد ازان دار فلفل سائیده و آب بادیان آمیخته اکتحال نمایند و همچنین
نفع میکند شبکوری را خوردن جگر مذکور و نگاه داشتن چشم بر بخار آن و اکتحال بعسل و آب
راریانه یا آب پیاز سفید نافع ترین اشیا است بجهت این مرض و کذالک در چشم کشیدن
آبی که در آن پوست بیرون رتهٔ هندی را سائیده باشند عشار ابرد دوا مه که غرب را

تعلیق نماید ام الصبیان را نافع بود میر بهاؤ الدوله در خلاصة التجارب در بحث صرع اطفال نوشته
که چند اطفال را این مرض سه نوبت و بیشتر هم تجاوز کرده بود مهره مرجانی با آتش سرخ کرده نزدیک
میان دو ابرو از پیشانی داغ نهادند در حال مریض بسوزش آن بهوش آمد و دیگر عود نشد
بعضی بالیتک گوسفند و غیر آن داغ میکنند دوا مه که نفوخ آن برای صرع و سکته نافع است
ص شحم حنظل قنار الحمار نوشادر شونیز کندش خربق ابیض فلفل زنجبیل جند بیدستر فرفیون مر
اسطوخودس با در نجبویه تنها تنها یا مجموع در بینی دمند دوا مه که خدر و استرخا عصب را نافع است
ص بگیر عاقرقرحا با روغن زیت نیمگرم طلا نمایند و علی هذا القیاس خردل و دارشیشعان سائیده
با سرکه دوا مه که در چشم را بیک لحظه ساکن کند ص لوده سپیده گندم روغن گاو هر یک چهار درم
وهمه را خمیر کنند و چهار غلوله سازند و سفالی بر آتش ملایم نهند و یک غلوله بران گذارند و چون گرم
شود نرم کرده بر چشم نهند تا آن زمان سرد شود پس غلوله دیگر که گرم شده باشد آنرا بر چشم نهند همچنین
کنند تا در دو سه طرف شود دوا مه که گل چشم را نافع بود ص زنجبیل پهٹکری نمک سنگ
جمله برابر کوفته بیخته در چشم کشند دوا مه جهت عنده که در گوشه چشم طرف بینی بهم رسد بکار آید
ص زنگار نوشادر در آب سائیده بران گذارند و مداومت نمایند و اگر اثر نکند تا بهن قطع
کنند سفیدهٔ تخم مرغ گذارند دوا مه که پهول و ناخنه و جاله ببرد از بقائی ص نبات سفید نیمدام
مرچ سفید سرمه انه الایچی خورد سنگ بصری مغز تخم سرس پهٹکری شیشه که در آئینه نصب
میکنند هر یک یکدام کودی زرد هشت عدد مثل سرمه کحل نموده در چشم کشند دوا مه که
جهت دمعه مجرب و به تکرر و حکه قدیم و دیگر امراض چشم را نفع عظیم بخشد از بقائی ص بگیرند
سنگ بصری یک توله مرچ سیاه شش عدد هر دو را سائیده بحریر بیخته در تهالی روئین یا کتوره
پهول انداخته چند روز خوب بسایند تا مثل غبار شود پس بکار برند دوای هندی مجرب
منقول از بیاض عم مرحوم برای پرده چشم و تاریکی ص سر کنده را از بند شکسته پوست
مجوف او را از یک طرف آتش دهند تا شروع بسوختن کرده و قتیکه بحدی رسد که سه چهار

بر سر ضماد نمایند دوا ر که برای صداع مزمن و شقیقه مجرب است بگیرند بندق هندی در آب سائیده
دو سه قطره ان را سعوط نمایند دوا ر که صداع دودی را نافع است و دود در انبشند بگیرند ضیر
در آب گشتنا و سائیده در بینی چکانند دوا ر که چون سعوط کنند آن را مجنون بری گردد از جنون
خود بگیرند موی سوخته انسان در روغن گل آمیخته استعمال نمایند دوا ر دیگر قرشی گفته اختلاط
عقل و مانیا و دا ر الکلب او ریک روز زائل گرداند بگیرند قدری افیون در مار اشیر حل کرده
بخورند دوا ر منوم از تالیف حلوبخان ص بیخ سوتهه دوازده مثقال و نیم بیخ تفاح بر ابر الیخ سفید
از هر یک پنجمثقال کوفته در یک نیم من تبریز شیر گاو داخل کنند و بجوشانند پس فرود آورده ماهی
ماست مان زده شیر را ماست بندند پس مسکه آن ماست را تمام بگیرند و کار آرند پس بگیرند
جوز بوا پنج عدد و میان اینها را خالی کرده جا که آنها را نگاه دارند و در جوز ها را خالی نموده پنجمثقال
افیون گاذرونی را فتیله کرده بگذارند و جوز ها را انجمیر گرفته در روغن گاو بریان کنند بحدی که خمیر
سوخته گردد پس خمیر را از انها جدا کرده پس دران دارچینی بهمن سفید و سرخ شقاقل مصری تخم
خشخاش سفید گل گاوزبان سرنبقشه غنچه تخم خرفه مقشر از هر یک دو مثقال و نیم زعفران یکمثقال
و یکدانگ و نیم ثعلب مصری مغز بادام مقشر مغز جلغوزه مغز انجلک مغز جبة الخضرا مغز حب السمن
از هر یک پنجمثقال مغز تخم خیارین هفده مثقال و نیم ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب مشک تبتی
از هر یک چهار دانگ نبات سفید عسل مصفی از هر یک نود مثقال اجزا را انچه کوفتنی است کوفته
و انچه بختنی است بخته مجموع را با جاک جوز ها بمسکه مذکور چرب کرده عسل و نبات را بگلاب و عرق
بید مشک عرق گاوزبان حل کرده بقوام آورده ادویه را بان بسرشند دوا ر جهت تقویت
از مجربات عماد الدین کاشغر ص غاریقون نرم سفید مغز بادام از هر یک پنجدرم شیرخشت دو درم
انجیر دو درم اسارون پنجدرم از مجموع حبوب ساختن پنج روز پیوسته بخورند و اگر در دهان گیرند
بلغم زائل کند از ترشی پرهیز نمایند دوا ر که صرع اطفال ببرد مجرب است جدوار نقش نیمدانگ
در شیر مادر او سائیده بخوراند و همچنین اگر بزرد ماده فاوانیا برلسیمان نیلگون بسته در گلوی طفل

طباشیر دارچینی اذخر اسارون قسط شیرین خافث تخم کشوث لک منقی تخم کرفس زراوند طویل
حب بلسان عود غرقی هیل از هریک یکدرم ورق گل سرخ منزوع الاقماع برابر همه ادویه عسل
سه وزن ادویه شربت از یکدرم تا دو درم و بیدایر سانافع است از برای فساد مزاج معده
واجتماع مار اصفر در بطن که عبارت است از استسقا زقی وملین بطن است ص ایرسا
بیست وچهار درم فلفل بیست درم زنجبیل انجدان از هریک دوازده درم انیسون مصطگی
رازیانه از هریک چهار درم نانخواه تخم کرفس از هریک هشت درم کوفته بیخته بعسل مصفی سه وزن ادویه
سرشته معجون سازند شربت مقدار عضصه دوا را القسط شیخ رئیس گفته که ازین دوا نافع است
از برای اوجاع کبد ومعده ص دارچینی سلیخه سیاه قسط از هریک سی درم زعفران بیست درم
انیسون تخم کرفس از هریک ده درم اسارون بیست ونه درم ریوند چینی ده درم فتاح اذخر
مرصافی از هریک بیست وچار درم مرر ادر شراب غلیظ بخیسانند وبیالایند وادویه را بآن
بسرشند دوا را الکبریت تالیف حکیم مومن مسمی به تریاق معده گفته که این دوا در تقویت احشاء و
ضعف بدن بی عدیل است ودر اول درجهٔ ثالث گرم وموافق مبرودین است وقدر بخش
از نیم مثقال تا یک مثقال ص سنبل الطیب قسط تلخ سلیخه مصطگی حب الغار زنجبیل قرنفل بسا
از هریک دو مثقال زراوند طویل فلفل سیاه تخم کرفس انیسون نانخواه زیره کرمانی قنطوریون
باریک اسارون کبریت زرد انجدان پودینه دشتی افسنتین خشک تخم انجره کندر از هریک چهار مثقال
عود هندی فلفل سپید از هریک پنج مثقال زعفران یک مثقال ونیم مشک تبتی فرفیون از هریک
یک مثقال باد وزن ادویه عسل مصفی معجون سازند وبعد از شش ماه استعمال نمایند دوا را که تشقیه
وصداع بارد را رفع نماید مومیائی در روغن بنفشه بگذارند وآنرا سعوط نمایند دوای که طبری گفته
که آن را بر سر صاحب صداع بندند بالخاصیت در دسر را ساکن گرداند بگیرند قوه الصبغ برسر
علیل بندند دوا را که صداع حار را زائل کند تخم کاسنی را کوفته بگلاب سائیده بر سر وجبهه بطوخ
کند وکریزه همین حکم دارد دوا را که در ازالهٔ صداع مجرب است کبابه وآنرا کوفته بگلاب سرشته

چهار درم و چهار دانگ جنطیانا زرواند گرد هر یک یکدرم صبر سقوطری سنبل هر یک دوازده درم
فوه پانزده درم حب بلسان سلیخه مصطگی مقل قضب الذریره اسارون هر یک شش درم
کندر چهار درم دارفلفل زرا وند طویل هر یک سی درم ونیم ریوند جعده اذخر هر یک ده درم
رب السوس هبیت وبشت سیسالیوس سه درم کوفته بیخته بعسل معجون سازند شربت یکمثقال
دوا مر اللک صغیر منافع وی قریب بمنافع کبیر است ص لک مغسول قسط تلخ فقاح اذخر
ترمس حب الغار حلبه فلفل هر یکده درم ریوند چینی پانزده درم کوفته بیخته بعسل بسرشند شربت
یکدرم باطبیخ افسنتین یا با آب گرم دوا مر الکرکم کبیر امراض جگر وسپرز را که از سردی باشد
نافع است وسده بگشاید وبادها را رفع کند وگرده ومثانه را قوت دهد وبول براند واستسقا را
که بسبب ورم جگر وسپرز بود سود دارد ص زعفران دوازده مثقال اسارون سوقوا سیون
قسط اسالیون ریوند چینی هر یک چهار درم سنبل شش درم قسط سلیخه فقاح اذخر حب بلسان
هر یک یکدرم فوه دو درم رب السوس جعده مصطگی خافث هر یک سه درم روغن بلسان پنجدرم
مصاف چهار درم کوفته بیخته بعسل بسرشند شربت یکدرم تا دو درم با ماء العسل دوا مر
الکرکم صغیر منافع وی قریب بمنافع کبیر است ص زعفران سلیخه سنبل از هر یک دو درم
فقاح اذخر قسط دارچینی هر یک یکدرم کوفته بیخته یک شبانروز در شراب انگوری تر کرده
روز دیگر بعسل معجون سازند شربت یکمثقال وکرکم اسم زعفران است وچون او داخل
این معجون است واصل وعمود این ترکیب لهذا باین مسمی گشته دبید الورد بعضی
گفته اند که معنی دبید الورد آن است که ورد برابر همه اجزا است لیکن از دبیدا یرسا معلوم
میشود که عمود واصل درین ترکیب ورد است خواه مثل همه اجزا باشد یا از همه اجزا وزن
این کم بود لیکن از هر یک جزو وزن زیاده باشد واین معجون یکی از شاگردان ابو البرکات
است که طبیب خلفای بنی الدد بود واین معجون را بهموزن طلامی فروخت بالجمله در تقویت
معده وضعف جگر واستسقا منفعت عظیم دارد مکرر بتجربه راقم آمده سنبل الطیب مصطگی زعفران

از هریک یکماشه مروارید پنج ماشه ورق طلا ماشه مشک ماشی شربت سیب ثابت به شربت انار بهی
عنبر نیم ماشه عسل و نبات سه وزن این ادویه را اقم نیز تجربه نموده **دیاقوذا** صاحب برهان قاطع
گوید که بلغت یونان شربت خشخاش را گویند که از پوست خشخاش پخته باشند از تخم آن و نزد
بعضی بر مطلق شربت خشخاش اطلاق می کنند منع نزلات کند سرفهٔ خشک را بغایت نافع است
ص خشخاش سفید با پوست بیست عدد تخم خطمی کتیرا صمغ عربی تخم خیارین بهدانهٔ شیرین از
هریک پنجدرم اصل السوس بیست درم بزر قطونا ده درم مجموع در شش رطل آب باران
بخیسانند دو شبانروز نازم شود پس با آتش نرم بپزند تا مهر اگردد و به نیمه آید بعد ازان صاف
کرده با یکمن قند بقوام آورند **دیاقوذا** منقول از بیاض عم مرحوم ص کوکنار نیم پاو گل بنفشه
اصل السوس هریک نیم توله تخم پرسیاوشان هر واحد چهار درم عناب پانزده عدد صمغ عربی
کتیرا هریک نیم توله زوفا خشک سه درم مغز تخم خیارین پنجدرم بهدانه شش درم خبازی دو
درم مویز منقی سی دانه ادویه را دردو نیم آثار آب باران یک شبانروز بخیسانند بعد ازان
با آتش جوشانیده صاف نموده با نیم آثار قند سفید بقوام آرند هرگاه قوام درست شود تخم
سفید هشت توله خشخاش سفید چهار توله مغز تخم کدو توله همه را شیره کشند و در قوام مذکور
با آتش ملایم کم کم شیره داخل نمایند و قوام را حرکت داده باشند که شیره ها جذب شود و قوام
بحدی رسد که با انگشت بچسپد بعد ازان رب السوس نشاسته صمغ عربی کتیرا باریک نموده در
آخر قوام اندازند و تبرزده نگاه دارند **دخمر** ما معنی آن محلل الریاح است باد ها بشکند و قولنج را
نافع باشد منقول از شفائی ص هزار اسفید جلبه از هریک سی درم روغن عقربی فلفل
دار فلفل حاقرقرحا اسارون سلیخه قسط زعفران زنجبیل از هریک دو درم کوفته بیخته بعسل
بسرشند شربت دو درم **دوا المسک** کبیر صلابت جگر و سپرز و معده و استسقاء را
برودت معده مفید و بول براند و سنگ گرده و مثانه برریزاند و بدن لاغر کند ص لک منقی
دو توله تخم کرفس چنبیلی زیره کرمانی زنجبیل هریک هشت درم کما فیطوس زوفای یابس هریک

بهمن سرخ وسفید درونج عقربی زعفران ازهریکدو درم مصطگی اشنه هیل قرنفل ازهریک یکدرم
صندل سفید طباشیر سفید صندل سرخ کشنیز خشک مقشر گل گاوزبان آلهٔ منقی بسد تخم خرفه
مقشر ورق نقره ازهریک سه درم زرشک منقی پنجدرم عود هندی بادرنجبویه ازهریک یکدرم
ونیم عنبر اشهب مشک تبتی ازهریک چهار دانگ رب سیب شیرین قند سفید وعسل هرسه وزن ادویه
بدستور مقرر معجون سازند وبعد ازچهل روز استعمال کنند دواء المسک بارد دبی جواهر منسخهٔ علویخان
صاحب ص طباشیر سفید کشنیز خشک صندل سفید تخم خرفه مقشر ازهریک چهار دام کهربای مصنوعی
بسد ابریشم مقرض ازهریک چهار درم مشک تبتی دو دانگ نبات سفید سه وزن ادویه چنانچه رسم
است مرتب سازند دواء المسک جهت غشی وخفقان ودوشت دوهم وبرد معده و
سوء هضم ص مشک تبتی نیمدرم مصطگی عود خام دارچینی پوست ترنج فرنفل هیل برگ مورد کبابه
قاقله کبار وصغار سعد اذخر درونج تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه تخم مرزنجوش دارفلفل وارید
بسد کهربا ابریشم خام ساذج بهمنین هریک ده درم باعسل هلیله مربی ببرشند دواء المسک
بارد از حکیم محمد باقر ص طباشیر سفید مروارید ناسفته کهربا بسد ابریشم مقرض ازهریک پنج مثقال
تخم کاهو دو مثقال کشنیز خشک ازهریک دو مثقال ورق گل سرخ پنج مثقال ورق نقره
عنبر اشهب یک یک مثقال مشک خالص نیم مثقال زرشک
بهدانه دو مثقال گل گاوزبان دو مثقال باصد مثقال رب سیب ترش وصد مثقال
قند بقوام آرند دواء المسک بارد نافع ازبرای خفقان که حادث از شرب خمر بود منقول
قلب است منقول از خط علویخان مرحوم ص گل سرخ طباشیر سفید کشنیز خشک گل گاوزبان
کهربای ازهریک بکدرم مروارید ناسفته مشک تبتی سدس جزو بانبات سفید سه وزن ادویه
وآب سیب ترش قدری بدستور مرتب سازند شربت یکمثقال دواء المسک بارد
منقول از بیاض عم مرحوم ص کهربا بسد طباشیر سفید ورق نقره ازهریک سه ماشه گاوزبان
گل سرخ کشنیز خشک ازهریک نیم تولهٔ ابریشم خام دو ماشه تخم خرفه نیم تولهٔ زعفران دارچینی دو ماشه

شرح حکیم علی ص زعفران ربع جزو مشک نصف جزو کهربا بسد تخم کشنیز طباشیر مغز تخم
خیارین ابریشم محرق مروارید ناسفته از هر واحد جزوی سویق سیب شیرین سه جزو باسه چند
شکر طبرزد معجون سازند شربت دو درم تا ده درم بشراب تفاح شیرین **دوا المسک**
حامض از قرابادین قلانسی تقویت جمیع اعضاء رئیسه و جمیع قوتها کند و به خفقان که حادث
از خمار بود نافع است و ناتهین را سود دارد ص مروارید ناسفته نیم درم گل گاوزبان غنچه
گل سرخ طباشیر سفید کشنیز خشک مقشر کهربای شمعی بسد محرق از هر یک یک درم مشک تتبی
دو دانگ نبات و رب سیب ترش از هر یک بقدر ضرورت سازند و صاحب میزان الطبایع
گفته که مزاج این دوا قریب به برودت است و خشک است در درجه ثانیه **دوا المسک**
تلخ نافع است برای صرع و فالج و لقوه و خفقان سوداوی و اوجاع و ریاح معده را تحلیل کند
ص افسنتین رومی صبر سقوطری از هر یک ده مثقال سنبل الطیب مرکی از هر یک سه مثقال
ربوند چینی خمام نانخواه زعفران تخم کرفس از هر یک چهار مثقال مشک نار دین سافج هندی
مروارید از هر یک سه درم جند بیدستر بکنیم درم عسل سه وزن ادویه شربت یک مثقال +
دوا المسک بارد از حکیم الملک اردستانی مربندی ص گل گاوزبان گیلانی غنچه
گل سرخ کشنیز مقشر طباشیر سفید مغز تخم کدو مغز تخم خیارین تخم خرفه مقشر کهربای شمعی از هر یک
سه مثقال گاوزبان مروارید ناسفته ابریشم مقرض از هر یک دو مثقال شربت فواکه بیست مثقال
نبات سفید یکمثقال گلاب و عرق بید مشک از هر یک صد مثقال بطریق مقرر معجون سازند
شربت دو مثقال مولف گوید که نیست این دوا المسک زیرا که بدون مشک اطلاق دوا المسک
نمی توان کرد بلکه این مفرح بارد است **دوا المسک** معتدل تالیف علویخان نافع است
از برای خفقان سوداوی و مالیخولیای مراقی و مقوی قلب و دماغ و کبد و خبث نفس و
وسواس زائل کند معده را قوت دهد و محلل انجره سوداوی و مانع صعود آن بدماغ مولف
این نسخه مجرب نوشته ص مروارید ناسفته کهربای شمعی ورق گل سرخ ابریشم مقرض دارچینی

چون ختنه کنند خون برود بعد ازان دوا را بفشارند و ببندند ص کات هندی مروارید سنگ
بلیله بلیله مرصاف صبر مورد اجزا مساوی کوفته بیخته بر جراحت یا محل ختنه استعمال نمایند
بعد از سه روز باز کنند جراحت به شده باشد خند لقوان برودت معده و جگر و احشا را
نافع باشد و هاضمه را قوت دهد و از برای پیران مفید ص شراب کهنه ده رطل عسل صاف
سه رطل زنجبیل ده درم قاقله صغار و کبار زعفران از هر یک یکمثقال قرنفل مشک از هر یک
پنج درم دارچینی فلفل از هر یک یکدرم ادویه را نیم کوفته سوای مشک و زعفران در کیسه کتان
و سر کیسه را نرم به بندند و شراب و عسل را بجوشانند و کیسه را در ان افگنند و هر ساعت بدست
بمالند تا شراب بقوام آید پس کیسه را بردارند و مشک و زعفران را در ان حل کنند و
انگاه بکار دارند باب الدال المهمله دوا المسک حلو نافع است از برای خفقان
و فالج و لقوه و صرع و خبث نفس و استرخا و کزاز امتلای و مقوی قلب است و معده را
پاک میسازد و نشف رطوبت ازان می کند و معین است بر هضم غذا ص زرنباد در روغ
عقربی مروارید ناسفته کهربا بسبد از هر یک ده درم ابریشم مقرض شش درم بهمنین سنبل الطیب
سازج هندی قاقله قرنفل از هر یک پنج درم اشنه دار فلفل زنجبیل از هر یک چهار درم
مشک سه درم عسل یکمن ابریشم را مقرض سازند که مثل غبار گردد پس جواهر را بر سنگ صاف
صلایه کرده و باقی ادویه را کوفته بیخته بعسل مصفی بسرشند شربت از نیم مثقال و حکیم الملک
بعد از دو ماه جدوار نفس قسم اول باین معجون چهارم حصه ممزوج میساخت در جمیع افعال
خصوص در رفع سموم و عفونت اخلاط اقوی می گشت دوا المسک شیرین از
حکیم علی ص مروارید ناسفته کهربا مرجان ابریشم مقرض زرنباد در روغ زعفران سنبل الطیب
قاقله قرنفل سازج اشنه جند بیدستر دار فلفل زنجبیل مشک مصطگی بهمنین اگر قرص عنبر موجود
باشد عوض عنبر ده تولہ کند نبات سفید صد مثقال عسل خام دو صد مثقال دوا المسک
که در مرض مالیخولیای احراقی صفراوی بعد استفراغ جهت تبدیل مزاج بکار آید منقول

اید صاف کنند ولادن دہ درم روغن مورد مبست مثقال اضافہ نمایند و باتش ملایم بجوشانند تا
روغن بماند **خضاب** دیگر باسر چونہ گویدکہ این خضاب را ما آزمودہ ایم بسیار نیکو است ص
آملک مازو برشتہ روئی سوختہ شب گل سرو کتیرا قرنفل ہر یک نیم جزو برگ حنا وسمہ مردار سنگ
از ہر یک جزو جملہ را کوفتہ بیختہ بآب بسرشند و بعد از سہ ساعت بمالند **خضاب** دیگر ورق نفرہ
ورتیز اب فاروقی چندان مالند کہ حل شود باشانہ اسرب بعد از تصفیہ مورا و ساخ بکشند موی را ہمان
ساعت سیاہ کند و بدیر سیاہی آن می ماند منقول از بیاض عم مرحوم **خضاب** معمول اکمل
المحققین استاد سراپا کمال حاذق الملک حکیم محمد اکمل خان ص وسمہ یکتولہ حنا دو ماشہ ہر دو را
در آبی کہ دران آملہ خیسانیدہ باشند خمیر کنند و دو گھڑی در آفتاب نگاہدارند بعد ازان موی را بمالند
سیاہ میکند آنرا و گاہی قرنفل برای تسوید شعر و تسخین دماغ نیز اضافہ میفرمودند و بعضی اوقات بعد
شستن موی گل ملتانی آملک مردار سنگ از ہر یک جزوی ہمہ را سائیدہ در آب آمیختہ بر موے
خضاب می نمودند در تسوید شعر اثر تمام میکرد **خضاب** معمول عبد الغفور مرحوم ص مازو
نیم آثار آملہ پاؤ آثار روغن کنجد پاؤ آثار ہلیلہ زنگی دو آثار نیلہ تہوتہ ریزہ مس از ہر یک یکدرم شب بمانی
نوشادر از ہر یک پادکم دام قرنفل نیم ماشہ ہیراکسیس سہ ماشہ اول مازو را در روغن جوشاندہ تا بختہ
شود بعدہ در ٹاٹ نہادہ صاف کنند کہ اثر روغن نماند بسایند و جامہ بنیز نمایند و ادویہ را جدا جدا
کوفتہ در آب سائیدہ گولی بندند و در برگ انجیر یا برگ ارنڈ نگاہدارند بعدہ در آوند حل کردہ طلا
نمایند چون خشک شود بآب گرم بشویند و روغن چنبیلی مالش نمایند دو مرتبہ بمفاصلہ یکروز
داده **خضاب** نمایند **خضاب** در تسوید شعر مجرب است راقم ہم استعمال کردہ ص سیدہ
گندم دو نیم دام بہمن دام ہر دو را در اوند آہن انداختہ آب داخل کردہ خوب حل نمایند
از دستہ آہن و ہر چند حل خوب خواہند کرد فائدہ عظیم خواہد نمود دو روز در آفتاب دارند و بعدہ
خضاب نمایند پس از چہار گھڑی بشویند بعد ازان ہلیلہ سیاہ دو دام خوب باریک نمودہ در آب
حل کردہ **خضاب** نمایند خشکند کہ جراحت زود بہ گرداند خصوص ختنہ را و مجرب است بادہ

خمیر کنند و قرص سازند و خشک نمایند وقت حاجت یک قرص گرفته در طبخ آمله و آس حلکرده
در هر ماه دو سه دفعه خضاب کنند باید که خضاب از ادویه مقویه دماغ مثل لادن و قرنفل و
مشک خالی نباشد تا دماغ بسبب خضاب ضعیف و مستعد نزله نشود **خضاب** که مورا
سیاه کند و بهترین نسخه ها است باعتبار انکه بمجرد مالیدن بی آنکه ببندند عمل میکند و حاجت
بدربستن ندارد و درد و گرمی اثر میکند رنگش طاوسی نمی باشد و جلد را سیاه نمیکند ص
مازو چهار حصه سنگ راسخ دو حصه نوشادر یک حصه شب یمانی نیم حصه مازو را در خاکستر گرم
که نخود در میان آن بریان میکنند اندازند تا سوخته سیاه شود و هر دو را جدا جدا باریک بسایند
و وزن نمایند پس یکجا کرده در ظرف آهنی نهند و آب آمله آمیخته بدسته آهنی صلایه کنند تا خوب سائیده
گردد پس موی را با آب آمله بشویند و دو بار بمالند در پنج ها موی و بعد دو گهڑی با آب آمله بشویند پس
با آب گرم و باید که آمله را نخست در آب بجوشانند پس آب او را داخل دوا سازند و در شستن مو
بکار برند که عمل طبخ قوی تر میباشد **خضاب** که موی را سرخ کند و اشقر سازد ص مرینج درم
ترمس ده درم ملح و باغت یعنی شور و دردی خمر خشک کرده بریان نموده هر یک سه درم
بعده هر یک جدا کوفته بیخته وزن کرده یکجا نمایند پس بگیرند خاکستر درخت انگور و آب بران ریزند
و یک شب نهند و موی را با آب خاکستر مذکور نخست بشویند و عقب آن دوا مذکور با آب
مسطور سرشته خضاب کنند و مکرر بمالند تا رنگ دهد **خضابی** که موی را سفید کند ص
ورق الخطا طیف را سن خشک کرده کنار مانج تخم ترب نسرین خشک فقاح خشک کوفته
بزبره گاو و خل خمر سرشته ضماد نمایند بعد ازان که بکبریت تبخیر کرده باشند موی ها را و پس از سه ساعت
یا چهار ساعت ضماد را دور کنند و موی را بشویند و دو سه ساعت فصل داده باز بخور کنند
بکبریت و اعاده ضماد نمایند و همچنین تکرار کنند تا که سفیدی در موی پدید آید پس دایم بروغن
تدهین نمایند **خضاب** که مورا سیاه کند و نگاهدارد ص آسته آمله پوست بیرون گردگان
شقایق حنا هر یکیده درم مازو دو عدد همه را نیکوب نمایند و در دو رطل آب بجوشانند تا بیک رطل

بسد رما و جناح نسر هر یک یکجو و مجر السن ربع جز شیر رق نیم جزو کوفته بیخته بمیل در چشم کشند یا در قرص
سازند و رغاده بر عین بندند حرم صغیر اجزا آن پوست بیضه مدبر باریک بسایند خواه
تنها یا با شکر ممزوج نموده استعمال نمایند و تدبیر قشور بیضه این است که آنرا در آب شیرین
تر نمایند و در آفتاب نهند و از غبار پوشیده دارند و چون آب منقص شود تبدل سازند و
با هستگی بهم شویند و پوست باریک که بر اندرون قشور جدا گردد دور کنند و آب دیگر ریخته
و همین ظرف بسته دارند تا غبار نرسد بدستور اول بدارند تا آب گنده شود پس بشویند بدین
و همین قسم تکرار عمل نمایند تا که آب از کندیدن باز ماند و پوست از قشور جدا انگردد پس قشور
تباه شده بکار برند اگر قشور بیضه که از ان بچه بر آمده باشد بگیرند قوی الاثر خواهد بود خرم
بعسلی از برای بیاض چشم مجرب نوشته اند ص بگیرند پوست تخم مرغ که بچه بر آورده باشد و
مدبر کنند و صلایه نموده از حریر بیخته در عسل آمیخته در چشم کشند خرم خل عنصل بصرع و لقوه
و فالج و سکته و وجع راس و ضیق النفس و ربو و وجع عصب و عرق النسا و وجع معده نافع بود
و مضمضه کردن بآن تشدید لثه و اسنان و تصفیه صوت نماید شربت از دو درم تا هشت درم
ص بگیرند عنصل سفید نقی را بکارد خشب ورق ورق برند مثل پیاز و منتظم سازند در خیطه کتان
و چهل روز در سایه معلق بیاویزند پس یک من ازین پیاز در بیست من خل خمر بیندازند
در صیف شصت روز از ابتدا ر سرطان تا آخر اسد در آفتاب بدارند پس بکار آرند و اگر خمر
بود بیست روز کور را باسرکه مسطور در قدری حجری بجوشانند تا مهر اشود صاف کرده بکار برند
بعضی یکمن پیاز را در پانزده یا شانزده من سرکه انداخته در آفتاب بیندازند و مولانا قطب الدین
فرموده که خل خمر عبارت ازان است که در ده من آب انگور سرکه انگوری خالص اضافه
کرده در خم سربسته در آفتاب بگذارند تا ترش شود خضاب که محافظت موکند و سفیدی
که در غیر وقت عارض شود دور نماید ص عفص حلیه کشنیز خشک سنبل لاذن پوست
جوز تر خشک کرده شقایق نعمان خبث الحدید روسنج شب یمانی باریک کوفته بشراب عفص

شده خمیره گردد پس نگاهدارند شربت یک مثقال خمیره زمرد از تالیف راقم اقسام
خفقان را نافع بود و تقویت قلب نماید و تفریح تمام آورد و وسواس سوداوی را زایل کند
ص زمرد سابیده دو تولا لاجورد مغسول بهمن سفید ابریشم مقرض گاوزبان گیلانی هر یک یکدرم
عنبر اشهب یکمثقال ورق طلا ورق نقره هر یک یکنیم درم گلاب بید مشک آب انار شیرین
هر یک یک اوقیه نبات سفید یک نیم پاو عسل سفید هفت تولا شراب سیب بیست تولا عسل و
نبات و شراب را در آب حل کرده بر آتش گذارند بعد ازان که کف برداشته باشند گلاب و مشک
و آب انار داخل کرده بقوام آورده ادویه بسرشند خمیره یاقوت وسواس سوداوی و خفقان را
وضعف و اقسام مالیخولیا را نافع است از تالیف علویخان ص آب به شیرین آب سیب شیرین
آب امرود گلاب عرق بید مشک از هر یک یکصد مثقال عرق گاوزبان عرق صندل از هر یک
پنجاه مثقال قند سفید ده من طبی قند را با آب و عرقها بجوشانند و کف آنرا بگیرند پس بقوام آورده
تبرزند که سفید شود پس یاقوت رمانی ده مثقال بگلاب صلایه کرده عنبر اشهب لاجورد مغسول
زهر مهره از هر یک دو مثقال اضافه نموده مرتب سازند و در ظرف چینی نگاهدارند و بعد از چهل روز
استعمال نمایند خمیره مسک چون قبل از جماع بدو ساعت بخورند امساک منی و
سرعت انزال را مفید است ص بگیرند خشخاش مع پرده نیم طل و نیمکوفته در هفت من آب
حدادان بجوشانند چون آب بثلث رسد بمالند و بیالایند پس با یکطل نبات سفید بقوام خمیره
آورده بعد ازان از آتش فرود آورده زنجبیل بیست درم جوزبوا دو درم افیون یکدرم زعفران
نیمدرم کوفته بیخته داخل کرده تبرزند تا نیکو مخلوط شود و خمیره گردد و در ظرف چینی نگاهدارند خرم
کبیر بضم خا معجمه و فتح رای مهمله و قبل نقشبدر او پوست بیضه مرغ را که شسته باشند میکوبند و
چون او داخل این ترکیب میشود لهذا باین اسم مسمی گشته و در بعضی کتب مثل بحر الجواهر
وغیر آن این لفظ را بحا مهمله و زا معجمه نوشته اند خرم قلع میکند بیاض را ص قشور مدبر
عقدنی کهنه خاکستر صدف مروارید شیخ زبد النجر بعرا نصف فی تنبیح اقلیمیای طلا شاذنج

بران زده تبرزنند تانیکو آمیخته شود عنبر اشهب چهار مثقال نبات سفید کوفته بخته اندک اندک
بران ریزند تانیکو مخلوط شود شربت یکمثقال خمیره عود ترش تالیف محمد ذکریا انفع مفرحات
است ونافع بود از برای سوء فکر و وسواس وخفقان وانواع خمول وضعف معده ودماغ
وقلب وکبد وبجهت استسقا ونسیان وضعف باه مفید ص بگیرند اسارون شامی قاقله کبار
کبابه هیل بواتخم خشخاش از هریک نیم اوقیه مصطگی رومی زراوند طباشیر سفید ابریشم خام زرنب
فلفل فرنجمشک از هریک چهار درم مجموع را نیم کوفته سه شبانروز در چهار رطل آب بخیسانند وبجوشانند
آن مقدار که ربع بماند پس بمالند وبیالایند وداخل نمایند در آب صافی آن آب عناب آب سیب
شیرین آب سیب ترش آب بهاس آب زرشک منقی آب انگور آب انار ترش آب سفرجل
از هریک چهار اوقیه پس همه را داخل کرده بقوام سه وزن مجموع یعنی مطبوخ اول وزین آنها
قند سفید داخل کرده بقوام آورند پس بگیرند عود هندی سیاه رنگ غرقی چهار اوقیه مروارید سفته
مرجان قرمزی کهربای شمعی از هریک سه درم یاقوت رمانی یکدرم ونیم همه را در گلاب وعرق بید
از هریک نیم رطل آب لیمون آب نارنج از هریک چهار اوقیه صلایه کرده دران حل نمایند وبر بهم زنند
چون لایق قوام آید عنبر اشهب محلول دو درم ورق طلا ورق نقره محلول مشک خالص
زعفران بگلاب سوده بعد ازان که از آتش فرود آورده باشند دران حل کرده در ظرف چینی
یا زجاجی یا نقره نگاهدارند شربت از یک مثقال تا دو درم خمیره از تالیف علویخان
مرحوم مسکره منشط است ص چهل مثقال شکر سفید را قدری آب داخل کرده بر آتش نهند
وبجوشانند تا کف بر سر آورد پس قدری سفیده تخم مرغ را بران ریزند تا کف آن را
تمام گرفته پس صافی نموده باز در دیگ کنند بیست مثقال بگلاب خوشبو داخل کرده
بقوام خمیره آورند پس از آتش فرود آورده تخم خشخاش مغز بادام مقشر از هریک ده مثقال
در نهایت نرمی سائیده داخل کنند پس چرس یک مثقال ونیم مشک عنبر اشهب از
هریک چهار دانگ سوده داخل کرده وبه تبر معجون سازی آنقدر بر هم زنند که نیکو مخلوط

از هریک پنجاه درم قند سفید شصت درم بقوام آرند عنبر اشهب دو درم و مشک یکدرم در آخر قوام
بیامیزند پس طباشیر سفید سوده مروارید ناسفته سوده از هریک سه مثقال کهربای شمعی بسد گل سرخ
صندل سفید هریکدو مثقال سرمه سا نموده دران داخل کنند و خوب تبرزده بردارند خمیره
گل گاوزبان عنبری حارص گل گاوزبان گیلانی ببست مثقال قند سفید شش صد
مثقال گلهارا در عرق بید مشک بقدری که دو انگشت بالای گلها باشد یک شبارو زنجسانند
و جوشانیده صاف نموده بافند بقوام آرند و عنبر اشهب نیمدرم داخل نموده فرود آرند خمیره گاوزبان
عنبری حار جهت ازاله توحش و خفقان و تقویت دل مفید ص برگ گاوزبان گیلانی برگ
بادرنجبویه از هریک بیست و پنج مثقال مشک دو ماشه عنبر اشهب یک ماشه گلهارا و برگهارا
در عرق بید مشک و گلاب در زمستان سه شبارو ز در تابستان یک شبارو زنجسانند پس
بجوشانند و صاف نموده پاو بالایک آثار نبات بقوام آرند و عنبر اشهب و مشک حل نموده
فرود آرند خمیره ابریشم محرورین را موافق بود و در تقویت قلب کبدی نظیر است ص ابریشم
خام پنجاه مثقال بگلاب و عرق بید مشک و عرق گاوزبان از هریک دو صد مثقال آب خالص
بقدر ضرورت یک شبارو زنجیسانند و بمالند و بیالایند و بعد ازان بگیرند آب شیرین آن بهترین آب
امرود از هریک سه اوقیه و من تبریز آب نیشکر و قند سفید از هریک یکمن تبریز عسل مصفی نیم من
تبریز مجموع را یک جا کرده بجوشانند و کف آنرا بگیرند پس بقوام آورند و مروارید ناسفته یاقوت
رمانی کهربای شمعی از هریک دو مثقال فادزهر معدنی دو مثقال و نیم لعل بدخشی زمرد از هریک
دو مثقال صندل سفید غنچه گل سرخ گل گاوزبان شقاقل مصری بهمن سرخ بهمن سفید طباشیر
سفید کشنیز خشک مقشر از هریک دو مثقال و نیم ابریشم مفرض پنج مثقال عنبر اشهب ورق
طلا محلول از هریک یکمثقال و یکدانگ و نیم تخم خرفه مقشر پنج مثقال مشک نبتی چهار دانگ
ورق نقره دو مثقال بدستور مرتب سازند مقشر تمیکمثقال خمیره عنبر مقوی قلب است و بیران
موافق بود ص بگیرند شکر سفید یکمن صاف نموده بقوام آرند و کف بردارند و سفیده تخم مرغ

ازهریک نیم طل یک شبانروز بخیسانند و روز دیگر با سه رطل آب در دیگ سنگین بجوشانند و دائم
کیسه را بمالند تا بنصف رسد پس کیسه را بمالند و بفشارند و دور کنند و داخل نمایند دران آب سفرجل
شیرین آب سفرجل حامض از هریک یکدرطل قند سفید سه رطل بقوام خمیره آورند و از آتش برگرفته
صندل سفید طباشیر سفید سوده از هریکده درم مروارید ناسفته صلایه کرده کهربای شمعی صلایه کرده
از هریکدو درم کافور قیصوری نیم مثقال سوده داخل نمایند و تبرزنند تا نیکو مخلوط شود و در ظرف
چینی نگاهدارند شربت ده درم با شیره تخم خیارین شیره تخم خربزه مقشر عرق بید مشک خمیره
مروارید از اختراع والد ماجد بغایت مقوی دل و دماغ ص مروارید ناسفته یک تولچه شب
سوده کهربای شمعی صندل سفید طباشیر سفید هر واحد شش ماشه نبات سفید پاوآثار عسل کشمیر
پنج تولچه در گلاب و بید مشک قوام نموده وادویه کوفته بخیته بآن لبسر شند خمیره مروارید بجهت خفقان
و رتقویت دل و دماغ مفید ص مروارید ناسفته طباشیر سفید صندل سفید ابریشم مقرض بهمز
سفید از هریک پنج مثقال عنبر اشهب ورق نقره ورق طلا هریک یکدانگ و نیم مشک تبتی نیم مثقال
نبات سفید گلاب بید مشک از هریک دو صد مثقال عسل مصفی بیست و پنج مثقال نبات را
گداخته عسل داخل کرده گلاب بید مشک داخل کرده بقوام آرند و تبرزنند پس ادویه سرشته
شربت از یک مثقال تا دو مثقال خمیره مروارید مقوی دماغ و قلب و رافع خفقان و بر
قروح کلیه و مثانه بسیار مفید و اخراج سنگ کرده و مثانه و ریگ آن نماید از تالیف راقم
ص مروارید ناسفته طباشیر سفید از هر واحد دو تولچه حجر الیهود و سنگ سرماهی هریک شش ماشه
عنبر اشهب یک تولچه صمغ عربی سه ماشه گلاب بید مشک هریک یک آثار قند سفید نیم آثار عسل
مصفی نیم آثار بطریق خمیره سازند و هرگاه علیل را از قروح کلیه و مثانه و جز آن نباشد حجر الیهود سنگ
سرماهی و صمغ عربی موقوف نمایند خمیره ابریشم بارد ص ابریشم خام صد مثقال در آبی که بکمر
طلا رتاب و نقره تاب نموده باشند یکشبانروز بخیسانند و عرق گاوزبان هشتاد مثقال و قدری
بگلاب و بید مشک دران داخل کرده بجوشانند پس بارب سیب شیرین و رب شیرین

و باد و نیم من آب باران بپزند و بیالایند و یکمن قند انداخته قوام دهند و خمیره سازند و قوت
آن تا دو سال باقی می ماند خمیره صندل منقول از بیاض عم مرحوم ص برادہ صندل
بیست مثقال در نیم آثار گلاب تر نموده یک شبانروز نگاهدارند بعد ازان بجوشانند و شیره
آن بگیرند و با یک من قند سفید خمیره سازند خمیره صندل حامض سوء مزاج حار قلب و
خفقان و حمیات صفراوی و اسهال مراری و تهوع و قی صفراوی را باز دارد ص صندل
سفید سوده سی درم کشنیز خشک مقشر پنجدرم در آب غوره یکصد درم و سرکه انگوری ده درم
و آب باران یکمن و گلاب و عرق بید مشک از هر یک نیم من یک شبانروز بخیسانند پس
بجوشانند تا به نصف رسد و از دست بمالند و از پارچه کتان نازک بگذرانند پس یک من
قند سفید داخل نموده بقوام آرند و بپزند تا بقوام خمیره آید پس بگیرند صندل سوده نود درم
مروارید ناسفته بشب سبز هر دو را صلایه کرده زعفران هر یک یکدرم کافور قیصوری نیم مثقال
طباشیر سفید ده درم کوفته بخته ورق طلا ورق نقره از هر یک نیم درم همه بآن بسرشند
شربت پنجدرم خمیره صندل به نسخۂ دیگر مقوی قلب و دماغ از برای خفقان مفید ص صندل
سفید بگلاب سوده بیست مثقال قند سفید یک صد و شصت مثقال عنبر اشهب نیم مثقال
مشک خالص یکدانگ و نیم ورق طلا ورق نقره از هر یک نیم مثقال گلاب یکصد
و شصت مثقال عرق بید مشک هشتاد مثقال قند را بگلاب و عرق بید مشک حل کرده
بآتش ملایم بقوام آرند پس سفیدۂ تخم مرغ شیره و آب در هم کرده دست زنند تا کف کند کف
را بران قند زده به تبر معجون سازی بران زنند تا مثل خمیره شود پس عنبر و مشک با قدری
نبات سفید سوده داخل نمایند و در هم زنند پس ورق طلا و ورق نقره محلول داخل کرده بر هم
زنند پس صندل را داخل کرده نیکو بر هم زنند تا بکار آید خمیره صندل سفید کافوری
نافع از برای تسکین التهاب قلب و معده و تب محرق و تپ دق ص صندل سفید
مقاصری سی درم سوهان کرده در کیسه کتان نموده در گلاب و بید مشک و عرق نیلوفر

لنشیر خشک پوست بیرون پسته لولو سفید کهربای شمعی گل نیلوفر گاوزبان ابریشم مقرض
از هریکدو درم یاقوت رمانی چهار دانگ برگ گاوزبان گیلانی ده درم کافور قیصوری دو
دانگ عصاره زرشک پنجدرم صندل سفید سه درم شیر آمله یانزده درم زرمحلول دو دانگ
ورق نقره سه دانگ مشک تبتی نیم دانگ عنبر اشهب دو دانگ آب سیب آب انار شیرین از
هریک سی مثقال گلاب بید مشک عرق گاوزبان از هریک پنجاه درم قند سفید دو من بدستور
متعارف سازند خمیره گاوزبان که بغایت مقوی دل و دماغ بود و ازالهٔ خفقان و غشی
نماید ص کافور دو دانگ مشک نیمدرم زعفران درم گل سرخ برادہ صندل سنبل الطیب
اُشنه هریک سه مثقال بادرنجبویه پنج مثقال گل گاوزبان ده مثقال گاوزبان گیلانی
هشت مثقال سوای سه جزو اول همه را در دو رطل آب و گلاب بخیسانند و جوش دهند
وصاف نموده با یک رطل قند بقوام آرند پس سه جزو اول داخل نموده بکار برند شربت
دو درم تا سه درم با عرق بید مشک و گلاب خمیره نبفشه اسهال صفرا کند و امراض
صدر و ذات الجنب و ذات الریه را نافع بود ص بگیرند گل نبفشه ساق و قمع آن را دور کرده
برگهای نبفشه آن بمقدار یک رطل از ان سه رطل قند سفید را کوبیده هر دو را بهم کرده کف
مال نمایند و در وقت مالیدن قدری از گلاب بران پاشند تا نیکو مخلوط شود پس در آفتاب
گذارند تا سه روز چهارم روز آن را نیکو کف مال کنند پس بکار برند و در وقت حاجت ده درم
آنرا تناول نمایند خمیره خشخاش برای نزله و سرفه مفید و تقویت دماغ کند تخم خشخاش سفید
صد درم کوفته آب نیلوفر آب نبفشه آب کدو هریک نیم من شکر یک من بقوام خمیره آرند و بعضی
اطبا تخم بنج در آب های مذکور سه روز خیسانیده بعد از دست مالیدن صاف می کنند و قند اضافه
نموده بقوام می آرند خمیره خشخاش نسخه دیگر جهت بی خوابی مفید و منع نزلات و اصلاح
ریش سینه و سوزش سینه و تشنج و دفع درد سینه و تعدیل اخلاط محترقه و تسکین حرارت نماید ص
کوکنار کلان با تخم صد عدد نیمکوب سازند یا پوست را جدا نیمکوب کنند و تخم را نرم بسایند

دو آثار بجوشانند تا وزن آب بر رود و وزن آب میوه بماند بعد ازان با عسل سفید قند سفید هر یک یکنیم یا دو بقوام آرند و در آخر قوام عنبر اشهب شش ماشه حل کرده بعد ازان که قوام سرد شود ورق طلا و ورق نقره از هر یک شش ماشه حل ساخته مروارید سائیده یک تولچه یاقوت رمانی نه ماشه کهربای شمعی مرجان هر یک شش ماشه شب سفید نه ماشه مشک خالص چار ماشه داخل نموده خوب مخلوط سازند و در ظرف چینی نگاهدارند شربت از یکدرم تا دو مثقال خمیرهٔ ابریشم که حکیم مسیح الزمان جهت بندگان حضرت اعلی ترتیب داده بودند برای ازالهٔ توحش و جمیع امراض سوداوی و تقویت قلب بی عدیل است ص کهربای شب صندل سفید عود مصطگی هر یک نیم مثقال فرنجمشک ابریشم مقرض مروارید هر یک یک مثقال گل گاوزبان دو مثقال همه را بکوبند و بیزند و ابریشم خام ده تولچه عسل سی مثقال نبات سفید هفتاد مثقال ابریشم را در دو سیر گلاب یک شبانروز تر کرده بجوشانند هر گاه که گلاب نصف باقی ماند صاف نموده و یک مثقال باد رنجبویه علیحده در قدری آب جوش داده صاف کرده بآن ضم نمایند عسل و نبات داخل کرده بقوام آرند اول عنبر حل کرده خوب صاف کنند که سفید شود بعد ازان داروهای که کوفته باشند بیامیزند و بکار برند خمیرهٔ ابریشم جهت توحش سوداوی و اقسام مالیخولیا و خفقان بارد و بادی و اسهال سوداوی و تقوی دل و دماغ و جگر است ص عود مصطگی مشک خالص هر واحد نیم مثقال یاقوت کهربا مرجان شب هر یک یک مثقال مروارید عنبر اشهب هر یک دو مثقال هر یک باد رنجبویه برگ فرنجمشک هر یک بیست مثقال ابریشم رز دو خام نود مثقال نبات یک سیر شاه جهانی ابریشم را در آب طلا تاب یا آهن تاب تر کرده بجوشانند تا ربع بماند خوب مالیده صاف کرده بگیرند و باد رنجبویه فرنجمشک را علیحده در یک کاسه آب بجوشانند تا نصف بماند صاف کرده بآب مذکور ضم کنند و نبات داخل کرده بقوام خمیره آورده به بیزند اول عنبر و پس ازان جواهر و داروهای دیگر بدستور حل کنند خمیرهٔ ابریشم که منع بخارات نماید تقویت دل و معده کند منقول از خط والد ماجد ص طباشیر سفید

ادویه را کوفته بیخته بروغن زیت چرب کرده بعسل مصفی سه وزن ادویه بدستور سابق حسوی جهت
پاک کردن ریه ص بگیرند خشخاش سفید باریک سائیده و در آب بمالند و شیره کشیده صاف
نموده پس تر در همین آب صعتر مرصوص باقلی سفید مقشر هر یکدو درم را بجوشانند تا بقوام ماء الشعیر
آید برابر ان حلیت و قدر حاجت مغز خبز سمید تسکر طبرزد و روغن تازه بار و غن مغز تخم کدو انداخته
یک جوش دیگر داده از آتش فرود آورده مغز حب السفرجل مغز تخم کدو شیرین هر یک پنجدرم
سائیده صمغ عربی کتیرا هر یک یکدرم کوفته بیخته داخل کرده نیکو مرتحسی کنند حمول که جهت زخیر مجرب
است زرده تخم مرغ روغن گل آمیخته مروارسنگ مغسول صمغ عربی سفیده ارزیز باریک ساخته
دران آمیزند و لقه بدان آلوده بردارند باب النجار خمیرهٔ گاوزبان عنبری تالیف اکمل المحققین
افضل الممدققین علامی فهامی والد ماجد حاذق الملک حکیم محمد اکمل خان مرحوم جهت تقویت
دماغ بی عدیل است و برای تقویت و تفریح قلب بی نظیر و انواع مالیخولیا و اقسام خفقان
زائل میگرداند ص گاوزبان گیلانی سه دام گل گاوزبان کشنیز خشک ابریشم مقرض بهمن سفید تخم
بالنگو صندل سفید تخم فرنجمشک هر یک یکتوله عنبر اشهب سه ماشه سوای عنبر اشهب در دو آثار آب تر نمایند و وقت
صبح بجوشانند هرگاه سوم حصه بماند صاف نموده با نبات سفید یک آثار عسل مصفی پا و آثار بقوام
آورده آخر قوام عنبر داخل نمایند و ورق طلا و ورق نقره شش شش ماشه اضافه نمایند و هر چند
که خوب حل خواهند کرد خوب خواهد شد شربت از یکدرم تا دو درم و چون درین ترکیب مروارید
یاقوت زمرد زبرجد هر مهره هر یک یک مثقال اضافه شود حکم تریاق بهم خواهد رسانید خمیره
ابریشم از حکیم ارشد مرحوم جهت اقسام امراض سوداوی و تقویت اعضاء رئیسه بعدیل است
و در طعم بسیار لذیذ ص عود غرقی چهار ماشه ابریشم خام که از کوه باشد چهل و دو تولہ صندل سفید
سائیده نیم تولہ سنبل الطیب پوست بیرون پسته پوست ترنج مصطگی قرنفل دانه هیل سیاه جوز
هندی از هر یک پنجماشه ادویه را در پارچه کتان بسته مع ابریشم که در عرق گاوزبان بشبنم
گلاب آب سیب شیرین آب انار شیرین آب به شیرین از هر یک دوازده درم آب باران

وبهمین معمول است شربت ساخته میدارند و به قاشق بگردانند تا بقدر سطبری بهم رساند و
پیش از فرو آوردن دواهای گرم مثل فلفل دراز فلفلمویه زنجبیل نانخواه از هریک یک سیر شیاف
کوفته اضافه نمایند و بکار برند و نیز اگر گاهی تنها قند سیاه نانخواه را در آب جوشانیده بعد زائیدن
بخورانند و هرگاه مزاج حامله گرم باشد و فصل هم گرم بود یا حامله را حرارة باشد تخم ریحان و قند سفید
هر دو را در عرق گاوزبان یا آب خالص جوشانیده دهند حسوی که در حرب کلیه بکار آید ص
شکر طبرزد پانزده درم کنجد بریان دو درم نشاسته چهار درم کرسنه سه درم کنجد را کوبند و علی الدوام
حریره سازند و روغن بادام اضافه نمایند حسوی مقوی باه از تالیف راقم ص مغز بادام
مغز فندق هریک بیست دانه نشاسته دو تولچه هر سه را در آب شیره کشیده بر آتش ملایم بپزند و
نبات بقدر حاجت و مسکه قدری در اثنای تحسی بخبتن داخل نمایند و پیش از فرو آوردن
ثعلب مصری شقاقل مصری بهمن سفید هریک دو ماشه خوب سائیده کنند یا هر سه را نیز شیره
کشیده داخل کرده بپزند حسوی مسمن معتدل ص نخود سفید که در شیر خیسانیده خشک کرده
باشند یکجز دکشک جو یکجز و کشک گندم نصف جز و نان گندم سپید رخشک کرده سه جز و سوای خبز همه را
در آب کران قدری زیره جوشانیده باشند بپزند هرگاه پخته شود خبز را سائیده و شکر بر انداز ند و دوغ
خفیف دهند تا جمع شود حسوی دیگر برای سمن ص نخود که در شیر خیسانیده خشک کرده
باشند بیست و جو مقشر از هریک سی درم خرسمید خشک کرده شصت درم همه را اجد سحق مخلوط
نموده سی درم کوفته با شیر تازه حسو سازند حافظ الاجساد سور القینه و استسقا و امراض بارده
معده و دماغ و جمیع اعضا را مفید است و در بعضی کتب نوشته اند که مکرر تجربه شده در جمیع امراض
بهتر از ده و الکرکم است ص دارچینی پوست پنج کبر قفاح اذخر از هریک پنج مثقال زعفران پانزده
مثقال سنبل الطیب شش مثقال سنبل رومی ریشه دوالا اینسون دو فواسار دون ریوند چینی
فطر اسالیون مرصانی از هریک چهار مثقال قسط شیرین حب بلسان رب السوس عصاره
غافث از هریک سه مثقال قوة الصبغ سعد کوفی از هریک دو مثقال زیت کهنه بوزن مجموع

منقشر ده درم عناب یک اوقیه برگ لسان الحمل هفت درم تخم خشخاش سفید دو درم همه را
بجوشانند تا مهر اشود مالیده صاف نموده شربت خشخاش شربت عناب شربت نیلوفر داخل
کرده باز بجوشانند تا مثل حریره شود او را استعمال نمایند حسوی نافع برای ذات الجنب ص مغز
تخم خیارین مغز تخم کدو تخم خشخاش مغز بادام مقشر در آب شیره برآورده با شکر سفید و روغن
بادام شیرین بجوشانند تا مثل حریره شود بخورند ملین و معین بر نضج و نفث است و مسکن و جع بو
حسوی برای ذات الجنب سودا وی ص آرد گندم خمیر مغز بادام شیرین شکر سفید بدستور
مرتب سازند و بکار برند حسوی که تقویت دماغ کند و لذیذ بود ص مغز بادام ده دانه
تخم خشخاش شش ماشه نبات مسکه هر یک دو تولچه بدستور مرتب نمایند حسوی که بحت الصوت
یبسی را نافع بود ص آرد باقلا آرد تخم کتان شکر یا ذران مناسب گرفته حسو سازند حسو
نافع جهت بحت الصوت ص عناب انجیر هر یک پنج عدد سپستان ده دانه تخم تیره تیز ک
تخم ریحان بهدانه هر یک نیم مثقال نبات قدری که شیرین شود بطریق فالوده بپزند و نیمگرم
پیاله نوشند حسوی که برای بحت الصوت که لسبب غبار و دخان و آواز شدید حادث
شود ص شیر تازه نشاسته روغن بادام شیرین شکر سفید حریره سازند نیمگرم بخورند حسو
دیگر برای بحت الصوت که لسبب آواز شدید بود ص لباب تخم کشک شعیر در آب بجوشانند
و شکر طبرزد و روغن بادام شیرین و اندکی زعفران مسحوق انداخته مثل حریره سازند حسو
که جهت سبج وزحیر بکار آید تالیف مولف ص لعاب اسپغول شیره خشخاش لعاب اسپغول شیره نشاسته
روغن بادام آب که دران کنیرا و صمغ عربی نیکوفته شب خیسانیده باشند نبات بقدر مناسب
بدستور مرتب سازند حسوی بجهت پیچش با خون و بی خون مفید است ص صمغ عربی
سه ماشه نشاسته روغن بادام هر یک نیم تولچه با رنگ بوداده یک تولچه با قدری نبات مرتب
سازند حسوی که اهل هند زنان را بعد زائیدن میخورانند ص روغن زرد پاو سیر خوب
داغ کنند و پاو سیر میده داخل کرده خوب بریان نمایند آنگاه یک نیم پاو نبات یا قند سفید یا بتد سیاه

حسوی برای بحت الصوت بلغمی و برای بحت الصوت صفراوی

وبا کبد گیرد بیامیزند واستعمال نمایند حقنه حاده که قولنج واوجاع مفاصل بارده وآلام رحم وامراض
دماغی وعصبانی بارده را نافع است ص غنچه گل سرخ بابونه بزرکتان حلبه شحم حنظل مغز خب القثم
شبت برگ کلم سورنجان چوشانیده بیالایند فلوس خیارشنبر گلقند وران حل کرده بازبیالایند
وروغن حبّ الخروع داخل کرده بورهٔ ارمنی نمک هندی سوده سردار دنموده برهم زنند
تانیکو مخلوط شود حقنه نمایند حقنه نافع ازبرای قولنج وامراض بارده رحم ودردلپشت ودرد
سرین وعرق النساواوجاع مفاصل ص بزرکتان حلبه قنطوریون دقیق شبت خشک ازهریک
اوقیه مغز حب قرطم دواوقیه خسک یک اوقیه ونیم انجیر زرده عدد سبوس گندم دواوقیه بابونه
یک اوقیه ونیم مغز تخم بیدانجیر نیکوفته یک وقیه شحم حنظل مقل زرق سکبینج تخم سپندان مغز بادام تلخ
نیکوفته ازهریک پنجدرم عناب سپستان ازهریک سی عدد برگ کلم برگ چقندر ازهریک یکدسته
کوچک برگ سداب خشک دواوقیه همه را درهفت رطل آب خالص بپزند تادورطل بماند
پس بیالایند ودرهفتاد درم ازین آب تاهشتاد درم یک اوقیه آبکامه ودودرم بوره ارمنی
ویک اوقیه عسل مصفی ویک اوقیه زیت باروغن گنجدونیم اوقیه روغن بان ویکدرم زنجبیل
ترکیب کرده حقنه سازند حسوی جهت صداع که بسبب ضعف دماغ وابخره بهم رسد مفید است
ص سبوس گندم باوآثار درآب شب تر نموده نگاه دارند صبحی مکرر مالیده شیره برآورده صاف
نموده بجوشانند وبیست عدد بادام مقشر وقدری خشخاش نشاسته چهاردرم قند سفید درآب
حل نموده بیندازند وبپزند وقدری مشک خالص اضافه نموده بکار برند واگر انجره صعود نمایند
شیره کشنیز خشک بقدر حاجت بیفزایند حسوی جهت پاک کردن ریه ص بگیرند لب حب القطم
لب حب صنوبر دقیق کرسنه لب نخاله حسو سازند وبعسل شیرین کرده بنوشند حسوی مشرج
نضج میدهد سعال رادسرفه خشک رانافع بود ص سبوس گندم دوبهر درآب تر نمایند وصاف
نموده آردباقلا نشاسته یک اوقیه شکر سفید دواوقیه فانیذ یک اوقیه کتیرا مسحوق دودرم درد
انداخته بجوشانند تامثل حریره شود حسوی شعیر برای نفث الدم نافع بود ص بگیرند شعیر

تا از رمیخ پاک شود و تنقیه کامل گردد و حقنه مندیل باب بار تنگ و گل مختوم و جز آن بکار برند و
چون مرض طول نمود و امتداد کند حقنه زرنیخ بکار برند لیکن طبیکه قرحه غایر نگشته باشد یا حقنه زرنیخ
موجب تثقیب امعاء نگردد و علیل رهلاک نسازد و دلیل غور قرحه خروج خراجه تخین است و
اطاله مرض است به نهایت حقنه که جهت اسهال صفراء که هرگاه تب دسده باشد نافع و مجرب
نوشته اند ص تخم خبازی ده درم عنب الثعلب دو نیم درم نیلوفر سه درم بنفشه
چهار درم بنفشه پنجدرم سپستان بیست عدد انچه کوفتنی ست بکوبند و همه را بجوشانند و صاف
نمایند و در روغن تخم کدو هشت درم شیر خشت نه درم لعاب اسپغول ده درم آمیزند و حقنه کنند
حقنه که کرم ریزه و حب القرع را اخراج نماید و مجرب در مزاج شاید ص پوست بیخ درخت انار تر یک
یک شبانروز در آب تر نمایند صاف کرده آب برگ شفتالو اضافه نموده حقنه نمایند حقنه که ریاح
بواسیر را نافع است ص عسل روغن کنجد روغن حبة الخضرا هر یک نیم سکرجه قند سفید بیست
درم آب گندنا سی درم آب شصت درم بجوشانند و نیم گرم کرده حقنه نمایند حقنه دیگر قوی انیخ
بکشاید و رد اشت و بادهای غلیظ را نافع آید ص حلبه بزرگ فنطوریون بابونه خسک تخم خطمی
خطمی از هر یک کفی انجیر سی عدد عناب سپستان از هر یک بیست دانه سبوس گندم برگ
چغندر برگ کرنب شبت سداب از هر یک دسته بیکنج مقل جاوشیر از هر یک سه درم
مغز تخم کافه کوفته بیست درم بپزند آنگاه بیست درم شکر سرخ اضافه کنند و استعمال نمایند
حقنه که ریش رده و اسهال خون صفراوی را نافع است ص آب برگ خرفه آب
لسان الحمل از هر یک چهل مثقال تخم مرغ روغن گل آمیخته یک بیضه اقاقیا پنج درم
دم الاخوین چهار دانگ کاغذ سوخته سفیداب کهربا مرجان گل مختوم از هر یک یکدرم با
یکدیگر ممزوج نموده استعمال نماید حقنه که شدوح امعاء و اسهال دموی را نافع باشد ص
کشنک جو برنج شسته پیچ گرده بزاردبک سی مثقال بپزند و بیالایند و سفیداب نشاسته اقاقیا گلنار
از هر یک پنجدرم زعفران شیاف ابهیض از هر یک یکدرم زرده تخم مرغ عدد بده درم روغن گل حل کنند

عنب الثعلب تخم شبت اسطوخودوس بسفایج فستقی نیکوفته بریسیاوشان هریک سه درم
سنا کی پنجدرم حلبه اکلیل الملک نرگس برنجاسف سبوس گندم بابونه هریک کفی ورق خطمی
هریک دسته همه رادر پنجبر طل آب بجوشانند تابیک رطل ونیم آید صاف کرده نمک طعام
غاریقون توبال ساییده پنجدرم مغز خیارشنبر تربنجبین شیرخشت سرخ آبکامه روغن گل
بنفشه هریک ده مثقال دران حل کنند وسه دفعه حقنه نمایند حقنه که زجیر ورمی رانافع آید ص
جوشانده برنج گل بنفشه گلسرخ بپزند وصاف کنند وروغن گل آمیخته نیگرم حقنه نمایند حقنه که زجیر
شدید رانافع است وتشرب وی نیز مفید ص آب برنج مطبوخ بگیرند وثانیا لشیر تازه بپزند تاغلیظ
شود وصمغ عربی قدری دران آمیزند وبنوشند یاحقنه کنند حقنه ممسکه استعمال کرده میشود
وقتیکه سیج تجاوز کند وادویه بنجات نه بخشد وبیج در اسفل سره یافته شود ص جاورس مقشر
گل سرخ گلنار عدس برنج جفت بلوط ازهرواحد گفی عفص سه عدد درسه رطل آب بجوشانند
هرگاه یک رطل بماند صاف کرده گل ارمنی پنجدرم اسفیداج رصاص ورماد قرطیس یازده
ازهریک درمی زردی بیضه بریان که خوب بریان کرده باشند نیم اوقیه بروغن گل خام بقدر
حاجت اضافه کرده دوبار حقنه کنند حقنه که بقرحه امعاء وزجیر واسهال وتحلیل ریاح مجرب
قدماست واین راحقنهٔ زرنیخ نامیده اند ص راتینج یک جزو صمغ عربی دم الاخوین اقاقیا
بلوط هریک چهار جزو بان لک سوخته زرنیخ سرخ زرنیخ زرد شب یمانی مازو اهریک آب
نادیده هریک ده جزو افیون پانزده جزو کوفته بآب مورد سرشته اقراص سازند ویکمثقال درآب برنج
مطبوخ که سی مثقال بوده روغن گل که پنج مثقال باشد آمیزند وروغن گل نیم اوقیه آمیخته حقنه نمایند حقنه
دیگر که قرحهٔ امعاء اسود دهد ص افیون زعفران هریک پنجدرم صمغ عربی یکدرم گل سرخ
چهاردرم همه راکوفته بخیته بآب عصارة الراعی یاآب برگ خرفه بیامیزند ویک زرده تخم مرغ
پخته وروغن گل بقدر کفایت حلکرده بران افگنند وحقنه نمایند وفروج امعاء راهرگاه بدانند
که عفن گردیده وساعی میگردد حقنه بماء العسل کرده اکلیل الملک بود بعمل آرند وبعد ازان بآب نمک

* خلاصة الحقائق

پشت بر زمین چسپیده باشد و در قولنج و درد ناف و مانند آن بیمار را بر زانوی وی خوابانیده
شکم او بخته دارند و سر و سینه او بر بالش نهند و از طرف در دمیل کنند و در زیر تکیه بسوی پشت
نهاده مستلقی بنشانند و سرین مرتفع دارند و در امراض دماغ مستلقی و زیر گردن و سر بالین
بگذارند و زیادهٔ التفصیل فی الکتب المبسوطهٔ من اراد الاطلاع فلیرجع الیها حقنهٔ لینه که سر سام
و حمیات را سود دارد ص عناب سپستان شعیر مقشر نیمکوفته گل بنفشه سبوس گندم خطمی
اکلیل الملک هر یک کفی انجیر پنج عدد در سه رطل آب جوش دهند تا به رطلی آید روغن بادام
بنفشه روغن کنجد هر یک دو درم آبکامه پنج درم اضافه نموده نیمگرم حقنه کنند بدونوبت و اگر
قوی تر خواهند هفت درم مغز فلوس خیارشنبر و سنا کی نیز داخل کنند حقنه که لثیر نفس را کثیر النفع
است از حکیم علی ص شحم حنظل قرطم نیم گوفته کتان نبر الانجره فودنج دشتی پوست پنج کبر
هر یک کفی در سه رطل آب بپزند چون یک رطل بماند صاف نموده نصف رطل ازین همراه نصف
اوقیه زیت حقنه کنند حقنه که مستعمل اذ سر سام حاد صفراوی و همره ص آب کشک شعیر دو اوقیه لعاب بزرقطونا یک اوقیه
همه را یکجا کرده خوب بهم زنند و بدستور متعارف حقنه نمایند حقنه جاده که در بعضی امراض احتیاج
بآن بیشود خصوصاً در حالت سکته و فالج و صرع و کزاز غش و درد مفاصل بارد مزمن ص اسطوخودوس
تربد سفید سرگ چندر مغز حب الخروع قنطوریون دقیق شبت سورنجان مصری از هر یک دو مثقال
غاریقون شش سفید یکمثقال سنا مکی چهار مثقال مغز حب القرطم پنج مثقال بنفشه فتقی سه
مثقال عناب سپستان از هر یک بیست دانه جوشانیده صاف نموده فلوس خیارشنبر مانزده
مثقال شکر سرخ پنجمثقال دران حل نموده بیالایند و روغن حب الخروع ده مثقال روغن بادام
شیرین یک مثقال اضافه نموده سه حقنه را دو حصه نمایند و هر حصه را
با مقل ازرق دو دانگ بوره ارمنی یک مثقال جاوشیر یکدانگ حقنه نمایند و اگر قوی خواهند
یکدانگ شحم حنظل و یکدانگ جندبیدستر اضافه نمایند حقنه که در قولنج مجرب است ص
قنطوریون باریک دو درم بنفشه انیسون نیلوفر گاوزبان تخم رازیانه پوست بیخ کاسنی تخم کا

مناسبه حقنه کنند واکثر اطبا صحت اعضار ریسه در استعمال مشروط کرده اند واین
در وقت غیر ضرورت است وحقنه حاده مضعف جگر و مورث حمی است وترکیب حقنه
مسهله قریب مطبوخ مسهله و انداخته میشود و در حقنه سرد اروهمچنانکه در مطبوخات
مسهله لیکن باید دانست که مسهلات بعضی را چون صبر و هلیلجات داخل حقنه نمی توانکرد
چنانچه بعضی ادویه حقنه در مطبوخات مثل زهره گاو و شارح اسباب در نسخه حقنه هلیلجات
اضافه کرده و صاحب تحفة المومنین نیز مروی نموده و راقم در تالیفات خود که بر شرح اسباب
و علامات است عدم صحت این را بیان ساخته و اگرچه اکثری از اطبا شحم حنظل در حقنه داخل
کرده اند لیکن صواب آنست که داخل نکنند و حقنه دوای مبارک کثیر النفع است خصوصا
در افرجه حاصیه از عمل مسهلات مشروبه و تسکین میدهد اوجاع امعاء قولنج و کلیه و مثانه و
اورام آنها را و محقون را سعی کند که عطسه و سعال و هذیان نیاید و محقنه را باشکال مختلفه ذکر
نموده اند و بهترین شکل اینست که انبوبه دائره باشد که منقسم بدو قسم بود یک قسم یک ثلث
دائره و قسم دوم دو ثلث و انبوبه از نقره یا مس و امثال آن سازند و میان این هر دو قسم
از اول تا آخر حجابی از جسد سازند چنانچه اگر چیزی در یک بخش بگذرد بخش دیگری بحال
باشد و این حجاب را از طرف قسم صغیر انبوبه از آن طرف که مشک می بندند وصل می نمایند
وصل شدید در وسط خرد و صغیر منفذی سازند که ریح از آن منفذ بیرون آید اولی است
که دو منفذ نمایند تا ریح بزودی مندفع گردد زیرا که ریح چیزی است که بر میگرداند و وار
محقنه را محقنه باید که شکل دم گاو تیار نمایند و کیسه را بوجه احسن بر محقنه بسته استعمال کنند و بعضی
گفته اند که محقنه بمقدار یک شبر باشد بشکل کیسه دوخته و از طرف که بود بآن طرف مشک
محکم ببندند و بشکل گردن کدو سازند و عند الضرورة از شانه گاو نیز عمل توان نمود و همچنین
وقت ضرورة از قطعه نی بعوض انبوبه کار باید گرفت و در وقت حقنه کردن در بیماریهای
کلیه و در دورکین مریض را استلقی دارند و سر و سرین را بر بالش نهند تا میان

قرص ها سازند حلوای تخم مرغ ص زرده تخم مرغ بیست عدد نبات سفید پنجاه مثقال
نبات را بعرق بهار نارنج و عرق بید مشک و آب حل کرده بعد ازان زرده تخم مرغ نموده نیز پاک چون
تر حلوا شود و جوز بوا لبسباسه از هر یک یک مثقال زعفران مشک بقدر از هر یک دو درم داخل
کرده پنج مثقال آن را صبح و سه مثقال وقت شام بخورند هر وقت پنج مثقال بتوان خورد
حلوا مغزی ص شکر را صاف کرده بقوام آورده بچوب زنند تا سفید شود و از مغز ها مانند
مغز پسته مغز بادام مقشر مغز فندق مغز گردگان مغز نارجیل که پوست آنرا تراشیده
ریزه ریزه کرده باشند و امثال آن لبوب داخل نموده قرص ها سازند و هر وقت که خواسته
باشند بخورند حلوای لبوب مقوی نسخه حکیم هاشم ص آرد گندم آرد بخود در روغن گاو
بریان کرده نبات سفید یک آثار عسل مصفی بگلاب حل کرده داخل آرد و روغن کرده باشیر
ملایم مثل تر حلوا کنند دارچینی بهمن سرخ بهمن سفید شقاقل عود صلیب دانه هیل خولنجان
بوزیدان از هر یک نیم تولہ لبسباسه چهار ماشه خصیة الثعلب چهار تولہ زنجبیل چهار ماشه زعفران
دو ماشه مشک سه ماشه کوفته پنجه مغز پسته مغز فندق مغز نارجیل مغز چلغوزه مغز انجلک
مغز بادام شیرین از هر یک یک نیم تولہ داخل کرده و هر روز دو تولہ صبح و دو تولہ شام یعنی آخر
روز بخورند حقنه باید دانست که واضع حقنه بقراط است جالینوس گفته که استاد ما بقراط اخذ
نموده است از طایری که ماهی بسیار خورده بود چون در دشکم او غلبه نمود بر کناره دریا
آمده بمنقار خود آب دریا گرفته در دبر خود کرد و بعد ساعتی آن آب را مع فضله انداخت و
نجات یافت و پرواز نمود و در مقدار مطبوخ حقنه مسهله اطبا را اختلاف است اما انچه معمول
اکثر اطبا است دو ثلث رطل است بدو سه مرتبه بعمل باید آورد و باید که نیم گرم حقنه مسهله نمانند زیرا که
اگر سرد باشد تولید ریاح خواهد کرد و بسیار گرم موجب غشی و کرب است و نیز معتدل در وقت
و غلظ باشد چه اگر غلیظ خواهد بود باعث قرحه امعا خواهد گشت و رقیق موجب انتشار در بدن
و حقنه در وقت معتدل استعمال نمایند و بهتر انست که پیش از حقنه مسهله بانب نیگرم و ادهان

قرنفل دانهٔ هیل دارچینی سیلانی زرنباد رازیانه زنجبیل انیسون نانخواه لسان العصافیر سورنجان
دارفلفل خولنجان سعد کوفی از هر یک پانزده مثقال کوفته بیخته داخل کرده در ظرف چینی نهین
کرده نگاهدارد وقت حاجت بقدر خوره بخورند حلوای مرغ سیاه از برای قوت باه
مجرب است واین نسخه از اطبای فرنگ است ص بگیرند گوشت ده قطعه مرغ سیاه که او را
بفارسی مرغ حبشی وهندی مرغ کرک ناتهه راگویند وبرابر چهار وزن آن گلاب داخل کنند
وبپزند تا گوشت مهرا شود پس در کرباس صاف کنند وشیره آن کشند وبنات سفید پسته او
مغز بادام شیرین مقشر حب الصنوبر کباره مغز خسته زرد آلو شیرین از هر یک یکمثقال مثقال قیل
پنج مثقال مجموع را نرم بکوبند در مرق داخل کرده باز بپزند تا چون حلوا شود ودر ظرف چینی نگاهدارد
هر روز بقدر خوری ازین که چهار مثقال باشد بخورند حلوای سوهان موافق مبرد دین وکثیر
الغذا ومولد خون غلیظ است وبجهت درد کمر وتقویت باه واعصاب نافع است ص
گندم را در آب بخیسانند چندانکه نم بردارد پس در کیسه کرده در آفتاب گذارند وهر روز قدری
آب بر وپاشیده باشند تا شروع کند بسبز شدن پس در آفتاب خشک کرده آرد کنند یا آنکه
شیره او را برآورند وهر تقدیر که آرد کرده باشند یا نصف وزن آن یا مساوی وزن آن
آرد میده مخلوط نمایند وآب را بجوش آورده وانذک انذک آرد را ریخته تبرزنند وبجوشانند
تا آرد طبخ تمام یافته غلیظ شود واگر شیرهٔ او را برآورده باشد بقدر نصف وزن گندمی که آنرا
کشیده اند آرد میده داخل کرده طبخ نمایند تا غلیظ شود پس قدری روغن طعام
یا روغن کنجد داخل کرده بجوشانند تا روغن را جذب کند بعد ازان شیره شکر یا دوشاب
بقدری که برای شیرین شدن او مقصود باشد داخل کرده بجوشانند که روغنی را جذب
کرده شروع پس دادن آن شود پس مغز بادام بریان مغز پسته مغز گردگان مغز نارجیل
که پوست او را دور کرده باشند نیکوفته داخل کنند بعد از لمحه از آتش برگرفته دارچینی زنجبیل دانهٔ هیل
جوز بوا قرنفل لسباسه نانخواه از هر یک قدری که ذائقه را موافق آید کوفته بیخته داخل کرده

شیرین مغز حب الزلم مغز تخم خربوزه مغز حب الفلفل مغز قصم قریس نیکوفته از هریک دو مثقال
ثعلب مصری هفت مثقال دارچینی مصطگی خولنجان بهمن سرخ و سفید شقاقل دانهٔ هیل از هریک یکمثقال جزیرا
بسباسه زنجبیل زعفران مشک خالص عنبر اشهب از هریک نیم مثقال کوفته بیخته داخل
کرده در ظرف چینی بهن کنند و مثل نوز بپزند و هر روز صبح چهار مثقال و وقت شب هنگام خواب
چهار مثقال بخورند حلوای جذر در تقویت باه بسیار مفید است ص زردک سرخ رنگ
شیرین از پوست و بیخ دور کرده یک آثار خربای فربه از خسته دور کرده نیم آثار در شیر ماده گاو بپزند
تا مهرا شود پس برآورده در هاون چوبین بکوبند تا چون مرهم شود بعد ازان آرد نخود بریان
و سپیده گندم از هریک پانزده درم قدری روغن بریان کنند و قند سفید یک سیر و عسل
خالص نیم سیر در آب حل کرده صاف نموده بران ریزند تا بقوام آید پس زردک و خربای
مرقوم مخلوط کرده بعده دو سه جوش داده فرود آرند و مغز سر گنجشک نرخانگی چهل عدد نیز داخل
نمایند و همه را نیک امتزاج دهند و بعد ازان مغز فندق مغز بادام شیرین مغز پسته مغز چلغوزه
مغز نارجیل از هریک ده درم ثعلب مصری کش خربای خسک مربی دارچینی زنجبیل خولنجان
از هریک سه درم مشک زعفران هریک یکدرم باریک ساخته بیامیزند هر صباح ده درم
با پاو آثار شیر بخورند حلوای منقول از خط حکیم الملک که بجهت کثرت مرور منی و مذی و ودی
و در نهایت نفع است ص زردچوب یکجزو آرد گندم فانیذ روغن گاو از هریک سه جزو آرد بروغن گاو
بریان کنند و بپزند تا چون زردچوبه بریان کرده را کوفته و بیخته داخل کنند و از آتش برگرفته سه روز
هر روز چهار مثقال ازان تناول نمایند برای ضربه و سقطه نیز نفع میکند حلوای چوب چینی
که نهایت تقوی باه است ص آرد گندم سه ربع من تبرزد بروغن زیتون و روغن گاو از هریک
نیم من تبرزد بریان نموده عسل مصفی یک من و نیم سنگ تبرزد داخل کرده با آتش نرم بپزند
تا چون ترحلوا شود پس مغز چلغوزه مغز نارجیل که پوست سیاه او را دور کرده از هریک بیست
مثقال نیکوفته اضافه نموده قدری دیگر آتش ملایم بدهند پس چوب چینی اعلی یکصد مثقال

ستاور از هر یک دوازده درم ناگیهلا نخم کهرنی هر یک چهار درم مغز خربوزه پنجی باعوض مغز بادام
مقشر بیست و هشت مغز پسته چهل و دو درم مویز منقی چهل و چهار درم سپاری دکهنی بیست و
هشت پل انچه کوفتنی است جلحده جلحده کوفته جامه بیز کنند و بادام و پسته مقشر کرده باریک
بریده نگاهدارند و مویز منقی را بر سنگ سوده عسل بر کشند و هر سپاری چهار پاره کرده در مقدار
ده سیر شیر مادهٔ گاو یا گاومیش بجوشانند تا تمام شیر در خورد پس خشک کرده و کوفته بیخته
جلحده بدارند و آنگاه نبات یک سیر و شیر مرغ پنج ستاور دو سیر و شیر مادهٔ گاو یا گاومیش هفت سیر
شکر سفید دوازده سیر بوزن اکبری یک جا کرده جلاب سازند و بقوام آورند پس بروغن گاو دیر
نیم سیر گرم کنند بسیق سپاری و سیق جمله ادویه را یک جا کرده بریان کنند بستر جلاب مذکور
و عسل مویز منقی اندازند و بقوام حلوا سازند شربت از نه ماشه تا دو تولهٔ حلوای جذر معشوقی
باه است صص بگیرند جذر را کوبیده بآب بپزند و عسل و یا شکر سفید بقدر کفاف بقوام آورده
روغن گاو و مغز پسته و مغز چلغوزه مغز حب الخضرا و مغز گردگان مغز بادام مقشر مغز حب الملوک
مغز نارجیل کرپوست سیاه او را تراشیده باشند مغز فندق مغز حب السمنه نیم کوفته داخل کنند
و حلوا سازند حلوای جذر نسخهٔ دیگر که از نهایت نفع است از برای تقویت باه صص بگیرند
جذر و شعلم و بپزند تا مهرا شود و پس هر دو را در همان آب که پخته باشند مضمحل کنند و بپالایند
و مویز در آب مذکور باز بپزند تا بقوام عسل آید پس نارجیل مغز بادام شیرین مغز پسته مغز فندق
مغز چلغوزه مغز حب الخضرا داخل کرده چند جوش دیگر بدهند چون بحد کمال رسد دارچینی خولنجان
بسیاسه سوده داخل کنند دار آتش برگرفته در ظرف چینی نگاهدارند حلوای تغلب
تالیف پدر حلوا یخان صص آرد نخود سی مثقال آرد میده آرد باقلا از هر یک بیست مثقال
بروغن گاو بریان کرده عسل صاف سی مثقال نبات سفید بقدر ضرورت بعرق بید و آب
حد او ان حل کرده داخل آرد و روغن مذکور کرده بآتش ملائم بپزند تا چون تر حلوا
شود مغز پسته مغز فندق مغز چلغوزه مغز نارجیل مغز انجلک مغز حب السمنه مغز حب الخضرا مغز بادام

نافع است ص ایاره فیقرا سه درم خارپقون دو درم و نیم شحم حنظل یکدرم انزروت چهار درم
تربد موصوف هفت درم جاوشیر یکمثقال نوشادر دو درم سقمونیا کوفته بنجنه بآب گندنا حب شازنج
شربت هر روز یکدرم حب جذام مجرب معمول استاد رحمت الله تعالی علیه ص زبیق درم سنبل الطیب
درم کندر شش درم راوند چینی سه درم صمغ عربی دو درم قتیل الثعلب بحامض الیمو و بحل الزبیق
ویدق ویعجن بمرارة الضان ویحبب بمقدار الماش ویستعمل فی کل یوم حب فی المساء وحب
فی الصباح حلوای که صداع یابس را نافع است وصداعی که بسبب ضعف دماغ بود و از
تیز مفید بود خواه غلاف نمایند بر سر و خواه بخورند ص جراده کدو تر خشخاش سفید شکر سپید
نشاسته روغن بادام شیرین باهم آمیخته بپزند و بعد از تراشیدن سر غلاف سر سازند حلوای
خشخاش مسلول را نافع بود هرگاه ضعف معده باوی نبود ص از مغسول بگیرند و برابر آن
خشخاش سفید آمیخته با شیر بز بجوشانند و قلیل شکر سپید و رب به شیرین داخل کرده حلوا
سازند و بخوردن دهند حلوای سیب و به مقوی معده و دل و جگر و مولد خلط صالح و معدل
الکیفیت است ص هریک ازان را که خواهند بعد از پاک کردن از پوست و تخم بکوبند
و باقدری روغن بریان کرده عسل کف گرفته با شکر سفید بقوام آورده بدستور متعارف
مرتب سازند مغز پسته بوداده بقدر احتیاج مخلوط سازند حلوای که بسیاری پاک
نام دارد مقوی کرده و باه است و رافع عقم مرد و زن و فرج زنان را تنگ کند
و با ضمه را قوت کامل بخشد و چهره را روشن کند و نرم نماید و اندام و عرق خوشبو
کند و بند کشاد و پریمو مردان و زنان را رفع سازد و نافع اسقاط و نافع وجع مفاصل است
منقول از بقائی ص کافور قیصوری خالص یکدرم بیخ ومرج و ناگیر موٹھ فلفل دراز
بابونج خراسانی الایچی خورد از هریکدو درم تالیسپر موتری نبسلوچن صندل سفید
فلفل گرد مغز تخم کنار از هریک سه درم جوز بوا چهار درم زیره سپید شش درم بیخ بنفشه
گل نیلوفر مغز پنبه دانه مغز تخم نیلوفر فرفنل کشنیز پیپل مول هریک هشت درم سنگهاره

وبگیرند چوب کنیر ریزہ زیرہ نمایند و در آب اندازند کہ در آن آب ہشت برابر وزن چوب
باشد و بجوشانند و ہرگاہ بوزن چوب برسد صاف نمودہ ادویہ را بآن خمیر کردہ جہا بندند
غذا نان بی نمک ہر روز یکتانک یا دو تانک خوردہ باشند طریق تدبیر پانچی اینست کہ
پانچی را در بول مادۂ گاو مرخ کہ ہنوز نازائیدہ باشد تر کنند و ہرگاہ خشک شود دیگر
اندازند بعد بیست و یکروز برآوردہ پوست او را دور کنند و در سایہ خشک نمایند حب
کہ داء الثعلب را کہ از بلغم باشد نافع است ص شحم حنظل سہ درم و ثلث تربد موقوف
ایارج فیقرا ہر یک دو درم شربت ازدو درم تا سہ درم حب ہندی جہت خنازیر و سلعہ و
جمیع اقسام عدد گلو معمول و مجرب حکیم شاہ محمد مرحوم بود ص الائچی خورد پنجدانہ موٹھ مرچ پیپل
ہر بہیڑا آنولہ ہر یک یکپاو کم پنج ماشہ کوفتہ بیختہ نگاہدارند و ہر بہیڑا آنولہ نسوت سفید خرد خشیدہ
مغز الماس ہر یکدو ازدہ و نیم دام بیختہ جوکوب نمودہ در پنج سیر آب شب تر نمایند صبح بجوشانند
چون سوم حصہ بماند بدست مالیدہ آب غلیظ آن برآرند و بست و پنجدرم گوگل کوفتہ
دران حل کردہ باز بر آتش گذارند و بجوشانند و چون غلیظ شود مثل معجون دارو ہای کہ
اول کوفتہ نگاہداشتہ اند آن را داخل کردہ حب ہا ساختہ نگاہدارند ہر روز نیمدام خام
یادام بیختہ بخورند حب برای دفع آتشک بعد از انکہ تنقیہ نموده باشند و بدون تنقیہ نیز نفع
میکند جدر اقم بر این نسخہ و نسخۂ دیگر کہ بعد ازین می آید مرقوم فرموده اند کہ چند بار تجربہ من
آمدہ است ص ہلیلہ زنگی یک تولہ طباشیر سفید شش ماشہ نیلہ تھوتھہ سہ ماشہ نایک تفتح
در پاو آب لیمون بسایند تا آب خشک شود مقدار کنار دشتی حب سازند و یک
صبح و یک شام بخورند و از شیر پنی پرہیز نمایند و در آب لیمون سائیدہ طلا نموده باشند
حب الکرامات برای دانہ ہر قسم کہ باشد خصوص برای ثبور سوداوی نافعست ص کمیلہ
حنا نیلہ تھوتھہ ہلیلہ زرد کشتہ پاڑ پاچونہ مساوی گرفتہ ہمہ را باریک سائیدہ گولی ہا بندند
وقت حاجت در روغن گاو حل نموده طلا نمایند حب خنازیر ان خنازیر و عدد و سلعہ

حب الکرامات بر این نسخہ ہم افزودہ اند

باقی ادویه را کوفته بیخته بیامیزند وحب مقدار فلفل بندند وهر بار یک مثقال تناول نمایند
وطعام زیرباج خورند وقد کتب جدی علی هذا الحب وانا جربت هذا وبعد از بضع نام استعمال کنند
حب شاهتره جرب وقوبا وسعفه را نافع است ص سقمونیا دو درم ونیم بلیله سیاه
پوست بلیله زرد هر یک پنج درم صبر سقوطری هشت درم باب شاهتره سرشته جهانبندند
ودر سایه خشک کنند ودیگر بار بسایند وآب شاهتره تازه نمایند تا سه نوبت پس حب سازند
شربت دو درم تا دو مثقال حب مسهل طبری در وصف آن نوشته که از مسهلات مجربات
هر که را توقع ازاله برص باشد البته از استعمال این حب خلاص شود ص حنظل یاوری
فلفلمویه اسفور ودیون یخ سوسن آسمانگون هر یکنیم درم خربق سیاه زنجبیل دارفلفل
فلفل سفید شیطرج عاقرقرحا سنبل الطیب مصطگی هر یک یکدرم ماذریون مدبر صبر سقوطری
هفتدرم کوفته بیخته باب برگ تربخ وشراب تند بایکی ازین هر دو سرشته جهانبزرگ گسته
دو مثقال وربع آن به شب تناول نمایند ودر شدت گرمی هوا وشدت سردی نباید استعمال
نمود حب دیگر که طبری از زنی بعد ملازمت خدمت او معلوم نموده وزن در بصره معالجه
اطفال میکرد وبجهت برص میداد وخاتمی منتفع میشد ص زنجبیل فلفل سفید خربق سیاه
ایارج فیقرا مساوی کوفته بیخته بامر محلول شراب لبسر شند وجهانبندند شربت سه درم
واین طلا نیز استعمال می نمود سرمه مازو استخوان ماهی سوخته زاج سرخ کوفته بیخته قرص ها
بندند ودر سرکه انداخته طلا نمایند حب که بجهت طاعون وخیارک وجمیع اورام حاره
نافع است ص گل ارمنی جدوار بنفش زرنباد زرد چوبه صندلین گل مختوم مساوی
کوفته بیخته جهانبسته نگاهدارند ودر هوا سرد بقدر سه ماشه باب ودر هوا گرم با گلاب بدهند
وگمر بر موضع بمالند حب بجهت برص منقول از بقائی نفع مداومت این حب را بسیار
بیان نموده ومجرب نوشته ص بابچی مدبر ومفشر پوست بیخ کنوتری که آن عبارت
از انجیر دشتی است پوست بیخ نیم برگ نیم شاخ نیم هر یک پاؤ آثار همه را کوفته بیخته نگاهدارند

نیکو بسرشند و جهاسازند هر جبی بقدر نخودی شربت یکمثقال با انچه مناسب بود حب
کافور نسخهٔ دیگر ص کافور قیصوری نیم مثقال نشاسته صندل سفید مغز تخم کدو کتیرا از هریک
از هریک یکمثقال سوده بلعاب بهدانه سرشته حب ها سازند شربت یکدرم حب کرویه را نافع
بود ص بگیرند بلاس پاپره پوست سرخ ازدی دور کنند و مغزوی و مغز تخم کرنجوه بالسویه بسایند
و نرم بکوبند قدری قدری آب آمیخته بقدر فلفل جهابندند و هر روز یک حب بخورند حب در اقسام
اقسام تب مجرب نوشته اند ص دار فلفل مغز کرنجوه هریک یکتوله زیرهٔ سفید برگ مغیلان
هریک نیم تولا ادویه را نرم بکوبند و با آب جهابندند بقدر نخودی یک حب صبح و یک حب وقت ظهر
و یک حب وقت شام بدهند و همین سان سه روز بعمل آرند حب الشفا که جهت اقسام
صداع و برای جمیع علل بارده و اکثر امراض حاره مفید نوشته اند و تب های مزمنه و نائبه را
نافع بود راقم هم در تب مرکب تجربه نموده و در تب نائبه قبل از نوبت باید داد و مسکن وجع
و قولنج و حافظ صحت و جوانی و مزیل اعیار و گرانی از اعضاست و باین حب ترک افیون هم
توان کرد ص تخم جوز ماثل دوازده درم ریوند چینی هشت درم زنجبیل صمغ عربی هر واحد
چهار درم زنجبیل و صمغ را در آب حل کنند و ادویه کوفته بیخته بآن سرشند و قدر نخودی جهابندند این حب را عم مرحوم بسیار استعمال میفرمودند حب الشفا نسخهٔ دیگر منقول از
بیاض عم مرحوم از مجربات نوشته اند ص زنجبیل خرفه ریوند چینی دو خرد و جوز ماثل سه جزو
جمله را کوفته بیخته بادوزن ادویه عسل معجون کنند و نگاهدارند و مقدار موثر شب ها بندند سحر
حب خواهند استعمال نمایند شربت بکدو حب ابن حارث تب های بلغمی را ببرد
و بهق سفید و سیاه را در سه شربت زائل کند والد ماجد و عم مرحوم بجهت برص بهق استعمال
میفرمودند بسیار نفع می کرد و درین باب عدیل ندارد ص هلیلهٔ زرد بلیلهٔ سیاه صدر انزرد
سکبینج مقل شحم حنظل از هریک پنج جزو خرد ول سعتر فارسی شونیز زیرهٔ کرمانی نمک علک
رومی از هریک یکجزو مقل سکبینج را در آب گندنا حل کنند و در طاس رویین در آفتاب نگاهدارند

در شراب حل کردہ باسم سرشتہ حب ہا خورد سازند شربت دو درم حب دیگر مجرب منفعل
از کامل الصناعہ ص دار فلفل زنجبیل ورق کنیر ورق حنا زیرہ کرمانی از ہر یک درم ملح
نوشادر زبد البحر میعہ یابسہ ہر یکدو درم سورنجان بوزن مجموع کوفتہ باریک بیختہ باب جہا بندند
و در سایہ خشک کردہ در ظرفی نگاہ دارند و سہ درم وقت خواب باب گرم بخورند و تا سہ شب
متواتر بعمل آرند جہتی کہ جہت عرق النسا مجرب است و رازی گفتہ کہ در ساعت رفع کند
در دوراد پنج شش بار اطلاق میفرماید مجموع یک شربت است ص صبر سقوطری ہلیلہ زرد
سورنجان ہر یک یکدرم حب ہا بندند حب جہت شطر اللعب منقول از بقائی ص صبر سقوطری
پوست ہلیلہ زرد بیخ چینی عصارہ غافث افسنتین گلسرخ ہر یک یک جزو زعفران نیم جزو آب کاسنی
تازہ حب ہا بندند شربت از یکدرم تا دو درم با آب سکنجبین سادہ و این حب ہا بعد از تنقیہ بعمل
آرند کہ مزاج بگردد و ہر شب در آخر تپ ہای مزمن دو درم بدہند حب از مجربات حکیم علی
ص زعفران یکدانگ افیون بزر البنج ہر یک نیم مثقال گل ارمنی مغز بہدانہ گل نیلوفر تخم کشنیز
صمغ عربی طباشیر سفید تخم خرفہ ہر یکدو مثقال تخم خشخاش تخم خیارین ہر یک سہ مثقال کافور نیم مثقال
کوفتہ بیختہ بلعاب بزرقطونا سرشتہ بقدر نخود حب ہا سازند ہر صبح با شیرۂ تخم خیارین سہ مثقال
شربت نیلوفر شربت انار ہر یک نیم مثقال حب الحلتیت حمیات سرایع را سود دارد ص
ہلیلہ زرد مزرع النوی عصارہ غافث ہر یکدو درم حرف یکدرم حلتیت یکدرم و نیم ادویہ را
کوفتہ و بیختہ باب جہا سازند و خشک کنند شربت یکدام آب گرم حب کافور از تالیف
والد حکیم علوی خان از برای امراض حارہ خصوصا بدالحرارت و حمیات حارہ تپ ودق با اسہال
مجرب نوشتہ ص کافور قیصوری نیم مثقال طباشیر مروارید صندل سفید کشنیز خشک از ہر یک
دو مثقال تخم خربزہ انہ مغز تخم کدو از ہر یک چہار مثقال گل ارمنی زہر مہرہ از ہر یک یک مثقال
صمغ عربی دو دانگ صمغ را با عرق صندل حل کردہ و آنچہ ادویہ صدیہ کردنی است صاف
کردہ و آنچہ کوفتنی و بختنی است کوفتہ بیختہ و آنچہ ارزم باید کوبیدہ نرم کوبیدہ و مجموع را در ہم کردہ

افیون را نیمکوفته در آب گرم یا گلاب گرم شبانروز تر نمایند صبح در پاتیله کرده بر آتش گذارند و بدست بمالند تا خوب حل شود بعد ازان در صافی نموده بر چهار گوشۂ صافی بچهار چوب بسته مثل رینی رنگریزان بچکانند تا همان افیون صاف شده بچکد و اگر بدانند که در ثقل افیون باقی است باز آب را در افیون انداخته مثل سابق بجوشانند و مکرر بعمل آرند و همچنان کنند تا افیون در و بماند بعد ازان که آب صاف شده را بر آتش ملائم بجوشانند تا قابل حب بستن شود راقم در آب افیون صاف شده شراب انگوری مخلوط ساخته بر آتش ملائم جوش داده قابل حب بستن کرده استعمال نموده در و منافع لبسیار قوی یافته و در انشراح بعد یل گشته و چون شراب انگوری مخالف مزاج افیون است در هر دو کیفیت اصلاح عظیم نماید و مضار او دفع میگرداند حب ممسک مستعمل اعتماد الدوله ص مصطگی فلفل گرد عود غرقی دار چینی هر یک یکدرم زعفران سه درم جند بیدستر نیدام پوست نرنج دو دام افیون مصفی هم سنگ ادویه اجزا را کوفته بخته با گلاب خمیر ساخته جهابندند حب سوربخان مفاصل و نقرس و عرق النسا نافع بود ص صبر سقوطری با بهیزهرج از هر یک یکدرم سوربخان تربد سفید از هر یک مثقال کتیرا حب النیل از هر یک نیمدرم سنجم حنظل دانگی نمک هندی دانگی و نیم کوفته و بخته بآب گرفس حب سازند حب شیطرج عرق النسا و اوجاع مفاصل و وجع ظهر را نافع باشد ص پوست هلیله زرد ده درم صبر سقوطری بیست درم فلفل دار فلفل از هر یک درم خردل سه درم شیطرج نمک هندی سنجم حنظل زنجبیل از هر یک دو درم فاوانیه سبزی چهار درم بآب کرنب حب سازند حب بر یو با اوجاع مفاصل را زود یا صلاح آرد ص صبر سقوطری تربد سفید از هر یک بیست درم پوست هلیله زرد بوزیدان سوربخان مصری از هر یک دو درم انیسون سقمونیا از هر یک درمی و نیم مثقال درمی بآب گندنا حب سازند شربت سه درم بآب گرم حب حنا مجرب جهت نقرس ص سعتر فارسی بیخ کنیر مثقال حنا هر یکدرو دام هلیله آمله شیطرج زنجبیل دار فلفل نمک هندی هر یک سه درم هلیله سیاه دو درم صبر سی درم سوربخان مثل همه ادویه کوفته بخته مثقال را

اصلاح افیون

برای پیرمنیت مثقال لسباسه بهمین باد رنجبویه از هریک یکمثقال مغز بادام مغز چلغوزه تخم خرفه مقشر
از هریک نیم مثقال طباشیر سفید صمغ عربی کتیرا بزرالبنج بیخ تفاح جوزبوا از هریک چهار دانگ روغن
بلسان نبات از هریک دو مثقال کوفته بیخته بروغن بلسان چرب نموده همه را بگلاب یکجا کرده
خوب بسایند تا نیکو مخلوط شود بقدر نخود حب ها سازند و ورق نقره پیچیده نگاه دارند شربت از یک حب
تا دو حب **حب افیون** ممسک متعوی و برای نزله مفید است **ص** جوزبوا را درمیان
خالی نموده در شکم آنها افیون یک توله جدوار نقش سه ماشه زعفران یک ماشه پر کرده در خمیر
آرد گندم گرفته در خاکستر گرم بپزند بعد ازان جوزبوا را برآورده آرد دور کنند و خوب بکوبند که
باهم یکمزوج شود بعد ازان حب بندند **حب ممسک** که صاحب اکمل الصنائع مجرب
نوشته است و گفته که چند بار آزموده ام راقم هم تجربه آورده مفید یافته **ص** بگیرند جوزبوا هر قدر که
باشد و درون آن خالی کنند و زبیق قدری و مثل آن افیون درمیان آنها داخل کرده سر
آنها را محکم بسته جوز ها را درمیان جوز مثل که درون آن خالی کرده باشند انداخته سر جوز مثل محکم
بربندند و در خمیر آرد نخود درگیرند که چهار انگشت ضخامت آرد باشد بعد ازان در روغن بریان
کنند که سرخ شود و سوخته نگردد بعد ازان خمیر را در سایه بگیرند ازان بعد که کوفته هیچو مرهم نموده باشند
واز قرنفل و کباب چینی و زنجبیل و دارفلفل و عاقرقرحا هیل و جدوار و زعفران و بوزیدان و ثعلب مصری
از هریک یکمجز و مشک دو حبه ادویه را کوفته بیخته و در آب صمغ عربی مقدار نخود حب ها بندند و یک را
نخورند و یکی را در دهن دارند و از یک حب تا دو حب استعمال نمایند حب از مجربین هند
بجهت کسی که برازالهٔ بکر قادر نباشد **ص** عاقرقرحا قرنفل خشخاش موصلی شونیز جوزبوا اسکندر
قلفلسیه به اجزا مساوی کوفته بیخته حب برابر تمر کنار جنگلی هر صبح یک حب را بخورند حب ممسک
خوش کیف **ص** جوزبوا خولنجان ثعلب مصری از هریک دو درم لسباسه جدوار مجرب
از هریک یکدام افیون مصری یکنیم دام مقدار نخود حب سازند ازانجا که در اکثر ترکیب افیون
مصنفی داخل میشود و ازانجا تصفیه هم مختلف است لهذا اینجا بهترین طریق تصفیه مرقوم گشت

منی ص تخم دھتورہ تخم گندر تخم شلغم خارخسک بزرالبنج فوفل عاقرقرحا تخم اوٹنگن
ریگ ماہی قرنفل جوز بوا دارچینی زنجبیل موصلی سیاہ زعفران بسباسہ از ہریک پنج
تولہ ہمہ را نیم کوفتہ در دو سیر و نیم شیر گاو بپزند تا غلیظ شود پس آنرا بروی سنگ با دستہ بسائند
تا ہموار گردد و حب ہا سازند ہر حبی بقدر جوز بوا شربت یک حب حب دیگر از مجربین
ہند کہ قوت بسیار دارد و ہرگز ماندہ نشود و نوشتہ اند کہ بنجربہ اکثر درآمدہ است ص
بگیرند سپند سوختنی پنجدرم نصف آن را بریان و نصف خام دارند پوست خشخاش دو درم
کنجد سیاہ دو درم قند سیاہ کہنہ بہیت درم ہر سہ دوا را نرم بکوبند پس با قند کہنہ
بکوبند بعد ازان کہ ادویہ با قند یکی شود ہفت حصہ کنند و ہر حصہ ہندقہ سازند و نگاہ دارند
و بوقت مجامعت یکی ازان بخورند و نفع عظیم مشاہدہ نمایند حب دیگر از مجربات اطبا
ہند کہ قوت بسیار دہد و امساک آورد و منزلہ ہا نکشف کند و کسانی را کہ قادر بر زن نباشند
مفید بود ص بگیرند کچلہ دہ درم در شیر گاو بجیسانند بمقداری کہ پوست آن جدا شود پس
پوست آنرا دور کردہ فلفل دار فلفل از ہریک پنجدرم کوفتہ بیختہ ہمہ را یکجا نمودہ حب ہا سازند
ہر حب بوزن نیمدرم تا یکدرم شربت یک حب علی الصباح حب جدوار تالیف علوی خان
نوشتہ کہ قائم مقام افیون است و تقویت باہ نماید برای شخصی کہ تیار نمودہ بودم یا یون بود
بعد خوردن آن حق تعالی پسری باو بخشید راقم ہم ساختہ بود برای نزلہ و امساک مفید یافتہ
ص افیون گاذرونی پنج تولہ و عشر وزن آن زعفران و خمس وزن آن جدوار کوفتہ
درمیان ناریلی کردہ در خمیر گرفتہ یا در بانزدہ آثار شیر گاو بجوشانند تا تمام شیر بجد سوختہ رسد
بعد ازان بہمین دستور در دو آثار روغن گاو بپزند تا کہ روغن سرخ شود بعد ازان برآوردہ
خمیر را دور ساختہ پوست سیاہ ناریل را نیز باریک دور نمایند و ناریل مع اجزا از روغن
خوب بسایند تا چون مرہم شود و اگر ناریل علیحدہ اول در دستہ ہاون بکوبند پس
مع اجزا را اندرونی ممزوج نمودہ بکوبند بآسانی بکوفتن خواہد آمد بعد ازان ازین مرہم

از هر یک دوازده مثقال زنجبیل دارچینی مصطگی رومی از هر یک پانزده مثقال زعفران سی مثقال
تخم کرفس بیست و دو مثقال جوز بوا لبباسه از هر یک هفت مثقال سافج هندی کباب
اسارون حب الغار مرصاف از هر یک شش مثقال جدوار خطائی پنج مثقال مشک
خالص سه مثقال ورق طلا یک مثقال ورق نقره دو مثقال عنبر اشهب زرشک منتقی
از هر یک سه مثقال روغن بلسان هفت مثقال افیون مصری سی و دو مثقال صمغ عر
و گلاب بقدر حاجت بدستور حب سازند و این نسخه سی و دو جزو است و وزن آن سه صد
و هفتده مثقال است و مزاج این گرم است در اول درجه دوم و خشک است در دو
و خمس در جه حب جدوار برای تقویت باه و دفع انزال لبیار نافع است ص جدوا
خطائی فلفل سیاه فلفل سفید سنبل الطیب ورق گل سرخ از هر یک پنجدرم کهربای سمی
مروارید ناسفته یاقوت رمانی تخم کرفس سافج هندی سلیخه حب بلسان عود بلسان فرفیون
زنجبیل دارچینی کباب چینی زراوند مدحرج اسارون زرنباد عود قماری پوست بیرون
صمغ عربی مثلعل دارفلفل عقیق یمنی بسد لشیب سبز از هر یک سه درم زعفران جوز بوا لبباسه
حب الزلم شقاقل ریوند چینی خصیته الثعلب از هر یک شش درم عاقرقرحا دروخ عقربی
از هر یک چهار درم زرنباد بزرالنبج از هر یک یکدرم عنبر اشهب یکدرم ورق نقره یکصد عدد ورق
طلا پنجاه عدد مجموع را گرفته کوفته بیخته بروغن مغز پسته چرب کرده بآب صمغ عربی سرشته
حب سازند هر جبی بقدر نخودی وقت حاجت دو حب یا سه حب فرو برند و بعد از زمانی
به صحبت مشغول شوند حب معروف بحب چرس که کیف فروشان اصفهان میسازند و تفریح
بسیار آورد و مقوی باه است و دفع سرعت انزال کند ص چرس که عبارت از
است که بر قنب می نشیند و آن را جمع نموده قرص ساخته اکثر مردم می کشند فرفیون دروخ
عقربی سه سه مثقال تخم گذر خصیته الثعلب از هر کدام ده مثقال اجزا کوفته بیخته بآب کوکنار سرشته
جمعا بندند هر جبی بقدر فلفل شربت یک حب حب دیگر از مجربات اطباء هند بجهت

ثعلب مصری از هر یک نیم مثقال عنبر اشهب نیم دانگ زعفران یک دانگ و نیم کوفته بآب حب
سازند هر جبی بقدر نخودی و بورق نقره بپیچیده در سایه خشک کنند شربت دو حب حب که اسماک
منی کند و مقوی کمر است ص سک مشک قرنفل جوزبوا سعد کوفی قرفه سنبل الطیب
پوست اترج عود هندی اجزا را مساوی کوفته و بخیته بآب صمغ زرد آلو سرشته حب سازند
هر جبی بقدر نخودی هر صباح و مسایکی در دهان دارند حب منقول از مجربین هند بجهت اسماک
منی ص جوزبوا شنجرف رومی عاقرقرحا افیون هر یک یکدرم هر چهار را یک جا کوفته و بخیته
بشهد سرشته حب سازند و هر یکی را وقت عشا بخورند و بعد ازین یک بیره پان بخورند و این
حب را میگویند در تجربه بسیاری از اطبا آمده است حب مومیائی و عنبر تالیف والد علوی خان
که بجهت نقصان باه و قتیکه بسبب استرخاء آلت باشد و ضعف قوی باشد بی نظیر ست ص
مومیای مصطکی هر یک یک دانگ عنبر اشهب یک جز هر سه را در فنجان چینی کرده روغن
مغز بسته داخل نموده فنجان را در ظرف مسی که در آن گلاب و عرق بهار ناریج پر کرده باشند
گذاشته چونکه گلاب و عرق داخل فنجان نشود و آن ظرف مس را در میان پاتیله پر آب بر روی
سه پایه بگذارند و سر پاتیله محکم بسته آتش در زیر او کنند تا مومیائی وغیره گداخته شود پس فاوزهر
معدنی مشک خالص از هر یک یکجز و مروارید ناسفته طباشیر سفید قرنفل لسباسه جوزبوا همه
سخ و سفید وارچینی شقاقل زنجبیل دروسخ عقربی عود هندی عود صلیب جدوار تعلب مصری
از هر یک یکدانگ کوفته بخیته بآن سرشته حب سازند و بورق طلا بپیچیده پنج حصه نمایند هر روز
یک حصه را تناول کنند بعد ازان نبات سفید پنج مثقال تخم بالنگو شقال عرق گاوزبان
گلاب عرق بید مشک هر یک هفت درم حب جدوار تالیف میر باقر داماد طاب ثراه
مقوی باه است بهجت و سرور بسیاری آرد لهذا بجب ام البهجة نامیده اند ص فلفل
سیاه بیست مثقال وارچینی از هر یک دوازده مثقال سنبل الطیب دواله دروسخ عقربی
عود قماری قرنفل هیل بوا از هر یک نه مثقال دارفلفل هشت مثقال سعد کوفی میعه سائله

بی نظیر است ص اولاً پنج موثه کوفته از غربال بیرون کرده بشیر گاو خمیر نموده قرص سازند و در
سایه خشک نمایند و باز قرص را کوفته با شیر تازه خمیر نموده در سایه خشک کنند و تا پنج مرتبه بهمین
کنند پس او را نگاهدارند و بگیرند ده عدد جوز بوا و میان آنرا سوراخ کرده نیم مثقال افیون را
فتیله کرده در سوراخ جوزها کنند و جوزها را بخمیر گرفته در روغن گاو بریان نمایند پس خمیر را از جوزها
جدا کرده باز از هر یک عدد از جوزها بگیرند از قرص مذکور چهار مثقال دارچینی قرنفل بسباسه عود هندی
مصطکی دانه هیل بهمن سرخ و سفید شقاقل لسان العصافیر از هر یک یکمثقال مشک خالص
عنبر اشهب و رق طلا از هر یک یکدانگ نبات سفید بوزن مجموع ادویه کوفته بیخته بعرق بهار نارنج
سرشته حب ها سازند هر حب بقدر نخودی شربت یک حب یا دو حب جمی که امساک و تقویت
تمام کند و قوی الانشاط و مسکر و منوم است حکیم مومن گفته که من این حب را بمویز عمر مسمی گردانیده
ص مویز طائفی یکصد عدد پنج شو گران سه مثقال بر ابنج سه مثقال هر دو را کوفته مویز ها را بدان
مخلوط ساخته در صد و پنجاه مثقال آب بجوشانند تا آنکه آن آب را تمام جذب کند حب ساخته در وقت
حاجت یک حب استعمال نمایند اگر قوی تر خواهند مر یک شیرازی یا ورق الخیال یا حریس
بآن بجوشانند حب فاذزهر حیوانی بجهت تقویت باه بی نظیر است از تالیف اضعف العباد محمد شریف
در سن جوانی و در مزاج حار و فصل حار استعمال نباید فرمود ص فاذزهر حیوانی مروارید ناسفته
کهربای شمعی لبسد مرجان مصطکی لاجورد مغسول در و نج عقربی حب بلسان شقاقل مصری
بهمن سرخ و سفید هر یک نیم مثقال زعفران جند بیدستر مومیائی دارائی مشک خالص عنبر اشهب
از هر یک دو دانگ مایه شتر اعرابی ثعلب مصری مغز کنجشک هر یک دانگی مومیائی را در روغن
زیت گداخته جواهر سائیده باقی ادویه را کوفته بیخته در هم مخلوط نموده بگلاب سرشته حب ها
سازند هر حبی بقدر نخودی بورق طلا یا ورق نقره پیچیده بکار برند شربت دو حب حب
فاذزهر از تالیف پدر حکیم علویخان برای تقویت باه مجرب است ص فاذزهر حیوانی
فاذزهر معدنی عود هندی قرنفل دارچینی جوز بوا بسباسه سنبل الطیب شقاقل بهمن سفید

وسیدہ کردہ جوزبوا یک پاو لبسباسہ یک پاو کوفتہ بیختہ یار کنند واندک حلتیت بقدر تحمل مزاج نیز داخل
سازند و باشہد بقوام آوردہ گولی ہا بندند و بحسب مزاج بدہند حب کہ آنرا پنیڈی نامند دزنان را
بسیار نافع است ص مال کنگنی چاکسو یک یک درم زعفران دانہ الایچی خورد و کلان ہر یکدو درم تخم
انگن ہلیلہ آملہ ہر یک سی درم سروالی پنجدرم جوتری سی و نیم پل ماجو پہل برگ درخت فراش
زیرہ سفید و سیاہ جوزبوا مائین قرنفل لودہ ہر یک یک پل سپاری چہار پل چرونجی پستہ ہر یک
ہشت پل سنگاڑہ بادام خرمای سنگ شکن کشمش مغز بنبہ ہر یک دوازدہ پل مغز تارجیل ہشت
و دو پل شیرہ مویز منقی چہل و سہ پل روغن گاو چہار نیم سیر چہال کسری شکر سفید پاو بالاش سیر
ہر ہمہ کہ قابل سودن ہست علیحدہ علیحدہ بسایند و جامہ بیز کردہ میوہ ہا را مثل بادام مقشر کنند
و در روغن گاو و آرد نشاستہ د صد و بیست ۱۲۰ دو پل را بریان کنند پس ادویہ مذکورہ را کہ جامہ بیز
کردہ و اشتہ اند بیز اندازند و بریان نمایند پس نیز مقدار دوازدہ درم صمغ عربی کہ در روغن گاو بریان
کردہ باشند اندازند و میوہ ہا نیز بیامیزند و پنیڈی ہا بندند و یک پنیڈی ہر روز بخورند حبی کہ لحوظ
تمام آرد و در بطوء انزال اثر لبسیار دارد ص عود ہندی قرنفل کبابہ فلفل سفید قرفہ از ہر یک
سہ درم زعفران نیم درم بالنگو دو درم دار فلفل گل بابونہ مروارید سائیدہ از ہر یک یکدرم
کوفتہ بیختہ با قند بقوام آوردہ سرشتہ حب ہا سازند ہر حب بقدر نخودی شربت دو دانگ حب
طلا قوت تمام بخشد ص عود ہندی مصطگی رومی زعفران از ہر یک سہ درم غنچہ گل سرخ دو درم
عنبر اشہب یکدرم و نیمدرم ورق طلا ہفت درم و نیم نبات سفید سی درم کوفتہ بیختہ بعرق
بہار نارنج سرشتہ جہا بقدر نخود سازند شربت دو حب حب منشط تالیف والد حکیم مومن لیلای
بحمت امساک بی نظیر است ص اسارون زعفران تخم کرفس دارچینی ریوند چینی سنبل الطیب
مصطگی رومی از ہر یک دو مثقال زرنباد حب الغار عاقرقرحا قرنفل لبسباسہ صمغ عربی از ہر یک
یکمثقال برزالبنج فلفل از ہر یک سہ مثقال کوفتہ بیختہ بگلاب سرشتہ حب سازند ہر حبی بقدر
نخودی شربت یک حب حب موثر تالیف پدر علوی خان بجہت قوت باہ و دفع سرعت انزال

وکیفیت خوب دارد ص جند بیدستر کافور هر یک نیم مثقال پوست ترنج فرنجمشک سنبل و نفل
بسباسه سعد زنباد حوزبا قل بزرالبنج سک کبیر عنبر یکمثقال مصطگی گل سرخ عود القرح هر یکدو مثقال حوزبوا
بیخ تفاح جدوار زعفران هر یک سه مثقال ورق نقره ورق طلا هر یک پنج عدد کوفته بیخته حب سازند
حب که در دشواری زادن بکار آید بعد ازانکه طبیخ حلبه وخبازی ولعاب تخم کتان وروغن کنجد
نیمگرم بر پشت وزهار وجز آن ریخته باشند وپشت را یعنی کاه بروغن شبت وبابونه مالیده باشند
ص دارچینی اهل هر یکیده درم سلیخه هفت درم قرفه ماهیزهرج قسط تلخ هر یک پنجدرم
میعه دو درم افیون یکدرم مشک یکدانگ ونیم بدستور حب سازند شربت سه درم بادو اوقیه
شراب کهنه حب دیگر بدرحیض ومسقط برتسهیل ولادت مدد کند ص اهل دو درم حلتیت
اشق غوه هر یک نیم درم حب بسته استعمال نمایند جمله یک شربت است جبی که مانع البستن
بود بگذارد که منی قابل انعقاد شود ص انیسون تخم کرفس رازیانه فودنج جبلی مشکطراشیع
هر یک جزوی سنبل الطیب دارچینی سلیخه حب بلسان عود بلسان اهل قسط هر یک نصف جزو
حب سازند وهرگاه اراده صحبت کنند قبل ازان بخوردن زن دهند مجرب است حب بجهت
استحکام قضیب نظیر ندارد خصوص مرطوب المزاج را ص زعفران دارچینی عاقرقرحا ریگ ماهی
خولنجان از هر یک یک جزو بعسل مقدار کنار یا آمله حب ها سازند ودر وقت کار بخورند و
بیاسایند حب مشکل کشا مجرب حکیم ولی برای رفع مذی دودی ص عاقرقرحا جوزبوا لبسا
دارچینی قرنفل اسپند کنجد سیاه افیون هر یکدو درم کوفته بیخته در عسل حب بندند سه روز یک
یک حب با شیر گاو ودر روز چارم یک صبح ویک شام تا آنکه همه حب ها خورده شود حب
خوش کیف که در امساک بی عدیل ست ص جوزبوا خولنجان مصری از هر یک دو درم
بسباسه یکدرم افیون مصری مصفی یکنیم دام جدوار یک دام خصیه الثعلب دو درم مقدار
نخود حب سازند وبقدر تحمل مزاج بکار برند حب در تقویت باه بی نظیر ست ص موصلی سیاه
یک آنار در یک نیم سیر شیر گاو بجوشانند تا تمام شیر درخورد بعد ازان در سایه خشک نموده

وشکم سیر نخورند حب عنبر از مجربات صاحب تحفه و گفته که برای شاه عباس ساخته بودم
بعد از شش ساعت نعوظ می آرد و شستن بآب سرد مزیل او ست و داشتن او در دهان
موجب نعوظ و خوشبو کننده و هان است و مقوی دماغ ص مشک مصطگی قرنفل
هر یک یک مثقال عنبر اشهب خصیة الثعلب خولنجان هر یک دو مثقال پنیر پایه شتر
اعرابی سه مثقال کوفته بیخته جهاسازند بقدر فندق و هر روز یک عدد بخورند از عقب
آن شراب یا شیر تازه یا آب تره تیزک یا باب نخود خام بنوشند و ازین حب تا نیم مثقال
بیتوان خورد و مطلوب مزاج زیاده ازان هم میل می نمایند راقم حروف هم تجربه نمود خالی از
فائده نیافته لیکن این قدر مبالغه است بطریق استعمال علی الدوام منفعت میکند حب
که در امرباه و امساک نوشته اند اثر تمام دارد ص تودری زرد تودری سفید تودری سرخ
کزبانج سادج سعد کوفی زعفران قرنفل سورنجان مصری هر یک نیم درم جوز بوا لبسباسه
مصطگی انیسون حب النیل سفید پوست خشخاش قاقله صغار طباشیر ورق گل سرخ
صندل سفید سنبل الطیب عود غرقی درونج عقربی بوزیدان صمغ عربی تخم انجزه هر یک درم
دارچینی شقاقل مصری بهمن سفید تخم خشخاش بزر البنج سفید پایه شتر اعرابی هر یک دو درم
بزر القنب دو نیم درم خصیة الثعلب کشنیز خربزه روغن بادام هر یک پنجدرم نبات مغز بادام
هر یکیده درم مغز دماغ کنجشک پانزده درم گلاب بقدر احتیاج مغز دماغ کنجشک را در
کشنیز خربزه مالیده خشک کنند و بادویه دیگر یکو بندو بیزند و مغز بادام را علیحده خوب باریک
سائیده در قدری گلاب شیره غلیظ برآورده نبات را در اندک شیره بادام مذکور حل کرده
دواها آمیخته حب ها بقدر نخود سازند حب که فتق ریحی را بسیار سود مند بود ص فطر السیسون
قفاح اذخر قسط زرنباد درونج اسارون هر یک نیمدرم تخم کرفس انیسون هزار
مصطگی زعفران هر یک درم سکبینج مقل هر یکدرم و نیم هلیله کابلی آمله هر یک دو درم شربت بهی صبح یکمثقال
حب دیگر از حکیم سعد الله که قوه باه زیاده کند و در امساک بی عدیل است اشتها آورد

دو برابر بگلاب حل کردہ حب بندند مقدار فلفل ونیم مثقال ازین حب تناول نمایند واگر
بالای او شراب یا ماء العسل بیاشامند انفع خواہد بود حب مجرب ممسک از بیاض عم
مرحوم ص کافور چینی مشک جوز بوا افیون مساوی کوفتہ بخیتہ در شیرۂ برگ تنبول سایہ
مقدار چنار حب بندند وقت حاجت باب حلکردہ بخورند حب ممسک ص زعفران
قرنفل جوز بوا افیون مشک مساوی در عسل کف گرفتہ مقدار نخود حب بندند ویک
حب پیش از جماع بخورند حب افیون جہت امساک منی مجرب ست ص مشک
درم حب بلسان مرصاف عاقرقرحا رب السوس زرنباد جند بیدستر جدوار خطائی
درونج عقربی عود خام ہر یک دو درم تخم خرفہ تخم کرفس قرنفل از فلفل خطبا نابار یک سہ درم
دارچینی فلفل زنجبیل کتیرا صمغ عربی زعفران لبلاسہ ہر یک پنج درم افیون دہ درم
نبات پانزدہ درم کوفتہ بخیتہ بگلاب سرشتہ مقدار نخود حب ہا سازند حب جالینوس
جہت کسی کہ عاجز بود در ازالہ بکارت از راہ سستی اعصاب خواہ سبب خلق بود خواہ
بسبب دیگر بود مجرب نوشتہ اند ص مغز کنجشک نر کہ وقت ہیجان گیرند شقاقل مصری
تازہ تخم پیاز سفید کش خرما تخم گندنا ثعلب مصری تخم جرجیر سمک صیدا جملہ برابر مشک
قدری کوفتہ بخیتہ بعسل وآب جرجیر حب ہا بندند ہر حب قدر نخودی شربت یکمثقال
تا یکدرم ونیم باسہ پیالہ شراب یا آب انگور شیرین یا آبی کہ نخود در ان تر کردہ باشند
حب سیماب گفتہ اند امساک تمام آورد وچند انکہ بدون خوردن ترشی فراغ نشود ص
سیماب را از پارچہ ہفت کرت بگذارند وافیون خالص ہر یک سہ درم کوفتہ بخیتہ در شیرۂ
برگ تنبول سحق کنند ودر سایہ خشک سازند ہمچنین ہفت کرت نمایند پس بگیرند عاقرقرحا
بزرالبنج خولنجان جوز بوا قرنفل ہزار ہر یک یکدرم کوفتہ بخیتہ جملہ ہم آمیختہ حب ہا بقدر نخود
بندند ووقت حاجت بعد از انکہ یکپاس ویک گھڑی از تناول غذا گذشتہ باشد یک حب
فرو برد بعد از سہ گھڑی شروع در جماع نمایند وغذا نان گندم بروغن گاو مرقوم ساختہ

خراشیدہ مغز آن گرفتہ کونپل نیب کونپل بکاین کونپل ببول کوفتہ بختہ جہا مقدار دانۂ
موٹھ بندند یک حب یا دو حب بدہند حب منقول از خط افضل المحققین و اکمل المدققین
والد ماجد رحمت اللہ علیہ برای اسہال ص عفص بہار سنجد مغز استہ جامن مغز انبہ
پوست تریخ آملہ نشاستہ صمغ عربی دم الاخوین گل ارمنی گل داغستانی گل قبرسی فوفل
سفید موچرس طباشیر پوست انار برنشش پوست کنار زرورد گلنار فارسی پوست مرغ
سوختہ حب الاس پوست بیخ انجبار گل کنیر پوست خشخاش کشنیز خشک از ہر واحد تولہ
کافور قیصوری طراثیث مصطگی زیرہ نعنع خشک یکشب سودہ زہر مہرہ سائیدہ مرجان
سودہ کہربا سائیدہ سفوف یہودی سفوف مقلبا سا سفوف حب الریان از ہر یک شش ماشہ
ادویہ را بریان کردہ سائیدہ خوب مخلوط نمودہ بالعاب ریشہ خطمی سرشتہ حب ہا بندند ہر حب
مقدار نخودی صبح شش ماشہ ازین و آخر روز شش ماشہ تناول نمایند و از عقب گلاب و بارنگ
بنوشند و اگر مریض طفل باشد موافق سن وی بہ ہند در ب اسہال و زحیر و آمدن خون را
نافع بود حب مفتت حصاۃ بشرط مداومت در ریزانیدن سنگ عجیب الاثر است ص
حب بلسان تخم ترب دو قوفطر اسالیون پوست بیخ کبر پوست بیخ بادیان جاوشیر مغز بادام
حب الغار اوخر سعد سنبل سلیخہ اسقولوقندریون حرمل زراوند مدحرج جنطیانا اسارون
درونامر اشق بسکنجبر زرالبنج سفیہ مقل فلفل وج جملہ برابر صمغ ہا را حل کنند و ادویہ را باریک ساختہ
بروغن بلسان حب نمایند چنانچہ قابل بستن شود و ہر روز یکدرم با طبخ بزور بدہند و اگر
خاکستر کژدم دانگی ہر روز مضاعف کنند نیک عمل کند حب الزور بقراط گوید کہ او قرحہ
قضیب و مثانہ را سود دارد و بستگی بول بکشاید ص تخم خطمی مغز تخم خیارین ہر یک جزوے
مغز تخم خربوزہ خرفہ تخم خشخاش سفید ہر یک نیم جزو کوفتہ بختہ بلعاب اسبغول حب ہا سازند
و یکمثقال وقت سحر بکار برند حب مستخرج صاحب مفرح النفس گفتہ کہ تجربہ نمودہ ام مستی
کہ بعد از جماع طاری میشود مطلق مدرک نگردد ص مومیائی کافی سہ جزو صمغ یکجزو نبات

باز بکوبند که حب توان بست جهت رفع قبض و استعمال علی الدوام نه ماشه تا یکتوله و جهت
اسهال دو توله حبی که در قطع خون بواسیر و دفع ریح آن از مجربات ست ص جوز بوا
مصطگی قرنفل سنبل الطیب هریک یکدرم جفت بلوط طراثیث گلنار مقل خبث الحدید
مدبر هریک دو درم تخم گندنا سه درم هلیله سیاه آمله حب الاس هریک چهار درم هلیله
و تخم گندنا را در روغن زیت بجوشانند و مقل را با آب برگ سر و حل کنند و ادویه را بدان
بسرشند و حب سازند شربت دو مثقال با آب گرم حب ممسک که در استطلاق بطن
مجرب است ص پوست انار نیم درم سماق یکدرم مازو دو درم کوفته بیخته بقدر نخود حب
بندند شربت ده حب با هشت حب با زرده بیضه نیم برشت حبی که خون بواسیر بند کند
مقل ارزق یکدرم قرص کهربا یکنیم درم هلیله هندی آمله هریکدو درم اطریفل را در روغن
زیت بریان کرده کوفته بیخته مقل را در آب گندنا حل کرده با هم سرشته جها سازند در سایه
خشک کنند شربت سه درم با آب نیم گرم حب معروف بجب رسوت که اسهال
بواسیری و خون آن بند کند از بقائی ص رسوت را در آب حل کرده مثل رنی بجکانند
یعنی صافی را بجهار میخ مثل رنگریزان بسته رسوت محلول دران اندازند تا آهسته آهسته
بچکد پس آب چکیده را در قاب چینی انداخته از گرد و غبار پوشیده دارند تا خشک شده قابل
حب بستن شود دست را بروغن بادام یا گاو چرب کرده حب ها ببندند و هر روز تا چهار ماشه
حسب حاجت بدهند و در ایام استعمال آن اگر بانعی نباشد روغن در غذا بیشتر بخورند
حب که در حبس اسهال قوی مجرب است ص سهاگه بریان یک حصه شکرف دو حصه
افیون چار حصه باریک ساخته نصف آن بعسل سرشته قدر فلفل حب بندند و نصف
دیگر را در آب لیمون اگر اسهال در شب زیاده میشود حب عسلی بدهند و اگر در روز غلبه
می کند لیمونی دهند حب جهت اسهال اطفال هر قسم باشد مجرب است ص کلی خورد
انار یک عدد جوز بوا افیون هریک یکماشه چاکسو رسوت نرگچور زیره سفید متقشر زرد چوب

زائل نمود هیچ اثری دران باقی نماند و قاروه صاف شد ص خبث الحدید مدبر در آب
گندنا دارند بعد ازان خشک نمایند پس بگیرند ازان یکصد مثقال حب الرشاد دو بیست درم
تخم کراث تخم جرجیر تخم کرفس تخم تُرب تخم حلبه تخم پیاز قاقله از هریک بیست و پنج درم همه را کوفته
بیخته بآب گندنا سرشته حب سازند شربت هریا بداد دو درم و در سحق خبث الحدید مبالغه
بسیار کنند والا احتمال ضرر است حب اسرائیل از بقائی جهت قولنج نافع ص سقمونیا نلث
جزو انزروت شحم حنظل از هریک نیم جزو شبرم سکبینج هریک یک جزو کوفته بیخته بعسل سرشته
بمقدار نخود کلان حب ها بندند شربت پنج حب پنج مجلس برآید حب برای دفع اسهال
بواسیر مجرب است ص جفت بلوط هلیله سیاه گلنار فارسی طرا ثیث آمله حب الاس
مقل بآب برگ سه دحل کرده و اجزاء دیگر کوفته بیخته در آبی که مقل دران حل کرده باشند
مخلوط کرده حب بندند شربت دو درم با شراب انجبار از قرابادین عم مرحوم حب جهت ابلاؤس ص
سقمونیا مقل هریک یکمثقال صبر دو مثقال کوفته بیخته بقدر نخود حب بندند شربت هشت
عدد حب دیدان که حب القرع و کرم ها دراز و خورد برارد ص شحم حنظل دو درم سقمونیا
دو درم و نیم حب القرع سه درم افتیمون چار درم صبر سقوطری نه درم تربد بموصوف ده درم
کوفته بیخته حب سازند و هر روز دو درم بآب گرم بخورند حب دیگر ص سرخس قنبیل
حب النیل تیج ارمنی درمنه خراسانی انیسون تربد افتیمون ریوی برگ شفتالو ترمس بر
هریک سه درم مقل ازرق محموده هریک شمن درم کوفته بیخته بشراب اصول سرشته
حب سازند و بقدر حاجت بآب گرم بدهند و بالای آن تنقل از مغز جوز کنند حب برای
کسی که از مسهل نفرت دارد و جهت اندک تدارک قصور عمل مسهلات نیز بکار آید هرگاه
روز دوم از مسهل بدهند و بسهولت مواد کثیره غلیظه برمی آرد ص قرنفل دو ماشه بادیان
انیسون از هریک سه ماشه گل بنفشه شش ماشه پوست هلیله زرد کشمش سبز هریک یکتوله
سنای مکی تازه تر بخبین خراسانی گلقند آفتابی هریک دو تولہ اجزا کوفته و بیخته با کشمش و گلقند

حب ها سازند هر حبی بقدر نخودی بورق نقره پیچیده نگاه دارند شربت ازدو درم تا دو مثقال
حب منتن اکثر نافع است از برای قولنج و نقرس و درد پشت و زانو پاک سازد بدن را
از اخلاط غلیظه ص اشق سکبینج جاوشیر مقل ارزق بزرحمل شحم حنظل صبر سقوطری افتیمون
از هر یک ده درم فرفیون یکدرم سقمونیای مشوی شش درم دارچینی سنبل الطیب زعفران
چند بید ستر از هر یک دو درم صمغ عربی را باب حل نمایند و باقی احراز اکوفته بیخته بآن بسرشند
و حب سازند شربت دو درم حب بواسیر مختصر از مجربات عم مرحوم ص هلیله کابلی را در اوسنگلی
که بر آتش بسیار سرخ نموده باشند بنید از ند بعد از انکه بروغن گاو چرب کرده باشند و از قاشق یا
از چوب تحریک می نموده باشند تا پوست و استخوان او هم جدا شود کوفته بیخته برابر وزن آن
خضض مکی آمیخته حب ها بقدر ماش بندند صبح و شام دوازده حب بآب سرد خورده باشند
حب بواسیر خونی مجرب است و منقول از بیاض والد ماجد ص پوست بیضهٔ مرغ سوخته
سندروس شیطرج هندی از هر یک پنج ماشه نوشادر سرخ کوفته بیخته حب ها مثل فندق
سازند شربت پنج شش حب حب خبث الحدید یا د بواسیر و سردی گرده و ادرار بول
و سرعت انزال و صاحب جذام را سود دارد و رفع آرزوی گل خوردن کند و طعام بگوارد
و رنگ روی را خوب گرداند و لاغر را فربه سازد و قوت باه دهد و معده ضعیف را نافع باشد
و باد ها بشکند و حبس خون بواسیر کند و پیش و زحیر که سبب بواسیر بود برطرف سازد ص
بنسخه مرزا ابراهیم که در منهاج نوشته خبث الحدید که هفت روز در آب گند نا بخیسانند و هر روز
آب گند نا تازه داخل کنند بعد از ان خشک سازند و در تابهٔ آهنی بریان نمایند تخم تربد تخم گند نا تخم
سپندان سفید از هر یک جزوی تخم جرجیر تخم کرفس تخم گندر تخم پیاز حلبه از هر یک ربع جزوی
کوفته بیخته بآب گند نا سرشته حب ها سازند هر حب بقدر نخود و شربت بیست و یک حبه در
هفته یکبار یا دو بار حب خبث الحدید بنسخه صاحب فخیره راقم نیز استعمال کرده برای رفع بواسیر
بواسیر نافع یافته و نیز شخصی را قرحه در آلات بول از مدت بود و ریم بسیار می آمد قرحه را بالکل

وحب سازند شربت دو درم حب ممسک طبیعه را به بند و خون رقیق از شکم باز دارد
ص سماق دو درم مازو درم پوست انار نیم دام حب الآس ده درم تخم زیب سه درم
کوفته بخیته بلعاب صمغ عربی حب سازند شربت دو درم با آب مورد بدهند و از عقب
بار ها آب سرد بخورند حب که شکم به بند ص مازو سنبر کز مازج افیون کوفته بخیته با آب
حب سازند هر یک مقابل فلفل شربت معه حب پانج حب حب زحیر و اسهال کهنه
و زحیر را نافع باشد هر گاه فشرد ص جند بیدستر اسارون میعه سائله بزر البنج سیاه کندر
مساوی کوفته بخیته با آب حب سازند شربت دو درم حب که قطع خون بواسیر می کند
مجرب صاحب دارا شکوهی که از کتابش رازی نقل کرده ص هلیله سیاه بروغن گاو
بریان کرده آمله مقشر بوست هلیله زرد گل سرخ طباشیر کزمازج صدف سوخته کهربا تخم
کشنیز رسوت مروارید بسد ریوند چینی ادویه را کوفته بخیته با مقل محلول بگلاب سرشته
حب بسته پنج ماشه با عرق بارتنگ و عرق بید بنوشند و اگر ضعف معده باشد دوا
تقویت بخورند حب که شکم به بند در یکساعت ص افیون درم افاقیا دو درم گل
کز سماق حب الاس از هر یک چهار درم کوفته بخیته با بی که صمغ عربی دران منقوع باشد
حب سازند شربت نیم مثقال حب مقل از بیاض علویخان برای ریاح بواسیر بسیار نافع
نوشته ص بوست هلیله کابلی بوست هلیله زرد آمله هلیله سیاه از هر یک ده درم سکبنج
حرف سفید دو درم هلیلجات را در روغن بادام چرب کرده بعد ازان مقل ازرق پانزده
درم در آب گند نا تازه حلکرده در باقی ادویه انداخته حب مقدار نخود بندند شربت هفت
حب با آب آهن تاب یا با عرق گاو زبان یا عرق بادکان حب مبارک از جمع الجوامع در
اسهال صفرابی نظیر ص بگیرند فلوس خیارشنبر بیست مثقال سقمونیا مشوی یکمثقال
بوست هلیله زرد بوست هلیله کابلی هلیله سیاه سنا مکی زرشک منقی گل بنفشه خالص از هر یک
چهار مثقال کوفته بخیته بروغن بادام شیرین پنجمثقال چرب نموده بعسل خیارشنبر سرشته

در آب گندنا حل کرده داروها کوفته بیخته بآن لبریز شند وحب سازند شربت دو درم
ونیم حب سکبنج قولنج بکشاید ورياح غليظ را دفع نماید ص سکبنج شحم حنظل از هریک ده درم
سقمونیا سه درم بآب سداب حل کنند شربت یک درم حب مقل نوع دیگر شقاق
مقعد را سود دارد وطبع را نرم کند ومحرور را موافق باشد ص پوست هلیله کابلی بیست درم
مقل ده درم کتیرا انجدرم انجیر سی عدد انجیر را در شراب بپزند تا مهرا شود پس بیالایند
ومقل وکتیرا در وحل کنند وپوست هلیله را کوفته بیخته بآن لبریز شند وحب سازند شربت
دو درم حب دیگر چون سه روز وشب متوالی بخورند وجع بواسیر را تسکین دهد ص
هلیله سیاه بلیله آمله مقشر از هریک چهار درم نمک هندی صبر مصطگی سورنجان اشق مر
اسبند شیطرج نانخواه از هریک یکدرم سنبل زعفران دارچینی وج فاقله سلیخه از هریک
هشت درم صبر سقوطری هشت درم سکبنج دو درم مقل وسکبنج را در آب گندنا حل کنند وادویه
را کوفته بیخته بآن لبریز شند حب سازند شربت دو مثقال حب نافع برای اسهال ص
افیون سندروس کندر مرزعفران برابر کوفته بقدر نخود حب سازند شربت دو درم
حب برای دندان اطفال ص برنگ مقشر هلیله زرد آمله از هریک پنج مثقال تربد سفید
سه مثقال فانیذ برابر ادویه شربت شش ماشه بآب گرم از بیاض عم مرحوم نقل شد حب
الملوک قولنج بکشاید وبادهای غلیظ دفع نماید ص صبر پنجدرم تربد سفید ده درم انزروت
پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی از هریک سه درم نمک هندی ده درم مصطگی زعفران
سافرج هندی قسط سلیخه ریوند چینی زنجبیل انیسون تخم کرفس فرنفل خیر بواد اچینی کتیرا
فاقله از هریک پنجدرم سقمونیا دو مثقال مشک دانگی کوفته بیخته بگلاب حب سازند
شربت سه درم حب مقل قابض خون رقیق از بواسیر باز دارد ص هلیله سیاه پوست
هلیله کابلی پوست بلیله آمله مقشر مقل ازرق از هریک دو درم مرجان کهربا دوغ خشخاش
از هریک درم مقل را در آب اهنگدان حل سازند وداروها صلایه کرده بآن لبریز شند

وامثال آن بخورند ص پوست بیخ کبر ریوند ہر یکہ دو درم مرجان سوختہ صبر زرد تخم کرفس غاریقون
نمک ہندی درم باعرق بید حب ہا بندند قدر شربت یک مثقال حب جہت ازالہ
صلابت طحال از بقائی ص ہڑ سوختہ سہاگہ بریان سجی شورہ قلمی باو ٹرنگ ہر دو
زیرہ نمک سیندہ ہمہ را برابر کوفتہ بیختہ باقند سیاہ حب ہا بندند و آب گرم بخورند جہی کہ
در یرقان اسود بکار آید ص کندش مدبر بسر کہ ماذریون ہر یک سہ طسوج خرنق سیاہ
بشیر دوشیدہ پرورده بیخ انگ زعفران دو دانگ سقمونیا مشومی دو دانگ افتیمون افسنتین
رومی ہر یک دو ثلث یکدرم ہلیلہ سیاہ ہلیلہ کابلی ہر یک یکدرم عصارۂ غافت دیوید
ہر یک پنجدانگ صبر خالص دو درم کوفتہ بیختہ بآبی کہ در وی غرطیثا و تمر مس تلخ جوشانیدہ
باشند سرشتہ مثل فلفل حب ہا بندند شربت یک مثقال وربع بآب رازیانہ دو شربت
از جالینوس منقول است کہ شخصی را یرقان اسود عارض شدہ تا پنجسال امتداد گشتہ
شخصی اورا بخوردن کبریت کوفتہ با بادام تلخ اشارہ کرد بیمار حسب الایماء آن شخصی عمل
نمود بیماری مذکور گویا ہنود حب برای صلابت طحال ص زنجبیل فلفل زرد چوب چینی
کمیلہ جوارکہار برابر کوفتہ در شیرہ گھیکوار بقدر کنار جنگلی حب بسنہ یک حب ہر روز بخورند
حب غافث در جگر و تپ ہای مزمن را سودمند بود و در ابتداء استسقا نہایت مفید بود
ص عصارہ غافث افسنتین ہلیلہ زرد مصطگی رومی زعفران ریوند چینی لک مغسول شاہ
ایارہ فیقرا اجر امساوی کوفتہ بیختہ بآب عنب الثعلب سرشتہ حب سازند یک مثقال وقت
خواب با آب نیمگرم فرو برند و بخوابند اگر مریض را سعال باشد نصف بکجزور ب السوس داخل
نمایند حب مقل بواسیر را نافع بود ص پوست ہلیلہ زرد پوست ہلیلہ کابلی مقل ازرق
از ہر یک پانزده درم تربد سفید ده درم سکبینج پنجدرم خردل ده درم مقل و سکبینج را در
گندنا حلکرده و دارو ہا را کوفتہ بیختہ بآن بسرشند حب مقل دیگر درد معده و امعاء
بواسیر را نافع بود ص ہلیلہ سیاہ بلیلہ آملہ مقشر از ہر یک جزوی مقل برابر ہمہ مقل

که بهار انگشت بالا باشد تر نمایند یک دو مرتبه تجربه آب ها نموده حب ها مقدار نخود بندند حب
غاریقون سُدّه را بکشاید و استسقا و امراض کبد را نافع باشد ص افتیمون صبر از هر یک شش درم
غاریقون چهار درم انیسون فطراسالیون تخم کرفس و قوقوا از هر یک دو درم سقمونیا درم گوفته بخیته با
خالص حب سازند حب ماذریون استسقا ارزقی را نافع باشد ص ریوند چینی عصارهٔ غافث
تخم کرفس از هر یک سه درم غاریقون پنج درم ماذریون مدبر ده درم کوفته بخیته حب سازند شربت
دو درم باید دانست که ماذریون از دو نوع سمیه است عند شدت حاجت بعد اصلاح استعمال
باید کرد دو قسم سیاه را هرگز استعمال ننمایند و طریق اصلاح انیست بگیرند ماذریون غیر سیاه
در سرکه گذارند سه شبانروز و بعده بر آورده با آب شیرین سه مرتبه بشویند پس خشک ساخته
در سه ماند در آفتاب و در گرما ماند در سایه خشک کنند و بر روغن بادام چرب کرده بکار برند
و قدری کتیرا با و یار سازند و چون که این دو قوی التاثیر است در گرما بمحرور المزاج
نباید داد و ماذریون بسیار باریک بسایند و استعمال دو اکه ماذریون دارد تبفاریق
و اندک اندک بسایند حب بهرامی استسقا بلغمی را نافع بود ص صبر سقوطری دوازده درم
افتیمون شش درم سقمونیا چهار درم سنبل سلیخه تر بدسفید مصطکی از هر یک دو درم زعفران
درم و نیم غاریقون سه درم حماما درم کوفته بخیته حب سازند شربت دو درم و نیم حب
برای صلابت طحال و سرفه و ضیق النفس بلغمی مجرب ست از بیاض عم مرحوم ص ایلیوه
سها گه بریان برابر با قند سیاه حب سازند بقدر نخود تا یکماه بحسب حاجت بخورند و اگر هر روز نتوانند خورد
یک روز میان داده بخورند وقت شب بعد از غذا که یکساعت بخوبی بگذرد تناول نمایند و بالای
آن هیچ چیز نخورند و از ترشی و اغذیه نفاخه پرهیز نمایند در اکثر امزجه دو سه دست هم می آرد حب
اشنخار جهت صلابت طحال از بقائی ص پوست هلیله زرد زنجبیل شیطرج اشنخار سفید تنکار
بریان زیره سفید نمک سنگ برابر کوفته بخیته بقند سیاه کهنه سه سال دو چند سرشته حب ها
خورد بندند از دو ماشه تا چهار ماشه بدهند حب که جهت سپرز و مجرب ست با ماء العسل

یا کم نمک دیگر سائیده در آب لیمون همان قدر آمیخته داخل کنند همگی سه چهار مرتبه آب لیمون زیاده
نمایند و اگر نمک کم نباشد فقط آب لیمون افزایند گولی ها بمقدار نخود بندند حب ترش
معمول والد بزرگوار این خاکسار برای هضم طعام و رفع ریاح و تقویت معده از مجربات
است و مشهور بحب الکبریت ص زنجبیل یک آنار قرنفل دار فلفل سرپک دو دام دارچینی دام
نمک سیاه نمک سنگ سرپک پاو آنار کبریت اصفر براق دو دام کبریت را در روغن گاو
بریان ساخته بعد ازان همه ادویه را علیحده کوفته بخیته در آب لیمون ترنمایند
آنقدر که آب لیمون دو انگشت بالا از ادویه باشد پس از آن که آب
لیمون خشک شود همان مقدار آب لیمون دیگر بیندازند و هفت مرتبه چنین کنند حب ها
مقدار نخود بندند دو سه حب خورده باشند حب دیگر جهت وجع و دفع ریاح و زیادتی اشتها
مجرب است و پیش از طعام و بعد ازان توان خورد ص سهاگه تیلیه جوا کهار نوشادر سرپک
یکدام زنجبیل فلفل دار فلفل سرپک دو دام هلیله بلیله آمله سرپک چهار دام دو آنار را کوفته
بخیته با آب لیمون مقدار کنار جنگلی حب ها سازند شربت دو حب و در صورت شدت قبض
سه حب حب نافع زیق الاسعاد منقول از حکیم علی واو مجرب نوشته ص بگیرند قشار
کندر مازو پوست انار قرطم طراثیث جفت بلوط از سرپک یکدرم و نیم کوفته بخیته در خل خمر
بجوشانند تا منعقد شود مثل فلفل حب ها سازند شربت یکدرم تا یک مثقال حب حلتیت
جهت تقویت معده و هضم طعام و طرد ریاح مفید است و از تالیف راقم و اگر برای تقویت
باه مرتب سازند در آب لیمو و ادرک تر کنند و بهمین و شقاقل و لسان العصافیر و ثعلب مصری
سرپک یکتوله بیفزایند و هر چند تر شی زیاده خواهد ماند لو کم خواهد شد ص بگیرند زنجبیل سه توله
انگوزه خالص چهار توله قرنفل خولنجان فلفل دار فلفل قاقله صغار کباب چینی مصطگی فلفل سیاه
تا نخواه هلیله کابلی آمله بلیله سرپک یکتوله نمک سیاه دو توله شونیز باشه ادویه را کوفته و بخیته
و حلتیت را کوفته در روغن بریان نموده در آب صبر و آب لیمون و آب ادرک آنقدر

حب تخمه محمد زکریا گوید این حب تخمه را زائل کند و قولنج بکشاید ص قرنفل زنجبیل بنگ شاهتره
نارمشک دارفلفل شکر طبرزد هر یک جزوی کوفته بیخته بآب حب سازند قدر خوراک یمدرم
حب هاضم وخوش ذائقه اشتهار آرد از مجموعه ص الایچی خوردا چینی هر یک پاودام سپند
لون سولچر لون سیندها لون جوا کهار زهر الون دهند پیپلامول زیره سفید زیره سیاه زنجبیل
تیرج ناگیسر تالیس تیر هر یک یمدام چوک ترش دو دام انار دانه هشت دام کوفته بیخته بآب
لیمو خمیر نموده حب ها مقدار نخود بندند چهار پنج حب بخورند حب جهت هضم و تقویت معده
وطرد ریاح غلیظ و دفع فواق شدید معمول است ص نمک سانبهر نمک سیاه نمک سپنده
هر یک سه مثقال لعناع زربنا و هر یک پنج مثقال هلیله زرد هلیله آمله مقشر فلفل گرد دارفلفل
وج ترکی زنجبیل هر دو زیره هر یک نه مثقال تخم کشنیز نیم پاو نانخواه بادیان هر یک پاو سیر کوفته
بیخته بآب خمیر کرده در آفتاب خشک کنند و باز بآب آمله سبز و اگر آمله سبز بهم نرسد آمله خشک را
در آب تر نموده بهمان آب خمیر ساخته باز بآب لیمون خمیر کرده حب ها برابر نخود بسته یکی بخورند
حب تنکار گر سنگی آرد و درد معده و شکم و گرانی را دفع کند ص تنکار دو درم بزرالبنج دو درم
و نیم فلفل سیاه دوازده درم صبر سقوطری شانزده درم کوفته در شیرۀ درخت صبر که آن را
هندی کیکوار گویند حب ها بندند بقدر نخود جهت تحلیل باد و سواد دو سه حب دهند و اگر
رفع قبض مطلوب باشد زیاده بدهند مداومت او باد مطلق در شکم نمیگذارد و کلانی در شکم
دور می نماید مجرب است حب ترش از میر محمدی مرحوم بجهت هضم طعام و تقویت
معده مفید و خوش مزه است ص بگیرند زنجبیل سفید بی ریشه یک آثار و نهایت باریک
بسایند و از پارچه بگذرانند و درمیان آب انداخته یک شب و روز گذارند و صبح آن آب را
دور نمایند و هفت هشت مرتبه همین نهج عمل نمایند تا که خوب سفید شود بعد ازان نمک لاهوری
سائیده نیم پاو اضافه نمایند و آب لیمون بقدر آنکه دو انگشت بالا بایستد داخل نمایند و
بگذرانند که خشک شود بعد ازان به بینند که نمک خوب است یا کم اگر کم باشد بقدر رو دام

مقشر بریان مغز بادام تلخ بریان مغز حب الصنوبر از هر یک دو درم افیون مصری صمغ
اجاص ایر سارب السوس از هر یک یکدرم فایند شکر سفید از هر یک دو درم کوفته بیخته
بآب بادیان سبز حب ها بندند و استعمال نمایند حب برای نفث الدم و سل که شدة
حرارت باشد از والد حکیم علویخان ص کافور قیصوری نیم دانق طباشیر سفید یک بیخ انجبار
ولایتی دم الاخوین کهربا مروارید ناسفته سائیده شاد بیخ عدسی مغسول صمغ عربی کتیرا السوشیر
سرطان محرق گل ارمنی از هر یک دانگ مغز تخم کدو و مغز تخم خربوزه از هر یک دو دانگ
کوفته بیخته حب ها سازند جلبه یک شربت است با شیر آدم یا شیر بز حب جواهر کافوری
جهت تقویت مزاج و رفع حرارت آن و منع اسهال مفید و مدقوق و مسلول را مناسب
بود تالیف راقم ص مروارید ناسفته زمرد سوده یاقوت رمانی سائیده زهر مهره خطائی سوده
کهربای شمعی لعل بدخشی یشب سفید کافور قیصوری هر یک درم رب السوس صمغ عربی کتیرا
نشاسته گل نیلوفر سرطان محرق طباشیر سفید پوست خشخاش تخم خشخاش گل گاوزبان یک
یک مثقال زعفران دانگ ریشهٔ پوست بیخ انجبار صندل سفید گل ارمنی هر یک نیم مثقال
ادویه کوفته بیخته بلعاب بهدانه حب ها بسته از نیمدرم تا دو درم همراه ادویه مناسبه استعمال
نمایند حب پادزهر معدنی در تقویت قلب و دفع سموم و ازالهٔ ضرر مواد سمی و اصلاح
اخلاط فاسده بدنی بی نظیر است ص پادزهر خطائی یاقوت رمانی مروارید کهربا گل ارمنی
مغسول دروغن عقربی حب بلسان مثقال بهمن سرخ بهمن سفید حب الغار طباشیر سفید
دارچینی از هر یک یک مثقال زعفران نیم مثقال عنبر اشهب مشک خالص ورق طلا ورق نقره
از هر یک یکدانگ و نیم جواهر را بر روی سنگ سماق صلایه بگلاب کرده ورق طلا و ورق
نقره را با آب صمغ محلول حل کرده مشک و زعفران را بگلاب حل کرده عنبر اشهب را
بروغن بلسان نیم مثقال حل کرده باقی ادویه را کوفته بیخته و همه را در هم نیکو سرشته حب ها
سازند هر حب بمقدار قیراط و هر روز پنج عدد از ان حبوب با گلاب ده مثقال فرو برند

در شیرهٔ ادرک گولیها مقدار مونگ ببندند و در دهن نگاهدارند حب غاریقون از علویخان
مرحوم نافع برای اکثر اقسام ضیق النفس و مسهل بلغم و صفرا مجی و سوداو منقی صدر و ریه ص
غاریقون نرم و سفید افتیمون سنا مکی کتیرا از هر یک ثلث درم گل بنفشه عصاره سوسن
ایرسا هر یک نیم درم انزروت سفید دانگ مغز حب صنوبر کبار دو دانگ باریک خوب
نموده در روغن بادام خوب وجه سرشته بغلاف سکری خمیر کرده حب ها ببندند جمله یک
شربت ست کامل حب اللبان نافع برای سعال شدید که سبب آن قی میشود
و صدر را از اخلاط پاک کند ص رب السوس کتیرا بنفشه تربخبین از هر یک پنج درم
تخم خشخاش مغز بهدانه از هر یک هفت درم مویز دانه بیرون کرده چهار درم انیسون
بادیان مغز بادام تلخ مقشر از هر یک دو درم لبان دقیق باقلا از هر یک هفت درم کوفته
بیخته بلعاب اسفغول حب ها ببندند و یک حب در دهن نگاهدارند حب برای نزله
و سل مجرب است ص شکر تیغال نشاسته کتیرا از هر یک سه درم تخم خشخاش رب السوس
مغز بهدانه هر یک چهار درم مغز بادام شیرین شکر طبرزد از هر یک ده درم صمغ عربی
سه درم تخم خشخاش کوفته بلعاب بهدانه حب ها ببندند و در دهن نگاهدارند حب لسعال
معمول قدیم ص صمغ عربی نشاسته کتیرا از هر یک سه درم مغز بهدانه مغز تخم کدو تخم خیارین
از هر یک دو درم مغز بادام مقشر خشخاش سفید از هر یک چهار درم شکر طبرزد فانیذ
از هر یک هفت درم کوفته بیخته بلعاب بزرقطونا حب سازند و اگر سرفه بلغمی باشد رب السوس
مویز منقی از هر یک چهار درم زعفران یکدرم اضافه نمایند حب از شرح اسباب
وقتی که در دهن گیرند نافع است از برای نفث الدم که حادث از قصبهٔ ریه بود ص
گل ارمنی کهربا صمغ عربی دم الاخوین طباشیر نشاسته کتیرا گلنار اقاقیا عصارهٔ لحیة التیس
کوفته بیخته بآب لسان الحمل و آب خرفه حب ها ببندند مفرطح در دهن دارند حب نافع برای
قروح ریه و سعال عتیق را زایل کند و تلئین صدر و تصفیهٔ صوت نماید ص مغز بادام شیرین

بلغمی معمول حکیم شاه محمد اکبر آبادی ص مالکنگنی یا ودام نیل بُری چوک ترش هریک
یکدام خوب سائیده برابر مرچ جهالبسته هر روز دو حب باآب بدهند حبی که داشتن آن
در دهن لبریز و ضیق النفس نفع دهد ص دارچینی پوست هلیله قرنفل هریک بکجزو
کتهه سفید چهارجزو کوفته بیخته باآب که پوست مغیلان دران جوشانیده صاف نموده حب بندند
راقم هم برای سرفه بارد تجربه نموده حبی که بجهت هیضه و دمه و سرفهٔ اشتها و درد اعضا و درد شکم و درد جگر
و نزله و جمیع امراض بارده بلغمی و سوداوی و قوت نافع است منقول از بیاض عم مرحوم
ص تنباکو سورتی نیم پاو گلاب نیم پاو تنباکو را در گلاب شب تر نمایند صبح خوب سائیده
گولیها مقدار نخود بندند و این اجزا را علیحده خشک بسایند فلفل دو دام بیخته دانهٔ الایچی خورد
یکدام الایچی کلان دام جوزبوا دو دام زعفران یکدام بسباسه نیمدام مشک سه ماشه عنبر
اشهب دو ماشه پس گولی ها را در گلاب همراه این اجزا مرتبه دوم بسایند و گولی ها مقدار نخود
بندند و همراه پان می خورده باشند حب برای سرفه بلغمی و رطوبت و ضیق النفس منقول
از بیاض مذکور ص مرچ پیپل زنجبیل عاقرقرحا مساوی بتلیه هریک یکدام حلبه پنجدام کوفته
در آب برنج ساٹهی بقدر موٹهه حب بندند و یک حب بخورند حب هندی جهت سرفه اطفال
ص زنجبیل کاکراسنگی تیس دانه هیل بابونه کوفته بیخته حب بندند وقت حاجت بعسل سرشته
لعق نمایند برای سعال رطوبی و بلغمی و ضیق النفس از مجربات اهل هند و معمول از
بیاض عم مرحوم ص دارفلفل در پارچه پیچیده زیر خاکستر گرم مقدار یک ساعت بگذارند
بعد ازان فلفل ها در دست بمالند که دانه آن جدا شوند پس بگیرند ازین دانه ها یک تولہ و سهاگه
بریان کرده و خولنجان هریک یک تولہ فلفل دو تولہ عاقرقرحا نیم تولہ همه ادویه را کوفته در کهرل
انداخته با شیرهٔ گهیکوار سه چهار روز سحق بلیغ نمایند با شیرهٔ گهیکوار بسیار در خورد هر چند در سحق
و شیره دادن مبالغه نمایند بهتر خواهد بود حب بمقدار نخود بندند از یک حب تا دو حب بخورند
حب برای اکثر اقسام سرفه مجرب ست ص گل پسته هلیله هردو برابر گرفته کوفته بیخته

که شب بیقرار دارد و ربو را ببرد و بغایت نافع بود ص رب السوس پنجدرم فلفل فرمانا
حلیت مغز بادام هریکی دو درم بمار العسل سرشته جهاسازند حب جهت سعال و تلیین
صدر مجرب است ص نشاسته صمغ عربی مغز تخم خیار از هریک یک مثقال رب السوس
گوشت مغز بزکتیرا از هریک سه درم فانیذ خشخاش سفید از هریک چار درم حب السعال
صاحب تحفه در تذکره نقل کرده واز مجرباب آن نوشته ص نشاسته صمغ عربی کتیرا رب السوس
زعفران تخم خرفه بادام شیرین بادام تلخ فستق حب صنوبر انیسون تخم کنان هریک نصف
جزو مغز تخم کدو و مغز تخم خربوزه تخم خیارین تخم خشخاش هریک یک جزو حب سازند و اگر در سینه
وشش قرحه باشد این اجزا اضافه کنند پرسیاوشان دو جزو زوفا دو نیم جزو حلبه سه جزو تربد
چهار جزو و اگر بادی باشد گل ارمنی گل مختوم هریک سه جزو به افزایند و همه را با هم چند شکر
بلعاب تخم خرفه و بدر قطونا ریحان روغن بنفشه حب ها سازند و اگر بعصاره کرنب معجون
سازند در تلئین وصاف کردن آواز ابلغ است حب سرفه کهنه و ربو و ضیق النفس امراض
سینه را نافع است ص تربد سفید غاریقون هریک سه درم اصل السوس شحم حنظل اناره
فیقرا انزروت هریکدو درم بآب حب سازند شربت یک مثقال با مار العسل حب عطائی
منسوب بمیر عطاء الله جد صاحب تحفه جهت سرفه رطوبی و ضیق النفس بغایت نافع ست
و در تجربهٔ راقم نیز آمده ص زراوند مدحرج افیون از هریک مثقال علک البطم مبعه سابله کندر
مرصاف از هریک سه مثقال حب ها ساخته از دانگی تا نیم مثقال با شربت مناسبه تناول
نمایند حب جهت سرفه و نزله و تقویت معده و اعضاء رئیسه مفید و امساک و تقویت باه
می نماید ص مشک یک نیم باشه عنبر اشهب سه باشه کهربا البد هریک شش باشه مغز بادام
مقشر نشاسته عود غرقی مروارید یاقوت هریک یکتوله رب السوس صمغ عربی نبات بیخ
افیون مصری هریکدو تولهٔ جواهر را بر سنگ سماق با گلاب صلایه کرده دواهای دیگر کوفته
بیخته یک جا کرده بگلاب خمیر نموده جهاء مقدار نخود بربندند حب جهت ضیق النفس و سرفه

بعد ترکیب غلبه اورا باشد انتهی عبارة القادری راقم که معترف بقصور فهم خود است میگوید که
در سند گرفتن از ترکیب شیخ خطاست زیرا که شراح نوشته اند که مراد از تمر هندی عجم تمر هندی است نه گوشت
تمر هندی و مخفی نیست که برش تخم تمر هندی است و در بعضی نسخه های قانون تمر بیرونی بنظر آمده
پس درین صورت احتیاج توجیه شراح کرده اند آن هم نیست کما لایخفی و نیز در بعضی اقسام
که ترشی منع است مثل آنکه سرفه از برودت سادج باشد نه آنجا استعمال حموضت فقط میکند
و به بکسور الکیفیه و در بعضی اقسام که انجا تقطیع بلغم منظور باشد آنجا اشیاء حامضه تنها استعمال
میکنند چنانچه در کتب معتبره استعمال حل عنصل برای تقطیع بلغم فرموده اند و راقم هم در بعضی صغار اورا
مرجان که سرفه داشتند استعمال ترشی نارنج و لیمون لسبب کسر سورة صفرا مفید یافته فافهم و للاشیاع
بالرد و القبول حبی که شیخ الرئیس در باب سرفه یابس ذکر کرده این است ص تمر هندی یابس
علی اختلاف النسختین رب السوس لباب القمح زعفران کتیرا حب صنوبر حب القطن حب الاس
قشر خشخاش بزر خشخاش انیسون مرفانید از هریک بقدر حاجت بگیرند و جها سازند و در دهان
دارند حب که نافع است اطفال را که از سرفه لبیار قی کنند و سرفه خشک بزرگان و خوردان
که مانع از خواب باشد و نوازل حاده را دفع کند ص نشاء صمغ عربی رب لسوس خشخاش سفید
انیسون ساکو کوبیده بیخته بلعاب بهدانه بقدر نخود حب بندند حب جاوشیر جهت ربو و ضیق النفس
و برای اعانت رفع مادهٔ موجب این امراض خواه در قصبهٔ ریه خواه در عروق اصوات و غیر
اصوات یا در خلل گوشت آن باشد مفید بود ص جاوشیر نیم درم در آب رازیانه حل کنند و
نیم درم شحم حنظل سائیده اضافه و حب بسته با ماء العسل بدهند و از انجاکه نفع جاوشیر در
علت لبیار است و در اختیار آن اضطرار از بس دفع احتراز ازین دوا که باعصاب است
بدین اعصاب بروغنی که گرم و خوشبو بود باید نمود حب القطن تلین صدر کند ص
پنبه دانه مغز بادام مقشر هریک چهار درم اصل السوس پنج درم است زردی چهار بیضه
مشویه باهم آمیخته بعسل کف گرفته و بروغن بادام حب ها سازند حب السعال سرفه را

ازسوء مزاج بارد باشد مستعمل میشود ص فلفل یکدرم خرد ول بریان سه درم کندر بازرد هریک
چهار درم مرکی شش درم کوفته حب سازند وزیر زبان نگاه دارند حب جهت بستگی آواز
از بقای ص مغز بادام تلخ تخم کتان مغز چلغوزه سائیده حب ها بندند در دهن نگاهدارند حب
نافع برای اندمال قرحه حلق وآبله فم ص زرالورد طباشیر سفید نشادر کهربا دم الاخوین مساوی
گرفته کوفته بیخته حب بندند ودر دهن داشته باشند تا وقتی که اندمال قرحه شود حب جید برای
بحة الصوت ص لوز بریان مقشر باقلا بریان مقشر هریک بیست درم مغز بادام صنوبر
مقشر هریک بیست درم کتیرا پنجدرم منقی دانه برآورده بیست درم ودر نسخه دیگر سی درم است
منقی را کوفته باسایر ادویه کوفته بیخته مثل کنار جنگلی حب بندند سه حب وقت صبح وسه حب
بوقت شام بآب باقلا وآب سنجاله باشکر سفید وروغن بادام شیرین باهم مخلوط نموده باشند بخورند
جهی که تصفیهٔ آواز نماید ولین گلو وسینه کند وسرفه را نافع نماید ص مغز بادام مقشر تخم کتان
بریان مغز حب صنوبر کنار از هریک دو درم کتیرا صمغ هریک درم اصل السوس خراشیده
رب السوس از هریک پنجدرم شکر سفید چهار درم کوفته بیخته بآب باران واندکی عسل
نرم وع الرغوه سرشته حب بندند وزیر زبان دارند جهی که جهت تقویت شش ودفع
وسعال مجرب است ص زفت مغز بادام شکر سفید هریکدو درم کوفته بیخته حب سازند
ودر دهان دارند حب هندی که جهت سرفه شدید که از کثرت آن طعام بقی برآید وادویه
از علاج آن درمانده باشند نفع دارد وضیق النفس را مفید است از قادری ص فلفل
سه درم وارفلفل شش درم انار دانه دوازده درم قند سیاه بیست وچهار درم جوا کهار که
نوعی از بوره ارمنی است ویک نیم درم ادویه کوفته بیخته بقند سرشته حب ها بندند اکثر اقسام
سرفه را سود دارد انار دانه که در ادویه سعال واقع شده با آنکه حموضت در سرفه منع
است متوحش نشوند چه شیخ علیه الرحمة نیز در قانون اندرباب سعال جهی نوشته که تمر هندی دارد
وبعد این حب می آید پس منع از حموضات در سرفه مفید بدان باشد که ترشی تنها بود دوا

بیبه سرشته حب سازند حب مسهل جهت بحری که از حرکت ماده معده بود بعد از انضاج بمار الاصول
کرده چند روز تناول کرده باشند بکار آید از شفائی ص آن با هیزهج حب الغار هر یک یکدرم
رب السوس درم ونیم مصطگی دو درم سقمونیا مشوی سه درم گل سرخ افسنتین رومی از هر یک
پنجدرم صبر سقوطری پانزده درم ونیم کوفته بخیته بآب برگ تمیخ حب ها بسته مثل فلفل وسه درم
بکار برند اگر قوت باشد حب که داشتن آن در دهن بنجر معدی بلکه باکثر اقسام آن مفید است
ص سفرجل میان تهی کرده قرنفل کوفته بجای تخم ها نهند ودر خرقه تر بپیچند وو رگل گیرند وزیر آتش
گذارند تا بخته شود گل ازان باز کنند واز خرقه بیرون آرند وبگل نیشاپوری که مثل گل ملتانی
می باشد بپوشند واز جهت محرور کافور یک دانگ صندل یکدرم زرد آلو خشک بگلاب سائیده
دو درم باوی بیامیزند وحب سازند واز جهت مرطوب مشک دو دانگ وجوز بوا نیمدرم
زنجبیل یکدرم داخل کنند حب که حرقت لسان را که از خوردن چیزهای تیز وشیرین بهم رسد
زائل کند ص مغز تخم خربوزه مغز تخم بادرنگ مغز تخم کدو بسباسه کتیرا زنجبین کوفته حب سازند
حب دیگر که بوی سیر وپیاز وشراب از دهن دور کند ص مشک تباشیر هر یک پنجدرم
عنبر اشهب نیم مثقال پوست ترنج خشک هیل بوا زنجبیل کبابه بسباسه سعد کوفی هر یک پنجدرم
صندل بگلاب سائیده ده درم در گلابی که صمغ عربی دانگی دران حل کرده باشند بپوشند و
حب سازند دو در دهن گیرند حب جهت استرخاء زبان زیر زبان داشتن نفع تمام
بخشد ص حلک البطم دو درم حلتیت یکدرم کوفته بهم سرشته حب سازند حب که داشتن
آن زیر دندان دردناک تسکین وجع کند ص تخم مرو یکدرم حاقرقرحا مونیزج هر یک سه درم
بشیر گاو ده مثقال آب کشنیز سبز بیست مثقال جوشانیده حب سازند وبر دندان نهند واگر سداب
تازه با مویز سیاه بکوبند وبر دندان نهند همین عمل کند حب که صاحب خناق صفراوی ودموی
در ابتدای زیر زبان داشتن سود مند بود ص کافور یک دانگ تخم گل تخم خرفه نشاسته طباشیر
سماق کتیرا هر یک یکدرم کوفته بلعاب بنکوبر سرشته حب سازند حب که در بخته الصوت که

و با شیر کہو پرہ و بجہت گل چشم نو با شیر عورت و بجہت بیماری دیگر با شیر بز سیاہ و برای دہند باب
بادیان در چشم کشند حب نزلہ و زکام از مجربات است ص جند بیدستر زعفران ہر یکی یک مثقال
رب السوس دو مثقال دارچینی افیون ہر یک سہ مثقال صمغ عربی کتیرا نشاستہ ہر یک پنج مثقال
بقدر فلفل حب ہا سازند مقدار شربت دو حب است حب نزلہ از حکیم محمد باقر ص
زعفران بزر البنج افیون صمغ عربی تخم کاہو بیخ تفاح رب السوس نشاستہ زعفران اخراسائے
کوفتہ بیختہ با آب حب سازند حب نزلہ منقول از بیاض والد ماجد ص بزر البنج سفید تخم کاہو
مقشر رب السوس صمغ عربی نشاستہ مصطگی کتیرا شکر تبغال آرد بالنج تفاح مغز بادام شیرین
افیون زعفران تخم خشخاش از ہر یک مثقال نبات سفید پنج مثقال کوفتہ و بیختہ با آب سرشتہ
حب سازند حب مومیائی جہت دفع نزلہ و زکام و تقویت دماغ و امساک نافع ص مرمکی
ماشہ قرنفل دارچینی حب لبہ صمغ عربی عود ہندی رب السوس ہر یک سہ ماشہ مصطگی خولنجان
بہمنین ہر یک دو ماشہ ابریشم مقرض چہار ماشہ مومیائی کافی میعہ سائلہ ہر یک شش ماشہ
کوفتہ بیختہ بودغن بادام چرب نمودہ با آب کوکنار خمیر کردہ برابر نخود حب سازند یک دو حب
صبح و شام میخوردہ باشند حب المسک نافع بخری کہ از فساد عمود اللسان دلثہ را قوت دہد
و پیوستہ در دہن دارند از شرح اسباب ص مشک کافور ہر یک یک دانگ طباشیر سفید
نیم درم فوفل قرنفل خولنجان عاقرقرحا ہر یکی درم گل سرخ صندل سفید بلیلہ ہر یک دو درم
کوفتہ بیختہ با آب بہ و گلاب سرشتہ جہا سازند حب المسک بہ نسخہ دیگر نزدیک اعتدال
متخرع و مجرب یوسف طبیب ص مشک نیم مثقال مصطگی رومی پنج مثقال نبات ہفت
مثقال ہمہ را جدا جدا کوفتہ و بیختہ بہم آمیزند و در گلابی کہ کتیرا سفید با صمغ عربی بقدر نیم مثقال
شب تر کردہ صباح صاف کردہ باشند بسرشند و حب ہا کردہ در سایہ خشک سازند حب
المسک از شفائی ص مشک دو دانگ پوست ترنج برگ ترنج مر فرنجمشک قرنفل جوز بوا
نارمشک ہیل زنجبیل کبابہ لبباسہ سعد ہر یک دہ درم کوفتہ برب سیب یا رب بہ

کوفتہ بیختہ بگلاب حب سازند شربت دو درم حب عشا منقول از شفائی ص تربد
سفید درم پوست ہلیلہ کابلی غاریقون سفید از ہر یک نیم درم صبر چہار دانگ گل سرخ دو
دانگ مقل دانگی محمودہ نیم دانگ باب حب سازند حب منقشے اخلاط غلیظہ را از سینہ پاک کند و
ربو ضیق النفس را بغایت نافع باشد و امراض چشم و سینہ دفع کند ص بنفشہ دو درم
تربد موصوف یک مثقال محمودہ دانگی و نیم رُبُّ السُّوس نیم درم باب کاسنی حب سازند
حب جہت شکوری ص چرک گوش آدمی جوان پوست بہیڑ ابرد و برابر بسایند و با شیر
عورۃ گولی ہا برابر بخود بندند و یکجب را تا دہ روز بعسل حل کردہ دو ساعت از روز باقی
ماندہ در چشم کشند حب سرخ مجرب خواجہ متبرک خان اگرچہ ایشان در ہر مرض چشم
استعمال میکنند لیکن راقم در آخر رمد سبل و تحلیل مواد چشم و تسکین وجع فائدہ مشاہدہ نمود
ص گیرو چہار دام افیون یکدام زنجبیل ربع دام صمغ عربی ربع دام ہمہ را کوفتہ بیختہ اگر
درم باشد با کشنیز سبز و اگر مواد نزلہ بر چشم افتادہ باشد در آب کوکنار حب بندند و در سایہ
خشک نمایند و بالای چشم در آب فراخ یا در آبہای مذکورہ سایندہ ضماد نمایند حب سبز
مجرب خان مذکور برای امراض چشم ص پہٹکری دو دلم افیون یکدام حضض چہار دام
برگ نیم پنج عدد زعفران پنج سرخ ہمہ را سائیدہ در کڑاہی آہنی باقدری آب داخل
نمودہ از دستہ آہنی خوب کہرل نمایند بعد ازان بر آتش گذارند تا آب او جذب شود و
لائق بستن حب شود حب ہا بستہ بوزن سابق بکار برند و گاہی درین ترکیب صبر ہم
داخل میکنند حب معمول و منقول از خط خال والد ماجد بجہت اکثر بیماری چشم مفید
و تقویت بصر نماید ص زرد چوب زنجبیل فلفل گرد ہلیلہ بای بُرنگ سنگ بصر
اصل السوس نمک سنگ موتہ از ہر یک یکدرم مثل سرمہ بسایند بعد ازان با شیرہ
برگ نیم و شیر بز سیاہ و شیر کہو پرہ خمیر کنند و یک شب نگاہدارند و صبح گولی مقدار
حبہ بندند و در سایہ خشک سازند و بکار برند و بجہت نزول آب کانجی و بجہت بیاض

اضافه نموده میشود در تقویت باه و امساک فائده عظیم میدارد و اگر عقیمه بعد از ظهر استعمال نماید
بارگیرد حب بلادر برای نزله و جمیع امراض بارده دماغی و اعصابی و رطوبی و تقویت
حفظ و دفع ریاح و سلسل بول فائده عظیم دارد و تقویت باه و امساک و رفع سستی نماید
ص بگیرند بلادر و مغز گردگان و کنجد بالسویه و بکوبند بر همه را و خوب باهم مخلوط نموده حب با
مقدار نخود بپندند و از یک حب شروع نمایند و این حب و حب سابق را بعد از ان که چیزی ضرر
محسوس نشود آهسته آهسته بقدر برداشت طبع بیفزایند عورتی درد پاداشت بجهت درد پا استعمال
این حب کرد و بعد از ان که چند روز گذشتند و مقدار آن فزون شد ثالیل که بر فم رحم میداشت و
هر روز در تزاید بودند بالکل زائل گشتند و وجع پا نیز زائل شد و هرگاه همین شقاقل و ثعلب
و عنبر اشهب و دیگر معزیات مثل فندق و امثال آن اضافه شوند در تقویت باه و دیگر آثار بعد
خواهد بود و چون این هر دو حب را بجهت امساک استعمال نمایند در آب کوکنار حب بندند و
اگر حب از مغز بلادر یا ادویه مناسبه ساخته استعمال نمایند نیز در تقویت باه و امساک فوائد عظیم
خواهند دید و بی غائله است و معجون مغز بلادر در مبحث معاجین خواهد آمد در فوائد خود بی عدیل
است حب که سکندر در کتاب خود نوشته که در حق مصروع نظیر ندارد و گفته که داروی
بهتر از این ندیدم برای مرد بالغ یک مثقال و برای طفل هر ده ساله قیراط ص صبر سقوطری یک جزو
مثقل ادرق یک جزو محموده انطاکی ربع جزو کوفته بیخته در آب خالص حب بندند حب
برای کل چشم منقول از بیاض عم مرحوم ص هلیله مربی پلاس پاپڑ انمک لاهوری صندل سرخ
مساوی کوفته بیخته بآب سحق بلیغ کرده حب سازند و در چشم کشند حب برای رمد از بیاض
مذکور ص شیاف مایشاگلسرخ حضض صبر صندل سرخ قوقل زعفران مساوی گرفته
حب ها سازند و در سایه خشک نمایند با شیره کشنیز یا آب گلاب یا آب کاسنی حل کرده ضماد
نمایند حب ذهب صداع و درد چشم را نافع از شفائی ص صبر سقوطری بیست درم بوست
هلیله زرد ده درم کتیرا مصطگی سقمونیا زعفران از هر یک سه درم ورق گل سرخ پنجاه

طبیب مناسب داند و تجویز نماید حب منتن فالج و لقوه و مفاصل و نفرسین و وجع ظهر
را که از سردی باشد نافع بود و بادهای غلیظ را دفع نماید و حیض بگشاید ص سکبینج اشق جاوشیر
مقل حرمل شحم حنظل صبر سقوطری تربد سفید پوست هلیله زرد انزروت از هریک سه مثقال
انزروت را در آب حل کنند و دو اباراکوفته بیخته بآن بسرشند و حب سازند شربت دو درم
حب منقول از بیاض اکمل المدققین و افضل المحققین استادی و ابوی و حاذق
الملک حکیم محمد اکمل خان مرحوم برای صرع خصوص سوداوی بسیار مفید ست ص
لاجورد مغسول جندبیدستر قرنفل میعه سائله مقمونیا مشموی رب السوس هریکدو درم غاریقون
سفید تربد سفید مجوف سکبینج هلیله کابلی هلیله زرد هلیله سیاه آمله مقشر سلیخه شاهتره قسط سورنجان
مصری سنا مکی فلفل سفید زعفران حب النیل دروبج عقربی گل گاوزبان قنه زر بناد انیسون
بسفایج مستقی افتیمون اسطوخودوس ایارج فیقرا هریک سه درم کوفته بیخته با گلاب سرشته
حب ساخته چهل روز مداومت نمایند و هر روز از عقب آن شربت اسطوخودوس ده مثقال
بخورند حب کچله که برای اختلاج و دیگر امراض عصب نافع بود منقول از خط استاد رحمت الله
ص دارچینی جوز بوا لبسباسه عود صلیب قرنفل از هر واحد یک تولہ کچله دو تولہ کچله را در شیر
خیسانیده پوست آنرا دور کرده بسوهان ریزه نموده خوب صلایه کرده بعد ازان ادویه
دیگر کوفته بیخته در عرق نانخواه خمیر کرده مقدار نخود حب بندند صبح و شام بقدر دو حب بخورد
بعد ازین عرق صعتر و نانخواه بقدر مناسب نبوشند دوستی داشتم که برودت بر دماغ او بکمال
مرتبه غالب شده بود و نزله بارد دائمی داشت و روز و شب تقویت دماغ با نواع مختلفه
جاره مقویه مثل تریاق و جزآن می نمود و هیچ فائده نمی بخشید باستعمال حب کچله مزاج هم
باعتدال آمد و هم ترک افیون در برش نمود اول همراه افیون قدری کچله آمیخته استعمال
میکرد بعد ازان هر روز افیون می کاست و کچله اضافه می نمود و قدری که از اثر نزله باقی
مانده بود باستعمال حب بلادر بالکل زائل گشت و چون درین حب ادویه مقویه و ممسکه

دارفلفل تخم کشائی نمک سانبهر اجواین کباب چینی برابر همه سائیده بآب گهیکوار واگر آب برگ
اگنه باشد اقوی خواهد بود چندبار تسقیه نموده مقدار مخدود حب ها بندند یکی صبح و یکی شام وقت خواب
بخورند حب اسطوخودوس نافع است ازبرای صرع ومالیخولیا وامراض سوداوی وبلغمی وداء الثعلب
صبر پوست هلیله زرد وبلیله کابلی ازهریک پنجدرم تربد سفید هفت درم ونیم صبر سقوطری شش درم
اسطوخودوس غاریقون نرم افتیمون بسفایج فستقی هریک سه درم شحم حنظل یکدرم ونیم فرفیون
فودنج جبلی ازهریک یکدرم کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب نموده حب ها سازند شربت
سه درم بآب حب برای صرع اطفال منقول از قانون ص کندر صبر چندبیدستر ازهریک
یک ماشه کوفته بیخته حب ها مثل دانه خشخاش به بندند حب شیطرج اسحاقی گفته که این حب
نافع است ازبرای فالج ولقوه وگرانی زبان ودردسر که ازبلغم بود وبادهای غلیظ را ازین تحلیل کند
ودردمفاصل را دور نماید وقبض را بکشاید ص صبر سقوطری بیست درم تربد سفیده ده درم
زنجبیل تخم حرمل ازهریک دو درم ونیم فلفل دارفلفل عاقرقرحا ازهریک درم شیطرج هندی
نمک لاهوری وج ترکی ازهریک دو درم فانید سنجری چهار درم اجزا را کوفته بیخته بآب سرشته
حب ها سازند شربت دو درم بآب نیمگرم حب برای صرع مجرب ص حب جالینوس
زراوند مدحرج چندبیدستر ملح هندی ازهریک چهار درم قرص عنصل شش درم ایارج
فیقرا اسطوخودوس افتیمون غاریقون شحم حنظل حجرلاجورد مغسول ازهریک ده درم بسفایج
هفت درم تربد سفید سبر پانزده درم بلیله کابلی منقی خریق سیاه کماقیطوس کماذریوس از
هریک پنجدرم کوفته وبیخته بآب خمیر کرده حب سازند شربت سه درم حب که درازاله رعشه خاصیتی
عظیم دارد ص عاقرقرحا چندبیدستر شیطرج بزرالبنج هریک سه درم سکبینج شحم حنظل هریک
چهاردرم ایارج فیقرا پنجدرم شربت دو درم ونصف حب سبات وسبات سهری ص
بنفشه دو درم پوست هلیله زرد تربد موصوف هریک یکدرم نمک هندی را زیانه تخم کرفس
هریک نیمدرم سقمونیا دانگی ونیم بآب خالص حب ها سازند وآن یک شربت است واگر

بروغن بادام چرب کرده بورق نقره بپیچیده بآب گرم وقت پنج شش گهری چاشت باقی مانده
فرو برند حب هلیله دیگر مختصر معمول ص هلیله سیاه هلیله زرد هلیله کابلی آمله بلیله گلسرخ از
هریک چهار ماشه سنا مکی هشت ماشه کوفته بیخته بروغن بادام چرب کرده حب بندند در ورق
نقره گرفته یک دام وقت شب بعرق مناسب یا بآب گرم بخورند و بالای آن هرگاه دو گهری
روز برآید مبطوخ مناسب بنوشند جهت امراض سر و چشم فائده عظیم دارد حب قوقایا
حب جالینوس است صداع و درد چشم را نافع باشد و فضلات غلیظه فرو آرد ص
صبر سقوطری عصاره افسنتین مصطگی از هریک یک مثقال شحم حنظل سقمونیا از هریک یکدرم کوفته
بیخته بآب کرفس حب سازند شربت یک مثقال حب مجرب منقول از بیاض پدر حکیم کاظم علیخان
نافع جهت درد سر و شقیقه و بهیضه ص صبر سقوطری چرایته هریک یکماشه جاپهل دو ماشه زنجبیل
سفیده اجمود هریک یکماشه کوفته بیخته بآب بنفشه چهارده حب بندند یکی صبح و یکی شام با آب
آب بخورند حب اصطمخیقون بمعنی منقی است اسهال سودای محترق از بلغم و اخلاط مختلفه
فاسده کند و مالیخولیا و دیگر امراض را نافع بود ص آن زراوند مدحرج نمک هندی از هریک
یکدرم صبر سقوطری پنجدرم حب بلسان سلیخه سنبل الطیب اسارون دارچینی زعفران
مصطگی رومی بیخ اذخر عرق ترکی عصاره افسنتین از هریک درم سقمونیا مشوی غاریقون
سفید نرم شحم حنظل از هریک سه درم افتیمون بسفایج فستقی از هریک شش درم کوفته بیخته
حب سازند شربت ازان دو درم و نیم وقت خواب با ماء فاتر حب اقتیمون منقول
از شفائی ص محموده یکدرم ایارج فیقرا شحم حنظل غاریقون مجرا منی افتیمون مقل ازرق
هریک دو درم تربد سفید شش درم کوفته بیخته حب سازند شربت دو درم و نیم حب لاجورد منقول
جمیع امراض سودا وی را نافع باشد ص لاجورد منقول سقمونیا انیسون هریک یکدرم
غاریقون پنجدرم افتیمون پنجدرم بسفایج فستقی چهار درم ایارج فیقرا شش درم با
کرفس حب سازند شربت سه درم با ماء الجبن حب هندی برای فالج ص

زعفران پوست انار خرنفل دارچینی بادرنجبویه مصطگی رومی طباشیر سفید از هریک یکدرم آب سیب ترش پنجاه مثقال گلاب شصت مثقال آب لیمون نود مثقال قند سفید و عسل مصفی از هریک هفتاد مثقال بدستور مرتب سازند شربت از یک مثقال تا دو مثقال جوارش فلافلی درد معده و شهوت کلبی را مفید باشد و بادهای غلیظ را دفع کند و طعام را هضم نماید و حمی ربع را زائل گرداند ص نسخه صاحب کامل الصنایع فلفل سیاه فلفل سفید دارفلفل از هریک بیست درم عود بلسان ده درم زنجبیل تخم کرفس سلیخه سیاه بزر سیسالیوس اسارون راسن از هریک یکدرم کوفته بیخته باسه وزن ادویه عسل مصفی گرفته لبر شند شربت یکدرم باب کرفس جوارش مسهل تنقیه معده کند و دافع فضلات شود ص ترنجبد سفید تراشیده بروغن بادام چرب کرده زنجبیل پنجدرم قند سفید پنجاه درم اجزا کوفته بیخته بدستور مرتب سازند شربت سه درم باب بنگرم باب الحار المهلهه حب ایارج صداع مزمن وصرع وسکته و امراض عین را نافع باشد و دماغ و اعضاء رئیسه را از فضول و اخلاط پاک کند ص ایارج فیقرا ترنجبد سفید مجوف از هریک یکدرم حب النیل غاریقون انیسون از هریک پنجدرم شحم حنظل نمک سندی از هریک دانگی و نیم کوفته و بیخته بآب رازیانه لبر شند حب شبیار دماغ را از صفرا و بلغم پاک کند و صداع را نافع بود منقول از خط استاد رحمت الله ص پوست هلیله کابلی پوست بلیله از هریک هفت درم مقل ازرق یکدرم گل سرخ حب النیل از هریک دوازده درم صبر سقوطری کندر از هریک هفتدرم کتیرا سه درم عصاره ریوند مصطگی از هریک یکدرم مقل را در آب حل کرده واجزاء دیگر را کوفته بیخته حب سازند شربت از مثقال تا سه مثقال شب وقت خواب فرو برند بخوابند از انجا که شب استعمال میکنند شبیار مسمی شده حب هلیله جهت اقسام صداع و دماغ و امراض چشم مفید و معمول است ص پوست هلیله زرد پوست بلیله کابلی هلیله سیاه آمله مقشر پوست بلیله گل سرخ از هریک سه ماشه سنا کی شش ماشه غاریقون سفید نرم تربد سفید مجوف خراشیده لاجورد مغسول از هریک دو درم کوفته بیخته از آب تازه حب بندند خوراک یکدرم

مساوی بجوشانند تا ربعی بماند پس فرو گرفته قند بقوام آورده وکفچه بزنند وآنها داخل نمایند وبرروی
سنگ ریزند جوارش عود ساده ص عود هندی پنجدرم پوست اترج مصطگی از هریک یکدرم
نبات سفید یک من نبات را بقوام آورده ادویه را بان بسپرند شربت از دودرم تا دومثقال جوارش
چٹنی ترکیب هندی است در تقویت معده مکرر بتجربه رسیده چون زنها بعد ولادت استعمال
نمایند جهت پرسوت وقطع سیلان وآب فرج وتنگی آن بسیار نافع ص لسباسه زعفران الایچی
خوردازهریک شش ماشه جوزبواسه ماشه قرنفل هیل چینه دارچینی گل پسته گل سیاری از هریک
یک توله خربا کهوپره هریک دوازده درم روغن زرد یک نیم پاو مشک سه ماشه شهد سه پاو ورق
نقره بیست وپنج عدد جوارش گوگل ترکیب هندی است جهت فالج ولقوه ورعشه ودیگر امراض
باردهٔ دماغی راقم واشناد اکثر استعمال کرده ومنافع بسیار مشاهده نمود ص سونٹھ پیپلامول
چینه حب پلیل هنگ درروغن گاو برشته اجمود سرشف زروزیره سیاه زیره سفید تنکار
اندرجو تلخ مادهٔ بای برنگ کچ پیپل کتکی تیس بهارنگی تخم سورنجان جمیع اشیارا مساوی کوفته بیخته
مضاعف آن تریهله بگیرد وبعد ازان تریهله واشیای سابق مجموع راوزن نموده هم وزن مجموع
گوگل بگیرد وگوگل اگر بهمنیا باشد بهتر است مجموع راساییده کوفته بیخته بقدر سه ماشه یا پنج ماشه باآب
گرم وقت شب بخورد خوراک تمام یکتوله جوارج دیگر تالیف پدر حکیم فتح الله معمول عم مرحوم
وراقم است واین ترکیب در فوائد مذکوره اقوی از ترکیب اول است ص دارفلفل
فلفل بهنگره از هریک نه درم زنجبیل قسط تلخ اندرجو دیودار شونیز عاقرقرحا فلفل سویه زرنباد
از هریک شش درم پودینه پنجدرم گوگل نیم کل اجزا کوفته بیخته نگاهدارد وگوگل رانرم بکوبند
وبروغن بادام چرب کنند وباز بکوبند تاخوب باریک ونرم شود وانگاه اجزارا شیلیده قدری
داخل کنند وروغن بیامیزند وباز بکوبند وهمچنین کنند تا تمام اجزا آمیخته شود یک توله شربت
کامل است جوارش عود حامض نافع ازبرای برودت معده هرگاه سوء مزاج بارد یابادی
نبوده ودهن مائل بتلخی وترشی باشد بکار آید ص عود هندی خام ده درم سنبل الطیب قاقله صغار

ونیم تخم خندوقی شقاقل مصری تخم شلغم پیاز سفید تخم جرجیر خشخاش تخم گندر تخم انجره خصیتین الثعلب
گرده ثعلب علک قسط شیرین هریک دو مثقال ونیم مغز سر بره شیر خواره دماغ کبشک خایه
سوط گوشت قدید اسو هریک پنجمثقال واگر گوشت را سو و خایه سوط نبود ذکر گاو خشک کرده
و ذکر اسپ خشک کرده و سوده هر یکده درم بدل آن کنند پس تخم ها بکوبند و بیزند و قشر علک را
با پنجمثقال انگبین بگذارند و مغزها همه در هاون کنند و بسایند بعد ازان بادویه خمیر کنند و با سه چندان
عسل بسرشند و در ظرف آبگینه یا چینی کنند و سرش محکم به بندند بعد از چهار روز استعمال کنند شربت
از یک مثقال تا هشت مثقال با آب جرجیر یا شیر یا ماء العسل و غذا اسفیدباج و گندنا و نخود و پیاز
که با گوشت ورد و غن گاو پخته باشد جوارش بلاد راین جوارش از تالیف حکماء است و بعضی
گفته اند که این نسخه بوحی بحضرت سلیمان علی نبینا و علیه السلام نازل شده زیاده می کند باه را و صالح
است از برای وجع که مزمن شده باشد از برای برد مزاج و نسیان و نیکو می کند رنگ را و تیز میکند
ص فلفل دار فلفل هلیله سیاه بوست هلیله آمله منقی جندبیدستر از هریک چهار درم قسط تلخ بلاد
بیخ کابلی نبات سفید حب النار از هریک دوازده درم سعد کوفی شصت درم بلاد را تنها کوفته
و باقی ادویه را کوفته بیخته مسکه گاو و عسل کف گرفته بجوشانند تا بقوام آید ادویه را بآن بسرشند
و بعد از شش ماه بوزن دو درم ازان با مطبوخ کرفس و رازیانه بخورند و در ایام خوردن این جوارش
باید که تعب و غم و حزن و شراب بسیار نوشیدن و جماع کردن و خوردن گوشت ملاحظه نمایند
جوارش فربه کننده ص بهمن سرخ زراوند مدحرج کسیلا حب الخضر اتودری سرخ و زرد و
بهدانه شونیز مغز پسته بوست نخود مغز بادام شیرین کنجد مقشر مساوی نرم بکوبند و دو مثل گل
و حلبه شسته بریان کرده آرد نموده بار و غن گاو بمالند و بعسل بسرشند و غربت بجهت زنان
بقدر گردگانی و برای مردان بقدر تخم مرغی جوارش فواکه معده و جگر و دل و اعضا را
قوت دهد و قی باز دارد و صفرا دفع کند و تنقل بدان منع خمار می کند ص آب انار شیرین
و ترش آب سیب آب به آب امرود آب غوره آب زرشک آب سماق آب لیمو مجموع

مساوی

بتر اضافه نمایند جوارش سماق اسهال صفراوی بازدارد ص سماق لبست درم تخم مورد ده درم
خرنوب بنطی سی درم صمغ عربی گلنار فارسی انار دانه از هر یک پنجدرم کوفته بیخته باسویز منقی
دیگر باره کوفته بکار برند جوارش مقلیا ساز حیر و مغص بواسیر را نافع بود ص تخم ترهٔ تیزک بریان
کرده زیره مدبر از هر یک یکدرم مصطگی شش درم هلیله کلان کابلی بریان کرده بروغن گاو یکدرم
ادویه را کوفته بیخته بروغن گاو چرب کرده بجلاب بسرشند جوارش که قولنج و لقوه و بواسیر و بادها
را که در معده بود سود دارد ص سقمونیا تربد سفید از هر یک پنجدرم فلفل فاقله از هر یک سه درم
زنجبیل دارچینی آملهٔ مقشر قرنفل بسفایج خیربوا از هر یک دو درم و نیم قند سفید نود درم کوفته بیخته
بسرشند شربت چهار مثقال جوارش عطائی گرده و دماغ را قوی گرداند و منی را بیفزاید مجرب است
ص بهمنین تودرین تخم اسپست مغز تخم خربوزه تخم جرجیر تخم پیاز تخم حماض تخم انجره تخم هلیون کتیرا تخم کرفس
هر یک سه مثقال شقاقل مصری فاقله صعتر دارفلفل خولنجان دارچینی زنجبیل قرفه هر یک یک مثقال
تر بخبین سفید سه وزن ادویه تر بخبین را یک شب در شیر گاو خیسانند صبح مالیده صاف نموده
بر آتش نهند تا غلیظ شود فرود آورده دارو ها را کوفته بیخته بدان بسرشند و در ظرف چینی کنند شربت
سه مثقال تا بیست درم با شیر گاو تازه جوارش بکر باحیت پشت را قوی گرداند و باه را بیفزاید و
معده را قوه دهد ص آن بگیرند صمغ عربی نیم آثار در دو سیر روغن گاو بریان کنند پس آرد کرده
صمغ را جدا دارند و روغن را جدا بعد ازان بسایند و موصلی سیاه و زنجبیل از هر یک
بیست درم کنکول پانزده درم دارچینی خولنجان کبابه چینی لسباسه عاقرقرحا از هر یک چهار درم
قرنفل جوزبوا از هر یک ده درم جمله را کوفته بیخته در روغنی که صمغ را در آن بریان کرده اند چرب
سازند و شکر سرخ دو سیر نبات سفید دو آثار بقوام آورده صمغ را کوفته دران داخل کرده بهم
زنند تا چون حلوا شود از آتش فرود آورده ادویه کوفته را دران داخل کرده نگاهدارند و هر روز
بیست درم بخورند جوارش کسی را که شهوت باه منقطع شده باشد برانگیزاند ص مغز خروس
بچه یک مثقال فلفل سفید اسقیل مشوی کنجد مقشر دارفلفل زعفران هر یک یک مثقال

پنجاه درم گلاب سی درم قند سفید یکمن قند را در گلاب گداخته بقوام آرند و در آخر قوام آب ترنج
ترنج داخل سازند و بقوام عسل منعقد آورده چنانچه رسم است معجون سازند خوراک از سه درم تا پنج درم
جوارش آمله مقوی معده ص آمله منقی نیم آثار شب در گلاب نیم آثار عرق بید مشک نیم آثار
بخیسانند صبح بجوشانیده مهر اساخته از پارچه گذرانیده نبات سفید سه پا و عسل مصفی نیم آثار داخل
کرده بقوام آورند مروارید ناسفته دو تولہ صندل سفید ابریشم مقرض غنچه گل سرخ گل گاوزبان دانه هیل
پوست بیرون لبه مصطگی دارچینی از هر واحد یک تولہ عنبر اشهب ورق طلا از هر یک سه ماشه
ورق نقره نه ماشه کوفته بیخته بآن بسرشند و معجون سازند شربت نه ماشه جوارش خواجه ابو علی سینا
و از مجربات اوست ص عود هندی سه درم مشک تبتی دو دانگ کافور ریاحی دانگ و نیم بسپاسه
نار مشک سعد فلنجمشک زرنب زرنباد از هر یک یک مثقال دارچینی مصطگی زنجبیل هیل
قرنفل از هر یکی دو درم لسان الثور پنجدرم تخم بادیان تخم کرفس وج سنبل از هر یک سه درم بابونه
مصفے یک آثار بسرشند شربت دو مثقال بادها بشکند و خفقان و تنگی دل ببرد جوارش اسقف
بضم همزه و سکون سین مهمله و ضم قاف قسم خورده است اسقف بایمان خود که نمی شناسند هیچ دوائے
را بهتر ازین دوا برای قوی رامی رباید و قولنج می کشاید و ریاح معده و بواسیر دفع میسازد و وجع خاصره
و ظهر را دقی را مانع می آید و قدر شربت جهت گوارش دو درم و جهت اسهال شش درم و بعضے
چهار مثقال نوشته اند ص زنجبیل دارچینی آمله مقشر قرنفل بسفایج جوز بوا از هر یکدو درم و نیم فاقله
سه درم ستمونیا نیم درم سفید هر یکی پنجدرم قند سفید نه درم کوفته بیخته بعسل بسرشند جوارش برائے
تقویت قلب و دفع خفقان و منع صعود ابخره ردیه از معده بدماغ و ازاله وسواس سوداوی مجرب
است از مخترعات والد ماجد ص مربای هلیله پنج عدد و مربای آمله چهار عدد دانه هیل سه ماشه
کشنیز خشک یک تولہ بید مشک بقدر حاجت نبات سفید دو وزن ادویه مربیات را در آب کشنیز
ترخایند بعد ازان مربیات را شسته بیرون کرده در بید مشک سائیده صاف نموده داده
را علیحده کوفته بیخته در قوام نبات مرتب سازند اگر مزاج بسیار حار نباشد بقدر ماشه مصطگی

داخل است جوارش کمونی بنبخر شفائی نافع است از برای برودت معده و احشاء حامض و
برودت انثیین وفتق وقیصل ص زیره کرمانی مدبر پنجاه درم فلفل سیاه پانزده درم برگ سداب
در سایه خشک کرده زنجبیل از هریک بیست درم بوره ارمنی پنجدرم عسل مصفی سه وزن ادویه بدستور
مقرر مرتب سازند جوارش کمونی تنقیه وتقویت معده کند از برای امراض بارده بطلان وفور
وکثرت سیلان ریق که بسبب رطوبت معده بود ص کمون کرمانی مدبر بریان سی درم فلفل زنجبیل
دارفلفل از هریک پنجدرم تربد سفید پانزده درم فودنج سداب صعتر بوره ارمنی از هریک دودرم ونیم افتیمون
ده درم عسل مصفی سه وزن ادویه بدستور مرتب سازند شربت ازدو مثقال تا چهار مثقال جوارش مصطکی
سردی معده وجگر را نافع بود وبلغم ومنع کند وآب فتن از دهن باز دارد ص مصطکی سه مثقال کوفته
بیخته در یک من قند سفید دوسی درم گلاب بقوام آورند وبر روی سنگ که بروغن بادام چرب
کرده باشند بریزند ودر اقم قدر قند نصف بکار می برد جوارش لولوئی مقوی معده واعضاء رئیسه
ومصلح حال چنین از اسقاط مجرب است ص مروارید ناسفته یکدرم عاقرقرحا درم زنجبیل
مصطکی از هریک چهار درم زرنباد درونج عنفری تخم کرفس شیطرج هندی فاقله جوز بوا لبسباسه قرفه
از هریک دودرم همچنین فلفل دارفلفل از هریک سه درم دارچینی پنجدرم شکر سلیمانی بوزن همه
ادویه شربت بقدر یک عفصه در حفظ اسقاط جنین مداومت باید نمود جوارش قرطم این جوارش
حافظ صحت است ولین طبع ومقوی معده ص قرطم مقشر مغز بادام شیرین از هریک ده جزو
انیسون بسفایج فستقی از هریک یک جزو عسل مصفی بوزن تمام ادویه بدستور قدیم جوارش سازند
واگر دو جزو مصطکی رومی افزایند قوی خواهد بود جوارش صندلین مقوی دل ودماغ وحابس
اسهال صفراوی ودافع خفقان ومعمول ومجرب حکیم معصوم شیرازی ص مروارید ناسفته مرجان
قرفری از هریک دودرم صندل سفید بگلاب سوده خشک نموده ده درم صندل سرخ بگلاب
سوده خشک ساخته پنجدرم طباشیر سفید تخم خرفه مقشر بوداده تخم کشنیز خشک بریان کرده پوست
بیرون پسته لنه از هریک دودرم مصطکی زعفران از هریک یرم مشک تبتی خالص پنجدرم آب نرگس تخم

خشت الحدید مدبر مساوی وزن تمام ادویه دواها را کوفته بیخته با عسل کف گرفته سه وزن ادویه
بسرشند جوارش کندری نسخه شیخ بوعلی سینا کر بجهت جمیع انواع فتق و قیله قوة دهد ص
کندر شصت درم فلفل دارفلفل از هریک ده درم نبات سفید شصت درم
زنجبیل خولنجان از هریک پنجدرم مشک خالص نیم درم
کوفته بیخته باسه وزن مجموع ادویه عسل کف گرفته بسرشند شربت دو درم جوارش تفاح جهت
تقویت معده و قلب و احشا و دماغ نافع است و هاضمه را قوی گرداند ص بگیرند یک رطل
سیب اصفهانی رسیده کنند پوست و تخم آن دور کرده باشند و با شراب ریحانی بجوشانند تا مهرا
شود بپالایند و نیم رطل قند سفید و نیم رطل عسل مصفی بقوام آورند پس فلفل دارفلفل قرنفل از
هریک دو مثقال زنجبیل چهار مثقال زعفران نیم مثقال عود هندی پنج مثقال کوفته بیخته با آن
بسرشند و در ظرف نگاهدارند جوارش طباشیر کر تقوی معده است و نافع صعود ابخره صفراویه از
معده دماغ است و برای سدد و دوار کر حادث شود بسبب سوء مزاج صفراوی معده ص
گل سرخ منزوع الاقماع صندل سفید آلمنفی طباشیر سفید کشنیز خشک از هریکیه درم حب الاس
پوست انرج سماق منفی مصطگی از هریک پنجدرم کافور قیصوری یک مثقال مجموع را در سه وزن ادویه
آب به شیرین و یک وزن قند سفید با گلاب بقوام آورده بسرشند شربت دو مثقال جوارش
قند اذیقون این جوارش از ردیان است نافع است برای ضعف معده کر تولید ریاح در آن نیاید
باشد و برای ضعف کبد بارد و استسقاء طبلی و برای درد پشت و درد گرده و معده ص آن
بنسخه شیخ رئیس زنجبیل سنبل الطیب از هریک شش درم مصطگی رومی نانخواه چهار درم کرفس
نعناع خشک از هریک پنجدرم سلیخه زیره کرمانی حب بلسان عاقرقرحا از هریک دو درم سادج
هندی یکدرم کوفته بیخته بعسل مصفی بسرشند و در سبوی خضراء نگاهدارند و در وقت حاجت بکار
برند و مزاجش گرم است در اول درجه سوم و خشک است در آخر درجه سوم حکیم میر معصوم در
اقرابادین خود گفته که شهرت این جوارش چهار مثقال است و در نسخه او چهار درم انیسون

فربه کند وحفظ بفزاید اجزاء آن نسخهٔ شیخ رئیس که در قرابادین قانون ذکر کرده عسل بلادر عجنه الخضرا
کنجد مقشر هر یک شش استار شکر طبرزد بیست و چار استار پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله منقی زنجبیل
دارفلفل اتیح کابی سانوج هندی شیطرج هندی از هر یک چار درم کوفته بیخته اول مرتبه ادویه را بعسل
بلادر سرشته بروغن گردگان چرب نموده بعسل قدر کفایت لبسر شند ونگاهدارند شربت ازین جوارش
دو درم با مخیص گاو طعام درین مدتی که این جوارش خورده میشود باید که شیر و برنج باشد و گوشت
نخورد بلکه هر دوائی که بلادر و عسل بلادر داشته باشد هر گاه خورده شود باید که گوشت ها موقوف نمایند
و گفته اند که این جوارش گرم است در وسط درجه سوم وخشک در آخر درجه سوم جوارش خبث الحدید
مطبوخ بنسخه شیخ رئیس صالح است از برای ضعف معده وحرارة مزاج ص خبث الحدید مدبر بصری
پوست هلیله زرد هلیله سیاه پوست بلیله آمله منقی گل سرخ گلنار فارسی اذخر یکی اجزای مساوی
همه را در شراب ریحانی بجوشانند تا غلیظ شود پس بپالایند ونگاهدارند و هر روز ازان مقدار سه اوقیه
تناول نمایند جوارش خبث الحدید ممسک سرعت انزال هر دو نافع است از برای ریاح بواسیر
وریاح حادثه از خلط خام ونزف دم بواسیر ص هلیله کابلی هلیله سیاه شیطرج تخم کرفس از هر یک
شش درم پوست بلیله آمله منقی نانخواه تودری سرخ ورزد دارفلفل کنجد مقشر از هر یک چهار درم
قرفه سنبل الطیب جوز بوا فلفلویه از هر یک هشت درم هیل بواقسط سلیخه قرنفل بسباسه خولنجان
نارمشک از هر یک شش درم سعد کوفی چار درم مشک تبتی دو مثقال عنبر اشهب یک مثقال
خبث الحدید بر بوزن مجموع ادویه وروغن گاو وده استار ادویه را کوفته بیخته بروغن گاو چرب
کرده بعسل کف گرفته لبسر شند شربت دو درم با شیر گاو ویا دوغ گاو که مسکه آن را گرفته باشند وبندرست
دو هفته متوالی بخورند جوارش خبث الحدید قوت باه را زیاده کند وضعف معده را سود دارد
وکونر را صاف نماید وبواسیر را مفید بود ص آمله منقی دارفلفل زنجبیل زیره کرمانی مر بر تخم شبت
پوست هلیله تخم کرفس تخم کندنا تخم خربز تخم شلغم تخم گدر سلیخه سعد کوفی دارچینی قرنفل جوز بوا از هر یکی
بسباسه هیل غنچه گل سرخ قاقله کبار مشک عود هندی هر یکدو درم تخم سپندان سفید سه اوقیه

چهار درم بعسل لبسر شسند شربت پنجدرم بآب گرم جوارش کسری صاحب ذخیره گوید که من در شهر بلخ شخصی را دیدم که او را در معده بود بسیار علاج کردند هیچ دارو شفا نیافت اما این جوارش گویند که بهر کسری اول مرتب ساخته شده جهت خفقان و بیماریهای رحم مفید و بمشایخ بسیار نافع ص عنبر اشهب یک مثقال روغن بلسان دو درم انیسون نار مشک تخم کرفس جعده بیدستر افیون بزرالبنج سفید برگ بادرنجبویه مرزنجوش زعفران هر یک سه درم قرنفل کبابه قاقله صغار وکبار هر یک پنجدرم عنبر اشهب در روغن بلسان بگذارند و افیون را در شراب حل کنند و بعسل کف گرفته لبسر شسند و دو ماه بگذارند و گروهی شش ماه می نهند شربت دو درم جوارش آمله لولوی معده را قوت دهد و اشتها آورد ص شیر آمله دوازده مثقال طباشیر سفید صندل سفید سماق منقی زرشک گل سرخ بادرنجبویه پوست بیرون پسته از هر یک یک مثقال کشنیز خشک مقشر تخم خرفه از هر یک دو مثقال مروارید ناسفته چهار دانگ عنبر اشهب ورق طلا ورق نقره از هر یک دو دانگ نبات آب بشیرین از هر یک دو وزن ادویه بدستور مرتب سازند جوارش آمله لولوی دیگر ص شیر آمله منقی زرشک بیدانه در آب خالص و گلاب و عرق گاوزبان و آب انار شیرین و آب انار ترش و عرق بید مشک بادرنجبویه بنخته از پارچه بپالایند پس شیره و نبات سفید داخل کرده بقوام آرند بعد ازان مروارید یاقوت رمانی کهربای شمعی دارچینی مصطگی از هر یک شش ماشه دانه هیل طباشیر سفید ابریشم مقرض صندل سفید گل گاوزبان کشنیز خشک مقشر از هر یک توله ورق طلا و ورق نقره از هر یک سه ماشه پوست زرد اترج نه ماشه عنبر اشهب سه ماشه بدستور بان لبسر شسند شربت شش ماشه جوارش انجدان از کامل الصناعه نافع برای نفخ بطن و معده و قراقر و هضم طعام و بروردة معده و گرده ص کاشم سیزده درم فلفل تخم کرفس از هر یک دوازده درم قطر السالیوس نعناع خشک سیسالیوس از هر یک سه درم ادویه را کوفته بنخته بعسل کف گرفته لبسر شسند و در ظرف چینی نگاهدارند و در وقت حاجت بکار برند جوارش عسل بلادری مسمی بجوارش جنة الخضرا نافع از برای استرخاء و استطلاق بطن و بروده معده و از برای بواسیر و اشتهار طعام آورد و بدن را

کہربای شمعی سافج ہندی پوست زرد اترج بادرنجبویہ دارچینی دانہ ہیل ازہریک چہار مثقال
زعفران یک مثقال چنانچہ رسم است مرتب سازند جوارش انارین معمول حکیم ارشد مرحوم
جہت تقویت معدہ وجگر غریب وبرای بہم رسانیدن اشتہا عجیب ص آب انار شیرین آب انار ترش قند
سفید ہریک سیر نعناع سبز وگلاب ہریک ہفت درم سنبل الطیب مصطگی ہریکدو درم دانہ الایچی
کلان پوست اترج ازہریک چہار ماشہ پوست بیرون پستہ یکدرم دانہ الایچی خورد سہ ماشہ بدستور
مرتب سازند جوارش انارین قابض معمول حکیم مذکور ص قند سفید یا و آب انار آب لیمو ہشتدرم
شربت حب الاس ہفت دام آب انار شیرین وترش ہفت دام شربت لیمو آب پودینہ سبز
شیرہ مربای ہریک چہار درم گلاب دو دام مصطگی دانہ ہیل زہر مہرہ خطائی ہریک سہ ماشہ گل سرخ
زرورد وج ترکی جوز بوا طباشیر ہریک دو ماشہ بدستور مرتب سازند جوارش حب الاس ہضیم
واسہال معدی رانافع بود وقتی کہ از بلغم ورطوبت بود باز دارد ص سافج ہندی جمامار ازہریک
چہار درم جوز بوا تخم کرفس نانخواہ ہریک پنجدرم مصطگی قرماما انیسون زیرہ کرمانی سنبل الطیب سانیخہ افسنتین
قسط ہریک شش درم فلفل دارفلفل زنجبیل ہریک دہ درم ہلیلہ سیاہ پوست بلیلہ آملہ منقی طالیسفر
ہریک ہشتدرم حب الاس نود مثقال کوفتہ بنجبہ لعسل بسرشت شربت یکدرم جوارش خولنجان برای
ہضم طعام وطرد ریاح وسردی جگر مفید ص تخم کرفس انیسون زیرہ کرمانی طالیسفر کرویا ہریک
یکدرم خولنجان قرنفل فلفل سعد ہریکدو درم ہیل دارچینی نارمشک ہریک سہ درم دارفلفل
شش درم زنجبیل ہشت درم فانید شکر سہ چند شربت دو درم جوارش از مجموعہ ص مشک
دو دانگ سعد کوفی پنجدرم فلفل دارفلفل زنجبیل ہریک یکدرم نارمشک یکدرم ونیم قرفہ قرنفل مصطگی
سنبل الطیب دارچینی قاقلہ صغار لبابہ زعفران جوز بوا ہریکدو درم عود غرقی پوست اترج ہریک
پنجدرم عسل قند سفید ہریک سہ چند جوارش ایضاً از مجموعہ ص عنبر اشہب مشک خالص ہریک یک ماشہ مصطگی
عود غرقی پوست بیرون پستہ ہریکدو درم آب لیموی کاغذی ہفت عدد نبات سفید نیم سیر بطریق مقرری
سازند جوارش کہ اسہال صفرابی مشتہی کند ص سقمونیا پنجدرم عود خام مصطگی ہریکی درم تربد سفید

نود مثقال جوارش سوکل منسوب لبسلمنو است جهت تقویت معده و سوء هضم مجرب
است ص سنبل قرنفل دارچینی جوزبوا قاقله نارمشک هریک یکمثقال فلفل سفید زنجبیل
چندبیدستر هریک دو مثقال لبان ذکر ابیض چار مثقال قند سفید برابر همه ادویه کوفته
بیخته بعسل صاف بسرشند شربت یکمثقال جوارش کافور جهت ضعف معده و جگر نافع است
واعانت میدهد هضم را و دفع میسازد ریاح را ص کافور زعفران عود قاقلین کبابه کاشم
قرفه قرنفل اشنه سنبل الطیب لبسباسه صندل سفید فلفل دارفلفل دارچینی شیطرج نارمشک
شقاقل خولنجان جوزبوا زنجبیل سعد فلفلمویه جمله برابر شکر سفید هم چند همه جوارش آمله
معده و دل و جگر را قوت دهد و اشتها آرد و غذا را هضم نماید و این جوارش معمول استاد بود
ص آمله مقشر پنجدرم مصطگی عود از هریک سه درم عنبر نیم مثقال قند سفید نیم من آب اسحاق
آب لیمو هریکیده درم بدستور مرتب سازند جوارش عود شیرین منقول از خط والد ماجد
ص عود هندی دارچینی جوزبوا قرفه قاقله صغار قرنفل خولنجان از هریک پنجدرم اسارون
زعفران از هریک دو درم نبات سفید نصف رطل مشک تنبتی نیم مثقال عسل مصفی سه وزن
ادویه چنانچه رسم است مرتب سازند جوارش عود شیرین بنسخه دیگر از جمع الجوامع ص
عود هندی پنجدرم پوست اترج ده درم مصطگی یک مثقال نبات سفید یک من و نیم بدستور
مرتب سازند جوارش عود بنسخه دیگر منقول از کتاب مذکور ص عود پنجدرم قرنفل سه درم
قاقله صغار و کبار سنبل الطیب از هریکدو درم زعفران یکدرم کوفته بیخته با عسل مصفی یا انار مرتب سازند جوارش
اترج ایضاً از کتاب مذکور ص پوست اترج سی درم قرنفل جوزبوا دارفلفل قاقله صغار خولنجان
زنجبیل از هریک یکدرم مشک تنبتی دو دانگ عسل سه وزن ادویه جوارش عود ترش
یا ربوب ص رب سیب ترش ده مثقال رب به ترش رب زرشک آب انارین از هریک
ده مثقال آب تراشهٔ ترنج و آب لیموی کاغذی از هریک بیست مثقال نبات سفید دو صد
مثقال عسل مصفی بیست مثقال مروارید ناسفته سوده پوست بیرون پسته مصطگی طباشیر بنفشه

این جوارش‌ها مجرب نیستند ۱۲

ص آن قرنفل دودرم سنبل الطیب یکدرم عود پنجدرم نبات سفید یکمن نبات را در گلاب بگدارند
و بقوام آرند و فرو گیرند و بکفچه بزنند و اجزا را کوفته بیخته بر آن پاشند و بر روی سنگ ریزند
جوارش مشک خفقان و بواسیر را نافع بود و بادهای معده را بشکند ص جوز بوا قاقله
زنجبیل دار فلفل از هریک ده درم مشک خالص نیم مثقال قند سفید شصت درم کوفته
بیخته بعسل بسرشند جوارش خوزی منسوب بسوی اطبار خوزستان طعام را هضم کند و
اسهال باز دارد و سپرز را بگدازد و استسقا را نافع بود و ادرار بول کند ص قرفه قسط سنبل الطیب
حب بلسان سلیخه از هریک ده درم جوز بوا پنج عدد قاقله کبار و صغار قرنفل انیسون
اکلیل الملک شیطرج نارمشک از هریک چهار درم بسباسه دو نخ عقربی از هریک سه درم
ریوند چینی زراوند مدحرج اشنه هریک پنجدرم هلیله سیاه پوست هلیله کابلی به روغن تر بریان
کرده از هریک هشت درم بلیله ده عدد تخم مورد بوزن همه ادویه نبات دو وزن ادویه در گلاب
بگدازند و بقوام آورده دارو ها را کوفته بیخته بدان بسرشند و بعد از دو ماه استعمال نمایند جوارش
بسباسه بواسیر و برودت معده و سوء هضم را نافع بود و بادهای غلیظ دفع کند ص بسباسه
قرفه قاقله صغار زنجبیل دار فلفل دارچینی اسارون از هریک یک درم قاقله کبار پنجدرم
فلفل دودرم قرنفل یکدرم و نیم قند سفید بیست درم کوفته بیخته بعسل بسرشند شربت یکمثقال
جوارش دارچینی ضعف معده و گرده و مثانه را نافع بود و بادهای غلیظ بشکند و اخلاط غلیظ
دفع کند ص دارچینی عود هندی راسن از هریک شش درم قرنفل علفل سیاه دار فلفل
سنبل الطیب اسارون از هریک پنجدرم زنجبیل ده درم پودینه هشت درم جوز بوا دودرم
مصطگی انیسون بادیان سلیخه از هریک سه درم کوفته بیخته بعسل بسرشند جوارش زنجبیل ضعف معده و امعاء را
را نافع بود و طعام را هضم کند و بادها بشکند و اسهال باز دارد ص زنجبیل بیست درم صمغ عربی
خیر بوا از هریک ده درم قرنفل دارچینی از هریک پنجدرم جوز بوا یک عدد زعفران یکدرم نشاسته
چهل درم و در بعضی نسخه عوض نشاسته بسباسه است و نزد راقم همین اولی است و شکر طبرزد

مقوی معده وول و دماغ است و شدید التفریح و ترتیب همین است که بیان شد جوارش
معرب گوارش بمعنی هاضم و شیخ داود در تذکره نوشته که جوارش در زبان عربی سخن نلطف است
و بعضی نوشته اند که معنی آن تقطع اخلاط است راقم گوید که استفادهٔ این هر دو معنی از لفظ جوارش
بعید می نماید جوارش عنبر خفقان و برودت معده و بدی هضم و اوجاع رحم را بغایت نافع
و برای پیران لبسیار مفید است از بقائی ص قاقله کبار و صغار بسباسه دارچینی از هر یک چار درم
زنجبیل دارفلفل از هر یکده درم دوالهٔ مصطگی عنبر قرفه قرنفل زعفران از هر یک دو درم جوز بوا
پنجدرم مشک یکدرم کوفته بیخته بعسل لبسر شند شربت یک مثقال جوارش جالینوس
این جوارش را خاصیت لبسیار است و همه اعضا را قوه دهد و بوی دهن خوش کند و بادها
بشکند و لبسیاری بول که از سردی بود باز دارد و باه را زیاده قوت دهد و دیوانگی ببرد و صداع
و سعال بلغمی و بواسیر و قولنج و نقرس و بهق و حصاة و کلیه و مثانه را نافع بود و سیاهی مورانگاید
و گفته اند که هر که بیست روز بدین جوارش مداومت نماید از جمیع امراض مذکوره ایمن گردد
ص سنبل الطیب سلیخه دارچینی خولنجان قرنفل سعد زنجبیل فلفل سیاه دارفلفل قسط بحری
عود بلسان اسارون تخم مورد قصب الذریره زعفران از هر یک دو درم مصطگی پنجدرم قند سفید
بوزن ادویه تمام اجزا را کوفته بیخته با دو چندان عسل لبسر شند شربت دو مثقال تا سه مثقال پیش از
طعام و بعد از طعام نیز توان خورد جوارش شهریاران برودت جگر و معده و قولنج و عسر البول
را نافع بود ص قرنفل قرفه دارچینی سلیخه سنبل الطیب جوز بوا هیل مصطگی قاقله حب بلسان
زعفران از هر یک چار درم سقمونیا تربد سفید مجوف حب النیل هر یک هشت درم قند سفید همو زن
ادویه کوفته بیخته بعسل لبسر شند شربت چار مثقال تا هفت مثقال با آب گرم جوارش اترج
معده را قوت دهد و اشتهار طعام آورد و بوی دهن خوش کند ص پوست اترج خشک
سی درم قرنفل جوز بوا دارفلفل قرفه قاقله خولنجان زنجبیل از هر یک یکدرم مشک دو دانگ کوفته
بیخته بعسل لبسر شند جوارش عود معدهٔ بارد را گرم کند و اشتهار طعام آورد و هاضم باشد

اسطوخودوس ونصف آن مرباى بنفشه ممزوج کرده مداومت نمایند جهت ازاله رمد کهنه وبخار و
ضعف باصره ودرد سر وشقیقه واخلاط سوخته ورفع سدر مجرب میدانند وچون با تمر هندی وعناب
بجوشانند جهت ازالهٔ امراض مذکور نهایت مفید نوشته اند وچون هر دو قسم گلقند را بجوشانند
وصاف نمایند نائب مناب شربت ورد مکرر دانسته اند وگویند مضر جگر ومحدث تشنگی است و
مصلح آن خشخاش وقدر سر تبش در مطبوخ باجهار ده متقال وازخرش جهار متقال نوشته اند وبعضی مطبوخ چند بار کرده
وهرگاه بثلث برسد استعمال نمایند ضرر او بجگر خلاف قیاس وتجربه است صاحب شفاء الاسقام
در بحث تب دق نوشته که اگر شکم از تناول شیر نرم شود گلقند دهند تا قبض شود وشیخ رئیس
فرموده که مدقوق را گلقند طری بسیار دهند تا آنکه تا نخورش هم چنین باشد نفع عظیم خواهد نمود حکایت
همدرین باب نقل کرده که عورتی مبتلا بهمین مرض بود ونزدیک بمرگ رسیده گلقند بسیاری خورد
که اگر بیان شود شائبه اش محمول بر کذب خواهند کرد شافی حقیقی آن زن را بسبب استعمال چنین
شکری شفا داد **طریق ساختن آن** گلسرخ را از اقماع وتخم پاک کرده از چند دست بنفشانند
که خوب درهم شود وباقند مسحوق یا شکر بیامیزند که خوب آمیخته گردد تا سه روز صبح وشام بر هم نمایند
پس چهل روز در آفتاب گذارند وهرگاه شکری کند دیگر آمیزند وشکر سه چند یا چهار چند گل سرخ
باید وظرف را مملو نگردانند که جای غلیان باقی ماند وبعضی بعد دو سه روز تحریک واختلاط
لازم میدانند وعسلی را باید بوزن مذکور عسل کف گرفته اضافه نموده در آفتاب گذارند وبعضی یک جزء
برگ گل وهمچندان قند یا شکر می آمیزند تا نیک مخلوط گردد پس عسل کف گرفته بقوام آورده هم وزن
جمله اضافه می نمایند ومی مالند تا نیک آمیخته شود وهرگاه که گل تازه نبود خشک آن در
گلاب تر کرده نرم ساخته بدستور مرتب سازند وگلقند تازه قلیل الحرارت از نسبت کهنه بود
جلبچین گاوزبانی جهت تقویت دماغ ودفع مادهٔ سوداوی تفریح دل مجرب ست ص
گل گاوزبان تازه یک من قند سفید دو من بطریق معروف باهم بسرشند واگر تازه نباشد
خشک آنرا بگلاب تر کرده توان ساخت وگلقند که از گل بنفشه وتفاح وگل سیوتی میسازند

از هریک یکدرم کما دریوس قسط افتیمون از هریک چهار درم ونیم اودویه کوفته بیخته بروغن بلسان
چرب کنند وباسه چندان عسل بسرشند شربت چهار مثقال وقوت آن تاچهارسال باقی است +
باب الجیم جلاب بالضم والتشدید هو العسل المطبوخ فی ماء الورد حیث تیقوم وقد یتخذ من السکر و
قد یطلق ویراد به المنضج ص قند سفید یکمن باکمین گلاب بجوشانند وکف بردارند وبقوام آورند واگر
گاوزبان گیلانی گل گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ اضافه کنند در تقویت دل ودماغ ومعده قوی خواهد
بود جلاب بجهت تقویت قلب ص آب سیب یک جزء آب انار مثل آن عرق گاوزبان
چهار جزء عرق بید مشک گلاب از هریک دو جزء عرق گل سی وپنج جزء نبات سفید بموزن همه
بدستور مرتب تخم فرنجمشک بقدر مناسب اضافه نموده بکار برند جلاب نافع از برای نقصان
باه وقتیکه سبب آن استفراغ کثیر باشد ص نبات سفیده دو درم عرق گاوزبان تودری سرخ
وسفید هریک سه درم نبات را در عرق حل کرده بقوام رقیق آورده تودرین بران پاشند هر صبح
وشام بنوشند وغذا نخود وآب گوشت بزودراج وکبک وهریسه معمول از گوشت اینها وزرده
تخم مرغ جلاب که قبیله ریحی ومائی وفتقی را که سبب آن رطوبات مزلقه باشد نافع است ص
تخم کرفس انیسون نانخواه رازیانه کرویا هریک سه درم بجوشانند وصاف نموده کلنگبین عسلی
دوازده درم داخل کرده صبح ناشتا بنوشند تا چند روز غذا لطیف وسبک بخورند جلنجبین معرب
گل انگبین است قوتش تاچهارسال باقی است وشکری اوراکه گلقند وگاشکر بپارسی گویند قوتش
اودوسال واول در آخر دوم گرم وخشک ودوم در اول دوم گرم ودر دیگر دوست معتدل منفعت
معده ودماغ ومجفف رطوبات غریبه معده وبعد از غذا مانع صعود بخار بدماغ وعسلی جهت تردد
وفضول بارده اوفق وجهت مفاصل ونقرس وفالج ولفشت سنگ گرده ومثانه وعسر بول
ورلع اوزیره جهت تحلیل ریاح غلیظ ودردکمر وهضم طعام نافع وچون اورا بابرلع بپزند تخم کرفس
بجوشانند وصاف نمایند وبکر بنوشند جهت تقویت معده وازالهٔ لقوه واشتر خاره وابتدائی مفاصل
بجرب دانسته اند وشکری اوجهت ابتدار وسواس وجنون نافع وچون گلقند را با مثل آن

یافتہ شدہ اگر مُرّ را در این تریاق داخل نکنند احوط خواہد بود **تریاق نزلہ** نام لعوقی است کہ در منع ریختن مواد نزلہ و نزلہ سرفہ مجرب است **ص** اسطوخودوس پنجدرم گل گاوزبان تخم مورد کشنیز خشک ہریکیدہ درم تخم کاہو بیست درم نبرالبنج کوکنار ہریک سی درم تخم خشخاش سفید چہل درم در آب نخیسانند و بجوشانند و قند سفید شصت درم اضافہ نمودہ بقوام آرند و گل سرخ و کشنیز ورق السوسن نشاستہ صمغ عربی کتیرا مُرّ صاف ہریک پنجدرم نرم سایدہ در آن ریزند شربت سہ مثقال نوشتہ اند اما موقوف بر رای طبیب و حال مریض است **تدبیر** حکیم صدرالدین نقل کردہ کہ مرا ورم خصیہ بود اطبا را از علاجش عاجز آمدہ بود مرا گفت کہ قریب بہ بند دست از طرف ابہام از جانب کہ درم در آن جانب است داغ نمایند کہ رفع ورم و الم آن میشود چنین کردم بعد دو سہ روز بالکلیہ رفع آزار و ورم شدہ باز بعد از مدتی عود کرد باز چنان کردم باز رفع گردید و دیگر عود نکرد **تدبیر** دیگر از برای ورم تہمین صاحب کتاب عین الحیوٰۃ ذکر کردہ کہ رگی بر پشت ابہام بگشایند از دست مخالف و گوش را از جانب مخالف درم نیز سوراخ کند یعنی اگر ورم در خصیۂ راست باشد رگ پشت ابہام دست چپ را بگشایند و گوش چپ را سوراخ کند سوراخی فراخ و اگر در خصیہ چپ بود رگ ابہام دست راست بگشایند و گوش راست را سوراخ کنند و اگر در ہر دو طرف بود رگ ہر دو طرف باید گشود و گوش ہر دو طرف را سوراخ باید کرد **تیزاب فاروقی** گوشت فاسد بخورد و جراحت باصلاح آرد **ص** شورہ قلمی بہ ٹکڑی نوشادر از ہر یک یک سیر در قرع و انبیق کنند بحثیتی کہ دو حصہ قرع خالی باشد اول آب سفید خواہد برآمد ہرگاہ تیزاب آمدن شروع کند قابلہ وصل کردہ ہر قدر کہ خواستہ باشند بگیرند **باب الثمار المثلثۃ** ہلیلہ کابلی ہلیلہ زرد ہلیلہ سیاہ ہلیلہ ہندی ہلیلہ شناد ریطوس مسمی باسم ملکی است کہ حکماء پیش از جالینوس جہت او ساختہ اند صداع مزمن و فالج و رعشہ و لقوہ و صرع و اوجاع معدہ و کبد و طحال و برص و تاریکی چشم و جمیع امراض بارد رطبہ را نافع است و مدر بول و حیض و سنگ گردہ و مثانہ بزرانند و اسہال بی مشقت نماید **ص** صبر سقوطری پانزدہ درم غاریقون ہشت درم زعفران دارچینی وج مصطگی روغن بلسان از ہر یک سہ درم ریوند چینی یکدرم و نیم عود بلسان تفاح اذخر حماما

راسن خشک فلفل زیره کرمانی سنبل الطیب بیخ سوسن هریک یکدرم شحم حنظل تخم قنبخشت
بیخ هلیون تخم هلیون پوست بیخ غاریقون پوست بیخ غافث مغز بادام شیرین مقشر بادام تلخ
بیخ لوف جعده غاریقون بابونه حب البان زعفران هریک یکدرم ونیم پوست بهترین
خشک کرده نارین موقوه هریک یکدرم ودو ثلث درم بوره ارمنی ملح اندرانی زوفا خشک
قوتنج جبلی سافج هندی مصطگی تخم حلبه تخم مرورب السوس هریک دو درم نرجس ورق شبت
هریکیدو درم ونیم تخم کرفس انیسون افسنتین رومی ورق حی العالم قنطوریون باریک مرصاف
کهربا میعه یابسه میعه سائله هریک سه درم اسارون فطراسالیون قفاح اذخر بیخ اذخر تخم
ابخره لفاف کرم افتیمون هریک شش درم کبد ذیب خشک کرده حب الاس زیب
طالیفی ورق طرخشقوق حب کاکنج هریک ده درم عبدان الملک ریوند چینی تخم خیار تخم
بادرنگ تخم خربوزه هریک پانزده درم عصاره زرشک بلیله زرد هریک بیست درم همه راسوای
زیب ورق طرخشقوق وحب کاکنج کوفته بخته باین سه جزو بیامیزند وترکیب دهند باوصاف
این ادویه خوب امتزاج نخواهد یافت عسل سرشتن مناسب می نماید ابوالحسن طبری نوشته
که استعمال کرده میشود این را در امراض باردهٔ رطبه جگر باماء الاصول وسکنجبین نبروری و
در امراض حاره یابسه بآب کاسنی آب طرخشقوق وآب عنب الثعلب ودرسده جگر باسکنجبین
نبروری وابوماهر گفته که اهل خراسان جهت حرارت کبد همیشه استعمال میکردند باماء الشعیر وابوماهر
ضماد میکرد بر جگر جهت اورام بارده صلبه **تریاق الاسنان** که جهت درد اسنان که بسبب
سردی باشد نهایت مجرب است ص فلفل گرد عاقرقرحا انگوزه کچور نمک لاهوری برابر کوفته
بخته با عسل غلوله سازند ودر سایه خشک کنند ویک غلوله زیر دندان بدارند **تریاق**
الاسنان دیگر که جهت درد که بسبب سردی بود مجرب نوشته اند ص جندبیدستر جلنبت
مر فلفل زراوند مدحرج زنجبیل میعه افیون بزرالبنج مساوی کوفته بخته بعسل سرشته وبدندان
بدان آلوده بر دندان نهند یا حب ساخته در دهن گیرند راقم گوید که در بعضی امزجه مر اسنان

باب آید یک مثقال و ربع با شربت مورد باب غوره و امثال آن و جهت ادرار حیض باب
نخود منقوع و مانند آن از ادویه مدره حیض ص دوغ سوخته شاخ گاو کوهی سوخته بسد مرواید
هر یک یکمثقال و نیم افیون رب السوس هر یک دو مثقال سماق منقی غوره خشک طین فارسی
که گل شیرازی است ریوند رایک طلق محلوب خشخاش سفید و سیاه بزر البنج هر یک سه مثقال
عصاره لحیته الثیس فطر اسالیون زوفای خشک صعتر تخم کرفس انیسون هر یک چهار مثقال گل بنفشه
تخم خطمی تخم خبازی تخم خرفه مغز تخم خیارین مغز تخم کدو مغز تخم خربوزه دم الاخوین هر یک پنج مثقال
صمغ آلو نشاسته کتیرا حب القلت حب صنوبر خرنوب بنطی مغز بادام کوهی شیرین منقشر هر یک
هفت مثقال گل ارمنی مغسول گل قبرسی پانزده مثقال حب کاکنج چهل عدد عسل کف گرفته
سه وزن ادویه کهنا نصد و هفتاد مثقال است **تریاق الذرب** جهت ذرب و تباهی معده
و ضعف امعاء قبض شکم و تقویت اعضاء رئیسی بی عدیل است ص مروارید ناسفته مرجان
کهربا عقیق یشب عاج طباشیر سفیدطراثیت کشنیز خشک بربان صندل سفید بهمین توفل زیره کرمانی
مدبر مصطگی کردمانا مازو سبز گل ارمنی شادنج عدسی صمغ اردکنار سنجد حب الاس عذبه دانه عناب
بربان کرده پوست بیرون زیب منزوع العجم سه درم ورق نقره یکدرم تخم خرفه بربان
کرده دانه انگور خشخاش سفید زاک هر یک دو درم رب به شیرین رب مورد بالسویه ده جند
یا سه جند همه ادویه کوفته بیخته لبر شند **تریاق الدیدان** تالیف بعضی اوائل خوردن آن و
حقنه کردن بآن دفع دیدان کند ص اسفیداب سفید رنجبیل هر یک یکدرم تخم حسکلا پوست
بیخ توت برنگ کابلی اطفار الطیب سوخته بیخ سوسن آسمان گون هر یکدو درم شنوز قنبیل مر
ترمس بصل الفار مشوی دقیق کرسنه هر یک پنجدرم کوفته بیخته بعسل سرشته نگاهدارند هرگاه خواهند
حقنه کنند تا دو مثقال ازین گرفته در زیت با شیر تازه یا آب گرم حل کرده استعمال نمایند و اگر خواهند
که بخورند سه روز پیش ازین دوا را ناشتا شیر و شکر بخورند و در چهارم این دوا را در شیر محلی شکر حل نموده
بخورند **تریاق الکبد** در جمیع امراض حاره و بارده کبد را مفید منقول از شرح حکیم علی ص

قبل از غذا و بعد آن نوان خورد **تریاق** سرطان که دوار السرطان نیز گویند گزیدن کلب را
نافع بود حص حنظیانا کند ر هر یک پنجدرم سرطان محرق ده درم بعسل سه شند شربت یکمثقال
تریاق دیگر از معاجین کبار است از مفرحات شمرده اند حص یاقوت رمانی مروارید ناسفته
دارفلفل جوز بوا قاقله کبابه تسیطرج هندی دارچینی لسان العصافیر سافوج هندی غنچه گل سرخ منزوع
الاقماع قرنفل زنجبیل فوفل سنبل هندی هیل بوا درونج عقربی بادرنجبویه لسان الثور
مصطگی خولنجان قسط بخشک صندل سفید زراوند مدحرج سلیخه سیاه از هر یک
دو درم بسباسه شش درم پوست اترج سه درم زعفران پوست بلیله جدد ارخطائی از هر یک
یکدرم همین سرخ نیم درم عنبر اشهب مشک تبتی از هر یک پنجدانگ اخراکوفته بیخته با عسل مصفی
دو وزن ادویه معجون سازند شربت یکدرم تا یکمثقال واین ترکیب سی و دو جزء است وزن
اجزا شصت درم چهار دانگ و مزاجش گرم و خشک در درجه دوم **تریاق** که خواجه بوعلی سینا
ساخته و گفته که من این تریاق را ساختم و آزمودم از و منفعت های بسیار یافتم دل را قوت
دهد و باه را زیاده کند حص پوست ترنج خنطیانا مرحب بلسان برگ بادرنجبویه تخم فلفل خشک زرنباد
درونج از هر یک چهار درم سنگ مشک تبتی عنبر از هر یک یک مثقال عود هندی دو مثقال کافور
ریاحی پنج مثقال قسط دارچینی و تخم زعفران نارون فستین از هر یک سه درم سنگ مو قوقطر اسالیون از هر یک دو درم و نیم زرشک
تخم شلغم کند نا لسان العصافیر حب القلقل از هر یک دو درم سنگ افیون سه درم سنگ بیخ
بکوبند و ناگبین سه شند چنانچه رسم است شربت یک مثقال بعد از شش ماه **تریاق المثلثه**
تالیف ابو ماهر جهت قروح گرده و مثانه و مجاری بول و احتباس و حرقت بول مزمن بغایت
مجرب است و جهت امراض رحم بسیار نافع و مدر حیض و مسکن دردها اعضای تناسل و
مانع صعود ابخره بدماغ و مقوی اعضا است قدر شربت در اول یکمثقال تا سه او قیه بشیر الاغ
و هفت درم ماء العسل و در مزاج بسیار حار با شراب و آب غوره و در وسط علته دو مثقال
تا هفت درم آب بارتنگ مطبوخ و پنجدرم ماء العسل و در آخر علته گرچه ک شده باشد و چون

اجزاء مساوی کوفته بعسل مصفی سه وزن ادویه معجون سازند شربت ازان چهار دانگ با یک مثقال
بآب گرم و قوت این تریاق تا دو سال باقی می ماند بعد از چهل روز استعمال میتوان کرد و بدلش
نصف وزن تنزود بطوس است و گفته شد که بعضی اطباء بعوض مرصافی قسط تلخ داخل کرده اند
و حکایت کرد صباریجت که یافتم در نسخه که یک جزء زعفران بر این اجزاء اربعه این تریاق زیاده
کرده شد و شیخ رئیس گفته که بعضی اطباء بعوض زراوند طویل زراوند مدحرج داخل می کنند و این دوائی
است تریاق ثمانیه بعد تریاق اربعه تالیف شده نافع است از برای گزیدن حشرات و دافع همه
زهرهاست و بادها بشکند و قولنج بکشاید و تفتیح سده ها کند از برای صلابت محال و سده های آن نافع
بود و فالج و رعشه و صرع را سود دارد ص مرکبی حب الغار حنظیانا قسط تلخ از هر یک شش مثقال
فلفل سفید سلیخه سیاه از هر یک چهار مثقال زعفران دارچینی هر یک یکمثقال اجزا کوفته بنجبه بعسل
مصفی سه وزن ادویه بسرشند شربت از یک مثقال تا سه مثقال بعد از اندرباجس اول حکیم
بلیدس هر چهار جزء تریاق صغیر افزوده به تریاق ثمانیه نامیده تریاق صغیر از رئیس در دفع سمیت
جانوران سمی اقوی از تریاق اربعه است ص زراوند طویل حب الغار حنظیانا پوست بیخ کبرا فستین
زرد چوبه بیخ خطمی با شش اجزاء مساوی کوفته بنجبه بعسل مصفی معجون سازند تریاق که عقرب
گزیده را بغایت مفید بود و خداوند قولنج و درد احشاء و سدهٔ رودها را بغایت نافع است و تسهیل
ولادت کند ص مرصاف حب الغار قسط تلخ پودنج سداب بری جندبیدستر عاقرقرحا زنجبیل
فلفل شونیز حلتیت اجزاء مساوی کوفته بنجبه بآن سه وزن تمام ادویه عسل مصفی بقوام آورده
معجون سازند شربت دو درم بآب نیمگرم تریاق بلیغ النفع که جماعتی از اطباء آنرا در دفع افاعی
تریاق کبیر یافته ص زراوند مدحرج جندبیدستر هر واحد یکدرم و نیم فلفل سه درم انیسون ده درم
کوفته بنجبه بمفتجج بسرشند شربت یک جوزه تریاق الطین جهت سموم نافع و خاصه اوست
که چون مسمومی بخورد تا از سم پاک نشود قی نایستد و اگر قی نیارد دلیل آن باشد که سم نخورده ص
گل مختوم حب الغار ابر سا بالسویه کوفته بروغن گاو چرب کنند و بعسل بسرشند شربت یک فندقه

اضافه نمایند پاشویه جهت صداع بارد ص گل بابونه اکلیل الملک گل خطمی عنب الثعلب
زوفا خاشاخرد نمک طعام سبوس گندم نام بدستور متعارف پاشویه نمایند واگر چوب چینی یا عشبه
حسب حاجت اضافه نمایند اقوی خواهد بود بنادق کندری ذرب واسهال معدی ومعوی را
نافع بود ص مازو سنبر یکدرم کندر کزنانج هریک پنجدرم افیون چهار درم حب الاس ده درم کوفته
بیخته بنادق سازند هریک دو دانگ بنادق دیگر زنجبیل واسهال را نافع بود ص مردار سنج دانگی
ونیم کافور یکدانگ بروغن زنبق بندق سازند وبدهند فوراً انشاء الله تعالی حبس می کند واین
شربت مرد کلان راست وطفلان را کمتر باید داد وزیاده برانچه مرقوم است ندهند که خوف حدوث
قولنج خواهد بود بنادق جهت عسر بول که سببش جمود دم یا ریم در مثانه ونشان وی حدوث عسر است
عقب بول الدم وده ص قرد مانا مرقوه اهبل اشق بالسویه اشق را در سرکه حل کنند ودیگر اجزا
کوفته بیخته بآن لبسرشند وبنادق سازند وبطبیخ نیرو دریا طبیخ اصول بالای آن نبوشند بنادق
نیرو در حرقت بول وقروح کلیه ومثانه وعسر البول را نافع بود ص مغز تخم خیار پنجدرم مغز تخم خربوزه
ده درم مغز تخم کدو نیرو البیخ خرفه تخم خطمی مغز بادام مقشر کتیرا انشاسته رب السوس خشخاش سفید
گل ارمنی تخم کرفس از هریک یکدرم بکوبند وبنادق سازند وشربت سه درم بشراب خشخاش بنادق
بجهت جمود دم در مثانه منقول از معالجات قانون ص اهبل حلتیت اشق فوه اجزا ارمساوی
کوفته وبیخته بنادق سازند شربت چار بندقه بمقدار الاصول باب التاء تریاق الاربعه تریاق
صغیر نیز گویند حار یابس است در آخر درجه دوم محلل ریاح غلیظ ومصلح کبد وطحال است باصلاحی
عظیم وسفتح سده بود ونافع باشد از برای سم مار وعقرب وعنکبوت وجمیع جانوران گزنده وزهر
دار را وفضلات که محتبس بسبب برودت بود می نماید واخراج جنین میت وتسهیل ولادت کند
ونافع است از برای صرع وخفقان وقولنج بگشاید وجمیع امراض بارده را مفید بود لیکن مورث
صداع ودمعه است ومصلح آن شیره خرفه مقشر گویند تالیف اندرماخس قدیم است
واول ترکیب ادویه فادزهریه اطبا است ص حب الغار وخطمیا ومرصاف وزراوند مولیل

نصف مثقال است و اقلش دانگی و قولش تا پنج سال باقی است بر شیعسار دیگر از محمد صادق
برای نزله و زکام نافع بود و ممسک و مقوی باه است ص مروارید ناسفته سائیده کهربای شمعی
بسداحمر سنبل الطیب عاقرقرحا خولنجان زنجبیل سلیخه بهمن سفید بهمن سرخ سافج هندی آلهٔ منتقی از
نفره از هر یک شش درم گل سرخ چهار درم قرنفل جوز بوا دارچینی عود بلسان دوالسعد کوفی زعفران
هر واحد چار ماشه بزرالبنج نانخواه هر یکدو درم مشک خالص ماشه افیون پا و آثار عسل خالص و آثار
مغز پسته مغز بادام مغز نارجیل مغز گردگان از هر یک یکدام فلفل دارفلفل چهار ماشه کوفته بیخته بدستور
معمول معجون سازند پاشویه استعمال پاشویه در عین شدت حمی مفرط الحرارة روانیست چه در حمی
آب گرمی حمی میفزاید و اگر ضرورت مثل خوف حدوث سرسام و جز آن داعی باشد از آب نیمگرم
مائل بسردی نمایند و در وقت استعمال پاشویه ردای مابین طرف آب و وجه مریض دارند تا بخار مذاب
نرسد و اصل پاشویه آب گرم است و برای تبرید و تقویت دار خار جلد دیگر او دویه اضافه می نمایند و بعد
پاشویه پاها را خشک کرده و در دار پوشیده دارند خصوص در هوای سرد و تکرار عمل بحسب حاجت است
و در حمی محرقه اکثر در روز چارم بحران برعاف میشود اگر ممکن باشد تا چهارم پاشویه ننمایند مگر آنجا که بسبب
شدت عوارض در استعمال پاشویه مجبور باشند و در روز چارم هرگاه معلوم نمایند که رعاف خواهد شد
احتیاط ضرور آنهم الاعند کمال الضرورة و هرگاه شد رجلین جهت جذب مواد کرده باشند چون پاشویه
پاها را در آب گرم گذارند تا انجره صعود ننمایند و حل دفعة نکنند و ابتدا از طرف قدم باید کرد بخلاف شد
و هرگاه پاشویه و مجمه هر دو نمایند و اول مجمه بی شرط بکار برند بعده پاشویه نمایند تا انجره که بسبب مجمه با سفل
منجذب شده اند از پاشویه تحلیل شوند و باز صعود ننمایند و پاشویه بسبب تفتیح مسام و تسییل عرق در کشیدن
حرارت بطانیز هم نفع میرساند پاشویه نافع برای صداع شدید الحرارة و قرانیطس و سهر و اختلال
آن ص برگ بید نیم پا و برگ کنار گل بنفشه گل نیلوفر هر یکدو درم گل خطمی عنب الثعلب هر یک سه درم
آرد جو چهار دام در ده آثار آب جوشانیده صاف نموده پاشویه نمایند و در اثنای آن پاهای از ساق علی
باسفل مالیده باشند و اگر تبرید زیاده مطلوب شود برگ خرفه برگ اسفاناخ گل سرخ برگ کوکنار شاهدانه

نرم بپزند و رغوه بگیرند عسل بپزند تا بقوام برسد در ظرف نقره یا آبگینه بدارند و استعمال عند الحاجت
نمایند خواه تنها یا بگلاب برود که لغایت مقوی و حافظ چشم و قاطع دمعه و قالع بیاض و حکه
و جرب مزمن و محلل اورام است و جالینوس مصنف اوست ص صبر فلفل دار فلفل
شاذنج مغسول بقناطیس سوخته مغسول هر یک نصف جزء توتیای کرمانی سافج هندی
مس سوخته هر یک یک جزء مامیثا، مازوی سبز چشمیر چ انزروت زبد البحر یک ربع جزء
باریک ساخته با آب انارین پنج مرتبه بپرورند در هر مرتبه در آفتاب گذارند برود خیار بالنک
ص بیارند خیار بالنک خورد و مجوف کنند و توتیا و دران پر کرده در خمیر گرفته در تنور گرم
گذارند که خمیر پخته شود بعد ازان توتیا برآرند و صلایه بلیغ نموده باستعمال آرند و اگر آن توتیا را
در آب کدوی تازه بسایند بهتر خواهد بود و نیز توتیا را بغیر پختن در آب کدو یا خیار تازه خوب سایند
بکار برند همین منفعت دارد و اگر توتیا را چند مرتبه گرم نموده در گلاب تطفیه کرده صلایه کرده استعمال
نمایند در تسکین حرارت چشم و تقویت آن نفع عظیم دارد برود از شاگرد حکیم علی تقویت بصر
میکند و نزول را نافع است ص آب بادیان تربیت مثقال عسل صاف ده مثقال زیره
کیک مثقال مجموع را در شیشه کنند و در آفتاب نهند تا غلیظ شود ببرند عساء معنی وی برآسایش
است جهت زکام و نزله و ظلمت چشم و دوار طنین و لقوه و فالج و صرع و رعشه و سیات سهر
و نسیان و مالیخولیا و غیره امراض سوداوی و سهر مفرط و ضعف اعصاب و استرخا رلته و
ملاذه دهن و بخر فم و سیلان لعاب و نزف الدم و قولنج مزمن و درد معده و کبد و سده و ضعف
کبد و استسقاء و سرعت انزال مفید و ادمان او بعد انزال امن دهنده از مضار و در قلع
حمیات خفیفه و سعال نافع و پادزهر جمیع سموم ص فلفل سیاه فلفل سفید زرنباد الینج سپید
هر یک بیست مثقال افیون مصری ده مثقال زعفران پنج مثقال سنبل الطیب عاقرقرحا
فرفیون هر یک یک مثقال ادویه جدا جدا بکوبند بعده وزن نموده همراه عسل صاف که
سه وزن ادویه باشد بسرشند و سه ماه در جوار ندیس استعمال نمایند و مقدار شربت او نیم

دانگی کافور دانگ کوفته وبجریر بخته استعمال نمایند وچون لون این مشابه بلون بنفشه است
بدین نام مشهور گشته برص لومار مدراد ورنماید وضربان شدید بنشاند ورد ماده کند وچشم را
دریک روز باصلاح آورد ص شیاف مامیثا انزروت ازهریک هشت درم کتیرا لکدرم عفران
دودرم افیون نیم درم کوفته بخته باآب بادیان یاآب باران لبسر شند ودروقت حاجت بنفشه
خایه مزع حل نمایند وباستعمال آورند برود بالفتح سلیانوس تالیف کرده وچونکه درابتدا راز
مبردات ترتیب یافته باین اسم مسمی گشته وبعدازان درغیر مبردات استعمال این لفظ شایع
شده برود حصرم جرب وبیاض ودمعه وشلاق وسل وظفره رانافع باشد ص توتیای
کرمانی مغسول ده درم پوست هلیله زرد زنجبیل زرد چوب ازهریک پنجدرم وارفلفل مامیران
چینی ازهریک سه درم نمک هندی یکدرم کوفته بخته چندروزدرآب غوره پرورند ودرسایه
خشک کنند دیگرباره کوفته بجریر بخته استعمال نمایند برود دمعه منقول ازشفای مجرب
معمول قبله گاهی ص استخوان هلیله کابلی سوخته سه درم نمک اندرانی مازوهریک یکدرم
ونیم کوفته وبجریر بخته استعمال نمایند برود مارسی قوه باصره رابیفزاید ومحافظت چشم
نماید ص توتیا مرقشیشا اقلیمیای نقره ازهریک پنجدرم سنبل سافج زعفران ازهریک یکدرم
مروارید ناسفته دودرم کافور دودانگ مشک دانگی صلابه کرده استعمال نمایند برود احمر
چشم راخشک گرداند وازسوزش بازدارد ص شادنج مغسول ده درم روئی سوخته پنجدرم
مروارید ناسفته یک مثقال ودودانگ نبات یکدرم صلابه کرده بکار برند برود اسود
دمعه رابازدارد وبیاض ببرد ص سرمه توتیای مغسول ازهریک دوازده درم مروارید
ناسفته سافج هندی یکدرم زعفران نیمدرم مارقیشا هشت درم مشک وکافور ازهریک
دانگی صلابه کرده استعمال نمایند برود درمان که به برود نفاشیس مشتهر است ومجرب است
جهت تقویت چشم وازالهٔ ضعف بصر ص انارشیرین وترش بگیرند وتخم وشحم اورابکوبند وبفشرند
وآب صاف بستانند ودریک من آب صددرم عسل مصفی بیامیزند ودرديگ سنگین بر آتش

غرغره نمایند بعون الهی شفا خواهد شد بنبشی جهت امراض سوداوی خاصه جذام نفع دارد ص
هلیله سیاه شیطرج هندی هریکده درم فلفل پنجدرم بنبشی سفید دو درم ونیم کوفته وبیخته
بروغن گاو چرب کرده بعسل بسرشند شربت این معجون وزن رجلی یک مثقال نوشته اند لیکن
باید که بعد از هفته استعمال کنند فی شفاء الاسقام قال الاستاد قد ترک فی زماننا فصد الوداجین
استعمال البنبشی والبزرجلی انتهی احوط آنکه بنبشی وجز آن هر دوائی که بنبش وامثال آن از ادویه
سمیه داشته باشد بشرط ضرورت بسیار از بسیار بقدر قلیل استعمال نمایند بعد از آنکه از طرف
مضرت او اطمینان حاصل شود ومزاج خوگر کرده بمقدار شربت که در کتب مذکور است برسانند
ونیز همراه این ادویه از ادویه تریاقیه مثل دوا المسک وامثال آن استعمال نمایند بزرجلی
بمنافع بنبشی مقرون است ص هلیله آمله شیطرج هریک چهار درم جوز بوا خیراً قشور کندر موقوفلفل
دار فلفل نارمشک کندش عصاره اسقیل سافج هریک هشت مثقال بنبش سفید چهار مثقال
کوفته بیخته معجون سازند شربت یک مثقال باسلیقون کبیر معنی وی کحل روشنائی است
وگویند نام بادشاهی بود که بجهت او ساخته اند بمعنی جالب السعادت نیز بیان کرده اند وواضع او بقراط
است تاریکی چشم وابتدای آب ودمعه وجرب وسبل وظفره وشرناق وسطبری پلک را نافع باشد
ص کف دریا اقلیمیای نقره از هریکده درم نمک اندرانی سافج هندی سفید آب ارزیز فلفل
دار فلفل سنبل الطیب سرمه اصفهانی از هریک دو درم نمک هندی قرنفل دوالا از هریک یکدرم
صبر سقوطری عصاره مایثا مس سوخته از هریک پنجدرم ماهیران مرنوسادر زرد چوب از هریک
سه درم پوست هلیله زرد چهار درم کوفته وبیخته استعمال نمایند باسلیقون پوست هلیله
این قریب بمنافع کبیر است ص اقلیمیای نقره پنجدرم روی سوخته دو درم ونیم سفید آب
ازیز نمک اندرانی نوسادر جعده فلفل دار فلفل از هریک نیمدرم کوفته بیخته استعمال نمایند
بنفشجی تاریکی چشم ودمعه وجرب وحکه را نافع باشد ص شادنج مغسول دو درم دم الاخوین
دانگی روی سوخته دار فلفل از هریک نیمدرم سافج هندی دو دانگ قاقله مشک از هریک

همه را برابر مجموع جوکوب نموده بقدر نیم دام بر آتش بشکل شتر گذاشته دود آن بگیرند و از هوا محافظت
کنند و پیش از تبخیر اگر دانه ها ظاهر باشند بیست و یک زلو بگذارند تا از راه پیش ماده مترشح شود و
بخور که حبس خون بواسیر کند ص انزروت را تبخ پوست خرتوب پوست مار همه اجزا را
برابر اقراص کنند و بر آتش که از بشکل شتر بود دود نمایند بخور جهت ساقط کردن دانه های بواسیر
مجرب است ص گوگرد بلا در اصل السوس بیخ کبر برگ مورد مکرر باستعمال آرند بخور که ادرار
حیض کند ص جاوشیر اظفار الطیب عود الصلیب میعه یا بسه مکرر تبخیر نمایند بخور که در اسقاط
حمل و تسهیل ولادت عجیب است ص مقل ازرق مرابهل بالسویه گرفته بقدر فندق
قرص سازند و استعمال نمایند بخور که مشیمه و بچه مرده بیرون آرد و بجهت اختناق و عسر ولادت
بسیار نافع بود ص مرمازو جاوشیر گوگرد مساوی کوفته بخته بزهره گاو تر شسته و اقراص سازند
و تبخیر نمایند و در بعضی کتب سم حنظل نیز مرقوم است و تبخیر هر واحد در سم اسپ و موی
آدمی و مرو جاوشیر و سرگین باز و سرگین کبوتر و پوست مار بچه آورده اما پوست مار بچه بکشد بخور کز بزاد
یاری دهد و مجرب است ص زرنیخ احمر مرجوز السرو میعه سایله حب الغار مازو بالسویه کوفته بیخته بعسل
بسرشند و بعد از پاک شدن سه روز متواتر هر روز بقدر یکدرم تبخیر کنند و بعد ازان مباشرت نمایند
بخور که تجر مفاصل مراکبه را نافع است ص حرمل کوفته سدس جزو رسر که یک جزو حل کنند
و سنگی گرم کرده در سرکه سرد کنند و بخار آن بگیرند بخور برای اقسام آتشک از شاه احمد رسیده از
مجربات ایشان است ص شنگرف مازو عاقرقرحا اسکند ناگوری سوصلی سفید خشک هر یکدو مثقال
همه را نیمکوفته چهار ده حصه نمایند و حفر کرده آتش از چوب کنار باغی افروزند تا آنکه دود آن بالکل
زائل گردد و مریض عریان شده چادر بر خود پوشیده بالای آتش مذکور بر هر دو پای بنشیند و یک
حصه دوا بر آتش اندازد و دود آن در تمام بدن بگیرد و دهن نیز کشاده دارد تا بخار اندرون دهن
نیز برسد هر صبح و شام تا هفت روز بهمین دستور استعمال نمایند و از ترشی پرهیز نمایند بلکه گفته اند
که سوار غذا شیرین چیزی دیگر نخورند و هرگاه دهن جوش نماید برگ درخت جنبلی جوشانیده

در آب پخته در طشتی کرده روغن بنفشه و روغن گل سرخ دران داخل کرده علیل چادر بر کشیده
سر را به بخار آن دارد و آب را حرکت داده باشند تا بخار آن بدماغ رسد و روزی دو سه بار این
عمل کنند و اطراف را از پاشویه بشویند بخور منقول از قلانسی نافع بصداع بارد معده بارده بعد
تنقیه ص مرزنجوش فودنه بابونه اکلیل الملک قیصوم شبت شیح نمام غار ادویه پخته بدستور بعمل آرند
و تطبیل این آب بر سر نافع است بخور دیگر برای شقیقه ص اسپرغ را بر روی کاغذ خشک
بمالند بنحوی که کاغذ سرخ شود و آن را فتیله کرده سر او را آتش زنند دود آن در بینی کشند بطرفی
که درد است اگر درد در تمام سر باشد در هر دو سوراخ بینی کشند مجرب است بخور که لبلاب غس را سود
دهد باید که روز سوم تخیر کند ص حاشا فودنج هر دو برابر و سرکه بپزند و نزدیک بینی دارند بخور منقول
از بیاض عم مرحوم جهت فالج و تشنج مفید ص شیر خام یکدام پخته برگ بکاین یا و آثار برگ سنبهالو
یا و آثار سیر و زنجبیل را جوکوب نموده در دو آثار آب بجوشانند مادامیکه نصف آب بماند در جای
محفوظ زیر لحاف بخار آن را بگیرند و باحتیاط دود آن را بپوشند بخور که سعال بلغمی را نافع ست
ص مرقسط زعفران برابر کوفته و شراب سرشته اقراص سازند بسوزند دود بگیرند بخور که جهت
سعال عجیب است ص بگیرند زراتینج مرمرا کرنب زرنج سرخ و شخم همه را بر آتش بگذارند و قرصها
سازند قرص نصف مثقال و یقمع هر روز سه بار بخار بگیرند بخور جهت شوصه و ربو و نفث الدم
ص قسط میعه صمغ البطم مصطگی از هر یک یک اوقیه آمیخته کوفته تخمیر نمایند بخشتی که دود آن متحیر
دو دهن نرسد بخور نافع برای ربو و سعال مزمن و نفث نتن و ضیق النفس را در ساعت دور
کند و بقرص راتینج مسمی ست ص زراوند مر میعه سایله قنه مساوی راتینج برابر همه ادویه را در روغن
گاو خمیر نموده حب ها بسته از قمع دود آن علی الریق بگیرند بخور منقول از بقائی جهت تسکین وجع
بواسیر عمیاره و غائر و برای پژمرده کردن دانه ها ظاهر مجرب است ص سلیخ الحیه چرک گوش فیل
مثقل ارزق پوست بیخ کبر پوست تخم مرغ پوست انار کلاه بادنجان فوفیون شاهم گوز شاخ کرگدن شاخ
گاو که از کله گاو بوسیده گرفته باشند مشک دانه دار خراطین خشک موی سر آدمی خار خسک پنبه آن

درم سکنکور وچهل درم آب کاسنی پنجاه درم آب سم کیاه آمیخته بیمار رادران بنشانند آبزن که
اورا رطمث کند ص آن سلیخه مرزنجوش اذخر پودینه قسط اکلیل الملک شونیز کرنب سداب
فودنج کرفس حاشا بر بنجاسف قرمانا از هریک جزوی بپزند ودران نشینند آبزن که بچه مرده را
بیرون آرد ص مشکطر امشیع بر بنجاسف وج ترکی قسط سلیخه نانخواه فودنج مرزنجوش تخم هلیون حلبه
فراسیون جعده عود بلسان اسارون هریک جزوی بجوشانند ودران نشانند آبزن ازکل
الصنایع جهت نقرس ووجع مفاصل مزمن هرگاه بدن لاغر شده باشد وعلاج فائده نکند بکار آید
ص بگیرند گفتار زنده ومحکم به بندند ودر دیگ کنند وآب شیرین آنقدر که بپوشاند بر آن ریزند
وگوشت خروسی مقدار صالح ونخود سیاه وسفید هریک مشتی بزرگ وجرجیر وکذر وشلغم وسداب
ولبلاب ورازیانه وبرگ کرفس وکراث نبطی هریک پنجدرم کرنب نبطی هفتاد درم زرنب کابلی
یک رطل پیاز صد درم بیفزایند وبپزند تا بثلث رسد پس صاف کنند ودر نیمگرم نشینند تا یکساعت
وسه روز متواتر استعمال کنند وهر روز گرم کنند وبعد هر سه روز تازه سازند آبزن که رحمی را
بکار آید وفائده عظیم از ترطیب وتبرید نماید ص گل نیلوفر گل بنفشه پوست خشخاش سعتر مقشر تخم
خطمی تخم کاهو وبرگ آن برگ بید برگ خبازی برگ خرفه برگ اسفاناخ تراشه کدو وتراشه خیار
جمله با هر چه میسر آید در آب بسیاری بجوشانند وعلیل را در آن نشانند لیکن باید که سر بیمار بیرون از آب
باشد وآب فاتر بود وبعد خروج تدهین بادهان چون روغن کدو وخشخاش وجز آن مفید تر است
وکذا لک تقطیر در گوش والف باب الباء باد مهرج معرب از بادمهره برودت معده وجگر
ورحم واحتباس طمث را نافع بود ورياح غليظ را دفع کند وسنگ جگر وسپرز را بکشاید منقول از شفائی
ص زربناد درونج عقربی افیون جندبیدستر عاقرقرحا فلفل دارفلفل سلیخه هوم المجوس بزرالبنج
قسط لبنی جاوشیر زعفران از هریک شش درم حلبه بهشت درم بازرد مر از هریک دوازده درم
مروارید ناسفته ده درم عسل دو وزن ادویه بطریق متعارف معجون سازند نخور از برای صداع
حار مادی مستعمل بعد تنقیه ص گل بنفشه برگ خطمی خوبقشر نیکوفته گل نیلوفر بابونه جرادهٔ کدو مجموع

دو توگل نیلوفر اصل هلیون از هر یک دو مثقال در دو من آب بجوشانند تا بنصف رسد در حمام
طشتی پر کرده علیل را دران بنشانند و چون از حمام برآید روغن عقرب در اعلیل بچکانند
آبزن برای بول الدم کلوی ص برگ آس عفص گلنار جوز السرو پوست انار گل سرخ
در آب جوشانیده مریض را دران بنشانند آبزن برای حبس بول و عسر آن که حادث از
احتباس بدّه در مجاری بود ص آن گل بابونه گل بنفشه اکلیل الملک خارخسک آرد جو
گل سرخ از هر یک دو تولچه برگ بید برگ خرفه برگ پالک برگ ساگ سرخ از هر یک یکدسته
کدو ریزه ریزه کرده ماحه هر دو عدد در دو من آب بجوشانند و در طشتی کلان پر کرده علیل را
دران نشانند آبزن هرگاه خصیه بزرگ و مراق برآمده باشد مفید بود ص آن بابونه مرزنجوش
حاشا نمام زوفای خشک عنب الثعلب برگ زیتون اکلیل الملک تخم کتان جوشانیده
و روغن ناردین داخل کرده در طشتی کنند و مریض دران نشسته مکرر آن آب را در آفتابه کرده از
لوله آن بر پشت زهار بریزد و ملائم دست بمالد از اعلی بسوی اسفل تا خصیه بجای خود آید
آبزن در سرعت انزال هرگاه بسبب حدّه منی باشد بکار آید ص عوسج برگ مورد گلنار
گل سرخ سماق لحیة التیس ثمرة الطرفا پوست انار جوشانیده بکار برند آبزن بجهت زنان
حامله که حیض بینند سودمند بود ص عدس پوست انار گلنار مازو بلوط حفت بلوط در آب پخته
دران نشینند آبزن قابض گفته اند که اگر در شبی ده من خون رفته باشد آنرا بند نماید اول
قرص کهربا و رب مورد بخورند بعد ازان بگیرند ثمرة الطرفا جوز السرو پوست انار نیکوفته گلنار
هر یک پنجدرم گل سرخ برگ مورد هر یک ده درم در ده من آب بجوشانند تا پنج من بماند در طشتی
ریزند و دران نشینند و بر پشت و زهار بریزند و همین آب را چند مرتبه تکرار کنند و حجامت بی شرط
زیر پستان بکار برند که جذب ماده بدان جانب کند آبزن که فرزند را در شکم مادرش نگاهدارد
تا پیش از ولادت بیرون نیاید ص آن صندل سفید نیکوفته برگ نیلوفر تخم مورد اقاقیا
هر یک سی درم گلنار چهار درم گل سرخ ده درم در پنج من آب بجوشانند تا دو من بماند و

صعتر مرزنگوش جند بیدستر بنفشه بابونه بجوشانند و علیل را در آن بنشانند و اگر ازین ادویه در مثانه گاو
گذارند و بر ناف علیل نهند و بر شکم و ناف روغن شبت و سداب بمالند نفع تمام دهد فائده
استعمال آبزن در قولنج بساست که ضرری نماید زیرا که موجب کرب و غشی می گردد و نیز اگر ماده
در انصباب بود سبب ارخاء باعث ازدیاد انصباب میشود و اگر قولنج بسبب ریح غلیظ بود و
بسبب غلظ تحلیل نیابد پس از آبزن مستعد تحلیل شده منبسط گردد موجب افزونی وجع میشود
اما وقت انحلال پس آبزن شدید النفع است آبزن که در آخر ورم حارمثانه بکار آید ص حلبه
تخم کتان بابونه اذخر سعد سنبل حماما قرد ماناجوشانیده استعمال نمایند آبزن که بول بسته بکشاید
ص آن سداب پودینه بر نجاسف سنبل الطیب نجا م فرزنجوش اسپست خطمی ورق ترب ورق کلم ورق
شلغم شیخ بابونه شبت همه را بپزند و دران نشینند آبزن نافع برای ورم مثانه مستعمل در انحطاط
باید که مریض مدام دران نشیند حتی انکه هرگاه احتیاج بول شود صواب آن است که بول در ان
کند ص دارشیشعان قرد ماناسعد کوفی سنبل الطیب جماما اذخر حلبه بزرکتان تخم شلغم خشک کلم
در آب جوشانیده در طشتی کرده علیل دران بنشیند آبزن که حصاة و رمل از کرده و مثانه پاک
کند ص آن بابونه تخم شبت خارخسک نیمکوفته اکلیل الملک تخم کرفس مرزنجوش حلبه قرطم
پر سیاوشان بنفشه خطمی همه را بجوشانند و بیمار را دران بنشانند آبزن دیگر که از کرده سنگ بیرون آید پوست بیخ بادیان
تخم پونه نیمکوفته خطمی هر یک هفتدرم خارخسک شش درم بنفشه چهار درم اشنان سه درم
همه را در ده من آب بجوشانند تا پنج من بماند در طشتی کرده دران نشینند آبزن که سنگ کرده
و مثانه را نافع است ص ورق کلم بر نجاسف اسپست پودینه سرکین کبوتر مغز خسکه دانه جوشانیده
آبزن نمایند و ادویه که سنگ ریزاند بنوشانند آبزن که سنگ کرده و مثانه را پاره پاره کند
و بیرون آورد و بول براند ص بابونه گل سرخ خطمی اکلیل الملک از هر یکیده درم پوست خربزه
خشک کرده پر سیاوشان حب القلت نیمکوفته از هر یک هفت درم اشنان پوست بیخ زرنباد
اصل السوس از هر یک پنجدرم کاکنج حلبه از هر یک چار درم بر نجاسف گل بنفشه از هر یک سه درم

یکرطل قند و عسل بالمناصفه صد و هشتاد مثقال آنله را در شیر خیسانیده یک شبانروز تر کرده
پس بشویند و در سه رطل آب بجوشانند تا مهر اشود و از پشت غربال بیرون کنند و با قند و عسل
صاف بقوام آورند و او یه را کوفته و بخیته بآن بسرشند انوشدارو لولوی ص آن مروارید
ناسفته بسد لیشب سعد کوفی اذخر زعفران از هر یکدو مثقال عود خام ابریشم مقرض طباشیر سفید
سازج هندی سنبل الطیب گل ارمنی از هر یک سه مثقال عنبر اشهب نیم مثقال شیر آنله سی مثقال
عسل و قند بالمناصفه سه وزن ادویه بدستور مرتب سازند انوشدارو لولوی دیگر تالیف
حکیم جمالا منقول از بیاض جد امجد ص کهربا مروارید ناسفته از هر یک یک مثقال مرجان
سه مثقال لیشب سبز شش مثقال عنبر اشهب ورق طلا ورق نقره از هر یک شش توله سنبل الطیب
نه مثقال عود هندی طباشیر سفید زعفران اذخر گل سرخ از هر یک نه مثقال قرنفل هیل
سعد کوفی سازج از هر یک شش مثقال مشک چهار مثقال آنله یک سیر اکبری عسل و قند
بالمناصفه سه برابر ادویه بدستور بقوام آرند آبکامه معده را قوت دهد و بلغم دفع کند و اشتهای
طعام آورد و تشنج او باقدری گلک چند روز جهت لاغر کردن بران از مجربات است و قطور آن
در چشم مانع بروز آبله بود و اگر بروز کرده باشد در ازاله آن مجرب است ص نان تازه گرم را در کوزه
آب نادیده بگذارند تا سرد شود بعد ازان در سرکه خمیر کنند و در آفتاب نهند و ده روز سرکه بر سر آن
ریزند و روز دیگر بدو شاب خمیر آن تازه کنند و ده روز دیگر بشیرهٔ انگور خمیر آن تازه کنند بعد ازان
او یه گرم کوفته و بخیته بر سر آن ریزند و چون خواهند که آبکامه رقیق گیرند ازین خمیر مقدار یکمن بگیرند
و سه من سرکه کهن بر سر آن ریزند و کیسه پر از داروهای گرم نیمکوفته در ان اندازند و چهل روز در
آفتاب گذارند بعد ازان استعمال نمایند آبزن که زخیر بلغمی را مفید است ص شبت تخم کتان
حلبه خطمی بجوشانند و در طبیخ وی که نیمگرم باشد بنشینند آبزن دیگر که زخیر و رمی را نافع بود حلبه بنفشه
تخم کتان بیخ خطمی تربد و روغن گل و زرده تخم مرغ آمیخته نیمگرم آبزن نمایند آبزن که در قولنج
ریحی که باد غلیظ در طبقات روده لبسته شده باشد نافع بود ص آن انیسون زیره سیاه شبت

افیون سلیخہ از ہر یک چہار درم عصارہ خافث ہشت درم اصل السوس دوازدہ درم کوفتہ
بیختہ بعسل معجون سازند شربت مقدار فندقی در نسخہ دیگر عود بلسان و مر از ہر یک چہار درم اضافہ
نمودہ اند اھر وسیا لغت یونانی است بمعنی حابس المواد است و از تالیف بقراط است
جہت بادشاہی کہ شکایت می کرد از ضعف معدہ گرم است در ثانیہ و یابس در ثالثہ جگر و سپرز و معدہ
و کلیہ را قوت دہد و سدہ بگشاید و در ابتدای استسقاء نافع باشد و علل بارده را دفع نماید و بول براند و سنگ
از گردہ و مثانہ بریزاند و بدن را قوۃ دہد و انچہ بر دو شش ماہ بگذرد بہتر بود و قوت آن یک نیم سال
و گویند تا سہ سال باقی ماند ص قسط تلخ فلفل سفید دار فلفل ہر ہمہ یک نیم درم زیرہ کرمانی دو درم عود
بلسان سلیخہ قرنفل ناخواہ از خرنجم کرفس ہر یک یکدرم وج زعفران ہر یک دو درم مرصاف سہ درم
حب لعار دہ عدد کوفتہ بیختہ بعسل گف گرفتہ بسرشند و در بعضی کتب عسل سہ چند نوشتہ شربت
یک بندقہ باب گرم یا مار الاصول انوشدار و لغت فارسی ست معنی آندارد و ہاضم است
و بغیر ہمزہ نیز گویند و بعضی گویند کہ معنی عطیۃ اللہ و بعد این توجیہ بر ارباب دانش مخفی نیست و بعضی دیگر
گفتہ اند کہ نوش لفظی است موضوع برای ہلیلہ بلیلہ آملہ و خبث الحدید و عسل لہذا مرکب کہ از ین
پنج جزء باشد آنرا پنج نوش گویند و چون درین معجون عمدہ ترین اجزاء آملہ است لہذا اسمی بآن
گشتہ و اکثری از اطباء نوشدارو را جوارش کندی گویند یا برای آنکہ مروج این نسخہ ہندی اوست
یا آنکہ بعضی تصرفات از و درین نسخہ واقع شدہ است و اولی آنکہ بعد از چہل روز استعمال نمایند صاحب
تحفہ آنرا کہ آملہ دو برابر ہمہ اجزا ست جوارش کندی خواندہ و غیر آن را نوش دارو و قوت این
معجون تا دو سال باقی می ماند بسرشش از یک مثقال تا سہ مثقال پیش از طعام و بعد می توان خورد
و این معجون در تقویت معدہ و باہ و اعضاء رئیسہ نفع تمام دارد و بوی دہن و بوی بدن نیکو گرداند
و خفقان و تصرع را نافع می آید انوشدارو نسخہ حکیم شفائی و موافق ہمین نسخہ اکثر باستعمال
درآمدہ ص آن گل سرخ شتدم سعد کوفی پنجدرم قرنفل و مصطگی اسارون سنبل الطیب
از ہر یک سہ درم قاقلہ صغار و کبار زرنب لبسباسہ جوز بوا قرفہ زعفران از ہر یک دو درم آملہ ہفتاد

ص افسنتین مرزنجوش سعتر مجوشانند و انکباب نمایند انکباب مجرب حکیم علی اکبر خان مرحوم بجهت
درگوش ص مرزنجوش پوست خشخاش گل بنفشه کشنیز خشک چوب چینی جوشانیده بخورند نمایند بعد
ازان دسته شقاقل باشعله شمع مومی بریان نموده سائیده بلبته ممزوج نموده درگوش بگذارند اکسیر
چیز برا گویند که درین دندان ریزند و هم نام مرکبی است که دمیده میشود در حلق اکسیر الملوک
نافع است بورم حلق و سقوط لهات و قلاع و ثبره و نجرهٔ دهان ص کافور دو دانگ قاقله زعفران
هر یک یکدرم طباشیر سفیدهٔ عنصل سماق هر یکدو درم زرور دسه درم شکر طبرزد عدس مقشر تخم خرفه
هر یک چهار درم حاشا پنجدرم کوفته درحلق بدمند اکسیر صغیر منقول از قلانسی نافع است از برای
استرخاء لهات ص سعتر فارسی و سعتر نبطی عاقرقرحا حاشا از هر یک جزوی کشنیز خشک و خرزه
اصل السوس نیم جزو کوفته و بیخته درحلق وقت حاجت نفوخ نمایند ارسطون معنی این فاضل
است یا جلیل القدر گویند تالیف ارسطوست ارسطون صغیر نافع است بسبل و برودت چشم
و وجع شکم و حمی مختلفه و ربع و قولنج و وجع رحم ص سلیخه ربع درم عاقرقرحا زعفران فرفیون هر یک سه درم
اقاقیا فلفل گربت اصفر سنبل هر یک یک اوقیه افیون یک اوقیه حماما دو اوقیه کوفته بیخته
بعسل معجون سازند شربت کامله یک مثقال اثاماسیا لفظ یونانی است معنی وی مفید است
و بعضی گفته اند که معنی وی آیم و بهتر کنم است و چون که درین دوا اکبد ذیب و شاخ ماعز داخل
میشود مسمی بدواء الزیب و الماعز شده بعضی دیگر گفته اند که اثاماسیا یونانی جگر گرگ است لهذا
باین اسم نامیده شده اوجاع کبد و طحال و معده و اسهال سبلغی و سعال
مزمن و حمی یوم و خدر و وجع کلیه و مثانه و ربو و بواسیر را نافع بود و بادها بشکند و دردها ساکن
سازد ص مرافیون زعفران جندبیدستر بزر البنج قسط قردمانا غافث خشخاش شاخ راست
بزکوهی سوخته جگر گرگ خشک کرده مجموع مساوی انچه کوفتنی است بکوبند و انچه گداختنی است
بگدازند در شراب و عسل صاف معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربت نیم مثقال
تا یکدرم اثاماسیا صغیری منافع آن بکبیری است ص آن میعه سائله زعفران قسط سنبل طیب

افیون

وی شافی و نزد بعضی نافع و نزد بعضی نفاذ و نزد اکثری اصل کار ست زیرا کہ اکسیر در اصطلاح اہل کیمیا
اصل کار را گویند اکثرین کہ قرحہ و مورسج را نافع ست منقول از شفائی ص سفید آب
از زیر ہشت درم اقلیمیا می نقرہ صمغ عربی از ہر یک چہار درم روی سوختہ یک درم نشاستہ
افیون از ہر یک دو درم صلابہ کردہ استعمال نمایند اکثرین منقول از یحیی نزدیک خوف نتود
حفظ مورسج استعمال کردہ میشود ص صبر یک درم افاقیا سہ درم کچلہ شاد نج عدسی ہر یک دہ درم
بدستور معمول سحق کردہ در چشم ذرور کنند و بر فادہ بستہ بر قفا بخوابند و حرکت نکنند افراطیقون
نافع اورام و مواد حارہ چشم ص انزروت مربی در شیر خردہ درم شیاف مایثیا پنجدرم صبر دو درم
افیون زعفران درم اگر صیف باشد بامیران نیمدرم و اگر سرما بود سفیدہ از نیز نیمدرم اضافہ نمایند و نہایت
باریک نمودہ بکار برند انکباب گرانی گوش کہ از عقب مسہل پیدا شدہ باشد و سبب آن
بخار بود زائل گرداند ص بابونہ اکلیل الملک قیصوم ہر یکدہ درم تمام مرزنجوش اذخر پوست
بیخ بادیان پوست بیخ کرفس گل سرخ ہر یک پنجدرم در دہ آثار آب بجوشانند تا بسہ آثار آید سر و
گوش را بہ بخار آن بدارند و تظلیل حوالی گوش بنحوی کہ آب دماغ نریزد نمایند انکباب نقصان
و بطلان سمع را کہ سبش خلط غلیظ خام باشد سیود دہد بعد تنقیۂ دماغ ص سداب سعتر افسنتین
باسرکہ و زیت و آب بیزند و در آفتابہ اندازند و فمی بر سر آفتابہ نصب ساختہ یک سر فمع بقدر برداشت
گوش نہند تا بخار اندرون گوش رود انکباب معمول جہت درد گوش و سر حارص گل بنفشہ گل نیلوفر
برگ بید گل خطمی گل سرخ عنب الثعلب از ہر یک دو تولہ کوکنار نیم تولہ در آب بجوشانند و سر بہ بخار آن
دارند و ہر گاہ تحلیل زیادہ مطلوب باشد بابونہ اکلیل الملک بیامیزند و ہر گاہ تسکین وجع و تبرید
مطلوب بود تخم کاہو و بزر البنج بیفزایند انکباب جہت درد گوش کہ بسبب ریاح بارد غلیظ باشد
سود دارد ص شبت تر بابونہ اکلیل الملک ورق خار مرزنجوش تمام قیصوم جملہ را بجوشانند و استعمال
نمایند انکباب کہ معمول است ص آن افسنتین اکلیل الملک گل خطمی ہر یک یکتولہ در شیر گاو
کہ یک رطل باشد بجوشانند و استعمال نمایند انکباب کہ طنین و دوی را سود دہد بعد از تنقیۂ دماغ

نسیان وجمیع امراض بلغمی را نافع باشد وهاضمه را قوت دهد وباه زیاده کند ص عاقرقرحا شونیز قسط
فلفل دارفلفل وج از هریک ده درم سداب خبطیا نازراوند مدحرج حلتیت حب الغار خبث سنبل
شیطرج خردل از هریک پنجدرم عسل بلادر چهار درم ونیم داروها را کوفته وبیخته بروغن گردگان
چرب کنند باعسل بلادر دوسه وزن ادویه عسل صاف بسرشند وبعد ازشش ماه استعمال نمایند منافع
یک مثقال انفردیا صغیر منافع آن قریب بمنافع کبیر ست ص هلیله سیاه پوست بلیله
آمله متقشر از هریک ده درم سعد کوفی سنبل الطیب کندر وج فلفل زنجبیل عسل بلادر را از هریک
پنجدرم داروها را کوفته بیخته بروغن گردگان چرب کنند وباعسل بلادر دوسه وزن ادویه عسل صاف
بسرشند وبعد ازشش ماه استعمال نمایند اسود سلیم واصفر سلیم منسوب بسوی سلیم است
کروکیل عبدالله بن ابی بکر بود وصاحب تذکره اسود سلیم را منسوب بعبدالله ابی برکات کرده
وچون لون این سیاه ست مسمی باسود گشته واسود سلیم نافع است جهت فالج ولقوه وخدر
وصداع مزمن ودیگر امراض بارده وعادت خوردن افیون قطع می نماید وقدر شربت پنجدرم
وگرم دراول ودوم وخشک درآخر سوم ص سنبل الطیب مصطگی زرنباد دروج هریک بیست
درم زعفران سه درم افیون فرفیون پنجدرم فلفل سفید کندش ملح هندی ملح لفطی پنج پنج
پنج تفاح عاقرقرحا مرلبان شیطرج هریک بیست درم وج سکبینج اشق زراوند طویل مدحرج خردل
مقل ازرق خربق جندبیدستر حنظل کبربت اصفر بزرجیر فنجنبکشت سداب جبلی هریک چهل درم
شونیز بارزد فتای بری از هریک شصت درم جاوشیر هشتاد درم بزرجبل یکصد بیست درم
صمغ ها را در قطران ابیض حل کنند ودیگر داروها را کوفته باهم آمیخته بعسل سفید تسقیه نموده دوماه
مدفون دارند وبعمل آرند اغبر لولوی منقول از شفائی جهت جرب وسبل وشقاق وضعف باصره
مفید ست ص توتیای کرمانی شسته شبح محرق شسته از هریکده درم مروارید ناسفته شسته پنج درم
نبات پنجدرم صلایه کرده استعمال نمایند ووجه تسمیه در اکثر کتب بنظر نیامده بخاطر می گذرد که چون آنرا
مثل غبار بیسایند یا آنکه رنگش مانا برنگ غبار ست لهذا باین اسم مسمی شده اکثر من معنی

صداع دوار وشقیقہ وصمم وفالج ولقوہ ورعشہ وبہق وبرص وجذام وقوبا وسعفہ وداء الثعلب و
مالیخولیا ودرد گوش وبیضہ وخورہ وغیرہ امراض باردی وبادی رانافع بود ص سنبل تخم خنظل
پنجدرم پیاز عنصل مشوی غاریقون سقمونیا خربق سیاہ اشق اسقودریون از ہریک چہاردرم
ونیم افتیمون کمادریوس مقل صبر ازہریک سہ درم خاشاہو رفاریقون انیسون چہاردرم ساذج
ہندی فراسیون حبدہ سلیخہ فلفل سفید مرجاوشیر خبد بید ستر سنبل فطراسالیون زراوند طویل
عصارہ افسنتین فرفیون حماما زنجبیل ازہریکدو درم جنطیانا اسطوخودوس از ہریک یکدرم ونیکوفتہ
بیختہ بعسل بسرشند شربت چہاردرم بآب گرم وعسل وبعد ازشش ماہ استعمال نمایند ایارج
شیخ بوعلی اخراج سواد سوداوی کند ومالیخولیارا نفع نماید وحکیم مذکور مجرب نوشتہ ص گل سرخ
خربق ازہریک یکدرم ملح ہندی یکدرم وثلث وحجرارمنی نصف مثقال شحم خنظل فلفل سفید
ہریک یکمثقال تخم ریحان وتخم فرنجمشک پودینہ خشک تخم بادرنجبویہ تخم اترج ہریکدودرم
افتیمون دودرم ونیم درم غاریقون زنجبیل ہریک دومثقال وج حماما اسارون حب بلسان
حاشا صعتر تخم کرفس دوقوتخم گندربستانی ہر واحد سہ درم صبر تنبج مثقال گاوزبان گیلانی دہ
درم کوفتہ بیختہ بدوچند عسل آمیختہ شش ماہ بگذراند بعدازان بعمل آرند ایارج ارکاغانیس جہت
جرب وقوبا مع طبیخ شاہترہ دادن وبرای درد معدہ وشکم ورحم باطبیخ سداب مع سہ قیراط عجبد ستر
وبجہت درد پشت اندر طبیخ کرفس وبرای عرق النسا درمیان طبیخ قطوریون خاصہ اگر چار قیراط
عصارۂ قثاء الحمار باوی ترکیب کند وجہت عض سگ دیوانہ مع یکدرم سرطان نہری سود
دارد وہمہ بیماریہای بلغمی وسوداوی وابتدای نزول مارونگی نفس وگرفتگی آواز رامفید ست
ص شحم حنظل دہ درم فراسیون اسطوخودوس خربق سیاہ کمادریوس فلفل سیاہ ہریک
بیست درم بصل الفار فرفیون صبر زعفران جنطیانا فطراسالیون جاوشیر ہریک پانزدہ درم
جعدہ دارچینی سکبینج مرسنبل اذخر پودینہ جبلی زراوند مدحرج ہریکدو درم سقمونیا دہ درم کوفتہ و
بیختہ درسہ چندان عسل کف گرفتہ بسرشند شربت چہارمثقال انقردیا فالج ولقوہ وصرع و

لہ انقردیا لغت رومی است عربی آن شیرخشت است بفارسی

بلادر ہم ضبط کردہ اند اصل این است سوداوی ترکیب بفرماید ۱۲

کھورہ ہر یک دو درم کوفتہ وبختہ بار وغن بادام چرب کردہ باکشمش مذقوق لسبر شند شربت از
دو درم تا چہار درم مع طبیخ عناب اطریفل غد. دی بجہت خنازیر نافع است ہلیلہ سیاہ
پانزدہ درم بلیلہ آملہ تربد ہر یک ہفتدرم افتیمون دہ درم بسفایج اسطوخودوس غدد خشک
کہ در گلوی گوسپند بیاشد ہر یک پنجدرم سنا کی چار درم غاریقون زرنباد شیطرج نوساد ہر یک
سہ درم انیسون قرفہ سنبل الطیب قرنفل بحری جوز بوا خیر بوا مصطگی ہر یک دو درم کوفتہ
وبختہ بعسل مصفی لسبر شند شربت پنجدرم و در نسخہ دیگر ہلیلہ وآملہ وتربد ہر یک پنجدرم بسفایج
واسطوخودوس وسنا کی ہر یک ہفتدرم وقرفہ وشیطرج ودیگر ہمہ مثل سابق است اطریفل
کہ بہق وبرص را نافع است ہلیلہ کابلی بلیلہ آملہ برگ حنا ہر یک دہ درم وج دو درم دوقہ ہشت
درم مصطگی سہ درم افسنتین پنجدرم سویز منقی سی درم عسل قدر کفایت اطریفل کشمشی
جہت سرعت انزال وکشادگی مجری بول ومنی مجرب ست ص پوست ہلیلہ زرد ہلیلہ سیاہ
پوست بلیلہ آملہ منقی ہر یک دو درم کشنیز خشک چہار درم کوفتہ بختہ بروغن بادام چرب کردہ
باکشمش دوازدہ درم نبات بیست وچہار درم بقوام آرند شربت سہ درم ایارج بکسر ہمزہ
وقیل بفتح ہا تفسیر آن دوای الہی است ونسبت بآلہ السبیب قوت عمل او نمودہ اند وبعضی گفتہ اند
ہر دوای کہ اسہال بخواص وقوی کند کہ حق تعالی دران نہادہ است آنرا دوای الہی گویند
ودر بعضی کتب تفسیر ایارج بدوای مسہل مصلح ست جہت آنکہ درین ترکیب ادویہ مسہلہ با مصلحات
است وبعضی بدوای شریف تعبیر نمودہ بشرافتہا واین اول مسہل است کہ حکماء متقدمین ترتیب
دادہ اند انیست ایارج فیقرا معناہ النافع ومشہم گویند وقتی کہ داخل کردہ شود شحم حنظل فائدہ
می کند اکثر اقسام صداع را ومعدہ را از اخلاط غلیظ پاک کند واستاد اکثر باطریفل کوچک یا کشنیز
یا گلقند ممزوج نمودہ استعمال فرمودہ منافع بسیار مشاہدہ گردیدہ ص سنبل الطیب دارچینی
عود بلسان حب بلسان سلیخہ مصطگی اسارون زعفران از ہر یک جزوی صبر سقوطری دو درم
ادویہ شربت دو درم بعسل وآبگرم وبعضی صبر ہموزن ادویہ می کنند ایارج لوغاذیا نام حکیمی است

از هر یک سه درم کوفته بیخته با سه وزن ادویه عسل بسرشند شربتی دو مثقال تا چهار مثقال بحسب
مزاج اطریفل خبث الحدید کبیر منقول از قرابادین قانون نافع ست از برای سوء هضم و سردی
معده و استرخا مثانه و سرعت انزال و زیاده می کند قوت باه راصل پوست هلیله سیاه پوست
بلیله آمله منقی تخم کرفس کوهی شیطرج هندی نانخواه صعتر فارسی از هر یک یک اوقیه هلیل بوا جاما
سنبل الطیب وج ترکی از هر یک سه درم دارچینی چهار درم فلفل سیاه فلفل سفید نارمشک نمک هندی
از هر یک نیم اوقیه خبث الحدید مدبر نیم اوقیه خردل یک اوقیه و نیم نوساد رنیدرم کوفته و بیخته بروغن بادام
شیرین چرب نموده بعسل کف گرفته سه وزن ادویه بسرشند و در ظرف چینی نگاهداشته بعد از شش ماه
استعمال نمایند اطریفل هامان منقول از قرابادین نجیب الدین سمرقندی بهق و برص را
نافع بود و سیاهی مونگاهدارد و امراض بلغمی زائل کند خاصه که بعد از تنقیه مستعمل میشود ص پوست
هلیله کابلی بیست درم پوست آمله منقی افتیمون برنگ متقشر هر یک ده درم تربد سفید پانزده درم
اسطوخودوس بسفایج هر یک هفت درم غاریقون نیمدرم کندر سعد قسط زنجبیل زوفا هر یک
دو درم فلفل دار فلفل نارمشک هر یک چهار درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی سه درم
اگر بر سبیل دوام خورند جهت اسهال حسب مزاج زیاده توان داد اطریفل که صاحب عرق
مدنی را نفع دارد مسهل و قامع این علت ست و هر که در هر سالی این را بخورد سالم بماند و
مادهٔ این مرض پاک شود ص پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله تربد موصوف زنجبیل فلفل جمله دوا
برابر کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کرده بعسل بسرشند شربتی سه درم و در قلانسی گفته باهم
چند همه فانیذ و قند تدهین بروغن بادام نکرده بسرشند اطریفل شاهتره جهت حکه و جرب
و سعفه نافع ست و ابلهٔ فرنگی را زایل کند ص پوست هلیله زرد چهل درم پوست هلیله
کابلی سی درم پوست بلیله آمله منقی هر یک بیست درم سنا مکی ده درم گل سرخ شش درم شاهتره
پنجاه درم کوفته و بیخته با مویز مدقوق بسرشند و بعضی این نسخه را چنین نوشته اند بلیله زرد چهل درم
بلیله کابلی شاهتره هر یک سی درم بلیله سیاه آمله هر یک ده درم ریوند چینی چوب گذر یعنی

شیطرج هندی سه درم بسفایج فستقی یکدرم انیسون نمک هندی از هریکدو درم کوفته وبیخته بعسل سرشته
شربتی یکمثقال تاچهار درم **اطریفل** افتیمون که شیخ درعلاج مالیخولیا بدرجه تعریف کرده ومجرب نوشته
صفت آن اطریفل سه درم افتیمون یکدرم ایارج نصف درم مخلوط نموده استعمال نمایند
اطریفل اسطوخودوس بیماریهای بلغمی وسوداوی راسود دارد ودماغ ومعده را از اخلاط
غلیظ پاک کند صرع ومالیخولیا وبهق وبرص را نافع بود ومداومت آن مانع سفید شدن موی
باشد ورطوبت دفع نماید **ص** پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه آمله منقی ستمکی
تربد سفید بسفایج فستقی اسطوخودوس مصطگی رومی افتیمون مویز از هریک پنج مثقال کوفته وبیخته
بروغن بادام شیرین بست وپنج مثقال چرب نموده بعسل مصفی البسه برابر وزن ادویه سرشته
معجون سازند وبعد از چهل روز استعمال نمایند شربتی چهار مثقال **اطریفل مثقل** جهت بواسیر
نفع عظیم دارد **صفت آن** پوست هلیله زرد پوست بلیله آمله منقی از هریک ده درم مقل
سی درم مقل را در آب گند نا بگذارند وشصت مثقال عسل اضافه کنند وبجوشانند تا بقوام
آید دارو ها را کوفته وبیخته بآن سرشند **اطریفل مقل** منقول از قرابادین عم مرحوم **ص** هلیله زرد
کابلی وسیاه آمله مقشر بلیله از هریک دو درم مویز منقی هشت درم مقل شش درم آب گند نا
یک پا عسل سفید سه برابر ادویه روغن بادام شیرین هشت درم بعد از چهل روز استعمال نمایند
هرچند کهنه شود در حبس خون بواسیر مجرب است **اطریفل مقل ملین** طبع را نرم گرداند
وبواسیر را نافع بود پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله هلیله سیاه افتیمون اسطوخودوس از هریک ده درم
مقل فلوس خیارشنبر از هریک سی ومقل فلوس را در آب گند نا حل کنند وبا عسل مصفی بقوام
آورند ودارو ها را کوفته بیخته بار وغن بادام چرب کرده بدان بسرشند شربت از یکمثقال تا چهار درم
واگر تربد موصوف باسنا کی بیفزایند در عمل خود اقوی خواهد بود **اطریفل دیدان** کرمهای روده
را بکشد وحب القرع را زائل کند **ص** برنگ کابلی ده درم تربد موصوف حب النیل قسط انیسون
از هریک پنجدرم قنبیل ترمس افسنتین سومی درمنه ترکی افتیمون نمک نفطی خردل خطمی سعد آنج

تاشش واولی آنکه بعد از دو ماه استعمال کنند واکثر بطریق سفوف همراه نبات یا نمک و شیر بدون معجون
چیزی در آب تر کرده صباح صاف نموده با شربت مناسبه استعمال نموده شده در فصل و مزاج حار از
اول نافع تر آمده و عسلی گرم تر از شکری ست و مقدار شربتی اگر دو چند خواهد بود در نفع اکمل و در اسباعت
اگر نخواهد بود استعمال اطریفلات علی الدوام باعث ضعف معده است **اطریفل سنائی** معمول
و مجرب حضرت قبله گاهی صاحب برای صداع و شقیقه و دیگر امراض دماغی و معدی مفید صفت
آن هلیله کابلی بلیله آمله برگ سنا مساوی بروغن بادام یا گاو هموزن ادویه شهد سه وزن بدستور
مرتب سازند **اطریفل کشنیز** بجهت تقویت دماغ و معده و قوت باه و بواسیر مجرب ست نسخه معمول
راقم صفت آن هلیله سیاه بلیله هلیله کابلی آمله مقشر فلفل دارفلفل هر یک پنجدرم و نیم زنجبیل بسباسه
بوزیدان شیطرج هندی شقاقل مصری تودری سرخ دزرد و لسان العصافیر مغز خب القلقل کنجد مقشر
خشخاش سفید هر یک دو و نیمدرم همین پنجدرم کوفته و بیخته بروغن بادام یا گاو چرب نموده با زنجبیل
خراسانی هشت دام عسل سفید سه پاو بقوام آورند شربت از دو درم تا چار درم **اطریفل ثانی** تالیف
صاحب تحفه و مسمی باسم پدر خود ساخته و گفته که جهت اقسام بالیخولیا خصوص مرقی و خفقان و
صداع و منع صعود بخار نافع و مداومت او جهت قطع نزله مجرب و قوت او تا دو سال باقی ماند و قدر
شربتش بر سهال از چهار مثقال تا شش و عند المداومت از یک مثقال تا دو مثقال و بجمیع مزاجها موافق بود
ص پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی بلیله سیاه گل بنفشه محمودهٔ مشوی هر یکیده مثقال
زرد سفید موصوف کشنیز خشک هر یک بیست مثقال پوست آمله پوست هلیله مقشر گل سرخ طباشیر
سفید گل نیلوفر هر یک پنج مثقال صندل سفید کتیرا هر یک سی مثقال روغن بادام شیرین سی مثقال
ادویه کوفته و بیخته بروغن چرب سازند و عناب صد عدد و سپستان صد عدد گل بنفشه ده مثقال جوشانده
بهاف نموده یکنیم وزن شیره بلیله و یک وزن عسل کف گرفته بقوام آورده بسرشند **اطریفل**
افتیمون جذام و بیماری های سودا وی را منفعت عظیم دارد و سیاهی مونیز و برنگاهدارد ص
پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله از هر یک ده درم سنا مکی تر بد سفید افتیمون از هر یک پنجدرم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی لطعمنی ویسقین و اذا مرضت فهو یشفین و الصلوة والسلام علی سید المرسلین و خاتم النبیین و آله الطیبین الطاهرین و خلفاء الراشدین اما بعد می گوید معترف بجهل و نادانی خود محمد شریف خان ابن حاذق الملک حکیم محمد اکمل خان ابن محمد واصل خان غفر الله لهما پیش ازان که کتاب علاج الامراض تصحیح و مقابله درآمده اکثر مردم نقل گرفتند و آنرا مشهور ساختند می خواستم که بهنگام فرصت و فراغت همه مواد را جمع نموده صحیح گردانم و دیگر از نسخ و فوائد بسیار بآن ضم سازم تا آنکه پنجسال در سفر منقضی گردید و فراغت و آرام حکم عنقا بهم رسانید ناچار بسرعت تمام در سفر انتخاب علاج الامراض نمودم و لعجالة نافعه موسوم گردانیدم و تصحیح و مقابله کتاب مذکور را بر فراغت وقت موقوف داشتم هو المیسر لکل عسیر +

باب اول اطریفل معرب از تری پهل است که عبارت از هلیله و بلیله و آمله بود + اطریفل خشنیزی در دسر و چشم و گوش که از بخار عارض شود به برد و تقویت معده کند و بواسیر را سودمند بود اجزای آن پوست هلیله زرد و پوست بلیله کابلی هلیله سیاه آمله مقشر پوست بلیله کشنیز خشک مقشر مساوی کوفته و بیخته بروغن بادام یا گاو جرب ساخته با چندان عسل مرتب سازند بعضے کشنیز را برابر مجموع ادویه میگیرند اگر کشنیز داخل نکنند اطریفل صغیر خواهد بود شربت ازدو مثقال

به عون عنایت ملک متعال و فضل خلاق زمین و زمان

غالب نامه

در مطبع نامی منشی نولکشور طبع این مزمطبوع جهان شد

INDIAN INSTITUTE OXFORD

اشتہار

ذیل سطور مین مطبع کے ذخیرہ کتب فن طب سے اسلیے درج کیے جاتے ہین کہ ہمارے قدردان ایک کتاب کی خریداری سے اور اور کتب بھی جو اس فن کی کتب خانہ مطبع مین فروخت کے لیے موجود ہین اوس سے آگاہ ہو کر توجہ فرماوینگے ۔ ۲ - عام قیمت مجوزہ کارخانہ کتاب کے مقابل مین لکھی گئی ہے خریدتا جرانہ اور کن کن شرائط سے تخفیف قیمت مقررہ مین مطبع سے ہو سکتی ہے مطبع کے نام خط کتابت فرمانے سے قدردانون کو فہرست مطول جسمین ہر قسم کی کتابین موجود ہین بفور ورود درخواست و ارسال ٹکٹ ارمحصول فہرست مطول ارسال ہو سکتی ہے ۔ وشرائط تخفیف قیمت مین اوس فہرست سے معلوم ہونگے ۔

فہرست کتب طب اردو و فارسی و عربی

طب اردو			
زبدۃ الحکمت	۲ر	تحفۃ الاطبا . . .	۲ر
مفید الاجسام مع فوائد عجیبہ	۴ر	قرابادین شفائی . . .	۸ر
طب احسانی . . .	۳ر	قرابادین ذکائی . . .	۴ر
علاج الغربا	۱۰ر	مجربات اکبری اردو	۶ر
مخزن الادویہ اردو در دو جلد . . .	۲۵ر	طب نبوی . . .	۲ر
زینت النجل علاج اسہال . . .	۱۲ر	طب اکبر اردو . . .	۱۸ر
ایضاً مع رنگ	۴ر	رموز الحکمت . . .	۲ر
فرسنامہ رنگین . .	۱ر	معالجات احسانی علاج بہائم و انسان	۲۵ر
قانون عشرت علاج تپ دق . . .	۸ر	ترجمہ علاج الامراض . . .	۴ر
		مرکبات احسانی . . .	۶ر

Qayala Kafa

عجالۂ نافعہ

اسم بامسمّٰی از تصنیفات حکیم نامی و نامور حکیم محمد شریف خان دہلوی

صاحب تصنیف علاج الامراض وغیرہ

متضمن

بر اوصاف تاثیرات ادویہ مرکبات و تراکیب و تدابیر و معالجہ

اقسام و انواع امراض کہ بتحقیق و تجربہ تمام نوشتہ اند

حسب تحریک مشفقی راؤ امر سنگھ صاحب رئیس بدمانہ

ضلع مظفر نگر

منقول و تصحیح لائقہ از مطبوعہ کہنہ باحسن ازمنہ مقام لکھنؤ

سنہ ۱۸۷۳ء

در مطبع نامی منشی نول کشور بحسن زیبایش حلیہ طبع در پیوشید

Ṣjāla-i-nāfiya.

Muh. Sharif Khan

1811

49 C 164

~~49 C 3~~

Indian Institute, Oxford.

The Lucknow Sparks Library.

Presented

by

Munshi Newul Kishore.

